

آبادانی

Development

آبادانی به مفهوم آبادسازی، عمران و توسعه و آبادی، به طور کلی، به معنای معمور و مزروع، مترقی و پیشرفته، یا نوساز و بهبود یافته و به عبارتی، جایگاهی سرشار از آمادگی برای زیستن و بهره‌مندی از مواهب آن است. در همین چارچوب، آبادانی یعنی احیاء یا جان دمیدن و زندگی بخشیدن به هر پیکره خمود و کم‌تحرك، خفته و یا راکد و بی‌جان و به اصطلاح، احیاء اراضی موات است.

آبادانی را اغلب مترادف عمران می‌دانند، زیرا ۲ واژه *آبادانی* و *عمران* در گویش فارسی بیشتر به صورت واژه‌های بدیل یا مکمل و مؤید همدیگر به کار می‌رود.

مفهوم عمران به آبادانی و تمدن اشاره دارد و از این رو، یک پدیده اجتماعی تلقی می‌گردد. بنابر تعریف فرهنگ بزرگ ویستر از واژه Development که معادل‌های فارسی آن واژه‌هایی چون توسعه یا عمران (و در اینجا آبادانی) است، عمران یا آبادانی، به معنای فرایند رشد و افتراق و تطور طبیعی یک نظام طی تحولات متوالی، از حالتی ناقص به وضعیتی کامل‌تر و یا پیشرفت از یک حالت یا شکل ساده‌تر وجود به حالت یا شکل پیچیده‌تر در ساختار یا کارکرد آن وجود، آمده است. در عین حال، واژه عمران در برخی از متون علوم اجتماعی، قرینه واژه تمدن در نظر گرفته شده که این نیز بر تغییر، تحول، پیشرفت، ترقی و تکامل جامعه انسانی دلالت دارد.

بانک جهانی (← بانک جهانی) در ۱۹۷۵م در توصیف آبادانی (توسعه روستایی)، چنین نتیجه‌گیری کرد که توسعه روستایی عبارت از راهبردی برای اصلاح وضع اقتصادی و

اجتماعی گروه‌های خاصی از مردم است که در واقع، قشرهای فقیر جامعه بشمار می‌آیند. بر این اساس، هدف عمران و آبادانی روستاها نوکردن جامعه روستایی و خارج کردن آن از حالت انزوا و پیوند آن به بخشهای نوین اقتصاد ملی است.

عمران روستایی فرایندی است متضمن افزایش مداوم تواناییهای مردم روستاها برای دخالت و مشارکت بیشتر در محیط زیست (← محیط زیست) و اشتغال خود که این نیز طبعاً باید با توزیع عادلانه‌تر منافع حاصل از این دخالت و مشارکت برای آنان توأم باشد. در این ارتباط، ۳ مطلب اساسی به قرار زیر مطرح است:

- عمران روستایی را باید با دید وسیع‌تری در نظر گرفت، چون تنها شامل توسعه کشاورزی و اقتصادی روستا نیست، بلکه به معنی عام آن، تمام امور و ابعاد زندگی روستایی، اعم از اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز دربر می‌گیرد؛

- عمران روستایی با این مفهوم، فرایندی است که باید به طور مداوم توان ذهنی روستائیان را برای دخالت و مشارکت بیشتر بر محیط زیست و اشتغال خود افزایش دهد، تا آنان بیش از پیش در مقام آغازگر و اداره‌کننده تغییرات، تحولات و پیشرفت‌ها در جامعه خود درآیند؛ و

- توزیع عادلانه‌تر منافع حاصل از پیشرفت‌های فنی و مشارکت هرچه بیشتر قشرهای فقیرتر که از این تحولات و پیشرفت‌های فنی بهره کمتری می‌برند، موضوع بسیار مهمی است که باید به طور جدی و قاطع در برنامه‌های عمران روستایی، همواره مد نظر قرار گیرد.

آبادانی و عمران روستایی نه تنها ساماندهی و روان‌بخشی سلسله فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه

عام دارد. در این باره، از جمله چنین آمده است که گزارش حالت اجتماعی انسان که آن عمران (تمدن) جهان و آنچه بر احوال جوامع عارض می‌شود و آنچه از آن ناشی می‌شود، جملگی مبین اصالت و تقدم تمدن انسانی و به تبع آن، ضرورت جامعیت حرکت‌های آبادانی و عمران اجتماعی برای تکامل و تعالی جوامع بشری از جهت و جنبه‌های مختلف است.

هدف را می‌طلبید، بلکه برای تحقق این مهم و حتی مقدم بر آن، تأمین نیازهای معنوی و تکامل فکری اعضای جامعه روستایی از الویت به مراتب بیشتری برخوردار است. به همین سبب، اغلب عنوان می‌شود که در مقایسه ۲ واژه توسعه و عمران که در متون تخصصی اغلب به عنوان قرینه‌های واژه لاتین Development به کار گرفته می‌شوند، باب «عمران» یا «آبادانی» و یا به عبارتی تمدن، متضمن



آبادانی و عمران اجتماعی

عمران و آبادی جامعه، به حرکت جامع برای پیشرفت و تکامل مدنیت مردم اشاره دارد. فلسفه این حرکت دلالت بر ارزشمندی و اهمیت اجتماع مردم و براین مبنای، ضرورتاً، جامعیت زمینه‌ها و وسعت دیدگاهها و افقهای مطلوب برای ارتقاء سطوح و دامنه‌های زندگی مردم از جهات معنوی و مادی دارد؛ یعنی اینکه در فرایند آبادی و عمران، جامعه واحد عملیاتی مورد نظر برای اصلاح و پیشرفت همه جانبه و یکپارچه است و اینکه جامعه تحول و توسعه مطلوب می‌یابد، اصالتاً به منظور برآوردن نیازمندیها و تأمین اهداف و آرمانهای آنی و آتی جمع مردم (جامعه) جهت‌گیری و پی‌ریزی می‌گردد. افزون بر اینها، برنامه‌ها و روشهای لازم برای تحول و بهبودی امور، باید تمام زمینه‌ها و دیدگاههای

ارزشهای فرهنگی بیشتری است و ابعاد تحولی آن عمدتاً بر دگرگونیهای بنیادی و تغییرات کیفی و تکاملی برای نیل به مراتب متعالی رشد و کمال مدنیت در انسان دلالت دارد؛ ضمن آنکه مفاهیم عمران و آبادانی همواره حالات و کیفیاتی چون سرزندگی و برازندگی، جلا و صفا و روانی و رونق را به ذهن متبادر می‌سازد، حال آنکه مقوله توسعه حاوی مفاهیم و ریشه‌های اقتصادی و اشارات روشن‌تری دایر بر پیشرفت، بسط، ترقی، نمو، وسعت دادن و نیز گسترش جنبه‌های فیزیکی فعالیت‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی است.

عمران در مستندات تاریخی، از جمله در مقدمه معروف ابن‌خلدون، چه از لحاظ اصالت عضویت اعضای جامعه و چه از حیث زمینه‌های اشتغال و فعالیت‌های مربوط، شمول

کوشش در ایجاد هسته‌های رهبری اجتماعی و شوراهای محلی، به‌منظور انگیزش، ترغیب، هدایت و معاونت روستائیان در روستاهای نیازمند برنامه جامع توسعه، به‌نحوی که روستائیان نیز از آنچه لازم به انجام است، سهم عمده‌ای را برعهده گیرند؛

• هدفهای برنامه‌های مبتنی بر آبادانی و عمران اجتماعی، عبارتند از: کمک به مردم برای یافتن راههایی به‌منظور سازماندهی برنامه‌های خودیاری اجتماعی و تضمین و تأمین برنامه‌های همیاری در زمینه‌های متنوعی که مردم محل برای تعالی فرهنگ اجتماعی خویش تدارک دیده‌اند؛

• هدف آبادانی و عمران اجتماعی کمک به مردم هر روستا در طرح و اجرای برنامه‌های جامع چندین وجهی اجتماعی و خانوادگی به‌منظور افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود صنایع موجود روستایی، تأمین حداقل تسهیلات بهداشتی لازم برای کودکان، بهبود صنایع موجود روستایی، بهبود شرایط مسکن و زندگی خانوادگی و سرانجام، تهیه، تنظیم و اجرای برنامه‌های مناسب برای پیشرفت زنان و جوانان در آن جامعه است؛ و

• هدفهای آبادانی و عمران اجتماعی مبتنی بر ایجاد انگیزه و تمایل به کسب دانش لازم برای همیاریهای جمعی مردم در قالب برنامه‌های مورد توافق است.

اصول مکتب آبادانی و عمران اجتماعی

اصول عمومی آبادانی و عمران اجتماعی شامل موارد زیر است:

- شناخت فرهنگ جامعه مورد نظر؛
- انتخاب صحیح و ژرف مجربان و دست‌اندرکاران برنامه‌ها؛
- انتخاب صحیح مراکز فعالیت؛
- جایگاههای عملیاتی؛
- آغاز کار در پروژه‌هایی که در کوتاه‌مدت متضمن نتایج قابل رؤیت و قابل لمس برای مردم باشد؛
- بهره‌مندی از مشاوره، مشارکت و همکاری آن دسته از مردم محلی که ذاتاً حسابگر و برنامه‌ریز و یا متمایل به نظم در کار برای انجام امور خود هستند؛

مطلوب برای دستیابی به مراحل تکامل معنوی و ارتقاء وضعیت اقتصادی همین جمع از مردم را مورد نظر داشته باشد.

به‌همین ترتیب، آبادی و عمران جامعه روستایی بر ایجاد تحول و تکامل در تمام سطوح و اقشار اجتماعی و بر عموم زمینه‌های عملیاتی مرتبط تأکید دارد و تغییر و تکامل در نظامهای اجتماعی و نیز سازماندهی امور جامعه را ضروری می‌داند. زمینه‌های مورد نظر به‌عنوان بسترهای بالقوه آبادی و عمران، محدود به یک زمینه یا معدودی از زمینه‌ها نیست، بلکه همه زمینه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های ذی‌ربط و امور و تحولات اقتصادی و اجتماعی در بخشهای مختلف جامعه روستایی را دربر می‌گیرد.

بدینسان، حامیان این مکتب از تحول و تکامل روستایی اعتقاد دارند، برای ایجاد تغییر و حرکت سریع و مستمر در مسیر پیشرفت، باید به‌طور همزمان، همسو و هماهنگ، تمام منابع و عوامل و امکانات موجود را برای پیشرفت متناسب همه اقشار در تمام سطوح جامعه روستایی، در کلیه زمینه‌ها و عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به کار گرفت. بدین ترتیب، امکان ایجاد یک محیط مناسب به‌منظور بازسازی، نوسازی و بهبود زندگی و اشتغال، اسکان و نتیجتاً رونق فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی اعضای جامعه روستایی فراهم می‌گردد.

هدفهای مکتب آبادانی و عمران اجتماعی

- آبادانی و عمران اجتماعی شیوه‌ای نو برای ایجاد انگیزه حرکت داوطلبانه مردم، به‌منظور مشارکت در سرنوشت اجتماعی خویش است. از این رو، آشکار است که یکی از هدفهای مهم در این فرایند، تهیه و تدوین و اجرای طرحهای لازم برای همیاری اجتماعی است؛
- آبادانی و عمران اجتماعی فرایندی است که به‌منظور ایجاد شرایط مناسب پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی برای کل جامعه، بر مبنای هدف جلب مشارکت فعالانه مردم و اتکاء کامل به ابتکارات اجتماعی آنان، پی‌ریزی و جهت‌گیری می‌شود؛
- هدف اساسی آبادانی و عمران اجتماعی عبارت است از

محلی در پی‌ریزی برنامه‌ها و انجام امور مربوط متجلی سازد، تا از این طریق بتواند انگیزه‌های خودیاری و همیاری را در مردم تحریک و استمرار کارهای مقبول را به آنان واگذار نماید؛

• در کار آبادانی و عمران اجتماعی، وجود یک جو تفاهم متقابل و پذیرش اصول مورد رضایت طرفین بین یاری‌کننده و یاری‌شونده، لازم است. وجود چنین حالتی به رفت‌وآمد رانندگان وسایل نقلیه موتوری در یک خیابان دوطرفه شباهت دارد. اگر در بین رانندگان در حال رفت‌وآمد در درک و تفاهم متقابل و پذیرش اصول، تردیدی به وجود آید، کار رفت‌وآمد با مشکل مواجه شده و در عمل نظام آمدو شد مختل می‌شود؛

• فرایند آبادانی و عمران اجتماعی، با توجه به تنوع زمینه‌های عمرانی و تعدد برنامه‌های تحولی، فقط از طریق مشارکت نمایندگانی از تمام گروه‌های اجتماعی قابل عمل است؛

• در برآورد مجموع نیازها در یک زمینه واحد، باید به مردم کمک کرد تا با کسب اطلاعات و آگاهی‌های اساسی بتوانند، با توجه به الویته‌ها و امکان دسترسی به منابع، در مورد هریک از نیازها، به بررسی و داوری بپردازند؛

• از آنجا که اغلب کشورهای توسعه‌نیافته در حال حاضر دارای مؤسسات و واحدهای فنی، خدماتی و آموزشی در زمینه‌های متنوع و مورد لزوم برای تأمین مقاصد آبادانی و عمران اجتماعی خود هستند، یک سازمان آبادانی و عمران اجتماعی جدید در یک کشور باید از همان نهادهای موجود برای برنامه‌های خود استفاده کند و به تشکیل واحدهای فنی، خدماتی و آموزشی جدید برای مقاصد مشابه مبادرت نورد. این امر، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته که با محدودیت منابع مواجه هستند، اهمیت دارد؛

• منابع، امکانات و تسهیلات اجتماعی، فرهنگی و اداری موجود در نهادهای مختلف [دولتی] می‌توانند تا حد زیادی برای حل مسائل آبادانی و عمران اجتماعی و حداکثر بهره‌گیری از منابع محدود، مورد استفاده آموزشی، خدماتی و تحقیقاتی قرار گیرند. در واقع، این بخشی از اصالت تعاون (← تعاون) و مشارکت جمعی بین دست‌اندرکاران

• عدم توقع و درخواست برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌ها از مردم برای همکاری و پرداختن به کارهایی که نسبت به آنها تردید و یا هراس دارند و یا با انجام آنها، منابع قلیل آنان در معرض تهدید قرار می‌گیرد؛

• تمرکز برنامه‌ها بر نحوه بهره‌مندی از استعدادها و اقتصادی و اجتماعی جامعه در شرایط موجود، و نه بر اساس برنامه‌های آرمانی؛ و

• جهت‌گیری و تعیین هدفها در قالب برنامه‌های جامع با دیدگاههای وسیع.

به‌همین ترتیب، اصول تضمین‌کننده افزایش کارایی برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی، شامل موارد زیر است:

• تمام زمینه‌های مورد نظر برای اصلاح و بهبود باید همزمان با هم مورد توجه قرار گیرند؛

• مردم جامعه باید از ابتدای فعالیتهای عمران اجتماعی در جریان برنامه‌ریزی قرار گرفته، در مراحل مختلف کار شرکت داده شوند؛

• مسئله مهم در امر آبادانی و عمران اجتماعی، تعالی استانداردهای زندگی روستایی است که این نیز یک فرایند آموزشی است و باید از این دیدگاه مورد توجه قرار گیرد؛

• آبادانی و عمران اجتماعی باید از نقطه‌ای آغاز گردد که افراد جامعه نیازها و روشهای حل مسائل خود را در آن سطح مورد ملاحظه قرار می‌دهند؛

• آبادانی و عمران اجتماعی مستلزم ایجاد و استحکام این باور است که افراد، گروهها و جوامع می‌توانند به حل مشکلات خود کمک کنند. این باور زمانی تحقق می‌یابد که صرف‌نظر از اوضاع اقتصادی و اجتماعی حاکم بر محیط، خود مردم نیز به تواناییهای جمعی خویش اعتماد پیدا کرده باشند؛

• آبادانی و عمران اجتماعی مستلزم اطلاع افراد و اجتماعات از منابع، مؤسسات و مراکز ارائه خدمات و آگاهی آنان از نحوه بهره‌گیری از این امکانات در درون و برون از بخش مربوط در جامعه است؛

• یک گروه و یا یک واحد مسئول آبادانی و عمران اجتماعی تازه وارد به یک جامعه، از ابتدای شروع به کار باید تمایل خالصانه خود را برای همکاری و مشارکت مردم

• در کارهای آبادانی و عمران اجتماعی، در مواردی که مدیران و مسئولان به‌طور همزمان دارای مسئولیتهای دوگانه اجرایی و آموزشی هستند، همواره یک خطر ذاتی برای صدمه زدن به کل برنامه و پیشرفت آن وجود دارد؛

• توسعه اثرات و تأثیربخشی برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی تا حد زیادی بستگی به میزانی دارد که اعضای هر خانواده را دربر می‌گیرد. این موضوع به‌ویژه در فرهنگهایی که به خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی تأکید بیشتری دارند، مصداق می‌یابد؛

• گسترش برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی اساساً تابع ماهیت و میزان مداخله مردم در امور مربوط به خود و مشارکت آنان در حرکت‌های اجتماعی است؛ و

• تأثیر جریان‌های آبادانی و عمران اجتماعی از طریق ارزیابی میزان تحولات حاصله در طرز برخورد مردم - که به‌وسیله تغییر در شیوه‌های زندگی و اشتغال و ارتباطات آنان دیده می‌شود - منعکس می‌گردد. این امر به شناسایی شأن و مقام فرد، مشارکت زنان و جوانان در حرکت‌های اجتماعی و به میزان قابل ملاحظه‌ای، پیوستگی اعضای جامعه برای تفاهم متقابل و همیاری منجر می‌گردد.

فرایندهای مکتب آبادانی و عمران اجتماعی

• فرایند آبادانی و عمران اجتماعی شامل ۲ مرحله است: در مرحله اول، تحول در اعضای متشکله هر گروه اجتماعی از طریق رشد دانش و اطلاعات عمومی، موجب استقرار روابط دوستی، همیاری و افزایش تواناییهای آنان در اداره امور اعضای گروه خود می‌گردد. و در مرحله دوم، به‌علت بروز و رشد این خصایص در هریک از گروه‌های اجتماعی و تأثیری که این تحولات در محیط به‌وجود می‌آورند، موجبات تحول در کل جامعه نیز می‌شوند.

• مشارکت و درگیری اعضای جامعه در برنامه‌های مربوط از بدو امر تأمین می‌گردد؛

• موضوع اساسی رشد استانداردهای زندگی مردم روستایی، به خودی خود، یک خصیصه آموزشی است، زیرا روشنگران روستایی پیش از ارائه هرگونه راه حل، باید روستائیان را تشویق کنند تا موضوعات و مسائل مربوط را

برنامه‌های توسعه در جریان آبادانی و عمران اجتماعی است. نتایج این تعاون و مشارکت جمعی، خود می‌تواند درس آموزنده‌ای برای مردم مرتبط با به برنامه‌های مربوط باشد؛

• آبادانی و عمران اجتماعی مستلزم تحول و تحول مطلوب نیز منتج از آموزش مستمر است. بنابراین، برای تأمین تفاهم عمومی پیرامون اصول و عملیات آبادانی و عمران اجتماعی باید به حد لازم و کافی نسبت به تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی به‌طور مستمر و پیوسته اقدام کرد؛

• دولت می‌تواند از طریق وضع ساختارهای اداری و مالی قانونی به‌منظور استقرار و استمرار یک نظام رهبری قوی محلی، در کار آبادانی و عمران اجتماعی، به‌ویژه در جوامع روستایی، اقدام نماید؛

• در تشکیلات آبادانی و عمران اجتماعی، وجود یک واحد مستقل برنامه‌ریزی و هماهنگی، از قبیل کشاورزی، آموزش و پرورش، رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی)، مسکن، بهداشت محیط و تأسیسات عمومی و مانند آن، به‌نحوی هماهنگ، همسو، متوازن، متعادل و مؤثر به جریان پیشرفت برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی کمک می‌کند؛

• تسهیل جریان برنامه‌های عمران اجتماعی به درجه درک، تفاهم و حمایت مقامات و مسئولان امور جامعه در تمام سطوح این برنامه‌ها بستگی دارد؛

• رشد و گسترش عمران ملی مستقیماً متأثر از بهره‌برداری موفقیت‌آمیز از همه اشکال ارتباطات اجتماعی با مردمی است که با این جریان مرتبط هستند. بنابراین، ضرورت دارد که در استفاده از نظام‌های مفید و مؤثر اطلاع‌رسانی و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، این پیوند را همواره مستحکم نموده و جامعه را در جریان تحولات ناشی از اجرای برنامه‌ها قرار داد؛

• پیشرفت برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی، عمدتاً از کیفیت انتخاب و گزینش نیروی انسانی لازم برای طرح، اجرا و ارزشیابی فرایند آبادانی و عمران روستایی متأثر است. با توجه به این اهمیت، وجود انگیزه‌های خدمت و امتیازات شغلی ویژه برای جلب و جذب نیروهای کارآمد برای برنامه‌ها ضرورت دارد؛

تحلیل و با بیان و استدلال خود تشریح نمایند؛ این نیز خود یک کار آموزشی است؛

• فعالیتهای اجتماعی الزاماً باید بر یک مبنای تعاونی استوار باشد. عصاره این الزام مبتنی بر حرکت فرد برای جمع و حمایت جمع از فرد است. آبادانی و عمران اجتماعی تابعی از موجودیت همیاریهای جمعی، آزادی و مردمسالاری سالم در یک جامعه پیشرو است؛

• در فرایند عملیاتی آبادانی و عمران اجتماعی، مردم متعهد به طرح و اجرای کار با یاری همدیگر هستند و این جریان همیاری، اغلب مستلزم جلب همکاری و حمایت از خارج از گروه می شود. ذات این فرایند، خودیاری، رشد قدرت ابتکار و ابداع روشهای نو و نیز انتقال تجربیات از یک زمینه کاری به زمینه های دیگر را شامل می شود؛ و

• تحول و تکامل در گروه، یک جریان بطئی است و فرایند آبادانی و عمران اجتماعی در جامعه بزرگتر از یک گروه، از این نیز بطئی تر است.

ساختار تشکیلاتی مکتب آبادانی و عمران اجتماعی

• اجتماعات متفاوت، نیازهای متفاوتی دارند و به همین دلیل، نظام تشکیلاتی آبادانی و عمران اجتماعی، برحسب مورد، می تواند ساختارهای مختلفی داشته باشد؛

• آنچه را که یک برنامه آبادانی و عمران اجتماعی می تواند انجام دهد، سازماندهی تواناییهای جامعه روستایی است، به نحوی که متخصصان کشاورزی، بهداشت و مهندسان و تکنیسینها فنی بتوانند وظایف خویش را در راه نیل به اهداف عمران اجتماعی به انجام برسانند؛ و

• توقع همکاری از وزارتخانه ها و نهادهای مسئول در جریان تهیه و اجرای یک برنامه عمرانی، از طریق تدارک یک تشکیلات منسجم برای ایجاد هماهنگی، به نحوی است که هر یک از این واحدها بتوانند وظایف خود را با همکاری همدیگر و ضمن استفاده از تواناییهای خود به انجام رسانند.

کتابشناسی:

- شهبازی، اسماعیل. «روشهای ترویج و آموزش در طرحهای عمران

روستایی»، گزارش پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۰.

- شهبازی، اسماعیل. توسعه و ترویج روستایی. چاپ دوم با تجدیدنظر. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵.

- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده (۱۵ آبان ۱۳۷۵). تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.

- نوروزی، عباس. «بررسی نقش سازمانهای امریکایی در ترویج کشاورزی ایران»، مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور- کرمان ۹-۱۱ شهریور ۱۳۷۲. تهران: دفتر تولید برنامه ها و انتشارات فنی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۳.

- آخوندی، عباس. «آموزش بهسازی مسکن در روستا یکی از وظایف بنیاد مسکن است»، نشریه مسکن و انقلاب. شماره ۴۵، آذر و دی ماه ۱۳۷۱.

- آکسین، جورج- اچ. رهنمودی بر رویاروییهای بدیل ترویج، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.

- استیویس، بندیک. ترویج کشاورزی در خدمت خرده مالکین، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، مجتمع آموزش عالی بیرجند. بیرجند: چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، مهرماه ۱۳۶۸.

- ایروانی، هوشنگ، تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.

- بافورد، جیمز آ. و آرتور جی. بدیان. مدیریت در ترویج، ترجمه محمد چیذری. چاپ اول، تهران: مدیریت مطالعات و بررسیها، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، بهار ۱۳۷۵.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «بهار سازندگی، مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی». کارنامه سال ۱۳۷۲ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران: دفتر روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. گزارش فعالیتهای سال ۱۳۷۴ و مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون. تهران: روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۷۵.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. گزارش خلاصه عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۶. تهران: روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۷.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. نگاهی به عملکرد پژوهشی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آذرماه ۱۳۷۹.

- جوادیان، سید ابوالفضل و شهبازی، اسماعیل. «بررسی نقش رهبران محلی در پیشبرد برنامه های ترویجی و توسعه روستایی در جنوب خراسان»، مجموعه مقالات هشتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی

- کشور. تهیه و تنظیم دفتر مطالعات و بررسی روشهای ترویجی، تهران: دفتر تولید برنامه‌های ترویجی و انتشارات فنی، معاونت ترویج، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۶.
- حجازی، یوسف. *مهندسی فرایند فعالیتهای آموزشی ترویجی*. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی. مدیریت مطالعات و بررسیها، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، چاپ الو، شماره ۵۴، ۱۳۷۵.
- راجرز، اورت ام. و اف. فلویده شومیکر. *رسانش نوآوریها - رهیافتی میان فرهنگی*. برگردان عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذر ۱۳۶۹.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «یادگار جاوید، دو دهه تلاش»، *ضمیمه مجله «مسکن و انقلاب»*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۸.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *حساب ۱۰۰، یادگار جاوید امام (ره)، عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۸*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۹.
- زمانی پور، اسدالله. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. ناشر مؤلف، دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، مشهد: چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سازمان اسناد ملی ایران: «اسناد نخست وزیری». تنظیم ۱۱۱۰۰۰۳، شماره پکت ۲۰۸.
- سازمان برنامه و بودجه. *پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۳-۱۳۷۷*. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
- سوانسون، برتون - ائی - (ویراستار). *مرجع ترویج کشاورزی*، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون - ائی (ویراستار). *مشورتهای جهانی در مورد ترویج کشاورزی*، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشار دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. «بابهای نوین پیش روی مکتب آموزشی ترویج در ایران»، *مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان (۲۲ تا ۲۴ در دی ماه ۱۳۷۵)*. چاپ اول، جلد اول، تهران: زمستان ۱۳۷۷.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. چاپ دوم با تجدیدنظر. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵.
- شهبازی، اسماعیل. «رهیافتی نو در تحقق پیوند بنیانی فعالیتهای تحقیقی - ترویجی در جریان توسعه کشاورزی ایران»، *مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور (مشهد، ۱۲ لغایت ۱۴ شهریور ۱۳۷۰)*، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۱.
- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و

- ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، *مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده (۱۵ آبان ۱۳۷۵)*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.
- کرمی، عزت‌الله و فنائی، سید ابوطالب. *بررسی نظریه پردازها در ترویج*. جلد اول *ترویج و توسعه*. چاپ اول، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- کرمی، عزت‌الله و فنائی، سید ابوطالب. *بررسی نظریه پردازها در ترویج*. جلد دوم *مدیریت، نظامها و عوامل اجرایی*. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تهران: خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- گراول، آی. اس و تامبر، ار. اس. (ویراستاران). *مقدمه‌ای بر آموزش ترویج*، ترجمه سیروس سلمان‌زاده، چاپ اول. اهواز: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، دی ماه ۱۳۶۷.
- گروورمان، ورنه. *کار پیشبران گروه - راهنمای عملی تشکیل گروههای خودیاری روستایی*، ترجمه جلال رسول‌اف، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی، ۱۳۷۴.
- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی. «ده مقاله درباره ترویج کشاورزی»، *ویژه‌نامه روستا و توسعه*، ترجمه ناصر اوکتانی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، بهمن ماه ۱۳۶۸.
- *مسکن و انقلاب* (نشریه داخلی بنیاد انقلاب اسلامی)، اخبار، شماره ۵۷.
- «عمران و نوسازی روستایی»، *مسکن و انقلاب* (نشریه داخلی بنیاد انقلاب اسلامی)، شماره ۵۰.
- *درآمدی بر ارزشیابی فعالیتهای آموزشی و ترویجی*. تهیه و تنظیم یوسف حجازی با همکاری غلامرضا مجردی و عوضعلی چگینی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، خدمات نشر صالحان روستا، تابستان ۱۳۷۳.
- ملک محمدی، ایرج. *ترویج کشاورزی و منابع طبیعی*، جلد اول، *سیر تکاملی*. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.
- موشر، آرتور - ت. *پیشبرد کشاورزی - لازمه‌های تحول و نوسازی*. ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.
- ونتلینگ، تیم‌ال. *برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخش، راهنمایی برای تدوین برنامه درسی*، ترجمه محمد چیدری، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.

اسماعیل شهبازی

آماده‌سازی زمین

Land Preparation

برای مهیا کردن شرایط ایجاد واحدهای مسکونی و یا موارد دیگر در قالب یک برنامه توسعه شهری به انجام می‌رسد. به سخن دیگر، پس از تحصیل زمین (land assembly) به منظور ایجاد یک سایت قابل توسعه، آماده‌سازی زمین در مقابل توسعه‌های شهری افسار گسیخته، خودانگیخته، بدون برنامه و ناهماهنگ میان مسکن و خدمات ضروری مسکن، با تأکید بر این اصل مهم و زیربنایی که مسکن صرفاً یک سرپناه نیست، صورت می‌گیرد. به این ترتیب، مهم‌ترین هدف پروژه‌های آماده‌سازی، عرضه زمین مسکونی یا مسکن توأم با خدمات مورد نیاز مسکن (تحقق توسعه شهری متعادل) است. علاوه بر این برنامه‌های آماده‌سازی

ارتباطی سروکار دارند. از آنجا که برنامه‌های آماده‌سازی عموماً در کنار یک شهر به انجام می‌رسد و در صورت اجرا، در ارتباط متقابل با آن شهر قرار می‌گیرد و به علاوه، مکانیزمها و فعل و انفعالات اقتصادی حاکم بر جامعه شهری کشور نیز بر آن تأثیر می‌گذارد، ضروری است که این ۴ مقوله در ارتباط با شهر همجوار و فعل و انفعالات موجود در سطح بالاتر (سطوح منطقه‌ای و ملی) نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. به عبارت دیگر، همانند تأثیر ظروف مرتبطه، شهر همجوار با شهرنشینی و شهرسازی زمین تحت آماده‌سازی در ارتباط است و نمی‌توان برنامه‌ریزی شهری و آماده‌سازی زمین را به طور مستقل و مجرد انجام داد. از این رو جهت اطمینان از موفقیت پروژه‌های آماده‌سازی زمین می‌بایست پیش از اجرا، مطالعاتی درباره جمعیت استفاده‌کننده از آن، یعنی



ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و نیازهای خاص آنها صورت گیرد.

علاوه بر این، لازم است وضعیت مکان پروژه از حیث وضعیت مالکیت، دسترسی، ابعاد، اندازه و حدود، وضعیت مناطق همجوار، ویژگیهای زمین‌شناختی و طبیعی از جمله

زمین مجال بسیار مغتنمی برای شهرسازان است، تا بدین طریق انگاره‌های شهرسازی ناب را متجلی سازند.

این گونه برنامه‌ها در برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهری) با ۴ مقوله عمده شهرسازی یعنی تراکم، کاربری اراضی (← کاربری زمین)، چگونگی گسترش آبی و شبکه

مجموعه، علاوه بر نقشه‌های دقیق توپوگرافی، اطلاعات مربوط به حدود انواع مختلف خاک، سطح آبهای زیرزمینی و سایر مشخصات مربوط به زمین اهمیت اساسی دارند. برای آماده‌سازی زمین جهت احداث ساختمانها برحسب مورد، تدابیر خاص مانند تسطیح، پائین بردن سطح آبهای زیرزمینی، جلوگیری از لغزش خاک و زمین و حرکت گل و احداث سیل‌بندها لازم است.

به‌طور کلی، از مهم‌ترین شرایطی که موجب موفقیت طرحهای آماده‌سازی زمین می‌شود، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ملاحظات زیست‌محیطی در مکانیابی و آماده‌سازی اراضی به‌صورت ویژه لحاظ شود؛
 - احداث و بهره‌برداری از واحدهای مسکونی بسیار سریع‌تر از احداث و بهره‌برداری تأسیسات و تجهیزات شهری صورت نگیرد؛
 - سطح اراضی آماده‌سازی به‌منظور کاربری مسکونی، در توازن با سایر کاربریها باشد و میزان زمین عرضه شده با توان تولید مسکن و توان توسعه شهر همجوار تناسب معقول داشته باشد؛
 - وضعیت شبکه‌های ارتباطی و کیفیت دسترسی از شهر همجوار، همزمان با آماده‌سازی زمین مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد؛ و
 - گرایش به آماده‌سازی زمینهای مجاور شهر موجب نادیده انگاشتن ظرفیتهای توسعه بافتهای موجود شهری، به‌ویژه احیاء بافتهای قدیمی نشود.
- کتاب‌شناسی:

- حجتی اشرفی، غلامرضا. مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی. انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴.

- معاونت امور مسکن. برنامه‌ریزی شهری در پروژه‌های آماده‌سازی زمین. وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۷.

- Davidson, F. and Payne, G.K. *Urban Housing Project Manual*. Liverpool: Liverpool University Press, 1993.

- Untermann and Small. *Site Analysis in Site Planning for Cluster Housing*. USA, New York: Van Nostran Reinhold, 1977.

- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press, 2005.

اسماعیل صالحی

ناهمواری، شیب، جنس خاک، گسلها و مسیلهها، آبهای سطح‌الارضی و تحت‌الارضی، وضعیت چشم‌اندازهای طبیعی، پوشش گیاهی، وضعیت آلودگیهای موجود محیط زیست و آلوده‌کننده‌های محیط زیست مورد بازدید و مطالعه دقیق قرار گیرد. در این مرحله و پیش از آغاز عملیات اجرایی، انجام مطالعات ارزیابی اثرات توسعه بر محیط زیست (EIA)، به‌ویژه در برنامه‌های بزرگ آماده‌سازی زمین کاملاً مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در ایران وفق ماده ۲۲ از فصل چهارم آئین‌نامه اجرایی قانون زمین شهری کشور (مصوب ۱۳۷۱ش هیئت وزیران)، آماده‌سازی زمین عبارت از مجموعه عملیاتی است که مطابق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی)، زمین را برای احداث مسکن مهیا می‌سازد. این عملیات شامل موارد زیر است:

- عملیات زیربنایی، از قبیل تعیین بر و کف، تسطیح و آسفالت معابر، تأمین شبکه‌های تأسیساتی آب و برق، جمع‌آوری و دفع آبهای سطحی و فاضلاب و غیره؛
- عملیات روبنایی، شامل احداث مدارس، درمانگاه، واحد انتظامی، فضای سبز، اداره آتش‌نشانی، اماکن تجاری، خدماتی و نظایر آن.

همچنین درخصوص تأسیسات روبنایی در ماده ۲۶ آئین‌نامه مزبور آمده است: در کلیه طرحهای آماده‌سازی، تأسیسات روبنایی (مطابق دستورالعمل تعیین سرانه تأسیسات روبنایی ابلاغ شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی)، مانند مدارس، درمانگاه، فضای سبز و نظایر آن تا حد امکان از محل عواید اماکن تجاری، زمینهای واگذاری همان شهر، احداث شده و عرصه و اعیان آنها به‌صورت رایگان به دستگاههای بهره‌برداری کننده تحویل می‌شود.

در برنامه‌های آماده‌سازی زمین بهای تمام شده هر قطعه زمین برای امر مسکن عبارت است از قیمت منطقه‌ای زمین در زمان واگذاری به‌علاوه همه هزینه‌های انجام شده برای آماده‌سازی آن طبق دستورالعملهای قانونی.

در برنامه‌ریزی و طراحی شهری (← طراحی شهری)، باید فعالیتهای مربوط به آماده‌سازی زمین همزمان با طراحی معماری و سیستم ارتباطات صورت پذیرد. در طراحی این

آمایش سرزمین

Territorial Spatial Arrangement

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (← سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) با استفاده از تعریف به کار رفته توسط اتحادیه اروپا، آمایش سرزمین را به صورت زیر تعریف کرده است: *آمایش سرزمین تنظیم کنش متقابل بین عوامل انسانی و عوامل محیطی است که به منظور ایجاد سازمان سرزمینی عقلایی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه از استعداد های انسانی و محیطی از طریق افزایش کارایی و بازدهی اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، رفع فقر و محرومیت و برقراری تعادل و توازن در برخورداری از سطح معقول توسعه و رفاه در نقاط و مناطق جغرافیایی، ایجاد نظام کاربری اراضی متناسب با اهداف توسعه متعادل و حفظ محیط زیست، ایجاد و تحکیم پیوندهای اقتصادی درون و برون منطقه‌ای و هماهنگ‌سازی تأثیرات فضایی- مکانی سیاستهای بخشی و سیاستهای توسعه مناطق و محورهای خاص، با توجه به اصل وحدت سرزمینی، ملاحظات امنیتی و دفاعی و حفظ هویت اسلامی- ایرانی به گونه‌ای عمل می‌کند که بتواند اهداف چشم‌انداز بلندمدت توسعه کشور و مدیریت یکپارچه سرزمینی را محقق سازد.*

مفهوم آمایش سرزمین

آمایش سرزمین به معنای نظم و ترتیب و آرایش فضایی سرزمین است و مفهوم آن در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه، با تغییرات و تحولات زیادی روبرو بوده است که در تعاریف توسعه و رویکرد به توسعه قابل تبیین و تشریح است.

آمایش سرزمین را به تعبیری، می‌توان توزیع متعادل جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین دانست؛ تعبیری که با خود واژه‌های تعادل، جمعیت، فعالیت و سرزمین را به همراه دارد. هریک از این واژه‌ها تعاریفی دارند که در جریان تحولات به وجود آمده در برنامه‌ریزی توسعه، با تغییرات قابل توجه روبرو بوده‌اند. آمایش سرزمین به مفهوم اصلی، بر آماده نمودن سرزمین و یا به عبارتی، آماده نمودن

زمین دلالت دارد. البته آماده نمودن در ارتباط با هدف، معنا و شکل متفاوتی دارد؛ چنانچه آماده نمودن قطعه‌ای از زمین برای ساخت یک واحد مسکونی مورد نظر باشد، آمایش بُعد کالبدی و هم بُعد معماری به خود خواهد گرفت. اما اگر آمایش محله مسکونی، حوزه شهری و یا یک منطقه شهری یا روستایی و مانند آن مطرح باشد، ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند شد. در بعد ملی، تدوین راهبردهای مناسب برای توسعه کشور براساس شناخت عناصر توسعه فضایی، اهمیت بسیار و نقش محوری در برنامه‌ریزی خواهد داشت. به طور کلی، می‌توان گفت که آمایش سرزمین، برحسب سطح مکانی، ویژگیهای منحصر به فردی دارد؛ یعنی هرچه از سطح خرد مکانی به سطوح کلان ملی حرکت کنیم، بعد راهبردی آن اهمیت بیشتری می‌یابد و ابعاد ریز مکانی اهمیت و کاربرد ظاهری خود را از دست می‌دهند.

آمایش سرزمین برحسب تعریف می‌تواند هدف و یا راه رسیدن به هدف باشد. به عبارت دیگر، در افق برنامه انتظار می‌رود که سرزمین با مدیریت صحیح به گونه‌ای نظام‌یافته باشد که توسعه پایدار فضایی محقق شود. اما دستیابی به هدف، یا به سخن بهتر، آرمان مورد نظر مستلزم برنامه‌ریزی مناسب آمایشی است. به هر تقدیر، آمایش سرزمین نیازمند شیوه برنامه‌ریزی مناسب است. تفاوت این شیوه با سایر انواع برنامه‌ریزی در واژه زمین و یا در مفهوم وسیع‌تر آن سرزمین نهفته است. می‌توان گفت که توسعه پایدار فضایی نتیجه برنامه‌ریزی با رویکرد آمایشی است. به همین دلیل، شناخت اصول برنامه‌ریزی فضایی و طراحی برنامه عملیاتی برای دستیابی به آن، در برنامه‌ریزی آمایشی و در نهایت تحقق اهداف آمایش سرزمین دارای نقش محوری است.

برای شناخت برنامه‌ریزی آمایشی و یا تعبیر جامع برنامه‌ریزی توسعه پایدار فضایی، مروری اجمالی بر ویژگیهای برنامه‌ریزی به صورت اعم ضروری است:

- برنامه‌ریزی فعالیتی آگاهانه است؛
- برنامه‌ریزی آینده‌نگر است؛
- برنامه‌ریزی دارای آرمان و هدف است؛
- برنامه‌ریزی فعالیت‌نگر است؛

• برنامه‌ریزی سرزمینی - کارکردی.

در چارچوب این رویکرد، ابعاد مکانی - فضایی برنامه‌ها و برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی از اهمیتی یکسان برخوردارند. مؤلفه سرزمینی - کارکردی برنامه‌ریزی آمایشی، مستلزم منظور نمودن مکان، زمین و یا به عبارت کلی‌تر، ملحوظ داشتن بعد مکانی - فضایی در تصمیمات مربوط به توسعه و تعالی کشور است. در این راستا، برنامه‌ریزی فضایی اهمیت خاصی می‌یابد: در قالب این نوع برنامه‌ریزی می‌توان از طریق سازماندهی فضا، نابرابریهای سرزمینی را کاهش داد و با توزیع متعادل جمعیت در سکونتگاههای شهری و روستایی و نیز استقرار متناسب و مطلوب مراکز فعالیت، امکان بهره‌برداری بهینه از استعدادهای انسانی، اقتصادی و محیطی را فراهم آورد.

آمایش سرزمین در مفهوم پذیرفته شده در کشور، گستره وسیعی را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی، فرهنگی، دفاعی و مانند آن دربر می‌گیرد که در قالب اصول و اهداف آمایش سرزمین به آن پرداخته می‌شود. اصول و اهداف رویکرد آمایشی براساس مفاد ضوابط ملی آمایش سرزمین، به شرح زیر است:

- توسعه یکپارچه و همه‌سونگر؛
- دستیابی به رشد متعادل؛
- توزیع متعادل جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین؛
- حفظ یکپارچگی سرزمینی؛
- کاهش نابرابریهای سرزمینی؛
- حفظ هویت واحد فرهنگی؛
- گسترش عدالت اجتماعی؛
- تقویت و تجهیز فضاهای زیست و فعالیت؛
- جلوگیری از تمرکز و قطبی شدن توسعه؛ و
- حفظ محیط زیست و دستیابی به توسعه پایدار.

آمایش سرزمین در ایران

سابقه آمایش سرزمین در ایران به ۱۳۵۳ش و زمانی باز می‌گردد که وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین از سوی شورای اقتصاد به مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین واگذار شد. این مرکز، بنابر وظیفه‌ای که برعهده

• برنامه‌ریزی تلاشی است برای تغییر آنچه هست و آنچه خواهد شد، به آنچه که باید باشد یا بشود؛ و

• برنامه‌ریزی مبتکرانه (پیشتازانه) است.

برنامه‌ریزی فضایی به عنوان یکی از انواع برنامه‌ریزی، علاوه بر دارا بودن تمام ویژگیهای فوق، دارای وجه فضایی است. منظور از فضا در برنامه‌ریزی فضایی و آمایشی، فضای کارکردی است که از کنش متقابل بین عوامل انسانی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیکی و...) و عوامل محیطی (انسان ساخت و طبیعی) در فرایند زمان، حاصل می‌شود (← برنامه‌ریزی فضایی).

برنامه‌ریزی فضایی، مجموعه مفاهیم، دیدگاهها و روشهایی است که برای ایجاد سازمان و ساختار فضایی مطلوب و دلخواه مورد استفاده قرار می‌گیرد. برنامه‌ریزی فضایی، به تعبیری، نام دیگری برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، با این تفاوت که مفهوم فضا کلی‌تر از معنای منطقه است، زیرا فضا مرزهای منطقه را قطع می‌کند و این یک فرایند مداوم است که به صورت حالت عمودی و افقی نمایان می‌شود و در سطوح گوناگون به کار می‌رود.

برنامه‌ریزی فضایی در طول چند دهه گذشته، از رویکرد کاربری اراضی مبتنی بر مقررات و کنترل زمین (رویکرد کلاسیک)، به رویکردی با دامنه وسیع‌تر تبدیل شده است که هدف از آن، بهترین استفاده از زمین از طریق ارزیابی تقاضاهای رقیب و توجه به اصول توسعه پایدار فضایی است. برای دستیابی به این هدف، عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی برای اتخاذ تصمیم مناسب‌تر در راستای توسعه پایدار به کار گرفته می‌شوند. در چارچوب چشم‌اندازهای جدید، برنامه‌ریزی پیرامون ۴ ایده اصلی شکل می‌گیرد: فضایی، پایداری، یکپارچگی و جامعیت. به این ترتیب، بعد فضایی نه تنها دارای اهمیت بسیار است، بلکه به صورت جزء لاینفک برنامه‌ریزی منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود.

موضوع محوری در مبحث آمایش سرزمین، نابرابریهای سرزمینی است. از نظر مفهومی، برنامه‌ریزی آمایشی دارای ۲ جزء غیرقابل تفکیک است:

• برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی؛ و

به سازمان برنامه و بودجه ملحق شد و تحت نظارت شورایی، مرکب از وزیران کشور، کشاورزی و منابع طبیعی، صنایع و معادن، نیرو، مسکن و شهرسازی، سازمان برنامه و بودجه، راه و ترابری، اقتصاد و دارایی، بازرگانی، رئیس سازمان محیط زیست، قائم مقام نخست وزیر و رئیس کل بانک مرکزی قرار گرفت. بدینسان، وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین از طرف شورای اقتصاد به این مرکز محول شد.

مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین، براساس نامه شماره ۱۵۰۰/م مورخ ۱۳۵۴/۵/۲۲ و ۱۳۵۴/۶/۲۴ش، سازمان امور اداری و استخدامی کشور در حوزه معاونت امور برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه تشکیل شد. وظایف تعیین شده برای این مرکز به شرح زیر بود:

- جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی و اجتماعی، کشاورزی و فرهنگی که در تهیه طرح جامع سرزمین مؤثر است، با همکاری سازمانها و وزارتخانه‌های مربوط؛
- جمع‌آوری اطلاعات مربوط به منابع زیرزمینی و روزمینی و انجام مطالعات لازم به منظور استفاده از آنها در تهیه طرح جامع سرزمین؛
- جمع‌آوری اطلاعات مربوط به هدفها و خط‌مشیهای ملی و اقتصادی؛
- تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده کشور و تعیین حدود توسعه و ظرفیت شهرها و شهرکهای فعلی و آینده؛
- طرح و تنظیم نقشه توزیع جمعیت؛
- بررسی و تنظیم ارتباط شهرهای فعلی و آینده در سطح منطقه و کشور؛
- تعیین نوع و عملکرد شهرها و شهرکها از نظر فعالیت صنعتی، کشاورزی، جهانگردی، خدماتی و مختلط، با توجه به طرح جامع سرزمین؛
- بررسی و تعیین محل استقرار کارخانه‌ها و تنظیم مسیر کلی راهها و تعیین مراکز ارتباطی و هرگونه فعالیت دیگر که جاذب جمعیت و عامل رشد شهرنشینی است؛
- تهیه طرح جامع سرزمین؛
- تهیه و تنظیم سیاستها و خط‌مشیهای اجرایی و ضوابط لازم برای هدایت و کنترل شهرنشینی، به منظور تحقق طرح

داشت، مرکز برنامه‌ریزی آمایش سرزمین نام گرفت. برای شناخت بیشتر درباره این واژه و فعالیتهایی که در زمینه آمایش سرزمین به اشکال گوناگون در کشور صورت گرفته است، لازم است به ۱۳۴۵ش بازگردیم. در این سال انتشار گزارشی با عنوان «مسئله افزایش جمعیت شهر تهران و نکاتی پیرامون عمران کشوری» توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، توجه مسئولان و محافل دانشگاهی را متوجه مشکلات شهر تهران درخصوص افزایش جمعیت نمود. تشابه وضعیت ظاهری شهر تهران با پاریس در این زمینه، منجر به درخواست ایران از مهندسین مشاور ستیران برای بررسی وضعیت شهر تهران شد. مهندسین مشاور ایرانی - فرانسوی ستیران در ۱۳۵۱ش گزارش کوتاهی با نام طرح یادداشت مربوط به بهره‌وری سرزمین یا تنسيق سرزمین تهیه کردند که در قالب آن، مباحث و روشهای آمایش سرزمین مطرح شده بود. در ۱۳۵۳ش، قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) تصویب شد و براساس آن، وظیفه تهیه طرح جامع سرزمین به این وزارتخانه محول شد. به دنبال این تغییر، مرکزی تحت عنوان مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین با مشارکت وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی) و منابع طبیعی تشکیل گردید و وظیفه تهیه طرح جامع سرزمین به این مرکز واگذار شد. البته، طرح جامع سرزمین بسیار وسیع و مبهم تعریف شده بود. تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده با توجه به عوامل محدود کننده، تعیین حدود ظرفیت توسعه شهرهای فعلی و آینده و طرح و تنظیم نقشه توزیع جمعیت، تهیه و تنظیم سیاستها و خط‌مشیهای اجرایی و ضوابط لازم برای هدایت و کنترل شهرنشینی در جهت تحقق طرح جامع سرزمین، مشخص نمودن وضعیت شهرها و شهرکها از نظر فعالیتهای مختلف و بررسی ارتباط شهرهای فعلی و آینده در سطح منطقه و کشور در چارچوب این طرح قرار داده شده بود. برای غلبه بر مشکلات متعدد ناشی از تعریف گسترده طرح جامع سرزمین، براساس تصمیم شورای اقتصاد، این مرکز

سرزمین در هاله‌ای از فراموشی قرار گرفت، اما تجربه دوم آمایش سرزمین از ۱۳۶۲ش و با مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی/ایران آغاز شد. در ۱۳۶۳ش کلیات مطالعات آمایش سرزمین در هیئت دولت تصویب شد و به دنبال آن، نتایج مطالعات انجام یافته با نام طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران توسط دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه منتشر گردید. با تصویب سیاستهای آمایش سرزمین در شورای اقتصاد، گزارش نهایی مرحله اول طرح پایه با عنوان خلاصه و جمع‌بندی مطالعات در ۱۳۶۴ش ارائه شد. این گزارش ابتدا به تحلیل مختصری از وضع گذشته و موجود اقتصاد کلان و سازمان فضایی کشور می‌پرداخت و سپس، براساس مفروضاتی از راهبرد توسعه ملی، نسبت به ارائه اصلی‌ترین گزینه‌های توسعه ملی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، جمعیت و جوامع و سازماندهی و تجهیز فضا، به‌عنوان چارچوب تهیه طرح آمایش کشور، پرداخته است. به این ترتیب، راهبردهای کلی و درازمدت آمایش سرزمین در چند جلسه شورای اقتصاد مطرح شد و پس از تصویب در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۶/۱۷ش، به تمام دستگاههای اجرایی کشور ابلاغ شد. ادامه مطالعات در سازمان برنامه، به تدوین ۲۴ جلد نشریه تحت عنوان چارچوب نظری پایه توسعه استان برای ۲۴ استان کشور منتهی شد. هریک از این گزارشها حاوی راهبرد بلندمدت توسعه یکی از استانهای کشور، در بخشهای مختلف از دیدگاه آمایش سرزمین و نقش آن در چارچوب تقسیم کار ملی و منطقه‌ای بود. همچنین یک جلد گزارش سنتز ملی به همراه این گزارشها منتشر شد.

در همین سال، خطوط کلی راهبرد سازماندهی فضا توسط دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای تدوین و در قانون برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲ش) گنجانده شد.

در ۱۳۶۸ش، مطالعات طرح کالبدی ملی ایران توسط وزارت مسکن و شهرسازی آغاز شد. تهیه چارچوب نظری شرح خدمات طرح جامع سرزمین یا طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای از سوی این وزارتخانه به مهندسین مشاور داخلی واگذار شد و نتیجه مطالعات مشاور در مهرماه ۱۳۶۹ش، با

جامع سرزمین؛

• تجدیدنظر مستمر در طرح جامع سرزمین، با توجه به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و بنیادی؛

• ایجاد ارتباط و همکاری علمی و تحقیقاتی در امور مربوط به طرح جامع سرزمین، با مؤسسات داخلی و خارجی؛

• اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور آماده نمودن کادر فنی و تحقیقاتی مورد نیاز؛ و

• تشکیل کنفرانسها و سمینارهایی در زمینه‌های مربوط به بهره‌وری از سرزمین در داخل کشور، همچنین شرکت در کنفرانسها و سمینارهای داخلی و خارجی که در این زمینه تشکیل می‌شود.

این مرکز با موافقت سازمان برنامه از تاریخ ۱۳۵۶/۸/۱۷ش به مرکز برنامه‌ریزی آمایش سرزمین تغییر نام یافت. این مرکز در ۱۳۵۴ش قراردادی با مهندسین مشاور ستیران برای تهیه طرح آمایش سرزمین منعقد کرد. نتایج حاصل از دور اول مطالعات آمایش سرزمین، با نام طرح پایه آمایش سرزمین در ۱۳۵۵ش انتشار یافت. این طرح شامل اصول کلی سازماندهی فضا، توزیع جمعیت و فعالیتها و راهبردهای آمایش بخشهای اقتصادی و اجتماعی بود. اصلی‌ترین دستاورد این طرح، تعیین محورهای اولویت‌دار در توسعه کشور و تقسیم کشور به ۱۳ منطقه اصلی بود که هریک از این مناطق تحت نفوذ و مدیریت یکی از شهرهای اصلی ۱۳گانه قرار داشتند. در قالب این طرح، مراکز عمده کشاورزی، مراکز صنعتی و خدماتی و شبکه‌های اصلی زیربنایی کشور نیز مشخص شده بودند. در همین سال، مطالعات دور دوم آمایش سرزمین در ۴ بخش، از جمله نظام شهری و خط‌مشیهای اجرایی آن، محور خوزستان- آذربایجان و خط‌مشیهای اجرایی آن، تمرکززدایی فعالیتهای بخش دوم و سوم و خط‌مشی اجرایی آن منتشر شد. نتایج نهایی از مطالعات دور اول و دوم ستیران، با عنوان رهنمودهای آمایش سرزمین برای تهیه برنامه عمرانی ششم منتشر شد. بر همین اساس، برنامه عمرانی ششم دوره پهلوی، با ماهیت آمایشی، تهیه شد که قرار بود از ۱۳۵۶ش به اجرا درآید.

پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش)، موضوع آمایش

کشور، راهنمای تهیه برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشور خواهد بود.

ماده ۵. وظیفه آمایش سرزمین با تعریف و فعالیتهایی که در این مصوبه عنوان شده، توسط سازمان برنامه و بودجه انجام می‌گیرد. دیگر وظایف و فعالیتهای کنونی وزارت مسکن و شهرسازی به قوت خود باقی بوده و براین اساس، طرح کالبدی (ملی - منطقه‌ای) توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رسد. انجام مطالعات پیشنهادی طرح کالبدی مادام که توسط دستگاههای ذی‌ربط تهیه و قابل بهره‌برداری نشده است، می‌تواند توسط وزارت مسکن و شهرسازی انجام گیرد.

در ۱۳۷۲ش، خط‌مشیهای ملی و منطقه‌ای آمایش سرزمین برای درج در برنامه دوم توسعه کشور، تهیه و با اصلاحاتی در جلسات خردادماه همان سال به تصویب شورای اقتصاد رسید، اما در پیوست نهایی لایحه فقط خط‌مشیهای ملی آمایش سرزمین درج گردید و مباحث منطقه‌ای آن حذف شد.

در ۱۳۷۵ش، مطالعات طرح کالبدی ملی (← طرح کالبد ملی) به تصویب رسید و از سال بعد، یکبار دیگر مطالعات آمایش سرزمین در سازمان شروع شد. با احتساب مطالعات انجام یافته در سالهای قبل از انقلاب اسلامی توسط مهندسين مشاور ستیران، این مطالعات را می‌توان دور سوم مطالعات آمایش سرزمین در کشور بشمار آورد.

در ۱۳۷۹ش، جمع‌بندی مطالعات آمایش به هیئت دولت ارائه شد که به اندیشه ضرورت برخورداری از چشم‌انداز شکل داد.

در ۱۳۸۲ش، سیاستهای کلی برنامه چهارم مشتمل بر ۵۲ ماده ابلاغ شد که در ماده ۱۹ آن، آمایش سرزمین بر اصول زیر مبتنی شده بود:

- ملاحظات امنیتی و دفاعی؛
- کارایی و بازدهی اقتصادی؛
- وحدت و یکپارچگی سرزمین؛
- گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای؛
- حفاظت محیط زیست و احیاء منابع طبیعی؛

عنوان طرح ریزی کالبدی: ملی و منطقه‌ای، چارچوب نظری و شرح خدمات انتشار یافت. در ۱۳۷۱ش، وزارت مسکن و شهرسازی به تهیه طرح کالبدی ملی اقدام کرد. در طرح مذکور این اهداف تعیین شده بود: رتبه‌بندی شهرها، قطبهای منطقه‌ای و حوزه نفوذ هریک از آنها، سلسله مراتب بین شهرها و استخوان‌بندی شهرها به معنای بررسی توأم تاروپود و سلسله مراتب آنها.

شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۷۱/۲/۹ش، طی مصوبه‌ای، وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین را به سازمان برنامه و بودجه و وظیفه تهیه طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای را به وزارت مسکن و شهرسازی واگذار نمود. محورهای اصلی در هریک از این ۲ طرح در مصوبه شورای عالی اداری به شرح زیر است:

ماده ۱. طرح آمایش سرزمین به معنای تعیین راهبرد توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین، توسط سازمان برنامه و بودجه با همکاری دستگاههای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲. سازمان برنامه و بودجه موظف است در جهت تدوین برنامه آتی توسعه اقتصادی و اجتماعی با نگرش آمایشی، راهبردهای توزیع نهایی جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین را به همراه برنامه‌های اجرایی زیر تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند:

- تعیین مناطق اولویت‌دار در توسعه از نظر پذیرش جمعیت و فعالیت؛
- تعیین نقش نواحی مختلف از نظر تقسیم کار ملی و استقرار فعالیتهای کشاورزی، صنعتی، خدماتی و امکانات زیربنایی؛ و
- تعیین چشم‌انداز اشتغال و توزیع آن در بخشهای مختلف اقتصادی در سطوح ملی.

ماده ۳. آمایش سرزمین به صورت ادواری و متناسب با تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور و آمار و اطلاعات جدید توسط سازمان برنامه و بودجه، قبل از هر برنامه مورد ارزیابی و تجدیدنظر قرار گرفته و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۴. آمایش سرزمین به عنوان قسمتی از برنامه درازمدت

معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (رئیس شورا)؛ رئیس مرکز ملی آمایش سرزمین (دبیر شورا)؛ معاون وزیر نیرو؛ معاون وزیر راه و ترابری؛ معاون وزیر مسکن و شهرسازی؛ معاون وزیر صنایع و معادن؛ معاون وزیر جهاد کشاورزی؛ معاون وزیر نفت؛ معاون وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛ معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ معاون وزیر کشور؛ معاون وزیر بازرگانی؛ معاون وزیر امور خارجه؛ معاونان وزیر رفاه و تأمین اجتماعی؛ سازمان حفاظت محیط زیست؛ سازمان گردشگری و میراث فرهنگی و رئیس شورای عالی استانها.

ماده ۱۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، در راستای تحقق وظایف یادشده مرکز ملی آمایش سرزمین را متناسب با جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی کشور، ایجاد نموده و نهاد تحقیقاتی متناظر با این جایگاه را برای تقویت زمینه‌های علمی و فنی آمایش سرزمین و ارتقای مهارت‌های تخصصی نیروهای مورد نیاز تدارک ببیند.

در ۱۳۸۴ ش، تشکیلات مرکز ملی آمایش سرزمین در چارچوب کادر سازمانی معاونت امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تصویب شد و این مرکز رسماً شروع به فعالیت کرد.

کتاب‌شناسی:

- شرح خدمات برنامه آمایش استان. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، مرکز ملی آمایش سرزمین، شهریور ۱۳۸۵.
- مکاتبات رسمی سازمان برنامه و بودجه.
- توفیق، فیروز. آمایش سرزمین، تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۴.
- طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران، کتاب اول: کلیات و اصول سازماندهی فضای کشور، سازمان برنامه و بودجه، تهران: دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بی‌تا.
- طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران. کتاب دوم، ۳ جلد، سازمان برنامه و بودجه، تهران: دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بی‌تا.
- ستیران. نظام شهری و خط‌مشی اجرایی آن. ۱۲ جلد، سازمان برنامه و بودجه، تهران: مرکز آمایش سرزمین، ۱۳۵۶.
- ستیران. جامعه روستایی، خط‌مشی اجرایی آن. سازمان برنامه و بودجه، تهران: مرکز آمایش سرزمین، ۱۳۵۶.
- ستیران. عدم تمرکز فعالیتهای بخش دوم و سوم و خط‌مشی اجرایی آن.

- حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی؛
- تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور؛ و
- رفع محرومیتها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور.

در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۶ ش، ضوابط ملی آمایش سرزمین توسط هیئت وزیران تصویب شد. این ضوابط دارای ۱۵ ماده است که ماده یک آن از ۳۳ بند تشکیل شده است. در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ به این ضوابط، به شرح زیر، اشاره شده است:

ماده ۱۰. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استانها و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط مکلفند، طرحهای توسعه و عمران در سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی را در محدوده وظایف قانونی خویش، در راستای تحقق جهت‌گیریهای ملی و راهبردهای بخشی و استانی آمایش سرزمین تنظیم و تصویب نمایند. تمامی دستگاههای اجرایی ملی، استانی و محلی در انتخاب مکان فعالیتهای و اقدامات مربوطه، موظف به اجرای نتایج طرحهای مذکور که در این راستا تهیه و تصویب شده‌اند، خواهند بود.

ماده ۱۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است زمینه استمرار و پویایی مطالعات آمایش سرزمین را با ۳ رویکرد زیر تهیه کند:

- تأثیر تحولات جهانی، منطقه‌ای و داخلی؛
 - تعمیق نگرش بلندمدت و پایدار در راهبردهای توسعه‌ای کشور؛ و
 - تهیه طرحهای ویژه از نظر موضوعی و یا محدوده جغرافیایی.
- در این ماده تأکید شده بود که سازماندهی مطالعات به‌گونه‌ای صورت پذیرد که برنامه پنجم و برنامه‌های بعدی میان مدت توسعه کشور، به‌طور کامل، بر مبنای سند آمایش سرزمین تهیه شود.

ماده ۱۲. دستگاههای اجرایی کشور موظفند در چارچوب دستورالعملهای مطالعاتی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور عرضه می‌کند، مطالعات بخشی، فرابخشی و منطقه‌ای خود را از این پس با رویکرد آمایشی سازماندهی کنند.

ماده ۱۳. تشکیل شورای آمایش سرزمین با ترکیب زیر:

سازمان برنامه و بودجه، تهران: مرکز آمایش سرزمین، ۱۳۵۶.
- طرح کالبدی ملی ایران. گزارش تلفیق طرح کالبدی ملی ایران. ۴ جلد،
وزارت مسکن و شهرسازی، تهران: معاونت شهرسازی و معماری،
۱۳۷۵.

فاطمه تقی‌زاده

آموزش

Education

آموزش تعلیمات منظمی است که در جهت ایجاد آمادگی برای اجرای امور زندگی، از جمله زندگی در شهر و روستا آموخته می‌شود. میان سطح آموزش اشخاص در جامعه و قابلیت آن جامعه برای پیشرفت در عرصه‌های گوناگون، از جمله اقتصادی و سیاسی نوعی همبستگی وجود دارد.

در هزاره سوم و جامعه دانایی محور و عصر اطلاعات، آموزش یکی از مسئولیت‌های اجتماعی حکومت است و بهبود نظام آموزشی یکی از مسائل جدی محسوب می‌شود. آموزش موضوعی جهانی است و چگونگی آموزش مقیاسی برای سنجش موفقیت و یا ناکامی نظام آموزشی بشمار می‌رود.

علاوه بر این، آموزش یکی از ارکان اصلی اعلامیه حقوق بشر و یکی از هدف‌های هشتگانه توسعه هزاره (MDG) است که در ۲۰۰۰م توسط ۱۸۹ کشور جهان در سازمان ملل متحد با تأکید بر فقرزدایی و تأمین مواد غذایی، بهداشت مادران و نوزادان و کاهش بیماریها، ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، تضمین پایداری زیست محیطی و ایجاد همکاری جهانی برای توسعه و دسترسی همگانی به آموزش ابتدایی در کشورهای در حال توسعه به امضاء رسید.

مردم‌سالاری (← مردم‌سالاری) و عدالت در جامعه ارتباط و همبستگی زیادی با سطح آموزش و سواد افراد جامعه دارد، چنان‌که در نتیجه رشد سطح سواد و آموزش،

بهداشت و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) نیز رشد خواهد کرد. اقتصاددانان به ملتها توصیه می‌کنند که در زمینه سرمایه انسانی (← سرمایه انسانی)، یعنی تحصیل علم، بهبود سطح زندگی، خدمات بهداشتی و بهزیستی اجتماعی سرمایه‌گذاری کنند، تا قدرت تولید و قابلیت نیروی کار را بهبود بخشند. هر قدر سطح سواد شهروندان افزایش یابد به همان میزان با احتمال بیشتری در انجمنهای داوطلبانه مشارکت می‌کنند و مطالبات آنها از دولت‌ها بیشتر خواهد شد.

سطح تحصیلات افراد در رفتار اجتماعی و عاداتهای سیاسی آنان اثر می‌گذارد. خواندن و حساب کردن از زمره مهارت‌هایی هستند که فرصت‌های کسب اطلاعات بیشتر به صورت مستقل را افزایش می‌دهند، تا جایی‌که حتی یک یا ۲ سال تحصیل و آموزش تأثیری پایدار در زندگی شخص می‌گذارد. آموزش، با بالابردن میزان توانایی، اعتماد به نفس و میل به مشارکت ارتباط مستقیم دارد.

دانشمندانی چون جان دیویی، آموزش تحصیلی و یادگیری صرف خواندن و نوشتن را چندان کافی نمی‌دانستند، بلکه به پرورش تفکر انتقادی و ایجاد مشارکت مساوات‌طلبانه در آموزش قائل بودند؛ بدینسان، کوشیدند برای آموزش، به‌خصوص در دبستان، روش‌هایی ابداع کنند که موجب ایجاد خلاقیت و آمادگی افراد برای زندگی واقعی در جامعه باشد. آنان توصیه می‌کردند، خواندن و حساب کردن و هرگونه آموزش تحصیلی مشابه باید از طریق فعالیتهای گروهی آموزش داده شوند، و تجارب قبلی فرد پایه‌ای برای آموزشهای بعدی او باشد، ضمن آنکه این آموزشها باید از مسائل واقعی اجتماع پیرامون دانش‌آموز الهام گیرد. این‌گونه آموزشها همراه با پررنگ‌تر کردن ارزشهای حاکم بر جامعه، می‌تواند از دانش‌آموز یک شهروند کارآمد و توانا بسازد.

آموزش، به‌طور کلی، به ۲ صورت رسمی و غیررسمی به انجام می‌رسد. آموزش رسمی در اغلب موارد، مترادف آموزش تحصیلی است. در مقابل، آموزش غیررسمی شامل تمام فعالیتهای آموزشی سازمان یافته خارج از نظام رسمی آموزش است و به‌منظور خدمت آموزشی به مخاطبان معین

اتاق فکر

- جلالی، علی اکبر. *شهر الکترونیک*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۳.
- چی‌ما، جی شامبیر. *مدیریت شهر، خط‌مشیها و نوآوریها در کشورهای درحال توسعه*، ترجمه پرویز زاهدی، انتشارات دانشگاه سازمان ملل متحد.
- سرمد، غلامعلی. *آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم*. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۵.
- صباغیان، زهرا. *سودآموزی بزرگسالان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- *دائرةالمعارف دموکراسی*، زیر نظر مارتین لیپست، تهران: کتابخانه شخصی وزارت خارجه، ۱۳۸۳.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

افسانه زمانی مقدم

ابرشهر ← کلانشهر

اتاق فکر

Think Tank

نام رایج برای نهادهای تحقیقاتی، اغلب خصوصی، که در آن نخبگان علمی برای تبیین مسائل مرتبط با سیاستها و راهکارها گرد هم می‌آیند، تا به ارائه طریق و توصیه‌های لازم و مناسب بپردازند. اتاق فکر اغلب مؤسسه سیاستگذاری نیز خوانده می‌شود. به این ترتیب، اتاق فکر در عمل سازمان، مؤسسه، مجمع یا گروهی از کارشناسان است که با پرداختن به بررسیهای علمی و بنابه مورد، با شناسایی عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، راهبردی، فناوری، نظامی و مانند آن، رهنمودها و راهکارهای مرتبط و مناسب را عرضه می‌دارد.

درحالی‌که برخی از اتاق فکرها با نمایندگی

طراحی و اجرا می‌شود؛ فعالیتهایی نظیر دوره‌های جبرانی برای بازماندگان از تحصیل، آموزش بزرگسالان، و دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای خارج از نظام رسمی آموزشی از آن جمله است.

کومبز ویژگیهای زیر را برای آموزش غیررسمی بیان می‌دارد:

- دارای محتوا، ساختار و تشکیلات سازمان یافته است؛
 - غالباً با تجربیات و نیازهای افراد مطرح می‌شود؛
 - می‌تواند دارای نتایج کوتاه مدت، ولی اثرات درازمدت باشد؛
 - نیاز به هزینه‌های بسیار ناچیز دارد؛
 - به سادگی با شرایط محلی قابل انطباق است؛
 - شرکت در آنها داوطلبانه است؛
 - نحوه ارائه خدمات متناسب با توانایی و سبک یادگیری شرکت کنندگان است؛
 - براساس رفع نیازهای فوری است؛
 - ماهیت پویا دارد و در مواردی توسط خود فراگیران کنترل و هدایت می‌گردد؛ و بالاخره،
 - دارای اهداف آموزشی معین است و این موضوع مرز بین آموزش اتفاقی و غیررسمی است.
- آموزش الکترونیکی، از روشها و ابزار جدید آموزشی است که بر مبنای یادگیری و تحصیل از طریق اینترنت استوار است.

در این شیوه جدید آموزش یک وبسایت نقش مدرسه را بازی می‌کند، به این صورت که دانش آموزان به صورت مجازی در کلاسهای درس حضور می‌یابند و از اطلاعاتی که معلمان از طریق شبکه ارائه می‌کنند، استفاده می‌کنند.

یادگیری الکترونیکی (مجازی) امروزه یکی از کاربردهای مهم فناوری اطلاعات و ارتباطات (← فناوری اطلاعات و ارتباطات) در جهان به حساب می‌آید و بخشهای مختلفی از اجتماع، اعم از شرکتهای، صنایع، مؤسسات آموزشی و افراد علاقه‌مند، به آن روی می‌آورند.

کتاب‌شناسی:

- ابراهیم‌زاده، موسی. *آموزش بزرگسالان*. تهران: انتشارات پیام‌نور، ۱۳۸۵.

جایگاههایی در عرصه و فضای سیاسی، با توجه به نوع و دامنه نقطه‌نظراتی که ارائه می‌دهند، حقوق و دستمزد دریافت می‌کنند، بیشتر اتاق فکرها غیرانتفاعی هستند؛ برای نمونه، در ایالات متحد و کانادا، بسیاری از اتاق فکرها با فعالیت خود، تنها از بخشودگیهای مالیاتی بهره‌مند می‌شوند. در بریتانیا، اداره مرکزی بازرگاری سیاستها، یک دفتر مشورتی بود که طی ۱۹۷۰-۱۹۸۳م به‌عنوان اتاق فکر در خدمت حکومت بود. این دفتر وظیفه داشت، برای وزرا و اعضای هیئت دولت بهنگام اتخاذ سیاستها، زمینه‌های اطلاعاتی و مشورتی لازم را فراهم سازد. در این کشور برخی اتاق فکرها مستقل عمل می‌کنند، هرچند بعضی دیگر وابسته به احزاب و یا متعلق به جناحهای خاص سیاسی هستند. مشهورترین آنها عبارتند از: انجمن فابین (تأسیس شده در ۱۸۸۴م)، مؤسسه ادم/اسمیث (با موضوع محافظه‌کاری)، مرکز مطالعات سیاستگذاری (با موضوع دست راستی)، مؤسسه امور اقتصادی، بنیاد بازار اجتماعی (با موضوع دست راستی)، مؤسسه تحقیقات سیاستهای عمومی (متعلق به حزب کارگر)، دموس (بی‌طرف و تأسیس شده در ۱۹۹۳م)، مؤسسه مطالعات مالی (بی‌طرف و فعال در زمینه امور مالیاتی) و مؤسسه سیاستهای اشتغال (مستقل و تأسیس شده در ۱۹۸۵م). در ایالات متحد، مهم‌ترین اتاقهای فکر با گرایش درست راستی عبارتند از: مؤسسه کارفرمایی آمریکا و بنیاد میراث (۱۹۷۳م).

اصطلاح اتاق فکر، در واقع، از دهه ۱۹۵۰م به کار گرفته شد و تا ۱۹۷۰م، تنها چند اتاق فکر وجود داشت که بیشتر در ایالات متحد تشکیل شده و به مشورت دادن در زمینه‌های نظامی مشغول بود. از آن پس، ایجاد انواع اتاق فکر گسترش چشمگیری یافت. امروز، دولتها و نهادها و دستگاههای وابسته به آنها، هریک دارای اتاق فکر خاص خود هستند. درحالی‌که این‌گونه اتاق فکرها دولتی هستند، بسیاری از اتاق فکرها به‌صورت خصوصی اداره می‌شوند و به‌عنوان مؤسسات مشاوره‌ای یا حتی تحقیقاتی، به فعالیت انتفاعی می‌پردازند. از جمله اتاق فکرهایی که به فعالیت و مشورت‌دهی در زمینه روابط غرب و اسلام فعالیت دارند، که از جمله عبارتند از: مجمع بروکینگز، واقع در واشینگتن

(ایالات متحد) که به مقامات وزارت امور خارجه قطر مشاوره می‌دهد؛ گروه پیش‌بینی راهبردها، اتاق فکری که مقر آن در هندوستان است و با انجمن متحد لیبرالها و دموکراتهای پارلمان اروپا همکاری نزدیک دارد؛ میزگرد جهانی اقتصاد، شامل شورا (اتاق فکر)ی ۱۰۰ نفره از سران کشورها که برای بحثها و تصمیم‌گیریهای خود، رؤسای اتاق فکرهای مختلف را، از مرکز اسلامی آکسفورد در دانشگاه آکسفورد تا گروه پیش‌بینی راهبردها و مرکز تحقیقات سیاستگذاری در دهلی (هندوستان) و دانشگاه الازهر (مصر) گرد هم می‌آورد.

کتاب‌شناسی:

- *The Encyclopedia of Management*. Washington, D.C., 2006.
- *Britannica Encyclopedia*. CD, 2006.

عباس سعیدی

اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی

International Union of Local Authorities (IULA)

اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی در ۱۹۱۳م تأسیس شد و شهر لاهه در هلند را به‌عنوان ستاد مرکزی خود انتخاب کرد. هدف اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی، تحکیم پیوندهای مختلف بین مراجع محلی در حوزه‌های اداری محلی و شهرداریها در سراسر جهان است. بسیاری از سازمانهای تخصصی در حوزه اداری شهر و اداره محلی، عضو این اتحادیه هستند. اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی در افریقا، امریکای شمالی، امریکای لاتین، آسیا، شرق مدیترانه و خاورمیانه شعبه دارد.

شاخه اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی در خاورمیانه فعالیت خود را به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی با هدف تحکیم همکاری در میان شهرهای عضو اتحادیه در زمینه اداره محلی امور شهری در ۱۹۸۶م آغاز کرده است.

اثبات‌گرایی در گسترش راه و روش خود- در عمل- بارها با مشکل اساسی روبرو شد؛ مشکل اساسی آن بود که جامعه بشری و رفتار و کنش و واکنش‌های انسانی پدیده‌های آزمایشگاهی نیستند. در آزمایشگاه و در تجربه‌گرایی پژوهشگر باید همه عوامل دیگر را بی‌اثر کند، تا رابطه علت و معلولی ویژه‌ای را به دست آورد حال آنکه این امر در اقتصاد، جامعه و شهر کاری است نه تنها نشدنی، بلکه گمراه‌کننده، زیرا پدیده‌های اجتماعی در حال تحول و اثرگذاری متقابل هستند و از همه مهم‌تر محصول فرایندهای تاریخی و نه یافته‌های محدود علمی گذشته‌اند.

در جامعه‌شناسی، اقتصاد و مطالعات شهری، پوزیتیویسم از راه مطالعات کمی و اثربابی متغیرهای معین بر روی یک متغیر وابسته مورد نظر انجام می‌شود. روش‌های آماری و ریاضی (کلاً اقتصادسنجی و جامعه‌شناسی) بهترین ابزارهای مطالعات اثبات‌گرایانه بشمار می‌آیند. اما مسئله این نیست که این ابزارها مضرند، بلکه این است که آنها در جای خود و در حد توان خود مفیدند. پدیده‌های اجتماعی را باید با رویکردی همه‌جانبه، تحلیلی، در هم‌کنشی با محیط و به‌مثابه پدیده‌های روندی مورد بررسی قرار داد، زیرا یافته‌های محدود آماری و روش تفهیم عوامل پراکنده، تنها در متن و بطن تحلیل‌های ژرف‌تر و همه‌جانبه‌نگر می‌توانند به یاری بیایند.

واقعیت این است که تاکنون تجربه بلندمدت بشری نشان نداده است که پژوهش‌های اثبات‌گرایانه، خارج از محدوده معینی که از نتایج علمی کار آنها انتظار می‌رود، توانسته باشند برای شیوه رفتار و زندگی بشری راه‌حلهای اساسی را نشان دهند. به نظر می‌رسد، انتخاب روش بی‌طرفانه اثبات‌گرایان در نهایت و در عمل، نوعی جانبداری را در خود پنهان می‌کند، زیرا بحثها و انتقادهای اساسی به یافته‌های خود را مخمل پژوهش و ضدعلم تلقی می‌کنند.

البته دانش امروز، به‌ویژه در مطالعات مدیریت شهری، به هیچ روی نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از تحقیقات کمی، آماری، برآوردی، علت‌یابی در حوزه‌های معین بداند، اما نکته مهم آن است که بدانیم یافته‌ها بی‌نیاز از زمینه‌های

اثبات‌گرایی (در مطالعات شهری)

Positivism (and Urban Studies)

در اصل عنوان کتاب آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷م) است که هم به خصلت نوشته تاریخی و هم به ماهیت جامعه‌شناسی می‌پرداخت. آگوست کنت در نهایت به این نتیجه رسید که شناخت جامعه نیز مانند پدیده‌های علوم طبیعی، باید زیر نظر قوانین علمی درآید؛ هر یک از علوم شامل فیزیک، زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی بر نتایج علوم قبلی استوارند؛ و فلسفه با سایر علوم تضادی ندارد و هدف آن از هماهنگی و همسازي کلی علوم از نظر نقشی است که در پیشرفت و ترقی زندگی ایفا می‌کنند.

راه و روش اثبات‌گرایی در علوم اجتماعی (شامل جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، مدیریت، برنامه‌ریزی و جز اینها) دایر بر این بود که هر پدیده اجتماعی را می‌توان و باید از سایر پدیده‌های نامرتبط یا به ظاهر نامرتبط جدا کرد و همچنان‌که در آزمایشگاه علوم تجربی بررسی می‌شود، عوامل مؤثر بر آن را ارزیابی کرد و از طریق رابطه علت و معلولی، تجربی و عمل استقرا به قاعده و قانونمندی حاکم بر آن پدیده و شرایط آن دست یافت. اثبات‌گرایی با شیفتگی کامل در تقلید از روش‌شناسی علوم تجربی، تا بدان‌جا پیش رفت که باور کرد در علوم اجتماعی، تجویز کردن، دستور دادن و دسته‌بندی کردن و به کار بردن ارزشها، خطاهایی نابخشودنیند. طرفداران اثبات‌گرایی آنقدر تسلیم احکام علوم طبیعی در علوم انسانی شدند که آن را نجات‌بخش انسان دانستند، زیرا تجربه می‌توانست به همگان نشان دهد که چه چیزی درست است و چه چیزی باید تابع چه چیزی باشد.

اساسی پدیدآورنده خود نیستند و نتایج حاصله در یک مورد را نمی توان به همه موارد تعمیم داد. مسئولیت پذیری اثبات گرایان در مطالعات شهری نسبت به روشهای علوم طبیعی، عملاً موجب مسئولیت گریزی آنان از مسائل ریشه ای جوامع شهری شده است.

یکی از مهم ترین مسائل شهری در کشورهای کم توسعه، ناموزونی چهره شهری است که با گرانی زمین و مسکن بر بستر توزیع نابرابر درآمد ارتباط دارد. یک پژوهش با روش پوزیتیویست ممکن است نشان دهد که رابطه فاصله مکانی در محله شهری با مرکز شهر (← مرکز شهر) یا با بهترین محله شهری (← محله شهری) کدام است؛ ممکن است این نتیجه را برای قیمت سرفعلی واحدهای تجاری نیز به دست دهد؛ ممکن است حتی دریابد چرا تفاوت قیمت دارد؛ و ممکن است به گونه ای پیچیده در قالب الگوهای ریاضی-آماري آن را به ماهیت کالای فاسدشدنی، خدمات شهری، براساس تقاضاها و به نحوه عرضه ارتباط دهد، اما همه این یافته ها که ممکن است برای تصمیمهای محدود و مقطعی و کم اثر مدیریت شهری مفید باشند، قادر نیستند که از فلاکت سکونت در مناطق فقیرنشین و بافتهای به شدت فرسوده و محله های بسته حاشیه ای که عامل پرورش بیماری، آسیبها و نابرابریها و رنج بشری هستند، بکاهند. بدینسان، تحقیقات پوزیتیویستی برای آنکه مؤثرتر باشند، بایستی خود را هرچه بیشتر به نیازهای اساسی نزدیک کنند و فعال مایشاء تحقیقات شهری و منطقه ای به حساب نیایند. روشهای پوزیتیویستی در برنامه ریزی و مطالعات شهری، شامل مرحله های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، بایستی مراحل زیر را طی کنند تا به نتایج قابل استناد و ضروری برای بهبود زندگی شهری برسند:

- تعیین قلمروی اجتماعی تحقیق؛
- تعیین انتظارات اثرگذاری؛
- تعیین ژرفاگستری تحقیق براساس ارزیابی؛
- تعیین الگوی اولیه تحقیق براساس نظریه های ریشه ای، بنیادی اساسی و قابل دفاع؛
- ارزشگذاری ضوابط الگوی اولیه و سمت و سوی تحقیق؛
- مطالعه اولیه میدانی برای شناخت؛

- گردآوری و تولید آمار و اطلاعات؛
- تدوین الگوی ویژه برای اندازه گیری و سنجش (به نحوی که هم از ضابطه های ریاضی و آماری و هم از ضابطه های موازین علمی خاص برخوردار باشد)؛
- تکمیل آمار و اطلاعات میدانی و اسنادی؛
- اندازه گیریها، سنجشها و کسب نتایج؛
- استدلال و تحلیل و علت یابی روشن و صریح؛
- تجویز؛
- بیان صریح علمی و صادقانه حوزه های عملکردی و تأثیرگذاری تجویزها، به ویژه از حیث آمیختگی آنها با ارزشها و موازین پایه ای پژوهش؛
- نشان دادن راههای منتهی به ریشه یابیهای اساسی تر و جانبی تر؛ و
- ارائه محدودیتهای واقعی اثرگذاری.

کتابشناسی:

- رئیس دانا، فریبرز. *رویکرد و روش در اقتصاد*. فصلهای ۳، ۴ و ۵، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۳.
- ویر، دیوید و وید جودیت. *تجربه گرایی در جامعه شناسی*، ترجمه حسن شمس آذری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.

فریبرز رئیس دانا

اجتماع محلی

Local Community

گرچه بخش عمده ای از مفاهیم علوم اجتماعی، بنابه ماهیت سهل و ممتنعند، اما هیچ یک در پیچیدگی، تنوع معنا و کاربرد، به پایه مفهوم *اجتماع محلی* نمی رسند؛ این واژه در زبان فارسی به اجتماع نیز ترجمه می شود. اجتماع محلی در ظاهر امر، به گروه یا اجتماعی از ارگانیسماهایی اطلاق می شود که محیط و معمولاً علایق مشترک دارند. در اجتماعات محلی انسانی، احتمال دارد که اشتراک در هدف، باور، منافع، ترجیحا، نیازها، مخاطرات و مانند آن وجود

هنوز می‌توان بدان سکونتگاه، اجتماع محلی نام داد؟ پرسش یاد شده جوهر مناقشاتی است که سر باز ایستادن ندارد. اما مشکل تنها به مورد یاد شده ختم نمی‌شود. زیرا اجتماع بدون پسوند محلی برای مجموعه‌های اجتماعی و گروهی متعدد دیگری نیز به کار می‌رود. مثلاً از اجتماع دانشمندان، هنرمندان، استادان دانشگاه، بنایان و سایر اصناف و اصحاب حرفه‌ها نیز یاد می‌شود و حتی کل آدمیان روی زمین را نیز اعضای اجتماع انسانی لقب داده‌اند.

فردیناند تونایس، جامعه‌شناس آلمانی، در کتاب خویش به نام *اجتماع محلی و جامعه*، به تمایز این ۲ مفهوم و مقوله اجتماعی پرداخته است (۱۸۸۷م). در نظر او، اجتماع محلی از جمله اجزای جامعه است که اعضای آن ارتباطی نزدیک‌تر و تنگاتنگ داشته و از انسجام اجتماعی بالاتری برخوردارند. تونایس معیار نزدیکی و رابطه تنگاتنگ را *وحدت اراده* تعریف کرده است. البته نظر او با آنچه نگارنده در اینجا در مورد معنای اجتماع محلی مکان محور، یعنی پولیس، عرضه داشت، ظاهراً یکسان نیست، زیرا او خانواده و کلان را بیان رسای اجتماع محلی می‌داند و اضافه می‌کند که اشتراک محل زندگی و باورها و پنداشتها نیز به شکل‌گیری اجتماع منجر می‌گردد.

به نظر تونایس، اشکال بیرونی زندگی اجتماع محلی که از طریق اراده طبیعی خود را نشان می‌دهد، به شکل خانه، روستا و شهر کوچک به نمایش درمی‌آید. این مقوله‌ها اشکال پایدار زندگی واقعی و تاریخیند. شهرهای کوچک بالاترین و پیچیده‌ترین اشکال زندگی اجتماعیند. خصیصه محلی شهر کوچک که با روستا مشترک است، مشابه خصیصه خانواده در محدوده خانه است، زیرا هم روستا و هم شهر کوچک، بسیاری از ویژگیهای خانواده را حفظ می‌کنند البته این خصایص در روستا بیش از شهر کوچک محفوظ می‌ماند. تنها آنگاه که شهر کوچک به شهری واقعی تبدیل می‌شود، تمامی این خصایص از میان می‌رود. در واقع، در نظر تونایس، شهر کامل نقطه آغازین مفهوم جامعه است که ویژگی محلی خود را از دست می‌دهد. او سپس ملت و مجموعه ملل یا کشورها را اوج جامعه معرفی می‌کند. از این روی، افزودن مفهوم محلی به اجتماع توجیه

داشته باشد و آدمیان را به هم ببیوندد. بر این اساس، اعضای اجتماع محلی بر پایه همان عضویت به هویت مشترکی دست می‌یابند که البته نافی هویت‌های دیگر آنان نخواهد بود. اجتماع محلی از واژه لاتین *Communitas* مشتق شده است که به معنای مثل هم، همانند و یکی بودن است. این واژه خود مشتق از واژه *Communis* است که به معنای مشترک و مشترک برای بسیاری، انبوهی و گروهی است؛ از این گذشته، واژه *Communis* خود ترکیبی از دو جزء *Con* (به معنای باهم) و *munis* (به معنای انجام خدمات) است. در نتیجه، اجتماع محلی در نهایت، به معنای گروهی از مردم است که وظایف جمعی خاصی را با هم انجام می‌دهند. به کارگیری این مفهوم نخست در پولیس (با مسامحه: دولت-شهر) آتن و سپس پولیسهای رومی، گویای معنای دیگری است؛ اجتماع محلی در دنیای هلنی و رومی، به اعضای صاحب حقوق، موظف و مسئول- یعنی شهروندان پولیس- اطلاق می‌شد که شهروند بودن را بر تمامی هویت‌های گوناگون خویش رجحان می‌دادند و با هم برای خیر عمومی یا مصالح پولیس انجام وظیفه می‌کردند. بر این اساس، این شهروندان علی‌رغم تفاوت‌هایی که بین ایشان وجود داشت، در مقاصد و باورهای مشخص، در بهره‌گیری از منابع معین مشترک بودند و نیازهای خاصی، علاوه بر نیازهای فردی، داشتند. اینان برای بقای پولیس، مخاطرات مشترکی چون محافظت از پولیس، حفظ قوانین، جلوگیری از قدرت گرفتن فرد و دخالت دادن منافع فردی و تبار محور و حفاظت از نهادها و سازمانها و رویه‌های جاری در پولیس، تا پای جان پیش می‌رفتند. بدیهی است که هرگز همگان در امور یاد شده برابر نبودند و آنچه که مورد تأکید است، وجود گرایشی مسلط در حفظ پولیس یا محل زندگی مشترک بوده است. علاوه بر این، این پرسش مطرح است که آیا مجموعه‌های اجتماعی که بر پایه خون و تبار چون خاندان، قوم، قبیله و عشیره پدید می‌آیند، اجتماع محلی خوانده می‌شوند؟ به بیان دیگر، اگر اشتراک آدمیان به مکان زندگی یا زیستگاه انسانی محدود شود، لیکن در درون آن سکونتگاه هر گروهی منافع خون محور و تبار و نیا بنیاد خود را بر سایر وجوه مشترک رجحان دهد، آیا

می‌گردد. تونایس بیان‌کننده نامحلی بودن، جامعه توده‌وار (Mass Society) است که در آن، روابط نزدیک جای خود را به روابط رسمی می‌سپارد و حیطه اقتصادی و کنش و واکنشهای شغلی اهمیتی اساسی پیدا می‌کند، خانواده بسیاری از خصایص خود را از دست می‌دهد و به سازمانهای رسمی وامی‌گذارد.

گرچه اثر تونایس در بحث از اجتماع محلی فوق‌العاده اثرگذار بوده است، اما مانند بسیاری از منابع و متون علوم اجتماعی، مستقیماً به تجربه اروپای غربی اشاره دارد؛ تجربه‌ای که با پیدایش سرمایه‌داری، به‌ویژه سرمایه‌داری صنعتی که وقوع آن مدیون انقلاب صنعتی است، امکان مقایسه ۲ وجه مهم چون جامعه سنتی و جامعه صنعتی را فراهم آورد.

پرسش آن است که به چه میزان مفهوم اجتماع محلی آنچنان‌که متفکران علوم اجتماعی مغرب زمین به توصیف آن پرداخته‌اند، در مورد سایر جوامع، از جمله ایران، موضوعیت دارد. آیا در جامعه ایران نیز تقسیم‌بندی اجتماع محلی و جامعه توده‌وار با توصیفی که از این ۲ می‌شود، مطابقت دارد؟ به‌ویژه آنکه بهنگام سخن گفتن از اجتماع محلی، گاه ۲ شرط آزادی و امنیت، به‌عنوان ویژگیهای پایه‌ای اجتماع محلی، عنوان می‌گردد.

مفهوم اجتماع محلی در رشته‌های علمی گوناگون گرچه محوری واحد دارد، به اشکال گوناگونی به کار می‌رود. برای مثال، ارسطو که از اولین کسانی است که از واژه اجتماع محلی استفاده کرده است کتاب سیاست خود را با اشاره به اجتماع سیاسی آغاز می‌کند و می‌نویسد: هر دولتی نوعی اجتماع محلی است و هر نوع اجتماع محلی با نگاهی به نوعی خیر بنا می‌شود، زیرا آدمیان همواره در جهت به کف آوردن آنچه که خیر یا خوب می‌انگارند، دست به عمل می‌زنند. لیکن چنانچه تمامی اجتماعات محلی نوعی خیر را هدف قرار می‌دهند، دولت یا اجتماع سیاسی که برترین تمام اجتماعات است و سایر اجتماعات را دربر می‌گیرد، به میزانی بیشتر از سایر اجتماعات، بالاترین خیر را هدف قرار می‌دهد.

انسان‌شناسان به مطالعه اجتماع محلی از منظر فرهنگ می‌پردازند؛ قوم‌نگاران از طریق مطالعات میدانی، به شناخت

ویژگیهای اجتماع محلی همت می‌گمارند؛ فلسفه اجتماعی با نقد سرمایه‌داری و لیبرالیسم کلاسیک، به دفاع از جامعه مدنی که حس اجتماع محلی را به حداکثر می‌رساند، سخن می‌گویند؛ و بالاخره، جغرافیای شهری به اجتماع محلی از منظر فضا و مکان نگاه می‌کند.

اجتماع محلی مکان محور که به اجتماع محلی جغرافیایی نیز مشهور است، دربرگیرنده محله، حومه، روستا، شهرک یا شهر کوچک و شهر است. در این رابطه، افرادی که در مکان مشترکی روزگار می‌گذرانند، اعضای اجتماع محلی بشمار می‌آیند و اجتماع محلی را پدید می‌آورند. گاهی این اجتماع محلی از طریق فعالیت‌های جمعی برای نفع همگانی در مکانی خاص، مثلاً محله شناخته می‌شود. برخی از نظریه‌های اجتماع محلی ادعا دارند که مکان، مهم‌ترین عنصر جامعه مدنی و توسعه اجتماع محلی است. بر پایه این نظریه‌ها، چنانچه حس مشترک اجتماع محلی و حس مکانی با هم ترکیب شوند و این حس در افرادی که کنار هم زندگی می‌کنند، پدید آید و هر دم تقویت شود، اجتماع محلی پایدار و مقاوم و منسجم خواهد بود که در جهت بهزیستی تمام ساکنان خود گام برمی‌دارد. در این رابطه، مفهوم اجتماع محلی ارادی یعنی گزینش آگاهانه مکان زندگی از سوی گروه اجتماعی خاص مطرح می‌شود چنین مکان‌هایی می‌توانند با کارایی بیشتر امور محله، شهرک و شهر خود را پیگیری کنند و معماری، مهندسی، برنامه‌ریزی و اداره مردمی و خردمندانه (حکمرانی خوب) را به بهترین وجه به خدمت گیرند و بدینسان، هویت مکان محور مشترکی را تقویت نمایند. مهم‌ترین نقدی که به تمام مفاهیم مرتبط با اجتماع محلی مکان محور ارائه می‌شود، خطر خودمحوری چنین گروه‌هایی است که می‌تواند به پایمال شدن حقوق افراد غیر عضو یا غریبه منجر شود.

کتاب‌شناسی:

- Anderson, B. *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. London: Verso, 1983.
- Putnam, R. *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster, 2000.
- Gottschalk, S. *Communities and Alternatives*. Cambridge, Mass: Schenkman, 1975.

پرویز پیران

Rural Revitalization

بررسی آمارهای رسمی گواه بر آن است که در ایران با گذشت زمان، جمعیت شهرنشین رو به افزایش و در مقابل، درصد جمعیت روستایی رو به کاهش است. این پدیده، در عمل، به بهای تخلیه و تخریب مزارع، باغها و خانه‌های روستایی تحقق می‌یابد. با وجود غلبه این روند، موارد استثنایی نیز به چشم می‌خورد. این موارد گاهی به صورت برنامه‌ریزی شده از سوی دولت و گاهی به صورت تحول در بعضی از شرایط زیست و منابع روستایی پدیدار می‌گردد.

تحول در جمعیت روستایی

اگر آمار رسمی کشور را در مقاطع و سالهای گوناگون نگاه کنیم، شاهد سیر نزولی درصد جمعیت روستایی و در برابر آن، افزایش جمعیت شهری هستیم. درصد جمعیت روستایی در ۱۳۶۳ش، ۷۴/۴٪، در ۱۳۶۵ش، ۴۵/۶٪ و در ۱۳۸۵ش، ۳۰٪ از کل جمعیت کشور بوده است.

با نگاهی به آمار جهانی، درمی‌یابیم که چنین روند تحولی در سطح جمعیت جهان نیز مشهود است. قابل توجه است که یکی از شاخصهای توسعه‌یافتگی در معیارهای رایج جهانی، بالا بودن نسبت جمعیت شهرنشین و بدینسان، پائین بودن جمعیت روستایی است. خصوصاً آنکه نیروی شاغل در بخش کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته غالباً کمتر از یک دهک از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد، حال آنکه در کشورهای توسعه‌نیافته، بخش عمده جمعیت، روستائین و شاغل در بخش کشاورزی است. برای مثال، کشور افریقای بروندی، با بیش از ۹۰٪ جمعیت روستایی و شاغل در بخش کشاورزی، در زمره فقیرترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. روند کاهش نسبت جمعیت روستایی، شاهدی بر تخریب و تعطیل روستاهاست. درحالی‌که نسبت جمعیت شهری و روستایی در سطح جهانی تقریباً ثابت است، در کشورهای درحال توسعه، نه تنها نرخ رشد جمعیت بالاتر است، بلکه درصد جمعیت

عوامل مؤثر در تخلیه روستاها

شناسایی عوامل مؤثر در تخلیه جمعیتی روستاها، اولین گام در جهت شناسایی روشهای احیاء روستایی است. اگرچه ممکن است روستایی به شکل غیرمنتظره و غیرعادی تخلیه شود، اما در اغلب موارد، عوامل اقتصادی-اجتماعی در این فرایند اثر گذارند.

فعالیت تولیدی کشاورزی که عامل ماندگاری روستائیان در محل است، می‌تواند به دلایل گوناگون دچار رکود گردد. این رکود خود باعث مهاجرت روستائینان به شهرها می‌شود. درعین حال، مهاجرت نیروی جوان، روند تولید روستا را با وقفه روبرو می‌سازد، تا جایی که ممکن است به نابودی و تعطیلی زندگی و فعالیت در آن بیانجامد.

روند نزولی تولید کشاورزی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. از جمله مشکل خشکسالی و یا کمبود منابع آب. چنین پدیده‌هایی را در اواخر دهه ۱۳۷۰ش در مناطق گسترده‌ای از ایران شاهد بودیم؛ چشمه‌های بسیاری خشکید و قناتها کم آب شد و تولید کشاورزی با وجود تابستان گرم و سوزان، رو به نابودی نهاد.

برای کشاورزان کم بضاعت که گذران زندگی روزمره ایشان موکول به تولید سالیانه است و فاقد پس‌انداز هستند، چاره‌ای جز ترک منطقه و جستجوی ادامه حیات در منطقه دیگر، احتمالاً در حاشیه شهرها باقی نماند. حتی اگر خشکسالی برای دوران کوتاهی باشد، چاره‌جویی برای تخریب اراضی و باغهای تخریب شده و بازگشت مهاجرانی که در منطقه جدیدی استقرار یافته و روزی خود را به شیوه دیگری به دست می‌آورند، بعید به نظر می‌رسد.

اتفاقات دیگر، از جمله تقسیم زمینها به قطعات کوچک، به نحوی که تولید را غیراقتصادی می‌سازد و خصوصاً با گذشت یک نسل و تقسیم زمین به قطعات کوچک‌تر، عملاً منجر به بحران تولید و تشدید مهاجرت از روستاها شده است.

علاوه بر اینها، وقوع حوادثی، همچون زلزله و یا سیل و تخریب کامل روستا و تأسیسات زیر بنایی وابسته به آن،

روند احیاء روستایی

شهرنشینهای خسته از دود و زندگی شتابان و فرساینده، می‌کوشند در فرصتی برای تمدد اعصاب و لختی آرامش از شهر بگریزند. مقصد آنها در وهله اول روستاهای حاشیه شهرهاست. دگرگون شدن بافت جمعیتی و کالبدی روستاهای نزدیک شهر تهران، از جمله منطقه لواسانات، و اوشان و فشم، در زمره مصادیق بارز این روند است. فاصله کوتاه لواسان با تهران باعث شده است تا این روستا عملاً به‌عنوان مسکن حاشیه‌ای شهر تهران، تغییر ماهیت دهد.



تبدیل روستاهای حاشیه شهرهای بزرگ به سکونتگاههای ییلاقی، فرایندی است ظاهراً غیرقابل مقابله. اقتصاد قوی شهرها به روستاها سرازیر می‌شود و اولین تأثیر آن افزایش سرسام‌آور قیمت زمین است. در چنین شرایطی، ارزش زمینهای کشاورزی یا باغها به‌نحوی رشد می‌کند که سرمایه‌گذاری پول حاصل از فروش آنها در بانکها با سود متعارف، درآمدی به‌مراتب بالاتر از تولید کشاورزی یا دامداری خواهد داشت.

از سوی دیگر، تزریق درآمد شهرنشینهای ییلاق‌نشین به اقتصاد روستا می‌تواند کیفیت زندگی آنها را به‌طور کلی متحول کند. مناطقی مانند روستاهای شهرستان دماوند، روستاهای چشمه‌علا-گیلاوند- و شهر آبسرد، در زمره سکونتگاههایی هستند که چنین فرایندی را طی کرده‌اند.

روستاهای ویژه

در سالهای اول دهه ۱۳۸۰ش، بنیاد مسکن انقلاب

مانند بند و کانال و غیر آن، از دیگر عوامل تخلیه روستاهاست.

ضعف اقتصاد روستایی و ناچیز بودن درآمد روستانشینان در برابر کار و سرمایه‌گذاری نسبتاً بالا برای اجاره زمین و نهاده‌های کشاورزی و عدم کنترل قیمت محصولات در بازار، نوعاً به رها کردن زمین و زندگی در روستا منجر می‌شود. گاهی قیمت خرید محصول در بازار در حدی است که حتی هزینه جمع‌آوری و بسته‌بندی آن را نیز تأمین نمی‌کند. مواردی را شاهد بوده‌ایم، که کشاورز ترجیح داده است که محصول سیب‌زمینی خود را از زیر زمین بیرون نکشد، چون هزینه این کار با قیمت خرید سیب‌زمینی در بازار توسط واسطه‌ها جمع عدد منفی را به ضرر کشاورز نشان داده است. در این اقتصاد ناسالم، گاه قیمت خرید محصول در محل با آنچه در بازار به مردم عرضه می‌شود، به نسبت یک به ۱۵ است.

مشقت کار کشاورزی، نداشتن بیمه و خطر کم آبی و یا آفت‌های مختلف و همچنین نوسان غیرقابل پیش‌بینی قیمت‌ها، باعث می‌شود که روستانشینها به تدریج کار و تولید بومی خود را رها ساخته و به دنبال شغل‌های کارگری و امثال آن که حداقل از نظر درآمد وضعیت تثبیت شده‌تری دارد، به شهرها روی آورند. شهر یک جاذبه مهم دیگر هم دارد و آن دسترسی به خدمات عمومی است. وجود دکتر و درمانگاه-مدرسه-آموزشگاه و حتی امکانات آموزش مذهبی و مانند آن، مشوق مهاجرت روستائیان و ماندگاری ایشان در شهر است.

بی‌تردید وسایل ارتباط جمعی که پیشاپیش در مناطق روستایی فراهم شده و انواع برنامه‌های متنوع و غالباً بی‌ارزش و یا کم‌ارزش را پخش می‌کنند، دنیای متفاوتی را تصویر می‌کنند. فاصله وسیع میان واقعیات زندگی روستائیان با آنچه وسایل ارتباط جمعی تصویر می‌کنند، روستائیان، خصوصاً جوانها را هوایی می‌کند. مشروع‌ترین بهانه‌های مهاجرت‌ها، ادامه تحصیل است. چنین روندی به‌طور جدی موجب نگرانی و ضرورت جستجوی راه چاره است.

سرمایه‌گذاری در زمینه مقاوم‌سازی مسکن روستایی، از این جمله‌اند. اگرچه در میزان کارایی و توفیق این سیاستها تردید وجود دارد، زیرا جادبه شهرها آنقدر قوی است و کار کشاورزی آنقدر فرساینده است که به سختی می‌توان این معادله را متوازن نمود، مگر اینکه شرایط ممتاز پیش‌بینی نشده‌ای فراهم شود.

برای مثال، حفر چاه عمیق و دسترسی به آب فراوان در منطقه کم‌آب، هرچند ممکن است به قیمت خشکاندن قناتهای منطقه تمام شود، ولی گاهی نیز نعمتی خداداد را به یکباره بر مردم منطقه عرضه می‌کند. در چنین شرایطی دوام و یا حتی گسترش روستائینی دور از ذهن نیست.

به‌همین ترتیب، کشف معدن و یا ایجاد صنایع تبدیلی و یا شهرهای صنعتی در یک منطقه روستایی می‌تواند اثرگذار باشد. در این حالت، روستائیان به تدریج به کارگر کارخانه‌ها تبدیل شده و شغل کشاورزی و دامداری برای ایشان ثانویه خواهد شد. بی‌شک شهر صنعتی قزوین و شهر صنعتی کاوه در نزدیکی شهر ساوه چنین تأثیری را در روستاهای منطقه داشته است.

مهاجرت روستائیان به شهرها و تبدیل سکونتگاههای روستایی به شهر پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. با این وجود، گاه مجالی برای زندگی مجدد روستایی رو به افول و نیمه جان فراهم می‌آید. ایجاد زمینه‌های جدید اشتغال‌زایی تأمین منابع تازه کشت و کار و بسط و نشر گردشگری در زمره روشهای معمول احیاء روستایی است؛ اگرچه هرکدام از این اقدامات می‌تواند حیات اقتصادی تازه‌ای برای روستائیان فراهم کند، ولی نباید از آثار جانبی و گاه سوء آنها، از قبیل انحراف فرهنگی-ارزشی و مشکلات زیست‌محیطی غافل ماند. لازمه یک طرح احیاء، شناسایی امکانات بالقوه موجود در محل از یکسو و وجود انگیزه کافی مشارکت جمعی روستائیان و خواست جمعی ایشان برای تحول اساسی در چرخه زندگی است. برنامه‌های احیاء غالباً پیچیده و زمانبر هستند و نیاز به ابزار و لوازم و نیروی انسانی مناسب و متخصص دارند.

بازسازی و تغییرات کالبدی تنها بخشی از فرایند کلی احیاء را به‌خود اختصاص می‌دهد و شاید در زمره

اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) در فرایند تهیه طرحهای هادی برای روستاها، با موضوع تازه‌ای با عنوان روستاهای ویژه مواجه شد. روستاهای ویژه، به دلایل مختلف، چنین عنوانی را به خود اختصاص داده‌اند. روستایی مانند ایبانه، با بافت غنی، معماری و فرهنگ ویژه پوشاک خاص و مراسم مذهبی، نمونه‌ای از این روستاهاست.

جاذبه‌های این روستا هزاران نفر را به‌خود جذب می‌کند و این درحالی است که جمعیت بومی ایبانه رو به تخلیه و اقتصاد آن رو به توقف و نابودی است. گردشگران بی‌مالات که دلشده پدیده‌های نوین هستند، محیط‌زیست و فرهنگ آن را در مسیر اضمحلال قرار داده‌اند.

روستاهای ویژه دیگری هم وجود دارند، مانند ماسوله در منطقه فومن و یا روستای کندوان در منطقه اسکو، در نزدیکی شهر تبریز که از لحاظ کالبدی ویژگی خاصی دارند. کوچه‌ها و خانه‌هایی که با مصالح بوم‌آورد با زیبایی فطری روستائیان و استادکاران بومی برهم چیده شده است. هر از چندگاه یکی از این روستاها شناسایی و معرفی می‌شوند: جواهرده در نزدیکی رامسر و امامزاده ابراهیم در فومن از این نمونه‌ها هستند.

جادبه و ویژگی روستا ممکن است غیرکالبدی باشد؛ فرهنگ غیرمادی، همچون برگزاری مراسم مذهبی از آن جمله است. روستاهای منطقه کوهپایه، از جمله قمصر کاشان در اردیبهشت‌ماه هر سال با مراسم گلاب‌گیری، هزاران نفر را برای بازدید به‌سوی خود می‌کشاند، تا از نزدیک شاهد یکی از شگفت‌انگیزترین صنایع سنتی کشور باشند و همزمان ساعتی را در دامن طبیعت بگذرانند.

سرمایه‌گذار بهای دولت

ادامه حیات جامعه موکول به تأمین مواد غذایی و تأمین خوراک موکول به ادامه حیات و دوام روستاهاست. دولتها در همه جا می‌کوشند که از مهاجرت روستائیان جلوگیری کنند و آنها را تشویق به تولید نمایند. شگردهایی از قبیل خرید تضمینی محصولات، ارائه خدمات کشاورزی، از جمله توزیع بذر اصلاح شده و کود شیمیایی و همچنین

ساده‌ترین بخشهای آن باشد. درحالی‌که تحلیل و پیش‌بینی آثار فرهنگی - اجتماعی طرحهای احیاء که ممکن است به‌راحتی مورد غفلت قرار گیرند، بسیار جدی است.

کتاب‌شناسی:

- سرشماری آمار نفوس و مسکن اداره کل آمار ایران سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵.

اکبر زرگر

احیاء زمین

Land Reclamation

عمل تبدیل زمین بایر به زمین حاصلخیز از طریق اعمال آبیاری، زهکشی، کنترل سیلاب، تغییر و اصلاح بافت، مواد معدنی و آلی خاک و پیشگیری از فرسایش. چشم‌اندازهای طبیعی و انسان‌ساخت ممکن است به طرق مختلف، از جمله به‌واسطه بهره‌برداری و فراوری منابع تجدیدناپذیر (مانند سوخت فسیلی، کانیها و خاکدانه‌ها)، و نیز انباشت مواد زائد و آخال و یا فعالیتهای مرتبط با بهره‌گیری از منابع تجدید شونده (مانند کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، گردشگری و گذران اوقات فراغت) و نیز فعالیتهای صنعتی و زندگی شهری، در معرض تخریب شدید قرار گیرند. به‌منظور تداوم و پایداری بهره‌برداری از منابع تجدید شونده (خاک، گیاه، آب و جانوران) در این‌گونه عرصه‌ها، احیاء زمین به انجام می‌رسد. احیاء زمین در اغلب موارد با بهسازی و اصلاح خاک همراه است. یکی از پدیده‌هایی که به تخریب و حتی بایر ماندن اراضی حاصلخیز منجر می‌شود، پدیده شوری خاک به‌واسطه آبیاری است. گرچه آبیاری عمدتاً در مناطق خشک و نیمه‌خشک (با کمتر از ۵۰۰ میلیمتر متوسط بارش سالانه) به انجام می‌رسد، اما ضمناً در مناطق مرطوب نیز برای کشت محصولات معین، از جمله برنج، به کار می‌رود. اراضی آبی جهان حدود

۲۲۰-۲۵۰ میلیون هکتار برآورد می‌شود که حدود نیمی از آن به ۳ کشور پاکستان، هندوستان و چین اختصاص دارد. بسیاری از مناطق، به‌ویژه چین، مصر، ایران، بین‌النهرین و هند، از زمان باستان پیوسته تحت آبیاری بوده‌اند. اقدام به آبیاری مداوم و فشرده، به‌ویژه در نواحی با نرخ بالای تبخیر، به‌واسطه تبخیر آب از سطح زمین، موجب افزایش شدید ذرات نمک در لایه‌های بالایی خاک می‌شود و آن را برای بهره‌برداریهای زراعی نامناسب می‌سازد. در مقابل، زهکشی در کشاورزی، به مفهوم خارج کردن آب اضافی از خاک که سابقه آن در مصر و رم به دوره باستان باز می‌گردد، در صورتی‌که به وجه مناسبی به انجام رسد، می‌تواند به بهبود ساختار خاک و نیز به افزایش اثربخشی کودهای فسفره و حفظ نیتروژن خاک منجر شود و از آبگرفتگی، شسته شدن املاح و شوری خاک که اغلب حاصل آبیاری است، جلوگیری نماید.

احیاء زمین به ۲ معنا به کار می‌رود که هر ۲ به مفهوم تغییر اراضی یک ناحیه به حالت مطلوب است: نخست، بهسازی زمین و بازگرداندن آن به حالت طبیعی؛ و دیگری، تغییر زمین از شکل طبیعی آن به‌صورت اراضی قابل کاربری.

به این معنا، احیاء زمین عبارت است از ایجاد اراضی جدید در محل‌هایی که پیش از آن آبگیر بوده است. از نمونه‌های قابل ذکر آن، شهر واشینگتن است که بر روی اراضی قرار دارد که پیش از این، باتلاق بود. همچنین اراضی نویافته در هلند نیز از این‌گونه زمینهای احیاء شده بشمار می‌روند. شهرهای جنوبی چین در هنگ‌کنگ و ماکائو و نیز سنگاپور به خاطر اقدامات خود در زمینه احیاء زمین شهرت دارند. از جالب‌ترین نمونه‌های احیاء زمین، جزایر پالم (پالم ایلند) و دویی در امارات متحده است. احیاء زمین ضمناً به معنای بازسازی اراضی تخریب‌شده نیز هست. به‌این‌ترتیب، احیاء زمین روند پاکسازی زمین در یک محل است که در معرض تخریب مداوم محیطی قرار داشته باشد. این‌گونه احیاء زمین می‌تواند به‌منظور برخی کاربریهای انسانی (نظیر ساخت مسکن) و یا بازسازی و تبدیل اراضی به حالت طبیعی و اولیه خود، به‌عنوان عرصه

بازسازی محله سیاه‌پوستان شیکاگو یا برونزویل در دهه ۸۰م و بازسازی مرکز شهر بیروت در سالهای اخیر، از جمله نمونه‌های بارز باز زنده‌سازیند که همگی به‌استثناء مورد شیکاگو، ناشی از جنگ و یا جنگ داخلی بوده‌اند. تجربه قبلی باز زنده‌سازی به محله‌های اروپایی فقیرنشین که به محله‌های پرولتاریایی و عمدتاً یهودی‌نشین (گتو) تعلق دارد.

هجوم سیل‌وار جمعیت به شهرهای پررونق صنعتی و تجاری، شرایطی فوق‌العاده بحرانی پدید آورد. بحرانهای ادواری سرمایه‌داری مزید بر علت شد و به بیکاری انبوه کارگران مشغول به کار منجر گردید و نرخ جرم و جنایت در محله‌های فقیرنشین به‌شدت افزایش یافت. ادبیات اعتراضی بداندسان که در آثار چارلز دیکنز، دوساسی و ویکتور هوگو منعکس شده است، توجه عموم را به مسائل این‌گونه مناطق شهری جلب کرد و بالاخره در پی کشف علل این مسائل، علوم اجتماعی سربر آورد. بدیهی بود که با مطالعات میدانی و کشف برخی علل، سؤال بعدی چه باید کرد، بود. برنامه‌ریزی شهری محصول قانونمند چنین پرسشی بود که با بازسازی گتوها، حضور خود را اعلام داشت و به تدریج، جایگاهی تثبیت شده به کف آورد.

علاوه بر بازسازی گتوها و ویرانه‌های جنگ که ۲ تجربه عمده در احیای شهری در ۲ زمان متفاوت بود و به اروپا تعلق داشت، تحول اساسی بازگشت به مرکز شهر تجربه سومی بود که در ایالات متحد رخ داد. در گرماگرم رشد بی‌سابقه اقتصاد ایالات متحد به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، الگویی برای خانواده امریکایی و طبقه متوسط به بالا به تدریج شکل گرفت که خانواده‌ای هسته‌ای را تصویر می‌کرد که از شوهر و همسر او با ۲ فرزند تشکیل می‌شد. شوهر و زن هر دو اتومبیل شخصی داشتند، در مرکز شهر کار می‌کردند و شب هنگام به حومه که محل زندگی آنان بود، بازمی‌گشتند. این روند سبب فرسوده شدن مناطق مسکونی اطراف مراکز شهرهای مهم ایالات متحد گردید. با جهانی‌سازی از بالا یا از دریاچه اقتصاد، الگوی یاد شده دستخوش دگرگونی شد. بخش قابل ملاحظه‌ای از خانواده‌ها در اثر طلاق به خانواده گسسته تبدیل شدند.

حیات وحش، به انجام رسد.

کتاب‌شناسی:

- *Britannica Encyclopedia*. CD, 2006.

(عباس سعیدی)

احیاء شهری

Urban Revitalization

شهرها، مناطق و محدوده‌های زندگی شهری از منظره‌ای چون موجوداتی زنده و ارگانیک پویا نگریسته می‌شوند؛ به سخن دیگر، چون موجودات زنده به دنیا می‌آیند، می‌بالند، به اوج فعالیت خود می‌رسند، به تدریج فرسوده می‌شوند و احتمالاً می‌میرند و به مخروبه‌ای تبدیل می‌شوند. احیاء شهری، باز زنده‌سازی، اصلاح بافتهای فرسوده و نوسازی شهری، همگی به دخالتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فرسوده و مخروبه شدن کل شهر و در بیشتر موارد، بخشها و محله‌هایی از شهر و نوسازی و دوباره شاداب کردن آنها به انجام می‌رسند. از آنجا که دخالت در خانه و شهر برای جلوگیری از نابودی و فرسوده شدن آن، همواره مطرح بوده است، نمی‌توان زمان خاصی را برای شروع و ادامه احیاء شهری و باز زنده‌سازی آن در نظر گرفت. با این وجود، دخالت گسترده در بافتهایی که به بافتهای پرمسئله و مشکل‌دار معروفند، آن هم براساس برنامه‌ریزی و به کارگیری الگوها و شیوه‌های تعریف شده، به دهه ۱۹۴۰م و به‌ویژه نیمه دوم این دهه که با پایان جنگ جهانی دوم همزمان است، بازمی‌گردد. معمولاً در تجربه انگلستان، ایالات متحد و بسیاری از شهرهای اروپای غربی و شرقی، محله‌ها یا بافتهای فرسوده، مکانهایی بشمار می‌رفتند که تراکم و ازدحام بیش از متوسط داشتند. این امر به‌نوبه خود معلول رشد شهرهای اروپای غربی در دوره‌های گذشته و افزایش ناگهانی چنین رشدی پس از جنگ جهانی دوم بود. باز زنده‌سازی لندن، برلین و ورشو پس از جنگ،

تجمیع پلاکهای ثبتی و در نتیجه، دستیابی به فضای بیشتر برای بازسازی است که بدون توجه به علل فرسودگی و قانونمندیهای آن به انجام می‌رسد. در این میان، اشکال اساسی این است که احیاء شهری صرفاً پدیده‌ای کالبدی در نظر گرفته می‌شود. در ایران، برکنار از طرحهای احیاء بافتهای مسکونی، تجارب متعددی، از جمله طرح حریمهای حضرت رضا(ع) و حرم شاه عبدالعظیم(ع) و کوی سیزده آبان به فرجام رسیده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- پوریا، پیروز. «باززنده‌سازی برونزویل، محله‌ای در شیکاگو»، فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۸، ص ۱۳۸.

پرویز پیران

اداره امور

Administration

مجموع فعالیتها، وظایف، شیوه‌ها و روشهای سازمانی است که برای مدیریت امور گوناگون کشور به کار می‌رود. اداره امور، در بیان ساده‌تر، مدیریت کارهای مربوط به قوه مجریه است و در این معنا، به مفهوم مدیریت در معنای فراگیر و ملازم با همکاری گروهی برای پیشبرد هدفهای عمومی از طریق برنامه‌ریزی و سازمان است. اداره امور همچنین مستلزم وجود مجموعه قوانینی است که قوانین اداری نامیده می‌شوند و هم یک فن است و هم موضوع یک دانش کم و بیش پیشرفته و در حال رشد. دانش و تخصص لازم و فنون متناسب از شروط بنیادی اداره امور در شکل مطلوب آن است.

باین حال واژه اداره امور با معنی یگانه‌ای به کار نمی‌رود. در برخی کشورها، بین کارهای سیاسی قوه مجریه و کارهای غیرسیاسی آنها تمایز قائل می‌شوند و کارهای سیاسی را در حوزه اداره امور (مدیریت سیاسی) و کارهای

برای فرار از مالیات، ازدواجها ثبت نشده ماندند و واژه هم‌خانه، جایگزین در صدی از خانواده‌ها شد. با بحرانهای اقتصادی ماندگار و کاهش توان خرید طبقه متوسط، حومه‌نشینی پرهزینه به نظر رسید و بازگشت به مناطق مسکونی اطراف مرکز شهرهای بزرگ سرعت گرفت. بخش خصوصی خیلی زود دست به کار بازسازی و احیاء این‌گونه مناطق مسکونی شد. بحثی که به بهبود بخشیدن محله‌های فرسوده (Gentrification) معروف شد و خود نتیجه احیای شهری محسوب می‌شود.

احیاء شهری در عمل، همواره بحثی پرتناقض بوده است. مهم‌ترین مسئله احیاء شهری در غرب، موضوع خرید اجباری است. یعنی قانون به شهرداریها یا توسعه‌دهندگان زمین اجازه داده است تا بر پایه مصالح عامه، مناطق فرسوده را چه مالک راضی باشد یا نباشد، خریداری، ویران و بازسازی کنند. این شیوه احیاء مناطق شهری را شیوه بولدوزری نیز خوانده‌اند، زیرا چیزی از بافت گذشته باقی نمی‌گذارد. تناقض بعدی در مسئله احیاء شهری از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که در جریان احیا، بخشهایی از بافت تاریخی نابود می‌شود و حتی اگر نشود، بافت اجتماعی، هویت و خاطره جمعی محله‌های شکوهمند گذشته را از کف می‌دهد و تلاش برای حداکثرسازی، بی‌عنایت به چنین گذشته و هویتی، به اجرای طرحهای تیپ یا یکسان مبادرت می‌کند و فرهنگ شهری را می‌زداید. البته ناگفته نماند که در برخی از تجربه‌های احیاء شهری گرچه محدود، خاطره جمعی و هویت محله‌ای مبنای احیاء شهری بوده است. منطقه برونزویل یا محله سیاه‌پوستان شیکاگو در ایالات متحد، از جمله چنین موارد نادری است. تناقض بعدی به این واقعیت بازمی‌گردد که نوسازی شهری گروههای کم‌درآمد را از محیط زندگی خویش به نقاط ارزان‌تر می‌تازاند، زیرا به همراه احیاء شهری برنامه‌ریزی نشده، قیمتها بالا می‌رود و طبقات فقیر که در آن نقاط ساکن هستند به علت عدم توان مالی، به نقاط فقیرتر کوچ می‌کنند. این امر بیش از همه دامان مستاجران را می‌گیرد.

در ایران مهم‌ترین الگوی احیاء شهری در حال حاضر،

اقتصادی، مناسبات اجتماعی به گونه بی سابقه‌ای افزایش یافته است. امور متعارف حکومتها، مانند دفاع از مرزها، حفظ نظم داخلی و اداره قضایی کشور نیز بسیار پیچیده‌تر و فنی‌تر شده است.

مدیریت علمی

آموزش برای کسب تخصص و تواناییهای حرفه‌ای برای بالابردن کارایی مدیران اداری از اهمیت زیادی برخوردار است، چنان‌که در کشورهای صنعتی ایجاد شکلهایی از نظام شایسته‌سالار در انتخاب مدیران اداری اهمیت زیادی دارد در کشورهای پیشرفته اروپایی، از اوایل سده ۲۰ م، مدیریت علمی شروع به رشد کرد. به همراه رشد مدیریت علمی، در بسیاری از حوزه‌های مرتبط با اداره امور، مثل سازمان و تشکیلات، بازدهی و کارایی، برنامه‌ریزی و بودجه، تصمیم‌گیری و سیاستگذاری و مدیریت کادرهای اداری دانش تخصصی پدید آمد و رو به رشد نهاد. در سالهای اخیر این حوزه‌ها گسترش یافته و حیطه‌هایی همچون برنامه‌های بلندمدت اقتصادی و سیاستگذاری عمومی را، که با سازمان کلی اقتصاد کشور سروکار دارد، دربرگرفته است. مدیریت اداری تطبیقی از جمله حوزه‌های مطالعاتی پدید آمده در همین راستاست که می‌کوشد قواعد عام و بنیادی را که در حوزه‌های مختلف کاربرد دارد، کشف کند. با رواج وسایل ارتباطی جدید، به‌ویژه رایانه، مدیریت اداری به جایگاه جدیدی ارتقاء یافته است و اکنون سخن از این است که به‌عنوان یک پایگاه اجتماعی در مسیر سلطه سیاسی - اجتماعی عمل می‌کند.

قوه مجریه و فرایند اداره امور

بخش مهمی از اداره امور به‌عنوان یک فرایند معطوف است به وضع مقررات، حل و فصل اختلافات و صدور دستوراتی که بر حقوق و مقررات محدود به کارهای دستگاه عالی اداری نیست، بلکه حوزه‌های گسترده و متنوعی، همچون کشاورزی، دارایی و حتی نامه‌رسانی را در قلمرو خود دارد. گرچه فرایند اداری معمولاً با کار حکومت ارتباط دارد، اما در عین حال، شامل همه سازمانهایی است که می‌خواهند امور

غیرسیاسی را در حیطه دیوانسالاری (← دیوانسالاری) قرار می‌دهند. اداره امور در معنای گسترده خود، عبارت است از فرایند اجرای تصمیمات، سازماندهی امور حکومتی در سطوح مختلف، از ملی تا محلی و از جمله مدیریت شهری و روستایی و حتی صنایع ملی که تحت مالکیت دولتی قرار دارند. در این معنا، تصمیم‌سازیهای قوه مقننه در زمره اداره امور قرار نمی‌گیرد، در حالی که تصمیم‌سازیهای زیادی هست که در سرشت خود از نوع قضایی و قاعده‌گذاری است (مقررات) و در حوزه صلاحیت و وظایف قوه مجریه قرار دارد. در نظامهای مردمسالار، بسیاری از این قوانین را نهادهای انتخابی در سطح ملی و محلی وضع می‌کنند (← حکومت محلی).

رشد دستگاههای اداری

شکله‌ها و حوزه‌هایی از اداره امور از گذشته‌های دور وجود داشته است. در دوران باستان در سرزمینهایی، از جمله ایران، چین و روم، دستگاهها و شیوه‌هایی برای اداره امور حکومتی و برخی امور عمومی وجود داشت. در امپراتوری مقدس روم، دستگاه اداری جزئی از دستگاه رهبری پاپ بود. دستگاهی که داریوش اول برای اداره شاهنشاهی بزرگ خود درست کرده بود، شهرت زیادی در تاریخ دارد. در سده‌های میانه نیز در سرزمینهای اسلامی و در امپراتوری عثمانی، دستگاه اداری گسترده‌ای وجود داشت. در عصر جدید، اروپائیا در ایجاد نظامهای جدید و پیشرفته اداری پیشرو بوده‌اند. هنگامی که شهریارهای جوان اروپا از کلیسا جدا شدند، دستگاههای اداری در خدمت دولتهای ملی قرار گرفت. از سده ۱۸م در اروپا، دموکراسیهای پارلمانی شکل گرفتند و دستگاههای اداره سیاسی کشور از سلطه شهریاران و امپراتوران بیرون آمد و زیر نظارت دستگاه قانونگذاری منتخب مردم قرار گرفت.

باین حال، در جوامع ساده گذشته، اداره امور در قیاس با دولتهای مدرن و جوامع صنعتی امروزی بسیار ساده بود؛ دستگاههای اداری نسبتاً کوچک‌تر بودند و وظایف مدیران اداری به اندازه امروز از یکدیگر تفکیک و تخصصی نشده بود، در جوامع امروزی تعداد، تنوع و فنون تنظیم امور

واحدهای کوچک‌تر و محلی، با چنین ارزشهایی منطبق است.

از سوی دیگر، هر کشوری به مقتضای نظام حکومتی و تجارب تاریخی خود، وظایف و اختیارات حکومتی را بین سازمانها و تشکیلات مختلف تقسیم کرده است. این تقسیم وظایف و اختیارات مقتضای تخصصی شدن هرچه بیشتر اموری است که پیش روی حکومت قرار دارد. رایج‌ترین شکل این تقسیم کار، تأسیس وزارتخانه‌های مختلف است. هرکدام از وزارتخانه‌ها در حوزه خاصی تخصص و مدیریت دارند. کارهای این وزارتخانه‌ها به شیوه‌های مختلف (از جمله شورای وزیران) یا یک مقام ارشد در بالاترین رده سلسله مراتب اداری (رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر) و به‌طور کلی، توسط آنچه که هیئت وزیران خوانده می‌شود، هماهنگ می‌شود. به‌همین ترتیب، وزارتخانه‌ها نیز به سهم خود سازمانهایی را در رده‌های مختلف برای پیشبرد کار خود تشکیل می‌دهند. وزارتخانه‌ها کار انتصاب، انتقال و نظارت بر کارمندان سازمانهای زیر مجموعه خود را انجام می‌دهند. آنها در چارچوبهایی که در قانون مشخص شده است، به تنظیم بودجه و هزینه کردن آن می‌پردازند. این وزارتخانه‌ها با استفاده از تشکیلات خود در شهرها و روستاها، در کنار نهادهای منتخب محلی و در هماهنگی و همکاری با آنها، امور شهری و روستایی را اداره می‌کنند.

در کشورهای درحال توسعه که برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی تلاش می‌کنند، دستگاه اداری از نفوذ زیادی برخوردار است. یکی از مشکلات این کشورها در زمینه امور اجرایی این است که ذخیره کادرهای متخصص که آموزش حرفه‌ای کسب کرده‌اند، محدود و اداره امور در دست گروه‌های نسبتاً کوچکی متمرکز است. از دیگر مشکلات این کشورها، حضور نگرشهای جناحی در میان مدیران دستگاههای اجرایی است. رقابت جناحی که در نتیجه پررنگ بودن نگرشهای جناحی ایجاد می‌شود، به کارایی دستگاه اجرایی لطمه می‌زند. و بالاخره اینکه در بسیاری از این کشورها نظامهای تک‌حزبی و نگرشهای تمامت‌خواه (توتالیتار) در این احزاب موجب سلطه بیش از

اداری خود را به شیوه‌ای سازماندهی کنند که تصمیمات آنها با قواعد و مقررات کشور انطباق داشته باشد و همسازی کارهای مربوط به حوزه آنها را با روند عمومی کارهای کشوری تضمین کند.

این واقعیات، تفکیک کار قوه مجریه از کار قوه قانونگذاری و قوه قضایی و برهمین اساس، اینکه اداره امور مختص قوه مجریه است را دشوار کرده است. از سوی دیگر، همراه با پیچیده شدن زندگی اجتماعی در اثر رشد شهرنشینی (← شهرنشینی)، صنعت و فناوری و نیازهای گسترده اجتماعی، متقابلاً بر سهم قوای قانونگذاری و قضایی در اداره امور افزوده شده است. پیشبرد مطلوب امور جامعه پیچیده امروزی، مستلزم آمیزش فعالیتهای قوای گوناگون است. ساماندهی امور در چنین وضعی، نیازمند همکاری و هماهنگی قوای سه‌گانه است. رسیدگی به شکایتهای شهروندان از سازمانهای حکومتی، یا شکایتهای کارمندان رده‌های پائین از سازمانها و کارمندان رده‌های بالاتر، به لحاظ سنخیت، کاری قضایی است که دستگاههای اجرایی آن را انجام می‌دهند. در برخی کشورها، از جمله کشور ما، نظام قضایی شامل دادگاههای اداری است که جدا از دادگاههای عمومی به دعاوی علیه حکومت رسیدگی می‌کند.

تقسیم وظایف مربوط به اداره امور

در زمان ما وظایف مربوط به اداره امور، به شیوه‌های مختلف، از یکسو، بین شاخه‌های مختلف سازمانهای حکومتی، و از سوی دیگر، بین سازمانهای حکومت مرکزی و حکومت محلی تقسیم شده است. این امر به ۲ دلیل عمده صورت گرفته است:

- یکی، توسعه شیوه‌های مردمسالاری (← مردمسالاری) در حکومت و اداره امور؛

- و دیگر، پیچیده شدن روزافزون وظایف حکومتی.

شیوه‌های مردمسالارانه در اداره امور، مستلزم دخالت هرچه بیشتر مردم در اداره زندگی خود و مشارکت هرچه بیشتر و مستقیم‌تر در امور گوناگون است. انتقال برخی حوزه‌های تصمیم‌گیری در امور قانونگذاری و اداری به

اراضی روستایی

Rural Lands

سطحی از زمین مفروز در یک سکونتگاه روستایی یا یک مجموعه زیستی - اقتصادی که در مالکیت یا تصرف یک یا چند واحد تولید زراعی باشد. در بیشتر موارد، هنگامی که از زمین روستایی یاد می‌شود، منظور زمین کشاورزی است. به‌طور معمول، یک قطعه زمین کشاورزی، کوچک‌ترین واحد از کل زمینهای روستایی است که وسعت آن در نواحی مختلف و حتی در بین مجموعه اراضی یک روستای معین، متفاوت است؛ این مقدار از چند مترمربع در واحدهای بسیار کوچک تا قطعات بزرگ و حتی یک مزرعه کامل در نوسان است. کل اراضی واقع در محدوده یا مجموعه اراضی به‌هم پیوسته در یک روستای معین را قلمرو روستا می‌نامند که در واقع، شامل زمینهای دایر، بایر و موات، عرصه شبکه آبها و راهها، زمینهای مشاع (اشتراکی) و سطح تحت اشغال واحدهای مسکونی است. شکل، وسعت و نحوه پراکنش این زمینها، الگوی اراضی روستایی را تشکیل می‌دهد. براین اساس، منظور از الگوی زمینهای روستایی، ریخت و نحوه استقرار فضایی قطعات مفروز موجود در نظام مالکیت و تصرف و نوع کاربری زمینها در یک سکونتگاه روستایی است.

الگوهای اصلی زمینهای زراعی عبارتند از: الگوی بلوک مانند؛ و الگوی نواری شکل. قطعه زمینهای بلوک مانند از نظر وسعت و اندازه به بلوکهای بزرگ یا کوچک و از نظر فرم به بلوکهای منظم و نامنظم تقسیم می‌شوند. قطعه زمینهای نواری شکل نیز به‌عنوان نوارهای طویل یا کوتاه و همچنین نوارهای باریک یا عریض از یکدیگر قابل تفکیک هستند. بر همین مبنا، مرز تشخیص میان الگوهای بلوک مانند از نواری شکل، در صورتی که قطعات مستطیل باشند، از نسبت ۲:۱/۵ اضلاع تعیین می‌شود. حد شاخص میان بلوکهای بزرگ و کوچک نیز حدی نسبی است و از یک منطقه به منطقه دیگر تفاوت می‌پذیرد.

برپایی و گسترش گونه‌های مختلف الگوی زمین زراعی و پراکنش ناحیه‌ای هر یک از آنها، علت‌های متنوع و

حد رهبری سیاسی بر دستگامهای اداری می‌شود که به‌نوبه خود، از استقلال عمل و در نتیجه، از کارایی آنها می‌کاهد. دشواری دیگر در کشورهای در حال توسعه، حضور فرهنگ بخشی‌نگر است که از خصوصیات فرهنگ سنتی محسوب می‌شود. این فرهنگ نیز به‌نوبه خود بر دستگامهای اداری و کارایی آنها اثر منفی می‌گذارد. علاوه بر این، در این کشورها دستگامهای اداری هنوز با نهادهای منتخب مردمی، مثل شوراهای شهر و روستا (← شوراهای اسلامی شهر و روستا) و شهرداریهای انتخابی، راه تعامل سازنده را نیاموخته‌اند. البته، چنین شرایطی کار اداره امور را دشوار می‌کند.

کتاب‌شناسی:

- Barnard, Chester. *The Function of Executive*. Cambridge: Harvard University Press, 1962.
- Blau, P.M. and Scott, W.R. *Formal organizations: A Comparative Approach*. San Francisco: Chandler, 1962.
- Robertson, David (ed). *Dictionary of Modern Politics*. London, New York: Europa Publications, 1993.
- *Encyclopedia Americana*. Publisher: Grolier, 1992.
- Heady, F. *Public Administration: A Comparative Perspective*, 4th ed. New York: Marcel Dekker, 1991.
- Romos, A. *The New Science of Organization*. Toronto: University of Toronto Press, 1981.
- Rowat, D. (ed). *Public Administration in Developed Democracies*, New York: Marcel Dekker, 1988.

دکتر کمال پولادی

اداره امور شهر ← حکمروایی شهری

اداره امور عمومی ← اداره امور

زراعی در برخی مناطق خشک خاورمیانه و افریقای شمالی، ابراز شده است، مبنی بر اینکه علت شکل‌گیری این الگو، همکاری و مشارکت جمعی همه اعضای جماعت یا طایفه در روند تولید اقتصادی است. در این روند عوامل دیگری نیز تأثیرگذار هستند که از جمله عبارتند از:

- شیوه کشت؛
- شیوه‌های تأمین آب و روشهای آبیاری؛
- ابزار کشت و ورز و نحوه مالکیت آنها؛
- اصل مساوات‌جویی، یعنی تقسیم و واگذاری دوره‌ای قطعات زمین برخوردار از کیفیت و درجه حاصلخیزی متفاوت؛ و
- حقوق ارث.

گونگونی دارد. در واقع، شکل سکونتگاههای روستایی و نحوه پراکنش زمینهای زراعی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. این امر حتی هنگامی که الگوهای خاص سکونتگاهی با الگوهای معین کالبدی اراضی نیز همراه نیست، صادق است. عواملی همچون حقوق ارث، مقررات و آداب و رسوم جاری در یک اجتماع، ویژگیهای محیط طبیعی، نحوه تکوین و رشد جمعیت و نوع بهره‌برداری اقتصادی، در نحوه شکل‌پذیری الگوهای زمین زراعی نقشی تعیین‌کننده دارد.

هانس بوبک (۱۹۷۶م) در بررسی الگوی اراضی روستایی در ایران، به این نتیجه رسیده است که این الگو قبل از اصلاحات ارضی، نتیجه و درعین حال نمایانگر نظام



الگوی زمینهای روستایی، در واقع، بازتاب روابط مکانی - فضایی و مناسبات اجتماعی - اقتصادی حاکم در سکونتگاه روستایی است، از این رو، مطالعه این الگو نه تنها دامنه و نحوه کاربریهای متنوع زمین را شامل می‌گردد، بلکه بررسی آن به منظور نحوه تخصیص و آماده‌سازی زمین (← آماده‌سازی زمین) برای پاسخگویی به نیازهای

اجتماعی - اقتصادی حاکم بر ایران در گذشته، یعنی نظام ارباب - رعیتی بوده است. در این بررسی، نحوه تقسیم دوره‌ای قطعات زمین و واگذاری آن توسط زمینداران بزرگ به مزارعه کاران، نوعی شیوه مدیریت هماهنگ معرفی شده است. نظریه مشابهی درباره الگوی نواری شکل زمینهای

اراضی شهری

Urban Lands

در مطالعات شهری، اراضی شهری به مفهوم متفاوت به کار می‌رود که هریک، برحسب مورد، با یکدیگر فرق می‌کند. به‌عنوان مثال، اراضی از نظر نوع کاربری، کیفیت خاک، شرایط زمین‌شناختی، قیمت و ارزش، قطعه‌بندی و نظایر آن، هریک معنی ویژه‌ای دارد. در همین معنا، قطعه زمین به معنی واحد زمینی است که از طریق تفکیک حاصل شده باشد؛ به سخن دیگر، قطعه زمین، زمین تحت پوشش، یعنی سهمی از زمین که زیر پوشش ساختمانها و ساختارهای فرعی قرار می‌گیرد و تابع شرایط منطقه‌بندی زمین است. زمین قابل ساخت، یعنی آن قسمت از اراضی که برای کاربری مناسب است و به همین صورت، زمین متروکه عبارت از زمینی است که دارای سابقه استفاده بوده، ولی هم‌اکنون رها مانده و تولیدی نیست. به‌ترتیب، آن نوع از زمینهایی که در شهر یا محیط پیرامون آن که براساس قطعه‌بندیهای مختلف تحت کاربری قرار داشته یا امکان کاربری برای آنها در آینده وجود داشته باشد، اراضی شهری خوانده می‌شوند. قابلیت زمین نیز به معنای آن است که تا چه اندازه می‌توان اراضی را به‌منظور کاربریهای مختلف مورد استفاده قرار داد.

حوزه‌بندی یا منطقه‌بندی شهری (← حوزه‌بندی شهری) و قواعد آن یکی از مهم‌ترین مباحث برنامه‌ریزی شهری در عرصه‌های مرتبط با استفاده از اراضی شهری است. منطقه‌بندی زمین به مفهوم آن است که زمین از حیث نوع کاربری، نحوه ایجاد ساختمانها، چگونگی قطعه‌بندی و حدود ارتفاع ساختمانهای احداثی در آن، چگونه باید باشد. اهمیت این موارد براساس حفظ ارزش اراضی، نظام‌دهی به ویژگیهای کالبدی محله‌ها و بالاخره محافظت از جایگاه انواع تأسیسات عمومی و رفاهی قرار دارد و برنامه‌های کالبدی شهر را بر نظم و مقررات استوار می‌سازد.

براساس قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ش مجلس شورای اسلامی، اراضی شهری عبارت از زمینهایی است که در داخل محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهرها و

سکونتگاههای روستایی (← سکونتگاه روستایی)، اهمیت دارد.

اراضی روستایی براساس نحوه تملک معمولاً به ۵ دسته تقسیم می‌شوند: اراضی ملکی بزرگ (معمولاً قطعات بزرگ یکپارچه و بیشتر متعلق به مالکان غایب)؛ اراضی ملکی دهقانی (در اغلب موارد متشکل از قطعات متعدد کوچک و پراکنده)؛ اراضی مشاع (با بهره‌برداری جمعی و مشترک)؛ اراضی موقوفه؛ و اراضی دولتی. به‌همین ترتیب، اراضی روستایی از نظر نوع کاربری نیز قابل تفکیک هستند: اراضی کشاورزی (اعم از اراضی آبی و دیمی و یا زراعی و باغی)؛ اراضی مرتعی و چراگاهی؛ اراضی بایر؛ اراضی تحت تأسیسات عمومی و واحدهای خدماتی روستا؛ اراضی تحت اشغال شبکه راههای ارتباطی؛ و اراضی تحت اشغال شبکه آبها.

کتاب‌شناسی:

- برومبزه، کریستیان. مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، تهران، ۱۳۷۰.
- بوناین، مایکل. «قنات، شبکه زمینهای زراعی و مورفولوژی روستایی»، در *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ترجمه عباس سعیدی، ش ۱۹، زمستان ۱۳۶۹.
- سعیدی، عباس. *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی در مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان*. مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی / برنامه عمرانی سازمان ملل، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *گونه‌شناسی معماری مسکن روستایی استان سمنان*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی / جهاد دانشگاهی دانشگاه شهیدبهشتی، ۳ جلد، ۱۳۷۶.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۵.
- لویو، پیر. *بنیادهای بزرگ زراعی*، ترجمه محمود محمودپور، تبریز، ۱۳۵۴.
- Bobek, Hans. "Entstehung und Verbreitung der Hauptflur-systeme Irans, Grundzüge Einer Sozialgeographischen Theorie", *Mitteil. der Österreichischen Geogr. Gesellschaf.* Bd. II u. III, 1976.
- English, P.W. *City and Village in Iran*. Wisconsin, 1966.
- Hudson, F.S. *A Geography of Settlements*. London, 1970.
- Lienau, C. *Ländlichen Siedlungen*. Braunschweig, 1986.
- Niemeier, G. *Siedlungsgeographie*. Braunschweig, 1977.
- Uhlig, H. u. C. Lienau. *Die Siedlungen des Ländlichen Raumes*. Giessen, 1972.

عباس سعیدی

شهرکها قرار گرفته است. به موجب همین قانون، اراضی شهری متشکل از ۳ نوع اراضی دایر، بایر و موات است. منظور از اراضی دایر، زمینهایی است که آن را احیاء و آباد نموده‌اند و در حال حاضر دایر و مورد بهره‌برداری مالک قرار دارد. این گونه اراضی صرفاً اراضی کشاورزی یا تحت آیش را شامل می‌شود. اراضی بایر عبارت از آن گونه زمینهایی است که سابقه عمران و احیاء داشته و به تدریج به حالت موات برگشته است، اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد. در مقابل، منظور از اراضی موات زمینهایی است که سابقه عمران و احیاء نداشته باشد. اراضی شهری از نظر نوع مالکیت نیز به ۳ دسته دولتی (ملی)، خصوصی و وقفی تقسیم می‌شوند که هر یک مقررات مخصوص به خود را دارند. طبق ماده ۱۱ قانون زمین شهری، وزارت مسکن و شهرسازی موظف است که براساس سیاست عمومی کشور و طبق آئین‌نامه اجرایی، به آماده‌سازی و عمران و واگذاری زمینهای دولتی اقدام نماید. در این اقدام باید اماکن عمومی و خدماتی مورد نیاز جمعیت ساکن نیز احداث شود. در ارتباط با اراضی خصوصی، طبق مواد ۲۹-۳۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ش، ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه‌هایی شامل مالکیت اعم از عین یا منفعت، حق انتفاع و حق ارتفاق به ملک غیر داشته باشند. هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرفی را دارد، زیرا هیچ مالی را نمی‌توان از تصرف صاحب آن بیرون آورد، مگر به حکم قانون. مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای محاذی آن است تا هرکجا که بالا رود؛ همچنین است نسبت به زیرزمین. به این ترتیب، مالک حق هرگونه تصرف در هوا و فراز گرفتن را دارد، مگر آنچه را که قانون استثناء کرده باشد. طبق ماده ۵۵ همین قانون، وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل در راه خدا و در طلب خیر نذر شود. علاوه بر این، منظور از اراضی وقفی آن گونه اراضی است که واقف آن زمین را به منظور خیرات و کارهای نیک واگذار می‌نماید؛ مانند باغ و مزرعه که در ایران دارای سابقه طولانی است. براساس آئین‌نامه قانون زمین شهری مصوب ۱۳۷۱ش، آماده‌سازی زمین مجموعه عملیاتی است که مطابق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی، زمین دولتی یا خصوصی را برای احداث مسکن مهیا می‌سازد و با انجام

عملیات زیربنایی، مانند تعیین بر و کف، تسطیح و آسفالت معابر، تأمین شبکه‌های تأسیساتی آب و برق و تلفن، جمع‌آوری و دفع آبهای سطحی و زباله و انجام عملیات روبنایی، مانند احداث مدارس، درمانگاه، واحد انتظامی، فضای سبز، آتش‌نشانی، اماکن تجاری و نظایر آن، اراضی را بر مبنای ضوابط در اختیار تعاونیهای مسکن یا متقاضیان قرار می‌دهد. به موجب ماده ۱۵ قانون زمین شهری، هرگونه تفکیک و تقسیم اراضی بایر به منظور عمران و احداث بنا، باید با رعایت مقررات وزارت مسکن و شهرسازی صورت پذیرد. مواد ۱۷ و ۱۹ آئین‌نامه این قانون به توضیح این موارد می‌پردازد.

در خصوص تفکیک و افراز اراضی طبق قوانین حقوقی ایران، تعاریف مشخصی وجود دارد. تفکیک اراضی به معنای جداسازی و تبدیل یک ساختمان یا ملک- زمین- به قطعات کوچک‌تر است، در حالی که افراز عبارت از جدا کردن سهم مشاع شریک یا شرکاء یک زمین است، هرگاه شرکاء بخواهند هر یک سهم خود را از زمین مشخص نمایند. به این ترتیب، عمل جداسازی سهم هر شریک را افراز گویند. بر طبق مقررات، مرجع رسیدگی به تفکیک یا افراز زمین، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است. در ارتباط با اراضی شهری، واگذاری زمین و مسکن و مواردی نظیر آن، سازمان ملی زمین و مسکن، که زیر نظر مستقیم وزیر مسکن و شهرسازی است، اقدام می‌کند.

کتاب‌شناسی:

- سیف‌الدینی، فرانک. فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- سیف‌الدینی، فرانک. زبان تخصصی برنامه‌ریزی شهری. تهران: آبیژ، ۱۳۸۱.
- شیعه، اسماعیل. مبانی برنامه‌ریزی شهری. چاپ هجدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.
- عبادی، شیرین. حقوق معماری. تهران: روشنگران، ۱۳۷۱.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- منصور، جهانگیر. مجموعه قوانین. با آخرین اصلاحات، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مدنی، تهران: دوران، ۱۳۷۷.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press, G.B., 2005.
- Whittick, A. (ed). *Encyclopedia of Urban Planning*. Krieger Pub Co., 1974.

اسماعیل شیعه

ارزیابی

Evaluation

فرایند شناخت اهمیت یا ارزشگذاری فعالیت‌هایی که در زمینه برنامه‌های توسعه یا مشی معین انجام می‌شود و منظور از آن، تعیین کارایی اقدامات انجام شده برای اجرا، کفایت منابع به کار رفته برای دستیابی به اهداف و همچنین پایداری و اثربخشی آنهاست. ارزیابی به مفهوم کلی، عبارت است از بررسی و تشخیص نظام‌مند ارزشهای چیززی یا شایستگیهای کسی. ارزیابی برای این است که یک سازمان، خواه تشکیلات دولتی یا شرکتهای خصوصی، از اطلاعات به دست آمده در فرایند تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) و از جمله، اصلاح خطاها استفاده کند.

۲ مفهوم/ارزیابی و پایش اغلب به‌طور توأم و مرتبط با هم به کار می‌روند. برای یک ارزیابی معتبر به بررسیهای مختلف پایش نیاز است. پایش به برخی از ابعاد یک برنامه یا طرح مربوط می‌شود، درحالی‌که ارزیابی به جنبه‌های گوناگون یک طرح و همچنین ابعاد مرتبط یک برنامه می‌پردازد. بدینسان، مطالعات پایش مکمل و از اجزاء فرعی نظام ارزیابی است، اما به خاطر هزینه‌بر بودن مطالعات ارزیابی، گاهی بررسیهای پایش جنبه‌هایی از کار ارزیابی را نیز پوشش می‌دهد.

اهمیت ارزیابی

هم سازمانهای دولتی و هم بخش خصوصی به اطلاعات حاصل از ارزیابی نیاز دارند. این اطلاعات چنانچه به‌طور منظم جمع‌آوری شود، سازمانهای دولتی را از چگونگی پیشرفت برنامه‌ها و طرحها و نیز، نحوه بهره‌گیری از مصرف بودجه عمومی مطلع می‌سازد. علاوه‌برآن، به حکومت امکان می‌دهد، نحوه پیشرفت برنامه‌ها را به مجلس ملی گزارش دهد. در بیشتر کشورها سازمانهای مختلف حکومتی، از جمله وزارتخانه‌ها، شیوه‌هایی را برای جمع‌آوری اطلاعات (← اطلاعات) اتخاذ می‌کنند. سازمانهای آماری و سرشماری به‌نوبه خود اطلاعات گوناگونی را جمع‌آوری می‌کنند. البته در بسیاری از موارد،

ارزیابی

به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته، این اطلاعات در سطح سازمانها و وزارتخانه‌های مختلف پراکنده است و به‌صورت نظام واحد سامان نیافته است. در این موارد، برای بهره‌برداری هرچه بهتر از این اطلاعات باید آنها را در یک نظام واحد جمع‌آوری کرد.

اصول راهنما

تشکیل یک نظام ملی در ارزیابی به برخی اقدامات اصولی نیازمند است. از آن جمله است:

• تشخیص نیازهای موجود؛

• پی‌جویی فعالیت‌های جاری؛ و

• شناسایی ظرفیتهای بالقوه در سطح ملی.

برای پی‌ریزی نظام ارزیابی، برخی اقدامات اساسی به شیوه زیر توصیه شده است:

• تعیین وزارتخانه‌ها یا سازمانهای مسئول برای سازماندهی نظام ارزیابی (و همچنین پایش). برای این منظور باید وزارتخانه‌ها و سازمانهای اصلی که در تدارک و بهره‌مندی از نظام ارزیابی سهم بیشتری دارند، مثل وزارت دارایی، سازمان یا وزارت برنامه‌ریزی، دفتر ریاست جمهوری و مجلس، بخشهای عمده کار را سازماندهی کنند. در همین زمینه و درعین‌حال، سهم سازمانها و نهادهای محلی، مثل شهرداریها، و شوراهای شهر و روستا و به‌همین ترتیب، سهم سازمانهای محلی حکومتی مثل استانداریها و فرمانداریها نیز باید مشخص شود.

• بخشهایی از مدیریت عمومی کشور که به بهره‌گیری از ارزیابیها بیشتر نیاز دارند، می‌توانند بیشترین سهم را در پشتیبانی از این فرایند انجام دهند. سازمانهای تصمیم‌گیری در مورد بودجه، سازمان یا وزارت برنامه، مجلس نمایندگان و نهاد ریاست جمهوری در این زمینه سهم بیشتری دارند. در ایران پیش از برچیدن سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بخش عمده‌ای از این کار برعهده این سازمان بود. اکنون، این کار به نهاد ریاست جمهوری (یکی از معاونتهای ریاست جمهوری) منتقل شده است.

• ابزارهای مورد استفاده برای نظام ارزیابی، برحسب منظوره‌های متفاوت، مختلف است. شاخصهای منظم

نمی‌توان پذیرفت. به این ترتیب، کثرت‌گرایان معتقدند که خیرها گوناگونند.

معرفت‌شناسی مرتبط با بینش اصالت سودمندی بر عینی بودن تحقیق و بینش کثرت‌گرایی، بر ذهنی بودن تحقیق تأکید دارد. بنابه بینش اصالت سودمندی، دانش متکی بر واقعیات بیرونی است و از لحاظ تعیین صحت و سقم قابل واری است. اما کثرت‌گرایان به لحاظ معرفت‌شناسی ذهن‌گرا هستند و معتقدند که دانش و تحقیق متکی به تجربه‌ها و دانسته‌های فردی است و پژوهشگر به‌طور ضمنی یا صریح، کار تحقیق خود را با آنچه از پیش در ذهن دارد، آغاز می‌کند و بر این مبنای، به پایان می‌رساند. از این رو، حاصل کار محققان قابل واری بیرونی نیست.

هریک از این دو رویکرد معرفت‌شناختی در عین حال، ممکن است با ۲ دیدگاه عمده سیاسی پیوند داشته باشد. یکی دیدگاه نخبه‌گرایانه که بر منافع مدیران و متخصصان متمرکز است و دیگری، توده‌گرایی که بر منافع و مشارکت توده‌های وسیع مردم تأکید می‌ورزد. ارزیابی‌هایی که با دیدگاه سیاسی مثبت یا منفی به نقش ارزشها می‌نگرند، ارزیابی کاذب نامیده می‌شوند. در مقابل، ارزیابی‌هایی که بر رویکردی در پرسشها متکی است که به‌طور دقیق به شناخت ارزش یک چیز منتهی نمی‌شود، شبه‌ارزیابی نام دارند. ارزیابی به مفهوم درست خود، در درجه اول، معطوف به شناخت دقیق یک ارزش، فارغ از جهت‌گیریهای سیاسی است.

کتابشناسی:

- Gordillo, G. and Andersson, K. "From Policy Lessons to Policy Actions: Motivation to Take Evaluation Seriously", *Public Administration and Development*. Vol. 24, 2004.
- House, R. "Assumptions Underlying Evaluation Models", *Educational Researcher*. Vol. 7(3), pp. 4-12, 1978.
- Stufflebeam, D. and Webster, J. "An analysis of Alternative Approaches to Evaluation", *Educational Evaluation and Policy Analysis*. Vol. 2(3), pp. 5-19, 1980.
- World Bank Group. *What is Monitoring and Evaluation*. I.E.G., 2007.

کمال پولادی

عملکردی، و ارسپهای سریع، مطالعات عمقی از جمله شیوه‌هایی هستند که برای این منظور به کار می‌روند.

کار تخصصی ارزیابی

ارزیابی کاری تخصصی است؛ بنابراین، برای پیشبرد آن به گروه‌های حرفه‌ای نیاز است. برخی از سازمانهای بین‌المللی، مانند سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، مؤسسات مستقلی برای کار ارزیابی دارند. بسیاری از کارگزاریهای سازمان ملل نیز دفترهای مستقل یا نیمه مستقل برای انجام امور ارزیابی و پایش در اختیار دارند. سازمان ملل یک گروه ارزیاب (UNEG) دارد که کار تعیین شاخصها و استانداردها را در مسائل مورد نظر این سازمان انجام می‌دهد. برخی سازمانهای منطقه‌ای، مثل سازمان همکاریهای اقتصادی اروپا نیز گروه ارزیاب دارند. یکی از مؤسسات شناخته شده در کار ارزیابی انجمن ارزیابی امریکا است.

سازمانهای ارزیاب به برخی اصول حرفه‌ای پایبند هستند که از جمله است:

- جستجو و تحقیق نظام‌مند؛
- انسجام و صداقت در کار ارزیابی؛
- احترام به حریم خصوصی مردم؛ و
- احساس مسئولیت نسبت به رفاه عمومی.

رویکرد

ارزیابیهای کلان‌کشوری برحسب ارزشهای کلی یک کشور متفاوت است. امروزه، در بیشتر کشورهای غربی، ۲ رویکرد عمده بیش از رویکردهای دیگر رواج دارد. این رویکردها بر مبنای رویکرد غالب دولتی شکل گرفته‌اند. این رویکردها نیز به نوبه خود، با معرفت‌شناسی خاصی مرتبط هستند. در بین کشورهای غربی، ۲ بینش اصالت سودمندی و کثرت‌گرایی ارزشی بیش از سایر بینشها در جهت‌دهی به اصول هادی سیاستگذارها و به همین ترتیب، ارزیابیها نفوذ دارند. اصل بنیادی اصالت سودمندی عبارت است از بیشترین منافع برای بیشترین تعداد مردم. اما کثرت‌گرایی بر این باور تکیه دارد که هیچ تعبیر واحدی از خوب یا خیر را

اشتغال زنان

شاخه‌های فعالیت و تجمع در مشاغل خاص، عدم حضور در ردیف مدیران عالی‌رتبه و همچنین پرداخت دستمزد پائین‌تر در برابر مشاغل یکسان، شاهدی بر این نابرابریهاست (← نابرابری جنسیتی).

نابرابری جنسیتی در بازار کار در چارچوب نظریه‌های مختلفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند که از جمله عبارتند از: نظریه‌های نئوکلاسیک، نظریه‌های تجزیه بازار کار و نظریه‌های فمینیستی یا جنسیتی. هر یک از این نظریه‌ها از زوایای خاصی وجود نابرابری بین زنان و مردان در بازار کار را تحلیل و توجیه نموده‌اند.

به‌هرحال، در بازار کار جهانی تفکیک جنسیتی شدیدی بین مردان با درآمد بالا و موقعیت مدیریتی برتر و زنان که اغلب در مشاغل حاشیه‌ای با درآمد و موقعیت نازل متمرکز شده‌اند، وجود دارد.



زنان در بازار کار جهانی

فعالیت‌های تولیدی، فعالیت‌هایی هستند که معمولاً تحت عنوان کار فردی یا کار تجاری بررسی می‌شوند؛ در مقابل، فعالیت‌های وابسته به تولید نسل، شامل کار خانگی، پرورش کودکان و سایر مسئولیت‌های خانگی زنان، اگرچه وقت و توان زیادی را از زنان می‌گیرد، اما کار تولیدی محسوب نمی‌شوند.

حضور زنان در بخش‌های رسمی اقتصاد و به‌خصوص

استاندارداری ← تقسیمات کشوری

اسکان بشر ← سازمان ملل، هیئات

اسکان غیررسمی ← سکونتگاه غیررسمی

اسکان مجدد ← جابه‌جایی

اشتغال زنان

Women's Occupation

نقش فعال و مستمر زنان در جریان زندگی، از جمله تولید نسل، پرورش و تربیت کودکان و همچنین اداره امور خانه حقیقتی انکارناپذیر است. زنان علاوه بر انجام این امور، در عرصه‌های حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز نقشی بسیار مهم، اما پنهان، برعهده دارند. یکی از جنبه‌های بارز فعالیت زنان، اشتغال است که گرچه از جنبه اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، اما به‌واقع، نشأت گرفته از فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه است و قطعاً تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی برجای می‌گذارد.

مقایسه وضعیت فعالیت‌های شغلی، آموزشی و مدیریتی بین زنان و مردان حاکی از وجود نابرابریهای شدید- هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی- است. پائین بودن درصد اشتغال زنان نسبت به مردان، عدم حضور در همه

گمارده می‌شوند و هم به بخش خدمات، شامل هر نوع خدمات، از وارد کردن داده‌ها گرفته تا خدمات خانگی.

از دهه ۱۹۷۰م به بعد، تعداد بی‌سابقه‌ای از کارگران زن از کشورهای در حال توسعه وارد بخشهای رسمی و غیررسمی نیروی کار برای ارائه خدمت به اقتصاد جهانی شده‌اند که نتیجه آن، ظهور پدیده‌ای به نام *زنانه شدن نیروی کار* بوده است. هرچند این پدیده عمدتاً در آسیا ظهور یافت، ولی امروز بیشتر بخشهای امریکای لاتین را نیز دربر گرفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که از این دوره به بعد، کاهش قابل توجهی در شکاف جنسی از نظر بهداشت و آموزش رخ داده است. برای مثال، نسبت ثبت‌نام دختران در دبیرستان از ۳۶٪ در ۱۹۹۰م به ۶۱٪ در ۱۹۹۷م رسیده است و در بسیاری از نقاط جهان، زنان بیشتری استخدام شده‌اند. ورود انبوه زنان به بازار کار از یکسو نتیجه اطلاعاتی شدن، شبکه‌ای شدن و جهانی شدن اقتصاد و از سوی دیگر، به واسطه تقسیم‌بندی جنسیتی بازار کار است که از امتیاز و شرایط اجتماعی خاص زنان برای ارتقاء قدرت تولید، کنترل مدیریتی و نهایتاً سود بیشتر بهره می‌گیرد. علاوه بر این آثار فناوری اطلاعات بر کار زنان را نمی‌توان نادیده انگاشت. به سخن دیگر، علل بالارفتن نرخ اشتغال زنان ارتقاء مهارتهای ارتباطی زنان در اقتصاد اطلاعاتی است که روزبه‌روز اهمیت بیشتری می‌یابد. این خود دلیلی است بر اینکه مدیریت منابع مادی، در مقایسه با مدیریت منابع انسانی، در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است. اگرچه فناوری اطلاعات فرصتهایی را برای کار زنان در محیط خانه و انجام وظایف خانوادگی، در کنار کار اقتصادی فراهم ساخته است، اما این نگرانی وجود دارد که زنانه شدن برخی از حرفه‌ها، موجب تنزل دستمزدها، جایگاه شغلی و شرایط کاری زنان شود.

بدین ترتیب، ورود زنان به بازار کار جهانی نتایج متفاوتی را در پی داشته است. از یکسو، دسترسی زنان به کار افزایش یافته و از سوی دیگر، شرایط این مشاغل پائین‌تر از مردان است. همچنین نابرابریها و ناامنیهای موجود، خصوصاً برای زنان فقیر، افزایش یافته و در کنار آن، مهاجرت گسترده زنان جوان را از کشورهای

اشتغال آنان در بخش صنعت، پدیده‌ای است که عمدتاً در سده ۱۹م گسترش یافته است. در ۱۹۷۱م، در انگلستان بیش از ۹۰٪ شاغلان حوزه تولید لباس، پرستاری، منشیگری، مستخدم خانه و غذاخوریها را زنان تشکیل می‌دادند. به‌همین ترتیب، ۶۰٪ از فروشندگان، آرایشگران، نظافت‌چیها، اپراتوری تلفن، معلمان، گارسونها و آشپزها زن بودند. از سوی دیگر، زنان تنها ۱۸٪ پزشکان، ۱۷٪ حسابداران، منشیهای شرکتها و کارمندان ارشد دولتی محلی، ۱۱٪ کارمندان ارشد دولت، ۴٪ وکلا و مشاوران حقوقی و ۱٪ مهندسان را تشکیل می‌دادند.

امروزه، با افزایش سطح درآمدها و ارتقاء استاندارد زندگی، بر تعداد زنانی که با وجود تأهل، وارد بازار کار می‌شوند، روزبه‌روز افزوده می‌گردد. یکی از روندهای موجود در فرایند جهانی شدن، افزایش مشارکت زنان در بازار کار است. در ۱۹۹۰م مجموعاً ۸ میلیون و ۴۵۰ هزار زن در جهان به لحاظ اقتصادی، فعال بودند که ۳۲٪ از کل نیروی کار جهان را تشکیل می‌دادند. در واقع، ۴۱٪ از زنان ۱۵ ساله و بالاتر فعالیت اقتصادی داشته‌اند.

بدینسان، به نظر می‌رسد، گسترش تجارت جهانی در اقتصادهای پیشرفته، فرصتها و امکانات بیشتری را در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهد تا از نیروی کار زنان بهره بیشتری ببرند. روند پیوسته جهانی شدن، ورود فناوریهایی جدید و تغییر سازمان تولید از اتکای به قدرت جسمی به سمت توجه بیشتر به تواناییهای فکری و خلاقیت افراد، موجب رشد اشتغال زنان شده است. آرتور لویس، نظریه‌پرداز رشد صنعتی در جهان سوم، می‌گوید، زنان بیش از مردان از توسعه اقتصادی بهره می‌برند؛ و زنان از کارهای کسل‌کننده خانه خلاص شده و فرصت می‌یابند، به‌عنوان موجودی کامل، نیروها، ابتکارات و تواناییهای خود را همانند مردان در جامعه به کار گیرند.

امروزه در بسیاری از کشورها، زنان برای مشاغل خاصی که مورد نیاز اقتصاد جهانی است، در اولویت قرار گرفته‌اند؛ اتفاقاً این مشاغل اغلب هم به حوزه صنعت مربوط هستند که زنان در آن، به‌عنوان افرادی چالاک‌تر، مطیع‌تر و توانمندتر از مردان، برای انجام کارهای تکراری به کار

است. شواهد فراوان حاکی از آن است که تا پیش از دهه ۱۹۸۰م، به موازات سرمایه‌بر شدن و تخصصی‌تر شدن این صنایع، حداقل در بخش رسمی، اثرات کمتری بر نرخ اشتغال زنان بر جای گذاشته است. برای مثال، در جمهوری کره، نیروی کار در بخش الکترونیک به‌طور فزاینده‌ای از نیروی کار زنان بهره می‌برد و با انتقال به سمت ارتباطات تخصصی‌تر و تولیدات کامپیوتر، اهمیت بخش غیررسمی در ایجاد اشتغالات جدید برای زنان بیشتر شده است.

اشتغال زنان در بخش غیررسمی

افزایش سطح تحصیلات زنان و گذراندن دوره‌های آموزش حرفه‌ای، موجب تشویق زنان در ورود به بازار کار شده است. زنانه شدن نیروی کار را بیشتر ناشی از تغییرات فناوری و ساختار سازمانی در اقتصاد می‌دانند. در این میان، تغییرات عمده‌ای نیز صورت گرفته است که عبارتند از رشد بخش عمومی، تغییر در ساختار تولید و افزایش روبه تزايد بخش سوم اقتصاد. در کل، زنان در بخش بهداشت، آموزش، آشپزی، گردشگری و بازرگانی، با حداقل و پائین‌ترین سطح دستمزد کار می‌کنند و مردان بیشتر در بخش حرفه‌ای و خدمات حمل‌ونقل مشغول هستند.

نسبت مهمی از کار زنان را می‌توان در بخش غیررسمی جا داد. بررسیها نشان می‌دهد، زنان حدود یک‌سوم از کل مشاغل غیررسمی را در دست دارند. آنان در صنایع دستی، تولید فرش، بافندگی و تهیه غذا فعالیت دارند. علت نبود فرصتها و همچنین موانعی که در امور استخدام و افزایش دستمزد زنان وجود دارد، آنان را بیشتر به بخشهای غیررسمی فعالیت سوق می‌دهد.

در آفریقا، بیش از یک‌سوم زنانی که خارج از بخش کشاورزی فعالیت اقتصادی دارند، در بخش غیررسمی کار می‌کنند؛ در زامبیا این نسبت به ۷۲٪ می‌رسد. در آسیا، از جمله در اندونزی و کره، بالاترین این نسبتها به ترتیب ۶۵٪ و ۴۱٪ است. با توجه به تمرکز اشتغال زنان در بخش غیررسمی، بین اشتغال زنان در هر کشور و تعداد زنانی که در بخش غیررسمی اشتغال دارند، ارتباط مستقیم وجود دارد.

در حال توسعه، به‌خصوص کشورهای آسیایی به‌دنبال داشته است.

با این وجود، اگرچه شرایط کاری برای آن دسته از زنانی که وارد مشاغل کارخانه‌ای شده‌اند، نامناسب و دشوار است، بسیاری از زنان مایل نیستند که این موقعیت را از دست بدهند، زیرا اغلب به ورود خود به بازار کار، به‌عنوان پدیده‌ای مثبت می‌نگرند؛ علت اصلی شاید این باشد که موجب استقلال مالی آنها شده و اگرچه همچنان در خانه به سختی کار می‌کنند، اما از استقلالی که قبلاً از آن بی‌بهره بودند، احساس رضایت می‌کنند.

کار زنان در بخشهای مختلف اقتصادی

در کشورهای جهان سوم، همچنان که بخش کشاورزی جمعیت شاغل بیشتری را جذب کرده است، زنان بیشتری نیز به‌صورت کارگر خانوادگی بدون دریافت مزد در بخش کشاورزی اشتغال دارند. البته در اکثر این کشورها، زنان بیشتری به‌نحو روزافزون، از فعالیت در بخش کشاورزی خارج شده، سریع‌تر از مردان، وارد بخش صنعت می‌شوند. بدینسان، سهم زنان در صنعت از ۲۱٪ در ۱۹۶۰م به ۲۶/۵٪ در ۱۹۸۰م رسید، اما در اواخر دهه ۱۹۹۰م، با ورود بیشتر زنان به بخش خدمات، سهم زنان در این بخش فزونی یافت. در واقع، نرخ بالای اشتغال زنان آفریقایی هنوز تا حد زیادی به نظامهای زراعی رایج و اشتغال تعداد فراوان زنان در بخش کشاورزی ارتباط دارد.

به‌همین ترتیب، رشد صنایع صادرات-محور منجر به جذب تعداد زنان بیشتری در صنایع جهانی شده است. کشورهایی که سیاست توسعه صادرات موفق را تجربه کرده‌اند، عمدتاً از طریق به‌کارگیری نیروی کار زنان توانسته‌اند به این موفقیت دست یابند. در کشورهایی مانند بنگلادش، اثرات اشتغال صادرات-محور در جلب توجه به اشتغال زنان در کارهای دستمزدی انعکاس یافته است. مطالعات نشان می‌دهد، بین گسترش تولیدات صادرات-محور و افزایش نسبت کار زنان ارتباط مثبت وجود دارد. علاوه‌براین، در همین صنایع نیز نسبت زنان شاغل اغلب در کارخانه‌ها و شرکتهای خارجی بیش از واحدهای داخلی

به همراه داشته و رقابت سالم در بازاری که تحت کنترل مردان است، آنان را با دشواریهای متعددی روبرو ساخته است.

اگرچه نوع مشارکت زنان در بازار کار تاکنون چشمگیر نبوده، اما چنین حضوری فراز و نشیبهایی را به نمایش گذارده است، به گونه‌ای که به‌رغم شیب ملایم صعودی در سالهای پیش از انقلاب اسلامی، از دوره ۵۸-۱۳۷۵ش سیر نزولی داشته است و این در حالی است که جمعیت زنان بالای ده سال بیشتر شده است.

آنچه مسلم است، حضور چشمگیر زنان در عرصه‌های دانش و علم‌آموزی، امکان دستیابی آنان به مشاغل بخش رسمی را تسهیل می‌کند، اما این حضور الزاماً نتوانسته است به دستیابی آنان به جایگاههای سیاستگذاری و مدیریت منجر شود. در ایران همانند سایر کشورهای در حال توسعه، ورود زنان به بازار کار موجب ارتقاء پایگاه اقتصادی و مدیریتی آنان و کسب برابری در فرصتهای اشتغال و درآمد

امروزه، زنان بیشتری در بخش بنگاههای کوچک و متوسط مشغول به کار هستند. در ایالات متحد، تعداد بنگاههایی که توسط زنان اداره می‌شوند، با سرعت در برابر بنگاههای متعلق به مردان رشد نموده است. همچنین در برخی از کشورهای صنعتی، بنگاههای خرد متعلق به زنان، دارای رشدی بیش از نرخ رشد کلی اقتصاد است، اما باین وجود، زنان هنوز هم نسبت به مردان با موانع بیشتری برای گسترش اشتغال روبرو هستند.

زنان در بازار کار ایران

واقعیت این است که ورود زنان به بازار کار، نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از نظر اجتماعی و روانی پیامدهای مثبتی به همراه دارد و ضمناً موجب افزایش درآمد و رفاه خانواده می‌شود. زنان در ایران نیز تلاشهای گسترده‌ای را برای دستیابی به بازار کار مناسب نشان داده‌اند، اما درعین حال، ورود زنان به بازار کار در شرایط حاضر، مشکلات فراوانی



اشتغال زنان

فرصتهای شغلی زنان در این بخش در فعالیتهای آموزشی و بهداشتی متمرکز شده است.

هرچند، بالا رفتن سهم زنان در بازار کار طی ۲ دهه اخیر، با ارتقاء سطح تحصیلات ارتباط مستقیم دارد، اما آهنگ افزایش حضور زنان در بازار کار بسیار کندتر از افزایش حضور آنان در سطوح مختلف تحصیلی، به ویژه آموزش عالی بوده است. سهم زنان تحصیل کرده در بازار کار غیررسمی، بسیار کمتر از زنان بیسواد و کم سواد است، به طوری که زنان دارای تحصیلات عالی در مقایسه با زنان دارای تحصیلات کمتر، گرایش بسیار زیادی برای ورود به عرصه های اقتصادی در بخش رسمی با امنیت شغلی بیشتر و درآمد بالاتر دارند؛ این امر می تواند ناشی از احتمال کارایی بیشتر و دستمزد بهتر در این گروه باشد.

زنان تحصیل کرده، فرزندان کمتری، برخوردار از آموزش و بهداشت مناسب تر دارند. در نتیجه بالا رفتن سطح تحصیلات و اشتغال زنان، با کاهش نرخ رشد جمعیت و ارتقاء سطح فرهنگ و بهداشت عمومی به طور مستقیم و غیرمستقیم، به فرایند رشد و توسعه همه جانبه کشور کمک می کند.

کتاب شناسی:

- خانی، فضیله. جنسیت و توسعه. انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵.
- کار، مهرانگیز. زنان در بازار کار ایران با تأکید بر نظریه نابرابریهای جنسیتی. انتشارات روشنگران، ۱۳۷۳.
- کاستلز، امانوئل. پایان هزاره: عصر اطلاعات (اقتصاد، جامعه، فرهنگ)، ترجمه علی پایا، جلد دوم، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱.
- نقیب زاده، سیدرضا. «زنان و پیامدهای جهانی»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۱، ۱۳۸۰.
- هافکین، نانسی و تاگارت. تحلیلی بر جنسیت و فناوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه، ترجمه حسین شعبانعلی فمی و دیگران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳.
- Lewis, W.A. *The Theory of Economic Growth*. London: George Allen & Unwin, 1955.
- Momsen, Janet Henshall. *Gender and Development*. New York: Routledge, 2004.
- Momsen, Janet Henshall. *Women and Development in third world*. New York: Routledge, 1991.
- Morgan, John. *Development, Globalization and Sustainability*. 2001.

نشده است، به گونه ای که زنان در بازار کار با نابرابریهایی، همچون نامناسب بودن معیارهای استخدامی، فرصتهای نابرابر برای آموزش حرفه ای و بازاموزی، دستمزد نابرابر برای کار یکسان، دسترسی نابرابر به منابع تولیدی، تمرکز در تعداد محدودی مشاغل، مشارکت نابرابر در تصمیم گیریها، ناامنی شغلی بیشتر و نابرابر در ارتقاء شغلی روبرو هستند.

در خصوص اینکه آمارها و منابع اطلاعاتی بتوانند تصویر روشنی از وضعیت اشتغال زنان در ایران ارائه دهند، تردید جدی وجود دارد. در آمارهای رسمی مربوط به فعالیت زنان، بخش قابل توجهی از جمعیت غیرفعال که در زمره زنان خانه دار مناطق شهری و روستایی طبقه بندی می شوند، در واقع جزو نیروی کار بدون دستمزد خانوادگی بوده و یا به دلیل باورهای قومی و سنتی، اشتغال آنان در آمارها ثبت نمی شود. از این رو، پراکندگی سطوح و الگوهای اشتغال زنان به ترکیب پیچیده متغیرهای اقتصادی بستگی دارد که تحت تأثیر ۲ دسته از عوامل قرار می گیرد:

• رشد بخش صنعت و خدمات، تغییر فناوری در صنعت و سازماندهی تولید؛

• تغییر در شرایط بازار، به ویژه در بازار تولید.

در مناطق روستایی، زنان رکن اصلی اقتصاد را تشکیل می دهند، به گونه ای که بخش عمده ای از فعالیتهای داشت و برداشت محصول، نگهداری از دام، تهیه لبنیات، تولید صنایع دستی، به ویژه فرش و گلیم، برعهده زنان است. در عین حال برآوردهای به عمل آمده از نرخ فعالیت آنان به مراتب کمتر از واقعیت است. سختی کار کشاورزی، به همراه فرصتهای ایجاد شده برای تحصیل دختران روستایی، موجب رویگردانی روزافزون دختران و زنان جوان روستایی از فعالیتهای کشاورزی و در غیاب فرصتهای جدید و جایگزین، موجب بالا رفتن نرخ بیکاری این قشر شده است. سرشماری ۱۳۷۵ نشان می دهد، در این سال میزان بیکاری روستایی مردان روستایی ۸/۶٪ و زنان ۱۴/۴٪ بوده است.

برخلاف بخش کشاورزی و صنعت که شمار شاغلان زن در آن کاهش یافته، اشتغال زنان در بخش خدمات طی سالهای اخیر سیر صعودی داشته است. سهم عمده

خانواده، یک مغازه، یک واحد تولیدی کوچک کفش، یک واحد بزرگ مونتاژ تلویزیون یا واحد غول‌پیکر تولید فولاد باشد. این سازمان در چارچوب قواعد و سازمان اجتماعی تعریف کلی می‌شود. اشتغال مبتنی بر دریافت مزد است (به‌استثنا فامیلی بدون مزد) و کارکنانی که دستمزدشان را به‌صورت کالا دریافت می‌کنند، به‌رحال مزد می‌گیرند.

اشتغال ممکن است از روزی کمتر از یک ساعت تا روزی ۱۰ - ۱۴ ساعت یا بیشتر باشد. ممکن است اشتغال ۱۲ ماه در سال (به‌استثنا مرخصی) یا اشتغال فصلی یا اشتغال کوتاه‌مدت را شامل شود. قرارداد کار ممکن است ابدی، بلندمدت، میان‌مدت، کوتاه‌مدت یا موقت یا فقط روزانه و یا حتی برای چند دقیقه باشد. اینها بستگی به سازمان و حقوق کار دارند. از حیث آماری اشتغال را باید با ضابطه‌ای مشخص تعریف کرد؛ مثلاً اگر فردی ۸ ساعت در هفته بیش از مراجعه‌مأمور سرشماری به‌ازای هر میزان پاداش کار کرده است، شاغل محسوب می‌شود.

اشتغال را می‌توان برحسب ضابطه‌های زیر تقسیم‌بندی کرد.

- ضابطه فعالیت یا گروه خدمات فعالیت (← بخش) مثلاً اشتغال در صنعت، کشاورزی یا خدمات؛
- ضابطه وضع فعالیت، شامل شاغل و غیرشاغل، بیکار، محصل، خانه‌دار و دارای درآمد بدون کار؛
- ضابطه جغرافیایی، شامل بخش شهری (کلانشهرها، شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک) بخش روستایی، استانها و مناطق اقتصادی و جغرافیایی کشور و اشتغال خارج از کشور برحسب کشورهای خارجی؛
- ضابطه گروه‌های شغلی، شامل قانونگذاران و مقامات عالی و مدیران، محققان، تکنیسینها و دستیاران، کارمندان اداری و دفتری، کارگران خدماتی فروشگاهها و بازارها، کارکنان کشاورزی و رشته‌های وابسته، صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط به متصدیان (اپراتورها) ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ و رانندگان وسایل نقلیه یا کارگران ساده. البته هریک از این گروه‌های عمده شغلی به انواع و زیر گروههایی تقسیم می‌شوند، مثلاً رده متخصصان می‌تواند شامل متخصصان رشته‌های اجتماعی، انسانی، پزشکی،

- United Nation. *Human Development Report, Development Programme*. Oxford and New York: Oxford University, 2004.
- United Nations. *Sustainable Development and International Economic Cooperation: Women in Development, General Assembly*. New York, 1995.
- World Bank. *Engendering Development: Through Gender Equality in Rights, Resources, and Voice*. Washington, D.C.: World Bank, 2001.

فضیله خانی

اشتغال شهری

Urban Occupation

کمتر مقوله‌ای، در زندگی انسانی می‌توان سراغ گرفت که همچون کار ماهیت آن از طریق آثاری که بر جای می‌گذارد، قابل توصیف و تبیین باشد. کار را می‌توان فرایندی روبه هدف در حیطه جمعیتی، فیزیکی و اجتماعی تعریف کرد. کار با نیرو، حرکت و تغییر شکل در راستایی معین صورت می‌گیرد، اما در درون مناسبات اجتماعی خاص، چگونگی، ارزش و سازمانیابی ویژه خود را می‌یابد. به‌جای آنکه به پرسش کار چیست پاسخ داد می‌توان به این پرسش که حاصل کار چیست پاسخ گفت؛ زیستن پاداش کار است.

در نظامهای اقتصادی امروز، کار از طریق سازماندهی، محیط و پاداش مادی تعریف می‌شود. پدیده اشتغال، یعنی مشغول بودن غیرتصادفی، کار معین را پدید می‌آورد.

به‌این ترتیب، اشتغال مجموع فرایند اجتماعی کار کردن است که از جنبه‌های اساسی می‌باید ضابطه‌مند باشد. کار معین ممکن است از انواع کارهای متفرقه (مثل تمیز کردن ساختمان، خرید، نامه‌رسانی) یا کاری معین و تکراری (مثلاً مدارس چاپی بسیار ظریف با دستگاههای پیشرفته روی قطعات کامپیوتر) یا کاری هنرمندانه (مانند گلدوزی) یا خشن، دشوار و سخت (مانند کار در کنار کوزه ذوب فولاد) تشکیل شده باشد. سازمان کار می‌تواند سازمان سستی

اشتغال شهری

داشت؛ تعبیر سوم، مفهومی فلسفی، اما از حیث اندازه‌گیری، بسیار دشوار دارد و آن اشتغال است که شهرنشینی در طول تاریخ و پهنه جغرافیا آن را پدید می‌آورد. این تعبیر با گستره بزرگی از شاغلان سروکار دارد؛ و بالاخره، تعبیر چهارم که بسیار محدود است، براساس اشتغالی است که فقط زندگی شهری - و نه صنعتی و خدماتی - آن را می‌طلبد. شاغلان شهرداریها، خدمات شهری، خدمات رفاهی و ورزشی، مواد غذایی داخل شهر و فروشگاهها و جز آن در این تعریف جای می‌گیرند.

اشتغال شهری را باید شامل شهرهای متوسط، بزرگ، بسیار بزرگ و کلانشهر کرد که محل کارشان در شهر است.



کتاب‌شناسی:

- ادل، ماتیو. *اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، تهران: نشر قطره، فصلهای ۲ و ۳، ۱۳۸۰.
- فلورا، دنیر. *اقتصاد معاصر*، ترجمه منوچهر فرهنگ، ج ۱، تهران: انتشارات سروش، بخش ۲، فصل ۲، ۱۳۷۰.
- جری، ریچارد، دوکات، امانوی و دیگران، *بیکاری در جهان سوم*. تهران: وزارت برنامه و بودجه مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۶۸.
- ماروی، دیوید. *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ سامیان، محمدرضا حائری، بهروز منادی‌زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهرداری تهران، فصلهای ۲ و ۵، ۱۳۷۹.
- رئیس‌دانا، فریبرز. *بررسیهای کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*. ج ۱، تهران: نشر چشمه، فصل دوم، ۱۳۸۰.

فریبرز رئیس‌دانا

کشاورزی، فنی و جز آن باشد؛

• تقسیم‌بندی سنی، شامل شاغلان در گروههای سنی متفاوت؛

• ضابطه وضع شغلی، که کارکنان را برحسب کارفرمایان (بخش خصوصی)، کارکنان مستقل (بخش خصوصی)، مزد و حقوق‌بگیران (بخش خصوصی)، کارکنان فامیلی بدون مزد (بخش خصوصی)، مزد و حقوق‌بگیران (بخش دولتی)، مزد و حقوق‌بگیران (بخش عمومی) و مزد و حقوق‌بگیران (بخش تعاونی) تقسیم‌بندی می‌کند؛ و

• تقسیم‌بندی جنسیتی، شامل شاغلان زن و مرد.

به‌هرحال می‌توان برای اشتغال جدولهای دو یا سه

بعدی تدوین کرد که در هریک از آنها، شاغلان با ضابطه‌های چندگانه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند.

هرچه جامعه‌ای صنعتی‌تر و پیشرفته‌تر باشد، نسبت شاغلان شهری و بخش خدمات در آن بالاتر است. البته گاهی به دلیل ناهنجاری اقتصادی و رشد ناموزون، مثلاً در اقتصادهای کم توسعه نیز شهرنشینی (← شهرنشینی) افزایش یافته است. بنابراین ضابطه مذکور که درجه رشد اقتصادی را با برتری ترتیبی شاغلان خدمات، شاغلان صنعت و

شاغلان کشاورزی طبقه‌بندی می‌کرد، کاربرد و گویایی زیادی ندارد. در شهرهای بسیار بزرگ و در جامعه‌ای دچار رشد بی‌رویه شهری، ممکن است شاغلان بخش خدمات - خرده‌فروشی و دستفروشی و واسطه‌گری سهم بالایی را در کل اشتغال داشته باشند.

اشتغال شهری را می‌توان به چند گونه تعریف کرد: یک تعبیر از اشتغال شهری، شاغلانی را دربر می‌گیرد که در شهر ساکنند، در این صورت با مشکل تعریف شهر روبرو می‌شویم؛ تعبیر دیگر از اشتغال شهری، عبارت است از شاغلانی که محل کارشان و نه لزوماً محل سکونتشان در شهر است. در این صورت، کارکنان شهرهای صنعتی که در روستاهای اطراف سکونت دارند، واقعاً چه تعریفی خواهند

اصل چهار (در ایران)

Point Four (in Iran)

برنامه کمکهای ایالات متحد برای بازسازی ایران بعد از جنگ جهانی دوم.

خرابیها و خسارتهایی که جنگ دوم به همراه آورد و گسیختگیهایی که در ارکان نظام بسیاری از کشورها در اثر صدمات جنگ ایجاد شد، بسیاری از کشورهای اروپایی و برخی کشورهای خاورمیانه، از جمله ایران، را در معرض انقلابهای سوسیالیستی و رخنه کمونیسم بین‌الملل قرار داد. در چنین احوالی، ایالات متحد که از صدمات جنگ در امان مانده بود، بر آن شد که برای جلوگیری از نفوذ اتحاد شوروی و بروز انقلابهای سوسیالیستی، برنامه‌هایی را برای کمک به کشورهای اروپایی و خاورمیانه تنظیم کند. چنین هدفی را هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحد، در ژانویه ۱۹۴۹م (۱۳۲۷ش) در سخنرانی انتخاباتی خود اعلام کرد. سازمانی که بعداً برای اجرای بند چهارم از سخنرانی ترومن ایجاد شد، بر همین مبنای اصل چهار ترومن و به اختصار اصل چهار نامیده شد. ایران به‌عنوان یکی از کشورهایایی که در زمره دریافت‌کنندگان چنین کمک‌هایی در نظر گرفته شده بود، ضمن مقاله نامه‌ای که در مهر ۱۳۲۹ش به امضا رسید، به دریافت‌کنندگان کمک در چارچوب اصل چهار پیوست و به‌این ترتیب، برای یک دوره ۱۷ ساله از کمک‌های فنی و اقتصادی ایالات متحد برخوردار شد.

برنامه‌های اصل چهار در ایران ۴ بخش عمده را دربر می‌گرفت:

• ترویج کشاورزی؛

• بهداشت عمومی؛

• آموزش و پرورش؛

• نوسازی صنایع و تأسیسات زیربنایی.

فعالیت در بخش ترویج کشاورزی (← ترویج کشاورزی) عبارت بود از احداث دامداریها، مزارع نمونه و آموزش شیوه‌های مرغداری، باغداری و کشت و کار. فعالیت در بخش بهداشت متمرکز بود بر مبارزه با مالاریا،

واکسن‌کوبی برای مبارزه با بیماریهای واگیردار و سالم‌سازی محیط زیست. فعالیت بخش آموزشی نیز متوجه مبارزه با بی‌سوادی و تأمین دبیر برای دبیرستانها بود.

برای پیشبرد برنامه‌های اصل چهار تعداد کارشناسان امریکایی که به ایران اعزام شدند، تا اواسط دهه ۱۹۵۰م به ۷۰۰ نفر رسید. تعداد کارکنان ایرانی که در رابطه با برنامه‌های اصل چهار با بخشهای مختلف همکاری می‌کردند، در اوج فعالیتها به ۷۰۰۰ نفر می‌رسید. در فعالیت شهرسازی، توجه ویژه‌ای به شهر تهران صورت گرفت و گروه جداگانه‌ای برای کارهای عمرانی در تهران، با نام تیم تهران، شکل گرفت. بسیاری از ایرانیانی که با برنامه‌های اصل چهار همکاری می‌کردند، بعدها به مقامات عالی مدیریتی رسیدند. بسیاری از کسانی که در امریکا تحصیل کرده بودند، در کارهای این برنامه پذیرفته می‌شدند و همین حال، در کابینه‌های حسنعلی منصور و هویدا به مقامات عالی مدیریتی، از جمله وزارت، ارتقاء پیدا کردند.

نوع فعالیت بخشهای مختلف

ترویج کشاورزی

هدف اصلی اصل چهار در بخش ترویج کشاورزی، کمک به کشاورزان در تغییر شیوه‌های سنتی کشت، اصلاح شیوه زراعت، استفاده از بندهای اصلاح‌شده و برخی کمک‌های فنی، مبارزه با آفتها و راه‌اندازی واحدهای دامداری نوین بود. در این زمینه اقدامات چندی صورت گرفت که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• تأسیس مدرسه‌های حرفه‌ای؛

• تأسیس کارخانه فرآوری و رقم‌بندی محصولات

کشاورزی، آموزش استفاده از ماشینهای کشاورزی؛

• راه‌اندازی واحدهای مرغداری و جوجه‌کشی نوین و وارد

کردن سالانه ۱۰۰۰ قطعه جوجه یک روزه از نژاد مرغهای

گوشتی و تخم‌گذار امریکایی و توزیع آن در میان

مرغداریهای حومه تهران؛

• تأسیس دامپروری حیدرآباد برای توسعه بهره‌گیری از

ماشینهای جدید جوجه‌کشی؛

• راه‌اندازی دامپروری برای پرورش گاوهای گوشتی و

• واکسن کوبی بر ضد بیماریهایی چون آبله، دیفتی، کزاز، سیاه‌سرفه، حصبه و مثل اینها.
در میان این سلسله از فعالیتها، ریشه‌کن کردن مالاریا که در ایران بسیار شیوع داشت، جای خاصی داشت. در اثر سمپاشی سراسری ایران، بسیاری از حشره‌های ناقل بیماری از جمله مالاریا، ریشه‌کن شد. برای نمونه، ظرف ۵ سال ابتلا به مالاریا در مازندران به کمتر از ۵٪ رسید. کمک به تأمین آب آشامیدنی سالم یکی دیگر از عرصه‌های فعالیت بود.

نوسازی صنایع و تأسیسات زیربنایی

در اصل چهار جایی هم برای نوسازی و راه‌اندازی صنایع و تأسیسات زیربنایی در نظر گرفته شده بود. در تأسیسات شهری، کمک به تأسیس کشتارگاه تهران یکی از اقدامات در راستای برنامه‌های اصل چهار بود. در کشتارگاه تهران برای جمعیت ۱ میلیونی این شهر در آن زمان، امکاناتی برای کشتار روزانه ۴۰۰۰ رأس گوسفند و گاو در نظر گرفته شد. نوسازی لوکوموتیوها و واگنهای راه‌آهن نیز یکی از سلسله اقدامات مربوط به برنامه‌های اصل چهار بود. تأسیس نیروگاههای تولید برق از دیگر اولویتهای مورد نظر در برنامه‌های اصل چهار بشمار می‌رفت. کارخانه‌های دیگری نیز در رابطه با همین برنامه‌ها تأسیس شد که برخی از آنها در زمره صنایع نوین بودند.

در مجموع اصل چهار در شرایطی که ایران شرایط سختی را تجربه می‌کرد و از کمبودهای زیادی در ابتدایی‌ترین نیازهای بهداشتی، آموزشی و فنی رنج می‌برد، منشا کمکهای قابل توجهی بود. برنامه‌های اصل چهار نخستین گامها در مدرن‌سازی شرایط جامعه در عرصه‌های گوناگون، از کشاورزی تا دامپروری و صنعت بود. کمکهای فنی اصل چهار به ایران در مجموع به بیش از ۳۲۰ میلیون دلار رسید که حدود ۲۵۰ میلیون دلار آن کمک بلاعوض بود. ایالات متحد در قبال این کمکها، به سمت اخذ حق برون‌مرزی (کاپیتولاسیون) پیش رفت که در عوض کمکهای فوق صدمه بزرگی به حیثیت مردم ایران بود و مردم ایران در انقلاب ۱۳۵۷ش، پاسخ این حتک حرمت را به‌شدت هرچه تمام‌تر داد.

شیری از نژادهای اصلاح‌شده؛

• احداث مزرعه نمونه در حیدرآباد کرج و وارد کردن و ترویج استفاده از بذرهای اصلاح‌شده؛
• آموزش استفاده از تفاله چغندر برای تغذیه دام؛
• تأمین منابع برای توسعه فعالیت دانشکده کشاورزی کرج؛
• تأمین هزینه اعزام دانشجو به دانشگاه امریکایی بیروت در رشته‌های کشاورزی و؛
• تأسیس مرکز بهداشت در برخی از روستاهای حومه تهران.

آموزش و پرورش

در بخش آموزش، تیم اعزامی اصل چهار به کمک کارمندی که در ایران استخدام کرده بود، در ۲ زمینه عمده فعالیت می‌کرد:

• تأمین دبیر و آموزگار برای مدرسه‌ها و دبیرستانها؛
• کمک به تأسیس مدرسه با کمکهای اصل چهار و همیاری مردم.

در این ۲ عرصه، ایران در سالهای دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰م با کمبودهای زیادی مواجه بود. تیم فعال در بخش آموزش و پرورش در نخستین دوره فعالیتی خود توانست به سرعت حدود ۱۰,۰۰۰ معلم و دبیر را برای تدریس در مدرسه‌ها و دبیرستانها آموزش دهد. در همین دوره حدود ۴۰۰ مدرسه با همکاری اصل چهار، دولت ایران و همیاری مردم ساخته شد که به آموزش و پرورش ایران در آن دوران تحرک تازه‌ای داد.

بهداشت عمومی

در بخش بهداشت عمومی نیز اصل چهار فعالیتهای گسترده‌ای را انجام داد. این فعالیتها از جمله عبارت بودند از:

• ریشه‌کن کردن مالاریا؛
• مبارزه با آفتهای گیاهی از جمله ملخ؛
• ترویج بهداشت عمومی به‌صورت تشویق به احداث حمامها و دستشوییهای بهداشتی؛ و

کتاب‌شناسی:

- کرباسیان، اکبر. «تحلیلی بر نتایج اجرای اصل چهار ترومن در ایران»، *ماهنامه گزارش*. شماره ۱۰۷، دی ۱۳۷۸.
- نوروزی، عباس. «بررسی نقش سازمانهای امریکایی در تروج کشاورزی ایران». *مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور*، ۱۳۷۲.
- همراز، ویدا. «جامعه ایرانی و اصل چهار ترومن ۱۳۲۹-۱۳۳۲»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی ایران*. سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۸.
- رامتین، حسین. *امریکائیها در ایران*. جلد اول، تهران: انتشارات باما، ۱۳۴۱.

اسماعیل شهبازی

اصلاحات ارضی

Land Reform

اصلاحات ارضی عبارت است از تغییر و تحول ساختاری قواعد و روندهای حاکم بر حقوق، وظایف، اختیارات و نحوه حضور افراد و گروهها در بهره‌برداری و نظارت بر منابع اصلی زمین و آب، به منظور بهبود نظام بهره‌برداری زراعی و زمینه‌سازی برای توسعه اجتماعی-اقتصادی. به سخن ساده‌تر، اصلاحات ارضی، تحول از پیش تعیین‌شده در نظام بهره‌برداری، یعنی مالکیت زمین، نحوه تصرف و برخورداری از منابع اصلی (زمین و آب)، روشهای کشت و روابط حاکم بر این مجموعه است. علاوه بر این، اصلاحات ارضی شامل تغییر جایگاه بخش کشاورزی و رابطه آن با کل اقتصاد نیز بشمار می‌رود.

الگوهای ثروت و توزیع درآمد و همچنین، الگوهای نفوذ اجتماعی و سیاسی در بسیاری از سرزمینها، تا حد زیاد، تابعی است از مقررات و قانونمندیهای حاکم بر نظام بهره‌برداری از زمین. این مجموعه حقوقی، به‌نوبه خود، شیوه‌ها و روشهای رایج بهره‌برداری، امتیازهای افراد و گروههای ذی‌ربط و وظایف و مسئولیتهای هر یک از آنها و به سخن دیگر، حق مالکیت زمین، نحوه واگذاری و

بهره‌برداری آزادانه و همچنین دامنه‌ عواید حاصل از آن را تعیین می‌کند. در این چارچوب، نظام بهره‌برداری، تعیین‌کننده توزیع ثروت و درآمد متکی بر زمین در عرصه عمومی اجتماع است: اگر مالکیت خصوصی مجاز باشد، تفاوت‌های طبقاتی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد؛ در مقابل، مالکیت جمعی مانع این‌گونه تفاوتهاست و در نتیجه، تعارض اجتماعی-اقتصادی را تعدیل می‌کند.

شیوه‌های بهره‌برداری از زمین انواع چندی دارد و از مالکیت موقت، بهره‌برداری مشروط و تا مالکیت مطلق که مؤید حق تصاحب و واگذاری زمین است، تفاوت می‌پذیرد. از سوی دیگر، ارزش زمین نشانگر کمیاب بودن نسبی آن است که در اقتصاد بازار، اغلب به‌نسبت موجود بین وسعت زمین قابل استفاده و میزان جمعیت ناحیه بستگی دارد. براین اساس، با کاهش وسعت و نسبت سرانه زمین، ارزش نسبی زمین افزایش می‌یابد و به‌نحوه بارز، به‌صورت سرچشمه تعارض میان گروههای اجتماعی-اقتصادی موجود در جامعه نمود می‌کند.

در کشورهای توسعه‌نیافته، زمین اغلب اساسی‌ترین شکل ثروت و سرمنشأ قدرت سیاسی و اقتصادی بشمار می‌رود و بر همین مبنا، نظام بهره‌برداری ارضی، گویای ساختار و روابط اجتماعی است.

برخی از عملکردهای زمین در این‌گونه کشورها عبارت است از:

- عامل تولید؛
- ذخیره ارزش و ثروت؛
- نماد پایگاه و نفوذ اجتماعی؛ و
- سر منشأ قدرت سیاسی.

به‌این ترتیب، زمین در این سرزمینها، از جایگاه و مجموعه عملکردی والایی برخوردار است. به سخن دیگر، با توجه به همین جایگاه و عملکردهای تاریخی، می‌توان مفهوم، دامنه و اهمیت اصلاحات ارضی را تبیین کرد. علاوه بر این، اصلاحات ارضی ممکن است توسط دولت، گروههای ذی‌نفع و یا انقلاب پدیدار گردد. اصلاحات ارضی را می‌توان برحسب دامنه تغییر حقوق مالکیت ارضی، طبقه‌بندی نمود؛ این دامنه- در عمل- شامل موارد

اساسی رخ می‌نمایند. به این ترتیب، به نظر می‌آید، ساده‌ترین وجه ارزیابی برنامه‌های اصلاحات ارضی، موفقیت آنها از لحاظ اقتصادی است؛ این امر را می‌توان با توجه به معیارهای زیر شناسایی کرد:

- افزایش مداوم درآمد سرانه عینی؛
- سرمایه‌گذاری مبنایی در بخش کشاورزی؛
- افزایش بهره‌وری؛
- کاهش بیکاری روستایی؛ و
- جایگاه و سهم بخش کشاورزی در پاسخگویی به نیازهای خاص سایر بخشهای اقتصادی.

در مقابل، شاخصهای اجتماعی و سیاسی کمتر قابل اندازه‌گیری و محل اتکاء هستند؛ نارسایی این‌گونه شاخصها، به خاطر تعارضهای متنوع اصلاحات ارضی، برجسته‌تر به نظر می‌آیند. برخی نتایج در بعضی کشورهای توسعه‌نیافته، موجب شده است تا اجرای اصلاحات ارضی با پیامدهای منفی همراه گردد. بر مبنای این‌گونه پیامدها، بعضی کارشناسان موارد زیر را گزارش می‌کنند:

- بازتوزیع زمین موجب حذف نقش اقتصادی و مدیریتی زمینداران بزرگ می‌شود؛
- اصلاحات، در اغلب موارد، به وقفه کار واحدهای زراعی موفق می‌انجامد؛
- پرداخت غرامت به زمینداران بزرگ، موجب ضرر و زیان اقتصادی می‌گردد؛
- زارعان درآمدهای اضافی خود را به جای پس‌انداز برای سرمایه‌گذاری، در امور مصرفی هزینه می‌کنند؛
- اصلاحات غالباً پیش از آنکه یک نظام کارآمد آموزشی-فرهنگی در عرصه اجتماعی-اقتصادی راه‌اندازی شود، به مشارکت بیشتر نهادهای سیاسی و بعضاً اجتماعی منتهی می‌گردد؛ و
- اقدامات اعمال‌شده در زمینه ممانعت از تمرکز دوباره مالکیت، ممکن است، مانع از ایجاد فعالیتهای کارآمد اقتصادی گردد.

به هر حال، اصلاحات ارضی، از لحاظ تاریخی، به معنای اصلاح نظام بهره‌برداری یا بازتوزیع حقوق مالکیت زمین است. البته، دامنه این معنا در دهه‌های اخیر، با تأکید بر

زیر است:

- بازتوزیع زمین؛
- تغییر مقیاس فعالیت؛
- تغییر الگوهای کشت؛ و
- اقدامات حمایتی (نظیر بازاریابی، تأمین اعتبار یا اصلاحات ترویجی).

عام‌ترین هدف سیاسی اصلاحات ارضی، در اغلب موارد، از میان برداشتن شیوه فئودالی (در ایران: ارباب-رعیتی) و یا در صورتی که مالکان بیگانه باشند، محو شیوه استعماری زمینداری است؛ از آنجا که در هر ۲ این وضعیت، هدف اصلی، بهره‌کشی از دهقانان بی‌زمین است، جایگاه اجتماعی رعایا مورد توجه و تأکید اصلاحات ارضی است. با این حال، اهداف اقتصادی اصلاحات ارضی ممکن است، به سادگی، ترغیب کشت فشرده‌تر و هماهنگی تولید کشاورزی با سایر فعالیتهای اقتصادی، به‌ویژه حمایت از برنامه صنعتی شدن باشد.

اصلاحات ارضی، هم از نظر اجتماعی-اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی، پیوسته با برداشتهای متفاوت و متعارض همراه بوده است؛ بعضی عقیده دارند، تفکیک اراضی به واحدهای کوچک و واگذاری و مدیریت آن به دهقانان بیسواد و ناآگاه از طریق اصلاحات ارضی، ممکن است به فاجعه منتهی شود، زیرا دهقانان خرد قاعداً در این اراضی کوچک به تولید برای رفع نیازهای فوری خود می‌پردازند و بدینسان، با کاهش سطح عمومی تولید، قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد و از همه مهم‌تر، رشد اقتصادی متوقف می‌ماند. در مقابل، برخی معتقدند، با اعمال این اصلاحات، اعتماد به نفس روستائیان بیشتر می‌شود و سطح تولید و درآمد افزایش می‌یابد؛ هرچند این عده این فرایند را به موفقیت اصلاحات در نهادسازی و برپایی محیطی نهادی مشروط می‌دانند.

ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌های اصلاحات ارضی در اغلب موارد، به علت مبهم بودن اهداف اعلام شده، به سادگی امکان‌پذیر نیست. در پاره‌ای موارد اصولاً امکان ندارد، بتوان این‌گونه برنامه‌ها را برحسب شاخصه‌های قابل اندازه‌گیری ارزیابی نمود و در اغلب موارد، تضادهای

نقش راهبردی زمین و کشاورزی در توسعه، گسترش یافته است. بنابراین، اصلاحات ارضی در مواردی با برخی برنامه‌های اجرایی، هم‌تراز و مترادف بشمار می‌آید؛ از آن میان، می‌توان از اصلاحات زراعی و یا بهسازی ساختار زراعی یاد کرد که اصلاح و بهبود جنبه‌ها و عرصه‌های زیر را نیز شامل می‌گردد:

- نظام بهره‌برداری؛
- الگوی کشت؛
- سازماندهی مزرعه؛
- مقیاس فعالیت زراعی؛
- مقررات بهره‌برداری؛
- نهادهای اعتبار (مالی) روستایی؛
- بازاریابی؛ و
- آموزش.

علاوه‌براین، این‌گونه اصلاحات - ضمناً - با وضعیت فناوری یا با صور تلفیق این عوامل، مستقل از جهت‌گیریهای سیاسی مجریان اصلاحات، سروکار یافته است.

در ایران، پیش از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ش)، بیشتر اراضی زراعی کشور در دست بزرگ مالکان و شالوده تولید زراعی، بر پایه روابط حاکم بر نظام مزارعه استوار بود. در آن زمان، حدود ۷۰٪ از جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کردند و فعالیتهای بخش کشاورزی، هم از نظر اقتصادی و هم اجتماعی، بر سایر بخشها غلبه داشت.

گرچه اولین کوششها در زمینه اصلاح ساختار زمینداری در ایران به انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ش) باز می‌گردد، اما نخستین گامها در زمینه تقسیم اراضی روستایی به واگذاری املاک مزروعی پهلوی، در ۷ بهمن ۱۳۲۹ش و لایحه قانونی فروش خالصجات، مصوب ۶ دی ماه ۱۳۳۴ش و در پی آن، آئین‌نامه اجرایی فروش خالصجات (۲۱ آبان ۱۳۳۶ش)، همراه با فروش اراضی و باغات و قراء و مزارع خالصه به کشاورزان، کارمندان و همچنین (از طریق مزایده) به افراد عادی، براساس مقررات مربوط به امور صندوقهای تعاونی روستایی باز می‌گردد. با این اقدام دربار، به‌عنوان بزرگ‌ترین مالک کشور، ظاهراً تصور می‌رفت، سایر عمده

مالکان نیز به واگذاری و تقسیم زمینهای خود ترغیب شوند؛ البته این اقدام از سوی زمینداران بزرگ چندان جدی گرفته نشد. به‌دنبال آن، زمزمه واگذاری اراضی زراعی از طریق قانون اصلاحات ارضی، مصوب ۴ خرداد ۱۳۳۹ش، انتشار یافت. این قانون حدود مالکیت ارضی را برابر ۴۰۰ هکتار زمین آیش و زیرکشت آبی، یا ۸۰۰ هکتار زمین دیم یا بایر و یا ترکیبی از این ۲ نوع زمین که مجموع آنها از حداکثر زمین دیم و بایر مجاز تجاوز نکند، تعیین می‌کرد و به مالکان اجازه می‌داد، این مقدار را آزادانه از بین زمینهای خود انتخاب کنند. این قانون، همچون مصوبات پیشین، قبل از آنکه به‌درستی به اجرا درآید، با قانون اصلاحات ارضی ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ش، مورد تغییر و اصلاح قرار گرفت. قانون جدید، حدود مالکیت کشاورزی را حداکثر به یک ده شش‌دانگ محدود می‌کرد و مالکانی که بیش از یک ده شش‌دانگ در اختیار داشتند، مختار بودند، یک ده شش‌دانگ) را از میان املاک خود انتخاب کنند.

به‌این‌ترتیب، تا بهمن ماه ۱۳۴۱ش، آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های متعددی، ظاهراً برای تسهیل اجرای این قوانین، به تصویب رسید، اما با این‌وجود، این قوانین، به دلایل مختلف، از جمله فقدان اراده حکومتی برای انجام اصلاحات اساسی، به‌درستی به اجرا درنیامد. سرانجام، در ۹ بهمن ماه ۱۳۴۱ش، قانون اصلاحات ارضی به‌طور رسمی اعلام گردید. این قانون را می‌توان برآیند تضادهای حاکم بر سرنوشت تقسیم اراضی روستایی در بین افراد و گروههای ذی‌نفع، و سرجمع نهایی قوانین و مصوبات پیشین بشمار آورد؛ محتوای این قانون ناظر بر موارد زیر بود:

- محدودیت مالکیت زمینداران بزرگ (اربابان ارضی) به یک ده شش‌دانگ؛
- پرداخت غرامت به مالکان، براساس عوارض و مالیاتهای پرداختی؛
- واگذاری زمین به روستائیان، بدون تغییر در مناسبات سنتی کشت در روستا؛ و
- مشروط کردن دریافت زمین به عضویت روستائیان در شرکتهای تعاونی.

هدفهای اصلی از اجرای این قانون، آن‌طور که اعلام

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. «اصلاحات ارضی در ایران»، *جغرافیای جامع ایران*. تهران: مرکز مطالعات ایرانی و اسلامی، ۱۳۸۶.
- سوداگر، محمدرضا. *رشد روابط سرمایه داری در ایران (مرحله گسترش: ۱۳۴۲-۱۳۵۷)*. تهران: انتشارات شعله اندیشه، ۱۳۶۹.
- کاتوزیان، محمد علی (همایون). *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات پایپروس، ۱۳۶۸.
- *مجموعه قوانین و مقررات مربوط به اصلاحات ارضی*. تهران: وزارت تعاون و امور روستاها، مردادماه ۱۳۵۱.
- هوگلاند، اریک ج. *زمین و انقلاب در ایران (۱۳۴۰-۱۳۶۹)*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۸۱.
- Dorner, Peter. *Land Reform and Economic Development*. Middlesex, London: Penguin Books, 1972.
- Ehlers, E. *Iran, Grundzüge Einer Geographischen Landeskunde*. Darmstadt, 1980.
- Lambton, A. K. S. *Landlord and Peasant in Persia*. 2nd ed., London: Oxford Univ. Press, 1969.
- Lambton, A. K. S. *The Persian Land Reform (1962-1966)*. London: Oxford Clarendon Press, 1969.

عباس سعیدی

اطلاعات

Information

واژه اطلاعات معمولاً حقایق و عقایدی را دربر می‌گیرد که در زندگی روزمره کسب و انتقال داده می‌شوند. منابع، انواع شکل‌های انتقال و کسب اطلاعات بسیار گوناگون است. به اطلاعاتی که به شکل منطقی سازمان پیدا کرده باشد، دانش سامان یافته گفته می‌شود، این‌گونه اطلاعات با شکل‌های رسمی و مطالعات منظم فراهم می‌آید. اشکال و ابزار انتقال اطلاعات متنوع است و تنها به انتقال از طریق نوشته یا کلام محدود نمی‌شود. اشکالی از بیان که در زمره بیان هنری قرار دارند نیز حاوی اطلاعات هستند. در دنیای کنونی، اطلاعات سازمان‌یافته موضوع انواع دانش‌هاست که به صورت رشته‌های گوناگون، همچون فیزیک، شیمی،

شده بود، عبارت بود از:

- بهبود شرایط زندگی روستائیان؛ و
 - افزایش درآمد آنان.
- برنامه اصلاحات ارضی در ایران، طی ۳ مرحله زیر به انجام رسید:
- مرحله نخست (۱۳۴۱-۱۳۴۲ش) که طی آن، مالکیت زمین از لحاظ مادی دگرگون شد؛
 - مرحله دوم (۱۳۴۳-۱۳۴۵ش) که طی آن، روابط تولیدی مبتنی بر مزارعه به ظاهر در اغلب مناطق کشور پایان پذیرفت و گسترش شرکت‌های سهامی زراعی در دستور کار قرار گرفت؛ و
 - مرحله سوم (۱۳۴۵-۱۳۴۷ش) که طی آن، واحدهای بزرگ زراعی - از جمله واحدهای کشت و صنعت - مورد تأکید بیشتر قرار گرفت و در عمل، به تفکیک کشاورزی سنتی و نوین منجر شد.
- اجرای قانون اصلاحات ارضی در ایران در ۱۳۴۷ش، به‌طور رسمی، خاتمه یافته اعلام شد.

در مورد انجام و پیامدهای اصلاحات ارضی در ایران نقطه‌نظرات متفاوتی ابراز شده است. درحالی‌که عده‌ای آن را برنامه‌ای صرفاً سیاسی و منبعث از برنامه‌های بیگانگان دانسته‌اند، بعضی آن را از راه‌حلهای بورژوازی برای نوسازی روستاها و کشاورزی معرفی کرده‌اند؛ برخی دیگر، آن را تمهیدی به منظور تعدیل مسائل اجتماعی - اقتصادی و بیشتر برای پیشگیری از انقلاب/از پائین، یعنی پیشگیری از ناآرامیها و جنبشهای روستایی بشمار آورده‌اند. در مقابل، برخی ضمن برشمردن نقاط ضعف آن، آن را حاوی بعضی جنبه‌ها و همراه با پیامدهای مثبت به حساب آورده‌اند. لمتون (۱۹۶۹م)، تحولات ناشی از اجرای قانون اصلاحات ارضی را طی دوره اول، سالهای ۱۳۴۱-۱۳۴۵ش / ۱۹۶۲-۱۹۶۶م، هم از نظر اجتماعی و هم از لحاظ سیاسی و اقتصادی قابل ملاحظه می‌داند، هرچند همو معتقد است، تمام روستائیان از اصلاحات ارضی به‌طور یکسان بهره‌مند نشدند و تعداد بهره‌مندان از زمین طی این اصلاحات، به مراتب کمتر از خانوارهای روستایی کشور بود.

ثبت اطلاعات بر انواع وسایل، چون گل، سنگ، پوست و پاپيروس ممکن شد.

ابداع خط چنان رخداد بزرگی در حیات بشری محسوب می‌شود که به واسطه آن، دوران زندگی بشر به پیش از تاریخ مدون و بعد از تاریخ مدون تقسیم شده است. طی سدهٔ اخیر، فناوریهای تازه‌ای در عرصه اطلاعات پیدا شده است که بعد از انقلاب خط، انقلاب جدیدی در عرصه اطلاعات محسوب می‌شود. در ۲ سدهٔ اخیر، پس از اختراع فن چاپ، که آن نیز به نوبه خود رخدادی بزرگ در فناوری اطلاعات بود، فناوریهای نوینی، یکی پس از دیگری، وارد عرصه زندگی اجتماعی شده است که قرن ما را به سهم خود به قرن متمایزی در تاریخ بشر تبدیل کرده است. به دنبال اختراع کاست، فیلم و سرانجام شیوه‌های تازه‌ای در چاپ، فناوری دیجیتال وارد عرصه شده است که فناوری اطلاعات را به جایگاهی کاملاً متمایز ارتقاء داده است، به گونه‌ای که، عصر کنونی را به تعبیری به عصر *اطلاعات و ارتباطات* تبدیل کرده است.

ذخیره‌سازی و بازسازی اطلاعات

نظامهای ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات، تمهیداتی هستند برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، طبقه‌بندی، ساماندهی، ذخیره کردن، جستن و عرضه اطلاعات. پیش از دههٔ ۱۹۶۰م، اطلاعات اساساً در کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و بایگانیها و پرونده‌ها نگهداری می‌شد. با ورود رایانه به عرصه کار و زندگی، از جمله در سازمانهای اداری، شیوه‌ها و کیفیات استفاده از اطلاعات تحول شگرفی یافت. سازمانها و مدیران اکنون این امکان را دارند که با ذخیره‌سازی و بازیابی مقادیر عظیمی از اطلاعات، کارهای حوزه خود را به نحو بهتری به پیش برند. رایانه‌های شخصی قابل حمل به آنها امکان می‌دهد که به پایگاههای اطلاعاتی وسیع‌تری در بیرون از ادارات خود دسترسی داشته باشند. این البته غیر از امکانات و آرمانهایی است که از آنها به عنوان شهر الکترونیک (← شهر الکترونیک) و دولت الکترونیک (← دولت الکترونیک) یاد می‌شود.

ذخیره‌سازی اطلاعات عمدتاً شامل مراحل زیر است:

زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و مثل اینها تبلور یافته است. اطلاعات در عرصه تجارت نیز امروزه به یکی از فعالیتهای عمده اقتصادی تبدیل شده است. علاوه بر این، شاخه‌ها و بخشهای گوناگون صنعت هر روز بیشتر به فناوری اطلاعات (← فناوری اطلاعات) وابسته می‌شوند. طی ۳ دهه گذشته، میزان نیروی کاری که در بخش فناوری اطلاعات اشتغال داشته‌اند، در کشورهای پیشرفته دهها برابر شده است. امروزه، اهمیت اطلاعات در زندگی بشر به جایی رسیده است که عصر حاضر به عصر اطلاعات شهرت یافته است. اطلاعات در پیشبرد امور گوناگون جامعه، از جمله در مدیریت خرد و کلان، جایگاه ویژه‌ای دارد. پیچیده شدن اداره امور (← اداره امور) در جوامع امروزی، از جمله در حوزه‌های مدیریت شهری، استفاده از اطلاعات را به عنصری ضروری در کار ساماندهی مسائل تبدیل کرده است.

موضوع اطلاعات به عنوان یک مبحث علمی و همچنین شاخه‌ای از فناوری، دامنه گسترده‌ای دارد و حوزه‌هایی همچون پردازش اطلاعات، نظامهای اطلاعاتی و مباحثی چون کسب، ثبت، ساماندهی، بازیابی و انتشار اطلاعات را دربر می‌گیرد. اطلاعات همچنین موضوع بحثهای نظری و عرصه نظریه‌پردازی نیز هست.

کسب و ثبت اطلاعات

اطلاعات از نیازهای اساسی انسان است؛ انسانها برای کارهای مختلف زندگی خود، از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین آنها، به اطلاعات نیاز دارند. انسان در ارتباط با محیط همواره از طریق حواس خود به دریافت اطلاعات مشغول است و مغز انسان عالی‌ترین دستگاه پردازش اطلاعات محسوب می‌شود. جامعه انسانی از گذشته‌های دور برای کسب، حفظ، ساماندهی و انتقال اطلاعات تمهیداتی پدید آورده است. در آغاز حیات بشر، مهم‌ترین وسیله حفظ اطلاعات، حافظه بود. بسیاری از میراثهای ارزشمند فرهنگ بشری، مثل آداب آئینی، دینی و اساطیری برای دورانی طولانی به صورت شفاهی و با تکیه بر حافظه انسانی، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. بعد از ابداع نوشتن،

اصناف

Guilds

بسیاری از متفکران، کلمه انگلیسی Guild را معادل واژه صنف که جمع آن اصناف است، تلقی کرده‌اند. این واژه انگلیسی عمدتاً ناظر بر اتحادیه‌های قرون وسطایی، متشکل از صاحبان حرفه‌های مشابه و تجار است که وظیفه نظارت بر کار اعضا آن، به‌منظور حفظ استانداردهای کاری و حرفه‌ای، آموزش شاگردانی که نزد استادان هر حرفه نهاده می‌شدند و در مجموع، حفظ اخلاق حرفه‌ای، وجدان کاری و صیانت از منافع گروهی را برعهده داشتند. بدینسان، صنف سازمانی شغلی و حرفه‌ای است که افراد هم‌حرفه را در جهت منافع حرفه‌ای، گرد یکدیگر جمع می‌آورد. صنف در فرهنگ مغرب زمین به نوعی انجمن رسمی گرایش داشته و دارد. این انجمن در جهت حفظ منافع مشترک، پایدارسازی حرفه‌ای و تضمین بقاء، ساختمان‌د کردن تولید و رعایت اصول حرفه‌ای می‌کوشد و در مواقع ناامنی، بی‌ثباتی و بحران، به یاری اعضا می‌شتابد. گرچه منابع بسیاری، از جمله منابع اینترنتی، با کم‌دقتی از وجود اصناف در هند باستان دوران گوپتا، یعنی سالهای ۳۰۰ تا ۶۰۰ م، در چین دوران سلسله هان، سالهای ۲۰۶ ق م تا ۲۲۰ م و دوران سلسله سویی، سالهای ۸۹ تا ۶۱۸ م و در مصر، زیر نفوذ دوران هلنی و سپس رُم یاد کرده‌اند، کاربرد این مفهوم در متنهای اجتماعی- تاریخی مختلف و در دورانهای گوناگون جامعه‌ای واحد، با بار معنایی متنوع و متفاوتی همراه است که عدم توجه به چنین تفاوتی به برداشتهای ناروا ختم می‌شود. برای مثال، گرچه از وجود اصناف در مصر دورانهای مختلف یاد شده است، بررسی اندیشمندان نشان می‌دهد که صنف در مصر عمدتاً سازمانی حرفه‌ای، متعلق به دوران عثمانی و پس از آن بوده است؛ برای نمونه، اس.دی. گوی‌تین در مقاله قاهره: شهری اسلامی در پرتو اسناد جنیزا، منتشره در کتاب شهرهای خاورمیانه تألیف و گردآوری ایرا. ام. لاپیدوس، چنین آورده است: در بررسی دقیق اسناد جنیزای قاهره (اسنادی که به زبان عربی با حروف عبری در سده‌های ۱۰ تا ۱۳ م در شهر قاهره نوشته

- پیدا کردن اطلاعات مأخذ؛
- انتخاب واژگان تعریف‌کننده این مأخذ؛
- گزینش چارچوب برای ساماندهی به واژگان نمایه؛
- نمایه؛
- گزینش شیوه جستجو در پرونده؛ و
- بازیابی و عرضه.

• **نمایه‌سازی.** یکی از مراحل ساماندهی اطلاعات نمایه‌گذاری است. نمایه‌سازی یعنی تعیین واژگان یا اصطلاحاتی در زبان رایج، به‌عنوان نشانه‌نوع یا طبقه معینی از اطلاعات. برای هر یک از اسناد می‌توان رمزی را در قالب واژه تعیین کرد. در دستگاههای پیشرفته رایانه‌ای این کار به‌صورت خودکار انجام می‌شود.

• **پرسش‌گذاری.** برای جستجوی اطلاعات جهت بازیابی آنها نیز فرمولهایی در نظر گرفته می‌شود. این فرمولها باید با اطلاعات ذخیره‌شده و مورد جستجو رابطه داشته باشند. در این خصوص نیز دستگاههای پیشرفته از فناوریهایی استفاده می‌کنند که این کار را به‌نحو خودکار انجام می‌دهند.

• **ساماندهی پرونده و جستجو.** پرونده‌ها باید به‌شکلی سازماندهی شود که جستجوی اطلاعات آسان باشد. اگر طبقه‌بندی اسناد و پرسش‌گذاری برای جستجوی آنها به دقت صورت نگیرد، کار بازیابی اطلاعات نمی‌تواند با سرعت به پیش رود.

کتاب‌شناسی:

- "Information Processing and Information Systems", *Encyclopedia Britanica*. Vol. 2I, 1992.
- "Information Storage and Retrieval", *Collier Encyclopedia*, Vol. 13, 1991.
- "Information Storage and Retrieval", *Encyclopedia Americana*. Vol. 15, 1992.
- Martin, J. *Information Engineering: an Introduction*. Vol. I, Engelwood Cliff, Prentice-Hall, 1990.
- Masuda, Yones. *Managing in the Information Society: Releasing Synergy Japanese Style*. Oxford: Blackwell, 1990.

کمال پولادی

شده و در کنیسه و قبرستانی محفوظ مانده است و در دوران معاصر به کف آمده و بررسی گردیده است) یا اسناد نظارت بر بازار در زمان تدوین آن اسناد، آدمی ممکن است بیهوده به جستجوی معادل عربی واژه انگلیسی Guild بپردازد، اما چنین واژه‌ای وجود نداشته است، زیرا نهادی به نام اصناف تا سده ۱۳ م موجودیت نیافته و نظارت بر کیفیت و شرایط حرفه‌ای صاحبان حرفه‌های مختلف، وظیفه مأموران انتظامی حکومتی بوده است.

این نکته از آن رو مهم است که در ساختار سیاسی جوامع استبدادی که با تمرکز فوق‌العاده حکومتی در دوره‌های ثبات همراه بوده است، اصناف یا پدید نیامده و یا به صورت انتصابی، عهده‌دار تنظیم رابطه حکومت و صاحبان حرفه‌های گوناگون و ابلاغ فرامین حکومتی و توافق مالیاتی که اعضاء باید بپردازند، محدود می‌شده است و به سخن دیگر، انجمن به خود نمی‌گرفته است. البته در جوامعی که افراد صاحب حقوق یا شهروند وجود داشته است، سازمانهای صنفی به شکل انجمنهای اجتماعی نسبتاً مستقلی پدید آمده، بخشی از زندگی انجمنی رسمی و خارج از خانواده محسوب شده و به عنوان نهادی قدرتمند تمام مسائل هر حرفه خاص را سازماندهی و تنظیم می‌کرده است.

در سرزمینهای خلافت اسلامی، به‌ویژه در عصر عباسی، مفهوم صنف به عنوان نهاد رابط بنی‌صاحبان یک حرفه و حکومت اسلامی و تنظیم‌کننده نظارت محتسب و داروغه بر صنف گسترش یافته، علاوه بر تجار و پیشه‌وران، صنعتکاران را نیز دربرگرفت. بعدها حتی از صنف اهل علم نیز سخن به میان آمد. البته این اصناف هرگز استقلال تام و تمام را تجربه نکردند. در ایران، مفهوم صنف در ترکیبی رازآلود یا مفهوم فتوه و فتوت، از یکسو و عیاران از سوی دیگر، گاه شکل سازمانهایی مخفی را به خود می‌گرفت، که با مباحث عرفانی و سازمانهای صوفیانه درمی‌آمیخت و در نتیجه، بر پیچیدگی موضوع می‌افزود.

مهم‌ترین دوران در زندگی اصناف گوناگون، دوره پایانی سده‌های میانی در اروپای غربی است که شاهد ظهور صنف شهرهایی است که راه را برای ورود سرمایه‌داری

در سرزمینهای خلافت اسلامی، به‌ویژه در عصر عباسی، مفهوم صنف به عنوان نهاد رابط بنی‌صاحبان یک حرفه و حکومت اسلامی و تنظیم‌کننده نظارت محتسب و داروغه بر صنف گسترش یافته، علاوه بر تجار و پیشه‌وران، صنعتکاران را نیز دربرگرفت. بعدها حتی از صنف اهل علم نیز سخن به میان آمد. البته این اصناف هرگز استقلال تام و تمام را تجربه نکردند. در ایران، مفهوم صنف در ترکیبی رازآلود یا مفهوم فتوه و فتوت، از یکسو و عیاران از سوی دیگر، گاه شکل سازمانهایی مخفی را به خود می‌گرفت، که با مباحث عرفانی و سازمانهای صوفیانه درمی‌آمیخت و در نتیجه، بر پیچیدگی موضوع می‌افزود.

مهم‌ترین دوران در زندگی اصناف گوناگون، دوره پایانی سده‌های میانی در اروپای غربی است که شاهد ظهور صنف شهرهایی است که راه را برای ورود سرمایه‌داری

معاصر هموار کردند و در مواردی، به‌ویژه صنایع دستی تا سده ۱۶م، با قدرت بر حرفه‌های گوناگون نظارت و کنترل دقیق اعمال نمودند.

علی‌رغم تفاوت‌های موجود بین اصناف در سرزمینهای مختلف و در زمانهای گوناگون، وجوه سازمانی مشترکی نیز در تمام انواع قابل ردیابی است. برای مثال، اکثراً اصناف از دستگاه و نهادی حاکم بر آن، واحدهای اداری یاری‌دهنده ارگان یاد شده و مجمع اعضاء که معمولاً بدان مجمع عمومی می‌گویند، تشکیل می‌شود. مجمع عمومی نیز معمولاً افراد اداره‌کننده صنف را برمی‌گزیند و یا برای انتصاب از بین چند نفر به حکومت معرفی می‌نماید. ویژگی مشترک دیگری که در اکثر موارد به چشم می‌خورد، اشراف افراد برگزیده بر امور گوناگون صنف و احترام اعضاء به آنان است که ایشان را برای حل کدخدا منشانه اختلافات اعضاء، واجد صلاحیت می‌کند.

از دیگر وظایف صنف، تنظیم رابطه استاد و شاگرد بوده است. این رابطه بخشی از نظام آموزش حرفه‌ای را دربرگرفته و از سوی دیگر، شرایط عبور از کودکی و نوجوانی به بزرگسالی را سازمان می‌بخشیده است. در نتیجه، برای اشاره به تعلیم و تربیت سنتی، علاوه بر خانواده، نهادهای مذهبی عهده‌دار سوادآموزی، از نظام آموزش استاد-شاگردی در چارچوب صنف نیز یاد می‌شود.

بحث صنف در ایران با فراز و فرود بسیاری همراه است. از سوی دیگر، بیان بسیاری از نقطه‌نظرات درباره صنف در ایران، آن هم در دورانهای مختلف، قابل اثبات نیست. برای مثال، منابع مربوط به ایران قبل از اسلام، از پیدایش صنف پیشه‌وران و صنعتکاران، با نام واستریوشان در زمان اشکانیان یاد کرده‌اند و ادعا نموده‌اند که روحانیون نستوری به زبان سریانی از جلسات تشکیل شده خود، صورتجلسه تهیه می‌کردند. در این صورت جلسات گرد آمده مربوط به اواخر اشکانی و سپس دوره حاکمیت ساسانی از واستریوشان سالار به عنوان رئیس صنف نام برده شده است. از اشاره مختصری که به این موضوع شد، چنین استنباط می‌گردد که اولاً فرایند تفکیک اجتماعی-اقتصادی در دوره اشکانی آغاز و تا دوره حمله اعراب ادامه داشته

مسائل نظری واژه‌های مرجعیت و اعتبار معادلهای بهتری برای authority هستند. واژه authority علاوه بر اشاره به منصب سیاسی، به جایگاه اجتماعی نیز اشاره دارد. در پهنه مناسبات سنتی به‌ویژه در روستاها گاهی مراجع سنتی اقتدار در کنار مراجع رسمی در هدایت امور محلی تأثیرگذار هستند.

معنای اقتدار با معنای قدرت یکسان نیست. قدرت به معنی توانایی وادار کردن دیگران به اطاعت از یک دستور است بی آنکه این دستور ملازمتی با مشروعیت داشته باشد، درحالی‌که وقتی از اقتدار سخن می‌گوئیم معنایش این است که دستور دادن توجیهی دارد و اطاعت از آن منطبق با یک تکلیف است. واژه اقتدار با مشروعیت پیوند دارد. وقتی از جانب فرمانبران به لزوم اطاعت از یک دستور به دلیل حقانیت فرمانده نگاه کنیم آنگاه آنچه با آن سروکار داریم مشروعیت نام می‌گیرد.

برای تغییر رفتار اشخاص بیشتر از ۳ وسیله استفاده می‌شود: قدرت، اقتدار، اقناع. قدرت تنها به زور اتکاء دارد. اقناع نیز فقط متکی بر استدلال است، اما اقتدار متکی بر حق الزام کردن است. ماکس وبر در تعریف دولت بر مشخصه حق مشروع استفاده از زور تکیه می‌کند و دولت را سازمانی تعریف می‌کند که حق انحصاری استفاده مشروع از زور را دارد. پس اقتدار در واقع قدرت مشروع است. اقتدار با اقناع نیز متفاوت است در اقناع نه از قدرت استفاده می‌شود و نه از اقتدار بلکه از اعتبار استدلال بهره گرفته می‌شود. در مناسبات اداری اگر مقامی به زیردست خود دستور بدهد که کار معینی را انجام دهد و دادن این دستور در صلاحیت او باشد او از اقتدار استفاده کرده است ولی اگر او را قانع کرد که آن کار را انجام دهد آنگاه از اقناع بهره گرفته است نه از اقتدار. هانا آرنست برای ارائه تعریفی از اقتدار، آن را از یکسو در برابر قهر و از سوی دیگر در برابر اقناع قرار می‌دهد. وجه شاخص اقتدار در قیاس با توصیه کردن به پشتوانه استدلال این است که اطاعت از دستور شخصی که از اقتدار برخوردارست نیاز به دلیل و برهان ندارد، صرف دستور دلیل اطاعت است. شخص فرمانبرنده، اطاعت از دستور را موجه می‌شمارد

است؛ ثانیاً، از جمله آثار چنین تفکیکی، هویت حرفه‌ای در قالب صنف بوده است؛ و بالاخره آنکه صنف از بین اعضای فردی را به‌عنوان رئیس یا نماینده خود برمی‌گزیده و به حکومت معرفی می‌کرده است، تا هماهنگ‌سازی رابطه صنف و حکومت را برعهده گیرد. چنین الگوی کلی تا به امروز در مورد صنف پایدار باقی مانده است. در دورانهایی که قدرت حکومت تضعیف می‌شد و یا فرایند مردمسالار شدن، البته در چارچوب شرایط جامعه ایران پدید می‌آمد، اصناف مستقل‌تر شده، به الگوی انجمنی نزدیک می‌گردیدند. برعکس، با افزایش اقتدار حکومتی، اصناف تا مرز نابودی پیش می‌رفتند. براساس چنین الگوی کلی، می‌توان چند مرحله در زندگی اصناف ایرانی را از هم تفکیک نمود: اولین آنها دوران قبل از اسلام، دومین مرحله، دوران عباسی، سومین مرحله، اصناف در دوران صفوی و بالاخره، تحول نظام صنفی پس از مشروطیت است. فراموش نباید کرد که نحله‌های فکری خاص زندگی صنفی و حقوق صنفی را از جمله حقوق شهروندی و حقوق فردی تلقی کرده‌اند.

پرویز پیران

اقتدار

Authority

اقتدار حق صدور دستوراتی است که از جانب فرمانبران مشروع تلقی شده، و از آن اطاعت می‌شود. در حوزه حقوق و سیاست اقتدار متضمن کارهایی چون قانونگذاری، وضع مقررات و اتخاذ تصمیم در مورد اداره امور کشور از جمله در حوزه‌های شهر و روستاست. واژه اقتدار در زبان فارسی معادلی برای اصطلاح انگلیسی authority است، درحالی‌که این اصطلاح در زبان انگلیسی طیف معنایی وسیع‌تری دارد و مفاهیمی چون مرجعیت، اعتبار و اختیار را هم دربر می‌گیرد. در مسائل عملی واژه‌های اقتدار و اختیار و در

حتی اگر در عقیده شخصی با آن مخالف باشد. این امر استلزام نظم سیاسی در جامعه است. وقتی مقامات کشوری، شهری، روستایی در حوزه صلاحیت خود متکفل پیشبرد برنامه هستند، شهروندان مکلف به اجرای فرامین مقامات صالح هستند، اگرچه در عقیده شخصی با آن موافق نباشند یا اجرای فرامین با منافع شخصی آنها در تضاد باشد. پرداخت عوارض، رعایت محدودیتهای قانونی در استفاده از ملک در چارچوب چنین مناسباتی قرار می‌گیرد.

واژه اقتدار یک مفهوم عام است و اگرچه در درجه اول با حوزه حقوق و سیاست در وجه کلان مرتبط است، اما بدان محدود نمی‌شود، بلکه در حوزه‌های دیگری چون دین، آموزش و اداره امور محلی نیز به کار می‌رود. در این معنا واژه اقتدار با مفهوم مرجعیت برای اشاره به نوع خاصی از رفتار یک فرد و باور دیگران نسبت به آن کار است. مرجع بودن ممکن است برای شکل‌های مختلفی از بازنمون‌ها مثل اعتقادات، آموزه‌ها، باورها و نوشته‌ها به کار رود. این واژه همچنین برای اشاره به صلاحیت مقامات مختلفی چون قانونگذاران، بنیانگذاران یک نظام، مقامات قضایی و اداری، آموزگاران، متخصصان و معتمدان محلی در مناسبات سنتی به کار می‌رود. هر یک از اینها می‌توانند در حیطه خود اختیارات یا صلاحیت داشته باشند و یا خود مرجع محسوب شوند. مرجع بودن و اقتدار داشتن در این معنا در چارچوب مناسبات بین شخصی که اقتدار یا مرجعیت دارد و شخص تابع او معنا پیدا می‌کند. اقتدار والدین، اقتدار ریش‌سفیدان محل، اقتدار شورای شهر، اقتدار شهردار، اقتدار مجلس‌های قانونگذاری همه با رشته خاصی از روابط پیوند دارد.

ماکس وبر، جامع‌شناس آلمانی، از دانش‌پژوهانی است که درباره اقتدار و مشروعیت تحقیقات ارزشمندی انجام داده و در این زمینه طبقه‌بندی مشهوری دارد. او اقتدار را به ۳ دسته تقسیم می‌کند: اقتدار سنتی، اقتدار عقلانی-قانونی، اقتدار کاریزمایی. اقتدار سنتی مبتنی بر این باور است که شیوه‌ها و قواعد قدیمی و مرسوم وجود دارد که به واسطه سنت تقدیس شده است و باید از آن اطاعت کرد. رسم برگزاری چهارشنبه سوری در حیطه‌های رفتاری یا اطاعت

از بزرگان محل در کارهای عمومی ده از این جمله است. نظم در جامعه سنتی اساساً مبتنی بر این نوع اقتدار است. اقتدار عقلانی-قانونی مبتنی بر تعریف خاصی از نظام قدرت بین اعضا جامعه و رهبران آن است که مشارکت عمومی و اراده‌سازی جمعی از اجزاء محوری آن است. در زمان ما این نوع اقتدار است که هسته مناسبات شهروندان در حوزه مدیریت شهری و روستایی را تشکیل می‌دهد. اما در روستاها هنوز هم علاوه بر اقتدار عقلانی-قانونی که به‌طور رسمی از طریق سازمان‌های حکومتی و شوراهای روستایی اعمال می‌شود شکل‌هایی از اقتدار سنتی نیز در قالب مناسبات بین گروه‌های روستایی و مراجع محلی اعم از روحانی ده، بزرگ قبیله و ریش‌سفیدان وجود دارد. و بالاخره اینکه اقتدار کاریزمایی به رابطه شخصی بین فرمان‌بر و فرمان‌دهنده اشاره دارد. در این نوع رابطه خصوصیات ویژه فرمان‌دهنده و تلقی فرمان‌بر از این خصوصیات ویژه محور اطاعت است.

در دولتهای مدرن منشأ اقتدار نهادها و منصب‌های سیاسی به عقل بشری نسبت داده می‌شود. در جوامع پیش-مدرن عموماً منشأ اقتدار به نیرویی فراتر از عقل بشر، از جمله عقل کیهانی یا عقل یزدانی یا در شکلی مبهم‌تر به ملکوت آسمانی منتسب می‌شد. با توجه به قدرتی که دولتها در دنیای مدرن دارند این پرسش مطرح می‌شود که چه چیزی چنین اقتدار وسیعی را که در دست دولتها متمرکز شده است توجیه می‌کند. برخی از اندیشمندان فرمان‌بردار از دولت را با اصل خود-آئینی انسان مغایر می‌بینند. درحالی‌که برخی دیگر وجود دولت را شرط لازمی برای امکان تحقق خود-آئینی فرد بشمار می‌آورند. این دسته از اندیشمندان چنین استدلال می‌کنند که برای تحقق خود-آئینی فردی نخست باید یک جامعه سیاسی مبتنی بر اراده جمعی و مشارکت همگان تأسیس شود تا فرد ضمن اطاعت از آن از خود-آئینی بهره‌مند شود و هنگام اطاعت از اراده جمع در واقع از اراده خود تبعیت کند. در مقابل دیدگاهی که بین خود-آئینی فردی و اطاعت از دولت تناقض می‌بیند عده‌ای از اندیشمندان بر این نکته تأکید می‌کنند که اگر جایگاه دولت و سازمان‌های حوزه عمومی

اقتدار مدیریتی

مدیران رده‌های بالاتر - به تناسب مسئولیتهای خود - نیازمند اقتدار هستند. البته کار مدیریتی تنها به اعمال اقتدار ختم نمی‌شود، زیرا در کنار اقتدار، به نفوذ نیز نیاز است. اعمال نفوذ به معنی توانایی انجام تغییرات و نیل به نتایج است؛ نفوذ هم از اقتدار حاصل می‌شود و هم از مناسبات بین شخصی؛ نفوذ از اختیارات رسمی حاصل نمی‌شود، بلکه بیشتر از منابع اخلاقی حاصل می‌گردد.

هر سازمان، در درجه نخست، یک ساختار اقتدار رسمی دارد که رابطه بین کارکنان و کار را تعیین می‌کند. این ساختار دربرگیرنده انواع مختلفی از اقتدار است که در یک طبقه‌بندی به ۳ *اقتدار خطی*، *مشاوره‌ای* و *کارکردی* تقسیم می‌شود:

- *اقتدار خطی* با زنجیره فرماندهی و فرمانبری مشخص می‌شود؛ شخصی که در سلسله مراتب رسمی در مقام بالاتری قرار گرفته است، حق دارد در حوزه تعیین شده اتخاذ تصمیم کند و از رده‌های پائین تر بخواهد که آن را اجرا کنند.

- *اقتدار مشاوره‌ای* حق طرح نظر و توصیه در امری خاص است. این اقتدار با تخصص شخص دارنده آن ارتباط دارد.

- *اقتدار کارکردی* به مدیران حق می‌دهد که سیاستها یا فرایندهای خاصی را، که بر کارکنان یک سازمان در قسمتهای مختلف تأثیر می‌گذارد، هدایت کنند. این اقتدار در طول سلسله مراتب سازمانی قرار ندارد، بلکه در عرض آن قرار می‌گیرد. مثلاً، اداره تأمین منابع انسانی ممکن است سیاستهایی را در استخدام و آموزش کارکنان اعمال کند که بر کلیت سازمان تأثیرگذار باشد.

اقتدار و مشروعیت

اغلب بین اقتدار و قدرت تفاوت قائل می‌شوند، به این معنا که *اقتدار* را به مفهوم قدرت مشروع و *قدرت* را به عنوان اختیارات، صرف نظر از مشروع تلقی شدن یا تلقی نشدن از جانب دیگران، به حساب می‌آورند. تمایز بین اقتدار و اختیار (قدرت) بیانگر یکی از ظرایف کار مدیریت است. اقتدار ممکن است از مناسبات بین شخصی و اعتبار اخلاقی مدیر ناشی شود و نه صرفاً از جایگاه او در سلسله مراتب رسمی.

خدمت به افراد تحت حاکمیت باشد پیروی از آن توجیه عقلی دارد. وقتی نهادهای شهری با مشارکت مردم و برای خدمت به آنها ساخته شده باشد تبعیت از تصمیمات آنها نمی‌تواند مغایر خود-آئینی شهروندان باشد.

کتاب‌شناسی:

- Arend, H. "What is Authority?", *Between Past and Future*. New York: Viking, 1961.
- Gleen. *The Authority of the State*. Oxford: Clarendon Press, 1988.
- Raz, J. *The Morality of Freedom*. Oxford: Clarendon Press, 1986.
- Wolff, R. *In Defence of Anarchism*. New York: Harper and Raw, 1970.

کمال پولادی

اقتدار محلی ← مراجع محلی (روستایی)

اقتدار مدیریتی

Management Authority

اقتدار عبارت است از حق مشروع شخص در اتخاذ تصمیم، انجام اقدامات و هدایت دیگران در یک کار معین. برای نمونه، اختیار مدیر در استخدام کارکنان، پاداش دادن، تویخ کردن یا در شرکتهای خصوصی، کارهایی چون قبول سفارش و فروش محصول، از نوع اعمال اقتدار مدیریتی است. یکی از راههای هدایت افراد در راستای هدفهای سازمان، استفاده از اقتدار مدیریتی است. برای این کار اقتدار و اختیارات مدیران باید مشخص شود؛ البته، تصمیم‌گیری درباره اختیارات مدیران، کاری مدیریتی و در حوزه مسئولیت رده‌های معینی از مدیران است.

مدیران در هر رده از سلسله مراتب مدیریتی که باشند، برای هدایت کارکنان مجموعه خود، نظارت بر کارهای آنها، حل و فصل مسائل پیش‌رو و گزارش پیشرفت کار به

اختیارات و مسئولیت بیشتری برعهده گرفته‌اند. در چنین شرایطی، اشخاص توانایی اعمال قدرت بیشتری دارند، بی‌آنکه در ساختار مدیریتی صاحب مرتبه تازه‌ای شده باشند. برخورداری از اختیارات و مشارکت داشتن در امور، موجب جلب پشتیبانی عاطفی افراد از سازمان می‌شود. در تفویض اختیارات، مدیر بخشی از کارهای مربوط به حوزه مدیریتی خود را به اشخاص معینی از کارکنان منتقل می‌کند. در این حالت، اختیار اعمال اقتدار از یک منصب به منصب دیگر انتقال می‌یابد. این‌گونه تفویض اختیار غالباً با دستورالعمل معین همراه است که در آن مشخص می‌شود، آیا شخصی که اختیاراتی به او تفویض شده است فقط در مورد حل مسائلی که پیش‌رو قرار می‌گیرد، حق تصمیم‌گیری دارد یا می‌تواند در مورد تشخیص مسئله نیز تصمیم‌گیری کند. علاوه‌براین در تفویض اختیار منابع لازم، مانند بودجه، زمان، اطلاعات و تجهیزات نیز به تناسب هدفها و برنامه‌ها در نظر گرفته می‌شود.

کتابشناسی:

- Kaliski, Burton S. (ed). "Management: Authority and Responsibility", *Encyclopedia of Business and Finance*. New York: MacMillan, 2001.
- Bartol, K. and Martin, D. *Management*. New York: McGraw-Hill, 1994.
- Hirschhorn, L. *Reworking Authority*. Cambridge: M.A, MIT Press, 1997.
- Lucas, J. *Balance of Power*. New York: American Management Association, 1998.
- Marshall, D. *The four Element of Successful Management*. New York: American Management Association, 1999.

کمال پولادی

اقتصاد شهری

Urban Economy

اقتصاد شهری رشته‌ای مهم از علم اقتصاد، به‌طور اعم، و اقتصاد سیاسی، به‌طور اخص، است. اقتصاد شهری در جستجوی ابزارهای استدلالی و چگونگی به‌کاربردن

اقتدار از یکسو به اختیارات یا قدرت مدیر بستگی دارد و از سوی دیگر، به تلقی افراد تابع مربوط است. تلقی کارکنان از قدرت مدیر، ساحت دیگری از مناسبات تابع و متبوع است که موضوع مشروعیت را می‌سازد. اقتدار مشروع به مناسباتی گفته می‌شود که شخص دارنده قدرت، آن را با وسایل درست (متکی به قاعده، دانش، تخصص و توانایی) به‌دست آورده باشد و آن را به‌درستی (مطابق ضوابط و منطبق با حوزه اختیارات) اعمال کند. قدرتی که از راههای نادرست، مثل فریبکاری و زد و بند، به‌دست آمده باشد، مشروع شمرده نمی‌شود و اگر قدرت یا اختیار نامشروع تلقی شود، اطاعت از آن با میل صورت نخواهد گرفت و این امر از کارآمدی اقتدار و کارایی مدیر خواهد کاست.

همچنین وقتی مدیر از قدرت خود برای واداشتن دیگران به کاری استفاده کند که ربطی به هدفهای سازمان و دایره اختیارات او ندارد، درواقع از قدرت خود سوءاستفاده کرده است. سوءاستفاده از قدرت، مسائل اخلاقی ایجاد می‌کند. کسانی که در موضع برخورداری از اقتدار هستند و قدرت دارند، به‌لحاظ اخلاقی نیز موظف هستند که تأثیر تصمیمات و اقدامات خود را بر دیگران و مصالح سازمان مورد توجه قرار دهند.

تسهیم و تفویض اختیارات

سهیم کردن کارکنان در اختیارات مدیریتی اگر به‌وجه مناسب انجام شود، بر کارآمدی سازمان و کارایی کار مدیریتی می‌افزاید. مدیر می‌تواند بخشی از اختیارات خود را میان کارکنان توزیع کند و در توازن قدرت بین مدیر و کارکنان، برای کارکنان نیز سهم مناسبی قائل شود. این سهم می‌تواند شکل‌های گوناگونی داشته باشد؛ از جمله، داشتن سهمی از مسئولیتها، داشتن نسبتی از اختیارات، سهیم شدن در فراهم کردن اطلاعات و بهره‌مند شدن از آن، و شرکت در تصمیم‌گیریها.

برخورداری از اختیارات و سهیم شدن در تصمیم‌گیریها و اطلاعات به معنی بازتوزیع اقتدار مدیریتی و به‌این‌معنی نیست که کارکنان صاحب قدرت و اختیاراتی شده‌اند که جایگاه آنها را در سلسله مراتب قدرت بالاتر برده است، بلکه به این مفهوم است که در کارهایی که برعهده دارند،

اقتصاد شهری

مالی، تأمین منابع، جهات رشد، و ساخت و ساز شهری ارتباط زنده دارد.

برنامه‌ریزان لازم است، با عنایت به مباحث اقتصاد سیاسی و ارائه تحلیل اساسی، به اندازه‌گیریها و شاخص‌گذارها، و کشف روابط علی، اثربخشی هزینه‌ها و چگونگی ایجاد درآمد در روندها و برنامه‌های شهری بپردازند. تجزیه و تحلیل هزینه و راههای اساسی ایجاد درآمد در حوزه‌های اقتصاد شهری و مطالعه و ارزیابی علمی آنها در حوزه دانش اقتصاد شهری است.

شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ و کلانشهرها (← کلانشهر)، به‌جز نقش اقتصادی منطقه‌ای، دارای ویژگی اجتماعی-اقتصادی نیز هستند. در حوزه‌های ساختمان، بازار زمین، حمل و نقل، خدمات زیربنایی و رفاهی و گردشگری شهری، نقش اقتصاد شهری، به‌دنبال تحلیلهای اقتصاد سیاسی معنای تازه‌ای می‌یابد. از یکسو نیروها و انگیزه‌های تمرکز و از سوی دیگر، مقاومتهای اقتصادی، اجتماعی و فنی درون شهری، بر شکل، تراکم جمعیتی، تراکم ساختمانی، جهت توسعه و توزیع جمعیت در شهر تأثیر می‌گذارند. به‌این ترتیب، قلمرو اقتصاد شهری و اقتصاد سیاسی شهری هم گسترده، و هم پیچیده است.

حوزه‌های اصلی و مرتبط با اقتصاد سیاسی شهری از جمله عبارتند از:

- شهر و طبقات اجتماعی؛
- سرمایه‌داری و شهر؛
- نقش سیاستهای اساسی و شهر؛
- توازن توزیع ثروت و درآمد، به‌ویژه زمین و مسکن در شهر؛
- نحوه توزیع خدمات شهری؛
- بازار زمین شهری و توزیع آن؛
- مهاجرت (← مهاجرت) و جابه‌جایی جمعیت به دلایل اقتصادی؛
- گردش ارزش در جغرافیای شهری؛
- رابطه جغرافیا با تولید و توزیع و سیستم کار؛
- قطبهای شهری؛
- مکانهای اساسی در شهر؛

آنهاست، تا فعالیتهای اقتصادی را در شهرها، مناطق شهری و مجموعه‌های شهری در قالب قوانین علمی و عام توضیح دهد. در اقتصاد سیاسی شهری، روندهای شکل‌گیری تقسیم کار، تمرکز سرمایه و ثروت، انواع نیروی کار و بالاخره، تولید، توزیع کالاها و خدمات شهری، و نقش دولت در ایجاد ساختارها و کارکردها در نظامهای شهری مورد بحث قرار می‌گیرد. نگرش مکانیکی به اقتصاد شهری و تبدیل اقتصاد شهری به نظریه‌ای در باب ارزش، نه تنها به‌غرنج شدن مباحث منجر می‌شود، بلکه مباحثی چون نقد سیاسی و اجتماعی و نظریه‌های مربوط به روندهای عینی شهری را از نظر می‌اندازد.



تولید و مصرف در شهر و مناطق شهری، گروههای اجتماعی شهر و نیز توسعه زیرساختها و خدمات شهری از دیدگاههای اقتصادی، مانند درآمدها، هزینه‌ها، سازمان اقتصادی، توزیع و رفاه، از حوزه‌های مطالعاتی این رشته است.

اقتصاد شهری و اقتصاد سیاسی شهری با اقتصاد منطقه‌ای، مکان‌گزینی حمل و نقل، خدمات عمومی، مدیریت

- مالکیت زمین، ساختمان و سرمایه‌های تولیدی و خدماتی در شهر؛ و
- بازار مسکن و توزیع و ارزش‌زایی آن.
- حوزه‌های اصلی و مرتبط در اقتصاد شهری از جمله عبارتند از:
 - عرضه و تقاضای زمین؛
 - عرضه و تقاضای مسکن؛
 - بیکاری (← بیکاری) و تورم ناشی از موجودیت و واقعیت ویژه شهری؛
 - سرمایه‌گذاری در مسکن و خدمات شهری توسط بخش خصوصی و دولت؛
 - چگونگی و حدود جمع‌آوری منابع توسط شهرداریها و مالیة شهری؛
 - تقاضای خرید اقشار مختلف مردم برای مسکن و خدمات شهری؛ و
 - هزینه و درآمد حمل‌ونقل شهری.

کتاب‌شناسی:

- عابدین درکوش، سعید. *درآمدی به اقتصاد شهری*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.
 - ادل، ماتیو. *اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.
 - سینجر، پل. *اقتصاد سیاسی شهرنشینی*، ترجمه گروه تحقیق مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: نشر ایران، ۱۳۵۸.
 - سینجر، پل؛ ازرا پارک و دیگران. *مفهوم شهر*، ترجمه گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، ۱۳۵۸.
- فریبرز رئیس‌دانا

اقدام خوب

Good Practice

این اصطلاح درباره عمل یا عملیاتی که به کارایی ویژه در زمینه‌ای معین منجر گردد، اطلاق می‌گردد. براین مبنا،

پذیرش و کاربرد اصطلاح *بهترین اقدام* که با مفهوم *اقدام خوب* نزدیکی دارد، به‌مثابه سازوکاری برای بهبود کارایی یک روند، یک واحد اقتصادی، نوعی تولید، خدمت و یا سازماندهی یک اقدام به کار می‌رود. شالوده اقدام خوب بر مدیریت محلی، نوآوری و امکان تسری آن استوار است؛ به سخن دیگر، اگر نهادها، مؤسسات، واحدهای تولیدی و مانند آن، با تکیه بر منابع درونی خود، پیوسته بر فعالیتها و کارکردهای متعارف خود ادامه دهند، کمتر می‌توانند به تحول و توسعه دست یابند، اما توجه و بهره‌گیری از نوآوریها، از جمله دستاوردهای نوآورانه *اقدام خوب* در بیرون، می‌تواند به آسانی بهبود کارکردی و کارایی سازمانی را به همراه داشته باشد. از این رو، *اقدام خوب* را می‌توان از محرکه‌های توسعه از درون به واسطه نوآوریهای بیرونی بشمار آورد. با توجه به این کارکرد *اقدام خوب*، این مقوله در سالهای اخیر در گفتمان کارشناسی و مدیریت اجرایی جایگاه ویژه‌ای یافته است. البته، کارشناسان برای آنکه نوآوریهای یک *اقدام خوب* در جایی بتواند در جاها و موارد دیگر نیز به‌درستی به کار گرفته شود، پیش‌شرطهای زیر را ضروری می‌شمارند:

• همگنی؛

• دامنه اقدام؛ و

• قابلیت انتقال.

تأمین امکانات و دسترسی به خدمات یکی از مسائل کلیدی مردمانی است که در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. این اقدام در نواحی روستایی به خاطر ترکیب ۲ عامل جغرافیایی و اقتصادی غالباً مشکل‌تر جلوه می‌کند. در این زمینه، اقدام خوب در چارچوب روندی ساده، می‌تواند به کار گرفته شود. برای نمونه، می‌توان وضعیت خاص نوعی خدمت‌رسانی را در یک روستا در نظر گرفت؛ با بررسی آن خدمت، می‌توان نحوه عمل و سازوکار حاکم بر آن را شناسایی کرد؛ براساس این شناخت، می‌توان شیوه‌های مناسب‌تر برای کارکرد آن را جستجو نمود و پس از آن، با اعمال مناسب‌ترین شیوه انتخابی، می‌توان به نوعی *اقدام خوب* دست زد. این‌گونه اقدامات در محیطهای روستایی معمولاً با کمترین هزینه، از طریق مشارکت محلی،

الگوی سکونتگاهی

Settlement Pattern

نحوه پراکنش مجموعه‌های جمعیتی (سکونتگاهی) در ابعاد و اندازه‌های مختلف. مطالعه انواع پراکنش سکونتگاهی مقوله‌ای بسیار پر دامنه است که در مقیاسهای مختلف و با رویکردهای متفاوت به انجام می‌رسد. یکی از رویکردهای اصلی در این زمینه عبارت است از مطالعه نحوه شکل‌پذیری و تکوین الگوهای سکونتگاهی در گذر زمان. این رویکرد مبتنی بر بُعد تاریخی، هم به صورت میدانی و عملی و هم به شیوه کلی‌تر، با بهره‌گیری از مدل‌های جدید پراکنش فضایی یا عمران اراضی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این رویکرد تکاملی فرض بر این است که سهم قابل توجهی از سکونتگاهها رابطه مستقیمی با نظامهای کشاورزی محلی دارند. بر این مبنای این رویکرد با تأکید بر تحلیل ساختارهای زراعی، پراکنندگی یا تجمع و در واقع ساختار ظاهری سکونتگاهها را در هر ناحیه بررسی و تبیین می‌کند. تجمع، ویژگی نواحی با قطعه‌بندی اراضی قطع‌بندی شده یا مختص نواحی کشاورزی جمعی یا کشاورزی اشتراکی، نظیر نظامهای پیش/افرازی (pre-enclosure systems) بشمار می‌رود. نمونه‌های بارز تجمع در شهرهای زراعی سیسیل مشاهده می‌شود. پراکنندگی سکونتگاهی، ویژگی خاص چشم‌اندازهای اراضی یکپارچه است. افراز و یکپارچگی قطعات (زمین) معمولاً موجد پراکنندگی است. بررسی و سابقه تاریخی الگوهای ریخت‌شناختی درونی سکونتگاههای روستایی مورد توجه ویژه جغرافیدانان آلمانی و تا حدی کمتر، جغرافیدانان فرانسوی بوده است.

امروزه، تحلیل الگوهای سکونتگاهی موجود از طریق مدل‌سازی و روشهای کمی رواج و توسعه یافته است و در مورد نحوه پراکنش سکونتگاههای شهری و روستایی - هر دو - به کار می‌رود. در همین زمینه، توجه به سنجش برخورداری از انتظام در الگوهای سکونتگاهی، با استفاده از تحلیل نزدیک‌ترین همسایه رواج یافته است که از این طریق، نحوه توزیع سکونتگاهها، به تفاوت به صورت‌های

همفکری و سازماندهی جمعی، بدون دخالت نهادهای رسمی و دولتی، قابل حصول است.

مفهوم اقدام خوب در اواخر دهه ۱۹۸۰م مطرح و با استقبال کارشناسی روبرو شد. در سالهای اخیر، دستیابی و عمل به اقدام خوب در موارد مختلف، آنچنان مورد توجه بوده است که هر ساله جوایزی ترغیبی از سوی سازمانهای جهانی و یا ملی به بهترین این‌گونه اقدامات داده می‌شود؛ در ایران، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور در این زمینه پیشگام بوده است.

کتاب‌شناسی:

- Adel, M. Abdellatif. "Good Governance and Its Relationship to Democracy & Economic Development", *Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity*. Seoul: 20-31 May, 2003.
- Camp, R. C. *Benchmarking: The Search for Industry Best Practices That Lead to Superior Performance*. Milwaukee: ASQC Quality Press, 1989.
- Davies, A.J. and Kochhar, A.K. "Manufacturing Best Practice and Performance Studies: A Critique", *Journal of Operations and Production Management*. 22 (3), Publisher: Emerald Group Publishing Limited, 2002.
- Martin, G. and Beaumont, P. "Diffusing Best Practice in Multinational Firms: Prospects, Practice, and Contestation", *International Journal of Human Resource Management*. 9 (4), 1998.
- O'Dell, C. and Grayson, C. J. "If only We Knew What We Know: Identification and Transfer of Internal Best Practices", *California Management Review*. 40 (3), 1998.
- Voss, C. A. "Alternative Paradigms for Manufacturing", *Journal of Operations and Production Management*. 15 (4), 1995.
- Wareham, J. and Gerrits, H. "De-contextualizing Competence: Can Business Best Practice be Bundled and Sold?", *European Management Journal*. 17 (1), 1999.

عباس سعیدی

اکولوژی شهری ← بوم‌شناسی شهری

اتفاقی، منظم و مجتمع تعیین می‌گردد.

تحلیل الگوی سکونتگاهی بر مبنای اصول نظری در نظریه مکان مرکزی (← مکان مرکزی، نظریه) پیشرفت زیادی داشته است. این نظریه نه تنها نحوه استقرار یا فاصله‌بندی سکونتگاهها، بلکه علاوه بر آن، وسعت و اجزاء کارکردی آنها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. قواعد نظریه مکان مرکزی برای بررسی الگوی عینی سکونتگاههای روستایی در بسیاری از مناطق جهان مورد استفاده بوده است.

کتاب‌شناسی:

- Johnston, R.J. and et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. 4th ed, London: Blackwell, 2001.

پاول وایت

(عباس سعیدی)

الگوی مسکن ← مسکن شهری

امنیت اجتماعی ← تأمین اجتماعی

امنیت شهری

Urban Security

امنیت شهری به معنای فراغت از هرگونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادیهای مشروع و قانونی شهروندان است و از ۳ لایه اصلی و متکامل تشکیل شده است که عبارتند از: امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی.

• **امنیت فردی.** حالتی است که به موجب آن فرد در پناه قانون و برخوردار از حقوق شهروندی، از هرگونه تهدید و

تعرض و تعدی دیگران، می‌تواند از مجاری قانونی و در محاکم صالحه احقاق حق کند؛

• **امنیت اجتماعی.** آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود فراهم نماید. امنیت اجتماعی را اغلب به انواع شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم می‌کنند. شهر مدرن، مملو از ناامنی و آسیبهای اجتماعی است. تأمین امنیت شهری، در فضای باز و گسترده، با ابعاد دهها کیلومتر گسترش بی‌قواره و بی‌حد و مرز اگر امری محال نباشد، مشکل به نظر می‌رسد. به همین دلیل، شهرهای بزرگ که ابعاد انسانی را پشت سر گذاشته‌اند، در هیچ‌یک از عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قادر به نظارت و کنترل رفتارهای نابهنجار و ایمن‌سازی محیط انسانی برای گروههای مختلف اجتماعی نیستند. از این رو، محیطهای شهری اساساً محیطهای ناامن تلقی می‌شوند.

• **امنیت ملی.** حالتی است که به موجب آن، یک ملت فارغ از تهدید و ترس از دست دادن تمام یا بخشی از سرزمین، جمعیت، رفاه اقتصادی و نیز فارغ از نگرانی از دست دادن نظام حکومتی، هویت ملی، زبان، دین و ارزشهای فرهنگی خود به سر می‌برد. احساس امنیت فردی با افزایش امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد و امنیت ملی نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت فردی و امنیت اجتماعی دارد.

با این توصیف، امنیت شهری از بحثهای علمی، فنی و کاربردی مهمی است که اکنون به صورت یک موضوع میان دانشی و فرادانشی جامع اکنون نگر در چارچوب جامعه‌شناسی شهری، حقوق، جغرافیا، علوم انتظامی و امنیتی بررسی می‌شود و با سرنوشت آحاد شهروندان کل نظام اجتماعی- اقتصادی شهرها، به‌ویژه مسائل امنیت کلانشهر (← کلانشهر) سروکار دارد.

کلانشهرها، از جمله کلانشهر شهر تهران، نه تنها کانون برترین ارزشهای فرهنگ معنوی و مادی کشور و مرکز مهم فعالیت، فرصتهای اجتماعی، انباشت سرمایه و نخبگان بشمار می‌روند و سهم بسزایی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارند، بلکه گرفتار طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ستیز اجتماعی، از قبیل افزایش و هجوم

امنیت شهری

گرددیده است. همین امر باعث شده است، ناهماهنگی میان فعالیتها، جمعیت، فضا و تأسیسات و تجهیزات امنیتی وجود داشته و این مسئله به صورت معضل انتظامی و امنیتی برای تهران کنونی مطرح باشد، به طوری که تهران به صورت قطب جرائم و ناامنی شهری در بین همه شهرهای ایران درآمده است. رشد فزاینده و گسترش عمودی و افقی ناگهانی شهر تهران، به ویژه بعد از انقلاب اسلامی، و به واسطه مهاجرت‌های اولیه، به ویژه بعد از شروع جنگ تحمیلی، مسائل اجتماعی - اقتصادی و کمبود مسکن، موجب گردید تا امکانات محدود پلیس با افزایش و گسترده‌گی بزهکاریها، تبهکاریها، جرائم، جنایت و ابزارآلات و شیوه‌های نوین مجرمین، فاصله بسیار زیادی پیدا کند.

فزاینده جمعیت، گسترش نابرابریهای دردناک و اسفناک اجتماعی و اقتصادی و پیامدهای فضایی آن، یعنی جدایی‌گزینی و جدایی‌نشینی فضایی روزافزون مردم شهر، کمبود عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)، فقدان هم‌ارزی شرایط زندگی، انجام گستاخانه‌ترین بزهکاریها، جرائم، تبهکاریها و نابهنجاریهای اخلاقی، اعتیاد، دزدی، وجود کودکان خیابانی، فحشا و سازمانهای پلید و اماکن فساد و بروز اختلالات و ناامنیها و بسیاری از آسیبهای اجتماعی دیگر هستند. از طرفی مهم‌ترین منطقه راهبردی و مرکز ثقل هر کشور و حکومتی که امنیت و ناامنی آن نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت دولت دارد، پایتخت یا مرکزیت حکومت است.



شهر از دیدگاه جغرافیدانان، برحسب اشغال آگاهانه فضایی از محیط طبیعی مفهوم پیدا می‌کند که به مقتضای فنون متداول زمان، انسانها آن را در اختیار می‌گیرند و برهمین اساس، اولین عاملی که مشخص‌کننده شهر است، موقع جغرافیایی و دومین عامل، مقر و مکان شهر است که

برای نمونه، کلانشهر تهران در یکصدسال گذشته با عبور از مقاطع مختلف تاریخی، دارای موقعیت چندشخصیتی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شده است. این امر باعث تمرکز جمعیت بسیار زیاد و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی فراوان و توسعه کالبدی گسترده‌ای

موقعیت شهر می‌تواند آن را تقویت یا تضعیف نماید. برای جغرافیدانان، شهر فضای پویایی، رفت‌وآمد و حرکت انسانهاست و این فضا بایستی خود را با فنون معاصر و وسایل نقلیه امروزی سازگار کند.

رشد کالبدی و مدیریت انتظامی شهر تهران

هم‌اکنون تهران با ۲۲ منطقه مسکونی، حدود ۷۳۰ کیلومترمربع وسعت دارد. آثار ناشی از تحولات جمعیتی شهر تهران را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه نمود:

- گسترش نواحی حاشیه‌ای شهر در شکل پیوسته و ناپیوسته و شکل‌گیری نقاط جدید سکونتگاهی؛
- افزایش تراکم جمعیت در مناطق فرسوده و قدیمی شهر؛ و
- تغییر در ساختار اجتماعی، اقتصادی شهر تهران، مانند رشد بخش جدید نیروی کار، رشد طبقه متوسط، پیدایش فعالیتهای کاذب و واسطه‌ای و گسترش بخشهای خدماتی، به‌ویژه در بخش فعالیتهای اداری و دولتی.

بنابراین شهر تهران در حال حاضر با وضعیت کنونی، از ظرفیت نهایی جمعیت هم گذر کرده است و باید با برنامه‌ریزیهای اصولی و کارآمد و اجرای قوانین مناسب، بتوان رشد جمعیت و مهاجرت و همچنین گسترش کالبدی و آلودگیهای آن را مهار کرد تا بتوان با کمبودهایی که در شهر وجود دارد، از کمترین امکانات امنیتی بیشترین استفاده را ببریم و امنیت را در سطح شهر برقرار کنیم. زیرا امنیت و انسان رابطه مستقیمی با هم دارند و در نتیجه، همه تلاشها برای ایجاد بستری مناسب و عاری از ناامنی برای انسان است که در آن محیط آرام، به سعادت و تکامل خود برسد. ساختار سازمانی، پیکره و قالب فعالیتهای هر سازمان را تشکیل می‌دهد. به‌وسیله ساختار، تحقق هدفها با تعیین وظایف و فعالیتهای مورد نیاز و توزیع آن میان بخشها و افراد و تصریح سطوح ارتباطات پیگیری می‌شود. ساختار عاملی اساسی در جهت کارآمدی سازمانها بشمار می‌آید.

ساختار مدیریت شهری در این دوره به ۳ بخش دولتی؛ نیمه‌دولتی و خصوصی تقسیم می‌شود:

- **بخش دولتی**، شامل وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان زمین شهری (سازمان ملی زمین)، بنیاد

مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و نیز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (← سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) می‌شود. بین وزارتخانه‌ها و سازمانهای دخیل در مدیریت شهری تهران و در بخش دولتی، وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) سهم بیشتری دارند. وزارت کشور پرسابقه‌ترین و دست‌کم از نظر سیاسی، مؤثرترین وزارتخانه‌ای است که بر امر مدیریت شهری (← مدیریت شهری) نظارت و کنترل دارد. این نظارت و کنترل، نه تنها از جانب خود وزارتخانه اعمال می‌شود، بلکه از جانب استانداریها، فرمانداریها و بخشداريها که در حال حاضر تابع وزارت کشور هستند، صورت می‌پذیرد. اعمال نظارت و کنترل وزارت کشور بر مدیریت شهری به‌صورت سیاسی، عمرانی، اداری و مالی است.

وزارت مسکن و شهرسازی نیز به‌صورت مستقیم با موضوع مدیریت شهری ارتباط دارد. به تعبیری، بخش عمده علت وجودی وزارت مسکن و شهرسازی، مدیریت شهری است. اعمال این مدیریت به ۲ صورت سیاسی و عمرانی است. بقیه سازمانها نیز هرچند کمتر از این ۲ وزارتخانه، در امر مدیریت شهری دخالت دارند.

• **بخش نیمه‌دولتی**، شامل شهرداریهاست. در رأس مدیریت شهری تهران، شهرداری تهران قرار دارد و با چندین معاونت به امر مدیریت شهری می‌پردازد. به‌طورکلی، می‌توان وظایف شهرداریها را به ۵ گروه

تقسیم کرد:

۱. عمرانی؛
۲. نظارتی؛
۳. بهداشتی؛

۴. خدمات عمومی؛ و

۵. خدمات اجتماعی.

• **بخش خصوصی**، شامل شوراهای اسلامی است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شوراهای مردمی مورد توجه قرار گرفت و برای تأمین مشارکت مردم در پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای در قانون اساسی به آن اختصاص یافت که براین

جمهوری اسلامی ایران از نظر ادغام نیروی انتظامی سابق که شامل شهربانی، ژاندارمری و کمیته بود، به وجود آمد. از جمله عوارض شهری، ناهنجاریهای اجتماعی، رفتاری و روابط پرتشنج افراد بود که نظم، سلامت، آسایش و امنیت شهر را تهدید می کرد. منشأ بسیاری از این ناهنجاریها و بزهکاریها، نه تنها نارساییهای رفاهی و معیشتی و یا ساختارهای نامناسب اجتماعی است، بلکه ضعف هویتی و پایگاهی برخی از شهروندان، خصوصاً مهاجران و تطبیق نیافتن آنان با جامعه است. این امر طبعاً در شهرهای بزرگ بیشتر اتفاق می افتد. نیروی انتظامی برای تحقق اهداف خود، یعنی برقراری نظم و امنیت و آسایش عمومی، باید در وهله اول، خود دارای نظم باشد. این بخش از برقراری نظم و امنیت درون سازمانی، یک مقوله مهم و حساس و اهمیت آن آشکار است. از سوی دیگر، در اجرای مأموریتهای محوله، با سازمانها و ارگانهای متعددی باید ارتباط برقرار کند که حساس ترین آنها، قوه قضائیه است. تشکیلات نیروی انتظامی تهران به شرح زیر است:

- ستاد فرماندهی ناجا؛
- فرماندهی انتظامی تهران بزرگ؛ و
- کلانتریها و پاسگاهها.

تا ۱۳۸۱ش در مجموع، در تهران بزرگ ۲۰ اداره کل و ۸۴ کلانتری و پاسگاه مستقر و به ارائه خدمات عمومی و تأمین نظم و امنیت جامعه اشتغال داشتند. شبکه فوریتهای پلیس ۱۱۰ نیز در مهرماه ۱۳۷۹ش راه اندازی شد که هدف از ایجاد آن، سامان دادن به امر دریافت و توزیع مأموریتها و بازخورد آن در جامعه و سطح ناجا بود. این جریان بدان معناست که شبکه پلیس ۱۱۰، کانال ارتباطی میان پلیس و مردم است که این ارتباط و پیوند منطقی برای نخستین بار در کشور، میان شهروندان و پلیس فراهم شد و پلیس را در مقابل نیازمندیهای جامعه پاسخگو کرد.

با راه اندازی پلیس ۱۱۰، کارایی نیروی انتظامی بالا رفت و از طرفی، باعث جلب توجه مردم به همکاری با پلیس و بالا رفتن حس اعتماد مردم به نیروی انتظامی گردید. همچنین با راه اندازی پلیس ۱۱۰ در سطح جامعه، امنیت افزایش یافت و طبق بررسیها، موجب بالا رفتن احساس

اساس در ۱۳۷۵ش قانون تشکیلات، وظایف، انتخابات شوراها و نحوه انتخاب شهرداران به تصویب مجلس رسید و در ۱۳۷۷ش، اولین دوره انتخابات شوراها در سراسر کشور برگزار شد. به موجب قانون، اعضای شوراها توسط مردم انتخاب می شوند و سپس این شوراها، شهرداران را انتخاب می کنند (← شورای اسلامی شهر).

لازم به توضیح است که بیش از ۲۰ سازمان در مدیریت شهری دخیل هستند. به این ترتیب، شهرهای بزرگ، به ویژه شهر تهران، نیازمند ایجاد مدیریت واحدی در پیکره خود هستند و در صورت تحقق نیافتن چنین مدیریتی، سازمانهای دخیل در مدیریت شهری، کارایی لازم را در انجام وظایف خود نخواهند داشت.

چنانچه سازمانهای شهری تهران به وسیله مدیریتی واحد هماهنگ نشوند، در نهایت یا رقیب هم خواهند شد و یا به موازات هم عمل خواهند کرد که در این صورت هر سازمان برای خود تصمیم گرفته و آن را اجرا می کند و این امر باعث می شود که در شهر، شاهد گسترش روزافزون کالبدی و همچنین افزایش رشد جمعیت شهری باشیم. پس از انقلاب اسلامی، سازمان شهربانی با همان سازمان پیشین که قبل از انقلاب وجود داشت، به کار خود ادامه داد و همزمان کمیته های محلی نیز جهت ایجاد امنیت و آرامش در محلات تشکیل گردید. بدین ترتیب، کمیته های انقلاب اسلامی به صورت نهادی جوشیده از بطن جامعه کار خود را آغاز کرد. سازمان شهربانی جمهوری اسلامی تا زمان ادغام نیروهای انتظامی که در فروردین ماه ۱۳۷۰ش انجام شد ۵ معاونت بدین قرار داشت:

- معاونت انتظامی؛
- معاونت اداری؛
- معاونت لجستیکی؛
- معاونت اطلاعاتی؛ و
- معاونت طرح آموزش.

در مرداد ماه ۱۳۶۹ش، قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در فروردین ماه ۱۳۷۰ش، ساختار و تشکیلات ناجا به تصویب مقام معظم رهبری رسید و نیروی انتظامی

- پیش‌بینی مکان مناسب و قابل دسترسی برای مراکز انتظامی، مخصوصاً در شهرها و شهرکهای جدیدالتأسیس؛
- ایجاد دوره‌های آموزشی مشترک و تهیه بولتنهای آموزشی و اطلاع‌رسانی توسط نیروی انتظامی و شورای شهر برای رؤسای کلاتریها، شهرداران و مسئولین ذی‌ربط در مدیریت شهری؛
- ارتباط تنگاتنگ مسئولین ذی‌ربط در مدیریت شهری با نیروی انتظامی؛
- عضویت فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در شورای عالی مسکن و شهرسازی کشور، یا حداقل لحاظ نمودن ملاحظات امنیتی و انتظامی که به تأیید ناجا می‌رسد، در تصویب طرحهای مسکن و شهرسازی؛ و
- اخذ نظرات انتظامی و امنیتی از نیروی انتظامی توسط شوراهای شهر در جهت تصویب طرحهای توسعه و سازماندهی مسکن و شهرسازی.

کتاب‌شناسی:

- شکوهی، محمود. *چگونگی پیدایش سازمانهای انتظامی در ایران و وظایف نیروی انتظامی در زمان جنگ*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۷۴.
- شیعه، اسماعیل. *مبانی برنامه‌ریزی شهری*. تهران: دانشگاه علمی صنعتی، ۱۳۷۶.
- صرافی، مظفر. «مفهوم، مبانی و چالشهای مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*. تهران: انتشارات سازمان شهرداریها، شماره ۲، ص ۶۷. تابستان ۱۳۷۹.
- عبادی‌نژاد، سیدعلی. «نقش حاشیه‌نشینی در بروز ناامنی»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*. تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۳.
- کارگر، بهمن. *امنیت شهری*. چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروی مسلح، ۱۳۸۳.
- *وظایف شوراها*. تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵.
- مزینی، منوچهر. *بررسی ساختار مدیریت شهری در ایران*. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۸.
- مزینی، منوچهر. *مدیریت شهری و روستایی در ایران (مشکلات و امکانات آن)*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۴.

بهمن کارگر

- امنیت در بین شهروندان شد.
- توجه به راهکارهای زیر می‌تواند در رفع موانع ارائه خدمات انتظامی و امنیتی در مدیریت شهری مؤثر باشد:
- ایجاد مدیریت واحد (جامع) شهری برای کنترل عملکرد موازی سازمانهای ذی‌ربط در مدیریت شهری؛
- همکاری و هماهنگی سازمانهای ذی‌ربط در مدیریت شهری با نیروی انتظامی، برای در جریان قراردادن از وضع شهرک‌سازیها، ساخت آپارتمانها و برجها در محدوده تحت پوشش کلاتریها؛
- استفاده از تجارب مثبت کشورهای پیشرفته در این زمینه، که می‌تواند راهگشای بعضی از مشکلات باشد؛
- عمده‌ترین و مهم‌ترین مشکل در کلاتریهای سطح شهر تهران کمبود محسوس نیروی انسانی است که باید این مشکل و کمبودها را هرچه سریع‌تر جبران کرد و به استاندارد جهانی (۴-۵ نفر پلیس برای ۱۰۰۰ نفر) رساند؛
- آموزش و تربیت نیروی انسانی متدین و متخصص از دیگر ملزومات کلاتریها است؛
- تجهیزکردن کلاتریها به وسایل مدرن روز؛
- انطباق جغرافیایی مابین خطوط مناطق و نواحی شهرداری با کلاتریها؛
- تشکیل پلیس ویژه یا ضربت در کلاتریها در جهت برخورد سریع با باندهای بزرگ فساد و بزهکاری؛
- ایجاد پلیس محله از طریق مشارکت مردم با نیروی انتظامی (کلاتری)؛
- پوشش مناسب و هماهنگی راهنمایی و رانندگی با کلاتری که می‌تواند در حفظ و امنیت انجام مأموریت کلاتریها نقش بسزایی داشته باشد؛
- توجه برنامه‌ریزان به مناطق عقب‌مانده کشور که مبدأ مهاجرین است، به‌منظور کنترل مهاجرت به شهرها، به‌خصوص تهران؛
- ارتباط تنگاتنگ بین نیروی انتظامی و آموزشگاههای محلی، مساجد و پایگاههای بسیج؛
- اختصاص بودجه سالانه به کلاتریها درحد مورد نیاز جهت انجام مأموریتهای فوری و یا اتفاقات غیرمترقبه؛
- جلوگیری از برخوردهای چندگانه و تجدیدنظر در قوانین؛

برخی دیگر در شیوه‌های کشت و تولید زراعی تحول فنی به وجود آوردند که به انقلاب سبز موسوم گردید.

مفهوم انقلاب سبز

انقلاب سبز نمایانگر تلاشی است برای جایگزین کردن دگرگونی فنی با تغییر نهادی، یا استفاده از پیشرفت علمی به عنوان جایگزینی برای ترقی اجتماعی. در این راستا، کشورهای جهان سوم تشویق شدند، به جای دست زدن به اصلاحات ارضی، تلاش خود را متوجه وارد کردن و ترویج انواع پربازده محصولات غذایی، به ویژه گندم و برنج کنند. فیتز جرال و پارائی انقلاب سبز را یک واکنش فناورانه در برابر کمبود مواد غذایی در سطح جهانی پس از جنگ جهانی دوم، ارزیابی می‌کنند؛ انقلابی که کشاورزی بسیاری از مناطق را به خصوص در تولید گندم، برنج و ذرت، دگرگون کرده است.

فرهنگ واژگان جغرافیایی، انقلاب سبز را به کارگیری انواع پربازده محصول با استفاده از دانش و فناوری کشاورزی تعریف کرده است. سایر دانشنامه‌ها و فرهنگهای تخصصی، از جمله فرهنگ علوم تغذیه و کشاورزی ذیل مدخل انقلاب سبز، آن را تحول در تولید کشاورزی از طریق به کارگیری فنون و دانش فنی در زمینه اصلاح نباتات، استفاده از سموم و اقتصادی کردن تولید تعریف می‌کنند.

اصطلاح انقلاب سبز به ۲ مفهوم متفاوت به کار می‌رود: بعضی از کارشناسان آن را به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه می‌دانند، که سبب کاهش کمبود مواد غذایی و رفع مشکلات کشاورزی و سوءتغذیه خواهد شد. در مقابل، برخی دیگر این اصطلاح را به معنی بهبود نباتات خاص، به ویژه گسترش انواع بذرها اصلاح شده گندم و برنج و تولید وسیع به کار می‌برند.

به عقیده سفرد، تعریف متداول تر انقلاب سبز بر ترکیب بهینه به کارگیری ارقام پربازده، کودهای شیمیایی، کنترل رطوبت خاک، استفاده از فناوری که بازدهی محصول را در قیاس با شیوه‌های سنتی در یک دوره زمانی کوتاه، به

انجمن ده ← مراجع محلی (روستایی)

انتظام فضایی ← ساماندهی فضایی

انقلاب سبز

Green Revolution

تحول مهمی در فناوری و بهره‌وری کشاورزی طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م که به افزایش بی‌سابقه محصولات کشاورزی و بازده محصول در واحد سطح انجامید.

انقلاب صنعتی، رشد جمعیت، شهرنشینی، صنعتی شدن، جنگها و انقلابها، پیامدهای عمده‌ای در بخشهای مختلف اقتصادی، نخست در جهان پیشرفته و پس از آن در جهان سوم، به بار آورد. برخی از تحلیل‌گران، وقوع قحطی و گرسنگی فراگیر را در قسمتهای وسیعی از کشورهای توسعه‌نیافته، به ویژه در آسیا، پیش‌بینی کردند. از این رو، پیوسته نگرانیهایی درباره اینکه ذخیره مواد غذایی تکافوی جمعیت جهان را نخواهد کرد، وجود داشته است. این گونه نگرانیها طی جنگ جهانی دوم و پس از آن، در دهه ۱۹۵۰م و حتی بار دیگر در اوایل تا اواسط دهه ۱۹۷۰م، به اوج خود رسید و مسئله کاهش احتمال وقوع گرسنگی و قحطی با پاره‌ای ملاحظات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آمیخته شد. ملاحظات سیاسی، به ویژه در کشورهای جهان سوم که بیشتر مردم در مناطق روستایی زندگی می‌کردند و اغلب به کشاورزی اشتغال داشتند و در فقر به سر می‌بردند، مسائل اقتصادی و اجتماعی را تحت الشعاع قرار داد. دولتهای جهان سوم، با توجه به اوضاع سیاسی خود، راهبردهای مختلفی را در پیش گرفتند. برخی از کشورها دست به اصلاحات ارضی در مقیاس وسیع زدند و دگرگونیهای عمیق اجتماعی و سیاسی را از سر گذراندند، در مقابل،

چندین برابر در هر هکتار می‌رساند، تأکید دارد.

مصلحان اجتماعی بر جنبه‌های انسان‌گرایانه انقلاب سبز تأکید می‌کنند و آن را ابزار مهمی در کاهش فقر و گرسنگی در جهان می‌دانند. سیاستمداران و کارگزاران نیز انقلاب سبز را به‌مثابه راهبردی اساسی برای ایجاد اصلاحات و دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی بشمار می‌آورند، به‌طوری‌که انقلاب سبز با ایجاد تغییرات روستاخرتی و سطحی، مانع از ایجاد و لزوم اصلاحات ارضی در سطح وسیع و یا انقلاب دهقانی می‌شود. البته این نقطه نظر از چشم‌اندازی مبتنی بر سرمایه‌داری و اقتصاد بازار نشأت می‌گیرد؛ اساس این رویکرد آن است که در اثر صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی نیاز به محصولات غذایی به‌سرعت رشد می‌کند؛ کمبود غذا در بازار منجر به بی‌ثباتی و بحران اجتماعی می‌شود؛ بحران اجتماعی نهایتاً به کمونیسم و سوسیالیسم منجر می‌شود؛ بنابراین، انقلاب سبز به‌عنوان راهبرد توسعه ضد کمونیستی مطرح می‌شود.

تعریف مشابهی را می‌توان در دانشنامه علوم کشاورزی و تغذیه یافت. انقلاب سبز با افزایش قابل توجه تولید غلات در مکزیک، هند، پاکستان، فیلیپین و دیگر کشورهای درحال توسعه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ همراه بوده است که با تولید ارقام هیبریدی گندم، برنج و ذرت و به کارگیری فن‌آوری‌های مدرن کشاورزی مثل آبیاری مدرن، کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات شروع شد.

سابقه تاریخی انقلاب سبز

در شکل‌گیری و گسترش انقلاب سبز بیشتر ۲ نگرش اصلی مطرح است:

- نگرش اصلاح‌طلبانه و انسان‌دوستانه؛ و
- نگرش راهبردی.

محرک اصلی انقلاب سبز از نگاه انسان‌دوستانه و اصلاح‌طلبانه از آنجا ناشی می‌شود که تحولات صنعتی به پیامدهایی منجر گردید که رشد جمعیت و به‌دنبال آن، بروز قحطی و خشکسالی، به‌خصوص در افریقا، آسیا و امریکای جنوبی شد و این امر اندیشمندان را برای حل این قبیل مشکلات به فکر واداشت. قحطی و گرسنگی مسائلی بود

که دانشمندان آنها را برای دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم پیش‌بینی می‌کردند و به‌همین دلیل، برخی از محققان علوم کشاورزی به جستجوی راهکارهایی برای بالا بردن بهره‌وری در واحد زمین پرداختند.

علاوه‌برآن، سیاستمداران کشورهای سرمایه‌داری و حامی بازار آزاد نیز که از گسترش جنبشهای دهقانی و انقلابات کارگری در شهرها هراس داشتند، در پاسخ به جنبشهای اجتماعی، راهبردهای مختلفی را برای این کشورها پیشنهاد کردند که اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی) و انقلاب سبز نمونه‌هایی از آن است.

انقلاب سبز بیشتر یک حرکت و شعار سیاسی بود و منظور از آن، اصلاح تولیدات و پیشرفت کشاورزی، بدون ایجاد تغییرات بنیادی بود؛ یعنی در کشورهایی که راهبرد انقلاب سبز را برگزیدند، دگرگونی‌های فنی، جانشین دگرگونی سیاسی شد.

به‌لحاظ زمانی، آغاز انقلاب سبز به دوره‌ای باز می‌گردد که بنیاد راکفلر برنامه‌ای را به اتفاق دولت مکزیک برای تحقیقات کشاورزی و توسعه در ۱۹۴۳م به اجرا گذاشت. به‌این ترتیب، در دهه ۱۹۵۰م بذرهای اصلاح شده گندم در مکزیک، در مدت کوتاهی اکثر گندمزارهای این کشور را زیر پوشش قرار داد و به‌لحاظ رشد تولید گندم موفقیت‌هایی به‌دست آمد.

موفقیت برنامه توسعه گندم در مکزیک و انتظار پیش آمدن یک بحران در تولید مواد غذایی در آسیا، سبب مذاکراتی بین بنیاد فورد و بنیاد راکفلر در مورد امکان همکاری آنها در اجرای برنامه‌ای در آسیا گردید. در ۱۹۵۹م بین این بنیاد و دولت فیلیپین برای تأسیس مؤسسه بین‌المللی تحقیقات برنج (IRRI) در فیلیپین توافق شد. در ۱۹۶۳م نیز اداره کارکنان برنامه بنیاد راکفلر در مکزیک تجدید سازمان یافت و با کمک بنیاد فورد، مرکز بین‌المللی اصلاح ذرت و گندم (CIMMYT) تأسیس شد تا با تحقیقات مشترک بین‌المللی، به رشد تولید این محصولات کمک کند. این مؤسسه مجموعه کاملی از گونه‌های اصلاح شده برنج که نوع معروف IRB و نوع اصلاح شده‌تر که IR24 را شامل می‌شد، پرورش داد. در نتیجه، فیلیپین که

گیرد.

به اعتقاد محققان، انقلاب سبز در نوسازی و توسعه کشاورزی از چند جنبه نقش مهم و حیاتی داشته است؛ این جنبه‌ها از جمله عبارتند از:

• با افزایش تولید، فشار گرسنگی و قحطی تا حدودی مهار شد؛

• فناوری در مقیاسی وسیع با تولید کشاورزی ترکیب شد. به سخن دیگر، توانایی ایجاد زمینه‌های لازم برای به کارگیری فناوریهای جدید را در کاشت، داشت و برداشت فراهم نمود که این مسئله نیز باعث صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها و افزایش سطح زیر کشت گردید؛

• گسترش به کارگیری کودهای شیمیایی و تقویت خاک، امکان کشت چند محصول در سال و عدم نیاز به آیش‌بندی را فراهم نمود و موجب بالا رفتن مقدار تولید در واحد سطح گردید؛

• با وجود استفاده از فناوریهای نوین کشاورزی و کودهای شیمیایی، نظامهای آبیاری نیز متحول شد. فنون پیشرفته آبیاری با کشاورزی در مقیاس بزرگ ترکیب شد و مزایای متنوعی را برای تولید به وجود آورد؛ و

• مؤسسات تحقیقی مروج انقلاب سبز توانستند با تولید سموم دفع آفات گیاهی، با برخی از امراض و آفات که در مواردی کل محصول کشاورزان را از بین می‌برد، مبارزه کنند و از این راه، در بالا بردن تولید محصول نقش مهمی ایفا کنند.

پیامدهای انقلاب سبز

پیامدهای اقتصادی - اجتماعی. سوزان جرج در کتاب چگونه نیمی دیگر می‌میزند (۱۹۷۷م)، معتقد است، منافع امریکا انقلاب سبز را به‌عنوان راهبردی جایگزین برای اصلاحات ارضی مطرح نمود. اگرچه ارزیابی دقیق ابعاد سیاسی دخیل در انقلاب سبز دشوار به نظر می‌رسید، اما در مقابل تغییرات اقتصادی و اجتماعی آن و به‌خصوص با گذشت سالها، تغییرات بوم‌شناختی ناشی از آن، بارزتر و نمایان‌تر بود.

انقلاب سبز ساختار روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

یک کشور وارد کننده برنج بود، در ۱۹۷۰م برنج مازاد بر مصرف خود را صادر کرد.

در طول دهه ۱۹۶۰م، بنیادهای فورد و راکفلر با همکاری یکدیگر موسسه بین‌المللی کشاورزی استوایی (IITA) را در نیجریه و مرکز بین‌المللی برای کشاورزی مناطق استوایی (CIAT) را در کلمبیا تأسیس کردند. در طول نیمه دوم دهه ۱۹۶۰م و دهه ۱۹۷۰م، ارقام اصلاح شده محصولاتی همچون: گندم، برنج، ذرت، سیب‌زمینی، لوبیا، انواع سبزی و تولیدات دامی در کشورهای مختلف، از جمله هند، پاکستان، اندونزی، سیرلانکا، و کشورهای وابسته به بلوک شرق در امریکای لاتین به کمک مراکز تحقیقاتی و بهره‌گیری از فنون جدید، تولید محصولات کشاورزی را چنان بالا برد که این حرکت به انقلاب سبز شهرت یافت. اصطلاح انقلاب سبز را اولین بار ویلیام گود، مدیر وقت بنگاه توسعه بین‌المللی امریکا، در ۱۹۶۸م، طی سخنرانی در مجمع توسعه بین‌المللی در واشنگتن به کار برد.

انقلاب سبز و توسعه کشاورزی (نوسازی کشاورزی)

با استفاده از بذره‌های اصلاح شده و کودهای شیمیایی، تولید محصول در هر سال ۲ الی ۳ برابر افزایش یافت. در کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۱۹۶۵-۱۹۸۰م، تولید گندم و برنج حدود ۷۵٪ افزایش داشت؛ در اندونزی تولید برنج در ۱۹۶۰م، ۱/۳ تن در هر هکتار بود که با وجود انقلاب سبز این میزان تا ۱۹۹۴م به ۴/۳ تن در هر هکتار رسید. بین سالهای ۱۹۶۰-۱۹۹۳م، تولید محصول ۲ برابر شد. در عین حال، تولید ارقام اصلاح شده و سطح زیر کشت این نوع بذرها، از اواسط ۱۹۸۰م تقریباً در مزارع گندم ۵۰٪ و در مزارع برنج ۶۰٪ را در نواحی زیر کشت کشورهای در حال توسعه به خود اختصاص داد.

به عقیده لپتون، انقلاب سبز موجب گردید تا با بهره‌گیری از بذره‌های اصلاح شده معجزه‌گر، فشار ناشی از قحطی و گرسنگی در جهان سوم کاهش یابد و رشد تولید مواد غذایی حداقل ۲ الی ۳ برابر از رشد جمعیت پیشی

بخش صنعت توان جذب نیروی کار مهاجر روستایی و جمعیت رو به گسترش شهری را نداشته، که این مسئله نیز به نوبه خود موجب ایجاد تنش و تضاد در جامعه شهری شده است.

از سوی دیگر، انقلاب سبز فرایند جهانی شدن در عرصه کشاورزی را شدت بخشیده است، به نحوی که باعث شکل گیری نهادهای تحقیقاتی و بنیادهای تجاری چندملیتی گردیده که اغلب در کشورهای پیشرفته، از جمله امریکا، تمرکز یافته‌اند. محصولات تولیدی این بنیادها، اعم از کودهای شیمیایی، انواع بذرها، اصلاح شده و انواع سموم، در بازار کشورهای جهان سوم نیز عرضه می‌شوند و این مسئله نابرابری را در عرصه ارتباط بین کشورها افزایش داده است.

پیامدهای بوم‌شناختی (اکولوژیک). با شکل‌گیری و گسترش انقلاب در کشورهای مختلف جهان طی ۲ دهه، پیامدهای وسیع اکولوژیک این انقلاب آشکار گردید، به نحوی که خاک، آب، سموم و کودهای شیمیایی، تنوع زیستی و تنوع ژنتیکی هریک به نوعی تأثیرات شگرفی یافته‌اند.

• **خاک.** انقلاب سبز، همچون راهبردهای دیگر تجاری کردن کشاورزی، باروری طبیعی خاک را کاهش می‌دهد. به طوری که کشت چند محصول در یک سال، بدون هرگونه آیش‌بندی و با توجه به رشد سریع ارقام اصلاح شده، موجب از بین رفتن مواد آلی و بارور کننده خاک می‌شود. از سوی دیگر، استفاده بیش از اندازه از کودهای شیمیایی و حتی استفاده معقول آنها نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای باروری طبیعی خاک از طریق آیش‌بندی یا سایر روشهای سنتی باشد.

تحقیقات نشان داده است که انقلاب سبز در افزایش میزان شوری خاک تأثیر به‌سزایی داشته است. از این رو، به مرور زمان، باروری و حاصلخیزی خاک را از بین برده است. پوستل تخمین زده است که ۲۰ میلیون هکتار از اراضی هند حاصلخیزی و ۷ میلیون هکتار قابلیت کشت را از دست داده و رها شده‌اند. استفاده بیش از حد از علف‌کشها و سموم آفات نباتی نیز مقدار مقاومت خاک را

دهقانان روستایی را دگرگون ساخت و تنش اجتماعی را بین آنان افزایش داد. روستائیان را در ارتباط مستقیم با بانکها، نمایندگیهای توزیع کود، سازمانهای توزیع برق و آب، شبکه‌های بازاریابی و منابع کمیاب لازم برای تولید کشاورزی قرار داد. مجموع این مسائل تنش و رقابت اجتماعی بین دهقانان را افزایش داد.

از آنجا که فناوری انقلاب سبز به نحوی بارز در انحصار زارعان بزرگ تجاری قرار می‌گیرد، به تنش و اختلاف طبقاتی منجر می‌گردد. سود سرشار ناشی از کاربرد انحصاری انواع فناوریهای پیشرفته توسط کشاورزان بزرگ، آنها را با یک کاسه کردن مزارع کوچک از طریق خرید یا خلع از اجاره‌داری، به سمت افزایش داراییهای عملیاتی سوق می‌دهد. در نتیجه، تقسیم جوامع روستایی به ۲ طبقه متضاد، یعنی کشاورزان بزرگ تجاری و زارعان بی‌زمین، تسریع می‌شود. به دنبال آن، زارعان خرد در این فرایند به شهرها مهاجرت می‌کنند و روند مهاجرت از روستا به شهر شدت می‌گیرد (← مهاجرت روستایی - شهری).

علاوه بر این، تأثیر انقلاب سبز در نواحی خاصی از کشورها، یعنی نواحی که از تسهیلات بیشتری برخوردارند یا از موقعیتهای سیاسی و جغرافیایی خاصی بهره‌مندند، نمایان‌تر است. در پاکستان، انقلاب سبز در زمینه کشت گندم و برنج بیشتر در منطقه ثروتمند پنجاب و برخی از مناطق کشت فشرده رخ داده است و در بلوچستان (پاکستان) تقریباً هیچ‌گونه دگرگونی به وجود نیامده است. در فیلیپین، برنامه خودکفایی برنج و ذرت در منطقه لوزان مرکزی به اجرا درآمده است. در هندوستان، انقلاب سبز تا حدی نسبت به سایر کشورها از گسترش بیشتری برخوردار بوده است، اما عمدتاً در منطقه پنجاب (هند) و سایر نواحی گندم خیز شمالی تمرکز یافته است. این مناطق دقیقاً از نواحی ثروتمند کشور محسوب می‌شوند و قبل از رواج فناوریهای جدید، سرمایه‌داری ارضی در آنها کاملاً پیشرفت کرده بود.

نتیجه آنکه انقلاب سبز موجب افزایش مواد غذایی و پائین آمدن قیمت محصولات شده و در نتیجه، جمعیت شهری نیز روبه افزایش نهاده است. بنابراین، از آنجا که

غیرآفات گیاهان و حشرات مضر و غیرمضر یا مفید را یکجا از بین برده و تعادل زیست محیطی را برهم زده است، به نحوی که علاوه بر این موارد، مواد غذایی انسانها نیز در معرض پرسش قرار گرفته است.

• **تنوع ژنتیک و زیست.** انقلاب سبز تنوع زیستی و ژنتیک را نیز تحت تأثیر قرار داده است. سازمان خواربار و کشاورزی (FAO) اعلام کرده است که انقلاب سبز باعث از بین رفتن تنوع ژنتیک گیاهان و تخریب تنوع زیستی در مقیاس وسیع شده است. رشد کشاورزی تجاری و تولید بذرهای اصلاح شده عامل اصلی نابودی تنوع ژنتیک است. انواع پرحاصل غلات حساسیت بیشتری به آفات، بیماری و نوسانات آب و هوا دارند تا انواع سنتی. با وجود تلاشهای فزاینده کارشناسان برای افزایش استقامت گیاهان در مقابل آفات، بیماری و خشکی، ویژگیهای ژنتیک گیاهان حدود ۲ دهه دوام آورده و پس از آن، در مقابل عوامل تهدید کننده بسیار شکننده و ضعیف بوده است.

انقلاب سبز، پایداری و راهبردهای جدید

با توجه به گذشت چند دهه از انقلاب سبز پیامدهای آن راهبردهای جدید برای جبران و کاهش تأثیرات منفی انقلاب سبز مطرح شده است. البته، نیاز به تغییر و اصلاح اغلب از سوی سازمانها و نهادهای بزرگ دولتی و غیردولتی مطرح شده است؛ سازمانهایی همچون بانک جهانی، سازمان خواربار و کشاورزی (FAO)، سازمان همکاریهای اقتصادی در توسعه (OECD) و مؤسسه تحقیقات بین المللی سیاست غذایی با توجه به پیامدهای انقلاب سبز تغییر پارادایم در توسعه و نوسازی کشاورزی را مطرح کرده اند. این سازمانها در سالهای اخیر به قاره آفریقا توجه بیشتری نشان داده و توجه خود را معطوف به خدمت رسانی و اعطای اعتبار به کشورهای این قاره نموده اند. فائو و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) تحقیق و توسعه را در عرصه نوسازی کشاورزی در قالب توسعه پایدار کشاورزی شروع کرده اند. در همین زمینه، دستور کار ۲۱ (← دستور کار ۲۱) شامل مواردی است که اساس توسعه پایدار روستایی و کشاورزی از جمله به شرح زیر بیان می دارد:

• بسط چارچوب سیاست ملی واحدی که تعدیل ساختاری،

در برابر امراض و بیماریها کاهش داده است. از سوی دیگر، از بین رفتن فرایند طبیعی ارگانیک خاک موجب رشد امراض و آلودگی خاک شده است.

• **آب.** انقلاب سبز از ۲ جنبه منابع آبی را مورد تهدید و آسیب جدی قرار داده است: از یک طرف، موجب کمبود آب و از طرفی دیگر، به آلودگی شدید آبهای سطحی و زیرزمینی منجر شده است. انقلاب سبز با به کارگیری فنآوریهای پیشرفته و ایجاد و احداث کانالها، چاههای عمیق و مانند آن، موجب استفاده بیش از حد از منابع آبی شده که این مسئله به بحران و کمبود آب دامن زده است؛ هرچند در اغلب موارد، موجب مهار آب و افزایش ذخیره های آبی و جلوگیری از هدر رفت آن شده است، ولی در مواردی نیز در اثر نظامهای نامعقول آبیاری و استحصال بیش از حد آب، به بحران و کمبود آب منتهی شده است. در ایالت پنجاب هند، پمپاژ آب از طریق موتور پمپهای چاههای عمیق در ۱۲ منطقه، آبهای زیرزمینی را بیش از ۶ بار فراتر از حد متعادل استحصال نموده اند. این در حالی است که در ۳ ناحیه از این مناطق برداشت سالانه ۳ برابر بیشتر از حد قابل جایگزین در سال بوده است. در ایالت تامیل نادو نیز سطح آب ۲۵ الی ۳۰ متر از حد متعادل آن پائین تر رفته است. به علاوه، جایگزینی پمپهای سانتریفیوژ به جای پمپهای قبلی امروزه مزید بر علت گشته است.

از سوی دیگر، استفاده از سموم و کودهای شیمیایی در کشاورزی موجب آلودگی شدید آب و تهدید حیات انواع آبیان شده است، به نحوی که در بسیاری از موارد، به از بین رفتن ماهیها و سایر انواع آبیان منجر گردیده است.

• **کودهای شیمیایی و سموم.** استفاده از کودهای شیمیایی و سموم نیز عاری از عوارض جانبی نبوده است. همان گونه که درباره تأثیر کودها بر باروری خاک گفته شد، استفاده های نادرست و بدون توجه به هشدارهای بهداشتی و سلامتی از سوی کشاورزان، باعث به خطر افتادن سلامتی جسمی روستائیان در برخی از موارد شده است. علاوه بر این، استفاده از سموم آفات نباتی، بدون توجه به پیامدهای آن، موجب از بین رفتن تعادل اکوسیستم مناطق شده است، چرا که این سموم در بسیاری از موارد، آفات و

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- گریفین، کیت. *راهبردهای توسعه اقتصادی*، ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
- گلدتورپ، جی.ای. *جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم*، ترجمه جواد طهوریان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- میر، جerald. *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد، جلد دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- هیامی، بوجیرو و روتان، ورنن. *توسعه کشاورزی یک دیدگاه بین‌المللی*. تهران: انتشارات وزارت کشاورزی سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۸.
- Brown, L.R. *Seeds of Change: The Green Revolution and Development in the 1970s*. New York and London: Praeger, 1970.
- Brown, Lester. R. "The Changing World Food Prospect: The Nineties and Beyond", *World Watch Paper 85*. World watch Institute, 1988.
- Fitzgerald, P. and Parai B.J. *The Green Revolution*. Uotlawa University press, 1996.
- George, Susan. *How the Other half Dies: The Real Reasons for World Hunger*. Montclair NY: Allanheld Osmun, 1977.
- Harry, M. Cleaner. "The Contradictions of the Green Revolution", *American Economic Review*, May 1972.
- Hich, E.D.; Kett, Josephf & Trefil, James (eds). *The New Dictionary of Cultural Literacy*. 3rd ed. Houghton Mifflin, 2002.
- Lipton, Michael and Longhurst, Richard. *Modern Varieties International Agricultural Research and the Poor*. Washington, D.C.: World Bank.
- Mosher, A.T. *Getting Agriculture Moving: Essentials for Development and Modernization*. The Agricultural Development Council, 1966.
- Pearly, A. "Technology and Peasant Production: Reflections on a Global Study", *Development and Change*. Vol. 8, No. 2, 1977.
- Postel, Sundra. *Refusing the Tonic Threat: Controlling Pesticides and Industrial Waste*, *World Watch Paper 79*. World Watch Institute, 1987.
- Shepherd, Andres. *Sustainable Rural Development*. London: MacMillan Press LTD., 1998.
- Shiva, Vandana. *The Violence of the Green Revolution: Third World Agriculture, Ecology and Politics*. London: Zed Book Ltd., 1991.
- Singh, Surendar. "Some Aspects of Groundwater Balance in Punjab", *Economic and Political Weekly*. December 28, 1991.
- Weaver, Woys William (ed). *Encyclopedia of Food and Culture*. MacMillan Library Reference, 2001.

مصطفی ازکیا

یارانه‌ها، مالیاتها، حقوق، فناوری، تجارت خارجی، فرایندهای جمعیت‌شناختی و عوامل دیگری را که کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، دربر داشته باشد؛

• ظرفیت‌سازی نهادی و انسانی و گسترش اقتدار سیاستگذاری و مسئولیت‌پذیری روستائیان در کنار فراهم ساختن مهارت‌های مدیریت منابع؛

• توسعه فنون کشاورزی و زراعت پایدار، نظیر مدیریت یکپارچه محلی، کودرسانی سبز و گردش کشت محصول؛

• بهبود زیرساخت‌های اعتباررسانی، خدمت‌رسانی روستایی، کمک به صنایع خانگی و دیگر صنایع و فرصت‌های معیشت غیرزراعی؛

• حفاظت و کاربری زمین، آب، حیوانات و منابع ژنتیک گیاهی؛ و

• انطباق سیاستگذاریها به‌منظور افزایش تولید انرژیهای تجدید شونده.

در راهبردهای جدید نه تنها به بذره‌های اصلاح شده (گندم، برنج، ذرت) و کودهای شیمیایی، بلکه به پرورش بذرهایی که نسبت به آفات و بیماریها مقاومت ژنتیک دارند و در برابر خشکسالی مقاوم‌تر هستند، توجه بیشتری شده است. به‌ویژه در افریقا روی بذرهایی کار می‌شود که در خاکهای فقیر و در نواحی کم باران یا با بارندگی نامعین، حاصلدهی خوبی داشته باشند. فراسوی پرورش گیاهان، بر آبیاری به‌عنوان نهاد هادی و مصرف‌کود شیمیایی تأکید شده است. روشهای متکی به ارباب یا دهقانان بزرگ را کنار نهاده و فنون متکی به دهقانان خرد و کوچک رواج یافته است و از دولتها در توسعه کشاورزی و مسئولیت در شتاب بخشیدن به روند توسعه، انتظار بیشتری می‌رود. درواقع دولتها بایستی زیرساخت‌های ارتباطی، به‌خصوص توسعه فنآوریهایی نوین حمل‌ونقل و آموزش را فراهم سازند.

در راهبردهای جدید همچنین روشهای سنتی و بومی برای حفظ و گسترش پایداری احیاء و به کار گرفته می‌شود. به تنوع ژنتیک و زیستی گیاهان توجه می‌شود و از روشهای کشت مخرب پرهیز می‌شود، تا نهایتاً پایداری و حفاظت از تداوم توسعه کشاورزی برای نسلهای آتی فراهم آید.

تحولاتی که متعاقب کشف کشاورزی در ۱۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد رخ داد و با ظهور شهرها به شکل‌گیری دورانی نوین در سالنامهٔ حیات انسانی منجر گردید، آنچنان گسترده، عمیق و متنوع بود که کاربرد مفاهیمی از جمله مفهوم انقلاب را مجاز و توجیه می‌کرد. گوردون چایلد در کتاب خود به نام *در تاریخ چه رخ داد؟* به ملاک‌هایی اشاره کرده است که شهرها را از سایر سکونتگاه‌های نوع انسان متمایز می‌سازند. مرور چنین ملاک‌هایی گویای تحولی همه‌جانبه، یعنی پایان دوره‌ای و آغاز دوره‌ای دیگر است که با زندگی پر شورش شهری نشان داده می‌شود. این کتاب انقلاب شهری را عمده انقلابی اقتصادی معرفی کرده و ملاک‌های تمایز شهر از سایر سکونتگاه‌های انسانی را چنین برشمرده است:

- وجود متخصصان تمام وقت؛
- جمعیتی بیش از نقاطی که در هر جامعه غیرشهری یا روستایی فرض می‌شود؛
- تبدیل شدن هنر به حرفه یا شغل؛
- حرفه‌ای شدن و نهادینه شدن سواد (خواندن و نوشتن و محاسبه کردن)؛
- گرایش به علم و پیدایش علمی که براساس آنها محاسبه ممکن می‌شود؛
- سازمان جمع‌آوری مازاد و کسرکردن مالیات برای حکومت و هدیه یا نذر برای نهاد مذهب؛
- شکل‌گیری حکومت؛
- به راه افتادن مبادله گسترده با خارج؛
- وجود ساختمانهای یادبود؛ و
- شکل‌گیری تقسیم کار گسترده، تمایز اجتماعی و در مواردی پیدایش ساختار طبقاتی.

لویس مامفورد نیز در کتاب *دوران‌ساز شهر در تاریخ* به مفهوم انقلاب شهری اشاره می‌کند و کاربرد آن را نیز به گوردون چایلد نسبت می‌دهد، اما چنین کاربردی را مسئله‌زا می‌داند. به نظر مامفورد:

«این نام‌گذاری در مورد نقش فعال و شدیداً مهم شهر حق مطلب را ادا می‌کند، اما به درستی گویای فرایند طی شده نیست؛ زیرا انقلاب واژگون‌سازی چیزها را می‌رساند و

Urban Revolutions

انقلاب شهری مفهومی است که حداقل به دو شکل به کار رفته است. اولین کاربرد این مفهوم که متداول‌ترین کاربرد آن نیز به حساب می‌آید، ظاهراً برای نخستین بار توسط گوردون چایلد مورخ و باستان‌شناس پرآوازه استرالیایی مورد استفاده قرار گرفته است. در این معنا، انقلاب‌های شهری گویای گذار اجتماعات اولیهٔ انسانی از مرحله کوچ‌روی به یکجانشینی و سپس شکل گرفتن شهرها و زندگی شهری است. کشف کشاورزی که به باور بسیاری دستاورد عظیم زنان بشمار می‌رود، یکجانشینی را ممکن ساخته و امکان پیچیده‌شدن اجتماعات شهری را فراهم آورده است. همراه با یکجانشینی، تقسیم کار اجتماعی به تدریج گسترده‌تر شد و تمایز گروه‌های اجتماعی از یکدیگر عینیت بیشتری یافت و این روند زمینه‌ساز پیدایش نهادهای متنوع از جمله حکومت گردید. کشاورزی که موجب مازاد تولید شد، به مبادله شکلی نوین و گسترده بخشید و ظهور شهرها را ممکن ساخت.



ایمنی آمدو شد

Traffic Calming

ایمنی آمدو شد، به عنوان ابزاری برای کاستن از سرعت و جلوگیری با رفتارهای مخاطره آمیز رانندگی در محله‌ها، به موضوع گفتگوی شهروندان تبدیل شده است. گرچه این اصطلاح برگرفته از واژه آلمانی *Verkehrsberuhigung*، به معنی آرام و هموار کردن، آمدو شد است. تمهیدات آرام کردن در دوره رومی، در خیابانهای پمپی وجود داشت. این اصطلاح در دهه ۱۹۷۰م، با تحقیقاتی که برای طرح ایمنی آمدو شد در مناطق مسکونی راین شمالی، (وستفالی آلمان) به انجام رسید، مطرح شد. موفقیت این طرح در کاهش تصادفها ارزش این کار را آشکار کرد. بعد از چند سال، محققان نیز تفسیر خاص خود را از آرام کردن عبور و مرور به دست دادند که شامل مجموعه اقداماتی در زمینه کاهش سرعت و تأکید بر این قضیه بود که دیگر اولویت با وسایل نقلیه موتوری نیست. در برخی محله‌ها، سرعت وسایل نقلیه به حد پیاده روی کاهش داده شد. این طرح نوعی بازاندیشی در نقش خیابانها و در نظر گرفتن آنها به مثابه فضاهای عمومی (← فضای عمومی) بود. این برداشت از خیابان در سایر کشورهای اروپایی، ژاپن و شهرهای جدید و سستی که طراحان شهری در ایالات متحد طراحی کرده بودند، مورد تقلید قرار گرفت.

رایج ترین تمهید ایمنی آمدو شد، دست اندازهای سرعت گیر در محله‌هاست. البته، برای راحتی، این برجستگیها در خیابانها، اصلاح و به برآمدگیهای نرم تر و پهن تر تبدیل شدند. انواع مختلف سرعت گیرها که با وضعیت وسایل نقلیه مورد استفاده برای امور اضطراری و همچنین میزانهای متفاوت سرعت از ۲۵-۴۰ کیلومتر انطباق داده شده است. کارهای دیگری نیز در ایمنی آمدو شد، مثل منظره سازی و ارتقاء کیفیت خیابانها انجام می شود که هر چند بسیار پرهزینه تر است، اما با استقبال بیشتر مردم، روبرو می شود. بخش خیابانهای شهر همچنین ممکن است تمهیدات مکمل دیگری برای آرام کردن ترافیک داشته باشد، مانند باریک سازی قسمتهایی از خیابان (کاهش عرض

جنبشی پیش رونده که از نهادهای فرسوده گذشته دوری می گزیند را به ذهن متبادر می سازد. چنانچه این مسئله را از زاویه دید دوران خود بنگریم، [انقلاب شهری] گویای چیزی شبیه دگرگونی کلی ای که در انقلاب صنعتی رخ داد، آن هم با تأکیدی مشابه فعالیتهای اقتصادی است. چنین برداشتی به جای آنکه مسئله پیش آمده را روشن نماید، آن را مبهم تر می سازد. برآمدن یا طلوع شهر بسیار فراتر از آنکه عناصر قبلی فرهنگ را محو سازد، آنها را کنار هم گرد آورد و اثربخشی گستره آنها را افزایش داد. حتی رواج دادن مشاغل غیرکشاورزی، نیاز به غذا را برجسته تر ساخت و سبب شد تا شمار روستاها چند برابر گردد و زمینهای بیشتری زیرکشت رود».

از آنجا که گذار از زندگی کوچ روی به کشاورزی و روستانشینی و سپس ظهور شهرها به همراه تحولات عمیق و پردامنه شهری در نقاط مختلف جهان همزمان رخ نداده است، کاربرد مفهوم انقلابهای شهری توجیه می شود.

کاربرد دوم مفهوم انقلاب شهری معنایی دقیق ندارد و بر این پیش فرض استوار است که مبارزه سیاسی و نهایتاً انقلاب ویژگی مختص شهرهاست. این برداشت نقش و نشانی اروپایی، آن هم اروپای غربی پس از انقلاب صنعتی را بر خود دارد. حدود سه چهارم سده ۱۹م، دوران انقلابها و آشوبهای شهری در اروپای غربی است. فرانسه در این رابطه سرآمد سایر کشورهاست. مرور رخدادهای سالهای ۱۸۳۰-۱۸۷۰م مملو از حوادثی است که به شورشها، قیامها و انقلابهای شهری آن دوره زمانی اختصاص دارد. دو سوی رودخانه سن پاریس صحنه اصلی چنین برخوردهایی بوده است. گرچه انقلاب از نظر شدت و فراوانی، پدیده ای بیشتر شهری است، اما کاربرد دوم این واژه از نظر علمی جای بحث فراوان دارد و کمتر پیشنهاد می شود.

کتاب شناسی:

- Mumford, Lewis. *The City in History*. New York: Harcourt Brace, 1961.

پرویز پیران

ایمنی آمدوشد

هلمند است که برای آن، شبکه‌ای از راههای دوچرخه‌رو را طراحی کرده‌اند، تا مردم را تشویق کنند برای رفت‌وآمد دوچرخه را بر وسایل نقلیه موتوری ترجیح دهند.

اقدامات آرام کردن آمدوشد به تدریج تحول پیدا کرده و به سمتی رفته است که به ساکنان شهر امکان می‌دهد شیوه‌های سبز را انتخاب کنند؛ فضاهای عمومی خود را کشف کنند؛ و عوارض منفی حمل‌ونقل با سرعت زیاد را کاهش دهند. موفقیت اقدامات آرام کردن آمدوشد در گرو سیاستهای نوآورانه‌ای در کاربری زمین است که با حفاظت از محیط زیست همخوانی بیشتری داشته باشد و به برنامه‌ریزان امکان دهد، خیابانها را به‌عنوان فضاهای عمومی ببینند و به‌عنوان فضای عمومی طراحی کنند.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

شیرا سرکار

(کمال پولادی)

خیابان همراه با اندکی انحنای یا سکوها و برجستگیهای میان خیابان. در تقاطعها از تمهیداتی مانند میدانها و میدانچه‌ها برای کم کردن سرعت استفاده می‌شود.

به‌لحاظ تاریخی، تمهیدات کاهش سرعت ابتدا در مناطق مسکونی به کار رفت که اغلب مورد حمایت قرار بود. امکان آزمون ایده‌ها در طراحی خیابانها در نواحی مسکونی به سهولت مورد پذیرش قرار می‌گیرد. کارایی این اقدامات در کاهش تصادمها و تصادفها موجب شده است، تا از این تمهیدات در خیابانهای محلی و حتی شریانی که بخشهای گوناگونی، چون مناطق مسکونی، مدرسه‌ها، خیابانهای محل خرده‌فروشی و پارکها را به هم متصل می‌کند، استفاده شود. این پیشرفتها در کاهش سرعت، به پذیرش بدیل‌های دیگری، مثل شیوه‌های سبز یا به‌عبارتی، پیاده‌روی و استفاده از دوچرخه، منجر شده است. شهرهای کوچک و محله‌ها طوری طراحی می‌شوند که همزمان ترکیبی از ایمنی آمدوشد و یک شبکه حمل‌ونقل متعادل را دربر گیرد، به‌نحوی که به ساکنان امکان دهد، شیوه مورد نظر خود را در رفت‌وآمد برگزینند. نمونه آن شهر هوتن در



ب

بازار شهری (در ایران)

Urban Market (in Iran)

بازار در ایران فضایی است، برای خرید و فروش و تولید و عرضه کالاهای گوناگون که یک مسیر ارتباطی از میان آن می‌گذرد.

در شهرهای سنتی ایران، بازار یکی از اجزاء اصلی هسته مرکزی شهر را تشکیل می‌داد. امروزه نیز بازارها کانون مبادله، تولید کالا و تجمع فعالیتهای اجتماعی هستند و از نظر جایگاه قلب شهرهای ایرانی بشمار می‌روند. به‌طور کلی، بازارها با عملکردهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و مذهبی، نُماد کاملی از بنیانهای مدنی محسوب می‌شوند که طی سده‌ها شکل گرفته‌اند.

در گذشته کسانی در چارچوب وقف در بازارها به تأسیس بناهای عمومی، همچون مسجد، مدرسه، خانقاه و دارالشفاء، برای استفاده مردم اقدام می‌کردند و برای اداره، نگهداری و تعمیر آنها، تعدادی مغازه، کارگاه و یا کاروانسرا وقف آنها می‌کردند. شاه‌عباس صفوی در ۱۰۱۴ق، بازار قیصریه و تمام بازارهای اطراف میدان نقش جهان اصفهان و کاروانسرا و حمام نزدیک میدان را وقف پیغمبر اسلام کرد.

اعیان و بزرگان در بسیاری از شهرهای ایران در قالب کارهای خیر، مجموعه‌های بزرگی متشکل از این نوع بناها می‌ساختند و آن را وقف می‌کردند. مجموعه بزرگ گنج‌علی‌خان زنگنه در بازار کرمان و مجموعه کریمخان زند در بازار شیراز، از این جمله است. مجموعه سعدالسلطنه شامل بازار، کاروانسرا و سرای سعادت در بازار قزوین،

مجموعه‌ غازان‌خان در بازار تبریز، سرای امیر (مشهور به سرای اتابکیه) و مسجد امیر (مشهور به مسجد ترکها) در بازار تهران نمونه دیگری از اینهاست.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر غازان‌خان (ایلخانی)، در نزدیکی تبریز شهری ساخت به نام ربع رشیدی، که بازار آن ۱۵۰۰ دکان، ۲۴ کاروانسرا، مسجد، کتابخانه، حمام، خانقاه، دارالضیافه و دارالمساکین داشت.

بازارچه

علاوه‌بر بازارهای بزرگ و اصلی شهر، هر محله نیز بازارچه مخصوص به خود داشت که نیازهای محلی را تأمین می‌کرد. این بازارچه‌ها به‌همان ترتیب بازار بزرگ، علاوه‌بر محل دادوستد مایحتاج مردم، مسجد، تکیه، حمام، آب‌انبار و گاهی مدرسه داشتند که اغلب از نوع وقفی به‌حساب می‌آمدند. معروف‌ترین این بازارچه‌ها در تهران، بازارچه معیرالممالک (منسوب به داماد ناصرالدین شاه)، بازارچه نایب‌السلطنه (منسوب به کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه) و بازارچه زعفران باخی (که اکنون از آن چیزی باقی نمانده) هستند. نمونه ممتاز در میان شهرهای ایران، شهر کهن نائین است که از ۷ محله تشکیل می‌شود که هر محله بازار، مسجد، تکیه، آب‌انبار و میدانچه دارد.

از مشهورترین بازارهای قدیم ایران، بازار تبریز است. این بازار هم‌اکنون نیز پررونق‌ترین بازارهای شهری ایران بشمار می‌رود. شهر تبریز به دلیل موقعیت خاص خود بر سر راههای تجاری (جاده ابریشم)، همواره شهری فعال و بازار آن پررونق بوده است. آثار به‌جای مانده از سده‌های گذشته نشانگر این موقعیت است. در شهر تبریز بزرگ‌ترین

فعالیت‌های تجاری

فعالیت‌های تجاری بازار خود به ۲ گروه عمده‌فروشی و خرده‌فروشی تقسیم می‌شوند.

• **عمده‌فروشی**، مهم‌ترین فعالیت بازارهای شهری را تشکیل می‌دهد. در برخی از بازارهای بزرگ، مانند بازار تهران، ۵۲٪ واحدهای تجاری آن عمده‌فروش، ۵٪ خرده‌فروش و ۷٪ کارگاه تولیدی است. عمده‌فروشها بیشتر در راسته‌های تخصصی، سراها و تیمچه‌ها مستقر هستند. آنها به انبارهای بزرگ در نزدیکی مغازه و یا حجره‌های خود نیاز دارند. به

مجموعه‌ها به صورت سرا، تیمچه، میدان و کاخ در بازار پیرامون آن ساخته شده است که از مهم‌ترین بخشهای آن، بازار غازان‌خان و مجموعه صاحب‌الامر است.

طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی بازار

به طور کلی، فعالیت‌های اقتصادی بازار به ۳ گروه عمده تقسیم می‌شوند:

- فعالیت‌های تجاری؛
- فعالیت‌های تولیدی؛ و
- فعالیت‌های انبارداری.



ساختار اصناف بازار

استقرار فعالیتها در بازار بر پایه ساختار تقسیم کار بین اصناف مختلف است. هر صنف از پیشه‌وران یا کسبه بازار در راسته‌های مجاور هم مشغول به فعالیت هستند. اصولاً مشاغل تجاری و صنعتی، به دلایل مختلف، به همجواری گرایش دارند. مشتریان در محل تراکم اصناف، امکان انتخاب بهتری دارند. کارگاههای تولیدی نیز برای بهره‌مندی از تسهیلات مشترک و همکاری با یکدیگر به تجمع در یک محل تمایل دارند.

در گذشته، برخی از کارگاههای خاص، مانند جبه‌خانه (لباس‌دوزی نظامی) و یا دکانهای ساخت سلاح که مورد حمایت حکومت قرار داشتند، راسته خاصی را در بازار اشغال می‌کردند. راسته تفنگ‌سازها در بازار اصفهان که شاه‌عباس اول آن را ساخته بود و بازار چخماق‌سازها که هر دو زمانی به راسته شمشیرگرها موسوم بودند، از این گونه‌اند.

جایابی اصناف و مشاغل مختلف در بازارهای شهری ایران، از نظم و ترتیب حساب شده‌ای تبعیت می‌کند، چنان‌که جواهرفروشها در ابتدای بازار قرار می‌گیرند و صحافی و کتاب‌فروشی در دالان مسجد جامع و سپس، مغازه‌های فروش پارچه، بلور و چینی در امتداد یا به موازات بازار زرگرها شکل می‌گیرند. در بازار تهران، بازار ادویه و چای در امتداد آنها گسترش می‌یابد. یکی از دلایل همجواری این راسته‌ها و همچنین علت قرار گرفتن آنها در ورودی بازارها، به سبب سهولت دسترسی مشتریان زن به این نوع بازارها بوده است. زنان از مشتریهای اصلی زرگرها، بزازها و بلورفروشها هستند. تیمچه‌های ظروف و بلور و بازارچه‌های پارچه و منسوجات گران‌قیمت (قیصریه)، از پر مشتری‌ترین و پررفت‌وآمدترین محلهای بازار بشمار می‌روند. قیصریه مانند یک گالری پر جنب‌وجوش، با تزئینات معماری و فضای زیبا، قلب بازارهای شهری ایران بشمار می‌رفت. به موازات این بازارها، بازار کفاشها قرار داشت که از دهنه دیگر بازار قابل دسترسی بود.

مغازه‌هایی که کالاهای حجیم و سنگین عرضه می‌کنند

این منظور در سراها، که فضاهای باز گسترده‌ای هستند، مستقر می‌شوند. برای کالاهای سنگین وزن جدید، مانند آهن، لوازم منزل و جز اینها که حمل‌ونقل آنها با چرخ دستی دشوار است، از انبارهای کنار خیابانهای همجوار بازار استفاده می‌شود.

• **خرده‌فروشی**، یا تک‌فروشی، بعد از عمده‌فروشی مهم‌ترین فعالیت بازارهای شهری است. مغازه‌های خرده‌فروشی بیشتر در امتداد گذر اصلی بازار قرار دارند؛ از این رو، بازار بزرگ همانند یک خیابان محل خرید در شهر عمل می‌کند. البته در اغلب راسته‌ها نیز خرده‌فروشیها، کالاهای خاصی را عرضه یا تولید می‌کنند، مانند زرگرها و کفاشها.

کارگاههای تولیدی

از گذشته، بخش مهمی از فعالیت اقتصادی بازار در کارهای تولیدی، به ویژه صنایع دستی، انجام می‌پذیرفت. امروزه، با اینکه بخش مهمی از این کارگاهها به علت تولیدات کارخانه‌ای تعطیل شده‌اند، اما هنوز برخی کارگاهها که با ابزار برقی یا ابزار دستی کار می‌کنند، در بازار دایر هستند. از جمله کارگاههای سنتی و قدیمی، آهنگری، مسگری، درودگری، رنگرزی، سراجی، خیاطی و کفاشی، هنوز در بازار فعالند. بسیاری از این فعالیتها نیز به کارگاهها و کارخانه‌های جدید در بیرون شهر منتقل شده‌اند.

مطالعات ۱۳۵۹ش در بازار تهران حاکی از آن بود که حجم مبادلات عمده‌فروشی به مراتب بیش از خرده‌فروشی بوده است. در مطالعات ۱۳۸۵ش نیز معلوم شد که بازار تهران محل استقرار ۵۲٪ واحدهای عمده‌فروشی، ۵٪ واحدهای خرده‌فروشی، ۷/۲٪ کارگاههای تولیدی و ۳/۲٪ انبار است. عمده‌ترین فعالیت در بازار، پوشاک و منسوجات است و واحدهای مرتبط با عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تولید و انبارداری این گونه کالاها، ۴۷٪ واحدهای فعالیتی بازار را دربر می‌گیرد. فعالیتهای مربوط به لوازم خانگی ۸٪، فرش ۸٪، مواد غذایی ۵٪، لوازم تحریر ۵٪ و زیورآلات ۳٪ به ترتیب پس از پوشاک و منسوجات قرار دارند.

مختلف در ۲ طبقه داشت. در اواخر سده ۱۷م بازرگانان پارچه‌فروش تبریزی، قزوینی، اردبیلی و هندی از اتاقهای طبقه اول استفاده می‌کردند و در اتاقهای طبقه بالا، جواهرفروشان، زرگران و حکاکها مستقر بودند.

امروزه، از کاروانهای کهن خبری نیست، زیرا اغلب کاروانسراها کارکرد مهمانپذیری خود را از دست داده‌اند و به تدریج، به کارگاه یا انبار و گاهی محل عرضه کالاهای سنگین و حجیم تبدیل شده‌اند.

اکنون بازاریان عمده‌فروش معمولاً کالاهای سنگین و حجیم خود را با کامیونهای کوچک و بزرگ، از طریق خیابانهای پیرامون بازار حمل و در کاروانسراهای نزدیک به خیابانها تخلیه و انبار و یا در صورت فاصله زیاد، انبارهای جدیدی در نزدیک خیابانها و یا مغازه خود احداث می‌کنند.

وحدت در کثرت

بازارهای شهری ایران محل آمیزش انواع گوناگون فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی هستند. همان‌طور که در ساختار اصناف گفته شد، انواع مختلف کالاها در مغازه‌ها عرضه و یا انواع گوناگون تولیدات در کارگاههای کوچک صنایع دستی و حتی صنایع ماشینی کوچک تولید و عرضه می‌شود. در اینجا، کالاهای مختلف، شامل طلا و جواهر، ادویه، چای، پارچه ابریشمی، ظروف چینی، بلور، مس، سرامیک و همچنین محصولات جدید صنعتی و وارداتی، مانند لوازم منزل، اشیاء پلاستیکی، ساعت، لوازم ابزار دستی و وسایل برقی عرضه می‌شود. این کالاها و کارگاهها در سامانه قدیم به‌نحو خاصی در راسته‌های اصلی و فرعی بازار عرضه می‌شدند و یا در تیمچه‌ها و سراها و کاروانسراها مورد دادوستد قرار می‌گرفتند. نکته قابل توجه در فعالیت‌های بازار، کثرت در عین وحدت است. وحدت این فعالیت‌های گوناگون مربوط می‌شود به نظم و ترتیب خاصی که براساس آن، هرچیز در جای خود قرار می‌گیرد و به‌لحاظ تجاری و صنعتی، با یکدیگر در ارتباط و پیوند هستند، به‌طوری‌که به سادگی می‌توان جای هر عملکرد را در سامانه بازار بازیافت. این نظم و ترتیب به‌گونه‌ای است، که با نیازهای مشتریان، از اقشار مختلف شهری و روستایی

و همین‌طور کارگاههایی که این قبیل کالاها را تولید می‌کنند، در انتهای بازار به سمت دروازه قدیمی شهر مستقر شده‌اند (مانند بازار مسگرها، آهنگرها، رنگرزان و دباغان). در آخر بازار، کالاها و ابزارهای کشاورزی عرضه می‌شود. میدانهای بارفروشی، علوفه، کاه و غلات در نزدیکی دروازه و گاهی بیرون دروازه‌ها قرار می‌گیرند، مانند میدان بارفروشهای امین‌السلطان، نزدیک دروازه شاه‌عبدالعظیم. بازار مال‌فروشها نیز در بیرون دروازه شهر و در فضای گشوده‌ای شکل می‌گرفت. بنابراین، صنفهای مختلف با فعالیت‌های مختلف در سطح بازار به شیوه خاصی توزیع می‌شدند، به‌طوری‌که کالاهای ظریف‌تر در ابتدای بازار و کالاهای حجیم‌تر در انتهای بازار، با نظم خاصی مستقر می‌شدند.

عوامل دیگری نیز در توزیع فعالیتها در بازار دخیل هستند که امکان حمل‌ونقل کالا از جمله اینهاست. هرچقدر کالاها سنگین‌تر و حجیم‌تر بود، به انتهای بازار (سمت دروازه) و محل ورود کاروانها نزدیک‌تر بود. عامل دیگر، سهولت دفع ضایعات و فاضلاب کارگاههایی مانند دباغی، رنگرزی و آهنگری بود که می‌بایست به بیرون شهر هدایت شوند.

فعالیت‌های تجاری عمده، مانند معاملات فرش، پشم و پوست، در محلهایی به نام سرا یا تیمچه انجام می‌پذیرد. سراها هم محل عرضه کالا و هم محل دفاتر تجارتخانه‌های بازار هستند. مجموعه بزرگ سرای امیر در بازار تهران مختص پارچه است. تیمچه مظفریه و تیمچه و سرای امیر در بازار تبریز مختص صنف فرش فروشهاست.

عنصر مهم دیگری که در بازار با فعالیت‌های عمده‌فروشی در ارتباط است، کاروانسراست. در گذشته، کاروانها که مسافر و کالاها را از شهری به شهر دیگر می‌بردند، به کاروانسراهای داخل بازار که معمولاً در انتهای شاخه‌های اصلی بازار و نزدیک دروازه شهر قرار داشتند، وارد می‌شدند.

یکی از مشهورترین کاروانسراها، در بازار اصفهان، کاروانسرای شاهی است که در عصر شاه‌عباس اول ساخته شده است. این کاروانسرا مجموعاً ۱۴۰ اتاق به اندازه‌های

باشند. به هر حال، بازار تبریز از سمت غرب به مسجد جامع و از شمال به ارگ علیشاه (مسجد جامع عصر ایلخانی) مرتبط می‌شود.

بازار از ۲ راسته اصلی، یعنی ۲ محور موازی تشکیل شده که با ۲۴ راسته اختصاصی شرقی - غربی به همدیگر مرتبط می‌شوند و یک شبکه شطرنجی مستطیل شکل را ایجاد می‌کنند. در بین راسته‌های بازار، ۲۵ سرای بزرگ و کوچک قرار گرفته‌اند که به‌نحو متوازی در سطح بازار توزیع شده‌اند. بزرگ‌ترین آنها بازارهای حاج حسن، کهنه، میانه و حاج ابوالحسن که در راستای مسجد جامع قرار دارند، محور شرقی - غربی بازار را به شکل فضای بازار به هم پیوسته، سامان می‌بخشند. بازار تبریز ۲۵ تیمچه دارد. تیمچه‌ها فضاهای وسیع سرپوشیده‌ای هستند که مانند سراها کالاهای عمده‌فروشی و قماش را عرضه می‌کنند. بدین ترتیب، بازار تبریز یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین بازارهای شهری ایران را تشکیل می‌دهد و نشان می‌دهد، چگونه بازارها، تمام عناصر و اندامهای شهری را در یک شبکه به هم پیوسته به یکدیگر مرتبط می‌ساختند.

در بافتهای شهرهای ایران هیچ چیز به اندازه بازار به‌خوبی ساماندهی نشده است. این نظم بی‌واسطه، فضاهای گوناگون شهر را به بهترین وجه به همدیگر پیوند می‌دهد.

ساختار بازار در بافتهای شهری کهن در ایران از اجزاء یا اندامهای خاصی تشکیل شده که الگوی کلی آن چنین است: میدان؛ محور اصلی؛ راسته‌ها؛ سراها؛ دالانها؛ تیمچه‌ها؛ قیصریه؛ چهارسوق؛ تکیه‌ها و مساجد.

• **میدان.** فضای باز بزرگی است که معمولاً جلouxان ورودی بازارها محسوب می‌شوند (خان به معنی میدان و جلouxان به معنی میدان جلو ورودی بازار است). میدانها ارتباط فضاهای داخلی بازار را با فضای بیرونی برقرار می‌سازند. معمولاً سبزه‌میدانها در مقابل دیوانخانه‌های حکومتی یا ارگهای سلطنتی قرار می‌گرفتند، چنان‌که در تهران عصر قاجار، سبزه‌میدان و میدان ارگ تقریباً در مقابل همدیگر قرار داشتند. میدان ارگ محل برگزاری مراسم کشتی پهلوانی، رژه و مراسم حکومتی بود و سبزه‌میدان محل برگزاری مراسم سوگواری ایام عاشورای حسینی. از

گرفته، تا دارا و نادار یا گردشگر خارجی و مشتری شهرستانی سازگار شده است. این فعالیتها در عین تفاوت، از وحدت بی‌نظیری در همکاری و هم‌پیوندی برخوردار هستند. البته امروزه به دلیل تضعیف نهاد اصناف و ورود اشخاص و افراد نامرتبط، سامانه کهن بازارهای شهری ایران دچار اختلالهایی شده است.

همان‌طور که بازارهای کهن، در عین کثرت فعالیت، وحدت رویه داشتند، از نظر معماری نیز با وجود تنوع فضاهای کوچک و بزرگ، با عملکردهای مختلف فرهنگی، تجاری، مذهبی و صنعتی به‌صورت یکپارچه‌ای سامان یافته بودند. این فضاها به ۲ صورت شکل گرفته‌اند: برخی خطی هستند، مانند راسته‌ها و کوچه‌ها (بلند و کوتاه) و برخی گره‌ای یا کانونی، مانند سراها یا تیمچه‌های (بزرگ و کوچک) سرپوشیده و سرگشوده. این فضاها به‌نحو شگفت‌انگیزی با همدیگر پیوند خورده و یک مجموعه واحدی را به‌وجود آورده‌اند.

ساختار کالبدی بازارها

ساختمان بازار در شهرهای کهن ایران، ستون فقرات کالبدی شهر را تشکیل می‌داد و سایر عناصر مهم شهری، مانند مسجد، مدرسه، تکیه و حمام را در بافت خود قرار می‌داد. ارگ و میدانهای حکومتی نیز به‌ترتیبی خاص با پیکر اصلی بازار پیوند می‌خوردند، مثل مجموعه نقش جهان (کاخ، مسجد، میدان و دیوان) در بازار اصفهان، مجموعه ارگ سلطنتی قاجاریه در کنار بازار تهران و مجموعه کاخ هشت بهشت و میدان و دیوانخانه صاحب‌الامر در مجاورت بازار تبریز. بدین ترتیب، بازارها در ارتباط یا در پیوند با سایر عناصر شهری، شبکه به هم پیوسته‌ای را در ساختار کالبدی شهرها می‌ساختند. از این نظر، بازار تبریز ساختار کاملی دارد و در میان بازارهای ایران بی‌نظیر است. بازار تبریز از ۲ شاخه اصلی تشکیل شده که به‌موازات یکدیگر از دروازه (مشتریان) شروع و به قلب شهر کهن در عصر ایلخانی و ترکمانان، یعنی مجموعه صاحب‌الامر متصل می‌شود و مرکز جدید شهر در عصر قاجاریه، یعنی به مجموعه حرمانه مرتبط می‌شود. در واقع مجموعه بازار بین این ۲ مجموعه قرار دارد، یا شاید آن دو خود را به بازار متصل ساخته

جهان احداث شده است. سردر زیبای قیصریه اصفهان به شکل نیم گنبد عظیمی است که با سردر مسجد شاه، عالی قاپو و مسجد شیخ لطف الله در میدان نقش جهان هماهنگی دارد.

• **تیمچه.** فضای وسیع سرپوشیده‌ای شبیه تالار بزرگی است که در وسط مسیر اصلی و یا فرعی بازار ساخته می‌شود و معماری بسیار غنی و زیبایی دارد. تیمچه‌ها معمولاً محل عرضه کالاهایی مانند فرش، قماش، چینی و بلور هستند و طبقات دوم آن، محل دفاتر تجارتخانه‌های بازار است. زیباترین تیمچه‌ها در بازارهای ایران، تیمچه مظفریه، تیمچه امیر و تیمچه ملک در بازار تبریز است، که هر ۳ محل عرضه فرش هستند. به همین ترتیب، تیمچه حاجب‌الدوله در بازار بزرگ تهران و تیمچه ملک در بازار اصفهان، که در ۱۳۲۲ق به دست حاج محمدابراهیم ملک‌التجار ساخته شد.

• **سراها.** سراها یکی از عناصر مهم کالبدی در بازارهای ایرانند، سراها فضاهای بزرگ سرگشوده و گاهی سرپوشیده، به شکل حیاط بزرگ مستطیل شکلی هستند، که دور تا دور آنها ساختمانهای ۲ یا ۳ طبقه ساخته شده است. طبقه زیرین، محل عرضه کالا و طبقه بالا، محل امور دفتری تجارتخانه‌ها و گاهی کارگاههای خاص است. در هر سرا کالای خاصی انبار و عرضه می‌شود. بسیاری از سراهای بزرگ در بازارهای شهری ایران را بزرگان حکومتی یا بازرگانان ثروتمند ساخته‌اند؛ برخی از آنها از نظر معماری بسیار باارزشند، مانند: سرای بزرگ بازار قم (که به دست استاد حسن قمی در دوره ناصرالدین شاه ساخته شده است) که یک اثر بی‌بدیل معماری بشمار می‌رود؛ سرای امیر (امیرکبیر) در بازار تبریز که ۲ تیمچه در شمال و جنوب به آن متصل است؛ و همچنین سرای امیر مشهور به اتابکیه در بازار تهران (در ۱۲۶۷ق به دستور میرزا تقی‌خان امیرکبیر در بازار تهران ساخته شد). این سرای با ۳۳۶ حجره، بسیار پررونق است. امیرکبیر مسجدی نیز در جوار آن ساخت که امروزه به مسجد ترکها شهرت دارد.

نحوه پیوستگی سراها با راسته‌ها و تیمچه‌ها در بازارهای شهری ایران، روابط بین انبارها، عمده‌فروشیها و خرده‌فروشیها را سامان می‌بخشد. بازار تبریز یکی از

میدانهای دیگر، میدان نقش جهان در اصفهان است که سردر قیصریه بازار و سردر مسجدشاه و سردر عالی قاپو در آن قرار داشت. میدان کهنه بازار قم، قلب (مرکز) شهر محسوب می‌شد و بازار و مجموعه مذهبی و دولتی در کنار همدیگر قرار گرفته بودند.

• **محور اصلی.** مسیر سرپوشیده‌ای است که محل خرید و فروش انواع کالاهاست. در ۲ طرف محور بازار، مغازه‌های گوناگون و متنوعی وجود دارد. این محور، در واقع، شریان اصلی ارتباطی و محور فعالیتی شهر کهن را تشکیل می‌دهد، که از دروازه شهر آغاز و تا قلب شهر امتداد می‌یابد؛ مانند بازار قدیم تهران که از دروازه شاه عبدالعظیم در جنوب آغاز و به سبزه‌میدان و میدان ارگ در مرکز شهر منتهی می‌شد.

• **راسته‌ها.** محورهای فرعی بازار، راسته خوانده می‌شد. راسته‌ها معمولاً به صنف خاصی اختصاص داشتند؛ مانند راسته زرگرها، مسگرها، کفاشها و جز اینها. هر چند صنفهای مختلف تا حدودی در طول یک راسته اختصاصی و در کنار همدیگر قرار می‌گرفتند، اما در راسته‌های اصلی و بزرگ، هر صنفی می‌توانست در بخشی از آن جای داشته باشد. امروزه، نظم قدیم چندان مراعات نمی‌شود. هر بازار معمولاً از یک یا ۲ راسته اصلی و تعدادی راسته فرعی تشکیل می‌شود.

• **دالان.** راسته‌های کوتاه‌تر و فرعی‌تر که محل تولید کالاهای اختصاصی هستند، دالان خوانده می‌شود. معماری دالانها نیز شبیه سایر راسته‌های بازار است، اما فضای آن از فضای اصلی بازار جدا می‌شود و محل گذر نیست؛ مانند دالان مسجد جامع در بازار تهران که محل صحافی و شمع‌فروشی است.

• **قیصریه.** راسته کوچکی با عرض بیشتر، که فضای بسته کاملی را تشکیل می‌دهد و با ۲ در به راسته‌های بازار مرتبط می‌شود. قیصریه محل خرید و فروش کالاهای خاص، مانند منسوجات ابریشمی گرانبیقیمت و کالاهای شبیه به آن است. معماری قیصریه مجلل‌تر و ظریف‌تر است. یکی از باشکوه‌ترین قیصریه‌ها، قیصریه بازار اصفهان است که در زمان شاه‌عباس اول، در دهانه ورودی بازار در میدان نقش

تکیه پهنه و تکیه کهنه‌تر که دارای مسجد، حمام و آب‌انبار نیز هستند و هریک، مرکز یک محله محسوب می‌شوند که به بازار اصلی متصل شده است. در بافت قدیم نائین، ۷ تکیه متصل به مسجد و حمام و آب‌انبار، جدای از بازار، در قلب محله‌های قدیمی شهر قرار دارند.

ویژگیهای بازار

گذر اصلی بازار که از دروازه شهر شروع و به مرکز شهر ختم می‌شود، در واقع محور اصلی ارتباطی و گذرگاه آمدورفت بود. سایر گذرها که به بازار متصل می‌شدند، مسیرهای فرعی شهر بشمار می‌رفتند. مسیرهای اصلی و فرعی بازار اغلب سرپوشیده‌اند و با معماری خاص، همراه با تاق و گنبد ساخته شده‌اند. معماری پوشیده بازارهای شهری ایران، نتیجه تداوم تجربیات ارزشمندی است که از انطباق با محیط و همچنین انطباق با عملکردهای گوناگون بازار به وجود آمده است؛ این معماری تلاش بی‌نظیری برای ایجاد یکپارچگی و وحدت در فضاهای گوناگون بازار است. نحوه اتصال فضاهای بزرگ و کوچک، مانند مسجدها، تکیه‌ها، حمامها، و به‌خصوص سراها، تیمچه‌ها، کاروانسرای سرپوشیده و سرگشوده با همدیگر و با محور اصلی بازار یک مجموعه به هم پیوسته و یکپارچه و منسجمی را پدید می‌آورد که در جهان بدیل ندارد.

فضاهای پر و خالی

از ویژگیهای مهم معماری بازارهای شهری ایران، تناسب شگفت‌انگیز فضاهای پر و خالی در درون بازار و فضاهای باز و بسته در کل پیکر بازار است. بزرگ‌ترین فضای خالی درون بازار، حجم درونی (تالارها)، سراها، تیمچه‌ها و تکیه‌هاست که در امتداد حجم باریک گذرهای بازار، یکباره گشودگی مطلوبی را در فضا پدید می‌آورند.

یکی از ویژگیهای بازارهای شهری ایران، فضاهای سرپوشیده مجموعه بازار است که مغازه‌ها، مشتریان و کالاها را از آسیب باد و باران و آفتاب و گردوغبار مصون می‌دارد. با توجه به آب‌وهوای گرم و خشک و پرافتاب سرزمین ایران، بازارهای سرپوشیده فضای مطلوب و هوای

غنی‌ترین بازارها از نظر تعداد سراهاست. این بازار ۲۵ سرا دارد که با ۲۵ تیمچه و ۲۴ راسته درون بازار هم‌پیوند شده‌اند. ۴ سرای بزرگ در قلب بازار تبریز در جهت شرق-غرب به‌ترتیبی قرار گرفته‌اند که مسجد جامع را به محورهای اصلی بازار مرتبط می‌سازند. این سراها ۲ محور ارتباطی دارند که از هر سو به تیمچه‌ها و یا راسته‌ها مرتبط می‌شوند.

• **چهارسوق.** محل تقاطع گذرهای اصلی بازار با یکدیگر، چهارسوق یا چهارسو خوانده می‌شود. چهارسوق کانون یا مرکز بازار شناخته می‌شود و از نظر معماری نسبت به بدنه اصلی بازار، گشوده‌تر و تاق و گنبد بزرگ‌تری دارد. برخی چهارسوقها، مانند چهارسوق بزرگ تهران، تزئینات و کاشی‌کاریهای زیبایی دارد. از چهارسوقهای مهم بازارهای ایران، یکی چهارسوق شاه و دیگری چهارسوق مخلص در بازار بزرگ اصفهان است که دومی، نزدیک سرای مخلص قرار گرفته است. چهارسوق باقی‌مانده از بازار قدیمی ساوه عظمت چشمگیری دارد. چهارسوق اغلب بازارهای شهری ایران بدیع و عظیم و از نظر معماری میراث بزرگی محسوب می‌شوند. در گذشته، داروغه شهر در محل چهارسوق اصلی بازار مستقر می‌شد و از آنجا شهر را اداره می‌کرد. گزرمه‌های داروغه هر شب با مشعل بازار را گشت می‌زدند.

هر راسته یا هر سرا یا تیمچه دارای در و دروازه چوبی قطوری بود، که بهنگام شب یا روزهای تعطیل بسته می‌شد. هریک از فضاهای بازار دارای نگهبان و دربان بود. در برخی دوره‌های تاریخی به‌علت ناامنی شهرها، حتی گذرهای اصلی بازار را با درهای قطور و بزرگ می‌بستند و یا به‌وسیله زنجیرهای ضخیمی، آمدورفتها را محدود می‌کردند.

• **تکیه‌ها.** فضاهای گشوده‌ای هستند در داخل بازار یا متصل به بازار که گاهی سرپوشیده‌اند و گاهی سرگشوده، که در این صورت، بهنگام سوگواری حسینی، با چادری سرپوشیده می‌شوند. تکیه‌ها، میدانهای خاصی هستند، مخصوص برگزاری مراسم عاشورای حسینی. در بازار سمنان چند تکیه مشهور قرار دارد، از جمله تکیه ناسار،

کشویی به نام ارسی داشتند. امروزه، بسیاری از این درهای چوبی مغازه‌ها از بین رفته و درهای کرکره‌ای فلزی جایگزین آنها شده است. بدین ترتیب، چهره داخلی بازار در اوقات شب و روز نسبت به سالهای گذشته، تغییر چشمگیری یافته است.

تغییرات عصر جدید در بازار

در عصر جدید، پس از ورود خودرو و محصولات کارخانه‌ای به شهرها، ساختار فضایی شهرها و مراکز اقتصادی و اجتماعی آن دستخوش تغییرات بنیادی شده است. باین وجود، هنوز بازارهای کهن ایران کم‌وبیش نقشهای خود را در کنار نقشهای جدید در شهرها ایفا می‌کنند. برخی بازارها، مانند بازار تهران، اصفهان، تبریز، شیراز و کرمان، هنوز مرکز اقتصادی شهر بشمار می‌روند و از موقعیت سیاسی-اقتصادی مهمی برخوردارند.

امروزه، تغییرات بنیادی در تجارت و تولید و همچنین در روابط اجتماعی اصناف بازار، در کالبد و سیمای ظاهری آن نیز اثر بخشیده است. هرچند گروهی از اصناف به تدریج بر اثر تولیدات کارخانه‌ای، از بین رفته‌اند، اما فعالیتهای مشابهی جایگزین آنها شده است. با تمرکز سرمایه، برخی از حرفه‌های جدید نیز پدید آمده است؛ برخی مغازه‌ها با عرضه انواع کالاها، چند حرفه‌ای شده‌اند؛ برخی از کوچه‌های متصل به بازار اصلی، تبدیل به راسته‌های جدید شده‌اند و کالاهای جدید، مانند لباس و کفش و ظروف و پارچه‌های وارداتی را عرضه می‌دارند. این بازارها از نظر معماری شباهت چندانی به بازارهای کهن ندارند و از نظر آئینهای تجاری و رفتارهای اجتماعی نیز با کسبه اصلی بازار کاملاً متفاوت هستند.

علاوه بر این، تمرکز سرمایه در بازار تهران موجب پدید آمدن فضاهای جدیدی به نام پاساژ در درون بازارها شده‌اند. در بازار تهران و بازار تجریش انواع پاساژهای جدید در چند طبقه ساخته و به بازار ملحق شده است. احداث پاساژ باعث تخریب روحیه آرام و نجیب بازار و ساخت وسازه‌های طبقاتی آن موجب تخریب بدنه بازار و سقف بازارها شده است.

مطبوعی را به وجود می‌آوردند.

دومین ویژگی بازارهای شهری ایران، در واقع، پیاده‌راههایی هستند سرپوشیده که مغازه‌ها در دو سوی آن، کالاهای خود را عرضه می‌دارند. در زبانهای اروپایی این‌گونه مسیرهای سرپوشیده با مغازه‌ها را گالری می‌نامند. مشتریان فقط برای خرید به بازار نمی‌روند، بلکه گاهی اوقات برای نظاره کردن و کسب اطلاع به بازار می‌روند.

مسیرهای پیاده بازار گاهی از میان صحن مساجد و فضای خالی داخلی تکیه‌ها عبور می‌کند. بازارها محل مکث و حرکت مردمی است که برای خرید، خدمات و گذران اوقات فراغت در فضای آن عبور می‌کنند و به راحتی از فضایی به فضای دیگر وارد می‌شوند. ارتباط چهره به چهره در بازار، فضای روابط اجتماعی را گرم‌تر می‌کند.

نوآوری در بازار

در بازارهای امروز نسبت به بازارهای کهن، ۳ نوآوری صورت گرفته است: نورپردازی؛ ویتترین و درهای شیشه‌ای؛ و درهای کرکره‌ای فلزی.

• **نورپردازی.** داخل مغازه‌ها و داخل معابر سرپوشیده بازار امروزه به وسیله چراغهای برق روشن می‌شود. درخشش شبانه‌روزی بازارهای جدید نسبت به بازارهای کهن، تغییر چشمگیری را نشان می‌دهد.

• **عرضه کالا در ویتترینها.** در قدیم هر مغازه پیشخوانی داشت که کالاهای خود را روی سطح آن در معرض دید مشتریان قرار می‌داد. البته این شیوه هنوز هم برای مواد غذایی و میوه و خشکبار متداول است، اما برخی از مغازه‌ها، مانند مغازه‌های فروش جواهرات، ساعت، لباس و لوازم تحریر، از ویتترینهای شیشه‌ای با نورپردازیهای زیبا استفاده می‌کنند. در مغازه‌های بزرگ و کارگاههای بازار معمولاً اتاقکی شیشه‌ای در انتهای دکان برای انجام امور دفتری تعبیه می‌شود که با در شیشه‌ای از بقیه مغازه جدا می‌گردد.

• **درب کرکره‌ای مغازه‌ها.** در گذشته، مغازه‌ها، کارگاهها و همین‌طور سراها و راسته‌های بازار با درهای چوبی کوچک و بزرگ محافظت می‌شدند. برخی از مغازه‌ها درهای

محل سکونت کارگران مهاجر شده‌اند. ضوابط میراث فرهنگی و مقررات شهرسازی شهرداری ظاهراً نمی‌توانند از تغییر کاربری خانه‌های قدیمی ممانعت به عمل آورند.

در مناطقی از محله بازار که امکانات دسترسی سواره بهتری وجود دارد، رفته‌رفته خانه‌ها، بدون مجوز از شهرداری، به سبک بسیار نامناسب و ناسازگار با معماری بافت کهن، نوسازی و حتی بازسازی می‌شوند. اغلب ساختمانهای خشت و گلی، با آهن و آجر به صورت ۴-۵ طبقه بازسازی شده‌اند. تعداد تخلقات ساخت‌وساز در محله بازار تهران بی‌شمار است. مصالح نامتجانس جدید و فضاها نامتجانس الحاقی به ابنیه قدیمی، کیفیت معماری و یکپارچگی بخشی از بازار را از میان برده است. توسعه بی‌رویه ساختمانهای چند طبقه (مرتفع) در بازار تهران، سقف (طاق) بازار را نیز تخریب کرده و سیستمهای ناهماهنگی از آهن و ایرانیت را جایگزین تاقهای زیبای آجری بازار کرده است.

کتاب‌شناسی:

- ابن بطوطه. *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- سعیدنیا، احمد. *تهران پایتخت قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کوثر، ۱۳۷۴.
- سعیدنیا، احمد. «خاستگاه شهر قم»، *شهرهای ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- سعیدنیا، احمد. «سازمان فضایی ربع رشیدی»، *مجله هنرهای زیبا*. شماره ۷، دانشگاه تهران: دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۷۹.
- سلطانزاده، حسین. «بازارها در شهرهای ایران»، *شهرهای ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- عمرانی، مرتضی. *در جستجوی هویت شهری اصفهان*. به اهتمام سازمان ملی زمین و مسکن، تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- کوبه، هانیس. «شهر اصفهان»، ترجمه کرامت‌اله افسر، *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی، ناشر: مؤلف، ۱۳۶۵.
- «طرح بهسازی محلات فرسوده تهران (بازار)»، به کوشش محمدباقر آیت‌اله‌زاده، فرنگیس رحیمیه، مصطفی ربوی و... *مجله اثر*. شماره ۲، سازمان حفاظت میراث فرهنگی، ۱۳۵۹.
- مهندس مشاور باوند. *تحلیل فضای بازار تبریز*، سازمان نوسازی و

تمرکز سرمایه در بازار تهران پیامدهای دیگری نیز داشته است: مقایسه دو مطالعه بین ۱۳۵۹ و ۱۳۷۳ نشان می‌دهد که طی ۲ دهه گذشته، فعالیتهای بازار تهران افزایش چشمگیری داشته است، درحالی‌که از نظر کالبدی چندان گسترش نیافته است. در دوره ۲۴ ساله بین ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۳، تعداد واحدهای فعالیت بازار تقریباً به دو برابر فزونی یافته و از ۱۹,۶۰۷ واحد به ۳۷,۶۶۵ واحد رسیده است. بخشی از این افزایش به دلیل تقسیم واحدهای بزرگ به واحدهای کوچک‌تر است و بخشی دیگر، به دلیل استقرار فعالیتهای تولیدی و انبارداری در واحدهای فرسوده مسکونی و بخش آخر، به دلیل احداث پاساژهای پرتراکم جدید است.

از نظر تکثیر واحدهای تجاری در بازار، علاوه بر احداث پاساژ، در مواردی به‌طور باور نکردنی، مغازه‌های کوچکی در داخل جرزهای قدیمی بازار احداث کرده‌اند. با جایگزین کردن تیرآهن به جای دیوار حمال قدیمی، فضای کوچکی به ابعاد ۸۰×۱۲۰ سانتی‌متر استحصال کرده و مغازه کوچکی را به وجود آورده‌اند. نمونه دیگر، نصب جعبه‌هایی به اندازه ۸۰×۸۰ سانتی‌متر در فضای خالی داخل سکوهایی ورودی سراها و کاروانسراها در بازار تبریز است که به‌صورت مغازه کوچکی هرشب در و پیکر آن را نصب می‌کنند و می‌بندند و روزها آنها را از هم جدا ساخته و به کسب مشغول می‌شوند.

فرسودگی کالبد بازار

بافت قدیمی بازار شهرهای ایران اغلب فرسوده و بخش عظیمی از آنها به مرور زمان خراب شده‌اند. نکته مهم این است که فرسودگی بازار، به قدرت اقتصادی اصناف ربطی ندارد، زیرا در شهرهای بزرگ، بازار مرکز عمده تجاری در سطح شهر و منطقه است و روزبه‌روز، سرمایه آنها افزایش می‌یابد. تجار عمده و خرد بازار، واحدهای مخروبه مسکونی و کاروانسراهای قدیمی را برای انبارهای خود اختصاص می‌دهند و پیشه‌وران جدید، کاروانسراها و خانه‌های فرسوده را تبدیل به کارگاههای تولیدی می‌کنند. خانه‌های قدیمی که صاحبان اصلی آنها را ترک کرده‌اند،

- بهسازی صاحب‌الامر و بازار غرب، تبریز: شهرداری تبریز، ۱۳۷۶.
- مهندسان مشاور باوند. *طرح بهسازی و تجهیز بازار تهران*. تهران: شهرداری تهران، ۱۳۸۵.
- مهندسان مشاور پرهون. *طرح جامعه سمنان*. وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۲.
- Khansari, Mehdi & Yavari, Minouch. *The Persian BAZAAR*. Mage Publishers Washington, D.C., 1993.
- Sequer, Martin. *Tehran*. Wien: Springer, 1978.

احمد سعیدنیا

بازساخت شهری

Urban Reconstruction

بازساخت شهری به تحولات عمده در ساختار فضایی و سازمان شهرها و همچنین به‌طور معمول به بازساخت اقتصاد، جامعه و سیاست شهری (← سیاست شهری) دلالت دارد. سوچا (۱۹۸۹م) بازساخت را به‌عنوان یک وقته یا گسست در روند معمول، یعنی تغییر جهت به سمت نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متفاوت توصیف می‌کند. بازساخت در برابر تغییرات جزئی، یک تغییر ساختار محسوب می‌شود، اما یک انقلاب یا دگردیسی کامل نیست. در دهه ۱۹۸۰م نوشته‌های مربوط به بازساخت، به‌عنوان واکنشی نسبت به تحولات مهمی که به‌دنبال بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰م پدید آمده بود، وارد صحنه شد و نظریه‌های پیشین درباره شهر با این عنوان که نتوانسته‌اند تحولات عمیق اواخر سده ۲۰م در شهرها را مورد درک و توجه قرار دهند، به نقد کشیده شدند. این نوشته‌ها در آغاز، به حوزه نظریه مارکس تعلق داشتند، اما بعداً آثار پسانوگرایانه (پست‌مدرن) را نیز شامل شدند. این نوشته‌ها که تحت تأثیر آثار هاروی درباره جغرافیای تاریخی و وجه فضایی توسعه سرمایه‌داری بودند، بازتابی از تشخیص ماهیت قرارناپذیر شهری شدن به شیوه سرمایه‌دارانه بشمار می‌آمدند. اندیشه‌های هاروی درباره ثبوت فضایی و نظریه‌های او درباره توسعه نامتوازن جغرافیایی، زمینه مهمی

برای نظریه‌های بازساخت شهری بود. نوشته‌های هاروی (۱۹۸۹م) دورانهای توسعه را با سرشت متحول شهرنشینی سرمایه‌دارانه پیوند می‌زند، گو اینکه او به‌طور صریح اصطلاح بازساخت شهری را به کار نمی‌برد. نوشته‌های اخیر درباره بازساخت، در قیاس با نوشته‌های هاروی و کاستلز، توجه بیشتری را به تولید و پوشش‌های خاص عرصه بازساخت اقتصادی مبذول داشته‌اند. پیوستگی بازساخت جهانی اقتصاد با بازساخت شهری در دهه‌های پایانی سده ۲۰م، درون‌مایه غالب در این نوشته‌هاست. سوچا چنین استدلال می‌کند که بازساخت شهری با پویائیهای شهری شدن در این دوره هم‌عنان است.

نخستین نوشته‌ها در دهه ۱۹۸۰م، با توجه به انتقال صنایع کم‌دستمزد به مناطق و کشورهای پیرامونی، متمرکز بر نظریه‌هایی معطوف به تقسیم کار قصدمندانه جدید بود. نویسندگانی چون ساسن به بررسی تأثیر کاهش مشاغل در داخل کارخانه و رشد تولیدات مبتنی بر قراردادهای دست دوم و با مزد پائین بر شهرهای کشورهای درحال توسعه پرداختند. در این کشورها برخی از شهرها یا فضاهای داخل آنها دچار نزول شدند، درحالی‌که مناطق دیگر رشد کردند و فضاهای اقتصادی تازه‌ای به ظهور رسیدند. واکنش برخی از حکومتها به بازساخت اقتصادی (غالباً در اتحاد با سرمایه‌داران محلی) این بود که به بازتوسعه شهرها، تغییر وضعیت و تغییر چهره آنها، مثلاً به‌صورت توسعه مناطق ساحلی، مراکز خرید، سکونتگاههای گران‌قیمت و امکانات تفریحی این شهرها، اقدام کنند. به این ترتیب فضای شهری از طریق تعامل سرمایه جهانی، دولت و فعالیت‌های ساکنان در معرض تجدید ساخت قرار گرفت.

در تحقیقات بعدی، بازساخت شهری با تحولات گسترده‌تری در شیوه انباشت-انگاره‌های متغیر تولید، فناوری، فرایندهای کار و دگرگونیهای ملازمی در الگوهای مصرف، فرهنگ، ایدئولوژی و دولت-پیوند پیدا کرد. سوچا (۱۹۸۹م) تحول در فرم شهری را با مراحل بازساخت مرتبط دانست و به‌ویژه بر چرخش به سمت پسافوردیسم به‌دنبال بحرانهای دهه ۱۹۷۰م تأکید گذاشت. پیدایش شکل‌های انعطاف‌پذیرتر در تولید، جهانی شدن

بازساخت شهری

شهر خودرو زده، تقسیم شده در پشت دیوارها و سیم خاردارها و نظامهای نظارت و حفاظت، فرا واقعیت همه جاگیر شد.

در حالی که لس آنجلس به عنوان نمونه پارادایمی این قضیه دیده می شد و بسیاری از نوشته های بعدی به طور عموم بر شهرهای جهانی (← شهر جهانی) عمده در غرب متمرکز شده بودند، در دهه ۱۹۹۰م، تعدادی از مطالعات

(← جهانی شدن)، رویش اقتصاد خدماتی و اطلاعاتی، جایگزین شدن حکمروایی کارآفرینانه به جای دولت رفاهی، همراه با افزایش روزافزون نابرابری اجتماعی، به تغییراتی انجامید که سوچا (۱۹۸۰) نام شهری شدن پسانوگرایانه را بر آن گذاشت؛ تحولی که گسست کامل نسبت به نوگرایی (← نوگرایی) نیست، بلکه مجموعه ای از بازساختها است، چنان که لوس آنجلس نمونه آن است. جهانی شدن به رشد



توجه خود را بر تأثیر جهانی شدن بر بازساخت شهری در تعدادی از شهرهای آسیا، مثل توکیو، جاکارتا و شانگهای، که به سرعت رشد می کردند، متمرکز کردند. توسعه شانگهای و تغییر موقعیت و تبدیل شدن آن به مرکز مالی و تجاری در دوره پساسوسیالیستی اش، نظر زیادی را به خود جلب کرد.

دیدگاههای مربوط به نیروهایی که در پس بازساخت قرار دارند، متفاوت است و تا حدود زیادی بحثهای مربوط به ساختار- کارگزار را درباره این تحول انعکاس می دهند. هرچند ممکن است بازساخت شهری را به سادگی به مثابه

این شهر- منطقه بزرگ، به عنوان شهر چند فرهنگی و جهانی، تحرک داد. تجدید ساختار (بازساخت) صنعتی به جغرافیای صنعتی جدید با پیدایش قطبهای فناورانه جدید و الگوهای جدید در ناصنعتی شدن یا باز صنعتی شدن منجر شد. شکل شهر در جهت توسعه چند مرکزی، گسترش فزاینده شهر، پیدایش شهرهای پیرامونی، با انگاره های متفاوتی از گرایش به سمت تمرکززدایی و تمرکز فزاینده مجدد، دستخوش بازساخت شد. الگوهای جدید قطب بندی اجتماعی و جدایی گزینی، انعکاسی از نابرابریهای فزاینده درآمد بود. شهر بیش از پیش به صورت اداره ناشدنی درآمد:

بازسازی روستایی

Rural Reconstruction

سرزمین ایران منطقه‌ای حادثه‌خیز است. از میان انواع بلایا، سیل و زلزله به‌طور خاص خسارت‌های جانی و مالی بیشتری را به بار می‌آورند. در کتاب تاریخ زمین لرزه‌های ایران که مهم‌ترین زلزله‌های مخرب ایران معرفی شده‌اند، وقوع بعضی از این زلزله‌های مهم از نظر زمانی به پیش از اسلام می‌رسد.

از سوی دیگر، ایران کشوری نیمه روستایی است. بررسی آمار جمعیتی شهری و روستایی و اطلاعات مربوط به تعداد شهرها و روستاها گواه بر آن است که با گذشت زمان، نسبت جمعیت روستایی کشور به کل جمعیت، سیری نزولی داشته است؛ با این وجود، عدد مطلق جمعیت روستایی با گذشت زمان سیری صعودی دارد. براساس آخرین سرشماری کشور در ۱۳۸۵ش، نسبت جمعیت روستایی ۳۱/۵٪ است و مجموعاً ۲۳ میلیون نفر را شامل می‌شود.

بلایا و سکونتگاه‌های روستایی

نگاهی به بلایای گذشته از جمله زلزله گواه آن است که مناطق روستایی بسیار آسیب‌پذیرند. ریشه این آسیب‌پذیری را می‌توان عمدتاً در کیفیت نازل ساختمان‌های روستایی جستجو کرد. بنیه ضعیف اقتصادی روستائیان، خصوصاً در این مناطق دور افتاده، باعث شده است که سرپناه ساکنان در این مناطق، اغلب از مصالح بوم‌آورد و با به کارگیری روش‌های ساخت‌وساز اولیه و ساده باشد که بیشتر با همیاری ساکنان بومی انجام می‌گیرد.

این بناها غالباً فاقد مقاومت کافی در برابر نیروها و عوامل غیرمترقبه‌اند. تاریخ زلزله‌ها و سیل‌های ایران زمین گواه تخریب بسیاری از روستاها و مرگ هزاران روستانشین در طی تاریخ است. برای نمونه، از خسارات زلزله‌های ۱۳۴۲ش بوئین‌زهرا و ۱۳۶۹ش گیلان و زنجان می‌توان یاد کرد.

بازساخت اقتصاد جهانی بشمار آورد، اما برخی از نویسندگان تأکید می‌کنند که پویشهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و تاریخی خاص هر ملت و هر شهر به وجهی اساسی، شکل‌دهنده فرایندهای بازساخت آن ملت یا آن شهر است. نویسندگان فمینیست نیز نشان داده‌اند که چگونه شیوه‌های کشاکش زنان با زندگی و اولویتها و راهبردهای آنها در شکل‌گیری فضاها و تحول فضای شهری سهم دارد. درحالی‌که در الگوهای بازساخت شهری وجود مشترک زیادی هست، اما تفاوتها نیز اندک نیست. در این قضیه نمی‌توان روی نتایجی از پیش معلوم دست گذاشت.

بخش کوچک‌تری از نوشته‌هایی که در دهه ۱۹۹۰م به ظهور رسیدند، بازساخت شهری را در چارچوب هدفهای برنامه‌ای مورد ملاحظه قرار دادند و آن را به اندیشه‌های دگرگون‌ساز، مثل سیاستهای بازساخت زیست‌محیطی از آن‌گونه که هان و سیمونیس (۱۹۹۱م) بعد از پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی طراحی کردند و نیز بازساخت برای نیل به توسعه فشرده مربوط کردند. استفاده از برنامه‌ریزی برای انجام بازساخت شهری موضوع تازه‌ای نیست، اما تعداد زیادی از اقداماتی که در دوره متقدم صورت گرفته است، متوجه بازساخت پایتخت بوده است. تحقیقات زیادی در مورد بازساخت شهری که در دوره پسافوردیسم صورت گرفته، حاکی از نتایج مشابهی بوده است. اینکه آیا رویکرد ایدئالیستی می‌تواند در شرایط حضور روندهای مخالف بازساخت به هدفهای خود برسد، همچنان موضوع مناقشه است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopaedia of the city*. London: Routledge, 2005.

آلیسون تد

(کمال پولادی)

بازسازی روستایی

از جمله بازسازی مناطق روستایی را به‌طور جدی آغاز کنند.

مطالعاتی که در سالهای بعد انجام گرفت نشان داد که اساساً پژوهش در زمینه بازسازی پس از بلایا در سطح بین‌المللی سابقه نسبتاً کوتاهی دارد و به‌طور جدی، از حدود دهه ۱۹۷۰م آغاز شده است. همین بررسیها گواه بر آن بود که مسائل و مشکلات بازسازی شهرها بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار داشته و اساساً بازسازی سکونتگاههای روستایی به‌ندرت مدنظر بوده است؛ بدینسان، می‌توان گفت، مطالعات روستایی در این زمینه از نظر زمانی متأخر بر پژوهشهای شهری است.

سابقه پژوهشی در بازسازی روستایی

علی‌رغم تکرار بلایای طبیعی در ایران زمین، بررسی متون و ادبیات موجود گواه آن است که به‌طور کلی پژوهش در زمینه بازسازی مناطق مصیبت‌زده در ایران، اعم از شهری یا روستایی، سابقه کوتاهی دارد.

بدون تردید نقطه عطف مطالعات علمی در این زمینه به حدود سالهای ۱۳۶۰ش بازمی‌گردد؛ زمانی که بازسازی مناطق جنگ‌زده آزاد شده از اشغال دشمن آغاز شد. براساس آمار موجود، در ۸ سال جنگ و درگیری تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۸-۱۳۶۶ش)، بالغ بر ۲,۷۰۰ روستا تخریب و یا دچار خسارت جدی شد. بازسازی مناطق



تجربه بازسازی روستاهای جنگ‌زده

با پیشرفت بازسازی روستاهای جنگ‌زده در ایران، خصوصاً در استان خوزستان، تجربیات بسیار ارزنده‌ای به‌دست آمد. شاید بتوان ادعا کرد که به‌طور خلاصه ۳ راهبرد در بازسازی در فاصله زمانی کوتاه اواخر ۱۳۶۰-

جنگ‌زده به‌دنبال آزادسازی مناطق اشغالی، با سرعت آغاز شد و به‌موازات جنگ و درگیری نظامی به پیش رفت. بررسیهای کتابخانه‌ای در این مقطع، نشان داد که پیش از آن تقریباً هیچ مقاله و یا کتاب علمی در زمینه بازسازی در ایران منتشر نشده بود. این فقدان باعث شد تا دانشگاهیان تلاش برای دست یافتن به چارچوب علمی برای بازسازی،

۱۳۶۴ش تجربه شد:

راهبرد اول تراوش ذهن نیروهای جهادگر پشتیبان جنگ در مناطق جنگ‌زده بود، راه‌حل فطری که ایشان پیش گرفتند، واگذاری کل امر بازسازی به مردم بومی و صرفاً توزیع مقادیری مصالح ساختمانی، از جمله آجر برای دیوارسازی و تیر چوبی برای پوشش سقفها بود. لازم به ذکر است که مسکن سنتی در منطقه دشت آزادگان، ساختمانهایی با دیوار چینه گلی و سقفهای تیرپوش بود. این شیوه بازسازی، بیش از آنکه مورد اعتراض مردم باشد، مورد گلایه مسئولان سیاسی قرار گرفت. جدا از بعضی مشکلات فنی و اجرایی که ناشی از عدم آشنایی اجرای ساختمان با مصالح جدید بود، عملاً سیمای روستا پس از بازسازی شکل و شمایل قبلی خود را حفظ کرده بود و مناسب بهره‌برداری تبلیغاتی نبود. نمونه بارز این روستاها، دهلاویه در دشت آزادگان خوزستان بود.

همزمان نداشتن دستورالعمل خاص باعث شد، در نزدیکی حمیدیه گروهی خیّر از صنف زرگر و جواهرفروشهای تهران، دست به کار بازسازی چند روستا بزنند که به اصرار آنها در یک نقطه متمرکز شده بود و نام شهرک شهید بهشتی را برای آن برگزیده بودند. این شهرک در نزدیکی حمیدیه، جمعیت چند روستا، از جمله جلیزی و مزعل را گرد هم آورد. این شهرک یک میدان مرکزی داشت، با ۲ خیابان عریض ۴۵ متری به‌عنوان ۲ محور اصلی و در ۴ گوشه میدان، ۴ فضای عمومی، از جمله مدرسه و مسجد پیش‌بینی شده بود. این اجزاء در عمل هیچ‌گاه ساخته نشدند و قطعات زمین مشابه و طرح یکسان واحدهای مسکونی با امید سرعت در بازسازی جزو اهداف این طرح بود.

کار ساخت‌وساز آنقدر به طول انجامید که روستائیان جنگ‌زده به ناچار در محوطه کارگاه برای خود روستای جدیدی برپا کردند و عملاً پس از تکمیل واحدها، مدیریت توزیع و تشخیص میزان استحقاق هر خانواده برای دریافت بنای جدید، تبدیل به امری بحرانی شد و کار به مداخله نیروی انتظامی کشید.

به‌عنوان عکس‌العمل و به فاصله کوتاهی از اجرای این شیوه، فکر انجام بازسازی به‌صورت آرمانی، آنچه که

می‌توان آن را راهبرد روستاهای اتوپیایی (آرمانی) نامید آغاز شد. در اصل، گروهی از مسئولان سیاسی و مهندسی در تهران، هسته ستاد بازسازی را از اوایل ۱۳۶۱ش تشکیل داده بودند و با این شعار کار خود را آغاز کردند که پس از انقلاب اسلامی، می‌باید بالاخره تمامی روستاهای کشور را بازسازی کنیم، چرا این کار را از روستاهای جنگ‌زده و تخریب شده شروع نکنیم؟

این برنامه‌ریزیها، شامل تدوین معیارهای روستای آرمانی و همچنین طراحی نمونه‌هایی از این روستاها بود که در مواردی نیز عملاً ساخته شدند؛ روستاهای سویدانی و فرسیه از آن جمله‌اند.

موضوعات اصلی که در این روستاهای آرمانی مدنظر

طراحان قرار داشت، به‌طور خلاصه عبارت بودند از:

- پیش‌بینی تأسیسات عمومی، از قبیل آب آشامیدنی تصفیه شده؛

- مدرسه؛

- مسجد؛

- تعاونی؛

- تفکیک عرصه دام و انسان در طرح خانه‌ها؛

- جداکردن مسیر عبور دام از انسان در شبکه معابر روستا؛ و

- استفاده از مصالح مقاوم برای ساخت ابنیه مختلف.

ساخت روستاهای اتوپیایی با معضلات متعددی در عمل مواجه شد، از جمله آنکه طرح مجموعه روستا و واحدهای مسکونی با رفتار متعارف بومیان هماهنگی نداشت، و مشکل تعمیر و نگهداری ساختمانهایی که با مصالح وارداتی ساخته شده بودند، به‌صورت یک معضل درآمد.

مشکل دیگر، ساماندهی مدیریتی جهت نگهداری از تأسیسات عمومی بود. مردم بومی در عمل، علاقه بسیار کمی برای مشارکت در ساخت و تأمین ابنیه و تأسیسات عمومی از خود نشان می‌دادند و از همه مهم‌تر، هزینه ساخت این روستاها که مصالح آنها گاه سفری بیش از ۱،۵۰۰ کیلومتر را طی می‌کرد و بسیار گرانقیمت بودند، فشار اقتصادی مضاعفی بر بودجه جنگ وارد می‌کرد، تا آنجا که در عمل، دولت مجبور به توقف ساخت این روستاها شد.

حدود ۲ میلیون تومان کمک بلاعوض از سوی دولت در اختیار روستائیان قرار می‌گیرد تا با نظرات فنی بنیاد خانه خود را بسازند.

بنیاد مسکن در طول این سالها کوشیده است تا تعدادی استاد کار بومی را آموزش دهد. همچنین از کاردانه‌های رشته عمران برای نظارت بهنگام بازسازی بهره‌گیری کند. بنیاد در سالهای اخیر تلاش می‌کند که طرحهای استاندارد خانه‌ها در مناطق مختلف را تهیه و به مردم توصیه کند تا شاید بدین ترتیب، امکان دقت و سرعت کار بیشتر شود.

مشاهدات مهم از بازسازی مناطق روستایی

آنچه نگارنده از حدود ۱۳۶۰ش تا امروز (۱۳۸۶ش) در زمینه بازسازی روستاها در ایران ملاحظه کرده و یا در ادبیات محدود جاهای دیگر دنیا مطالعه نموده است، به‌طور خلاصه، به‌شکل زیر قابل جمع‌بندی است:

- آثار تخریبی بلایا به ۲ صورت پید/ و پنهان برجای می‌مانند و متأسفانه ابعاد علنی و قابل رؤیت، مانند تخریب ساختمانها زودتر و بیشتر به چشم بیننده می‌آید. به‌همین خاطر، بازسازی در کشور ما حتی تا امروز محتوای فیزیکی کالبدی داشته است؛ این درحالی است که خسارات ناپیدای وقوع فاجعه، مانند به‌هم خوردن ساختار خانواده یا مدیریت اجتماعی روستا و حتی تحول و تخریب در اقتصاد روستا، و شاید از همه پیچیده‌تر، آثار کوتاه‌مدت و درازمدت روانی بلایا از نظرها دور می‌ماند. بازسازی روان‌شناختی مردم یک منطقه وسیع را چه کسی و چگونه می‌تواند ساماندهی کند؟
- راه‌اندازی و احیاء مجدد فعالیت اقتصادی و تولیدی روستائیان در بسیاری از موارد برای آنان از ساخت خانه‌ها اولویت بیشتری دارد. گاه پیش از ساخت خانه‌ها، روستائیان تا دو نوبت از کشتزارهای خود محصول برداشت کرده‌اند؛
- وابستگی روستائیان به زمین، نسق زراعی و منابع آب کشاورزی نقش بسیار مهمی در بازگشت مصیبت‌زدگان روستایی به سرزمین اصلی دارد، حال آنکه برای مصیبت‌زدگان شهرنشین خطر مهاجرت دائمی خیلی جدی‌تر است؛
- جابه‌جایی مکان روستا و خصوصاً ادغام اجباری

راهبرد سوم بازسازی را شاید بتوان رویکردی مشارکتی نامید. در این راهبرد، برای مردم جنگ‌زده نقش برجسته‌ای پیش‌بینی و کار مدیریت و حتی کار یدی بازسازی برعهده ایشان گذاشته شده بود. از نظر طرح واحد مسکونی عملاً نیروهای بازسازی در حد مشاوره در خدمت صاحبخانه قرار گرفتند و اخذ تصمیم نهایی را به‌عهده او گذاشتند. سهم هر خانواده، متناسب با خسارت وارده، به‌صورت مرحله‌ای در اختیار او قرار می‌گرفت و نقش نیروهای بنیاد مسکن به‌عنوان مجری طرح بازسازی، در حد نظارت عالییه تقلیل یافت. مصداق بارز این نوع بازسازی را می‌توان در روستای ساریه در دشت آزادگان ملاحظه کرد.

درس‌آموزی از تجربه بازسازی روستاهای جنگ‌زده

تجربه گسترده و وسیع بازسازی روستاهای جنگ‌زده، به تدریج، چارچوبی نظری و اجرایی پیش روی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی)، به‌عنوان مجری طرحهای بازسازی پس از سوانح، گذاشت. به فاصله کوتاهی پس از پایان بازسازی مناطق جنگ‌زده، زلزله ۱۳۶۹ش روستاهای زیادی را در استانهای زنجان و گیلان در هم کوبید. ستادهای معین از چند استان فرا خوانده شدند و کار اسکان موقت آغاز شد. برای اولین بار از ساختمان زنگالی که نوعی بنای سبک با سازه چوبی و دیواره‌ای پر شده با توده‌ای گل است، به‌عنوان اسکان موقت بهره‌گیری شد. مردم بومی با این شیوه ساختمان‌سازی آشنا بودند و به‌راحتی با توزیع چوب و گاه کارگاههای فعال چوب‌بری منطقه، کار تأمین سرپناه در زمان بسیار کوتاهی سامان گرفت. حتی این شیوه ساخت‌وساز به حوزه روستاهای زنجان که با آن مأنوس نبودند، نیز صادر شد و مورد استقبال قرار گرفت.

روال فعلی بازسازی (۱۳۸۶ش)

در حال حاضر، بنیاد مسکن سیاست اصلی خود را حول گسترش نقش مدیریتی - فنی و نظارتی متمرکز کرده است. پس از وقوع سوانح، آمار لازم جمع‌آوری می‌شود و متناسب با شرایط، وام کم‌بهره (حدود ۵ میلیون تومان) و

روستاهای کوچک می‌تواند آثار سوء و مشکلات اجتماعی و مدیریتی جدی برجای گذارد؛

• آشنایی روستائیان با مصالح بوم‌آورد و فن ساخت‌وساز، خصوصاً در مرحله اسکان اضطراری، به ایشان امکان می‌دهد که با استفاده از حداقل حمایت، مشکل سرپناه خود و خانواده را سریعاً حل کنند؛

• انس با طبیعت و سختیها و مشکلات آن باعث می‌شود تا روستائیان در فرایند بازگشت به شرایط طبیعی که به‌زعم ایشان اغلب همان شرایط قبل از وقوع فاجعه است، تحمل بیشتری از خود نشان داده، و با امکانات محدود و معدود بسازند و با شرایط سخت به‌صورت مقطعی کنار آیند و در عمل، با حداقلها دوره انتقال را پشت سر بگذارند؛

• طرحهای هندسی مهندسی غالباً کمک با ارزشی به ارتقاء سطح زندگی مردم نمی‌کند. بسیار دیده شده است که روستائیان گونه‌ای زندگی سنتی را در غالب خانه جدید و با زحمت ادامه می‌دهند؛

• مشارکت روستائیان در فرایند احیاء، بازسازی و اسکان، سرمایه بسیار مهمی است که می‌تواند کمک شایانی به مدیران دولتی از نظر صرفه‌جویی در وقت و سرعت کار و افزایش رضایت مصیبت‌زدگان به‌وجود آورد؛

• موضوع افزایش انتظار روستائیان پس از بازسازی با مصالح و فناوری جدید، معضلی است تکراری. افزایش انتظارات ایشان از حداقل مصالح خانه که اغلب تأمین آن بدون مدیریت متمرکز دولتی، آن‌هم صرفاً برای مقطع بازسازی، میسر نیست، مشکل کمبود مسکن را در روستا به‌وجود می‌آورد. مگر آنکه برای تولید مصالح در منطقه و تربیت استادکاران بومی اندیشه‌ای پیش‌بینی شده باشد؛

• روستائیان تغییرات واقع‌بینانه و مورد نیاز خود را در رفتار فردی و اجتماعی در مقطع بازسازی و پس از آن، به‌تدریج به‌وجود خواهند آورد، ولی این تغییرات اغلب بسیار محدودند؛

• جایگاه و موضع فعلی دولت که برخلاف بسیاری از دیگر کشورها، خود را متکفل تأمین هزینه‌های بازسازی سکونتگاههای مصیبت‌زده می‌داند، باعث ترویج و ترغیب فرهنگ فرصت‌طلبی و گاه سوء‌استفاده در میان روستائیان

شده است؛ و

• بازسازی پس از سوانح خواه طبیعی و یا انسان‌ساز، فرصت مناسبی برای تحولات وسیع در شئون مختلف اقتصادی و اجتماعی روستائیان نیست. گاهی آمار جمعیت یک روستا یا منطقه‌ای روستایی که از وام دولتی و کمک بلاعوض استفاده کرده‌اند، تا ۲ برابر آمار واقعی که در هنگام وقوع زلزله یا بلافاصله پس از آن گردآوری شده، افزایش یافته است.

کتاب‌شناسی:

- آمبرنسر، ن. تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران، ترجمه ابوالحسن زاده، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.

- مرکز آمار ایران. سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵.

اکبر زرگر

بازسازی شهری ← نوسازی شهری

بازیافت

Recycling

مدیریت جامع مواد زاید ۴ محور اساسی دارد که به ترتیب اولویت عبارتند از:

• کاهش تولید؛

• بازیافت؛

• تبدیل شیمیایی؛ و

• دفن زائدات.

بازیافت عبارت است از انجام عملیات مشخص روی مواد زائد جامد برای تهیه مواد جدید و یا انرژی. به‌این ترتیب، بازیافت فرایندی است که طی آن مواد زائد، جمع‌آوری شده و به‌منزله مواد خام برای تولید محصولات جدید، به کار گرفته می‌شوند. می‌توان گفت، بازیافت قسمت اصلی و زیربنایی هر طرح جامع مدیریت زائدات است. بازیافت سبب کاهش مشکلات مدیریت مواد زائد

انواع پسماندهای عادی

• اجزای قابل استفاده در تولید کود آلی (کمپوست). این اجزا شامل مواد فسادپذیر موجود در زباله هستند. پسماندهای غذایی، شاخ و برگ درختان و ضایعات نان در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند؛

• اجزای قابل استفاده در صنایع تبدیلی. این مواد، قابل سوختن و کودسازی نیستند و طی فرایندهای مختلف، مجدداً مورد مصرف قرار می‌گیرند. مواد پلاستیکی، گونی، کاغذ، کارتن، مقوا، فلزات، شیشه و لاستیک در این گروه جای می‌گیرند.

• اجزای قابل استفاده در تولید انرژی. این گروه منحصرأ قابل احتراق هستند و هنگام سوختن، انرژی بالایی تولید می‌کنند. استفاده از مواد زائد قابل اشتعال برای تولید انرژی به‌عنوان ایجاد منبع حرارتی و گرمایش در مجتمع‌های مسکونی و تولید برق و سایر مصارف، یکی دیگر از زمینه‌های بازیافت مواد زائد است.

شهری، از جمله جمع‌آوری و دفع، خصوصاً احتراق و دفن می‌گردد. علاوه‌براین، بازیافت از پتانسیل تشکیل شیرابه و انتشار و شدت آلودگی می‌کاهد.

بازیافت زباله فقط جداسازی و جمع‌آوری مواد بعد از مصرف نیست، بلکه این موارد اولین گام در بازیافت بشمار می‌روند.

مواد جمع‌آوری شده باید دوباره پردازش شده یا در پروسه‌های صنعتی به محصولات دیگر تبدیل شوند و سپس، به مصرف برسند. بنابراین، زمانی‌که مواد و محصولات دوباره مورد استفاده قرار گرفتند، چرخه بازیافت کامل شده است.

انواع پسماندهای خانگی

- پسماندهای خشک. کاغذ و مقوا، پلاستیک، لاستیک، فلزات، شیشه، منسوجات و چرم، چوب، ضایعات مواد غذایی و نان و مانند آن؛ و
- پسماندهای تر. شیرابه‌های مواد غذایی، سبزیجات و میوه.



به محیط زیست؛ و

• بازیافت مواد زائدی که تولید آنها اجتناب‌ناپذیر است.

بازیافت و استفاده مجدد، استخراج از منابع و معادن طبیعی و دفع بی‌رویه آلاینده‌ها را در محیط زیست تقلیل داده، و ارتقاء سطح بهداشت جامعه و حفاظت از محیط زیست را به دنبال دارد.

مدیریت برنامه‌های بازیافت می‌تواند به صور زیر باشد:

• به‌طور مستقیم، زیر نظر شهرداری و به‌عنوان قسمتی از سیستم مدیریت مواد زائد جامد شهری؛

• زیر نظر سازمانی مثل سازمانهای بازیافت فعلی که در بعضی شهرها وجود دارد؛

• مدیریت منطقه‌ای؛ و

• مدیریت توسط بخش خصوصی.

سیاستهای مؤثر سازمان متولی بازیافت در خصوص ارتقاء این امر می‌تواند به‌شرح زیر باشد:

• تصویب و تبیین دستورالعملهای اجرایی برای شهروندان؛

• آموزش چهره‌به‌چهره تمامی خانوارهای شهری و واحدهای تجاری و اداری از طریق استفاده از نهادهای مردمی و غیردولتی؛

• به‌کارگیری روشهای تشویقی و انگیزشی؛

• تهیه و توزیع مخازن مخصوص پسماندهای خشک در بین خانوارهای شهری؛

• استفاده از فناوریهای نوین بازیافت؛

• ایجاد مناطق بورس بازیافت و ساماندهی تفکیک زباله در مبدأ؛ و

• واگذاری امور به بخش خصوصی با نظارت سازمان متولی.

فرصتهای بازیافت

• با توجه به نبود یا کمبود زمین مناسب برای دفع زائدات، با بازیافت مواد و کاهش حجم آن، پتانسیل زمین برای پذیرش مواد زائد افزایش می‌یابد؛

• به دلیل محدودیت منابع طبیعی، اگر بازیافت زباله صورت گیرد، نیاز به استخراج مواد خام کمتر شده و منابع طبیعی برای نسلهای آینده حفظ می‌گردد؛

• با اجرای عملیات بازیافت، حجم زباله‌های ورودی به

• اجزای غیرقابل استفاده در بازیافت: (اجزای دفن شدنی). این اجزا در هیچ‌یک از گروههای فوق قابل استفاده نبوده و بایستی به‌صورت بهداشتی دفن گردند؛ پارچه، چرم، فرش، موکت، چینی‌آلات، ملامین، کفش، ضایعات خطرناک از این نوع هستند.

مراحل اصلی بازیافت

• جمع‌آوری موادی که قابل بازیافتند؛

• جداسازی این مواد در ظروف مختلف؛

• فرایندهایی که این مواد را دوباره قابل استفاده می‌سازند، مانند خمیر کردن کاغذ و نایلون و تبدیل دوباره آن به کاغذ و نایلون؛ و

• بازاریابی، خرید و فروش و استفاده از کالایی که از مواد بازیافتی ساخته شده است.

از آنجایی که عمل تفکیک زباله به‌عنوان یکی از ارکان اقتصادی در هر برنامه بازیافت مطرح می‌شود، هرچه این اقدام به نقطه و زمان تولید زباله نزدیک‌تر باشد، عملیات بازیافت توفیق کمی و کیفی و نهایتاً فایده اقتصادی بیشتری خواهد داشت.

فرایند بازیافت می‌تواند در قسمتهای مبدأ، مقصد و میانه (ایستگاههای انتقال) صورت گیرد، اما بهتر است مواد زائد در مبدأ تولید و قبل از آنکه با هم مخلوط شوند، به‌صورت جداگانه جمع‌آوری گردند. در غیر این صورت، فرایند جداسازی برای بازیافت مواد می‌تواند به ۲ روش انجام شود:

• شیوه مسیر باز، که طی آن مواد بازیافتی به‌عنوان مواد خام در فرایند تولید محصولات مورد استفاده قرار می‌گیرند، مانند بازیافت پلاستیک و شیشه؛ و

• شیوه مسیر بسته، که طی آن مواد بازیافتی دوباره به‌صورت اصلی برگردانده می‌شود و دقیقاً همان خواص اولیه و کاربرد قبلی خود را پیدا می‌کند، مانند بازیافت بطریهای شیشه‌ای و چند بار مصرف، بازیافت لباسهای مستعمل و مانند آن.

بازیافت و حفاظت از محیط زیست

• جلوگیری از انباشت و هدر رفت مواد زائد و آسیبهای آن

کتاب‌شناسی:

- عبدلی، محمدعلی. *بازیافت مواد زائد جامد شهری*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- عبدلی، محمدعلی. *سیستم مدیریت مواد زائد جامد شهری و روشهای کنترل آن*. تهران: سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران، ۱۳۷۲.
- فرزاد بهتاش، محمدرضا. «اثرات زیست محیطی زلزله در بافت تاریخی شهرها- مطالعه موردی. بم»، *اولین همایش مقابله با سوانح طبیعی*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- American Paper Institute. *Paper Recycling and its Role in Solid Waste Management*. New York, 1987.
- Charles R. Rhyner; Leander, J.; Schwartz, Robert and Wenger, B. *Waste Management and Resource Recovery*. CRC Press, 1995.
- EPA. *Characterization of Municipal Solid Waste in the United States*. 1992.
- EPA. *Decision-Makers GUIDE to Solid Waste Management*. 1989.
- EPIC. *A Review of Automated Technology to Sort Plastic and Other Containers*. Ontario, Canada, 2003.
- Ludwig, Christian and Hallweg, Stefanie & Stuki, Samuel *Municipal Solid Waste Management*. Springer, 2003.
- Lund, Herbert. *Recycling Handbook*. New York: McGraw-Hill, 2000.
- Tchobanoglous, G.; Theisen, H. & Eliassen, R. *Solid Wastes Engineering Principles and Management Issues*. New York: McGraw-Hill, 1977.

محمدرضا فرزاد بهتاش

باغشهر

Garden City

جوهر اصلی ایده باغشهر آمیزش شهر با مناطق روستایی و ساختن خانه‌های تک‌خانواری محصور در باغ و باغچه‌هاست.

در اواخر سده ۱۹م، با افزایش مشکلات شهری و هجوم جمعیت روستایی به شهرهای بزرگ در پی انقلاب صنعتی، متفکرین بسیاری در مقابل این شرایط به طرح ایده‌های جدید پرداختند. در انگلستان ایده ساخت یک شهر کوچک در ناحیه‌ای روستایی (با ترکیب مزیت‌های شهر و روستا، با

محیط زیست کاهش می‌یابد و در نتیجه، از آلودگی‌های زیست محیطی آب، خاک و هوا کاسته می‌شود؛

- با اجرای بازیافت و کاهش حجم زباله، هزینه جمع‌آوری و حمل‌ونقل و دفن زباله کاهش می‌یابد؛
- بازیافت مواد موجب می‌شود که نیاز به ورود مواد خام از خارج کشور کمتر شود و در نتیجه، وابستگی اقتصادی کاهش و تولید ملی افزایش می‌یابد؛ و
- ایجاد درآمد و شغل در پی راه‌اندازی کارگاه‌های بازیافت.

محدودیت‌های بازیافت

- غیرمطلوب بودن کیفیت اغلب محصولات تولید شده از مواد بازیافتی؛
- استاندارد نبودن اجناس تولیدی از مواد بازیافتی در مقایسه با موارد مشابه؛
- غیربهداشتی بودن اجناس تولیدی از مواد بازیافتی، به علت عدم رعایت بهداشت در فرایند تولید؛ و
- عدم آموزش کافی و عدم استفاده از فناوری پیشرفته در بازیافت.

فرصت‌های ناشی از عملیات بازیافت

- استقبال مردم و سازمانها از این عملیات؛
- ایجاد اشتغال؛
- کاهش وابستگی به خارج؛
- صرفه‌جویی در هزینه جمع‌آوری و دفع زباله؛
- امکان حمایت مالی بیشتر از کارگران؛
- تقویت بنیه اقتصادی کشور؛ و
- ارتقاء سطح سلامت و بهداشت جامعه.

تهدیدهای ناشی از عملیات بازیافت

- امکان بیماری مرتبطین با امر بازیافت و عدم کنترل سلامتی کارگران این حرفه؛
- امکان وجود ناخالصیها در مواد بازیافتی که در تولید مشکل ایجاد می‌کند؛
- وجود بازار سیاه و ثابت نبودن قیمت‌ها؛ و
- کمبود نیرو و کارگر ماهر و فناوری به‌روز در این زمینه.

باغشهرها جزو نخستین شیوه‌های نظام‌یافته در برخورد با منطقه‌بندی کاربریها، آرمان تراکم کم و حفاظت از حریمهای سبز اطراف شهر بود.

هوارد ضمن ایده احداث باغشهر، معتقد بود، در شهر باید میان صنعت و کشاورزی تعادل برقرار باشد. شهر درعین حال که از برخی تأسیسات صنعتی کوچک برخوردارست، فضای سبز (← فضای سبز شهری) و اراضی کشاورزی آن می‌بایست ۵ برابر کل شهر وسعت داشته باشد. خانه‌های مسکونی باید باغچه‌های مشترک داشته باشند، همچنین فضاهای سبز عمومی وسیع، مانند پارک مرکزی، به وجود آید و علاوه بر اینها، خیابانها در دل ناحیه مسکونی همچون یک نوار سبز عبوری طراحی شوند. هدف این بود که این فضاهای سبز وسیع در دل شهر، همراه با زمینهای کشاورزی و باغها در حلقه خارجی شهر، برای شهروندان مجال بهره‌وری و لذت بردن از طبیعت را

صنایع متعلق به خود، توسعه کنترل شده، باغهای عمومی و خصوصی و مرکز فرهنگی طراحی شده)، برای نخستین بار باغشهر نامیده شد. این ایده را ابنزر هوارد پیشنهاد کرد، کسی که در ۱۸۹۹م برای ساخت اولین باغشهر با نام لیج‌وُرت، مؤسسه باغشهر را نیز تأسیس نمود. او ایده احداث باغشهر را در ۱۸۹۸م با چاپ کتاب *باغشهرهای فردا* مطرح ساخت. هدف او ایجاد جنبش تراکم‌زدایی از مراکز شهری بزرگ و از طریق ایجاد روستا-شهرهایی با محیطی سالم‌تر بود. باغشهرها، که ترکیبی از ویژگیهای شهر و روستا را دربر داشتند، با کمربندهای سبز کشاورزی، اداری، تفریحی و دیگر فعالیتهای تخصصی، از هم جدا می‌شدند. هر باغشهر برای زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روزانه شهروندان، با نظام یکپارچه مالکیت زمین و واگذاری به صورت اجاره‌ای، به‌منظور بیشینه کردن همزمان نفع اجتماعی و انتخاب فردی تجهیز شده بود. ایده



باغشهر

مجموعه نمونه از باغشهر احداث شود، تا بقیه باغشهرها به سرعت و خودبه‌خود به وجود آیند. در این صورت ساکنان لندن، شهر پرتراکم خود را گروه‌گروه ترک می‌کنند و در خانه‌های ویلایی باغشهرها مستقر می‌شوند. بدین ترتیب، محلات پست و فقیرنشین شهرهای بزرگ از بین می‌رود. در این شهرها به دلیل آنکه زمینهای عمومی متعلق به شهرداریهاست، از بورس بازی زمین جلوگیری می‌شود. خوداتکایی، استقلال، تعادل اجتماعی - اقتصادی، تعادل طبیعی از ویژگیهای بارز باغشهر است. علاوه بر اینها، برخورداری از مزایای شهر و روستا، مسکن، کار و اوقات فراغت، از دیگر وجوه مشخصه نظریه باغشهر است.

در ۱۹۰۴م در انگلستان ساخت نخستین باغشهر به نام لیچورث برای سکونت ۳۵,۰۰۰ نفر، با یک کمربند اراضی کشاورزی به مساحت ۳,۰۰۰ آکر (acres) آغاز شد. در این شهر زمین برای همه مقاصد توسعه برای یک دوره ۹۹ ساله

فراهم نمایند.

طرح باغشهر به صورت یک دایره که ۶ خیابان اصلی شعاعی آن را به ۶ بخش تقسیم می‌کرد، در نظر گرفته شده بود. در مرکز دایره فضای مدور یک باغ عمومی قرار داشت که با ساختمانهای عمومی احاطه شده بود. پس از محلات مسکونی، حلقه‌ای کم‌عرض از زمینها برای تأسیسات صنعتی در نظر گرفته شده بود و همچنین کل شهر نیز در مزارع کشاورزی و باغهای میوه محصور بود. هوارد معتقد بود، باغشهر تنها راه حل برای رهایی از تمرکز و ازدحام شهرهای بزرگ است که با کنترل رشد آن، اقماری کردن، توزیع مجدد و یکپارچگی سکونتگاهها در داخل یک واحد بزرگ فضایی و عملکردی عملی می‌شود. او زوال شهرهای بزرگ را پیش‌بینی می‌کرد و از این رو آنها را منفور و مردود می‌دانست. ابداع‌کننده باغشهر معتقد بود، فقط کافی است یک



- عدم غلبه نسبت سطح اشغال توده ساختمانی بر فضاهای باز و سبز؛
 - احاطه شهر با کمربند سبز و اختصاص حداقل یک سوم بافت شهری به فضاهای سبز عمومی و خصوصی؛
 - توجه لازم به فضاهای سبز داخل محوطه‌ها در طراحی ساختمانها؛
 - مصون بودن از انواع آلودگیهای صنعتی؛
 - سازگاری ویژگیهای فرم شهر و نقش اقتصادی آن با ویژگیهای طبیعی؛
 - وفور دسترسی به تفرجگاههای طبیعی شهر برای گذران اوقات فراغت ساکنان؛ و
 - پایداری توسعه شهر و محفوظ بودن چشم‌اندازهای طبیعی، اراضی کشاورزی، باغها و منابع طبیعی.
- بدین ترتیب، مفهوم باغشهر مترادف است با سازگاری، تعادل و همزیستی محیط انسان‌ساخت و محیط طبیعی که هدف آن فراهم ساختن سکونتگاههای سالم‌تر برای زیستن است. گاهی از باغشهر به‌عنوان یک آرمانشهر یاد می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- اوستروفسکی، واتسلاف. *شهرسازی معاصر: از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- Beevers, R. *The Garden City Utopia: A Critical Biography of Ebenezer Howard*. London: MacMillan, 1988.
- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press, 2005.
- Gallion, Arthur B. & Elsner, S. *The Urban Pattern*. D. Van Nostrand Company, INC, 1963.
- Reiner, Thomas A. *The Place of the Ideal Community in Urban Planning*. 2nd ed. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1963.
- Ward, Stephen (ed). *The Garden City: Past, Present and Future*. London's & Fn Spon. 1992.

اسماعیل صالحی

اجاره داده می‌شد. در ۱۹۱۴م نیز ساخت دومین باغشهر به نام ولوین که به لندن بسیار نزدیک‌تر بود، آغاز شد. روند توسعه این ۲ شهر برخلاف تصور به‌کندی پیش رفت. طرح ایده باغشهر در سیر تحول تاریخ شهرسازی، نقطه بسیار مهم و تأثیرگذار محسوب می‌شود. برخی از صاحب‌نظران از این ایده حمایت کرده‌اند. لوئیس مامفورد آن را یکی از ابداعات مهم سده ۲۰م می‌داند. او که از صاحب‌نظران بنام مطالعات شهری است، در این‌باره می‌نویسد، در آغاز سده ۲۰م، ۲ ابداع مهم به وقوع پیوست: هواپیما و باغشهر. این هر دو طلایه‌دار عصری جدیدند. اولی، بشر را قادر به پرواز بر فراز زمین ساخت و دومی، مکان زیست نیکوتری را روی زمین به او وعده داد. همچنین پودم کتاب کوچک باغشهر تألیف هوارد را یکی از مهم‌ترین کتابهای سده ۲۰م معرفی می‌کند. در مقابل، افراد بسیاری نظیر لوکوربوزیه، زیگفريد گیديون، ادوارد کاتر و جین جیکوبز، با نظریه باغشهر به مخالفت برخاسته‌اند. برای مثال، لوکوربوزیه معتقد است، گسترش و رشد شهرها بر مبنای الگوی باغشهر، موجب اتلاف وقت ساکنان و همچنین هدر رفتن زمینها می‌شود. او عقیده داشت، این‌گونه شهرها نوعی روحیه ضداجتماعی برای ساکنان خود ایجاد می‌کنند.

امروزه از اصطلاح باغشهر فراتر از ایده هوارد استفاده می‌شود. برای مثال، این اصطلاح در تبلیغ شهر منچستر برای میزبانی المپیک ۱۹۹۶م استفاده شد. در حال حاضر در ایالات متحد آمریکا چندین شهر باغشهر نامیده می‌شوند. اندازه این باغشهرها در ۱۹۹۰م از ۹۳ نفر در داکوتای جنوبی تا بیش از ۲۰ هزار نفر در کانزاس میامی و نیویورک متفاوت بوده‌اند.

به‌طور کلی، با توجه به بار محیط زیستی مستتر در مفهوم و اصطلاح باغشهر، این مفهوم یا صفت را می‌توان درباره شهرهایی که ویژگیهای زیر را دارند، به کار برد:

- اندازه جمعیتی کوچک؛
- تراکم ساختمانی پائین؛
- عملکرد کلیه خیابانها و شبکه‌های دسترسی، مانند نواری

سبز؛

بافت روستایی

Rural Texture

نحوه قرارگیری عناصر و اجزاء اصلی یک روستا، مانند مجموعه ساختمانها، باغها و مزارع، پل و جاده و راه، فضاهای باز، مانند خرمنگاه و گورستان و بنای زیارتگاه و عناصر اصلی محیط، مانند رودخانه و چشمه، در مجموع، بافت روستا را شکل می‌دهد. قرارگیری عوامل فوق در کنار یکدیگر تابع قواعد و اصولی است که در هر منطقه و در هر مصداق، نیازمند مطالعه و شرح و بحث است. آنچه مسلم است اینکه رابطه این اجزاء با یکدیگر از نوع تصادفی و اتفاقی نیست، بلکه حکمتی در پس آن نهفته است که ممکن است به راحتی به نظر نرسد و حتی با پرس‌وجو در محل و از اهالی هم نتوان آن را به‌سادگی بازخوانی کرد.

معمول است که علاوه بر بافت روستا، از بافت پُر روستا نیز در فضاهای علمی و کارشناسی سخن گویند. منظور از بافت پُر صرفاً مجموعه مصنوع شامل خانه‌ها و کوچه‌ها و گذرها و ابنیه عمومی است که در کنار یکدیگر قرار دارند. حتی در روستاهای پراکنده نیز محدوده‌ای را که ساختمانهای مسکونی در آن قرار دارند، می‌توان بافت پُر تلقی کرد.

در روستاهای ایران شاهد تنوع بسیار زیادی در ساختار و سیمای روستاها هستیم. شناسایی این عوامل و نحوه تأثیر هر کدام بخشی از مطالعات مهم معماری روستایی است.

پیدایش روستا

غالباً روستاها از نظر منابع آب و خاک دارای محدودیت هستند. بنابراین، به لحاظ میزان تولید و به تبع آن جمعیتی که می‌تواند از آن ارتزاق کند نیز محدودیت دارند. سرریز جمعیت به ناچار به مناطق جدید کوچ کرده و پایه روستای جدید را می‌گذارند و بدین ترتیب، هسته اولیه کالبدی روستا شکل می‌گیرد و به مرور زمان و متناسب با افزایش جمعیت و ظرفیتهای محیط، توسعه می‌یابد، تا به مرز طبیعی خود برسد. هسته اولیه روستا ممکن است به صورت یک

بافت روستایی

قلعه اربابی باشد. در جاهایی که آب به صورت قنات تهیه می‌شود، گاه یک زمیندار متمول بانی احداث قنات و بیرون کشیدن آب و سپس، ایجاد هسته اولیه روستا به صورت قلعه شود و پس از آن جماعتی را از دهات دیگر به آن کوچ دهد. روستای محمودآباد در جاده تهران- ساوه از این نمونه است. در حاشیه کویر، در مسیر جاده تهران به مشهد، در استان سمنان، روستاهای متعددی به صورت قلعه و با نام اشخاص وجود دارد که مصادیق همین نوع روستاها بشمار می‌روند.

نظام شکل‌گیری بافت روستا

نحوه قرارگیری عناصر اصلی بافت روستا نسبت به یکدیگر تابع ضوابطی است. جدای از جنس و کاربری زمین، توجه به سلسله مراتب دسترسی یا مصرف آب، نقش تعیین‌کننده‌ای در بافت روستا دارد. آب آشامیدنی معمولاً از سرچشمه، خواه چاه باشد یا قنات و یا چشمه طبیعی تهیه می‌شود و غالباً آب در جریان عبور از روستا برای مصارف شستشو مورد استفاده قرار می‌گیرد و نهایتاً پسمانده آن راهی باغات و مزارع می‌شود.

از طرفی، موقعیت باغها نسبت به بافت پُر روستا با عنایت به شرایط اقلیمی منطقه، می‌تواند تغییر یابد. در مناطقی که بادهای مزاحم احياناً با گرد و خاک و یا گاه اصطلاحاً شن (ریگ) همراه است، باغها به نحوی احداث می‌شوند که مانع نفوذ مستقیم این جریان مزاحم هوا به درون خانه‌ها شوند. البته تمهیدات دیگری نیز علاوه بر آن به این منظور اندیشیده می‌شود.

از دیگر موارد، عناصری مانند جاده و پل است. دسترسی سهل به جاده و نقطه اتصال آن به روستا که غالباً به صورت میدانگاهی با عملکردهای متعدد شکل می‌گیرد، در زمره عوامل مهم قابل ذکر است. حرکت جاده و شکل آن، تابع شیب و شکل زمین است و طبعاً، محدودیتهایی دارد که بافت کلی می‌باید از آن تبعیت کند. همچنین محل احداث پل روی رودخانه که سعی می‌شود در جایی که عرض رودخانه کم‌ترین است و درعین حال مقاومت زمین برای احداث پل مطلوب و حاشیه دو سوی رودخانه نیز در

جمله مصادیق این امر، روستای احمدآباد ساوه و چندین روستای دیگر در مسیر ساوه-قم، از طریق جاده باقرآباد است.

در مناطق دیگر، تقسیم محلات براساس مذهب و اعتقاد دینی است. در پاره‌ای روستاها نیز ۲ گروه مسلمان و زرتشتی در یک روستا زندگی می‌کنند و محدوده محلات آنها از یکدیگر جداست. شبیه همین تقسیم را می‌توان در بعضی روستاهای الویر (ساوه) مشاهده کرد که جمعی از ارامنه کشاورز در کنار مسلمانان، در ۲ محله جدای از هم زندگی می‌کنند. در جنوب استان زنجان و شهرستان خدابنده، جماعتی از پیروان فرقه علی‌الهی، گاه به‌صورت روستای متشکل و بعضاً در ۲ محله جدا در یک روستا زندگی می‌کنند.

اجزاء بافت

بیشترین بخش بافت یک روستا را خانه‌های مسکونی تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن، بناهای عمومی، مانند مسجد، مدرسه، حمام، حسینیه، خانه بهداشت، دفتر مخابراتی، مغازه‌ها و امثال آنها نیز هستند که کاربردی جمعی دارند. کوچه‌ها و معابر وظیفه دسترسی مردم و ساکنان را به این سولوها برعهده دارند و گاه به‌صورت سرپوشیده، شکل سابط می‌گیرند و یا در مواردی، در محل تقاطع ۲ معبرگذری پیدا می‌شود و یا حسینیه و تکیه دیده می‌شود. در روستاهای استان یزد، از جمله شهرستان اردکان و میبد، این موارد زیاد وجود دارند. در روستای باغ شیخ ساوه، حسینیه قسمتی از معبر عمومی است و تنها در ایام محرم تغییر کاربری می‌دهد و در اصل، نقش و عملکرد اصلی خود را عهده‌دار است.

سیمای بافت

سیمای بافت در روستاها بسیار متنوع است. گاه خانه‌ها با فاصله و پراکنده، بی‌آنکه حتی محدوده کوچه و معبر قابل تشخیص باشد، شکل می‌گیرند و گاه خانه‌ها و دیگر فضاهای روستا بهم پییده و بر سر هم سوار می‌شوند و به‌صورت فشردگی در درون قلعه‌ای پنهان می‌شوند. در مناطق

معرض آب بردگی نباشد، ایجاد شود و نقطه دسترسی به روستا را تعیین می‌کند. به‌طور خلاصه، مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده یک روستا، طبق قواعد و حکمت‌هایی در کنار یکدیگر مستقر می‌شوند. در طرح روستاهای جدید عنایت به این حکمتها ضروری است.

تقسیمات بافت

بافت پُر روستا در بسیاری از موارد دارای تقسیمات محله‌ای است. محلات بیشتر از آنکه وجه کالبدی داشته باشند، جنبه اجتماعی دارند. به‌طوری‌که در نگاه تماشگری که از بیرون آمده است، تشخیص این محدوده‌ها و تفکیک آنها مشکل می‌نماید، چرا که از نظر شکل و قواره ساختمانها مجموعه روستا احتمالاً چهره‌ای یکنواخت دارد. مبنای تقسیم محلات که علی‌القاعده با منطق سهولت اداره امور اجرایی و مدیریتی شکل گرفته‌اند، می‌تواند متعدد باشد. ویژگیهای فامیلی- قومی می‌تواند یکی از این عوامل باشد. در روستای رفیع، از توابع شهرستان هویزه در خوزستان، بلوکهای ساختمانی کاملاً با ساختار فامیلی انطباق دارد. حتی توسعه جدید در بلوک نیز در امتداد بلوک قبل انجام گرفته و از توسعه ژلاتینی خودداری کرده‌اند.

در بعضی روستاهای طالقان، محله سادات از محله غیر سادات مجزاست. حتی در مواردی، کل اهالی روستا، به‌عنوان مثال در روستای درکه در شمال شهر تهران، در اصل مسکن سادات بود و کل جمعیت اصیل ده، سید بودند.

تقسیمات محلات بالا و پائین نیز در روستاها رایج است. یکی از شایع‌ترین تفکیک محلات در مواردی است که در سالهای دور، از جمله دوره پهلوی اول و گاه از دوره زندیه، عشایر کوچرو به اجبار در مناطقی در حاشیه روستاهای با سابقه، کشاورز و یکجانشین، تخته قاپو شده‌اند. بافت جدیدالاحداث عشایر کوچرو به وضوح با بافت روستای اصلی تفاوت دارد و قابل تشخیص است. از جمله ویژگیهای بافت عشایری جدید، ابتدایی بودن اجزاء و انتظام فضایی آن است و نوعی تداوم زندگی چادرنشینی در مجموعه ساختمانهای گلی و سنگی قابل رؤیت است. از

سمت برنامه‌های مرتبط با مسائل ساختاری، مانند حکمروایی (← حکمروایی)، تحول یافته است. نخستین فعالیت‌های بانک جهانی، چنان‌که در اسناد کاری بخش مسائل شهری بانک جهانی ۱۹۷۲م آمده است، بر تزیق مالی برای سیاست‌های معطوف به تسهیل، خودیاری و الگوهای سیاست خودبسندگی متمرکز بوده است. این بانک که کار خود را با ۲ طرح در سال شروع کرده بود، فعالیتش را متوجه امور مسکن (زمین، خدمات و اصلاح وضع زاغه‌نشین)، حمل‌ونقل شهری، توسعه یکپارچه شهری و توسعه منطقه‌ای کرده است. بین سالهای ۱۹۷۲-۱۹۸۱م، بانک جهانی پشتیبانی از ۶۲ طرح اجرایی را در ۳۶ کشور و با هزینه ۲ میلیارد دلار برعهده گرفت.

البته، بسیاری از این طرح‌های «نمایشی» به‌درستی با نیازها و تقاضاهای موجود همگام نبود و نخبگان شهری آنها را چیزی بیش از ویتروینه‌های نمایشی به‌حساب نمی‌آوردند. بانک جهانی در بازبینی سیاست ۱۰ ساله خود، به شیوه‌ای که در سند یادگیری از طریق عمل آورده است، نگرانی خود را از فرایندهای سیاسی و اقتصادی گسترده‌تر که آنها را مانعی در راه تحول خود می‌دید، اعلام داشت. فعالیت‌های شهری به‌گونه‌ای فزاینده به بازتابی از برنامه اصلاحات بانک و پیشبرد سیاست‌های نئولیبرالی تبدیل شد. در دهه ۱۹۸۰م، چرخشی از طرح‌های منفرد به‌سوی اصلاحات چندبخشی پدیدار شد. در دهه ۱۹۹۰م، برنامه جدید مدیریت شهری (NUMP)، برنامه‌ای مبتنی بر همکاری با برنامه توسعه سازمان ملل و مرکز ملل برای سکونتگاه‌های انسانی، پیش از پروژه‌های تحت هدایت دولت‌ها و متکی به وام‌های بانک به سمت رویکرد بازاری سوق پیدا کرد. هدف اصلی این برنامه تحقق وجه مولد بودن شهر و تبدیل آن به موتور رشد اقتصادی بود.

در دهه ۱۹۹۰م، دلمشغولی‌های تازه‌ای (مثل محیط زیست) ظاهر شد. در سند سیاست شهری و توسعه اقتصادی: دستور کار دهه ۱۹۹۰م (که در ۱۹۹۱م منتشر شد)، بانک بر افزایش ظرفیت شهر در تولید اقتصادی، افزایش، ظرفیت فقرای شهری (از طریق افزایش دسترسی به کالا و خدمات)، محیط زیست شهری، و کسب درک

کوهپایه‌ای، بافت روستا غالباً پلکانی است و بام هر خانه، حیاط خانه بالا دست است.

در مناطق شمالی با توجه به رطوبت بالای هوا و ضرورت تأمین کوران هوا، خانه‌ها پراکنده و بافت مجموعه‌ای از دانه‌های متفرق است. خانه‌ها چوبی و سقفها شبیدارند و در بستر سبز طبیعت آرمیده‌اند. در مناطق سردسیر نیز بافت خانه‌ها متراکم و به هم پیچیده است و سقفها مسطح و تیرپوشند. در مناطق بیابانی و گرم و خشک باز هم بافت متراکم و در هم و پوششهای کاهگلی گنبدی و استوانی است و از پوشش سبز کمتر خبری هست.

در منطقه گرم و مرطوب حاشیه خلیج فارس، روستاها مجموعه‌ای از خانه‌های با رنگ سفید و روشن و یا گل اندود و پراکنده و جدای از هم تشکیل می‌شوند. در این منطقه نیز کوران هوا جهت تأمین آرامش ساکنان خانه‌ها، فاصله و پراکندگی را تحمیل کرده است.

کتاب‌شناسی:

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. شرح خدمات طرح ساماندهی فضایی-کالبدی سکونتگاههای روستایی. تهران: دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۴.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. گزارش تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی. تهران: مدیریت برنامه‌ریزی طرحهای هادی، ۱۳۶۹.
- سرتیپی پور، محسن و همکاران. ارزیابی تهیه طرحهای هادی روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- زرگر، اکبر. شناخت معماری روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

اکبر زرگر

بانک جهانی

World Bank

بانک جهانی طی بیش از ۳ دهه گذشته به‌طور مستقیم با مسائل شهری مرتبط بوده است. طی این مدت، فعالیت‌های شهری از تمرکز بر موضوعات خاص، مانند خانه‌سازی، به

هم *تداوم* دیده می‌شود و هم گسست. اولویتهای بانک هیچ‌گاه از بازار فاصله نگرفته است، گوا اینکه صرفاً متوجه سیاست اقتصادی نیز نبوده است. امروزه توجه بانک بیشتر بر چگونگی موازنه وجوه مادی و محسوس طرحها با وجوه سیاسی و اقتصادی توسعه شهری، به منظور پایدار کردن آنها برای جمعیت شهری متکی است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

داناوان استوری

(کمال پولادی)

بحران

Crisis

بحران یک حادثه طبیعی و یا ساخته دست بشر است که به طور طبیعی منجر به مرگ، جراحت و ویرانی می‌شود، به نحوی که نمی‌توان آن را از طریق اقدامات معمول، منابع و تجهیزات محلی مهار کرد. این گونه رخداد احتیاج به پاسخ فوری، هماهنگ و مؤثر برای برآوردن نیازهای دارویی، تجهیزاتی و روانی افراد آسیب‌دیده که به وسیله بخش دولتی و یا خصوصی اعمال می‌شود، دارد. به سخن دیگر، بحران به موقعیتی اطلاق می‌شود که بیانگر درجه‌ای از تهدید نسبت به جان مردم، سلامتی آنها و امکانات زندگی ایشان است. بیشتر بحرانها به صورت خاموش و خفته و در عین حال بالقوه برای آفرینش آسیب هستند و هنگامی که یک بحران خفته به صورت فعال در می‌آید، پاسخی سریع را طلب می‌کند. بحرانها ممکن است *آهسته‌آهسته* و یا *سریع‌آهسته* باشند.

بحرانهای *آهسته‌آهسته* اثر بحرانهایی هستند که در طول یک دوره زمانی نسبتاً طولانی اتفاق می‌افتند و پاسخ طولانی و فرسایشی را نیز طلب می‌کنند. نمونه بارز چنین بحرانهایی،

بهتری از شهر با تحقیقات بیشتر تمرکز پیدا کرد. این برنامه که بر ارتقاء قابلیت مدیران شهری برای مسئولیت‌پذیری بیشتر متکی بود، مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا پیش از آنکه معطوف به کمک مستقیم به فقرای شهری باشد، بر سیاستها تأکید داشت. بار مسئولیت از دولتها به سمت جامعه مدنی و بخش خصوصی سوق داده شد (← جامعه مدنی).

نویدبخش خواندن جایگاه شهرها در موازنه با شکستهایشان، یکی از درونمایه‌های تفکر اوایل سده ۲۱م بوده است. گزارش شهرها *در گذر تحول* (۲۰۰۰م)، شهرها را به عنوان جبهه مقدم توسعه می‌خواند: شهرها همزمان مراکز فقر عظیم، مولد بودن و جهانی شدن هستند. این گزارش می‌گوید که شهرها باید قابل زیست، رقابت‌جو، دارای حکومت و مدیریت خوب و به لحاظ مالی، نیرومند، اما در عین حال، نسبت به پایداری، فرهنگ، حفاظت در برابر بلایا و عدالت نیز حساس باشند. در این سند، دولت و بازار هیچ‌کدام به تنهایی به عنوان عامل دگرگونی شهرها بشمار نیامده‌اند. این سند از جامعه مدنی انتظار ایفای نقش بزرگ‌تر و فعال‌تری را در امور شهری دارد.

این روند در فصل مربوط به گزارش بانک جهانی در مورد شهرها یعنی دستیابی به بهترین فرم شهر که در گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۲م آمده است و چراغهای شهر را هم به مثابه *فانوس راهنما* و هم *لهیب هوشدار* مشاهده می‌کند، مشهود است. برای اینکه شهرها پایدار و مثبت باشند، نیاز به نهادهای مناسب دارند: دسترسی هرچه بیشتر شهروندان به اندیشه‌ها، دانش و فناوری، ایجاد اشتغال (افزایش ظرفیت مولد بودن) و حفظ محیط زیست، در مقابل فشارهای مداوم جمعیتی. ایجاد شهرهای کارآمد از طریق ساختن نهادهای مشارکتی که قدرت نخبگان شهری و هوشیاری مربوط به خطر منافع متباین و ناآرامیهای شهری را تعدیل و کنترل کند، بیشتر با وجوه سیاسی در ارتباط است.

بودجه شهری بانک، هیچ‌گاه خیلی وسیع نبوده و به طور معمول، ۲-۸٪ کل وامهای بانک را دربر می‌گرفته است، با این حال، این کمکها از جهت سمت‌دهی به برنامه‌ها حائز اهمیت بوده‌اند. از ۱۹۷۲م به این سو، در اولویتهای بانک

به‌طور کلی، بحرانها را از نظر منشأ نیز به ۵ دسته کلی طبقه‌بندی می‌کنند: بحرانهای زمین‌شناختی؛ بحرانهای آب‌وهوایی؛ بحرانهای زیست محیطی؛ اپیدمیها؛ و سرانجام، بحرانهای مرتبط با فعالیتهای انسان.

• **بحرانهای زمین‌شناختی.** این بحرانها شامل زمین‌لرزه، تسونامی، فوران آتشفشانی و رانش زمین است.

• **بحرانهای آب و هوایی.** این بحرانها دربرگیرنده مواردی مانند طوفانها، سیلها، امواج سرد و گرم، خشکسالی و قحطیها، تگرگها، کولاکها، طوفانهای موسمی، گردبادها و بادهای شدید در مناطق غیراستوایی است.

• **بحرانهای زیست‌محیطی.** در تمام این بحرانها به‌گونه‌ای نقش انسان دیده می‌شود. این بحرانها همه در اثر اقداماتی که به اسم توسعه و زندگی بهتر برای انسانها انجام می‌شود، صورت می‌گیرند. در مواردی، عواقب و ضررهای درازمدت آنها، هرگونه سود و منفعتی که ممکن است وجود داشته باشد را از بین می‌برد. آلودگی محیط زیست که شامل آلودگی آبها، آلودگی هوا، کاهش ضخامت لایه اوزون و گرم شدن زمین می‌شود. جنگل‌زدایی یک بحران آهسته‌آهسته است که ظهور آن با جاری شدن سیلها، رانشهای زمین، خشکسالیها و بیابان‌زاییها مرتبط است. تمام این عوامل باعث نابودی جنگلها و زمینهای حاصلخیز می‌شوند. گسترش بیابانها که شامل روند روزمره تخریب زمینهای حاصلخیز به زمینهای بایر یا نیمه بایر است و عمدتاً در اثر عدم استفاده صحیح انسانها از زمین صورت می‌گیرد، از این‌گونه بحرانها بشمار می‌رود.

• **همه‌گیریها.** همه‌گیری ظهور غیرمنتظره و ناگهانی یک بیماری با شیوع بالای خارج از انتظار است. اپیدمیها به‌طور معمول بیماریهای شناخته شده و یا نوبروزی هستند که به‌علت عوامل عفونی و خارجی شروع می‌شوند، ولی گاهی وقوع سایر بحرانها باعث شیوع همه‌گیریها می‌شوند، مثلاً ویران شدن منابع آب آشامیدنی سالم بر اثر سیل می‌تواند سبب همه‌گیر شدن برخی از بیماریها شود؛ به همین صورت، حوادث شیمیایی، جنگها و بی‌خانمانی آوارگان و زلزله با نامناسب‌سازی شرایط بهداشتی و سلامتی، زمینه مساعد برای بروز همه‌گیریها را فراهم می‌سازند.

خشکسالی، قحطی و جنگ است. با اینکه برنامه‌ریزی برای پاسخگویی به چنین بحرانهایی ساده‌تر از بحرانهای سریع‌آثر به نظر می‌رسد، اما حقیقت این است که ذات فرسایشی این بحرانها و همچنین انواع آنها باعث می‌شود تا پاسخ به این بحرانها بسیار پیچیده باشد. از طرف دیگر، بحرانهای آهسته‌آهسته اثر خاصیتی قابل استفاده نیز دارند، خاصیتی که تحت عنوان *هشدار زودرس* شناخته می‌شود. در مقابل، بحرانهای سریع‌آثر قرار دارند، بحرانهایی از قبیل زلزله و سیل که در لحظاتی کوتاه، خسارات و خرابیهای بسیاری را به‌جا می‌گذارند. این بحرانها قابل پیش‌بینی نیستند، اما خسارات، عواقب و شدت تأثیرات آنها قابل پیش‌بینی است. بنابراین، برخلاف آنچه که به نظر می‌رسد، برنامه‌ریزی برای مقابله با آنها کاملاً امکان‌پذیر است.

انواع بحران

• **بحرانهای خفته.** بحران خفته به شرایطی بالقوه برای خطرآفرینی اطلاق می‌شود، ولی هیچ‌یک از افراد جامعه، مایملک آنها و یا محیط زیست تحت تأثیر این خطر قرار نمی‌گیرد. برای مثال، دامنه ناپایدار یک کوه می‌تواند آماده رانش زمین باشد، ولی چیزی روی دامنه و یا پائین تپه وجود ندارد که امکان آسیب مطرح گردد.

• **بحرانهای بالقوه.** این نوع از بحران، هر لحظه ممکن است باعث خطرآفرینی شود و در موقعیتی است که می‌تواند برای جامعه باعث مشکل شود. این بحرانها باید در روند سنجش و ارزیابی خطر مورد بررسی قرار گیرند.

• **بحرانهای فعال.** بحران بالفعل به‌طور مسلم به جان انسان، اموال و یا محیط زندگی آسیب می‌رساند. برای جلوگیری از بروز آن، هیچ مداخله‌ای مؤثر نیست و مداخلات صورت گرفته تنها ممکن است تأثیرات و عواقب این بحرانها را کاهش دهد.

• **بحرانهای تضعیف شده.** بحران تضعیف شده، بحران بالقوه‌ای است که قبلاً شناسایی شده و اقداماتی در راستای خطرزدایی آن انجام شده است. البته این بدان معنی نیست که بحران رخ نمی‌دهد، بلکه آسیب ناشی از آن تا حد زیادی کاسته شده است.

اروپای غربی منتشر شد و ۱۳۵,۰۰۰ نفر که در فاصله ۳۱ کیلومتری از محل حادثه زندگی می‌کردند، بی‌خانمان گردیدند.

کتاب‌شناسی:

- Auf Der Heide. *Disaster Response: Principles of Preparation and Coordination*. St. Louis: Mosbe, 1989.
- Brower, David J. and Charles C. Bohl. *Principles and Practice of Hazards Mitigation*. Emmitsburg, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, April 2000. At: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/HMPPrinciple.asp>
- Burby, Raymond. *Cooperating with Nature: Confronting Natural Hazards with Land-Use Planning for Sustainable Communities*. Washington D.C: Joseph Henry Press, 1998.
- Canton, Lucien G. *Emergency Management: Concepts and Strategies for Effective Programs*. Hoboken NJ: Wiley Inter-Science, 2007.
- Cutter, Susan L. (ed). *American Hazardscapes: The Regionalization of Hazards & Disasters*. Washington D.C: Joseph Henry Press, 2001.
- Drabek, Thomas E. and Gerard J. Hoetmer (eds). *Emergency Management: Principles and Practice for Local Government*. Washington D.C: International City Managers Association, 1991.
- Drabek, Thomas E. *Strategies for Coordinating Disaster Responses*. Boulder, CO.: Program on Environment and Behavior, Monograph 61, University of Colorado.
- Godschalk, David R., with the Assistance of David Salvesen. *Breaking the Disaster Life Cycle: Future Directions in Natural Hazard Mitigation*. FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, March 2004 Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/breakingcycle.asp>.
- Godschalk, David R.; Beatley; Timothy, Berke; Philip David Brower, and Kaiser, Edward. *Natural Hazard Mitigation: Recasting Disaster Policy & Planning*. Island Press, 1999.
- Waugh, William L. *Living With Hazards/Dealing With Disasters- An Introduction To Emergency Management*. Armonk, New York: M.E. Sharpe, Inc., 2000.

علیرضا شکبیا

• **بحرانهای ساخته دست انسان.** این بحرانها به ۴ دسته تقسیم می‌شوند: آتش‌سوزیهای شهری؛ جنگها؛ تصادفات و سوانح؛ و سرانجام، حوادث صنعتی.

۱. تصادفات و سوانح. شامل سوانح هوایی (مثل سقوط هواپیما و بالگرد و آتش گرفتن آنها روی باند فرودگاه)، سوانح ریلی (مثل آتش‌سوزی، خروج قطار از ریل و تصادفات حاصل از آن) و حوادث جاده‌ای (تصادفات، خروج از جاده و آتش‌سوزی خودروها) است.

۲. حوادث صنعتی. این نوع از بحران که تهدیدی برای جان انسانها و امکانات زندگی ایشان محسوب می‌شود، ناشی از تولید انبوه وسایل و خدمات است. این نوع بحران گاهی با عواملی که عمدی ایجاد شده‌اند، پدید می‌آیند. مانند رها نمودن غیرقانونی مواد نفتی یا زباله‌های صنعتی در محیط و یا بروز آن به‌صورت تصادفی، مانند نشست مواد نفتی یا وارد شدن مواد سمی به محیط. همانند بحرانهای طبیعی، بحرانهای صنعتی نیز جان مردم را به خطر می‌اندازند و بر شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه و وضعیت سلامت آن مؤثر واقع می‌شوند. در ۱۹۸۴م نمونه‌ای از این نوع بحران در بوپال هند رخ داد که در آن ۱۴,۴۰۰ نفر کشته و ۵,۰۰۰ نفر دیگر نیز دچار ناتوانی دائمی گردیدند؛ این حادثه در اثر نشست گاز از یک تانکر متیل ایزوکیانات رخ داد.

۳. حوادث هسته‌ای. با توجه به نگرانی روبه افزایش در مورد کاهش منابع سوخت فسیلی و محدودیتهای استفاده از آنها، نظر همگان به سوخته‌های هسته‌ای به‌عنوان منبع جدیدی برای انرژی جلب شده است، ولی باید توجه کرد که خطرات بسیاری در رابطه با آزاد شدن تشعشعات هسته‌ای پر خطر از مواد مذاب هسته‌ای و زباله‌های اتمی وجود دارد. بین سالهای ۱۹۴۰ تا ۲۰۰۰م، حداقل ۱۲۰ حادثه چشمگیر هسته‌ای رخ داده است. این حوادث پیامدهای گسترده‌ای را به همراه دارند؛ از یک حادثه کوچک انفجار تانکر اورانیوم هگزا کلراید در ایالت تنسی آمریکا که در آن ۲ نفر کشته و ۳ نفر زخمی شدند، تا حادثه عظیم چرنوبیل در اکرین در ۱۹۸۶م که در آن ۳۱ نفر بلافاصله کشته شدند و مواد رادیواکتیو آزاد شده به قسمتهایی از روسیه، اوکراین، اروپای شرقی و سپس

بوده‌اند. با این وجود، کارشناسان و تحلیل‌گران مسائل شهری تنها از نیمه دوم سده ۲۰م، شهرها را در معرض فرسودگی و افول و باز، تنها از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م، آنها را در معرض بحران معرفی کرده‌اند. حتی در این هنگام، این ادعاها تقریباً همگی، متوجه شهرهای ایالات متحد بود و معضلات شهرها در جاهای دیگر، غیرمهم، موقتی و قابل حل تلقی می‌شد.

مسائل شهری در ایالات متحد برای نخستین بار در شهرهای صنعتی اواخر سده ۱۹م پدیدار شد. شهرهای صنعتی در این دوره، طبقه متوسطی را در خود جای می‌داد که زمینه‌ساز خیزش اصلاح‌طلبان اجتماعی شد. این مردان و زنان، با مستندسازی نارسائیهای اجتماعی و انحطاط کالبدی شهرها، با هدف ارتقاء شرایط زیستی شهرنشینان، وارد صحنه عمل شدند. ایشان اعتقاد داشتند، نارسائیهای شهری

بحران شهری

Urban Crisis

بحران شهری زمانی بروز می‌یابد که مسائل و معضلات شهری لاینحل جلوه کنند و سرنوشت آتی شهر با وضعیتی حاد روبرو گردد. در این مواقع، حکومتها مستأصل جلوه می‌کنند و نوعی احساس خطر شهر را فرا می‌گیرد. با این وجود، بحران همیشه امری مرتبط با چشم‌انداز آتی و نوعی بیان وضعیت مسئله بشمار می‌آید. البته، آشکار است که شهرها هرگز بدون مسئله نبوده و نیستند. اصطلاح بحران شهری سرشت و کیفیتی همچون انحطاط شهری دارد. شهرها از آغاز تاریخ شکل‌گیری خود با معضلاتی، همچون تراکم، حاشیه‌نشینی، ناآرامی اجتماعی، سوء مدیریت در شهرگردانی و بیماریهای فراگیر دست به گریبان



بخش

Sector

بخش در اقتصاد به معنای مجموعه‌ای از فعالیتهای اقتصادی در مقیاس کلان است که به‌جهاتی، مثلاً از حیث ماهیت و محتوای فعالیت (تولیدی و خدماتی) یا از حیث مالکیت یا مدیریت ابزار تولید (یا هر دو) و بالاخره از حیث رسمیت با یکدیگر همسانی و هم‌خوانی دارند. هر بخش از چند مجموعه فعالیت هم‌جهت و نزدیک به هم تشکیل می‌شود که به هریک از آنها زیربخش می‌گویند. در هر زیربخش نیز به‌نوبه خود می‌توان شماری زیربخش که همسانی به مراتب بیشتری دارند، تشخیص داد. در آخرین مرحله، واحدهای مجزا قرار دارند که در مقیاس خرد اقتصادی مطرح هستند.

بخش‌بندیهای اساسی اقتصادی

- **بخش‌بندی برحسب فعالیتها**، شامل بخش کشاورزی مرکب از زراعت، باغداری، شکار، جنگلداری، دامداری، ماهیگیری؛
- **بخش معدن**، مرکب از معادن فلزی، کانیهای غیرفلزی (سنگ، آهک و...)، نفت، گاز، سنگهای قیمتی و...؛
- **بخش صنعت**، مرکب از زیربخشهای صنایع مواد غذایی و آشامیدنی، تولید محصولات از توتون و تنباکو، منسوجات، پوشاک و عمل‌آوری و رنگ کردن پوست، دباغی و چرم، کیف و کفش، چوب و محصولات چوبی (غیر از مبلمان)، کاغذ و فرآورده‌های کاغذی، انتشار و چاپ و تکثیر، تولید زغال، کک، پالایشگاهها و سوختهای هسته‌ای، مواد و محصولات شیمیایی، محصولات لاستیکی و پلاستیکی، محصولات کانی غیرفلزی، تولید فلزات اساسی، محصولات فلزی، به‌جز ماشین‌آلات، ماشین‌آلات و تجهیزات، ماشین‌آلات اداری، ماشین‌آلات و دستگاههای برقی، رادیو و تلویزیون و وسایل ارتباطی، ابزار پزشکی و ابزار دقیق، وسایل نقلیه موتوری، وسایل نقلیه عادی، مبلمان، بازیافت.
- **بخش آب و برق و گاز**؛
- **بخش ساختمان**، مرکب از زیربخشهای زیرساخت، بناهای مسکونی، سایر بناها؛

و بیماریهای مبتلا به شهرها، تنها از طریق کوششهای نوع‌دوستانه و مقررات حکومتی قابل درمان است.

شهرهای صنعتی در سایر کشورها، برخلاف شهرهای ایالات متحد، درگیر شورشهای نژادی و معضلات مالی نبودند، هرچند بسیاری از آنها- به‌ویژه در بریتانیا- با ورشکستگی و فروپاشی واحدهای کارخانه‌ای روبرو بودند. جنبش ضد شهرنشینی، به‌ویژه در ایالات متحد، به‌صورت یک عینیت اجتماعی درآمد و حومه‌گرایی به‌عنوان بدیلی ممکن، مطرح گردید. در همین هنگام بود که مفهوم *بحران شهری* به‌صورت اصطلاحی برای سنجش این‌گونه شهرها مطرح گردید.

استفاده از این مفهوم، در اصل، بیانگر شهرگرایی شتابان اواخر سده ۲۰م است که به شکل‌گیری کلانشهرها (← کلانشهر) دامن زد؛ شهرهایی نظیر لاگوس، بمبئی (ممبئی)، مکزیکوسیتی، ساوئائولولو و شانگهای، تنها در عرض چند سال، میلیونها نفر جمعیت اضافی را در خود پذیرا شدند. در مقابل این انفجار جمعیتی، شهرهای بزرگ در کشورهای درحال توسعه، با مصائبی نظیر تأمین مسکن و خدمات شهری، حفاظت از محیط زیست و مدیریت اقتصاد محلی روبرو شدند. در نظر بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران امروزی، بحران شهری یکبار دیگر و به شکلی متفاوت، به‌صورت *بحران پایداری* در محیطهای شهری بروز یافته است.

کتاب‌شناسی:

- Banfield, E.C. *The Unheavenly City, The Nature and Future of Our Urban Crisis*. Boston, 1968.
- Beeuregard, R.A. *Voices of Decline. The Postwar Fate of U.S. Cities*. New York, 2003.
- Caves, R.W. *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.
- Cowan, R. *A Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, 2005.

عباس سعیدی

دولتی به مالکیت‌های ملی و اجتماعی و به‌منظور عرضه خدمات و افزایش سطح اشتغال، رشد، حفاظت از حاکمیت ملی، دفاع از منافع عمومی و حقوق اجتماعی و جز آن وابسته است، درحالی‌که بخش خصوصی به حداکثر رساندن سود شخصی می‌اندیشد که ممکن است با منافع جمع در تضاد باشد. بخش تعاونی برای کاهش هزینه‌های اضافی و تسهیل خدمات تولیدی و مصرفی و اعتباری فعالیت می‌کند. بخش عمومی با نهادهای مدنی و رفاه عمومی سروکار دارد. بخش مردم پایه با انگیزه همکاری جمعی و حضور مردمی برای اداره امور محله و شهر و منطقه و کشور پا می‌گیرند.

بخش بندی بر حسب درجه رسمیت

• **بخش رسمی**، شامل فعالیت‌های آشکار و قانونی می‌شوند که معمولاً زیر بیشترین پوشش آماری و ثبت رسمی قرار دارند. برای مثال، فعالیت بخش صنعت از حیث مجوزهای تأسیس و بهره‌برداری، میزان تولید، ارزش افزوده، اشتغال، سرمایه‌گذاری، مالیات و انواع عوارض، وضعیتی روشن و رسمی دارد. در مقابل، فعالیت‌هایی وجود دارند که غیرقانونی نیستند، اما نمی‌توان آنها را مورد آماربرداری قرار داد. نمونه آنها برخی فعالیت‌ها در جنگل‌ها، کویر، شکار، کار خانگی، کمک به برداشت محصول و جز آن است. در گذشته بخش غیررسمی به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته قابل توجه بودند، به‌نحوی که امکان ارائه آمار دقیق از تولید ناخالص داخل فراهم نمی‌آمد، اما به‌تدریج با توسعه اقتصاد سرمایه‌داری، گسترش استفاده از فنون ثبت و آمار و نیز با تثبیت هرچه بیشتر حقوق شهروندی و اقتصادی، سهم بخش غیررسمی کاهش یافت.

• **بخش غیررسمی**، شامل فعالیت‌هایی که ممکن است غیرقانونی یا غیراخلاقی یا هر دو باشند و به‌این ترتیب، به فعالیت‌های زیرزمینی و نهانکاری تبدیل شوند و با روش‌های پول‌شویی، منشأ و میزان درآمد آنها مخفی بماند. فعالیت‌هایی مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، ایجاد مراکز فساد و فعالیت‌های غیرشرافتمندانه از نوع غیررسمی، غیرقانونی و غیراختصاصی بشمار می‌روند.

• **بخش خدمات**، مرکب از عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای هتل و رستوران، حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات، واسطه‌گریهای مالی، مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار، اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی، آموزش، بهداشت و مددکاری اجتماعی، و مانند آن.

بخش بندی بر حسب مالکیت و مدیریت

• **بخش دولتی**، شامل فعالیت‌هایی که تحت مالکیت یا مدیریت (یا هم مالکیت و هم مدیریت) دولتند. این واحدها از جمله کشتیرانی، نفت، مخابرات، هواپیمایی، دستگاه قضایی، بانک مرکزی، و جز آن می‌شود. شرکتها و واحدهایی که بیش از ۵۱٪ از سهام آنها به دولت تعلق دارند، در بخش دولتی طبقه‌بندی می‌شوند.

• **بخش خصوصی**، شامل همه فعالیت‌های خدماتی و تولیدی است که مالک آنها افراد یا شرکت‌های خصوصی اعم از شرکت‌های سهامی خاص، سهامی عام و جز آن هستند.

• **بخش تعاونی**، شامل فعالیت‌هایی که برابر قوانین تجارت، زیر چتر تعاونی طبقه‌بندی می‌شوند و اساس آنها همکاری و مشارکت برای تولید، مصرف، انبار وسایل در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی است؛ در این بخش، حق رأی نه براساس سهام و مالکیت، بلکه براساس هر فرد یک رأی است.

• **بخش عمومی**، که آن را معمولاً از بخش دولتی جدا می‌کنند و شامل فعالیت‌هایی می‌شود که مالکیت آن در اختیار عامه مردم یا مردم یک شهر و روستای معین است، اما تحت نظارت نهادهای نیمه‌دولتی اداره می‌شوند. برای مثال، شهرداریها، بیمه‌های اجتماعی، مؤسسات خدمات عام‌المنفعه عمومی از زیربخش‌های بخش عمومی محسوب می‌شوند.

• **بخش مردم پایه**، (یا سازمانهای غیردولتی) شامل فعالیت اجتماعی و تا حدی اقتصادی است که از سوی گروه‌های داوطلب و مشارکتی شکل می‌گیرد و بر پایه‌های حقوق مردمی استوار است.

انگیزه‌های بخش‌های مختلف با یکدیگر متفاوتند. بخش

ممکن است در جامعه‌ای که شرایط تولید مواد مخدر فراهم است و سابقه آن نیز موجود است، به‌ویژه در یک کشور کم‌توسعه، سهم تولید مواد مخدر بخشهای غیررسمی و نهانکاری در آن زیاد باشد، اما در کشورهای صنعتی با آنکه این سهم کم است، اما تعداد مطلق آن به دلیل گسترش و مصرف مواد، مراکز فساد، انواع قاچاق انسان، پول‌شویی، فروش غیرقانونی سلاح و جز آن قابل توجه است.

در مناطق شهری ضمن آنکه سهم ارزش افزوده صنعتی و خدماتی بالاست، اما ممکن است سهم بخش غیررسمی، مانند حاشیه‌نشینی و مسکن غیررسمی نیز زیاد یا امکان گسترش فعالیت‌های غیرقانونی فراهم باشد. هرچه حقوق انسانی، مردم‌سالاری، مشارکت مردم و عدالت اجتماعی تقویت شود، بخش عمومی و تعاونی نیز افزایش می‌یابد. البته در چنین وضعیتی، بخش دولتی به حد مطلوب‌تر (و نه لزوماً بزرگ‌تر) نزدیک می‌شود. فعالیت بخش خصوصی در شهرها به‌طور کلی در کشورهای صنعتی پیشرفته، بیشتر از سایر کشورهاست، اما اندازه‌های آن را تا حد زیادی ضرورت اقتصاد سیاسی، اجتماعی و رویکرد رفاهی مشخص می‌کند. در اقتصادهای رفاهی و معطوف به عدالت شهری، مانند اروپای شمالی، بخش خصوصی فعال و مالکیت آن گسترده‌تر است و بخشهای عمومی و تعاونی و بخشهای مردم‌پایه آن را کنترل می‌کنند.

بخش خصوصی در مناطق روستایی و کشاورزی عموماً کوچک مقیاس است و بخش عمومی با یاری دولت ادامه فعالیت می‌دهد. تعاونیها در مناطق روستایی برای ارائه خدمات عمومی و تهیه مایحتاج در تولید کشاورزی فعال و مؤثرند (← تعاونی).

در ایران از حیث مالکیت سرمایه‌های ملی، بخش دولتی دست بالا را دارد و مالکیت چاههای نفت، مراتع، دریاها، جنگلها و واحدهای صنعتی بزرگ مانند ذوب آهن و کشتی‌سازی، از آن دولت است. بخش عمومی، مانند شهرداری شهرهای بزرگ و تأمین اجتماعی، با مسئولیت دولتی اداره می‌شود، و ماهیت خصوصی ندارد. بخش خصوصی در ۱۳۸۵ش حدود ۸۵٪ از سرمایه‌گذاریهای سالانه را در اختیار داشت. در همین سال، بیش از ۵۵٪ از

ارزش افزوده ملی به بخش خصوصی اختصاص داشت. از کل جمعیت فعال کشور در حدود ۲۰٪ به بخش دولتی و کمتر از ۲٪ به بخش عمومی و تعاونی تعلق دارند و مابقی، به‌جز بیکاران، در بخش خصوصی فعالند. در روستاها و بخش کشاورزی با آنکه بخش خصوصی از حیث ارزش افزوده ضعیف است، اما سهم عمده فعالیتها را در اختیار دارد.

کتاب‌شناسی:

- رئیس‌دانا، فریبرز. *بررسیهای کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*. جلد یکم *شناختهای پایه‌ای*، فصل یکم، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.
- توفیق، فیروز. *تحلیل داده- ستانده در ایران و کاربردهای آن در سنجش، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی*. فصلهای ۲ و ۳، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

فریبرز رئیس‌دانا

بخشداری ← تقسیمات کشوری

برابری

Equality

نظامی از مناسبات که در آن افراد از حیث حقوق، منزلت و امتیازات یکسان تلقی می‌شوند. معنای برابری در طول تاریخ تغییرات زیادی پیدا کرده است؛ علاوه‌براین، برحسب دیدگاههای مختلف، تعبیرهای متفاوتی از آن شده است. انواع برابری به‌لحاظ ماهیت به ۲ دسته عمده تقسیم می‌شود:

- برابری سیاسی؛ و
- برابری اجتماعی.

اصطلاح *برابری توزیعی* تعبیر دیگری از برابری اجتماعی است، چنان‌که برابری سیاسی را *برابری بنیادی* نیز

برابری

جنبشها و انقلابهای ضدفئودالی، نظامهای مبتنی بر شئون را برانداخت و اصول آزادی و برابری همگانی را به تدریج به پیش برد. انقلاب فرانسه و انقلاب امریکا از نخستین انقلابهای عصر جدید بودند که اصول برابری را مطرح کردند. در مرحله نخست، طبقات متوسط مالک، در مرحله بعدی، طبقه کارگر (نیمه اول سده ۱۹م) و سرانجام زنان (نیمه اول سده ۲۰م) دارای حقوق برابر با همگان شدند.

از آغاز نیمه سده ۲۰م، در کنار اصل برابری حقوقی، اصل دیگری در جوامع پیشرفته صنعتی مطرح شد که به برابری اجتماعی یا برابری توزیعی معطوف بود. این اصل براساس این اندیشه استوار بود که برابری حقوقی یا سیاسی به تنهایی برای برخورداری از برابری واقعی و امکان مشارکت مؤثر در امور عمومی کافی نیست. تهیدستان و حاشیه‌نشینان، حتی با برخورداری از حق مشارکت در اداره امور شهر و کشور، در عمل نمی‌توانند در امور مشارکت فعال و مؤثر باشند. علاوه‌براین، تفاوت در امکانات اقتصادی، موجب تفاوت در بهره‌مندی عینی از حقوق برابر در مشارکت می‌شود. بنابراین، برای اینکه همه بتوانند از حقوق برابر به‌نحو مؤثر بهره‌مند شوند و در اداره امور عمومی شرکت کنند، باید از حداقل امکانات زندگی برخوردار باشند. براین‌مبنا، جامعه باید شرایطی را مبنی بر امکان آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی برای همگان فراهم سازد. این اندیشه، دولتهای رفاهی دوران بعد از جنگ جهانی دوم را شکل داد. متناسب با پیشرفتهایی که در این زمینه فراهم شد، مشارکت مردم در امور عمومی بیشتر و بیشتر شد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م، همراه با اوج‌گیری نئولیبرالیسم که محصول تجدید ساختار سرمایه‌داری، فروپاشی اتحاد شوروی و افول نقش تشکلهای کارگری بود، نظامهای دولت رفاهی در تعدادی از کشورها روبه ضعف نهاد و با افزودن شدن بر حجم قشرهای حاشیه‌نشین، از امکان مشارکت واقعاً برابر کاسته شد.

مفهوم برابری در اندیشه سیاسی

اصل برابری در عرصه اندیشه، نخستین بار در حوزه دینی از طریق آموزه‌های مسیحیت و بعداً اسلام، و در حوزه

می‌خوانند. برابری بنیادی یا سیاسی متضمن این معناست که همه انسانها برابر زاده شده‌اند و بدین جهت، با یکدیگر برابرند. حال آنکه برابری اجتماعی یا توزیعی به مفهوم برخورداری از فرصت برابر برای مشارکت عملی و مؤثر در امور مشترک است.

هنگامی که به لحاظ بنیادی از برابری افراد سخن می‌گوییم، منظور اشاره به این معناست که انسانها به صرف انسان بودن، با یکدیگر برابرند، درحالی‌که از حیث خصوصیات و تواناییهای جسمی، چه‌بسا که برابر نباشند.

برابری در تاریخ

مفهوم برابری تاریخچه پرفراز و نشیبی دارد؛ در میان نخستین جماعت‌های انسانی که شکل قبیله‌ای داشت، افراد در چارچوب طایفه از برابری نسبی برخوردار بودند، هرچند بیرون از طایفه تصویری از برابری وجود نداشت. پس از گذار اجتماعات اولیه و قبیله‌ای به دولت‌شهرها و امپراتوریها، نظامهای مبتنی بر شئون شکل گرفت. نظامهای برده‌داری، آسیایی و فئودالی، نظامهایی مبتنی بر شئون بودند که در آن افراد، به‌طور سلسله‌مراتبی، در رده‌های مختلف منزلتی و طبقاتی قرار می‌گرفتند. درباریان، کاهنان و کشیشان، دیوران، دهقانان، تولیدکنندگان، پیشه‌وران و بالاخره بردگان، هریک از نظر منزلت و موقعیت، با یکدیگر تفاوت داشتند. این تفاوتها درعین‌حال نحوه مشارکت در امور شهر، روستا و کشور را هم تعیین می‌کرد؛ عامه مردم نقشی در اداره امور (← اداره امور) نداشتند. در دولت‌شهرها که مشارکت وسیع‌تر بود، فقط کسانی که شهروند (← شهروندی) محسوب می‌شدند، در اداره امور شهر مشارکت داشتند. این شهروندان در قیاس با کل جمعیت دولت‌شهر، اقلیتی نخبه به حساب می‌آمدند.

اصل برابری همه انسانها، نخستین بار، چندین سده پیش، توسط دینهای بزرگ، همچون مسیحیت و اسلام اعلام شد، اما این اصل دینی تا مدت‌ها در جوامع چهره عملی نپوشید. در دوره مدرن بود که این اصل، مرحله به مرحله، به صورت یک حق همگانی به میزان قابل ملاحظه‌ای تحقق پیدا کرد. اصل برابری سیاسی نخستین بار در اروپا و در قالب جنبشهای آزادی‌خواهی، به تقاضایی اساسی بدل شد.

ماوراءالطبیعه، در فلسفه رواقیان مطرح شد. افلاطون انسانها را به لحاظ فضیلت و طبیعت برابر نمی‌دانست. در دیدگاه افلاطون و ارسطو شهروندان از غیر شهروندان متمایز بودند و غیر شهروندان، شامل مهاجران، زنان و بردگان، از حق مشارکت بهره‌مند نبودند و براین اساس، با شهروندان برابر به حساب نمی‌آمدند. افلاطون و ارسطو بردگی را به قانون طبیعت منتسب می‌کردند و معتقد بودند، بردگان بر حسب طبیعت برده هستند. بنا به نظریات افلاطون و ارسطو و آنچه در دولت‌شهرهای یونانی جریان داشت، حق مشارکت در امور دولت‌شهر به گروه کوچکی محدود می‌شد. ارسطو برابری را بر خورد یکسان با آدمهای یکسان معنی می‌کرد و از نظر او آزادگان با بردگان، زنان با مردان و یونانیان با غیر یونانیان یکسان نبودند.

فلسفه رواقی که بعد از فروپاشی دولت‌شهرهای یونانی و شکل‌گیری امپراتوری مقدونی و رومی رشد کرد، از قانون طبیعی نتیجه‌ای متفاوت با نظر افلاطون و ارسطو استنتاج کرد و به برابری انسانها با یکدیگر رسید. در فلسفه رواقی سده‌های میانه، با آموزه‌های مسیحیت در آمیخت و سنت فکری برابری را در حوزه تعالیم دینی تقویت کرد، اما جامعه اروپا در سده‌های میانه، با حقوق فئودالی اداره می‌شد که مبتنی بر تفکیک شئون و عدم برابری بود. آموزه‌های حقوق طبیعی که توسط رواقیان رشد داده شده بود، در سده ۱۷م در اروپا نضج دوباره‌ای گرفت و به صورت حقوق طبیعی مدرن درآمد؛ این جریان خود منشأ افکار آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی در شکلها و نظریات تازه شد. اصل رضایت و توافق در تشکیل حکومت که توماس هابز مطرح کرد، ریشه در *قانون طبیعی* در تعبیر مدرن آن دارد. نقطه عزیمت هابز در تشکیل دولت، حق طبیعی صیانت ذات است. این تفکر در عصر روشنگری بسط پیدا کرد. ژان ژاک روسو انسانها را در وضعیت طبیعی، برابر تلقی کرد و نابرابری را زاییده تمدن بشمار آورد که سرانجام به واسطه بازسازی به دست انسان، به حالت برابری اولیه بازگردانده خواهد شد. پیروان مکتب *اصالت فایده*، برابری را به این شیوه استنتاج می‌کردند که منشأ تشکیل جامعه، نفع است؛ هرکس بهترین داور درباره نفع خود

است، پس هرکس با هرکس دیگر برابر است. آنها از اصل برابری به اصل آزادی و حکومت مردمسالاری رسیدند. ایمانوئل کانت، اصل برابری و اجزاء پیوست آن، شامل حکومت مردمسالاری را از این مفروضات استنتاج کرد که هر فرد، در مقام کارگزار اخلاقی، دارای عقلی است که می‌تواند به وسیله آن، قانونهای اخلاقی را صورت‌بندی و از آن متابعت کند. او این کیفیت را *اصل خود-قانونگذاری* فردی بشمار می‌آورد. تعمیم همین اصل در امور مشترک و جامعه، *اصل خود-قانونگذاری جمعی* را مطرح ساخت که اساس قانونهای حاکم بر جامعه قرار گرفت. کانت همچنین معتقد بود، با هر فرد انسانی باید به عنوان غایتی در خود نگریست، نه به عنوان وسیله. چنین حکمی متضمن احترام به کرامت انسانی و کرامت هر فرد از افراد بشری بود.

این اصل بنیادی که آدمها به واسطه برخورداری از عقل، یا امیال و یا کرامت برابر هستند، بیانگر این ارزش است که مشترکات انسانها از لحاظ سیاسی، بیش از نقاط تمایز آنها، اهمیت دارد. از این اصل این حکم استنتاج می‌شود که نهادهای اجتماعی و سیاسی را باید طوری سازماندهی کرد که بر آنچه انسانها را متحد می‌کند، تکیه داشته باشد، نه بر آنچه که مایه تمایز و تفرق آنهاست. برابری در نظام فکری لیبرالی، اساساً به معنی برابری در پیشگاه قانون، دسترسی به دادرسیهای قانونی و مشارکت در انتخاب کارگزاران تأسیسات قانونگذاری است. منتقدان مردمسالار و جامعه‌گرا این برابری را ناکافی بشمار می‌آورند و منتقدان مارکسیست آن را یک برابری صوری تعبیر می‌کنند. این دسته از نظریه‌پردازان معتقدند، شرایط اقتصادی در نحوه مشارکت فرد در تعیین سرنوشت مشترک تأثیر زیادی دارد. مطالعات تجربی در مورد الگوی مشارکت سیاسی گروههای اجتماعی نیز این واقعیت را آشکار می‌کند. بنابراین، برای ایجاد امکان مشارکت همگانی و برخورداری برابر از امکان مشارکت در اداره امور عمومی، باید به توانمندسازی (-توانمندسازی) اقشار کم‌درآمد اقدام کرد. در غیر این صورت، اقشار حاشیه‌ای نمی‌توانند در اداره امور شهر و روستای خود و اداره سرنوشت سیاسی جامعه خود مشارکت کنند. مارکسیستها علاوه بر این معتقدند، انسان

- دسترسی اقشار محروم به خدمات پایه؛
- تخصیص منابع برای خدمات قشرهای محروم؛
- تخصیص منابع درخصوص مسکن، اعم از مسکن رسمی و یا غیررسمی؛
- کنترل میزان اجاره از حیث نسبت آن با درآمد در سکونتگاههای رسمی و غیررسمی؛
- وجود وسایل ارتباط محلی و فراهم کردن امکان دسترسی همگانی به آن؛ و
- نظام دریافت نظر از مردم.

کتاب‌شناسی:

- Bielfeldt, H. "Autonomy and Republicanism: Immanuel Kant's Philosophy of Freedom", *Political Theory*. August 1997.
- Harrison, R. *Bentham*. London: Routledge and Kegan Paul, 1983.
- Mcpherson, C.B. *The Real World of Democracy*. New York: Oxford University Press, 1972.
- Nozick, R. *Anarchy, State, and Utopia*. Oxford: Oxford University Press, 1974.
- Strauss, L. *Natural Right and History*. Chicago- London: University of Chicago Press, 1957.
- Tawney, R. *Equality*. London: Allen and Unwin, 1952.
- UNCHS. *Expert Group Meeting on Urban Poverty and Governance Indicators*. Nairobi, Kenya, 29 April to 1 May 1999.
- Verba, S. and Nie, J. *Participation in America*. Chicago: University of Chicago Press, 1987.

کمال پولادی

موجودی نوعی و در جستجوی خودشکوفایی، به‌ویژه در کار خلاق و اجتماعاً ارزشمند است، آنها در نقد برابری به مفهوم لیبرالی، استدلال می‌کنند که این نابرابری نه تنها در توزیع ثروت، بلکه در ارضاء نیازهای خلاقه انسان نیز تأثیر خواهد گذاشت. از دید ایشان، برابری کامل تنها در جامعه‌ای میسر می‌شود که در آن اصل از هرکس به اندازه تواناییهایش و به هرکس به اندازه نیازهایش جاری باشد. در این صورت، همه انسانها، درحالی که از لحاظ تواناییهایشان نابرابرند، از حیث تأمین نیازهایشان برابر بشمار می‌آیند.

دموکراتها که در دو قطب لیبرالی - مارکسیستی در میانه قرار دارند، اصل برابری را تا این نقطه به پیش نمی‌برند. اصل مورد نظر آنها، برابری فرصت است. اصل برابری فرصت متضمن این معناست که همه آنهایی که در استعداد و فضیلت برابرند، بتوانند به یکسان از امکان رشد برخوردار باشند. برای فراهم کردن چنین شرایطی باید همگان از آموزش و حداقلهای زندگی، مثل درآمد، بهداشت و سرپناه، برخوردار باشند. اما لیبرالها معتقدند، بسط منطقی برابری فرصتها به تضعیف آزادی فردی می‌انجامد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، لیبرالها خواهان یک دولت مردمسالار مبتنی بر اصل برابری بنیادی و سیاسی هستند، درحالی که دموکراتها و سوسیالیستها خواهان جامعه‌ای دموکراتیک مبتنی بر برابری توزیعی و برابری فرصتها هستند.

برابری در عرصه اداره امور شهری و روستایی

برابری در عرصه اداره امور شهری و روستایی مستلزم آن است که شهروندان در گزینش مدیران متصدی امور شهر و روستا، دارای سهم برابر و امکان مشارکت یکسان باشند؛ در این صورت، نه تنها حق خود را در برابری اعمال کرده‌اند بلکه مسئولیت خود را نیز به‌عنوان شهروند برعهده گرفته‌اند. فراهم کردن شرایط برخورداری از حق برابر و فرصت یکسان، مستلزم توجه به ملاحظات زیر است:

- رعایت اصل انصاف در تنظیم نظام مالیاتی؛
- شمول گروههای محروم و حاشیه‌نشین در فرایند مشورت و تصمیم‌گیری در امور شهر و روستا؛

برنامه

Plan

برنامه یک چارچوب روشمند پیشنهادی است که چگونگی انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر را مشخص می‌سازد. این چارچوب، نحوه حرکت از وضع موجود به سوی دستیابی به یک یا چند هدف عینی یا آرمانی را دربر می‌گیرد. علاوه براین، برنامه عبارت از روش یا ابزاری است که در موضوعات مختلف و با تعیین سلسله مراتب و

را در دوره‌های زمانی مختلف، یکجا بنگرد و تحولات آن را در چارچوب قواعدی منظم به پیش برد و مدیریت کند، با فرایند پویا و زنده شهری همخوان به نظر نرسید. از قضا، تبعیت از طرح جامع سبب مقابله با پویایی یادشده که پیش‌بینی تمامی اجزای آن غیرممکن بود، محسوب گردید. پس از آن، چنین تصور شد که اگر طرح جامع با طرح تفصیلی همراه شود، کل و جز یکجا پوشش داده خواهد شد. ولی بازهم، خیلی زود، مشخص شد که طرح جامع و طرح تفصیلی، که به مدرک کاربری زمین و تحولات آن تقلیل یافته بود، نمی‌تواند تحولات شهری را هدایت کند. از این رو، و در پاسخ به کاستیهای طرح جامع و تفصیلی، بالاخره سخن از طرح برنامه‌های راهبردی شهر پیش آمد. برنامه‌های راهبردی شهر، چون هر برنامه راهبردی دیگر، از تدوین اهداف و سپس استنتاج راهبردها براساس اهداف و بالاخره، برنامه عمل تشکیل می‌شود. اخیراً جزء چهارمی، تحت عنوان *سنجش دستاوردها یا عملکرد* نیز به ۳ جزء گذشته اضافه شده است. با بازنگری اجزاء یادشده، این پرسش مطرح گردید که اهدافی که پایه اصلی برنامه راهبردی شهریند، بر چه اساس مستندی استوارند؟ در پاسخ به این پرسش، تجزیه و تحلیل و ارزیابی موقعیتی یا شناخت وضع موجود نیز به‌عنوان مرحله‌ای مهم در برنامه‌ریزی راهبردی شهر، اضافه شد، گو اینکه برخی از برنامه‌ریزان چنین تجزیه و تحلیل و ارزیابی را مرحله‌ی ماقبل برنامه‌ریزی بشمار می‌آورند.

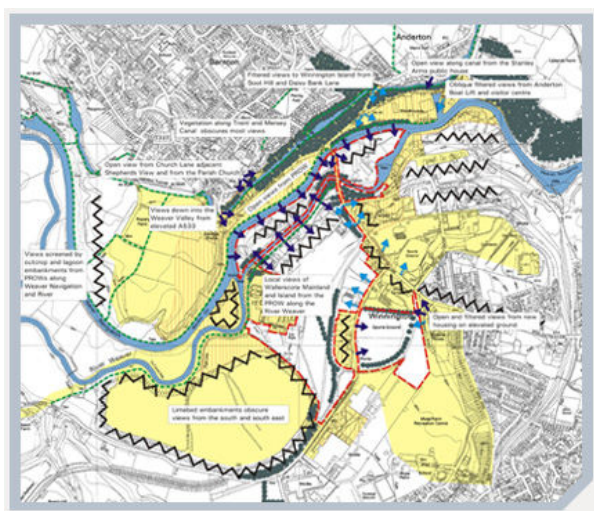
استفاده از منابع گوناگون موجود، به‌منظور دستیابی به هدف یا هدفهای تعیین شده، به کار گرفته می‌شود، تا نیل به انتظارات پیش‌بینی شده را محقق سازد. از سوی دیگر، یک دستور کار است که برای انجام چیزی ساخته و پرداخته می‌شود و چگونگی انجام یک یا چند عمل را تعیین می‌کند.

کتاب‌شناسی:

- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. *مقررات شهرسازی و معماری و طرحهای توسعه و عمران*، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۳.
- سعیدنیا، احمد و دیگران. *مبانی و چارچوب بازنگری شرح خدمات طرحهای شهری*. تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸.
- سیف‌الدینی، فرانک. *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شیعه، اسماعیل. *با شهر و منطقه در ایران*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶- الف.
- American Planning Association. *Planning and Urban Design Standards*. U.S.A., New Jersey: John Wiley & Sons Inc., 2006.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, G.B., 2005.

اسماعیل شیعه

برنامه اقدام ← برنامه عمل



برنامه راهبردی (شهر)

(Urban) Strategic Plan

در تجربه‌ای که بیش از نیم قرن سابقه دارد، همواره قانونمند ساختن زندگی شهرها، شهرنشینی و رشد کالبدی و فضایی شهرها، دلمشغولی مهمی بشمار رفته است. تجربه طرحهای جامع که زمانی تلاش می‌کرد تا کلیت شهر

و کاربریهای شهری را جزء به جزء تعریف کرده است.

کتابشناسی:

- Chappin, F. *Urban Land Use Planning*. Chicago: University of Illinois Press, 1965.
- Hall, Peter. *Urban and Regional Planning*. London: Routledge, 1992.
- Hudson, B. *Planning: Typologies, Issues and Application Context*. Los Angeles, CA: UCLA School of Architecture and Urban Planning, 1978.

پرویز پیران

برنامه سکونتگاههای انسانی ← سازمان ملل، هیئات

برنامه عمل

Action Plan

برنامه عمل سند نوشته شده‌ای است که برای تحقق هدف یا اهداف عملیاتی معین، مجموعه‌ای از فعالیتها را با روشن کردن اجزاء و چگونگی اجرای آنها تشریح می‌کند.

طی دهه‌های اخیر، در پی انتقاداتی که به رویکرد متداول در تهیه طرح و برنامه‌های جامع توسعه مراکز زیست و فعالیت-به‌ویژه شهرها- شد، برنامه‌ریزی راهبردی مورد اقبال قرار گرفت. برنامه‌های موسوم به طرح جامع شهری با محوریت دیدگاه کالبدی و خروجی نقشه‌های حوزه‌بندی (zoning) و شبکه ارتباطی به‌عنوان ابزار تعیین‌کننده در هدایت و نظارت، در عمل به امیدهایی که برای توسعه همه‌جانبه برانگیخته بود، جامه عمل نپوشانید و مشکلات ناپایدار کننده توسعه شهرها همچنان بر جای ماند. در صدر این مشکلات می‌توان از فقر و بیکاری، آلودگی و کاهش کیفیت محیط‌زیست، فقدان و نارسایی زیربنایها و خدمات شهری یاد کرد که در شهرهای

در فرایندی که برنامه راهبردی را دربر می‌گیرد، ابتدا براساس تجزیه و تحلیل وضع موجود، شناخت کاستیها و تحولات محیط شهری، چشم‌اندازی برای آینده شهر تعریف می‌گردد و آنگاه چارچوب مأموریتی که تحقق چشم‌انداز را ممکن می‌سازد، مشخص می‌شود. چشم‌انداز شهر، معمولاً آینده‌ای طولانی‌تر را دربر می‌گیرد که ۲۰ ساله است. چشم‌انداز یادشده بر پایه آمال و خواسته‌های کلی شکل می‌گیرد. چشم‌اندازها و آمال کلی آن، به اهداف مشخص‌تری خرد می‌گردد و در رابطه با هر هدف، تعدادی راهبرد در نظر گرفته می‌شود. در مرحله بعدی، کنشهایی که به‌طور متداول در قالب طرحهای پیشنهادی تبلور پیدا می‌کند، مشخص می‌شود. در درون هر طرح نیز تعدادی پروژه عملیاتی در نظر گرفته می‌شود. بر پایه کنشهای در نظر گرفته شده، وظایف پیشنهادی تعریف می‌گردد و تیم عملیاتی برای انجام وظایف تجهیز می‌گردد. برنامه عمل به راهبردها، تحقق کنشها و انجام وظایف نهایی است. برنامه عمل، در واقع، ورود از عرصه برنامه‌ریزی به اجرا در شهر است. راهبردها که قالب زمانی ۵ ساله دارند، با برنامه عمل سالیانه در مرحله اجراء، تعریف عملیاتی می‌شوند. بر پایه تمامی مراحل یادشده، بودجه سالیانه تعیین و به اجزای مختلف برنامه اختصاص می‌یابد.

امروزه، برنامه‌های راهبردی شهر با برنامه‌ریزی مشارکتی تلفیق شده، نهادهای مردم یا شهروندبنیاد در کنار عامه مردم از بررسی وضع موجود تا ارزیابی بازخوردها، نتایج حاصله و تا بازبینی و ارزیابی، حضور و مشارکتی فعال دارند. منظور از مشارکت فعال، کنترل و تصمیم‌گیری شهروندی است؛ یعنی بالاترین پله در نردبان مشارکت شری آرلشتین. برای تحقق چنین مشارکتی، برنامه راهبردی آموزش، توانمندسازی و مقتدرسازی شهروندان نیز همزمان طراحی و اجرا می‌شود، تا عامه مردم قادر باشند، نقش خود را در برنامه‌ریزی راهبردی شهر ایفا نمایند.

شهرداری تهران، با توجه به تجارب ناموفق طرح جامع و طرحهای تفصیلی شهری، از چند سال پیش، برنامه راهبردی مناطق ۲۲ گانه تهران را آغاز کرده است. در تجربه ایران، برنامه عمل حالت طرح تفصیلی به خود گرفته

کشورهای در حال توسعه و در بسیاری موارد، در شهرهای کشورهای توسعه یافته نیز به نحو فراگیر به چشم می خورد. از این رو، در مواردی، مدیران شهری به نوع دیگری از برنامه ریزی که نیل به مجموعه ای از اهداف راهبردی در تمام ابعاد اجتماعی - اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی را بتواند دربر گیرد، روی آوردند. به تدریج، توافق روزافزونی بر سر ضرورت بازنگری در رویکرد متداول تهیه طرحهای جامع شهری حاصل شد که مهم ترین اجزاء این بازنگری، تقدّم برنامه ریزی برای کارکرد و محتوای زندگی شهروندان نسبت به کالبد و شکل فضای شهر بوده است.



برنامه ریزی راهبردی توسعه شهر که از دورنگری، کل گرای، انعطاف پذیری، مشارکت طلبی و هم افزایی مناسبی در قیاس با طرحهای جامع شهری متداول برخوردار است، در مرحله بعدی خود و برای اجرایی و عمل شدن سند بالادست، به تدوین برنامه عمل دست می زند. این برنامه در راستای تحقق راهبرد توسعه شهری شامل موارد زیر است:

- برای هر هدف عملیاتی، چه فعالیتهایی، در چه مکانهایی، توسط چه کسانی یا عواملی، در چه زمانی و با کدام ابزار و منابع تخصیص یافته صورت خواهد گرفت؛
- برای پایش و ارزیابی پیامدهای بالا، چه شاخصهایی توسط چه مراجعی به کار گرفته می شود؛ و
- برای تصحیح، تکمیل و یا تغییر فرایند و فراورده های این برنامه، چرخه بازخورد در مراحل و زمانهای خاص چگونه

عمل می کند.

به سخن دیگر، مجموعه راهکارهای نیل به هر راهبرد در قالب برنامه عمل یکپارچه شده و نقش و وظایف عوامل اجرای برنامه تعیین می شود که با پیروی از سازوکار تصمیم گیری مردمسالارانه، این چنین برنامه ای به سند وفاق، همسویی و هماهنگی کنشگران متعدد و متنوع در عرصه عمومی تبدیل می شود. معمولاً برای تلخیص برنامه عمل، جدولی با ستونهای هدف عملیاتی، فعالیتهای مورد نظر، محلهای عملیات، عوامل اجرایی، زمان عملیات، ابزار و منابع مورد نظر، شاخصها و مقاطع به کارگیری چرخه بازخورد اطلاعات ترسیم می شود. در برخی متون تخصصی برنامه ریزی بخشی که به توالی برنامه (Plan)، برنامه اجرایی (Program) و طرح اجرایی (Project) پایبند هستند، برنامه عمل را می توان نزدیک تر به برنامه اجرایی بشمار آورد که خود مجموعه ای از طرحهای اجرایی (پروژه ها) را شامل می شود.

برنامه عمل در متون تخصصی مدیریت شهری و برنامه ریزی فضایی، در سطوح متفاوت جغرافیایی مورد استفاده قرار می گیرد، اما به طور متداول، در سطح یک مرکز زیست و فعالیت و اغلب، در سطح محله ها و نواحی ویژه درون شهرها طراحی می شود. این نوع برنامه تنها به اقدامات عوامل مشخص در ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی محدود نیست، بلکه سیاستگذاری و راه اندازی فرایندهای محیطی را که عوامل نامشخص و بازیگران جدیدی را نیز برمی انگیزد، شامل می شود. امروزه برنامه عمل در خدمت رفع مشکلات پیچیده ای است که از جمله عبارتند از:

- احیاء بافتهای فرسوده شهری؛
- بهسازی نواحی فرودست شهری؛
- فقرزدایی و ایجاد رونق در اقتصاد محلی؛
- تجدید ساختار شهری (← ساختار شهری)؛ و
- استفاده از فرصتهای جهانی شدن برای تشریک مساعی و بسیج منابع نوین به یاری رویکرد مشارکتی.

با توجه به اینکه در ارزیابی حدود چهار دهه اتکاء به طرحهای جامع شهری در ایران به اشکالات و نارسائیهای مهمی، همچون ضعف مطالعات غیرکالبدی و عدم اجرای

برنامه‌های شهری

داشته است. در اصل، یونانیان در شهرسازی زیر تأثیر دولت شهرها یا پولیسهای بین‌النهرین، به‌ویژه سومر، بودند. در پولیسها یا دولت‌شهرها که مسکن شهروندان تلقی می‌شوند، وجود مالکیت خصوصی، بنیاد وضع قانون و نهادینه شدن قانون‌گرایی تلقی می‌شد. براین اساس، نقشه‌های شطرنجی که امکان تقسیم و بازتقسیم زمین در اثر ارث را فراهم می‌ساخت، نقشه‌ای مطلوب برای پولیسها به حساب می‌آمد. از سوی دیگر، ضرورت انتخاب مسئولان مشاغل مهم شهری در پولیسها، آشنایی رویاروی را برای انتخابی آگاهانه اساسی می‌ساخت. در نتیجه، اندازه جمعیت شهروندان پولیسها باید محدود می‌ماند، تا شرط مهمی که ارسطو برای انتخاب آگاهانه مورد تأکید قرار داده بود، تحقق می‌یافت. بدین دلیل، نوشهرسازی در رم گسترش خیره‌کننده‌ای یافت و احداث ۴۰۰ نوشهر در سرزمینهای امپراتوری رم، نماد مشهود آن بشمار می‌رفت. بنابراین، دنیای هلنی و رومی را می‌توان آغازگر برنامه‌ریزی شهری تلقی کرد. گرچه اطلاعات موجود از گذشته شهری در ایران قبل از اسلام ناچیز و محل مناقشه است، اشارات منابع کهن به شهرهای خودفرمان، ظاهراً به تقلید از دنیای باستان غرب پس از حمله اسکندر و شهرهای شاهی بنا شده بر ویرانه‌های شهرهای خودفرمان در دوره ساسانی، چنانچه واقعیت داشته باشد، گویای کهن بودن احداث آگاهانه شهرها در ایران باستان است.

براین اساس، دنیای باستان سرآغاز برنامه‌ریزی شهری و هجوم بی‌رویه به شهرهای اروپای غربی در دوران پس از انقلاب صنعتی، دوران احیای مجدد آن بشمار می‌رود. پیدایش سرمایه‌داری اساساً پیدایش مقوله‌ای شهرینیاد تلقی می‌گردد که احداث دهها نوع شهر بر پایه کارکردهای متنوع و گسترش شهرهای موجود را الزامی بی‌چون وچرا می‌ساخت. ورود انبوه مهاجران به شهرهای نامآماده اروپای غربی که به انواع معضلات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، کالبدی و فضایی جان بخشیدند، نخست در ادبیات اعتراضی منعکس شد. آثار چارلز دیکنز، ویکتور هوگو و دوساسی معروف‌ترین نمونه‌های ادبیات یادشده به حساب می‌آیند. ادبیات اعتراضی، این پرسش را در ذهن مردم به

پیشنهادات در این زمینه، ناهماهنگی طرح کالبدی با توسعه کارکردی و انعطاف‌ناپذیری آن، فقدان یکپارچگی اقدامات و برخورداری از مدیریت واحد اجرای آن، نبود مشارکت شهروندی، ندیدن محدودیتهای زیست‌محیطی و روابط منطقه‌ای در نظام مراکز زیست و فعالیت اشاره شده است، تهیه برنامه عمل معطوف به اهداف مشخص در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی می‌تواند بسیاری از این نارسائیه‌ها را مرتفع سازد.

کتاب‌شناسی:

- رضوانی، محمدرضا. *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: نشر قومیس، ۱۳۸۳.
- صرافی، مظفر. «توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزان شهری»، *مجله معماری و شهرسازی*. شماره ۳۵، مهرماه ۱۳۷۵.
- صرافی، مظفر. *مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای*. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
- صرافی، مظفر. «مفهوم، مبانی و چالشهای مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*. شماره ۲، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تابستان ۱۳۷۹.

مظفر صرافیی

برنامه‌های شهری

Urban Plan(s)

سابقه

همواره بشر در پی آن بوده است، تا شهری خلق کند با نقشه‌ای اندیشیده و منظم که از قواعد به‌خوبی تعریف‌شده تبعیت کند. این آرمان ذهن محال‌اندیش آدمی، رمز تجسم آرمان شهرهایی است که از دیرباز در ذهن مردمان زیسته‌اند.

ارسطو در کتاب سیاست به غلط هیپوداموس، طراح شهر مله‌توس را پدر شهرسازی خوانده است و نقشه‌های هیپوداموسی را اولین از نوع خود قلمداد کرده، حال آنکه سالها پیش از هیپوداموس نیز الگوهای متعدد شهری وجود

واکنشهای اندیشیده در جهت به سامان کردن شرایط شهرهای جوامع سرمایه‌داری صنعتی، باید از پاکسازی محلات فقیرنشین که در آغاز عمده جایگاه تهیدستان شهری یهودی و گتو نام داشت و بعدها در محلات عام فقیرنشین (Slums) و بالاخره از بازسازی گسترده پس از جنگ جهانی دوم نیز به عنوان نقطه‌های عطف برنامه‌ریزی شهری بشمار می‌رود و گویای تحولات تاریخی اصلی این هنر حرفه بین رشته‌ای است، برای سالها برنامه‌ریزی شهری تخصصی تلقی می‌گردید که وظیفه اصلی آن برنامه‌ریزی کاربری زمین بود. تا به امروز نیز بسیاری از جوامع جهان، به‌ویژه در جهان سوم، در حقیقت و فراتر از حرف و حدیث فراوان، برنامه‌ریزی شهری را به برنامه‌ریزی

راه انداخت که چرا و به چه دلایلی با چنین شرایطی روبرو شده‌اند؟ پرسش یاد شده که از مشکلات گوناگون، از جمله رخ دادن جرائمی که در گذشته اروپا یا سابقه نداشت و یا در ابعادی به مراتب ناچیزتر رخ می‌داد، برخاسته بود، جستجوی عینی دلایل دگرگون شدن جوامع اروپای غربی را در دستور کار قرار داد و زمینه‌ساز پیدایش علوم اجتماعی گردید. کتاب عظیم چارلز بوث به نام کار و بار و زندگی مردم لندن، یکی از اولین کوششها در یافتن روشمند علل شرایط منعکس در ادبیات اعتراضی به حساب می‌آید که در آن از روش پیمایشی استفاده شده است. چارلز بوث، علت نگارش این کتاب را شناساندن لندن فقرا به لندن اغنیا عنوان کرده است. مرحله بعد که پس از سالها از راه رسید،



تخصیص زمین و مشخص‌سازی کاربری زمینها تقلیل می‌دهند. از سوی دیگر و در واکنش به چنین نگاه تقلیل‌گرایانه‌ای، برنامه‌ریزی شهری در کشورهای توسعه‌یافته راه درازی طی کرده است. امروز، برای تأکید بر جنبه‌های نرم‌افزاری و به‌ویژه انسانی و اجتماعی که سالها مورد بی‌توجهی محض قرار داشت و همین سبب شده بود تا برنامه‌ریزی محیط مصنوع، کاملاً تحت سیطره معماری،

به این پرسش بازمی‌گشت که ادبیات اعتراضی توجه مردم را به شرایطی که در پیرامون آنان می‌گذشت برملا ساخت؛ علوم اجتماعی جوان نیز هریک به تحلیل بعدی از ابعاد متکثر شکل‌دهنده شرایط یادشده پرداخته‌اند؛ حال، چه باید کرد؟ برنامه‌ریزی و از جمله برنامه‌ریزی شهری محصول قانونمند پاسخهای ارائه شده به این پرسش بود. در کنار تلاشهای انجام شده در دوران باستان،

تأکید بر نقشه ستاره شکل، شهرهای آرمانی را به یاد می‌آورد و برای یک سده و نیم بر تفکر دلمشغولان فضا حاکم بوده است و نیز تلاش مسلمانان در ارائه طرح ناحیه‌بندی یا منطقه‌بندی شهری، قرابت چندانی ندارد.

دوره جدید برنامه‌ریزی شهری که تحت تأثیر اندیشمندان، شهرشناسان و معماران در ۲ سده اخیر شکل گرفته است را می‌توان به دوره‌های کوتاه مدت‌تری تقسیم کرد که هر یک نماد اجماع شهرسازان و معماران برجسته دوره خویش است. دوره جدید که در کشورهای توسعه‌یافته آغاز گردید، دیگر به شهر آرمانی آنچنان که رافائل بدان می‌نگریست، توجهی نداشت و بیشتر با مشکلات عینی روز دست به گریبان بود. شهر صنعتی سده ۱۹م که دوران حاکمیت صنعت و کسب‌وکار بود، بیشتر به مسکن جمعیت رو به رشد شهرها و مکان استقرار صنایع می‌اندیشید. در مقابل، اندیشه باغشهرها به فضای سالم‌تری که از ازدحام و آلودگی شهرهای صنعتی می‌گریخت، نظر داشت و در اوایل سده ۲۰م رواجی تام و تمام یافت. از دهه ۱۹۲۰م، بر پایه اندیشه‌های لوکوربوزیه، نوگرایی در معماری و شهرسازی سربرافراشت و حداقل در کشورهای صنعتی عمومیت یافت. دوره پس از جنگ جهانی، عصر بازسازی سکونتگاهها در کمترین زمان بود و نمی‌توانست چندان به کیفیت سکونتگاه توجه داشته باشد. سالهای دهه ۶۰ و ۷۰م، دوران احیای نوگرایی لقب گرفته است که با ساختن برازیلیا به اوج خود رسید و برنامه‌ریزی شهری، فرصت پیاده کردن نوگرایی را به کف آورد. نگاهی که با آغاز پسانوگرایی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت، بدون آنکه جایگزینی عملی برای آن تعریف و اجرا شود. نگاه پسانوگر که در پایان دهه ۱۹۷۰م مطرح شد، با تأکید بر فردگرایی، تنوع و کثرت در جامعه و اقتصاد، در واقع به نیازهایی گردن می‌نهد که جهانی‌سازی از بالا یا از دریچه اقتصاد مطرح ساخته است. چنین گرایشی که با مصرف‌گرایی انبوه همراه است، به ناگزیر نمی‌تواند بحث توسعه پایدار زیست‌محیطی را نادیده بگیرد. در نتیجه، امروز علاوه بر برنامه‌ریزی اجتماعی - شهری، سخن از برنامه‌ریزی شهری پایدار یا دوستدار زیست‌بوم به میان آمده

با نگاه سخت‌افزارانه تقلیل‌یافته به ساختمان و مصالح، قرار گیرد، سخن از برنامه‌ریزی اجتماعی - شهری به میان می‌آید. بدینسان، با تأکید بر برنامه‌ریزی راهبردی، این نوع نگاه به کاربری زمین با تکیه بر جزئیات، حداقل در برخی از جوامع توسعه‌یافته و معدودی از کشورهای در حال توسعه، کنار نهاده شده است. در نتیجه، به تدریج سلسله مراتبی از انواع برنامه‌ریزی، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، شکل گرفته است که در سطح اول آن، برنامه‌ریزی شهری و روستایی و در سطوح بعدی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و بالاخره برنامه کلان ملی قرار دارند. اخیراً و به پیشاهنگی سازمان ملل متحد، به‌ویژه برنامه توسعه ملل متحد، سخن از برنامه‌ریزی ناحیه‌محور نیز به میان آمده است. یکی از آخرین تحولات عرصه برنامه‌ریزی، گرایش به مشارکت تمامی کنشگران ذی‌مدخل در عرصه‌های گوناگون، به نام برنامه‌ریزی مشارکتی است که در سطوح یادشده جایگاهی رفیع به کف آورده است. در نتیجه، تأکید بر معماری، معماری محیط، طراحی شهری و باز زنده‌سازی شهری یا بازسازی شهری، آن هم با نگاهی سخت‌افزارانه، شدیداً مورد نقد قرار گرفته است. در همین راستا تدوین مستند راهبردها در زمینه‌های گوناگون مانند مسکن، حمل‌ونقل، زیباشناسی، فضای سبز، امنیت شهروندان، عرصه‌های عمومی، ملاحظات زیست‌محیطی و نظایر آن در چارچوب برنامه‌ریزی پایدار، جایگزین این نگاه سخت‌افزارانه تقلیل‌گرا شده است. گرایشها و تأکیدات مورد اشاره، برنامه‌ریزی شهری که روزگاری به‌عنوان هنر یا حرفه نظم‌بخشی و طراحی سکونتگاهها، از کوچک‌ترین واحدهای سکونتگاهی تا بزرگ‌ترین کلانشهرها را دربر می‌گرفت، از بنیاد دگرگون ساخته است. ناگفته پیداست که برنامه‌ریزی شهری در سده گذشته آنچنان راه درازی پیموده است که با تجربه دوران باستان اروپای غربی، تلاشهای اندیشیده در شهرهای بین‌النهرین، الگوهای کیهان‌شناختی و مقدس شهرهای دره سند یا در یک کلام، برنامه‌ریزی شهری در تمدنهای رودکناران (مصر، چین، آزتک و مایا، علاوه بر بین‌النهرین و دره سند)، احیای نگاه اندیشیده به شهر در سده ۱۵م یا آغاز رنسانس در فلورانس ایتالیا که با

است.

در جامعه ایران، برکنار از کوششهای کهنسال در احداث شهرهای اندیشیده، برنامه‌ریزی شهری در دوره پایانی عصر ناصری به‌نحوی محو و کم‌رنگ، اما آمرانه و دستوری آغاز می‌شود و خیلی زود جای خود را به شهرسازی آمرانه دوران رضاشاهی می‌دهد که در واقع، اولین کوشش مکانی-فضایی برای آماده شدن کشور در جهت پذیرش الگوهای سرمایه‌دارانه، آن هم در جایگاهی حاشیه‌ای است. ماهیت منبع علمی حاضر، فرصت برشمردن نقاط قوت و ضعف دوران یادشده در زندگی شهری ایران را فراهم نمی‌آورد؛ تنها باید بدین نکته بسنده کرد که صرف‌نظر از نگاه نوستالژیک به برخی از تک‌بناهای باقیمانده از گذشته و چند گالری شهری ارزشمند، مانند میدان نقش جهان، مجموعه کریم‌خانی شیراز و بازارها و حمامهای عمومی، شهرسازی خودروی گذشته این مرز و بوم به دلیل کم‌کاری محققان اساساً شناخته شده نیست. برعکس در این مرز و بوم معماری تک‌بنا به اشکال گوناگون صاحب سبک و شناسنامه بوده است که در قالب الگوی حیاط مرکزی براساس شرایط اقلیمی، انگارگان مذهبی و از آنها مهم‌تر ناامنی پایدار در جامعه ایران، آن هم برای سده‌ها شکل گرفته و به قواعد پایداری دست یافته است. در کنار بحثهای معماری مینوره از اوایل سده ۲۰م و بیشتر از سوی باستان‌شناسان، الگویی حاوی ۳ بخش کهندژ، شارستان و ربض، به‌عنوان نقشه شهری غالب در ایران، مطرح شده است که بررسیهای جدید وجود و قابلیت تعمیم الگوی یادشده را با پرسشهای جدی روبرو ساخته است.

به‌هر تقدیر، آغازین جرعه‌هایی که می‌توان آن را پیش‌درآمد برنامه‌ریزی مکانی و از جمله شهری در ایران نام نهاد، به سالهای پایانی دوره ناصری بازمی‌گردد. یکی از اولین کوششها برای قانونمند کردن زندگی و فضای شهری، تنظیم کتابچه‌ای است که به‌وسیله کنت دومونت فورتن از اتباع ایتالیا و رئیس پلیس تهران تدوین شده که حاوی ۵۸ ماده است. برکنار از این حرکت آغازین به‌سمت قانونمند کردن حیات شهری ایران، باید دوران رضاشاه را سرآغاز

فرایندی خواند که بعدها نام برنامه‌ریزی شهری در ایران به‌خود گرفته است. از ۱۳۱۰ش، آماده‌سازی کشور برای ادغام در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، تحولات گسترده کالبدی شروع شد که تا ۱۳۲۰ش و تبعید رضاشاه ادامه داشت. در این مرحله، الگوی خیابان‌کشی به سبک و سیاق جدید بر نقشه ارگانیک شهرهای سنتی ایران تحمیل گردید که عمدتاً فاقد نقشه و برنامه بود و آمرانه و دستوری به اجرا درمی‌آمد؛ تهران مرکز ثقل این تغییرات بشمار می‌رفت.

با تأسیس سازمان برنامه و بودجه که عمدتاً به تخصیص اعتبار براساس برنامه کلان اقتصاد ملی مبادرت می‌کرد، عملاً بحث برنامه‌ریزی شهری نیز مطرح و تثبیت گردید. در برنامه اول عمرانی کشور (۱۳۲۷-۱۳۳۴ش)، کمی بیش از یک‌پنجم بودجه ۳۱ میلیارد ریالی تدوین شده به اقدامات شهرسازی اختصاص داشت. در برنامه دوم عمرانی کشور (۱۳۳۵-۱۳۴۰ش) برای اولین بار از طرحهای جامع شهری یاد شد و طرح جامع چند شهر توسط مشاوران غیر ایرانی تهیه گردید. در ۱۳۴۳ش، وزارت آبادانی و مسکن تأسیس شد و کمی بعد شورای عالی معماری و شهرسازی نیز شکل گرفت. در واقع می‌توان گفت، برنامه‌ریزی شهری در ایران عمدتاً بر پایه طرحهای جامع شهری شکل گرفته است. چنین طرحهایی در عمل، چیزی جز برنامه کاربری زمین نبود. تدوین طرح تفصیلی گام بعدی بشمار می‌رفت که کاربری زمین شهری را با جزئیات و قواعد ساخت‌وساز تکمیل می‌کرد. نکته اساسی در این میان، عدم اجرای اکثریت قریب به اتفاق طرحهای جامع شهری و دگرگونی گسترده آن در محل، تحت تأثیر عوامل گوناگون و از جمله نفوذ و قدرت توانمندان اقتصادی و سیاسی بشمار می‌رفت. بعدها تدوین طرحهای هادی برای روستاها و پس از انقلاب تدوین برنامه راهبردی، نخستین بار در مناطق شهرداری تهران، اجزای تکمیلی برنامه‌ریزی مکانی بشمار می‌رفت. مشخص‌سازی محدوده شهرها و حریمهای شهری از دیگر اقدامات قابل ذکر است. در دهه ۱۳۷۰ش، احداث شهرهای جدید، در آغاز ۱۷ شهر، از رخدادهای قابل ذکر در تحولات برنامه‌ریزی شهری در ایران است.

- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. G.B.: Streetwise Press.
- Jarvis, B. "Place and Performance", *Urban Design Quarterly*. London: Spring 2002.
- Wheelles, S. *Planning for Sustainability*. London, New York: Routledge, 2004.

پرویز پیران

برنامه‌ریزی و برنامه‌های شهری

در شهرسازی، برنامه عبارت از سندی است که سیاست‌های نیل به هدف‌های معین در یک شهر یا قسمتی از یک شهر و یا مقوله‌های مرتبط با آن را مشخص می‌کند. معمولاً محتوای برنامه در قالب یک متن به همراه نقشه‌ها و نمودارهای توجیهی ارائه می‌شود و حاوی راهنمای عمومی در مورد نحوه انجام اقدامات پیش‌بینی شده است که بر آینده تأثیر می‌گذارد. برنامه را تصمیم‌سازان با استفاده از اطلاعات مورد نیاز تهیه می‌کنند. یک برنامه ممکن است مربوط به یکی از حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی یا کالبدی شهر باشد. به این ترتیب، آنچه در ارتباط با تأمین نیازهای یک شهر قرار دارد، می‌تواند در قالب برنامه‌های مختلف شهری، از جمله برنامه‌های جامع قرار گیرد.

فرایند برنامه‌سازی بهتر است خط سیری مستمر داشته باشد و بین مراحل مختلف اجرایی آن، ارتباط برقرار شود. ساختار پایه‌ای و هسته‌های اصلی یک برنامه شامل پیشینه آماری و اطلاعاتی موضوع، اهداف آرمانی و عینی کلان و خرد و بالاخره الزامات آن می‌شود. در برنامه با شناخت وضع موجود، برای هدف‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت که وضع موجود را به وضع مطلوب می‌رساند، تصمیم‌گیری می‌شود. اهداف خرد و در دسترس باید به نحوی تهیه شود که نیل به اهداف کلان را میسر سازد. الزامات برنامه شامل توجیه وضع موجود و آتی، اعم از شرایط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی است که باید در خلال برنامه به کار گرفته شود، تا تحقق برنامه‌ریزی را امکان‌پذیر سازد. این الزامات باید در مقیاسی گسترده، شامل سطوح ملی و منطقه‌ای تا محلی و کیفیتها و کمیتهای مرتبط با آنها باشد. اهداف برنامه می‌تواند مواردی مانند حفاظت از محیط زیست، ساختار

برنامه‌های شهری

فضایی، مدیریت، حمل و نقل، مسکن، اقتصاد، انرژی، توسعه و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) و خدمات عمومی و انسانی را دربر گیرد. اطلاعات مورد نیاز در چارچوب مطالعات محیطی، کاربری زمین (← کاربری زمین)، مسکن، حمل و نقل، تأسیسات عمومی و زیربنایی، اشتغال (اشتغال شهری)، شرایط کمی و کیفی جمعیت، اقتصاد محلی و ویژگیهای تاریخی و مواردی مانند آن است.

فرایند اساسی و ساختار یک برنامه شامل ۹ مرحله

به شرح زیر است:

- شناخت موضوع؛
- تعیین هدف‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت و سوابق برنامه؛
- جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات؛
- تهیه برنامه‌ها؛
- ترسیم برنامه‌های محتوایی (Programs) برای اجرای برنامه؛
- ارزیابی برنامه‌ها و برنامه‌های محتوایی؛
- بازنگری در برنامه‌های قابل قبول؛
- بازنگری برنامه‌های اجرایی؛ و
- برنامه‌های سازماندهی اجرایی.

عناصر برنامه مسائلی مانند توسعه اقتصادی، حفاظت محیطی، نظارت بر مخاطرات طبیعی، حفاظت از اراضی کشاورزی و منابع آب، حفاظت فرهنگی و تاریخی، پارکها و فضاهای سبز (← فضای سبز شهری) و باز (← فضای باز)، طراحی شهری (← طراحی شهری) و رفاه اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد.

یک برنامه باید از رسمیت کامل برخوردار باشد. به سخن دیگر، یک برنامه رسمی و ساختارگرا معمولاً براساس خصوصیات ساکنان و بر مبنای نظرات آنان تنظیم می‌شود، در حالی که یک برنامه غیررسمی را برنامه‌ریزان فردگرا، تنها به ملاحظه حرفه و تخصص خود، پیشنهاد می‌کنند. در چارچوب برنامه‌ریزی شهری، ۳ دیدگاه از نظر ارائه نوع برنامه قابل توجه است:

- **برنامه خودساخته.** این برنامه را خود مردم تهیه می‌کنند و مجریان این برنامه‌ها را به اجراء می‌گذارند. این برنامه‌ها در نظامهای غیرمتمرکز تهیه می‌شوند و طی آن، چون مردم

حفاظت از محیط زیست و نیل به یک توسعه مستمر و پایدار باید به‌عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد. این مورد دامنه‌های وسیعی دارد که علاوه بر حفاظت از آب و خاک و گیاه و هوا، مواردی چون حفظ و ساماندهی فضاهای باز، کاهش آثار ناشی از حرکت وسایط حمل و نقل موتوری و ایجاد یک محیط قابل زیست را دربر می‌گیرد. در ارتباط با اقتصاد نیز مواردی، مثل حفاظت از منابع اقتصادی سازمان مسئول برنامه و ساکنان و قابل اجرا بودن برنامه‌ها از نظر امکانات و منابع اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. در تدوین هر برنامه اقتصادی و منافع حاصل از آن، این منافع باید با منافع اجتماعی و محیطی جامعه مورد نظر همسازی داشته باشد. هنگام تصمیم در اجرای هر برنامه اقتصادی باید نتایج حاصل از آن بر روی پاکی هوا، سلامت خیابانها و فضاهای عمومی جذاب، که هریک از ساکنان از آنها استفاده می‌کنند، مورد توجه قرار گیرد. از نظر برابری فضایی، توازن بین برنامه‌ها، اعم از منافع گروههای مختلف اجتماعی و اقتصادی، مسکن‌سازی، تأمین نیازمندیهای عمومی و زیربنایی، تراکم جمعیت و ساختمان، بسیار ضروری است. پیشگیری از جدایی‌گزینی اجتماعی در محله‌ها، اشتراک مساعی ساکنان و توجه به حقوق فردی و اجتماعی یکایک آنان براساس ساختار فضایی و فرهنگها نیز باید در هر برنامه ملحوظ باشد. هر برنامه شهری باید در توزیع امکانات شهری بین جمعیت و گروههای اجتماعی و اقتصادی تلاش داشته باشد و به‌ویژه از ایجاد مسکن ناسالم، فقر، بیکاری و آلودگیهای محیطی نه تنها جلوگیری کند، بلکه برنامه‌ها را در راستای رفع این تنگناها سوق دهد. هدف هر برنامه باید مبتنی بر تأمین رفاه اجتماعی در میان ساکنان باشد. بنابراین، برنامه توسعه، مفهومی بسیار گسترده دارد که عرصه‌های مختلف را به‌صورتی جامع دربر می‌گیرد.

در سطح جهانی، جنبه‌های مختلفی از برنامه‌های شهری مورد توجه قرار دارد. این موارد در طول تقریباً یک سده گذشته، مورد توجه برنامه‌ریزان قرار داشته و بسیاری از آنها جنبه عملی به خود گرفته است. درعین حال، محتوا و اجرای بعضی از این برنامه‌ها مورد بازنگری و تحول

مشارکت دارند، نیازهای حقیقی همراه با احساس رضایت آنان برآورده می‌شود. از اشکالات این برنامه آن است که از لحاظ اختصاص منابع و امکانات ممکن است واقع‌بینانه نباشد، زیرا مردم به نیازهای خود توجه دارند و در پی رفع نیازها هستند و به امکان اجرایی آن کمتر توجه می‌کنند؛

• **برنامه پیش‌ساخته.** این مورد، برنامه‌ای است که مسئولان برنامه‌ریزی - متخصصان و نهادهای اجرایی - با توجه به اطلاعات و میزان امکانات محیط و منابع در دسترس تهیه می‌کنند. این گونه برنامه را چون متخصصان و افراد مجرب تهیه می‌کنند، از لحاظ فنی بسیار دقیق است، زیرا آنها به‌خوبی می‌دانند که چه نوع برنامه‌ای و با چه امکانات و منابعی را پیشنهاد دهند. از این رو، برنامه پیش‌ساخته، برنامه‌ای حساب شده است که به‌منظور رفع کمبودها طراحی می‌شود. بزرگ‌ترین اشکال این نوع برنامه آن است که چون در این برنامه‌ها مردم دخالت ندارند، نمی‌توان به تأمین کلیه نیازهای آنان مطمئن بود. بنابراین، گاهی در برابر آن مقاومت می‌شود. این نوع از برنامه‌ها در نظامهای متمرکز اجراء می‌شود؛

• **برنامه واقع‌بینانه.** این دیدگاه بهترین نوع برنامه‌ها قلمداد می‌شود، زیرا مردم و مسئولان با کمک و همفکری یکدیگر برنامه را تهیه می‌کنند و در آن، هم امکانات و هم نیازها و هم احتیاجات حقیقی مردم مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که مردم در تدوین آن شرکت داشته‌اند، از آن پشتیبانی خواهند کرد و به دلیل آنکه برنامه‌ها با همکاری متخصصان تهیه شده است، جنبه‌های فنی و تخصصی نیز در آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. یک برنامه از نظر مدت اجرا، می‌تواند کوتاه‌مدت (کمتر از ۵ سال)، میان‌مدت (۵-۱۰ سال) و بلندمدت (بیش از ۱۰ سال) باشد. البته مدت برنامه‌ها، برحسب نوع، در کشورهای مختلف متفاوت است.

یک برنامه شهری در چارچوب یک توسعه پایدار باید ۳ خصوصیت اساسی داشته باشد:

- توجه به محیط زیست؛
 - توجه به وجوه اقتصادی؛ و
 - توجه به محیط در عرصه‌های محلی و جهانی.
- در هر برنامه شهری مدیریت محیطی در عرصه‌های

مرحله اجرا درآمده است.

برنامه جامع و برنامه ساختاری ۲ دسته از برنامه‌های اصلی شهری هستند. برنامه جامع شهر نسبت به برنامه ساختاری از سابقه بیشتری برخوردار است. این الگو در دهه ۱۹۷۰م در بریتانیا و در دهه ۱۹۸۰م در ایالات متحده آمریکا، با تأکید بر نظریه نظامها و نظریه مشارکت، از جنبه‌های مختلف نظری و عملی، مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این برنامه در بریتانیا و کشورهای تابع آن، جای خود را به برنامه‌های ساختاری و در ایالات متحده و برخی کشورها جای خود را به برنامه‌های راهبردی داده است. بنابراین، در طول سالهای بعد از ۱۹۸۰م بیشتر بر اهداف و تحلیل اهداف، همچنین تحلیل اطلاعات و تعیین راهبردها و سیاستها به منظور نیل به هدف تأکید شده است. در واقع، ۲ جریان تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) و تصمیم‌گیری مبنای نظری و عملی برنامه‌های ساختاری- راهبردی را تشکیل می‌دهد. البته برنامه ساختاری، برنامه‌ای است که جایگزین برنامه جامع شده است و در چارچوب برنامه‌ها، راهبردها و سیاستهای ساختاری شهرستان، به منظور هدایت توسعه فضایی شهرهای بیش از ۵۰,۰۰۰ نفر و حوزه بلافصل آنها، تهیه می‌شود. این برنامه برای یک دوره بلندمدت بدون وارد شدن در جزئیات طراحی می‌شود. اساس برنامه‌های ساختاری را اهداف کلان، اهداف خرد، راهبردها و سیاستها تشکیل می‌دهد. منظور از اهداف کلان (Goals)، نیل به وضع نهایی مطلوب است که از ارزشها و آمال جامعه نشأت می‌گیرد. درحالی‌که اهداف خرد (Objectives) اهداف عملیاتی و کاربردی هستند، که بیشتر به منظور نیل به اهداف کلان تعیین می‌شوند. راهبردها آن دسته از تصمیمهای اساسی است که میان اهداف مختلف یک برنامه هماهنگی ایجاد می‌کند و راههای اصلی وصول به آنها را تعیین می‌کند. سیاستها آن دسته از تصمیماتی است که در سطحی پائین‌تر از راهبردها قرار می‌گیرد. سیاستها، هدایت‌کننده تصمیمات اجرایی و اقدامات کوتاه‌مدتی است که مسیر عملی برای نیل به اهداف را مورد توجه قرار می‌دهد.

در بعضی از کشورها برنامه‌هایی را که سازمانهای محلی

اساسی قرار گرفته است؛ در برخی موارد، تغییر اساسی حول داده‌ها و در موارد دیگر، به دلیل وجود تنگناها و نارساییها یا بروز مشکلاتی در تحقق آنها، برنامه‌های جدید جایگزین شده است. در واقع، تحول اساسی در محتوا و نوع برنامه‌های شهری مدیون گسترش دامنه‌های دانش و دگرگونی در فناوری بوده است. تا پیش از جنگ جهانی دوم، محتوای اغلب برنامه‌ها، بیشتر جنبه کالبدی داشت، ولی با گسترش برنامه‌ریزی علمی و همچنین توسعه مفاهیم مدیریت و تصمیم‌گیری در شهرسازی، اندیشه‌های ترقی‌خواهی در شهرسازی جای ویژه‌ای پیدا کرد. حداقل تا دهه ۱۹۸۰م، بحث عدالت اجتماعی در شهر (← عدالت اجتماعی و شهر) و برنامه‌های مرتبط با آنها از یکسو، و توازن اکولوژیکی و توجه بیشتر به مفاهیم انسانی از سوی دیگر، موضوعی مهم قلمداد می‌شد. علاوه‌براین، از دهه ۱۹۸۰م، با اهمیت یافتن انگاره توسعه پایدار یا عدالت محیطی و گسترش دامنه ارتباطات، مانند استفاده از رایانه، شبکه‌های جهانی و ارتباطات ماهواره‌ای و استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی (← سیستم اطلاعات جغرافیایی) در تمام برنامه‌های شهری جای خود را باز کرده است. گسترش نظریات انسان‌گرایانه، اهمیت یافتن نقش مردم و مشارکت آنها در برنامه‌های شهری و نگرش به برنامه‌ها در ابعاد مختلف، از الگوهای مختلف ریاضی گرفته تا نگرش فلسفی به برنامه‌های شهری، از پدیده‌هایی است که در برنامه‌های امروزی مورد توجه قرار گرفته است.

عمده‌ترین برنامه‌های شهری در طول چند دهه گذشته، شامل برنامه کالبدی، برنامه جامع، برنامه اجتماع محلی، برنامه عملکردی و برنامه تسهیلات همگانی بوده است. همچنین، برنامه بهسازی (← بهسازی شهری) و نوسازی شهری (← نوسازی شهری)، برنامه بهسازی سکونتگاههای غیررسمی، برنامه محله‌ای، برنامه گذران اوقات فراغت در شهر، برنامه خانه‌سازی، برنامه کاربری زمین، برنامه‌های حمل‌ونقل، برنامه‌های تأسیسات زیربنایی، برنامه‌های اجتماعی، برنامه‌های مشارکتی، برنامه اقتصادی شهر و موارد دیگری مانند آنها از جمله برنامه‌هایی هستند که در انواع مختلف سطوح شهری مورد توجه قرار گرفته و به

در چارچوب برنامه‌های جامع ساختاری تهیه می‌کنند، برنامه توسعه‌ای می‌نامند. برای مثال، برنامه‌ای که در بریتانیا به توضیح نحوه استفاده از زمین در یک حوزه مشخص پردازد و مبانی اصولی آن را تهیه کند، برنامه توسعه‌ای نامیده می‌شود. در همین ارتباط، افرادی که روی برنامه‌های توسعه محلی کار می‌کنند و به همراه سایر برنامه‌ریزان، اصول، خط‌مشیها و مقاصد برنامه‌ها را مشخص می‌سازند، به‌عنوان برنامه‌ریز توسعه‌ای شهرت دارند.

در ایران، اگرچه از نظر تاریخی بعضی از برنامه‌های موضعی در شهرها را که از عصر قاجاریه در ایران آغاز شد، می‌توان به‌عنوان نوعی برنامه شهری تلقی کرد، ولی اساس اجرای برنامه‌های شهری در ایران با سوابق اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران هم‌زمان است. مهم‌ترین برنامه‌های شهری قبل از این‌گونه برنامه‌ها، به قوانین ایجاد بلدیه و انجمنهای ایالتی و ولایتی، توسعه و تعریض معابر و نظایر آنها بازمی‌گردد. اجرای برنامه‌های عمرانی در ایران از ۱۳۲۷ش آغاز شد که تاکنون در قالب ۲ برنامه عمرانی ۷ ساله و ۳ برنامه ۵ ساله در قبل از انقلاب اسلامی، و ۴ برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بعد از انقلاب اسلامی استمرار داشته است. عمده برنامه‌های شهری در ایران یا براساس محتوای این برنامه‌ها و یا براساس تصویب قوانین و آئین‌نامه‌های مرتبط با شهرسازی، به مرحله اجرا درآمده‌اند. قانون تأسیس وزارت آبادانی و مسکن در ۱۳۴۳ش، قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در ۱۳۵۱ش (← شورای عالی شهرسازی و معماری) و قانون تغییرنام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی قبل از انقلاب اسلامی و همچنین قوانین یا آئین‌نامه‌های مربوط به ایجاد شهرهای جدید (← شهرهای جدید)، تهیه برنامه‌های ناحیه‌ای و شهرستان، تهیه طرحهای کالبد ملی (← طرح کالبد ملی) و آماده‌سازی زمین پس از انقلاب اسلامی، مبنای تعریف یا تهیه انواع برنامه‌های شهری در ایران است. اکنون، با مسئولیت وزارت مسکن و شهرسازی و محوریت شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، نسبت به تهیه انواع برنامه‌های شهری در ایران اقدام

می‌شود. لازم به یادآوری است که تهیه برنامه‌های شهری برای شهرهای کوچک ایران برعهده وزارت کشور است. همچنین، مسئولیت تهیه بعضی از برنامه‌ها، مانند برنامه آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین) با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (← سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) و تهیه برنامه‌های ایجاد شهرکهای صنعتی با وزارت صنایع است. سابقه اجرای بعضی از برنامه‌های شهری نسبت به برخی دیگر بیشتر است. در حال حاضر، در سطح کشور برنامه‌های شهری مختلفی به مرحله اجرا درآمده یا در دست اجراست. یادآوری این نکته نیز ضروری است که در ایران از آغاز تهیه انواع برنامه‌های شهری به‌جای استفاده از عنوان برنامه از عنوان طرح استفاده شده است. بنابراین، آنچه که در زیر با عنوان طرح از آن یاد شده است در واقع برنامه است.

طرح جامع سرزمین

برنامه‌ای است که سطوح شهری و منطقه‌ای و کشوری را دربر می‌گیرد. طرح جامع سرزمین برنامه‌ای است مربوط به استفاده از سرزمین برای هدفها و خط‌مشیهای ملی مبتنی بر بررسی امکانات و منابع، مراکز جمعیتی شهری و روستایی، حدود توسعه و گسترش شهرها و شهرکها، قطبهای صنعتی، کشاورزی و مراکز جهانگردی- خدماتی که علاوه‌براین، اجرای برنامه‌های عمرانی بخشهای عمومی و خصوصی را هماهنگ می‌سازد.

طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای

این برنامه با هدف مکانیابی برای گسترش آینده شهرهای موجود و ایجاد شهرها و شهرکهای جدید، پیشنهاد و شبکه شهری آینده کشور یعنی اندازه شهرها، چگونگی استقرار آنها در پهنه کشور و ایجاد سلسله مراتب بین آنها به‌منظور تسهیل در مدیریت سرزمین و خدمات‌رسانی به مردم و پیشنهاد چارچوب مقررات ساخت‌وساز در کاربریهای مجاز زمینهای سراسر کشور تهیه می‌شود. هدف از این برنامه، در کنار اقدامات بالا، تسهیل در مدیریت سرزمین و امر خدمت‌رسانی و پیشنهاد چارچوب مقررات ساخت‌وساز در کاربریهای مجاز کشور است. مطالعات انفرادی برنامه،

طرح جامع شهری

به موجب قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به مسکن و شهرسازی، مصوب ۱۳۵۳ش، طرح جامع شهر، عبارت از برنامه بلندمدتی است که در آن نحوه استفاده از اراضی و منطقه‌بندی مربوط به حوزه‌های مسکونی، صنعتی، بازرگانی، اداری، کشاورزی، تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات شهری، نیازمندیهای عمومی شهری، خطوط کلی ارتباطی و محل مراکز انتهایی خط پایانه‌ها و فرودگاهها، بنادر، سطح لازم برای ایجاد تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات عمومی مناطق نوسازی، بهسازی و اولویتیهای مربوط به حفظ بناها و نماهای تاریخی و مناظر طبیعی، تهیه و تنظیم می‌شود. طرح جامع شهر برحسب ضرورت، قابل تجدیدنظر است. مدیریت تهیه طرحهای جامع شهری با وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرح تفصیلی شهری

بر مبنای قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به مسکن و شهرسازی، مصوب ۱۳۵۳ش، طرح تفصیلی براساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهری، نحوه استفاده از زمینهای شهری در سطح محله‌های مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آنها، وضع عبور و مرور به میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری تهیه شده و اولویتیهای مربوط به مناطق بهسازی، نوسازی، توسعه، حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهری در آن تعیین می‌شود. نقشه‌ها و مشخصات مربوط به مالکیت در طرح تفصیلی براساس مدارک ثبتی است. مرجع تهیه طرح تفصیلی وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرح نوسازی، بهسازی، بازسازی و مرمت بافتها

این برنامه به منظور بهسازی، نوسازی و بازسازی محله‌های شهر، اعم از قدیم و جدید و یا سکونتگاههای غیررسمی، به عنوان جزئی از طرح تفصیلی بخشی از بافتهای موجود شهرها تهیه می‌شود. مدیریت تهیه این برنامه‌ها با وزارت مسکن و شهرسازی است که نهادهای دیگری، مانند

شامل مواردی همچون مطالعات جمعیتی، ارزیابی منابع ارضی، پهنه‌بندی خطر زمین‌لرزه و اقلیم آسایش است که می‌تواند مستقلاً در فعالیتهای شهرسازی و ساخت‌وساز مورد استفاده قرار گیرند. این برنامه از مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است. مدیریت تهیه این طرح با وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) است.

طرح توسعه و عمران - جامع - منطقه‌ای، ناحیه‌ای و شهرستان

این برنامه در اجرای وظایف محول شده در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن - مصوب ۱۳۵۳ش - و تصویب نامه هیئت وزیران در ۱۳۷۳ش، تهیه و اجرا می‌شود. به موجب این تصویب نامه، این برنامه به منظور تدوین سیاستها و ارائه راهبردها در زمینه هدایت و نظارت بر توسعه و استقرار مطلوب مراکز فعالیت، مناطق حفاظتی و همچنین توزیع مناسب خدمات برای ساکنان شهرها و روستاها در یک یا چند شهرستان که از نظر ویژگیهای طبیعی و جغرافیایی همگن باشند و از نظر اقتصادی، اجتماعی و کالبدی ارتباطات فعال متقابل داشته باشند، تهیه می‌شود. مدیریت تهیه این طرحها با وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرح مجموعه شهری

این برنامه به موجب مصوبه ۱۳۷۴ش هیئت وزیران و برای شهرهای بزرگ به انضمام شهرهای اطراف آنها تهیه می‌شود. به موجب این تصویب نامه، این برنامه به منظور برنامه‌ریزی واحد برای شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور، تهیه می‌شود. این مجموعه‌ها در مورد تهران، شامل شهر تهران و شهرهای واقع در شهرستانهای تهران، یعنی دماوند، ری، شمیرانات، کرج، ورامین، اسلامشهر، ساوجبلاغ و شهریار می‌شود و در مورد سایر شهرهای بزرگ، مجموعه‌های شهری شیراز، مشهد، اصفهان و تبریز را دربر می‌گیرد. مدیریت تهیه این طرحها با وزارت مسکن و شهرسازی است.

شهرداری با آن همکاری دارند. برنامه‌های مرمت و احیاء بافتهای فرسوده شهری (← مرمت شهری) و برنامه‌های مرتبط با سکونتگاههای غیررسمی (← سکونتگاه غیررسمی) در چارچوب این برنامه قرار دارند.

طرح آماده‌سازی زمین شهری

این برنامه، شامل مجموعه عملیات لازم برای مهیا نمودن زمین برای احداث مسکن و تأسیسات و نیازمندیهای مربوط به آن، مطابق با قانون زمین شهری و آئین‌نامه‌های اجرایی آن تهیه می‌شود. این برنامه به‌عنوان طرح تفصیلی گسترشهای جدید شهر تهیه می‌شود. از آماده‌سازی زمین، همچنین به معنی مجموعه فعالیت‌های هماهنگ و ضروری در اراضی متعلق به سازمان زمین شهری نام برده می‌شود که با هدف بهره‌برداری از اراضی، به‌منظور احداث واحدهای مسکونی و تأسیسات وابسته به آنها و رفع نیازمندیهای عبور و مرور، شبکه‌های آبرسانی و فاضلاب، برق، مخابرات و مانند آنها صورت می‌گیرد. مرجع تهیه طرحهای آماده‌سازی زمین وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرح هادی شهری

براساس قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به مسکن و شهرسازی در ۱۳۵۳ش طرح هادی شهری، برنامه‌ای است که برای گسترش آتی شهر و نحوه استفاده از زمینهای شهری برای عملکردهای مختلف و به‌منظور حل مشکلات حاد و فوری شهر و ارائه راه‌حلهای کوتاه‌مدت و مناسب برای شهرهایی که طرح جامع شهری ندارند، تهیه می‌شود. تهیه طرحهای هادی شهری با مدیریت وزارت کشور صورت می‌پذیرد. این طرح از باسابقه‌ترین طرحهای شهری است که مترادف با اجرای برنامه‌های عمرانی کشور برای شهرهای کوچک ایران است.

طرح ایجاد شهرهای جدید

به‌موجب قانون ایجاد شهرهای جدید، مصوب ۱۳۸۰ش، شهر جدید به نقاط جمعیتی اطلاق می‌شود که در چارچوب طرح مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، در خارج از محدوده قانونی و حریم استحقاقی

شهرها- هرکدام که بزرگ‌تر باشد- برای اسکان حداقل ۳۰،۰۰۰ نفر، به اضافه ساختمانها و تأسیسات مورد نیاز عمومی، خدماتی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن پیش‌بینی می‌شود. بر همین مبنا، طرح شهر جدید در قالب طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای و جامع ناحیه‌ای ضرورت و مکان ایجاد آنها با سقف جمعیتی و نوع فعالیت معین، به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رسد و مانند سایر شهرها، باید برای آنها طرح جامع و تفصیلی تهیه شود. مدیریت ایجاد شهرهای جدید با وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرحهای ویژه

این طرح، برنامه‌ای است که برای بخشهایی از کشور که به‌علت وجود عوامل طبیعی یا مصنوعی و یا برنامه‌های جدید توسعه و عمران و تأثیراتی که در منطقه حوزه نفوذ خود خواهند گذاشت، واجد ویژگی خاصی است که نیاز به تهیه طرح برای توسعه هماهنگ در محدوده حوزه نفوذ عوامل مذکور دارد، تهیه می‌شود. عنوان و محدوده این برنامه‌ها، همزمان با تشخیص و تصویب ضرورت آنها، به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رسد.

طرح ایجاد شهرکهای مسکونی

طبق آئین‌نامه‌های موجود، شهرک به محلی اطلاق می‌شود که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها با حداقل ۵۰۰ قطعه زمین، برای احداث واحدهای مسکونی مستقل یا آپارتمانی قابل تملک توسط اشخاص و ساختمانها و تأسیسات مورد نیاز عمومی و اجتماعی سکنه به‌صورت مجتمع برای سکونت و تأمین نیازهای عمومی، اجتماعی و رفاهی شاغلین در بخشهای مختلف اجتماعی و اقتصادی در یک منطقه و به‌منظور رفع کمبود مسکن و جلوگیری از توسعه بی‌تناسب شهرهای مجاور و یا به‌صورت مراکز تفریحی برای استفاده مردم یک منطقه یا مردم سراسر کشور، به‌وجود می‌آید که امور آن را هیئتی از ساکنان و مالکان، با خودیاری خودشان اداره می‌کنند. برنامه ایجاد شهرک در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و با شرایط و ضوابط مندرج در آئین‌نامه‌های استفاده از اراضی

- عمران شهری؛
- مقررات مرتبط با بهداشت شهر و حفظ محیط زیست؛
- مقررات مشارکت شهروندان در مدیریت شهری؛
- مقررات مربوط به اراضی غیرشهری؛
- مقررات زمینهای آموزشی و فرهنگی؛
- مقررات حریم راهها و تأسیسات شهری؛
- مقررات اراضی دولتی؛
- مقررات اراضی موقوفه؛
- مقررات حفظ حریم رودخانه‌ها و دریاها؛
- مقررات حفظ بناهای تاریخی؛
- مقررات منع تغییر کاربری اراضی کشاورزی و جنگل در محدوده و حریم شهرها؛
- مقررات منع آلودگی آب و هوا؛
- مقررات رفت و آمد در شهرها؛
- آئین‌نامه راهها و خیابانهای شهری؛
- ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری ایرانی - اسلامی؛
- ضوابط مربوط به محدوده شهرها؛
- ضوابط مربوط به مکانیابی شهرهای جدید؛ و
- مقررات مربوط به اراضی غیرشهری.

کتاب‌شناسی:

- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. *مقررات شهرسازی و معماری و طرحهای توسعه و عمران، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران*. تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۳.
- سعیدنیا، احمد و دیگران. *مبانی و چارچوب بازنگری شرح خدمات طرحهای شهری*. تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸.
- سیف‌الدینی، فرانک. *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شیعه، اسماعیل. *با شهر و منطقه در ایران*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه علم و صنعتی ایران، ۱۳۸۶-الف.
- شیعه، اسماعیل. *کارگاه برنامه‌ریزی شهری*. چاپ پنجم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶-ب.
- گروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری. *نگرشی بر کلیات برنامه‌ریزی*. تهران: معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.
- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. *مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی*. جلد اول، از آغاز تا پایان ۱۳۷۸، تهیه و

و احداث بنا و تأسیسات خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها صورت می‌گیرد.

طرحهای سایر شهرکها

علاوه بر طرح شهرکهای مسکونی، شهرکهای دیگری وجود دارد که برای فعالیتهای غیرمسکونی و عملکردهای ویژه مانند صنعتی، گردشگری، تفریحی و مانند آنها و براساس مقررات و قوانین مربوط به آنها تهیه می‌شود. این نوع مجتمعها را که فاقد بناهای مسکونی هستند، می‌توان غیرشهرک خواند. غیرشهرک به ساختمانها و تأسیساتی اطلاق می‌شود که برای تأمین نیازمندیهای عمومی، اقتصادی، تجاری، اجتماعی، بهداشتی، تفریحی، آموزشی و نظایر آنها، در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها ایجاد می‌شود.

علاوه بر این موارد، در سطح کشور ضوابط و مقررات شهری ویژه‌ای وجود دارد که تمام آنها در چارچوب ضوابط قانونی و یا آئین‌نامه‌های مصوب و یا تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران و یا شورای عالی شهرسازی و معماری ایران قرار دارد. مبنای اغلب آنها نیز انواع برنامه‌های مذکور است. برای نمونه، به درج نام بعضی از این ضوابط و مقررات و آئین‌نامه‌ها اشاره می‌شود:

- ضوابط ساخت و ساز در شهرهای بدون طرح مصوب؛
- ضوابط ناماسازی در شهرها؛
- مقررات منطقه‌بندی در مناطق مسکونی شهرها؛
- ضوابط ساخت و ساز در اراضی دولتی و شهرداریها؛
- ضوابط بلندمرتبه سازی؛
- مقررات شهرسازی و معماری برای معلولین جسمی - حرکتی؛
- مقررات مربوط به انواع اراضی شهری؛
- ضوابط استفاده از اراضی در مناطق آزاد تجاری و صنعتی؛
- ضوابط تفکیک و افزاز اراضی کشاورزی و باغهای شهری؛
- مقررات نظارت بر ساخت و ساز در محدوده و حریم شهرها؛
- مقررات ملی ساختمان؛
- ضوابط خدمات و ایجاد تأسیسات عمومی شهری؛
- ضوابط مدیریت منابع مالی شهرها؛

توسعه هزاره (M.D.G) در سطح مسائل شهری فراهم آورده است.

برنامه مدیریت شهری در مرحله چهارم از برنامه خود (۲۰۰۲-۲۰۰۶م)، بر نهادینه کردن فرایندهای مدیریت مشارکتی، تحکیم تجارب مرتبط با این هدف و تعمیق دانش و درک مدیریت شهری تأکید دارد. برنامه مدیریت شهری به فعالیتهای ناظر بر اصلاح شرایط زندگی فقرای شهری توجه ویژه دارد. این برنامه از ژانویه ۲۰۰۴م تاکنون، موفق شده است، *دفترهای منطقه‌ای* خود را به یک رشته شبکه‌های منطقه‌ای که توسط مقرها و شبکه‌های این برنامه هدایت می‌شوند، تبدیل کند. این پیشرفتهای جدید و شوق‌انگیز، که طی بیش از ۲ سال گذشته صورت گرفته است، منجر بدان شده است که هدفها و فعالیتهای برنامه مدیریت شهری، ضمن ادامه برخورداری از پشتیبانی برنامه توسعه سازمان ملل و برنامه اسکان بشر، در دست شرکاء و همکاران محلی و منطقه‌ای قرار گیرد.

انتظار می‌رود، این شبکه‌ها بتوانند گسترش بیش از پیش دانشهای اساسی در مورد جنبه‌های مختلف مدیریت شهری و انتقال و تبادل آن را تسریع و تحکیم کنند. این شبکه‌ها خدمات فنی و مشاوره‌ای لازم را در اختیار مقامات محلی و شرکاء جامعه مدنی قرار می‌دهند و از این طریق، بر تحول سیاستهای شهری (← سیاست شهری) در سطح محلی و ملی تأثیر می‌گذارند. شبکه‌های جدید منطقه‌ای به قرار زیرند:

- شبکه افریقایی مؤسسات مدیریت شهری (ANUMI) مستقر در ابیدجان (ساحل عاج)؛
- جایگاه گردهمایی خاورمیانه و افریقای شمالی در مسائل شهری (NENA)، مستقر در رباط (مغرب)؛
- مرکز منابع شهری در آسیا و اقیانوسیه (URCAP) مستقر در بانکوک (تایلند)؛ و
- مرکز منابع شهری در امریکای لاتین و دریای کارائیب، مستقر در کیتو (اکوادور).

کتاب‌شناسی:

- <http://www.undp.org/about/>

(کمال پولادی)

تنظیم مجید احسن، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۲- الف.

- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. *مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی*. جلد دوم، سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، تهیه و تنظیم مجید احسن، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۲- ب.

- American Planning Association. *Planning and Urban Design Standards*. U.S.A., New Jersey: John Wiley and Sons Inc., 2006.

- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, 2005.

- Wheeler, S. M. *Planning for Sustainability*. New York: Routledge, 2004.

اسماعیل شیعه

برنامه مدیریت شهری

Urban Management Programme

برنامه مدیریت شهری که در ۱۹۸۶م مطرح شد، تلاش مهمی است از جانب برنامه اسکان بشر و برنامه توسعه سازمان ملل، به همراه سازمانهای حامی خارجی، برای تحکیم همکاریهای شهرهای کشورهای در حال توسعه در زمینه رشد اقتصادی، اجتماعی و کاهش فقر.

برنامه مدیریت شهری طی ۱۸ سال فعالیت توانسته است، به ترغیب اقدامات نوآورانه در مدیریت شهری و تقویت شبکه مناسبات بین شهرداریها پردازد و به پیشبرد برنامه‌ها و سیاستهای شهری در ابعاد محلی و ملی یاری رساند. برنامه مدیریت شهری، به عنوان شبکه‌ای شامل بیش از ۴۰ مقر و نهاد همکار که ۱۴۰ شهر را در ۵۸ کشور جهان دربر می‌گیرد، توانسته است به صورت پایگاه مشترکی برای همکارانی که با مسائل نوظهور شهری درگیر هستند، درآمد. این برنامه به تلاش خود برای توسعه و کاربرد دانش مدیریت شهری در زمینه‌های حکمروایی مشارکتی، کاهش فقر، مدیریت محیطی و مبارزه با ایدز ادامه می‌دهد. مسائل جنسیتی از مسائلی است که به عنوان مسئله سازمانهای مختلف، در برنامه مدیریت شهری جای دارد. مباحث برنامه مدیریت شهری فرصتهای زیادی را برای اجرای اهداف

توسعه یافته به کار گرفته شد. بعداً در دهه ۱۹۸۰م، منابع اختصاص داده شده به برنامه‌ریزی در بیشتر شرکت‌های بزرگ به تدریج کاهش یافت، زیرا مزایایی که از برنامه‌ریزی راهبردی عقلایی انتظار می‌رفت، در اغلب موارد تحقق پیدا نکرد.

فکر برنامه‌ریزی در بخش عمومی تا مدت‌ها از برنامه‌ریزی راهبردی در شرکتها جدا مانده بود. برای نمونه، کارکنان برنامه‌ریزی شهری در مورد قابلیت کاربرد مدل‌های برخاسته از بخش تجارت برای مسائل شهری سخت تردید داشتند. برنامه‌ریزی راهبردی، در هر حال، با برنامه‌ریزی جامع و فراگیر که در شهرها رایج بود، تفاوت زیادی نداشت. همچنین این موضوع روشن شد که با توجه به تحولات پیاپی که در حکومتها مشهود است، به جای اینکه منتظر وقوع این تحولات بمانیم تا به آنها پاسخ دهیم، بهتر است تلاش کنیم به پیش‌بینی آنها پردازیم. در این فرایند،

برنامه‌ریزی راهبردی

Strategic Planning

واژه راهبرد برگرفته از واژه یونانی Strategos به رهبری نظامی یا کار سرداران جنگی اشاره دارد. این واژه در اواخر سده ۱۷م وارد واژگان انگلیسی شد. این واژه در اصل به معنی نگاه سراسری به چیزهایی است که برای پیروزی در جنگ لازم است؛ بدینسان، این واژه در ارتباط با مفهوم تاکتیک قرار می‌گرفته که به عملیات آبی و بلاواسطه که برای درهم کوبیدن دشمن در یک نبرد منفرد صورت می‌گرفت، اطلاق می‌شد. بعد از جنگ جهانی دوم، فکر برنامه‌ریزی راهبردی به یک آموزه جدید و رایج در برنامه‌ریزی تبدیل شد. برنامه‌ریزی راهبردی در معنای کلی، تلاشی منظم برای انجام تصمیمات و اقداماتی بنیادی است که رسیدن به هدفهای بلندمدت را ممکن می‌سازد.



برنامه‌ریزی راهبردی از جایگاه مهمی برخوردار است. کتاب اثرگذار در این زمینه، راهبرد شرکت بزرگ سهامی (۱۹۶۵م) نوشته ایگور آنسوف است. بعد از انتشار این کتاب، رویکردهای متنوعی ظاهر شده است. در دهه ۱۹۸۰م، مفهوم گسترده‌تر مدیریت راهبردی جای مفهوم برنامه‌ریزی راهبردی را گرفت. از این حیث، برنامه‌ریزی راهبردی را می‌توان نمایشگر مرحله نخست تفکر راهبردی

پیشینه برنامه‌ریزی راهبردی به اوایل دهه ۱۹۶۰م، در بخش تجارت ایالات متحد باز می‌گردد. این برنامه‌ریزی به‌عنوان پاسخی به تحول سریع محیط اقتصادی و رقابت فزاینده، رشد کرد و به این ترتیب، وسایل تازه‌ای در اختیار شرکت‌های بزرگ قرار داد، تا بتوانند عملکرد برنامه‌ریزی خود را بهبود بخشند. از اواخر دهه ۱۹۷۰م، به تدریج در بسیاری از سازمانهای خصوصی و عمومی کشورهای

برنامه - محور بشمار آورد. برنامه راهبردی در زمان ما رویکردی نامتمرکز، فرایند - محور، هدف - بنیاد و سنجیده در نگرش به کار برنامه‌ریزی یکپارچه سازمانهاست. بنابراین، هسته مرکزی این فکر هنوز جای خود را از دست نداده است و عبارت است از شناخت آنچه در بیرون از یک سازمان اتفاق می‌افتد، به منظور تعیین مسیر حرکت سازمان در راه رسیدن به هدف.

عناصر پایه‌ای برنامه‌ریزی راهبردی به قرار زیر است:

- بررسی محیط؛
- شناسایی مسائل راهبردی؛
- تعیین مأموریتها یا هدفهای کلی؛
- تجزیه و تحلیل شرایط بیرونی و درونی (مثل تحلیل SWOT)؛
- طرح‌ریزی راهبردها و برنامه‌های اجرایی؛ و
- عملیات ارزیابی و سنجش.

حاصل اصلی این فرایند برنامه راهبردی است. با این حال، خود این فرایند نیز برای کار سازمان بسیار ارزشمند است، زیرا کمک مهمی است به یک فراگیری همه‌جانبه و منظم برای سازمان.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

آری - ونکو انیتروئیکو
(کمال پولادی)

برنامه‌ریزی راهبردی محیط - محور

Environmental Strategic Planning

فرایندهای توسعه در کشورهای مختلف نشان داده است که فقدان توجه کافی به جایگاه محیط در برنامه‌های توسعه می‌تواند نه تنها برنامه‌های اجرایی توسعه را از اهداف اصلی خود دور سازد، بلکه ممکن است با پیامدهای نامناسب و

نامساعد محیطی همراه باشد. آنچه که امروز در برنامه‌ریزی راهبردی محیط - محور، به طور جدی، در دستور کار مجامع ملی و بین‌المللی قرار دارد، عبارت است از:

• زیرساختها و کشاورزی باید اقلیم - محور و صنعت بایستی انرژی و آب - محور باشد؛ یعنی این دو بخش مهم از فعالیت جوامع در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی با شرایط زیست‌محیطی، به معنای عام آن، هماهنگ و محیط - دوست باشد؛

• صدمات و خطرات محیطی مردمان فقیر باید در فعالیتهای توسعه دیده شود؛ به سخن دیگر، حقوق زیست‌محیطی آنان باید مورد توجه بوده، از آن حفاظت شود؛ و

• نهادهای زیست‌محیطی ضروری است با سایر نهادها که محیط و محیط زیست برای آنها مسئله‌ای فرعی جلوه می‌کند، همکاری بیشتر و مستمرتری داشته باشند.

کارشناسان معتقدند، این‌گونه کوششها بدون فشار مناسب کشورهای ذی‌نفع، پیوند نهادها به یکدیگر و آموختن از تجربیات گذشته نسبت به آنچه که باید برای محیط (زیست) انجام پذیرد، با کامیابی اندکی همراه خواهد بود. شواهد حاکی از آن است که در پرداختن به این مهم، جایگاه شیوه‌های روشمند برای شناخت، تحلیل، برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، مدیریت، هدایت و پایش مغفول مانده است. در مقابل، فعالیتهای برنامه‌های نسبتاً زیادی در این زمینه به اجرا درآمده است که اغلب به مغفول گذاردن اهمیت محیط (زیست) در برنامه‌ها منتهی شده است.

به نظر می‌رسد، برای پیشبرد چنین هدفی، با آموختن از تجربیات پیشین، ترکیب مناسبی از تصمیم‌سازان و کارشناسان حکومتی، بخش خصوصی، توسعه‌گران حرفه‌ای و جامعه مدنی که به پیوند و ادغام جنبه‌های محیطی در توسعه علاقه‌مند باشند، در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی از الزامات پاگرفتن چنین رویکردی خواهد بود.

اتخاذ شیوه‌های کارآمد و بهره‌گیری از ابزار مناسب توسعه محیط - محور، از راهبردهای اساسی در این فرایند بشمار می‌رود. البته، برخی شیوه‌ها و ابزار تاکنون مورد استفاده بوده‌اند، اما ایجاد و توسعه برخی دیگر، به سرمایه و

در توسعه نقش حمایتی مؤثری برعهده گیرند. در همین ارتباط، معاهدات و منشورهای تأیید شده در مجامع بین‌المللی، از جمله سازمان ملل و یا منشور توسعه پایدار (← دستور کار ۲۱)، که جمهوری اسلامی ایران نیز آن را امضاء کرده است، می‌تواند در تسهیل و پیشبرد این مهم مؤثر واقع شوند. برخی از این معاهدات، به صورت غیررسمی، در زمینه شیوه‌ها و ابزار مناسب ادغام محیط در توسعه اقداماتی به انجام رسانده‌اند که اهم آنها عبارتند از:

• **اهداف توسعه هزاره (MDG)** که در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰م مورد تأیید قرار گرفت، چارچوبی را برای برنامه‌ریزی توسعه و همکاری پیشنهاد نمود که وجه کلیدی آن بر هماهنگی و ادغام اصول توسعه پایدار در برنامه‌ها و سیاستهای کشورهای عضو تأکید داشت؛

• **برنامه اجرایی ژوهانسبورگ (JPOI)** که در کنفرانس سران درباره توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲م به تأیید رسید و بر اهمیت چارچوبهای راهبردی و تصمیم‌سازی متوازن برای پیشبرد دستور کار توسعه پایدار تأکید داشت؛ و

• **بیانیه پاریس درباره اثربخشی کمکها (PDOAE)** که در سال ۲۰۰۵م مورد تأیید قرار گرفت و بر این نکته تأکید اساسی داشت که مؤسسات توسعه‌ای بایستی شیوه‌های حمایتی و کمکهای خود را در زمینه‌های توسعه‌ای مورد ارزیابی و تجدیدنظر قرار دهند. علاوه بر این، این بیانیه بر این جنبه نیز تأکید می‌ورزد که مؤسسات توسعه‌ای باید در هماهنگی بیشتر با کشورهای در حال توسعه، از اولویتهای آنها و نیز تدوین راهبردهای لازم توسط کارشناسان آنان، و همچنین، اتخاذ شیوه‌ها و انتخاب ابزار مناسب برای دستیابی به این اولویتهای حمایت بیشتری کنند. علاوه بر این، این بیانیه ایجاد نظامهای کشوری هماهنگی محیطی را توصیه می‌کند.

البته، چنین امری بدون قابلیت‌سازی امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا توسعه قابلیتها، شیوه‌ها و ابزار مؤثر ادغام محیط در توسعه لازم و ملزوم یکدیگرند. علاوه بر این، در اغلب کشورها طیف قابل توجهی از راهبردهای ملی، منطقه‌ای و حتی محلی در تصمیم‌سازی و روند برنامه‌ریزی، در کنار

مهارت نیازمند است. آنچه در این میان مهم جلوه می‌کند، این واقعیت است که شیوه‌ها و سازوکارهایی که در جاهایی بنابر تجربه عملی کارآمد بوده‌اند، ممکن است در جاهای دیگر، ناکارآمد و با پیامدهای نامناسب همراه باشند. بنابراین، شیوه‌های تحمیلی که در برخی موارد توسط نهادهای بین‌المللی و اغلب از شمال به جنوب، از طریق توصیه‌های متعارف، تحمیل می‌شود، باید به‌طور جدی در ابعاد مختلف کارآمدی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. چه بسا شیوه‌های بومی کارآمد که در سطوح محلی می‌توانند به نحو تعیین کننده‌ای مؤثر واقع شوند، اما از سوی نهادهای بین‌المللی، بیشتر به خاطر ناآشنایی با این شیوه‌ها، مورد غفلت قرار می‌گیرند. بنابراین، باید توجه داشت که کدام شیوه‌ها و ابزار با توجه به ویژگیهای محلی و منطقه‌ای، برای چه کسانی و با چه اهدافی، بهتر و مناسب‌تر هستند. آشکار است که باید شیوه‌ها و ابزاری را که بهتر می‌توانند زمینه‌ساز پیشبرد سیاستها، برنامه‌ها و تصمیمات باشند، اتخاذ نمود.

مؤسسات بین‌المللی توسعه‌ای (مؤسسه بین‌المللی محیط و توسعه) با مشارکت یکدیگر در کنفرانس سران سازمان ملل، برای برنامه‌های ۲۰۰۵م، در این زمینه برخی فعالیتها را پیشنهاد کردند که براساس تجربیات پیشین بر نتایج زیر استوار بود:

• سرمایه‌گذاری در مدیریت محیطی می‌تواند با پیامدهای قابل توجهی همراه باشد که بیش از همه با منافع افراد فقیر همساز است؛

• سازمانهای محلی، در عمل، می‌توانند در پیشبرد ادغام محیط در توسعه بسیار مؤثر و در سطح اجرایی کارآمد باشند، تا جایی که می‌توان آنها را کارگزاران اصلی پیشبرد سیاستها و خط‌مشیهای ادغام محیطی در توسعه بشمار آورد؛

• مقامات و نهادهای ملی توسعه و محیط لازم است، به‌ویژه در برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی و اجرا، با یکدیگر همکاری نزدیک‌تر و بیشتری داشته باشند؛ و

• نهادها و مؤسسات جهانی همکاریهای توسعه می‌توانند از برنامه‌ها و اقدامات خوب (← اقدام خوب) در ادغام محیط

است که نه تنها در سطوح ملی و منطقه‌ای قابلیت کاربرد دارند، بلکه می‌توانند به‌عنوان سازوکارهای مهم پیشبرد ادغام محیط در توسعه، مورد شناسایی بیشتر و تدوین راهبردی قرار گیرند و در صورت امکان، به مجامع بین‌المللی معرفی شوند؛ و

- اهتمام در زمینه شناسایی شیوه‌ها و راهکارهای مناسب بومی در ادغام محیط در توسعه، می‌تواند در بستری مناسب، زمینه‌ساز نزدیکی و همکاریهای بیشتر منطقه‌ای و جهانی گردد.

برخی مقررات و قوانین، وجود دارد که محیط را در توسعه پوشش می‌دهد؛ از جمله آنهاست:

- راهبردهای فقرزدایی؛
 - راهبردهای توسعه پایدار (← توسعه پایدار)؛ و
 - سیاستها و برنامه‌های بخش - محور.
- گذشته از این موارد، برخی مؤلفه‌های غیررسمی، مانند افراد و گروههای محلی (خیرین در ایران)، وجود دارند که نقش آنها در فرایند اجرای برنامه‌های توسعه می‌تواند به‌سوی ادغام جنبه‌های محیطی در توسعه هدایت شود.



از سوی دیگر، شناخت شیوه‌های مناسب و به کارگیری بهترین آنها در فرایند ادغام محیط در توسعه، مستلزم توجه به این نکته اساسی است که بسیاری از این شیوه‌های هرچند مناسب در سطح بین‌المللی، تا چه حد می‌توانند با الزامات و شرایط بومی کشورها سازگار و هماهنگ باشند؛ اتخاذ این شیوه‌ها بدون توجه به الزامات و شرایط خاص هر یک از آنها، ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای به همراه داشته باشد. این الزامات و جنبه‌ها از جمله عبارتند از:

- بی‌توجهی به الزامات منابع مالی، مهارتی و زمانی این شیوه‌ها گاهی موجب می‌شود تا از رویکردهای منابع - بر استفاده شود، حال آنکه چه بسا چارچوب تصمیم‌سازی

به نظر می‌رسد، تحقق این ۴ وجه مورد بحث، منوط به پیش شرطهای زیر است:

- دولتها، بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی در کشورهای در حال توسعه، نقشی بنیادی در روند ادغام مباحث محیطی در فرایند توسعه برعهده گیرند؛ در این راه، طبقاً باید شیوه‌های توصیه شده توسط سازمانهای جهانی که اغلب برآمده از شرایط کشورهای توسعه‌یافته نشأت گرفته‌اند، از لحاظ سازگاری با محیطهای این‌گونه کشورها مورد ارزیابی جدی قرار گیرند و از کپی برداریهای محض، به‌طور جدی، اجتناب شود؛
- در کشورهای در حال توسعه شیوه‌ها و ابزارهای در دسترس

برنامه‌ریزی زیست‌محیطی

Environmental planning

برنامه‌ریزی محیط زیست فرایندی است مستمر که می‌کوشد بهترین استفاده از تکه محدودی از سطح کره زمین را برای انسان فراهم آورد، ضمن اینکه فراوردگی و زیبایی آن تکه از سرزمین حفاظت شود. بنابراین، برنامه‌ریزی محیط زیست، برنامه‌ریزی برای حفظ و توسعه محیط زیست در سرزمین به‌عنوان الگوهای فضایی اکوسیستمها با هدف نگهداری ظرفیت پایداری طبیعت و حمایت از زیبایی منظرهای آن است.

برنامه‌ریزی محیط زیست به محیط زیست به‌منزله یک سامانه سرشار از عوامل زنده، غیرزنده و انسانی می‌نگرد و بر اصول زیر تکیه دارد:

- حمایت گونه‌ها در تمام سرزمینها؛
- حراست و بازگردانی خاکها با جلوگیری از تخریب آنها؛
- حراست و بازنگری کیفیت آب با جلوگیری از آلودگی آنها و بازپروری رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دریاها؛
- حمایت از جلوه‌های زیبای سرزمین برای نگهداری و ارتقاء استفاده تفریحی از آن؛
- حراست از محیط زیست با میسر ساختن استفاده پایدار از آن برای انسان؛ و
- استفاده منطقی انسان از سرزمین و حفظ زیبایی آن و همچنین کوشش در زدودن و یا پیشگیری از بروز آلودگیهای محیط زیست.

در هزاره سوم برای دستیابی به هدفهای برنامه‌ریزی محیط زیست، برنامه‌ریزی برای توسعه در محیط زندگی با رهیافت توسعه پایدار مدنظر است. در یک تعریف کلی، ماهیت عمومی توسعه پایدار و درخور، عبارت از سلوک به‌هم پیوسته جنبه‌های اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تغییر در درازمدت است. توسعه پایدار محیط زیستی زیرمجموعه توسعه پایدار است که بر جنبه‌های محیط زیستی به همراه روشهای مربوط و ساختارهای نهادی آن تکیه دارد. توسعه پایدار محیط زیستی یک اجبار اخلاقی را القا می‌کند، یعنی عدالت در استفاده مشترک از محیط زیست.

سریع، ساده و کم‌هزینه‌ای بتواند به‌نحوی بهتر و مؤثرتر به اهداف مورد نظر دست یابد؛

• پرهیز از به‌کارگیری شیوه‌هایی که در شرایط همانند، هنوز از عرصه امتحان و آزمون به‌طور موفق بیرون نیامده‌اند؛

• بهره‌گیری از شیوه‌هایی که از بیشترین مناسبت با شرایط بومی برخوردارند؛

• غفلت از ابزار و شیوه‌ها و منابع بومی که با زمینه‌ها و شرایط محلی سازگاری بیشتر و مناسب‌تری دارند؛

• اتخاذ رویکردهای عام نسبت به ادغام محیطی که عمدتاً یک مقوله سیاسی و حکومتی به حساب می‌آید؛ و

• اتخاذ رویکردهایی که از شفافیت کافی نسبت به اهمیت ابعاد محیطی برخوردار نیستند.

کتاب‌شناسی:

- Dahl, Arthur Lyon. *The Eco Principle: Ecology and Economics in Symbiosis*. London and New Jersey: Zed Books, 1996.
- IISD (1996). *Report of the Conference on Sustainable Development Performance Measurement*. Bellagio, Italy, 4-8 November 1996. IISD, Winnipeg, 1996.
- United Nations. *Report of the United Nations Conference on Environment and Development*. Rio de Janeiro, 3-14 June 1992.
- United Nations. *Agenda 21: Programme of Action for Sustainable Development*. New York, 1993.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development, Framework and Methodologies*. New York, August 1996.
- UNEP. *Global Environment Outlook 1997*. Oxford and New York: Oxford University Press, 1997.
- World Bank. *Monitoring Environmental Progress*. Washington, D.C.: The World Bank, 1995.
- World Commission on Environment and Development. *Our Common Future*. Oxford and New York: Oxford University Press, 1987.
- <http://www.povertvenvironment.net/pep/>;
- <http://www.undp.org/pei/peppapers.html>.

عبدالرضا رحمانی فضلی

برنامه‌ریزی روستایی ← توسعه روستایی

به عبارت دیگر، ایجاد توازن بین کیفیت محیط زیست و استفاده از منابع، یکی از عناصر اساسی توسعه پایدار و چیزی بیش از حمایت و حفاظت محیط زیست است. تداوم اکولوژیک، بازدهی اقتصادی و عدالت اجتماعی ۳ اصل خدشه‌ناپذیر توسعه پایدار زیست‌محیطی هستند که مکمل یکدیگرند. برنامه‌ریزی زیست‌محیطی با در نظرگیری ماهیت توسعه پایدار باید این ۳ اصل را با هم به حساب آورد.

توسعه پایدار در یک محیط یا کشور با در نظر گرفتن توان اکولوژیک، نیروی انسانی، فناوری و منابع مالی متعلق به آن محیط یا کشور و درخور آن می‌تواند تحقق یابد و انجام چنان توسعه‌ای تنها در محیط یاد شده پایدار خواهد بود.

در اوایل، متخصصان محیط زیست به خاطر آنکه موقعیت شغلی خود را تثبیت نمایند، بیشتر در امور حفاظت محیط زیست کوشیدند تا توسعه آن. این خود شبهه‌ای برای سایر متخصصان، دولتمردان و مردم عادی به وجود آورد که این متخصصان مخالف توسعه‌اند. درحالی‌که محبت برنامه‌ریزی زیست‌محیطی که روی نظریه‌ها و کاربردهای

عملی مکتبهای برنامه‌ریزی برای توسعه کار می‌کند، اصولاً حفاظت و توسعه را لازم و ملزوم همدیگر به حساب می‌آورد. متخصص واقعی محیط زیست بر این باور است که بدون توسعه اساساً زندگی معنایی ندارد. ما باید در طبیعت دست‌اندازی کنیم، تا زنده بمانیم. ما باید موجودات زنده دیگر را بکشیم تا خود زنده بمانیم. اما علاوه‌براین، متخصص محیط زیست ضمناً بر این عقیده پافشاری دارد که دست‌اندازی در طبیعت و یا کشتن سایر موجودات زنده باید تابع اصول، قواعد و قانونمندیهای طبیعت باشد و با نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان ساکن در آن طبیعت مطابقت داشته باشد. از این رو، حدی برای توسعه قائل است تا آن نوع توسعه بتواند پایدار باشد.

برای مثال، اگر کارخانه آذراب در شهر اراک، بدون توجه به ضوابط توسعه پایدار، با فناوری ژاپنی برای تولید لوله‌ای که با استانداردهای داخل کشور هماهنگ نیست ایجاد شد و فرآورده‌های آن در بازار، به خاطر عدم وفاق با نیاز بازار و مردم، به فروش نرسید و کارخانه از کار افتاد، به خاطر آن بود که بدون ضوابط توسعه پایدار تأسیس شد. زیرا این نوع توسعه اگر می‌خواست پایدار باقی بماند، باید



برنامه‌ریزی زیست‌محیطی

مرتعداری کرد، کجا می‌توان جنگلداری انجام داد، کجا می‌توان فرودگاه بنا نهاد، کجا می‌شود شهر و شهرک جدید ساخت، کجا به کار ساختن پارک می‌آید، کجا به درد آبی‌پروری، دامداری یا مرغداری می‌خورد، جاده‌ها را کجا باید ساخت، بندرها کجا ساخته شوند و کارخانه‌ها در کجا بهتر جا می‌افتند. سپس برای هر یک از انواع توسعه یاد شده و یا استفاده‌ها (کاربریه‌ها) با توجه به نوع استفاده فعلی زمین و نیازهای اقتصادی - اجتماعی مردم آن منطقه و کشور، برنامه‌ریزی در سطح مدیریت (پروژه اجرایی) انجام می‌پذیرد. پروژه‌های اجرایی تماماً در رابطه با یکدیگر سنجیده شده، ساماندهی و طرح‌ریزی می‌شوند.

برای داشتن طرح یا طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی می‌شود، یعنی اول مشخص می‌گردد که اگر از توان تولیدی اندوخته طبیعی بهره‌برداری شود (محصولی به دست بیاید که مستقیماً قابل تبدیل به پول باشد، مثل فروش رویش درخت جنگل) و یا بهره‌وری گردد (محصولی به دست بیاید که مستقیماً قابل تبدیل به پول نیست، مثل استفاده از هوای شهر یا تبدیل جنگل به پارک)، چه میزان سرمایه مورد نیاز است؟ آیا سرمایه کافی وجود دارد؟ آیا محصول به دست آمده از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است؟ (منابع مالی). دوم آنکه چه فن و روشی در اختیار است تا بهره‌برداری و یا بهره‌وری از اندوخته ممکن شود؟ (فناوری). سوم آنکه این اندوخته چند نفر بهره‌برداری و یا بهره‌وری می‌کنند و برای تبدیل اندوخته به محصول، به چند نفر نیروی انسانی ماهر و غیرماهر نیاز است و آیا این نیروها در اختیار هستند؟ (نیروی انسانی).

بدین ترتیب، اجرای توسعه پایدار مؤثرترین روش فناورانه برای کاهش آلودگیها و به کارگیری رشد جمعیت به‌منزله منابع نیروی انسانی برای توسعه آینده و فایده‌رسانی به جامعه است. درعین حال، انجام توسعه از نوع پایدار در چارچوب طرحهای آمایش سرزمین، کالبدی، منطقه‌ای، ساماندهی، طرح جامع و برنامه‌ریزی زیست‌محیطی (که همگی ماهیتاً همطرازند)، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه‌حل مشکل تخریب محیط زیست، بازدهی اقتصادی و رفاه اجتماعی است، البته در صورتی که طرحهای توسعه بر این

برای راه‌اندازی آن بین ۴ عامل زیر هماهنگی ایجاد می‌شود:

- ارزیابی توان طبیعی محیط زیست اراک برای راه‌اندازی آن نوع توسعه (مشکل شکل زمین اراک، اقلیم، تأمین آب و جز اینها)؛

- نیروی انسانی ماهر و غیرماهر اراک و ایران برای این توسعه؛

- فناوری و ساختارهای زیربنایی اراک و استان مرکزی؛ و

- منابع مالی استان مرکزی و ایران.

متخصص محیط زیست در واقع، مخالف این نوع توسعه است، زیرا در اغلب کشورهای در حال توسعه، خرابی محیط زیست به خاطر برخورد شعارگونه با محیط زیست و توسعه پایدار و عدم به کارگیری توسعه پایدار در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی رخ می‌دهد. این معنا بیان‌کننده آن است که برای انجام توسعه در محیط زیست، پیش از برنامه‌ریزی برای استفاده از آن، باید به ارزیابی توان اکولوژیک آن در چارچوب یک برنامه‌ریزی منطقه‌ای پرداخت.

به عبارت ساده‌تر، انسان باید آن استفاده‌ای را از سرزمین به عمل آورد که ویژگیهای طبیعی (اکولوژیک) سرزمین دیکته می‌کند و سپس این ویژگیها را با نیازهای اقتصادی - اجتماعی خود وفق دهد. برای مثال، در سرزمینی که شیب زمین از ۱۲٪ بیشتر است، امکان کشاورزی فشرده و پر تولید وجود ندارد. یا در جایی که سنگ مادر شیب است، نمی‌توان شهرسازی کرد و توقع ریزش خانه‌ها را نداشت. از این قرار، ارزیابی توان اکولوژیک اول به یافتن مناسب‌ترین مکان برای برپایی انواع توسعه انسان می‌پردازد و هنگامی که مکان تمام انواع توسعه و یا استفاده ممکنه مشخص شد، به آراسته کردن آن در رابطه با یکدیگر، در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا برنامه‌ریزی زیست‌محیطی، اقدام می‌کند.

هنگامی که یک منطقه برای کار برنامه‌ریزی منطقه‌ای (برنامه‌ریزی زیست‌محیطی) در نظر گرفته می‌شود، اول مشخص می‌گردد که طبق ویژگیهای اکولوژیک سرزمین (اقلیم، آب، سنگ، خاک، پستی و بلندیها، رستنیها و جانوران) کجا به کار کشاورزی می‌آید، کجا می‌توان

چارچوب استوار باشند و نه فقط بر معیارهای اقتصادی و رشد اقتصادی.

فرایند برنامه‌ریزی زیست‌محیطی در شیوه ایرانی شده روش انگلوساکسن، شامل ۱۰ گام است:

• **تعیین محدوده برنامه‌ریزی محیط زیست.** در روال طبیعی برنامه‌ریزی زیست‌محیطی، یعنی برنامه‌ریزی در سطح منطقه‌ای، محدوده کار منطقه هیدرولوژیک است که به حوزه‌های آبخیز و زیرحوزه‌های آن تقسیم می‌شود. در این صورت، واحد کار برنامه‌ریزی/آبخیز است که می‌تواند شامل روستاها، دهستانها، شهرها و شهرستانها باشد. منطقه هیدرولوژیک یک فرا استان است که ممکن است شامل چند استان شود. اما در شرایط اضطراری و استثنایی، این محدوده برنامه‌ریزی را می‌توان هریک از مجموعه‌های یادشده در منطقه هیدرولوژیک در نظر گرفت؛

• **شناسایی و نقشه‌سازی داده‌ها در پهنه.** نقشه‌سازی داده‌های اکولوژیک، شامل نقشه‌های اقلیم، منابع آب، شکل زمین، سنگها، خاکها، رستنیها و زیستگاه جانوران، در مقیاسهای بین ۱:۵۰۰۰۰ تا ۱:۲۵۰۰۰۰ ضرورت نخستین برنامه‌ریزی زیست‌محیطی است. سپس نقشه‌سازی داده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقیاس یادشده تکمیل‌کننده شناسایی داده‌های اکولوژیک می‌شود. این داده‌ها عبارتند از: طبقه‌بندی درآمد در کاربریها، اشتغال، تراکم جمعیت، آموزش، کاربریهای فعلی، پارکها، مناطق حفاظت شده و حساس، آلودگیها، صنایع، سکونتگاهها، خدمات زیربنایی (مراکز بهداشتی، آموزشی، بازرگانی، خدمات انسانی)، آثار سیاسی باستانی، تاریخی، ملی و مذهبی و مراکز اقتصادی؛

• **تجزیه، تحلیل و جمع‌بندی داده‌ها در پهنه.** داده‌های اکولوژیک در یگان نقشه‌سازی اکولوژیک که هر یگان ترکیبی از پیراسنجه‌ها یا داده‌های اکولوژیک است، تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی می‌شوند. چنین تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی در مورد داده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در یگان نقشه‌سازی زونها و با مرزهای سیاسی (دهستان، شهرستان) به عمل می‌آید؛

• **ارزیابی توان اکولوژیک پهنه.** ویژگیهای اکولوژیک هر

یگان اکولوژیک با مدل‌های اکولوژیک ایران مقایسه شده و توان هر یگان برای کاربریهای توانمند در پهنه، ارزیابی و فهرست می‌شود. این فهرست به فهرست مجاز کاربریها در پهنه مشهور است؛

• **ارزیابی توان و نیاز اقتصادی- اجتماعی پهنه.** همانند گام چهارم، ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر یگان نقشه‌سازی، ارزیابی شده و فهرست نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی پهنه تهیه می‌شود؛

• **سنتز داده‌ها (جمع‌بندی توان و نیاز).** فهرست مجاز کاربریها (توان اکولوژیک) با فهرست نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی سنتز شده و فهرست کاربریهای طرحهای عمرانی محیط زیست تعیین می‌شوند؛

• **برنامه‌ریزی راهبردی.** فهرست کاربریهای طرحهای عمرانی محیط زیست در سطح آبخیزها، زیرحوزه‌ها، حوزه‌ها، منطقه‌ها و کشور اولویت‌بندی و ساماندهی (برآورد سازگاری و ناسازگاری بین کاربریها) شده و فهرست برنامه‌های راهبردی برای یک دوره درازمدت ۲۵ ساله تعیین می‌شود؛

• **سیاستگذاری.** برنامه‌های راهبردی ۲۵ ساله در ۵ دوره کوتاه‌مدت، با توجه به خط‌مشی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیط زیستی کشور اولویت‌بندی می‌شوند؛

• **طرح‌ریزی.** در هر دوره کوتاه‌مدت، طرح‌ریزی برای کاربریهای اولویت‌بندی شده برای دوره طرح‌ریزی شده و راهکارها، ساختار سازمانی، زمان‌بندی و بودجه‌بندی برای اجرای پروژه تعیین می‌شوند؛ و

• **ارزیابی اثرات توسعه پروژه‌ها.** برای آنکه روشهای فنی و اجرایی پروژه‌ها همراه و همگام ملاحظات محیط زیستی شوند که آثار و پیامدهای ناگوار محیط زیستی به خاطر اجرای پروژه بروز نکنند. برای اجرای برنامه‌ریزی زیست‌محیطی انتظار این است که توسعه‌ها پایدار باشند و خرابی پسرقتگی در محیط زیست بروز نکند. به عبارت ساده‌تر، عدالت و رفاه اجتماعی، بازده اقتصادی و محیط زیست سالم برای انسان زیست‌مند در محیط زیست (مثلث توسعه پایدار) به منصفه ظهور برسد.

برنامه‌ریزی شهری

Urban Planning

مفهوم

برنامه‌ریزی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی شهری شامل وجوه توسعه در ابعاد گوناگون شهر و نواحی پیرامونی آن است. هدف از برنامه‌ریزی، استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از اتلاف منابع محدود است. بدینسان، برنامه‌ریزی با شناخت دقیق امکانات بالقوه و بالفعل و به‌منظور رفع نیازهای جامعه، ایجاد هماهنگی بین نهادهای مرتبط با آن، اصلاح نظامهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، ایجاد عدالت در توزیع امکانات، تغییر روند عادی به‌منظور هدایت به‌سوی آرمانهای مورد نظر و در نهایت، نیل به آینده‌ای مطلوب صورت می‌پذیرد. آشکار است که این‌گونه هدفها در برنامه‌ریزی شهری نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. براین اساس، هدف برنامه‌ریزی شهری ارائه بهترین شکلهای استفاده از اراضی شهری، دستیابی به حداکثر بهبود کالبدی شهر با توجه به محدودیت منابع، امکانات و سطح نیازها، غنی‌تر کردن و زیباتر کردن محیط زندگی و بالا بردن سطح کیفی رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) و اقتصادی، محافظت از منابع و زیباییهای طبیعی و ترویج ضوابط بر مبنای شرایط محیطی شهر است.

برنامه‌ریزی شهری از نظر محتوایی معنای گسترده‌ای دارد و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی و فنون مرتبط با شهر را دربر می‌گیرد. اگرچه برنامه‌ریزی شهری از نظر اصول و نحوه کار بر شهرها سابقه‌ای طولانی دارد و اقدامات موضعی مرتبط با شهرهای گذشته را می‌توان به نوعی برنامه‌ریزی شهری قلمداد کرد، ولی سابقه شکل‌گیری آن به شیوه جدید به پس از انقلاب صنعتی و به‌ویژه سده ۱۹م بازمی‌گردد. گسترش نامتعادل شهرها، بروز مشکلاتی همچون مسکن ناسالم، آلودگیهای محیطی، جدایی‌گزینی اجتماعی، اختلاف سطح درآمد، کمبود زمین و افزایش قیمت آن، تراکم بیش از اندازه، رشد نااندیشیده شهرها و موارد مشابه آنها، در کنار تحولات ناشی از

- مخدوم، م. و همکاران. *واژه‌نامه محیط زیست*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- مخدوم، م. «تجربه جهانی رابطه متقابل جمعیت و توسعه از دیدگاه محیط زیست»، *مجموعه مقالات سمینار منطقه‌ای اثرات متقابل جمعیت و محیط زیست بر توسعه پایدار شهری و روستایی*. تهران: مرکز منطقه‌ای مطالعات و پژوهشهای جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، یونسکو، ص ۱۵-۲۰، ۱۳۷۴.
- مخدوم، م. «حفاظت از محیط زیست چیست؟ حمایت از محیط زیست کدامست؟»، *کتاب طبیعت*. شماره ۱، ص ۱۴-۱۷، ۱۳۷۶.
- مخدوم، م. *شالوده آمایش سرزمین*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- مخدوم، م. و همکاران. *ارزیابی و برنامه‌ریزی محیط زیست با سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- میلر، ج. ت. *زیستن در محیط زیست*، ترجمه مجید مخدوم، چاپ نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- Barschk, H. "Landscape planning", *Development and Perspectives of Landscape Ecology*. O. Bastoan and U. Steinhardt (ed). Boston: Kluwer Academic publishers, 2002.
- Ehrlich, P. "Too Many Rich People", *Our plant*. 6 (3): 12-13, 1994.
- Gatto, M. "Sustainabilty: Is It a Well Defined Concept?", *Ecologia*. No. 6, 1995.
- Makhdoum, M. F. "Environmental Unit: An Arbitrary Ecosystem For Land Evaluation", *AGEE*. 41 (2): 209-214, 1992.
- Makhdoum, M. F. *First application of automated land evaluation in Iran*. Environ. Manage. 17 (3): 410-417, 1993.
- Myers, N. "The Cairo Crunch", *People and the Plant* 3. (3): 37, 1994.
- Von Baeyer, H. C. "Disorderly conduct", *The Sciences*. 37 (3): 15-17, 1997.
- Weiland, U. "Sustainable Development of Cities and Urban Regions", *Development and Perspectives of Landscape Ecology*. O. Bastian and U. Steinhardt (ed), Boston: Kluwer Academic Publishers, 397-404, 2002.

مجید مخدوم

صنعت، مانند تخصص و تقسیم کار، تمرکز سرمایه، تحول در حمل و نقل و سرعت، توسعه مراودات اقتصادی، بالا رفتن سطح درآمد و گسترش وسایط ارتباط جمعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری و رشد اندیشه‌های مرتبط با برنامه‌ریزی شهری نوین در جهان شده است. علاوه بر این، وضع قوانین بهداشت عمومی و تدوین برنامه‌هایی برای بهبود شرایط زندگی در شهرها در سده ۱۹م اروپا و موج گسترده مهاجرت‌ها به ایالات متحد، در تدوین برنامه‌های مرتبط با شهر مؤثر بود. در اواخر سده ۱۹م، برنامه‌های اصلاح‌گرایانه ابنزر هوارد، پاتریک گدس، اتو واگنر، کامیلو زیته و بسیاری دیگر در تقویت نگرش به شهر و تدوین برنامه برای آن، نقش بسزایی داشته است. در اولین کنفرانس برنامه‌ریزی شهری که در ۱۹۰۹م در شهر واشینگتن دی سی برپا شد، فردریک آلمستد اعلام داشت، برنامه‌ریزی شهری تلاشی به منظور انجام اعمالی است که نتایج آنها، نظارت بر شهر را برای حفظ منافع مردم شهری و بهبود محیط آنها در پی دارد. چنین زمینه‌هایی باعث ایجاد اولین سازمان برنامه‌ریزی شهری در ۱۹۱۷م در ایالات متحد آمریکا شد. ادوارد باست از اولین کسانی است که در ۱۹۱۶م، با تدوین برنامه تفکیک زمین، اولین طرح جامع شهری را در ایالات متحد تهیه کرد. از این رو، از او به عنوان پدر برنامه‌ریزی شهری در عصر جدید نام می‌برند.

در بریتانیا هنگامی که ریموند آنوین اولین برنامه خود را ارائه کرد، برنامه‌ریزی شهری به شیوه جدید آغاز شد. بعد از طرح هوارد که در ۱۸۹۹م طرح باغشهر (← باغشهر) را ارائه داد، در ۱۹۰۷م سازمان برنامه‌ریزی شهری در بریتانیا تأسیس شد که تا ۱۹۴۱م دوام یافت.

امروزه، برنامه‌ریزی شهری شامل فرایند مدیریت برای دستیابی به اهداف ویژه در ارتباط با نظام شهری است. فعالیت برنامه‌ریزی شهری در مقیاسهای مختلف مکانی صورت می‌گیرد. این فعالیت با رفع مشکلات و اصلاح شرایط شهری سر و کار دارد. برای نمونه، نوآوری و تدوین برنامه‌هایی به منظور عدم تمرکز، بهبود وضع شهرها و همچنین تدوین برنامه‌های مسکن، طرح‌های حمل و نقل، تأمین خدمات رفاهی و اجتماعی بهتر و آینده‌نگری برای

شهر از جمله مضامین برنامه‌ریزی شهری تلقی می‌شود. بدینسان، برنامه‌ریزی شهری مجموعه گسترده‌ای از فعالیتهای نظام‌مند است که به منظور نیل به اهدافی برای آینده شهر در نظر گرفته می‌شود. این اهداف می‌تواند شامل حفاظتهای محیطی، توسعه شهری، اشکال مختلف فعالیتهای اقتصادی، عدالت اجتماعی و مانند آنها باشد. برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان یک تخصص اغلب با مدیریت توسعه زمین در مقیاس شهری و منطقه‌ای همراه است، ولی دامنه آن به مبانی اصلی بازمی‌گردد که حاصل آن به اجرای یک یا چند برنامه برای دستیابی به وضعیت مطلوب آینده می‌انجامد. این برنامه هم در بخشهای عمومی و هم در بخش خصوصی صورت می‌پذیرد. برنامه‌ریزی شهری به‌منظور تدوین برنامه‌ها و نحوه استقرار مناسب سکونتگاهها انجام می‌گیرد و از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین شهرها را شامل می‌شود.

برنامه‌ریزی شهری می‌کوشد، جنبه‌های کالبدی و خدماتی شهر را به شیوه‌ای انتظام بخشد، تا حداکثر کارایی را به همراه داشته باشد و نتایج آن، به بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی ساکنان شهر بیانجامد. در این راه، نحوه استفاده از زمین، برنامه‌های حمل و نقل و راههای ارتباطی شهر، دسترسی به خدمات و ترویج معیارها و ضوابط مورد توجه ویژه است. بدینسان، اهداف محسوس برنامه‌ریزی شهری شامل بهترین راه استفاده از زمینهای شهری، حداکثر توسعه کالبدی شهر با توجه به محدودیت منابع برای پاسخگویی به نیازها، و زیباتر و غنی‌تر کردن کیفیت زندگی و محافظت از منابع و زیباییهای طبیعی و تاریخی شهر است.

چارچوب برنامه‌ریزی شهری بر مبنای برنامه‌ای توسعه‌ای قرار دارد. برنامه توسعه‌ای، برنامه‌ای است برای پاسخگویی به انتظارات اجتماعی و اقتصادی جامعه و ایجاد ساختار مناسب کالبدی برای تأمین یک زندگی مناسب و قابل قبول برای ساکنان. شکی نیست که در هر برنامه توسعه‌ای، فرهنگ، رفاه، عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)، سطح قابل قبول اقتصادی، حقوق فردی و اجتماعی، سلامت طبیعی و انسانی، کاربری مناسب زمین، گذران اوقات فراغت، حفاظت از پیشینه‌های فرهنگی و در

می‌شود و سپس به تجزیه و تحلیل وضع موجود می‌رسد. در تجزیه و تحلیل به شناخت مسائل، امکانات و محدودیتها در ابعاد مختلف کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فنی و مانند آن می‌پردازند. آنگاه، نوبت به راههای ممکن /اقدامات و انواع راه‌حلهایی که می‌تواند برای شهر نسبت به امکانات، محدودیتها و شرایط آن نتایج مطلوبی را در پی داشته باشد، می‌رسد. بعد از این مرحله، ارزیابی انواع راه‌حلهای مطرح می‌شود و از بین آنها، انتخاب بهترین آنها که بیشترین قابلیت را برای نیل به هدفها داشته باشد، صورت می‌گیرد. مرحله آخر، به پیشنهاد و اجرای محتوای برنامه اختصاص دارد. این برنامه برای مدت زمان معین پیشنهاد می‌شود و در پایان دوره مجدداً برنامه‌ریزی شهری با پژوهش محیط آغاز می‌شود و دور تسلسل ادامه می‌یابد.

برنامه‌ریزی شهری در محتوای خود تقسیمات مختلفی دارد که هر یک نوع ویژه‌ای از برنامه‌ها را دنبال می‌کند. برای نمونه، برنامه‌ریزی شهری از نظر زمانی به ۳ دوره کوتاه، میان و بلندمدت تقسیم می‌شود. برنامه‌ریزی شهری از دیدگاه مبانی نظری و محتوایی و برحسب نحوه نگرش، انگاره‌ها و رهیافتهای مورد نظر و نیز سطوح نظری یا عملی، انواع مختلفی دارد. صرف نظر از انواع دیدگاههایی که در تعریف برنامه‌ریزی شهری، سطوح، گرایشها و محتوای آن وجود دارد، مهم‌ترین این برنامه‌ریزیها عبارتند از: برنامه‌ریزی اجتماعی؛ برنامه‌ریزی ارشادی؛ برنامه‌ریزی اصلاح‌نگرانه؛ برنامه‌ریزی اقتصادی؛ برنامه‌ریزی اقتضایی؛ برنامه‌ریزی برابرنگر؛ برنامه‌ریزی تأسیسات زیربنایی؛ برنامه‌ریزی تخصیصی؛ برنامه‌ریزی تفریحی؛ برنامه‌ریزی جامع؛ برنامه‌ریزی حمل‌ونقل؛ برنامه‌ریزی خانه‌سازی؛ برنامه‌ریزی راهبردی؛ برنامه‌ریزی عملکردی؛ برنامه‌ریزی عملیاتی؛ برنامه‌ریزی فضایی؛ برنامه‌ریزی کاربری زمین؛ برنامه‌ریزی کالبدی؛ برنامه‌ریزی محله‌ای؛ برنامه‌ریزی محیطی؛ برنامه‌ریزی مردمسالارانه؛ برنامه‌ریزی مشارکتی؛ و برنامه‌ریزی نواحی مسکونی. بسیاری از این انواع به‌طور مستقیم با برنامه‌ریزی شهری در ارتباط هستند. برخی نیز به‌عنوان زیربخش برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شوند. در طول ۵۰ سال گذشته، ۳ نگرش عمده فکری بر

صورت لزوم، اصلاح محیط اجتماعی و کالبدی جایگاه ویژه‌ای دارد.

فرایند برنامه‌ریزی شهری

فرایند برنامه‌ریزی ۴ مرحله مشخص، ولی مرتبط را دربر می‌گیرد:

• تعریف مسئله و بررسی راههایی که به انتخاب سیاستها و مداخله برای حل مسئله می‌انجامد؛

• تجزیه و تحلیل وضعیت به‌منظور پیشنهاد نحوه مداخله و انتخاب سیاستهای مشخص و سازماندهی شده و روشهای تحرک اجتماعی؛

• طرح یک یا چند راه‌حل مناسب که به شکل‌گیری سیاستها و محتوای برنامه‌های مورد نظر و اقدامات سازمان یافته منجر شود؛ این روند به قرار زیر است:

۱. فرصت. تعیین اهداف کلان و آرمانی (Goals) و اهداف خرد و قابل حصول (objectives) در چارچوب پیش‌بینی مناسب و اجتماعات مرتبط با تعدیل شرایط.

۲. فضا. موقعیت، سازمان فضایی، طراحی کالبدی.

۳. منابع مورد نیاز، تخمین هزینه‌ها و راههای تأمین آنها.

• بررسی راه‌حلهای و ارزیابی و انتخاب راه‌حل بهینه و جزئیات برنامه پیشنهادی، بر مبنای قابلیت و امکان‌سنجی اجرایی آن و تأثیرات احتمالی بر گروههای مختلف جمعیت و هزینه‌های مؤثر بر برنامه سیاستهای به کار رفته.

فریدمن چنین نتیجه‌گیری می‌کند که اگر چنین روندی

در برنامه‌های شهری طی شود، می‌توان امیدوار بود که برنامه‌ریزی شهری به‌نحو درست صورت گرفته است. به‌طور خلاصه، فرایند برنامه‌ریزی شامل توصیف نظام، شناخت مسائل، تدوین و تحلیل، ارزیابی و انتخاب بهترین راه‌حلهای و بالاخره، پیشنهاد و اجرای محتوای برنامه می‌شود.

هر برنامه پیشنهادی در روند برنامه‌ریزی شهری دور تسلسلی دارد، بدان معنی که برنامه‌ریزی برای یک زمان نامحدود و در یک فضای نامشخص صورت نمی‌پذیرد، بلکه از یک مرحله آغاز و به مرحله پایانی ختم می‌شود و مجدداً از نو آغاز می‌شود. دور تسلسل برنامه‌ریزی شهری با پژوهش محیط یا بررسی و شناخت وضع موجود شروع

- شهری. تهران: کمیته تعاریف، شرح خدمات و قراردادها، معاونت شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸.
- سیف‌الدینی، فرانک. فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری. برنامه‌ریزی استراتژیک در کلانشهرها، ترجمه و گردآوری توسط وراز مرادی مسیحی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۱.
- شیعه، اسماعیل. مبانی برنامه‌ریزی شهری. چاپ هفدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۵.
- طوسی اردکانی، علی. «کنکاشی در بقایای معماری تهران- ریشه‌های فرهنگی معماری معاصر ایران»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی.
- کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید. امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها. جلد دوم، مدیریت شهری و شهرداریها در ایران. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۱.
- گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری. نگرشی بر کلیات برنامه‌ریزی. تهران: معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.
- گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری. نگاهی به عملکرد برنامه‌های عمرانی و نیز فعالیتهای فصل عمران شهری. تهران: معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۷۱.
- گلبن، محمد. «رساله عمران خوزستان، در: تاریخ معاصر ایران»، فصلنامه تخصصی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. سال دوم، شماره ۷، تهران: همان، ۱۳۷۷.
- مهدی‌زاده، جواد. «امکانات و کاربردهای برنامه‌ریزی راهبردی در ایران»، فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۱۴، تهران: گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۸۲.
- میری، رزیتا. «شاهان قاجار در فرنگ»، تاریخ معاصر ایران، فصلنامه تخصصی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. سال اول، شماره ۴، تهران: همان، ۱۳۷۶.
- Carmona, M. & Sieh, L. *Measuring Quality in Planning*. Abingdon, Simultaneously published in U.S.A and Canada: Spon Press, 2004.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, B., 2005.
- Meltzer, J. *Metropolis to Metroplex, The Social and Spatial Planning of Cities*. John Hopkins University Press, 1984.
- Sutcliffe, A. *Towards the Planned City, Germany, Britain, United States and France 1780-1914*. New York: St. Martin's Press, 1981.
- Wheeler, S.M. *Planning for Sustainability*. London and New York: Routledge, 2004.
- Whittick, A. (ed). *Encyclopaedia for Urban Planning*. New York: McGraw Hill Inc., 1974.
- www.wikipedia, the Free Encyclopedia.com.
- اسماعیل شیعه

فرایند برنامه‌ریزی شهری مؤثر بوده است. نگرش امریکایی که متأثر از آزادی اقتصادی است و عمده برنامه‌ها نشانگر تصمیمات سرمایه‌گذاری حکومت‌های محلی در زمینه تأسیسات زیربنایی است. در این نگرش، فرض بر آن است که با تصمیمات جمعی در قالب نهادهای محلی می‌توان بهترین نتایج را برای شهرها به ارمغان آورد. حکومت محلی در این شهرها مسئولیت اداره شهر را برعهده دارد و در مواردی سازوکارهای قانونی لازم برای هماهنگی برنامه‌ریزیهای شهری و با برنامه‌ریزی منطقه‌ای وجود دارد. نگرش دوم، نگرش اروپای غربی است که کشورهایی مانند فرانسه، بریتانیا، آلمان و هلند را دربر می‌گیرد. در این کشورها برنامه‌ریزی شهری در قالب نهادهای عمومی و در قالب اقتصاد آزاد صورت می‌گیرد. از اواخر دهه ۱۹۶۰م، برنامه‌های راهبردی به‌طور گسترده‌ای در بخشهای عمومی این کشورها در دست انجام بوده است. نگرش سوم به کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق تعلق دارد. تا قبل از فروپاشی نظام کمونیستی در بلوک شرق اروپا و برخی از کشورهای آسیایی، این نگرش مورد توجه بود. هدف از برنامه‌ریزی شهری در این نگرش، ادغام توسعه اقتصادی، نیازهای اجتماعی و الگوهای فضایی رشد شهری است. در چشم‌اندازی کلی، تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری در کشورهای جهان را می‌توان در ۳ برنامه‌ریزی جامع عقلانی، برنامه‌ریزی نظام‌مند و برنامه‌ریزی مردمسالارانه خلاصه کرد.

کتاب‌شناسی:

- اعتصام، ایرج. «بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- توفیق، فیروز. «پیدایش فکر برنامه‌ریزی در ایران»، ماهنامه ایران فردا «ویژه‌نامه نیم قرن برنامه». شماره ۵۰، با همکاری سازمان برنامه و بودجه و دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۷.
- حبیبی، سیدمحسن. از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- سازمان برنامه و بودجه. سابقه برنامه‌ریزی در ایران. تهران: معاونت امور اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
- سعیدنیا و دیگران. مبانی و چارچوب بازنگری شرح خدمات طرحهای

از طرح جامع، طرح تفصیلی، طرح هادی و همچنین مقررات کلی احداث بنا در خارج از محدوده قانونی شهرها ارائه شد.

بعد از انقلاب اسلامی، در ۱۳۶۳ش، بنا به شرایط نوین، قرارداد تپ مطالعات طرحهای جامع تغییر یافت. در همین دهه، برای پاسخگویی به گسترش شهرها و به‌خصوص تأمین مسکن برای کارکنان دولت، نهضت شهرهای جدید با سرمایه‌گذاری بسیار کلان آغاز شد. به‌طور همزمان، طرحهای آماده‌سازی زمین (← آماده‌سازی زمین) جهت احداث نواحی جدید مسکونی در جوار شهرها نیز ادامه یافت.

از ۱۳۴۶ش، که شورای عالی شهرسازی تشکیل گردید، دوره آموزش عالی شهرسازی نیز در دانشگاه تهران تأسیس شد. در این دوره، فارغ‌التحصیلان معماری پس از ۲ سال درس خواندن و تهیه رساله، مدرک معادل دکتری می‌گرفتند. این دوره در ۱۳۵۰ش تعطیل و به‌جای آن، دوره جدید کارشناسی ارشد شهرسازی با ۲ گرایش برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری (← طراحی شهری)، با همکاری دانشگاه واشینگتن آمریکا راه‌اندازی شد. در این دوره جدید، دانشجویان برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری با یک برنامه نسبتاً مشترک آموزش می‌دیدند، اما برحسب پایه تحصیلی دوره کارشناسی، مدرک برنامه‌ریزی یا طراحی می‌گرفتند.

پس از انقلاب فرهنگی، برنامه این ۲ رشته از یکدیگر جدا و آموزش آنها تخصصی‌تر شد. در دهه ۱۳۷۰ش، دوره دکتری شهرسازی و با کمی تأخیر، دوره کارشناسی شهرسازی تأسیس گردید. بدینسان، زمینه برای توسعه حرفه‌ای و علمی برنامه‌ریزی شهری در دانشگاههای کشور گسترش یافت.

برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری

هسته اصلی برنامه‌ریزی شهری را طرح کاربری زمین (← کاربری زمین) شهری تشکیل می‌دهد. طرحهای مربوط به جمعیت، فعالیت، مسکن، خدمات، حمل‌ونقل و سایر تسهیلات عمومی نیاز به زمین دارند. مکانیابی عملکردها در

اصول و معیارها

برنامه‌ریزی شهری در اصل یک برنامه سیاستی است که باید حکومت محلی (شهرداری و سازمانهای دولتی حوزه شهری) آن را به تصویب برساند و به اجرا درآورد.

دیدگاه منطقه‌ای

تمام عناصر جغرافیایی در حوزه شهری، مانند روستاها، شهرکها و شهرها در منطقه بزرگ‌تری به نام منطقه شهری قرار می‌گیرند که برحسب سازوکارها و فرایندهای اجتماعی - اقتصادی و محیطی با یکدیگر پیوند دارند. البته برنامه‌ریزی شهری، به دلایل خاص، از برنامه‌ریزی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی روستایی متمایز است. برحسب قانون، ارگانها و سازمانهای خاصی، ناظر و مجری تهیه طرح و اجرای طرح هریک از این ۳ نوع برنامه‌ریزی هستند. در ایران برنامه‌ریزی روستایی (← برنامه‌ریزی روستایی) در اختیار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد کشاورزی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا ناحیه‌ای در اختیار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی شهری از تکالیف وزارت مسکن و شهرسازی است.

این تمایزها و تفاوت اختیارات به معنی جدایی کارکردی این حوزه‌ها از یکدیگر نیست بلکه فارغ از این سازماندهی سیاسی و اداری، مجموعه همبسته‌ای هستند که هدایت توسعه شهری مرتبط با توسعه روستایی و توسعه شهرکهای صنعتی در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای برعهده آنهاست که اصطلاحاً امروز بدان آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین) می‌گویند.

سال ۱۳۴۳ش در ایران، نقطه عطفی در برنامه‌ریزی شهری بشمار می‌آید. در این سال، وزارت آبادانی و مسکن و به‌دنبال آن شورای عالی شهرسازی (← شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) تأسیس شد. در برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۷-۱۳۵۱ش) زیر نظر شورای عالی شهرسازی، مطالعات مربوط به طرحهای جامع ۲۰ شهر خاتمه یافت و به تصویب رسید که طرح جامع تهران از جمله آنها بود. در ۱۳۵۳ش، قانون تغییر نام وزارت آبادانی مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی به تصویب رسید و تعاریف دقیق‌تری

است.

انواع طرح‌های شهری

در ۴ دههٔ اخیر از ۱۹۷۰م تاکنون، دربارهٔ شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری و نحوهٔ تهیه طرح‌های شهری، پارادایم‌های گوناگونی پیدا شده است. طی این ۴ دهه، شیوه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی شهری به‌طور مداوم دستخوش تغییر بوده است. البته، این تجربیات در کشورهای مختلف، متفاوت بوده است. جریانات فکری در ایران نیز تحت تأثیر این تغییرات قرار داشته است. نخست،

درون و بیرون بافتهای شهری و اندازه‌گیری سطوح مورد نیاز، بررسی و ارزیابی میزان سازگاری کاربریهای مختلف با یکدیگر و با شرایط محیطی، از کارهای مهم برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری است. البته پیچیدگی مسائل شهری و شیوه‌های توسعه شهری، مسلماً فراتر از برنامه‌ریزی کاربری زمین است. به‌این ترتیب، برنامه‌ریزی شهری در قالب راهبردها و سیاستهای توسعه، متضمن ساماندهی کلیت محیط شهری است. بر همین اساس، برنامه‌ریزی شهری فرایند باز و مستمری است که توسط یک کمیته مشورتی (کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی) کنترل می‌شود و



طرح جامع در دههٔ ۱۹۶۰م مورد نقد قرار گرفت. در اواخر دهه ۱۹۶۰م و اوایل دههٔ ۱۹۷۰م، در انگلستان طرح‌های ساختاری جایگزین طرح جامع (توسعه و عمران) گردید و به‌همین ترتیب، در برخی از ایالات امریکا، طرح‌های راهبردی جایگزین طرح جامع شد.

علاوه بر طرح‌های اصلی، صدها طرح تکمیلی و کمکی دیگر، مانند طرح تفصیلی، طرح‌های موضعی و موضوعی و پروژه‌های گوناگون نیز برای مسائل و اهداف مختلف در شهرها تهیه و اجرا می‌شود. این وضعیت حاکی از آن است

برحسب مقتضیات، اصلاحاتی در آن صورت می‌گیرد و در کل، هر ۱۰ سال یکبار، پس از مطالعات مجدد، مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد.

یکی از حساس‌ترین فعالیتهای برنامه‌ریزی شهری، تدوین مقررات و ضوابط شهری است. در واقع، شهروندان و مالکان اراضی شهری براساس این مقررات اراضی خود را تفکیک و در آن ساختمان‌سازی می‌کنند. بنابراین، دقت در تدوین مقررات شهری و تعهد در نظارت بر اجرای آن، بخش مهمی از اجرای برنامه‌های طرح‌های جامع و تفصیلی

• **اصل کیفیت محیطی**، منظور از کیفیت محیطی آن است که مجموعه شهری از مطلوبیت فضایی برخوردار و با شرایط طبیعی و اقلیمی انطباق داشته باشد. کیفیت محیطی از طریق انتظام کالبدی، تراکم مناسب ساختمانی، تراکم متعادل حمل‌ونقل، در سازگاری با سوانح طبیعی، مانند سیلاب، زلزله و طوفان حاصل می‌شود. کیفیت محیطی از طریق تلفیق با پدیده‌های طبیعی کوه، رود، دریا و جنگل، ارتقاء شرایط بهداشت و پیشگیری از آلودگی آب، خاک، هوا و صدا تأمین می‌شود. کنترل حرکات سواره و گسترش پیاده‌راهها نیز به کیفیت محلی می‌افزاید.

معیارهای برنامه‌ریزی شهری

• **انعطاف‌پذیری**. یکی از معیارهای عملی برنامه‌ریزی شهری، انطباق برنامه‌ها و طرحهای پیشنهادی با توجه به تغییرات شتابان و نیازهای روزافزون جامعه شهری است. به علت تغییرات سریع جامعه شهری، طرحهای ثابت، مانند طرح جامع و تفصیلی خیلی زود کفایت خود را از دست می‌دهند.

• **تأمین فضا**. هر عملکرد و فعالیت و حتی هر رفتار اجتماعی در شهر، نیازمند زمین و فضای کافی است. شناخت، بررسی و تأمین زمین و فضا برای عملکردهای مختلف، یکی از اصول اساسی برنامه‌ریزی شهری است. براساس استانداردهای برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری، هر کاربری شهری نیاز به مکانی مناسب و فضای کافی دارد. مهم‌ترین نیازهای شهر، تأمین فضای مسکونی، خدمات، فعالیت، عملکردهای اجتماعی و سیستمهای حمل‌ونقل شهری است.

تأمین زمین و فضا برای تفرجگاه، فضای سبز، حریم منابع طبیعی و میراثهای فرهنگی نیز به همین اندازه مهم است. با توجه به گرانی و کمیابی زمین و ساختمان، تأمین فضاهای عمومی از دشواریهای برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری است.

• **قابلیت دسترسی**. این اصل برنامه‌ریزی در همه سطوح زندگی شهری، منطقه‌ای، ملی و فراملی اهمیت خاصی دارد. شهرها مراکز کار، فعالیت، تفریح و خدمات فرهنگی هستند

که در درون و بیرون شهرها، هزاران مسئله گوناگون وجود دارد که با یک نوع طرح و یک نوع برخورد قابل حل نیستند. از اصول مهم برنامه‌ریزی شهری، پذیرش تنوع و از آن مهم‌تر، انعطاف‌پذیری به تناسب مقتضیات زمان و مکان در حوزه‌های شهری است.

برنامه‌ریزی شهری، متضمن استفاده از روش علمی است. از جمله اجزاء روشهای علمی بهره‌گیری از فنون کمی و سیستم اطلاعات جغرافیایی (سیستم اطلاعات جغرافیایی)، مدل‌های پیش‌بینی و مدل‌های ارزیابی میزان دقت در تصمیمات است. این فنون و مدل‌ها در زمینه‌های مختلف، به ویژه در برآورد جمعیت، فعالیت و حمل‌ونقل، متکی به داده‌های آماری و تحلیل‌های کمی هستند. این روشها سرانجام بایستی به مدل‌های مکانیابی تبدیل شوند. با این وجود، انتخاب مکان در عرصه اراضی شهری امر بسیار پیچیده‌ای است و به همکاری رشته‌های محیطی، معماری، طراحی شهری و مشاوره با رشته‌های اجتماعی و اقتصادی نیازمند است. بهبود وضعیت شهرها مستلزم حفاظت از ارزشها یا میراثهای تاریخی، فرهنگی و منابع طبیعی و محیطی است. حفاظت از این میراثها و منابع، بنیان توسعه پایدار شهری را تشکیل می‌دهد.

اصول برنامه‌ریزی شهری

برنامه‌ریزی شهری صرف‌نظر از روشها، بر چند اصل کلی اتکاء دارد:

• **اصل عدالت**، به معنی توزیع متناسب عملکردها و خدمات شهری به منظور بهره‌مندی یکسان شهروندان از امکانات فنی و اجتماعی فارغ از تبعیض و تفاوت‌گذاری (قومی، مذهبی، سیاسی).

• **اصل کارایی**، به معنی ایجاد سازمان فضایی و کالبدی منسجم از طریق مکانیابی مناسب فعالیتها و عملکردها و تأمین ارتباطات و تأسیسات لازم برای دسترسی بدانها. لازمه کارایی عملکردهای شهری داشتن ساختاری همبسته و نظام سلسله‌مراتبی از مراکز شهری در مقیاسهای مختلف، برای تقویت فعالیتها و عملکردها از طریق شبکه حمل‌ونقل کارآمد شهری است.

برنامه‌ریزی فضایی

Spatial Planning

مجموعه فنون و روشهای مورد استفاده برای قانونمند کردن و انتظام فضایی اقدامات اثرگذار بخش عمومی و خصوصی بر نحوه مکان‌گزینی و استقرار فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی در فضای دو بُعدی. برنامه‌ریزی فضایی می‌کوشد تا بر توسعه فضایی به مفهوم عام و به‌ویژه بر تضادهای آشکار موجود در سیاستهای عمومی که موجب ناپایداری می‌شوند، اثرگذار باشد. بدینسان، توسعه فضایی به پراکنش فیزیکی پدیده‌های طبیعی و انسان‌ساخت و فعالیتهای انسانی در سراسر سرزمین و همچنین، بر نحوه توزیع فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی برحسب کیفیت آنها، مثلاً تفاوتیهای موجود در بین واحدهای همسایگی (← واحد همسایگی) از لحاظ دسترسی به امکانات، تأکید می‌ورزد. بنابراین، برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای مقیاس و با تأکید بر قابلیت‌های مختلف نظامهای فضایی، از جوامع محلی، مناطق و تا سطح ملی را دربر می‌گیرد و می‌تواند شامل برنامه‌ریزی روستایی، شهری و منطقه‌ای، به‌نحوی توأمان باشد.

اهداف اصلی برنامه‌ریزی فضایی عبارتند از:

- اصلاح ساختارهای فضایی با توجه ویژه به بستر محیط طبیعی و ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی نظامهای فضایی (منطقه، ناحیه، شهر و روستا)؛

- انتظام مکانی - فضایی فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در سطوح مختلف سرزمین؛ و

- نظم‌بخشی به روابط و عملکردهای فضایی از طریق سطح‌بندی سلسله مراتبی سکونتگاههای شهری و روستایی.

دانشنامه شهر (۲۰۰۵م)، سابقه برنامه‌ریزی فضایی را عمدتاً به دهه ۱۹۵۰م و برنامه‌ریزی فضایی در آلمان تقلیل می‌دهد، حال آنکه در واقع، سابقه تاریخی انتظام فضایی را می‌توان در گذشته دور تاریخی باز یافت. برای نمونه، برپایی کانونهای شهری با کارکرد بازاری (← ناحیه) و ایجاد روستاهای پیرامونی آنها و همچنین، بهره‌برداری جمعی از منابع آب و خاک و سازماندهی گروهی تولید زراعی را در سرزمینهای خاورمیانه، به‌ویژه ایران، با سابقه‌ای چند هزار ساله که هنوز بقایای آن به شکلهای گوناگون برجای مانده

و علاوه بر ساکنان خود، به مردم منطقه و حتی گاهی در سطح ملی نیز خدمات‌رسانی می‌کند. دسترسی به این خدمات و همچنین دسترسی به مراکز کار، سکونت و گذران اوقات فراغت، مستلزم داشتن یک شبکه حمل‌ونقل کارآمد است. دسترسی خوب متضمن ۳ معیار مهم است: فاصله، زمان و وسایط نقلیه. نحوه استقرار فعالیتهای عملکردها در شهرها در فاصله‌های مناسب و نحوه اتصال این مراکز توسط سیستم راههای مناسب، بنیان برنامه‌ریزی حمل‌ونقل شهری در رابطه با برنامه‌ریزی شهری است.

- **حریم انسانی.** شناخت نیازهای روانی، اخلاقی و ارزشهای فرهنگی و مذهبی انسانها را حریم انسانی گویند. شهروندان برای آسودگی خاطر در زندگی نیاز به مراعات حریم یکدیگر دارند. زندگی شهری، به‌ویژه سکونت در آپارتمانها، برجها و نواحی پرتراکم مسکونی و مراکز پرجمعیت، در معرض مزاحمت‌های دیگران است. در این شرایط، انسانها حساس‌تر و از مزاحمت دیگران آزرده‌تر می‌شوند. بنابراین، حفظ حریم خصوصی افراد در خانه‌ها، در پیاده‌روها (← عابر پیاده) و در فضاهای عمومی شرط اساسی در برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری است. مقررات مربوط به ارتفاع، و فاصله و ردیف‌بندی ساختمانها و اندازه پیاده‌روها، با توجه به نیازهای مربوط به حریم انسانی، تدوین و تصویب می‌شوند (← برنامه‌های شهری).

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «شهرسازی»، کتاب سبز شهرداریها. جلد اول، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۱.
- منشور آتن، برگردان منصور فلامکی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- Catanese, Antony and J. C. Snyder. *Introduction to Urban Planning*. McGraw Hill, 1988.
- Hall, Peter. *Urban and Regional Planning*. London and New York: Routledge, 1982.
- Keeble, Lewis. *Town Planning Made Plain*. Construction Press, 1985.
- A. P. A. *Planning and Urban Design Standards*. Wiley, 2006.
- Caves, Roger W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.
- Gordon, D. (ed). *Planning Twentieth Century*. Routledge, 2006.

احمد سعیدنیا

فعالیت‌های عمرانی و بهسازی سکونتگاه‌های روستایی در کشورهای اروپای مرکزی و شمالی در اغلب موارد، نیاز به زمین بیشتر و یافتن عرصه‌های قابل سکونت و فعالیت بود. براین مبنای، پیوسته کوشش می‌شد تا از طریق خشکاندن مردابها و زهکشی زمینهای آبرگیر و همچنین، از میان برداشتن جنگلها، زمین مورد نیاز فراهم آید.

در آلمان، سال ۱۹۱۰م را سرآغاز برنامه‌ریزی فضایی به مفهوم نوین آن بشمار آورده‌اند. مشخصه این دوره، ۲ رخداد مهم بود:

- نخست، برپایی اتحادیه برلین بزرگ؛ و دیگری،
- ایجاد کمیسیون عرصه‌های سبز در حوزه اداری دوسلدورف.

براین اساس، این کشور نه تنها مهد پیدایی برنامه‌ریزی فضایی بشمار می‌رود، بلکه تنها سرزمینی است که می‌توان در آن، روند شکل‌گیری این‌گونه برنامه‌ریزی را در گذر زمان، به صورت مدون، تعقیب نمود. با این حال، نخستین کوششهای فراگیر در زمینه برنامه‌ریزی فضایی در اروپا، بین دو جنگ جهانی و به ویژه در آلمان، سوئیس، بریتانیا، هلند و چک و اسلواکی صورت پذیرفت.

در انگلستان، طی دهه ۱۹۳۰م، مناطق واپس مانده از لحاظ اقتصادی مورد توجه ویژه قرار گرفتند. به دنبال آن، رهنمودهایی برای برخی نواحی، از جمله حوزه‌های استخراج زغال سنگ، تولید آهن و کشتی سازی که از لحاظ اشتغال و فعالیت وضعیتی بحرانی داشتند، ارائه و اعمال شد. در این چارچوب، برنامه‌ریزی فضایی بیش از هر چیز بر رهیافت‌های منطقه‌ای با تأکید بر استقرار واحدهای صنعتی استوار بود. علاوه بر آن، مکانیابی و تعیین جایگاه مکانهای مرکزی، به خصوص کانونهای سکونتگاهی صنعتی، مورد توجه قرار داشت.

از آغاز سده ۲۰م، در هلند که متراکم‌ترین نسبت جمعیت را در بین کشورهای اروپایی دارد، برنامه‌ریزی و ساماندهی بافت درونی سکونتگاهها بیشترین توجه را به سوی خود جلب نمود. البته از ۱۹۳۱م به بعد، برنامه‌های ناحیه‌ای مورد تأکید قرار گرفت و پس از ۱۰ سال، برنامه‌های منطقه‌ای در سطح حوزه‌های بزرگ‌تر اداری-سیاسی، یعنی ایالتها دنبال شد. پس از جنگ جهانی دوم،

است، می‌توان از نمونه‌های تاریخی قابل بررسی در انتظام فضا بشمار آورد (← مدیریت سنتی فضا).

جنش باغشهر (← باغشهر) را که از ۱۸۹۸م در انگلستان مطرح شد، می‌توان از سرچشمه‌های اصلی نظری در برنامه‌ریزی فضایی در این کشور بشمار آورد که در اصل، بر حفاظت از عرصه‌های طبیعی و روستایی تأکید داشت. اصطلاح باغشهر نخستین بار توسط ابنزر هوارد در کتابی به نام فردا: راهی صلح آمیز به سوی اصلاحات واقعی (۱۸۹۸م) به کار رفت. اندیشه بنیادی این جنبش براین شالوده قرار داشت که سکونتگاههایی مطلوب و خودکفا بایستی با قلمرویی مبتنی بر برنامه و کمربند سبزی در پیرامون آنها پدید آیند. در آن زمان، رشد نامتناسب اقتصادی در شهرهای بزرگ مورد انتقاد جدی قرار داشت و این جنبش، خواستار برنامه‌ریزی برای هدایت رشد و گسترش شهرها، ضمن حفاظت از محیط‌های روستایی پیرامونی آنها بود. براین مبنای، هوارد عقیده داشت، با ایجاد باغشهرها می‌توان امکان بهره‌گیری همزمان از امتیازات اقتصادی و اجتماعی زندگی شهری و روستایی را با واگذاری مالکیت ارضی در دست جماعت ساکن سکونتگاه فراهم آورد و در عین حال، از گسترش بی‌رویه کلانشهرها (← کلانشهر) و تمرکز صنعتی جلوگیری کرد. اگرچه ایجاد باغشهرها مطابق با اندیشه‌های هوارد هرگز به طور دقیق به منصف ظهور نرسید، اما اندیشه بنیادی او در برنامه‌ریزیهای فضایی، به ویژه در طراحی شهری (← طراحی شهری)، در اروپا و ایالات متحد و سپس سایر کشورها، مورد توجه و کاربرد وسیعی قرار گرفت.

به معنای امروزی و خاص، برنامه‌های آبادسازی در آلمان را می‌توان از سرچشمه‌های عینی برنامه‌ریزی فضایی، به ویژه ساماندهی کانونهای شهری، به حساب آورد که براساس آن، استقرار سکونتگاههای شهری و روستایی به نحوی طراحی می‌شد که چشم‌اندازهای انسانی هماهنگ و دلخواه پدیدار گردند. به سخن دیگر، کانونهای شهری در این چارچوب، آگاهانه و به صورت از پیش تعیین شده، به عنوان مکانهای مرکزی طراحی می‌شدند که قاعدتاً برای عرصه پیرامونی خود (شهرکها و روستاها)، کارکردهای خدماتی داشتند. علاوه بر این، کانون توجه اصلی در

به منظور توسعه همه‌جانبه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی هنوز به‌نحوی فراگیر مورد توجه جدی و تأکید اساسی قرار نگرفته است. در ایران، برنامه‌ریزی فضایی در قالب برنامه آمایش سرزمین، از نیمه اول دهه ۱۳۵۰ش به‌طور عملی مورد بحث قرار داشته است (← آمایش سرزمین).

کتاب‌شناسی:

- Backhouse, Roger. *A History of Modern Economic Analysis*. Oxford: Oxford University Press, 1991.
- Chisholm, M. *Rural Settlements and Land Use*. London, 1962.
- Christaller, Walter. *Die Zentralen Orte in Suddeutschland*. Jena, 1933.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, 2005.
- Dicken, P. & Lloyd, P. *Location in Space, Theoretical Perspectives in Economic Geography*. London: Harper & Row, 1990.
- Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. New York, 1971.
- Harris, Jonathan M. *Basic Principles of Sustainable Development*. GDEI, Working Paper 00-04, June 2000.
- Isard, D.W. *Methods of Regional Analysis*. MIT Press, 1960.
- Osborn, F. J. *Green-Belt Cities: The British Contribution*. London, 1946.
- Smith, H. *History of Garden City*. London, 1963.
- Rostow, W.W. *The Stages of Economic Growth: A Non-Communist Manifesto*. New York and London, 1960.
- Von Thunen, Johann Heinrich. *Der isolierte staat in Beziehung auf Landwirtschaft und Nationalökonomie*. Rostock, 1842.
- Ullman, E. L. "A Theory of Location for Cities", *American Journal of Sociology*. 46, 1940-41.

عباس سعیدی

برنامه‌ریزی کالبدی

Physical Planning

برنامه‌ریزی کالبدی فرایندی برای توسعه فیزیکی یک شهر یا منطقه در قالب یک پیشنهاد به‌صورت طرح سه‌بعدی است. برنامه‌ریزی کالبدی به ساماندهی بخشهایی از شهر، شامل کاربری زمین (← کاربری زمین)، مکانیابی و طراحی

این برنامه‌ها با جدیت بیشتر و به‌نحوی قانونمندتر پیگیری شد. براین‌مبنای، در کنار برنامه‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای، طرح برنامه کلان ملی در قالب آمایش سرزمین مطرح گردید. البته این برنامه با برنامه‌های پیشین در هماهنگی کامل قرار داشت. به‌دنبال این‌گونه تمهیدات، در ۱۹۶۲م مجموعه قوانین *انتظام فضایی کشور* هلند تدوین و به تصویب رسید که براساس شواهد موجود، در یک دوره زمانی کوتاه، دستاوردهای قابل توجهی به همراه داشت.

در سوئیس، به‌دنبال جنبش حفاظت از محیط زیست، از آغاز سده ۲۰م، نخستین انگیزه‌های جدی در پرداختن به انتظام فضایی پدیدار شد. در پی آن، از دهه ۱۹۳۰م، برنامه‌ریزی کلان سرزمین در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح گردید. جالب است که در ۱۹۴۳م، سازمانی به نام *مجمع برنامه‌ریزی فضایی سوئیس* برای نظارت بر مطالعه و اجرای طرحها و برنامه‌های منطقه‌ای تشکیل گردید که جغرافیدانان پیوسته از اعضای اصلی آن بشمار می‌روند.

در سایر کشورهای اروپایی، برنامه‌ریزی و انتظام فضایی اغلب پس از پایان جنگ جهانی دوم مطرح گردید. در ایتالیا، رشد فزاینده صنعتی در بخشهای شمالی کشور با تخلیه جمعیتی نواحی جنوبی سرزمین که با ضعف نسبتاً شدید ساختاری روبرو بودند، همراه گردید. این روند که به نابرابری منطقه‌ای منتهی شده بود، زمینه‌های طرح برنامه‌ریزی یکپارچه ملی را فراهم آورد. تأکید اساسی در این برنامه، ترغیب و پیشبرد امکانات توسعه در نواحی جنوبی کشور بود. در فرانسه، مباحث برنامه‌ریزی و انتظام فضایی به حدود ۱۹۵۰م باز می‌گردد که از آغاز، پیوسته از ماهیتی متمرکز برخوردار بود. در این کشور، با تصویب مجموعه قوانینی در ۱۹۵۷م، برنامه‌های توسعه و نظم‌دهی فضایی به اجرا درآمد که آزادسازی عرصه‌های شدیداً متراکم پیرامون کلانشهر پاریس و بهسازی و توسعه نواحی حاشیه‌ای و نسبتاً واپس‌مانده، مورد تأکید اولیه این برنامه‌ها بود. راهکارهای اجرایی در نواحی صنعتی فرانسه به جنبش *برنامه‌سازی و جنبش برنامه‌ای شهرت* یافته است.

در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای غیرصنعتی جنوب، علی‌رغم درک ضرورتها، برنامه‌ریزی فضایی

برنامه‌ریزی کالبدی

می‌کنند. علاوه بر این، راه‌حلهای اصلی توسعه را نمی‌توان با گزینه‌های ساده کالبدی نشان داد؛ موضوعی که در طرحهای جامع که رواج زیادی دارند، در نظر گرفته نمی‌شود. همچنین ادعا می‌شود، برنامه‌ریزی کالبدی شهری فاقد ابزارهای لازم برای اندازه‌گیری میزان دستیابی به اهداف مورد نظر یا سنجش هزینه‌های لازم برای دستیابی به آنهاست.

از این گذشته، مشکل عدم ارتباط فرم فیزیکی جامعه با الگوی فعالیتها و با ارزشهای شناخته شده آن در برنامه‌ریزی کالبدی که اهمیت تعیین‌کننده آن در ایجاد کیفیت زندگی شهری کم نیست، مورد نقد قرار گرفته است. بنابراین، امروزه آشکار شده است که آنچه بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد، صرفاً محیط فیزیکی نیست، بلکه محیط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن است که اهمیت بیشتری دارد.

با توجه به این نقدها و مشکلات، برای رفع نارسائیهای برنامه‌ریزی کالبدی از برنامه‌ریزی فرایندی کمک گرفته شده است. در برنامه‌ریزی فرایندی، با استفاده از فنون ریاضی و رایانه می‌توان کل پویایی پیچیده رشد و افول جامعه و همچنین تمامیت توسعه اجتماعی را مورد مطالعه و محاسبه قرار داد. به این ترتیب، برنامه‌ریزی روندهای در حال تغییر توسعه جامعه را در کار خود مورد توجه قرار می‌دهد.



برنامه‌ریزی کالبدی شهری در این رویکرد با تخصیص منبع زمین، رابطه بین زیرساختهای کالبدی و فعالیتهای

ساختمانها، خیابانها، خدمات حمل و نقل، مسیرهای خدماتی و فضاهای باز (← فضای باز) می‌پردازد. در این نوع برنامه‌ریزی به‌طور خاص بخشهای طبیعی و انسان‌ساخت شهرها مورد توجه قرار دارد و سعی می‌شود ترتیب قرارگیری بخشهای مصنوع شهر در جهت ایجاد نوعی نظم، به‌شکلی کارا و جذاب، ولی اغلب ایستا ساماندهی شود. علاوه بر این، برنامه‌ریزی کالبدی، سعی دارد این بخشهای مصنوع را براساس نظریه شکل شهر، که گاهی از اشکال هندسی منبعث است، سازمان دهد. در این نوع برنامه‌ریزی ایجاد تسهیلات، خانه‌ها، مکانهای کار، پارکها و سایر عناصر فیزیکی و ملموس شهر که بتواند سطح رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) و اقتصادی جامعه و حتی رفتارهای انسانی را بهبود بخشد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

داعیه برنامه‌ریزی کالبدی، این است که اهداف و خواسته‌های عامه مردم (در تقابل با خواسته‌های افراد یا گروههای خاص) در اولویت قرار گیرد. نظام برنامه‌ریزی بریتانیا مدعی است که به این موضوع کمک زیادی کرده است، هرچند که در تجربه تاریخی خواسته‌های عامه مردم اغلب تحت تأثیر تمایلات گروههای اشرافی، کلیسا، طبقه قانونگذار یا شرکتهای بزرگ کاملاً نادیده گرفته شده است. کارشناسان برنامه‌ریزی کالبدی اعتقاد دارند، فرایند فیزیکی توسعه بر تهیه و اجرای یک برنامه در شهر یا منطقه مقدم است؛ بنابراین، اگرچه برنامه فیزیکی تحت تأثیر متغیرهای متعدد اجتماعی و اقتصادی رایج قرار می‌گیرد، ولی زیر تسلط آنها نیست. این درحالی است که برنامه‌ریزان سیاسی استدلال می‌کنند، برنامه یک منطقه می‌بایست انعکاس نیروهای اقتصادی و اجتماعی باشد و در انطباق با تفسیر مناسب و درست آنها از این نیروها تهیه شود. دیدگاه اخیر منجر به بروز نقدهایی به برنامه‌ریزی کالبدی شده است.

برنامه‌ریزی فیزیکی در نیمه اول سده ۲۰ بیشتر در قالب طرحهای جامع شهری انجام می‌شد. نقد اساسی در این نوع برنامه‌ریزی این است که شهرسازان با ارائه طرحهای جامع، امکان رهبری مسئولانه و انتخاب معنی‌دار بین راه‌حلهای مختلف را از فرایندهای سیاسی جامعه سلب

شهری از تجزیه و تحلیل الگوهای فضایی فعالیت‌هایی که در فضای دویبعدی، یعنی در یک نقشه سنتی نظم داده شده‌اند، گذر کرده است و در عوض، برنامه‌ریزی به‌سوی ارائه راهبردهای فضایی سوق یافته است. در این رویکرد، تنوع و هم‌مکانی پیچیده شبکه‌های متعدد ارتباطاتی در درون مناطق شهری و بین آنها که هریک پویایی، تاریخ، و جغرافیای خاص خود را دارند و با موضوعات بسیار متنوع و مکان و اتصالات یک منطقه شهری در پیوند هستند، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. این نوع برنامه‌ریزی، برخلاف برنامه‌ریزی کالبدی، خواهان توجه به ارتباط بین ساختارهای پویای اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی و سیاسی/اداری درون و بین مناطق شهری است.

کتاب‌شناسی:

- Barlow, R. *Land Resource Economics*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, 1972.
- Catanese, A. J and Snyder, J.C. *Urban Planning*. New York: McGraw-Hill, 1988.
- Chapin, F.S. *Urban Land Use Planning*. University of Urbana-Champane Press, Urbana, IL, 1965.
- Davidoff, P. & Reiner, A. "A Choice Theory of Planning", *Journal of The American Institute of Planners*. Vol. 28, May 1962.
- Gans, H.J. "Planning for People Not Buildings", *Environment and Planning*. Vol. 1, 1969.
- Healey, P. *Urban Complexity and Spatial Strategies, Towards a Relational Planning for Our Times*. London and New York: Routledge, 2007.
- Lein, J. *Integrated Environmental Planning*. Blackwell Science, UK: Oxford, 2003.
- Mocine, C. R. Interpretation, Urban physical planning and the "New Planning", *Journal of the American Institute of Planners*. July 1966.
- Morris, E. S. *British Town Planning and Urban Design, Principles and Policies*. Longman, 1997.
- Nath, B.; Compton, P. and Devuyest D. *Environmental Management in Practice*. Vol. 1, Instruments for Environmental Management. London and New York: Routledge, 1998.
- Smith, L. G. *Impact Assessment and Sustainable Resource Management*. Harlow, Essex: Longman Group UK, Ltd., 1993.
- Wildavsky, A. *If Planning Is Everything, May Be It's Nothing, Policy Sciences*. Vol. 4; 1973.

شهرزاد فریادی

مورد نظر، کارایی و کیفیت زیبایی شناسانه و روابط فضایی در شهر سروکار دارد. براین‌مبنا، چنین طرحی الگوی کاربری آینده زمین را برحسب نوع، کاربری، تراکم و زمان‌بندی پیشنهاد می‌کند. همچنین عناصر کالبدی ثابتی را که نیاز به سرمایه‌گذاری یا برنامه‌ریزی توسعه دارند، مانند شبکه حمل‌ونقل و کمربند سبز، فضاهای باز پیشنهادی، محدودیت‌های توپوگرافی یا جغرافیایی نظیر رودخانه، دریاچه، تپه‌ها و غیره شناسایی می‌کند. علاوه‌براین، مکانها و طرحهای پیشنهادی را که دستیابی به محیط زیست کالبدی سه‌بعدی مطلوب و سازماندهی شده را امکان‌پذیر می‌سازند، مورد مطالعه قرار می‌دهد. در نهایت، این موارد را به‌صورت نمودارها و طرحها نمایش می‌دهد. این طراحی باید نواحی واقع در جریان انتقال توسعه، نواحی بدون تعیین کاربری در آینده، و نواحی با کاربری نامشخص را نیز شناسایی کند و بتواند پیشنهادات مختلفی را از نظر زمان‌بندی، دقت و انعطاف‌پذیری عرضه کند. در رویکرد جدید، اگرچه طرح جامع بیشتر متکی بر کلام است، ولی نمی‌تواند فاقد نقشه و طراحی باشد.



به‌همین ترتیب، اغلب اندیشه‌ها و تجربیات برنامه‌ریزی اروپا در ۲۵ سال گذشته، از دیدگاه محض کالبدی نسبت به شهرها که کیفیات و اتصالات مکانها را از طریق شکل کالبدی ساختمانها و ساختارهای شهری درک می‌کرد، متأثر بوده است. اکنون کاملاً مشخص شده است که توسعه مناطق شهری با ساختارهایی اجتماعی-اقتصادی نمی‌تواند اقدامات دولتی را به شیوه‌ای خطی، یعنی با حرکت از تصمیم به تهیه برنامه، سپس به‌سوی اقدام، و سرانجام به‌سوی محصول نهایی برنامه‌ریزی کند. درواقع، توسعه

Housing Planning

صائب‌نظران مفهوم مسکن را به تفاوت تبیین کرده‌اند؛ در واقع، هریک از آنان با توجه به دیدگاه‌های خود، از زاویه‌ای خاص به این مقوله پرداخته‌اند. با این وجود، تقریباً در تمام این تعاریف، میان ۲ واژه سرپناه و مسکن تفاوت دیده شده و فصل مشترک این تعاریف، تمایز بین این دو مفهوم است. علاوه بر این، بر این نکته تأکید شده است که در تأمین مسکن، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای فیزیکی، نیازهای روانی و اجتماعی افراد نیز بایستی برآورده گردد. در واقع، نیاز اولیه انسان به محافظت از خود و تأمین سرپناه، یک نیاز بنیادین، غریزی و همه‌جانبه است (محافظت در برابر شرایط نامساعد محیطی، جانوران وحشی و یا دشمنان) و مراحل تبدیل آن به خانه یا مسکن برای زندگی، در راستای تعمیق مفهوم سکونت صورت می‌پذیرد. خانه مکانی است که جریان روزمره زندگی را در خود می‌پذیرد. بنابراین، عملکرد آن تنها به بازتاب کیفیات محیط محدود نمی‌شود، بلکه ویژگی‌های افرادی که در آن می‌زیند و آنچه را که در درون آن جریان می‌یابد، آشکار و منعکس می‌نماید. بر این اساس، خانه با مطرح شدن به عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط، از یکسو عهده‌دار معرفی هویت فردی و خانوادگی انسان است و امنیت را بر وی ارزانی می‌دارد و از سوی دیگر، بستری برای تبدیل محیط، به فضایی حائز ارزشهای مکانی و ماهیت اجتماعی است.

از سوی دیگر، آنچه به عنوان روستا از آن یاد می‌گردد، نه تنها خود آبادی، بلکه مشتمل بر تمامی تجلیات سکونت و زیست انسانی می‌گردد و بر خانه، مزرعه، بافت روستا، ابنیه و مکانهای عمومی و عرصه‌های حرکتی و فضاهای باز داخل و خارج بافت روستا شمول دارد. آبادی، تبلور بروز و تجلی حیات انسان و محمل رابطه وی با محیط است. بنابراین، می‌تواند تنها با تک‌خانه‌ای معنا یابد و یا کلیت محیط سکونتی را دربر گیرد. بدین ترتیب، روستا و آبادی لحظه‌ای آغاز حیات می‌کند که گروهی از انسانها، مکان و یا پاره‌ای از محیط گرداگرد خود را به عنوان بستر و محل

سکونت، برمی‌گزینند و در آن اقدام به ایجاد امکانات سکونتی می‌نمایند (← سکونتگاه روستایی).

تولید و تأمین مسکن در ادوار مختلف تاریخی تا پیش از دوران معاصر، به عنوان دغدغه فردی و گروهی جوامع بشمار آمده و مکان‌گزینی و شکل‌گیری آن، عموماً حاصل تلاش انسانها و در پی پاسخگویی به نیازهای آنان بوده است. امروزه، به دلیل بروز مسائلی، همچون افزایش بی‌رویه جمعیت، رشد سریع شهرنشینی، مهاجرت و حرکات جمعیت میان شهرهای بزرگ و کوچک و میان شهرها و روستاها، محدودیت منابع مالی و امکانات ساخت‌وساز، مشکلات مربوط به تأمین زمین مناسب و مصالح ساختمانی، ساخت خانه مفهوم انفرادی خود را از دست داده و دچار پیچیدگی‌هایی شده است که از آن مسئله‌ای چندبعدی، ملی و حتی فراملی پدید آورده است. بنابراین، حل مسائل فراروی ساخت‌وساز مسکن، نیازمند تعیین خط‌مشی، سیاست‌گذاری و ارائه برنامه‌هایی است که حل معضلات و مشکلات مربوط به تأمین مسکن را امکان‌پذیر سازد.

برای دستیابی به چنین برنامه‌ای باید نسبت به موضوع، ابعاد و عوامل مؤثر بر آن شناخت کافی، به‌دست آورد و ویژگی‌های جامعه هدف و متقاضیان مسکن و ابعاد تقاضای آنان را کاملاً شناخت. قریب ۴/۳ میلیون واحد از ۱۳/۳ میلیون واحد مسکونی موجود در کشور در روستاها قرار دارند. مسکن روستایی پاسخگوی عملکرد زیستی، معیشتی، خدماتی، منطبق با عملکردهای اجتماعی، فرهنگی، متأثر از نیازهای فطری و زیبایی‌شناختی و در پیوند نزدیک با محیط طبیعی و امکانات محلی و بومی است. نحوه ساختمان‌سازی و برپایی خانه‌ها به نوع معیشت و تولید خانواده روستایی وابستگی دارد، زیرا هر فعالیتی فضای متناسب با خود را می‌طلبد. علاوه بر این، الگوی خانه روستایی به شدت متأثر از ارزشهای فرهنگی و سنتهای دیرپای اجتماعی و انعکاس پیشینه محیط است. این عوامل به شکل‌گیری گونه‌های مختلف مسکن، با هویت منطقه‌ای و محیطی خاص، منجر شده است. در عین حال، عدم استحکام سازه و سستی مصالح از مهم‌ترین معضلات مسکن روستایی است. ترویج فرهنگ

محیط و امکانات فنی و اقتصادی آن، در برنامه‌ریزیهای مسکن لحاظ می‌شوند و با شناخت صحیح آنها، تصمیم‌گیری مناسب برای تأمین نیازهای روستائیان در زمینه مسکن انجام می‌پذیرد. در واقع، برنامه‌ریزی مسکن روستایی عبارت است از شناخت قابلیت‌ها و ظرفیتهای محیط روستا و ارائه راهها و روشهایی به منظور کاستن از مشکلات مسکن روستائیان و ارتقاء شاخصهای رفاهی و سکونتی آنان در محیط. برنامه‌ریزی مسکن باید ضمن هدفگذاری مشخص برای دستیابی به اهداف، چگونگی بهره‌گیری از منابع، قالبها و محدوده‌های زمانی را نیز تعریف نماید.

همان‌گونه که مسکن روستایی تنها در قالب کالبد واحد مسکونی خلاصه نمی‌شود، برنامه‌ریزی مسکن روستایی نیز تمام ابعاد محیط زیست و سکونت انسان را دربر می‌گیرد. براین مبنا، برنامه‌ریزی مسکن روستایی نه تنها در ابعاد کالبدی، بلکه برای تمام نیازهای فیزیکی، روانی، زیستی، عاطفی و نیازهای اجتماعی بایستی پاسخ مناسب داشته باشد. برنامه‌ریزی مسکن روستایی باید از مقیاس خانه و تک واحد مسکونی فراتر رود و زندگی دسته جمعی و مجموعه‌ای مرکب از خانه‌ها، مزارع و باغها، مکانهای فعالیت و اشتغال، مراکز آموزشی، فضاهای تجاری برآورنده نیازهای روزمره و تأسیسات وابسته و مورد نیاز مجموعه را مورد نظر قرار دهد.

آنچه مسلم است اینکه تلقی و برداشت برنامه‌ریزان و سیاستگذاران بخش مسکن در هر کشور، نقش غیرقابل انکاری در ماهیت و کیفیت برنامه‌ریزی مسکن آن کشور دارد. به هر میزان که درک ژرف‌تری در این باره وجود داشته باشد، رفاه و آرامش بیشتری در محیط خانوارهای ساکن در مساکن ساخته شده برقرار خواهد بود.

تحقیقات حاکی از آن است که میان کیفیت مسکن و آسیبهای اجتماعی، مانند خودکشی، طلاق و مشکلات روانی، رابطه مستقیم وجود دارد. به هر شکل، گول جمعیت و عدم توجه به آن، سبب مهاجرتهای ناخواسته و بی‌رویه گردیده و این امر باعث سکنی گزیدن در حداقل فضای ممکن برای ادامه حیات و زندگی شده است. بنابراین، به دلیل محدود بودن زمینهای مناسب و گرانی آن برای ساخت مسکن، تعدد طبقات و افزایش تراکم برای افزایش فضای

شهری و الگوبرداری از نمونه‌های بیگانه با محیط روستا نیز اثرات همه‌جانبه و سریعی بر محیط روستا برجای می‌گذارد. با در نظر گرفتن این موارد به‌عنوان مبانی شکل‌گیری مسکن روستایی، کارکردهای اصلی مسکن روستایی عبارتند از:

• کارکردهای بنیادین و زیستی، از جمله استراحت، غذا خوردن و مانند آن؛

• کارکردهای خدماتی، از جمله پخت‌وپز، شستشوی ظروف و مانند آن؛

• کارکردهای بهداشتی، از جمله توالی، استحمام و مانند آن؛

• کارکردهای معیشتی، مانند فضاهای تولیدی، پرورش دام و کارگاه؛

• کارکردهای فرهنگی و اجتماعی، مانند ارتباط با دیگران و پذیرایی از میهمان؛

• کارکردهای ذخیره‌سازی، منبع آب، انبار آذوقه، علوفه و محصولات و انبار وسایل؛ و

• کارکردهای ارتباط فیزیکی، از جمله راهروها و فضاهای واسط، هشتی، ورودی و مانند آن.

از مجموعه این کارکردها به‌علاوه محافظت مناسب برابر عوامل نامساعد پیرامونی و محیطی و تجلی ارزشهای فرهنگی و سنتی، می‌توان به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده در نحوه آرایش فضایی و تشکیل بافت کالبدی مسکن یاد کرد. برنامه‌ریزی مسکن در روستاها به این عناصر و ویژگیها و عوامل بسیاری که ناشی از ویژگیهای جامعه روستایی است، بستگی دارد و زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که بتواند ابعاد، نیازها و فضای سکونتی را با شرایط اقتصادی و اجتماعی و روند تحولات جامعه روستایی هماهنگ سازد. خصوصیات فردی ساکنان یک روستا (نظیر سن، جنس و میزان سواد)، سازمان اجتماعی روستا (شامل ترکیب و ساختار خانواده، چگونگی ارتباط اعضای آن با یکدیگر و نیز تعاملات اجتماعی اهالی روستا با هم)، شرایط فرهنگی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی مردم روستا (شامل میزان و منابع کسب درآمد، آئینها و باورهای مذهبی و بومی و پیشینه و تاریخچه محل)، به همراه ویژگیهای فیزیکی هر

به مجموعه‌ای از تأسیسات و امکانات رفاهی، به کاهش تنشهای اجتماعی میان شهروندان نیز مدد رساند.

علاوه‌براین ابعاد، برنامه‌ریزی مسکن شهری تأثیرات بسیار بااهمیت و پرشتابی در موضوعهای کلان اجتماعی، اقتصادی و شاخصهای مربوط به آن برجای می‌گذارد. بُعد اقتصادی برنامه‌ریزی مسکن شهری از مهم‌ترین این ابعاد است. بررسیها نشان می‌دهند که بیش از ۳۰۰ رشته صنعتی و فعالیت حرفه‌ای در ارتباط با بخش مسکن و ساختمان قرار می‌گیرند که تقویت و یا تضعیف بخش ساختمان، بر تحرک اقتصادی و رونق این مشاغل و صنایع تأثیری مستقیم برجای می‌گذارد، به طوری که رونق اقتصادی و سیاستهای اشتغال‌زایی در کشور با شدت و سرعت از این بخش تأثیر می‌گیرد و بدان وابسته است. صنعت ساختمان سهم بزرگی از نیروی کار در کشورهای مختلف را در اختیار دارد. براساس پژوهشهای به‌عمل آمده از سوی سازمان ملل متحد، ایجاد هر شغل جدید در بخش ساختمان و مسکن، منجر به ایجاد ۳ شغل جدید در سایر بخشهای اقتصادی می‌گردد. این موضوع در جوامع روستایی که دارای اقتصادی کمتر پویا هستند و از تنوع اقتصادی محدودتری برخوردارند، آثار به‌مراتب عمیق‌تر و مؤثرتری خواهد داشت و قادر خواهد بود تا بخش مهمی از مشکل اشتغال برای جوانان روستایی را مرتفع نماید (← برنامه‌ریزی مسکن).

مسکن و چگونگی برنامه‌ریزی آن در سیاستهای کلیدی- فضایی و آمایش سرزمین نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند در راستای سیاستهای ملی و منطقه‌ای، موجب توزیع متناسب جمعیت گردد. با توجه به توزیع نامتناسب جمعیت در پهنه سرزمین ایران و اهمیتی که این موضوع در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور دارد، باید به روستاها و شهرهای کوچک‌تر اولویت بیشتری داده شود تا بتوانند سهم مناسبی از جمعیت را به خود جذب نمایند. به این منظور بایستی کیفیت سکونت در روستاها ارتقاء یابد و فعالیتهای خانه‌سازی توسعه یابد. در همین راستا، لازم است با فراهم ساختن بسترهای ضروری اقتصادی و تسهیلات مورد نیاز، مردم روستایی در امر خانه‌سازی فعال شده و

موجود مطرح شده است.

براین اساس، پرداختن به مسائل کلیدی به صورت صرف و عدم توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روانی در ساخت مسکن، موجب بروز بسیاری از مشکلات شده است. در واقع، بحث بر سر آن است که انسانها چگونه قادر خواهند بود تا از اثرات اجتماعی، فرهنگی و روانی این عوامل بر زندگی خویش بکاهند و به سلامت اجتماعی و روانی محیط سکونتی خود کمک کنند.

تحول فرهنگی در هر جامعه‌ای، تحول در مسکن را پدید می‌آورد. هر جامعه‌ای با توجه به تاریخ، فرهنگ و مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش، به ساخت نوعی از مسکن و گرایش به سبکی از معماری روی می‌آورد.

زمین به‌عنوان نیاز اولیه برای ساخت مسکن و خانه‌دار شدن اعضای جامعه شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کمبود زمین در مناطق شهری، به‌خصوص در مراکز استانها و شهرهای بزرگ، گرایش به ساخت مسکن اجتماعی را سبب شده است.

برنامه‌ریزی مسکن علاوه بر آنکه در پی تأمین آسایش و احساس راحتی در داخل خانه، پایداری و دوام سازه‌ای آن و فراهم‌سازی امکانات و تسهیلات رفاهی، نظیر تهویه و سیستم گرمایش و سرمایش مناسب است، بایستی فضای مناسب زیست در مجموعه‌ها و محدوده‌های سکونی را که شامل دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، زیرساختهای اولیه از قبیل آبرسانی، بهداشت، آموزش، دفع زباله و امکان تأمین فعالیت و اشتغال مناسب برای ساکنان را در نظر داشته باشد.

بنابراین، برنامه‌ریزی مسکن شهری باید به طریقی انجام شود که همگام با اهداف توسعه همه‌جانبه، به ارتقاء شاخصهای سلامت جسمانی بیانجامد و آرامش روانی ساکنان خانه و شهر را فراهم نماید. از این گذشته، تنظیم برنامه مناسب برای حضور آسوده فرد در خانه، حفظ عزت نفس وی و تعالی روحی و روانی او، در زمره اهداف برنامه‌ریزی مسکن شهری قرار دارد. علاوه‌براین، برنامه‌ریزی مناسب قادر خواهد بود تا ضمن ایجاد دسترسی

ضمن کمک به دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی توسعه منطقه‌ای، گامهای مؤثری در ارتقاء کیفیت مسکن بومی و شاخصهای محیطی برداشته شود.

اولین و طبیعی‌ترین اثر تراکم در شهر، تغییرات زیستی- اقلیمی، شامل تغییرات درجه حرارت شهرها به علت افزایش بیش از حد سطوح ساختمانی و کاهش وزش باد در سطح شهر، افزایش موضعی سرعت باد در خیابانهایی که در جهت باد قرار گرفته‌اند، است. به‌طور کلی، به دلیل افزایش تراکم شهری و میزان ترافیک، کیفیت و نحوه تهویه، هوای شهر دگرگون می‌شود. دیگر آلودگیهای محیطی ناشی از افزایش تراکم، نظیر آلودگیهای ناشی از دفع زباله، فاضلاب و مسائل بهداشتی ناشی از آن نیز زاییده افزایش بی‌رویه تراکم و سطوح شهری است که متأسفانه گسترش و رشد خدمات شهری نیز تناسبی با رشد بی‌رویه آنها نداشته است.

کتاب‌شناسی:

- پورمحمدی، محمدرضا. *برنامه‌ریزی مسکن*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- درکوش، سعید. *درآمدی بر اقتصاد شهری*. چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵.
- رضویان، محمدتقی. *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری*. تهران: انتشارات منشی، ۱۳۸۱.
- سازمان ملل متحد. *رهنمودهای برنامه‌ریزی مسکن در کشورهای درحال توسعه*، ترجمه کمال اطهاری و محمدکاظم تاج‌بخش، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸.
- United Nations and World Bank. "The Housing Indicator Programme", A Joint Program of United Nations Centre for Human Development and the World Bank. Washington D.C.: World Bank, 1993.

مهران علی‌الحسابی

واحد زراعی کهن جمعی که براساس آن تعدادی زارع صاحب نسق براساس تقسیم کار مبتنی بر امتیازات اقتصادی و اجتماعی، در یک یا چند قطعه زمین، با حمایت آشکار و

پنهان مالک، به‌صورت مشترک و جمعی به کشت و زرع می‌پرداختند. نیروی شخم (گاوار)، مقدار آب معین (اغلب یک شبانه‌روز)، بند مورد نیاز و ابزار کار لازم متعلق به بنه، از ضرورت‌های اولیه تشکیل بنه بود تا فعالیت آن به مدت یکسال زراعی با بازدهی همراه باشد.

یک روستا براساس مدار گردش آب از چند بنه تشکیل می‌گردید که وسعت هر بنه با مقدار حجمی آب و مقدار معین زمین قابل کشت در ارتباط بود، اندازه بذرافکن زمینهای بنه‌های یک روستا تقریباً و اندازه مقدار آب آنها تحقیقاً مساوی بود.

عضویت دهقانان در بنه به برخورداری از حق نسق، سکونت مستمر در آبادی، آگاهی از کشت و ورز برزگران و موافقت ارباب و یا نماینده او بستگی داشت. مدت عضویت هر زارع در یک بنه معمولاً یکسال زراعی بود، اما این عضویت امکان داشت سالهای متمادی نیز ادامه یابد و یا در پایان یکسال زراعی، زارع از بنه‌ای به بنه دیگر تغییر جا دهد. عضو ساده بنه، یعنی برزگر (پابنه) می‌توانست با توجه به کار و آگاهی خود تا مقام سربنه ارتقاء یابد. تعویض اعضاء بنه معمولاً توسط آبیاران صورت می‌گرفت که ممکن بود اجباری و یا اختیاری باشد.

سهم محصول سالانه هر عضو بستگی به جایگاه و موقعیت او در بنه داشت: به آبیار (سربنه) بیشترین سهم عرفی و به برزگر کمترین سهم از محصول برداشتی تعلق می‌گرفت؛ باین‌حال، تحرک اقتصادی و اجتماعی و رقابت‌های پنهانی در بنه اجتناب‌ناپذیر بود.

دوام بنه به عوامل پنجگانه زمین، آب، نیروی شخم، نیروی کار و بذر بستگی داشت. این ۵ عامل به ۲ دسته طبیعی و انسانی تقسیم می‌شد:

• **عوامل طبیعی (غیرمنقول)**، یعنی زمین و آب که زیربنای اصلی تشکیل بنه به حساب می‌آمد؛ و

• **عوامل انسانی (منقول)**، که عبارت بود از نیروی کار انسانی، نیروی شخم، بذر و مقداری ابزار و وسایل کار متعلق به بنه.

تقسیم محصول بنه براساس این ۵ عامل، با مختصر تغییر عرفی محلی، انجام می‌گرفت. معمولاً ۲ عامل آب و

داده می‌شد و بهنگام عید نوروز، به آنها عیدی تعلق می‌گرفت؛ البته، گاهی هم ارباب بدهیهای آنها را می‌بخشید. چهارپایان اعضاء بنه حق چریدن در زمینهای بنه را پس از برداشت محصول داشتند و مقداری محصول صیفی مجاناً به اعضاء تعلق می‌گرفت. نجار و آهنگر بنه نیز ابزارهای شخصی و خانگی آنها را به رایگان تعمیر می‌نمود، سلمانی و حمامی ده هم با شرایط سهل‌تری نیازهای آنها را برآورده می‌کرد.

هر بنه علاوه بر گروههای اصلی و صاحب نسق، دارای اعضاء جنبی بود: آهنگر، نجار، سلمانی و حمامی تشکیل دهندگان این گروه و در خدمت بنه و اعضاء آن بودند که به آنها *سالیانہ* کار می‌گفتند. آهنگر و نجار براساس جفت گاو متعلق به بنه، سهمی برابر از فراورده‌های بنه دریافت می‌داشتند و در مقابل، نیازهای آن را مجاناً در اختیار سربنه قرار می‌دادند.

انواع بنه

بنه‌ای که عوامل پنجگانه آن در اختیار یک نفر قرار داشت، بنه *ارباب رعیتی* نامیده می‌شد، ولی اگر ۲ عامل زمین و آب در تملک مالک و ۳ عامل بذر، گاوکار و نیروی انسانی در اختیار فرد دیگری قرار داشت، بنه *گاوبندی* نام می‌گرفت.

مدیر، سرپرست و گرداننده عوامل منقول بنه را در روستاهای جنوب تهران *گاویند* می‌گفتند، در بنه‌های ارباب رعیتی تهیه و سرپرستی عوامل پنجگانه برعهده ارباب و یا نماینده او بود، در صورتی که در بنه‌های گاوبندی مدیریت و گرداندن امور بنه از ارباب منتزع و به عهده گاویند قرار می‌گرفت. البته، مالکان گاهی اختیارات گاویند را مهار می‌کردند و در صورت بروز اختلاف، حق گاویندی آنان را سلب و از کشت و زرع آنها در ده جلوگیری می‌کردند.

گاویندان بیشتر محلی بودند. گاویندانی که دارای چند بنه گاویندی بودند از متمولین ده محسوب می‌شدند و با اعضاء بنه و دیگران رفتاری چون ارباب داشتند، ولی آنهايي که یک لنگه گاو (یک رأس) یا یک جفت گاویندی داشتند، خود روی زمین کار می‌کردند و از زحمتکشان روستا بشمار می‌آمدند.

زمین متعلق به مالک و ۳ عامل دیگر در اختیار ارباب و یا گاویند قرار داشت.

تعداد بنه‌های یک روستا با فاصله زمانی مدار گردش آب برحسب شبانه‌روز در ارتباط بود، زیرا اگر مدار گردش آب یک روستا بر مدار ۱۲ شبانه‌روز یکبار استوار بود، به‌طور طبیعی و سنتی، آن روستا ۱۲ بنه داشت. به‌سختی دیگر، برای هر بنه عموماً یک شبانه‌روز آب در نظر گرفته می‌شد، ولی اگر این روستا ۱۰ بنه می‌داشت، ۲ شبانه‌روز دیگر آب آن به آبیاری باغها و یا کشتهای جنبی و خصوصی اختصاص می‌یافت.

یک بنه کامل با آب کافی می‌توانست دارای ۶ نفر عضو، ۶ رأس گاوکار (گاو شخم) باشد، ولی به‌نسبت نوسان حجم آب، وسعت زمینهای زیر کشت بنه تغییر می‌کرد و به همان نسبت، از اعضاء و گاوکار بنه کاسته و یا به آن افزوده می‌شد.

بنه از نظر اجتماعی دارای ساختار درونی معینی بود. بدین ترتیب، هر بنه کامل ۶ نفره دارای ۳ عضو ساده و کم‌تجربه به نام *پانہ* یا *برزرگر* بود. برزرگان زیر نظر ۲ نفر به نام *دم آبیاری* (معاون آبیاری) انجام وظیفه می‌کردند که خود تابع دستورات آبیاری یا سربنه بودند. سرپرست و یا مدیر داخلی بنه خود از مالک، ارباب و یا نماینده آنها دستور می‌گرفت.

اعضاء بنه‌ها از حقوق ماهانه، پاداش و انعام برخوردار بودند. آنها در هر ماه مبلغی پول نقد و مقداری گندم دریافت می‌داشتند. البته مقدار این دریافتی در دهات مختلف متفاوت بود. این دریافتی ماهانه، درواقع، همانند قرضی بود که بایستی بهنگام سرخرمن تسویه می‌شد. در ۳ ماه برداشت خرمن و صیفی، به اعضاء حقوقی پرداخت نمی‌شد، یعنی فقط ۹ ماه از سال دارای چنین حقوقی بودند. در آخرین سالهای قبل از اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی)، میزان این حقوق در ده طالب‌آباد (شهری) ۳۰ تومان پول نقد و ۳۰ من (۹۰ کیلوگرم) گندم بود.

اگر دهقانی به بیش از حقوق مقرری ماهانه نیاز داشت، با در نظر گرفتن شرایط مالی، به او پرداخت و به‌حساب بدهی او منظور می‌شد. بهنگام فروش یونجه، سرچر، ته‌چر و علفچر، گاهی علاوه بر حق عرفی، انعامی نیز به اعضاء بنه

کتاب‌شناسی:

- صفی‌نژاد، جواد. *بینه (نظامهای زراعی سنتی در ایران)*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.

- صفی‌نژاد، جواد. *نظامهای آبیاری سنتی در ایران*. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹؛ جلد دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸.

جواد صفی‌نژاد

تأسیس بنیاد مسکن اداره این شرکت، از سوی دادستانی انقلاب اسلامی به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی واگذار گردید.

به‌طور کلی فعالیت بنیاد مسکن را از بدو تأسیس تاکنون و براساس شرایط و تحولات صورت گرفته، به ۳ دوره می‌توان تقسیم کرد:

دوره ابتدایی (از بدو تأسیس تا شهریور ۱۳۶۰ ش)؛ دوره تحول و تکامل (از شهریور ۱۳۶۰-۱۳۶۶ ش)؛ و دوره سازندگی و پایداری (از ۱۳۶۷ ش تا به امروز).

دوره ابتدایی (سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۰ ش)

این نهاد فعالیتهای خود را در این دوره به‌شرح ذیل آغاز کرد:

• **تفکیک و واگذاری زمین**، برای احداث مسکن محرومان از طریق زمینهای هبه شده افراد خیر و زمینهای واگذاری از سوی سازمانهای رسمی و مجاری قانونی، مثل شهرداری و وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی)؛

• **احداث واحدهای مسکونی**، در برخی از این زمینها با کمک مردمی؛

• **معرفی دریافت کنندگان زمین به شهرداری**، برای دریافت پروانه ساختمانی و به بانکها، برای دریافت تسهیلات و اقدام به ساخت؛

• **اعزام نیرو**، به برخی از مناطق کشور برای ساخت مسکن، از جمله قاین، سنندج و بسیاری شهرهای دیگر.

دوره تحول و تکامل (سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۶ ش)

اوایل ۱۳۵۹ ش پس از شروع جنگ تحمیلی، رهبر انقلاب (ره) پیشنهاد هماهنگی بنیاد با سیاستهای دولت را پذیرفتند و مقرر فرمودند، بنیاد تحت نظارت عمومی وزارت مسکن و شهرسازی قرار گیرد. مجلس شورای اسلامی نیز با تصویب این موضوع وزارت مسکن را موظف به تهیه و ارائه اساسنامه بنیاد مسکن کرد. ضمناً حضرت امام (ره)، حجت‌الاسلام سیدهاشم رسولی محلاتی را به نمایندگی خود در بنیاد منصوب فرمودند.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یک نهاد عمومی و غیردولتی است که بعد از انقلاب اسلامی تشکیل گردید. گسترش فقر، محرومیت و عدم دسترسی محرومان جامعه (به‌ویژه روستائیان) به سرپناه مناسب از یکسو و ضرورت تحقق شعارهای انقلاب به‌ویژه بسط عدالت اسلامی زمینه‌ساز صدور فرمان امام خمینی (ره)، مبنی بر تشکیل این نهاد در ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ ش گردید. در واقع، هنوز کمتر از ۲ ماه از عمر انقلاب و یک هفته از استقرار نظام جمهوری اسلامی نگذشته بود که امام خمینی (ره) فرمان افتتاح حساب ۱۰۰ و بسیج مردمی را صادر نمودند. این فرمان برای رفع مشکل مسکن محرومان اعلام شده بود که طبق آن از مردم خواستند و مسئولان را موظف به اجرای مفاد پیام نمودند.

به‌دنبال فرمان تاریخی حضرت امام، هیئت‌امناء و هیئت‌مدیره این نهاد تعیین شد و حزب جمهوری اسلامی بررسی شکل سازمانی مناسب برای آن را آغاز کرد؛ به‌این ترتیب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در ۲۵ اردیبهشت، همان سال فعالیت خود را آغاز کرد و در ۵ خرداد ۱۳۵۸ ش (۴۵ روز پس از صدور فرمان امام) اساسنامه آن به‌عنوان شرکت و با موضوع ایجاد مسکن یا مجتمع مسکونی و تأسیسات رفاهی برای مستضعفان به ثبت رسید. چند ماه بعد از شروع فعالیت بنیاد مسکن در مرکز، اقداماتی در زمینه تشکیل بنیاد مسکن استازها نیز صورت گرفت. با

نفر در محیطهای روستایی از طریق بنیاد صاحب مسکن و سرپناه شدند و یا مسکن خود را تعمیر و مرمت نمودند. بنیاد با کسب تجارب در زمینه بازسازی مناطق جنگزده، آمادگی خود را برای حضور در بازسازی مناطق سانحه دیده طبیعی (پس از وقوع سیل استان فارس) اعلام نمود. براین اساس، امام خمینی (ره) طی پیامی در ۷ دی ۱۳۶۵ ش ضمن تأیید ضمن تجارب و اقدامات بنیاد، علاوه بر تأمین مسکن محرومان، بازسازی نقاط سانحه دیده را نیز برعهده بنیاد قرار دادند.

تا پایان ۱۳۶۷ ش بنیاد توانست ۴۱,۱۵۷ واحد مسکونی را که در بمباران از بین رفته یا صدمات اساسی دیده بود، بازسازی یا تعمیر نماید.

از دیگر فعالیتهای بنیاد در بهسازی مسکن روستایی و افزایش استحکام خانه‌های روستایی، ارتقاء دانش فنی و اجرایی و استفاده از مصالح ساختمانی مناسب است. از این رو، بنیاد اقدام به احداث کارگاههای تولید مصالح ساختمانی، هرچند به شکل کارگاهی و سنتی نمود و سپس به سمت واحدهای بزرگ‌تر و صنعتی تولید مصالح روی آورد و حوزه معاونت تولید مصالح به معاونت امور تولیدی در ۱۳۶۶ ش تغییر یافت.

دوره سازندگی و پایداری (از ۱۳۶۷ ش تاکنون)

این دوره با تصویب اساسنامه بنیاد در آذر ۱۳۶۶ ش آغاز شد. طبق این اساسنامه قانونی، وظایف و اهداف بنیاد عبارت بودند از:

- تأمین مسکن محرومان به‌ویژه روستائیان؛
- مطالعه و بررسی در زمینه تشخیص و تعیین نیازمندیهای مسکن محرومان اعم از روستایی و شهری و فراهم آوردن موجبات اجرای آن با مشارکت، همکاری و خودیاری مردم و دستگاههای مختلف؛
- تهیه طرح مجتمعهای زیستی و واحدهای مسکونی ارزان قیمت و اجرای آنها؛
- تهیه و آماده‌سازی زمین (← آماده سازی زمین) مورد نیاز طرحها و پروژه‌های بنیاد؛
- کمک به تأمین مصالح ساختمانی کشور از طریق تولید،

با حضور نماینده رهبری، اقداماتی در جهت اصلاح مسیر حرکت بنیاد که مورد تشکیک بود (مثل اجاره خانه‌های خالی مردم بدون اجازه مالکان و مواردی مثل این) انجام شد. در این دوره بیشتر تلاش بنیاد متوجه فعالیتهای عمرانی (← عمران روستایی در ایران) و بهسازی روستایی (← بهسازی روستایی) بود و اقدامات قبلی، از جمله توزیع زمین، تعیین قیمت و اجاره مسکن، از دستور کار بنیاد خارج شد. در کنار محرومیت‌زدایی از طریق تشکیل هیئتهای ۷ نفره و تأسیس جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی)، بنیاد مسکن نیز به آبادانی و بهسازی روستاها اقدام کرد.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، در بدو فعالیت خود از ۵ واحد سازمانی: تحقیق، واگذاری، فنی، شهرستانها و مالی تشکیل شده بود.

به‌طورکلی فعالیتهای بنیاد در این دوره را می‌توان در ۵ محور خلاصه کرد:

- **فعالیتهای مالی و اداری**، سامان دادن به پرونده‌های توزیع زمین و تنظیم مدارک برای ارسال به وزارت مسکن و شهرسازی برای صدور سند رسمی؛
- **تأمین مسکن محرومان**، در مناطق شهری و روستایی؛
- **تولید مصالح ساختمانی**؛
- **بازسازی مناطق جنگزده**، و مناطق آسیب‌دیده از سوانح طبیعی؛ و
- **بهسازی و نوسازی مسکن روستائیان و عمران روستاها**، از طریق تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی. بنا به گزارش سرپرست وقت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در پایان ۱۳۶۷ ش، جمعاً تعداد ۳۷,۵۸۸ واحد مسکونی برای محرومان (۲۵,۵۰۴ واحد در نقاط شهری و ۱۲,۰۸۴ واحد در نقاط روستایی) ساخته شد. ضمناً ۹۸,۳۰۰ قطعه زمین نیز در مناطق شهری واگذار گردید و تعداد ۱۱,۴۶۹ واحد مسکونی دیگر (در نقاط شهری و روستایی) با مشارکت بنیاد مورد مرمت و تعمیر قرار گرفت. به‌علاوه، تعداد ۱۹۶,۰۴۲ خانوار برای احداث مسکن از طریق بنیاد وام قرض‌الحسنه دریافت نمودند. بدین ترتیب، بیش از ۱/۴ میلیون نفر از محرومان در نقاط شهری و حدود ۸۵۵ هزار

تهیه و توزیع؛

• نظارت بر پرداخت و مصرف وامهای قرض الحسنه مسکن روستایی و ارزان قیمت شهری تأمین شده از محل منابع مالی و سیستم بانکی کشور؛

• تهیه طرحهای هادی و اصلاح معابر روستایی، با هماهنگی دستگاههای ذی ربط و اجرای آن با مشارکت مردم از محل اعتبارات مصوب واگذاری دولت؛ و

• تهیه و ارائه طرحهای لازم برای بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده در اثر جنگ، سیل، زلزله و سایر سوانح طبیعی و اجرای آنها با مشارکت مردم و هماهنگی با سازمانها و ارگانهای ذی ربط.

در این دوره، با تثبیت جایگاه قانونی بنیاد در حوزه توسعه و عمران روستایی کشور و تحولات رخ داده در دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ش (به ویژه جایگاه مستقل توسعه و عمران روستاها در فصول برنامه های توسعه و تخصیص قابل ملاحظه اعتبارات عمرانی)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی علاوه بر تلاش در جهت تحقق هدف اولیه، به دنبال تحقق اهداف دیگری نیز در حوزه توسعه و عمران روستایی کشور بوده است که اهم این اهداف به شرح ذیل است: احداث مسکن مقاوم و بادوام روستایی؛ حفظ هویت معماری بومی مسکن روستایی؛ بهسازی محیط زیست روستاها؛ هدایت وضعیت فیزیکی روستاها؛ حفاظت، احیاء و مرمت بافتی و کالبد روستایی؛ پی ریزی نظام استقرار مناسب سکونتگاههای روستایی؛ و ساماندهی حدود مالکیت اراضی محدوده بافت مسکونی روستاها.

از جمله فعالیتها و اقدامات صورت گرفته در این دوره در زمینه نوسازی ساختار اداری، ایجاد مراکز و سازمانهای تابعه بنیاد بوده است که عبارتند از: سازمان توسعه مسکن ایران، بنیاد بتون ایران؛ بانک ماشین آلات؛ و مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران.

وظایف

در چارچوب اهداف بنیاد مسکن، وظایفی برای آن در حوزه توسعه و عمران روستایی تعریف شده است. با توجه به تحولات به وقوع پیوسته در حوزه توسعه و عمران

روستایی از نگاه برنامه ای و گسترش توانمندیهای سازمانی بنیاد، وظایف دیگری نیز در طول برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (به ویژه برنامه سوم توسعه) برعهده این نهاد گذاشته شده است. این وظایف به قرار زیر است:

• مطالعه و بررسی در زمینه تشخیص و تعیین نیازمندیهای مسکن محرومان اعم از روستایی و شهری و فراهم آوردن موجبات اجرای آن با مشارکت، همکاری و خودیاری مردم و دستگاههای مختلف؛

• تهیه طرح مجتمعهای زیستی و واحدهای مسکونی ارزان قیمت و اجرای آنها به طور مستقیم یا با مشارکت مردم یا با همکاری و هماهنگی دستگاههای ذی ربط در روستا و شهر؛

• تهیه زمین مورد نیاز طرحها و پروژه های بنیاد و آماده سازی آنها؛

• کمک در جهت تأمین مصالح ساختمانی کشور از طریق تولید، تهیه و توزیع؛

• نظارت بر پرداخت و مصرف وامهای قرض الحسنه مسکن روستایی و ارزان قیمت شهری که از محل منابع مالی و سیستم بانکی کشور تأمین می شود؛

• تهیه طرحهای هادی و اصلاح معابر در روستاها، با هماهنگی دستگاههای ذی ربط و اجرای آن با مشارکت مردم از محل اعتبارات مصوب واگذاری دولت؛

• تهیه و اجرای طرحهای لازم برای بازسازی و نوسازی مناطق مسکونی روستایی آسیب دیده در اثر جنگ، سیل، زلزله و سایر سوانح طبیعی و اجرای آن با مشارکت مردم و هماهنگی با سازمانها و ارگانهای ذی ربط؛

• تهیه و اجرای طرحهای بهسازی بافت با ارزش روستایی؛

• تهیه طرحهای ساماندهی کالبدی سکونتگاههای روستایی؛

• صدور اسناد مالکیت روستایی؛ و

• تملک و واگذاری اراضی روستایی.

ساختار مدیریتی بنیاد مسکن

امام (ره) طی فرمان تأسیس بنیاد مقرر فرمودند، هیئتی مرکب از حداقل ۳ نفر از مهندسان و کارشناسان شهرسازی

به‌طور کلی، ساختار کلان سازمانی بنیاد مسکن از ۳ بخش اصلی تشکیل شده است که شامل ستاد مرکزی، ستاد مرکزی واحدهای استانی، ستاد بنیاد مسکن شهرستان (شعب) است.

بنیاد مسکن به‌منظور فراهم نمودن بحث و تبادل نظر و نشر آراء و افکار دست‌اندرکاران توسعه و عمران کشور و انتقال تجربیات داخلی و خارجی و بهره‌گیری از آنها اقدام به چاپ نشریه‌ای با نام/اثر نمود. سپس نشریه مسکن و/انقلاب با هدف انتشار اخبار و اطلاعات داخلی جایگزین نشریه/اثر گردید. علاوه‌براین، ۲ نشریه به نامهای خبرنامه و فصلنامه مسکن و انقلاب توسط این بنیاد منتشر می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مجموعه قوانین و مقررات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سازمانهای وابسته. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۱۳۷۸.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی حوزه عمران روستایی. تهران: نشر شریف، ۱۳۸۵.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. شرح خدمات طرح ساماندهی کالبدی سکونتگاههای روستایی. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. شرح خدمات طرح بهسازی یافت با ارزش روستایی. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. نشریه فعالیتهای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. منشور اهداف طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی. معاونت عمران روستایی، شهریور ۱۳۸۵.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. شرح خدمات طرح هادی روستایی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴.

- قوه قضائیه جمهوری اسلامی، روزنامه رسمی. شماره ۱۲۵/۳-۱۳۶۶/۱۱/۴.

- وزارت مسکن شهرسازی، «چهار سال... چهار گام...». دفتر وزیر مسکن و شهرسازی، مرداد ماه ۱۳۷۶.

فرهاد عزیزپور

صدیقه حسینی حاصل

و خانه‌سازی و یک نفر روحانی و یک نماینده دولت عهده‌دار مدیریت احداث مسکن محرومان باشند. براین اساس، مجلس شورای اسلامی در ماده ۱۰ اساسنامه بنیاد شورای مرکزی آن را به‌مثابه عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری، متشکل از ۵ نفر به‌ترتیب زیر تعیین کرده است:

یک نفر روحانی (نماینده مقام معظم رهبری)؛ نماینده دولت (وزیر مسکن و شهرسازی)، ۳ نفر از مهندسان و کارشناسان ساختمان و شهرسازی به انتخاب ۲ نفر مذکور. شورا، سرپرست یا بالاترین مقام اجرایی بنیاد را از میان اعضای شورای مرکزی انتخاب می‌کند که او به حکم رئیس شورا به انجام وظیفه می‌پردازد. اساسنامه، انتخاب مجدد رئیس بنیاد را بلامانع دانسته است. عزل ریاست بنیاد نیاز به تصویب شورای مرکزی (با حداقل ۳ رأی) دارد.

منابع اعتباری

بودجه و امکانات و منابع مالی بنیاد از طرق زیر تأمین می‌شود:

- حساب ۱۰۰ حضرت امام (ره)؛
- کمکهای نقدی و غیرنقدی از قبیل زمین، مستغلات، مصالح ساختمانی و غیره که از مردم، دولت و سایر نهادها و دستگاهها به بنیاد واگذار می‌شود؛
- کمکهای بلاعوض بنیاد مستضعفان که صرفاً برای تأمین مسکن فقرا و محرومان صرف می‌شود؛
- کمکهای دولت که در بودجه سالیانه کل کشور منظور می‌شود؛ و
- درآمدهای حاصل از فروش مصالح تولیدی و کارگاهها و کارخانه‌های متعلق به بنیاد و توزیع مصالح ساختمانی و ارائه خدمات فنی.

سازمان و تشکیلات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

با توجه به وظایف محوله، بنیاد مسکن از بدو تأسیس تاکنون تشکیلات متعددی داشته است. تشکیلات اولیه به‌ترتیب در سالهای ۱۳۷۲ش و ۱۳۸۲ش مورد بازنگری قرار گرفت. تغییراتی نیز پس از ۱۳۸۲ش صورت گرفت.

بوروکراسی ← دیوانسالاری

در عین حال، محدود است. در این چارچوب، سازگاری با محیط، نه به مثابه رقابت بین انسان و محیط، بلکه پدیده‌ای عام بشمار می‌آید که بر اساس روابط فی‌مابین انسان و محیط، برای بقا به انجام می‌رسد.

امروزه، کارشناسان این علم معتقدند، شهرها *اندامواره‌های حساسی* هستند. سلامت آنها و سلامتی و رفاه شهروندان در اصل، به کارکرد و سازگاری نظام‌های متعدد همبسته‌ای وابسته است که کم‌وکیف نیرو (انرژی)، سرمایه مادی و انسانی را در سراسر شهر و ورای آن کنترل می‌کنند. از این رو، بوم‌شناسی شهری با تلفیق پژوهش‌های ناب نظری و کاربردی، به بررسی ساختار و کارکردهای نواحی شهری به مثابه *فضاهای زیستی*، اکوسیستمها و چشم‌اندازها می‌پردازد. بدینسان، بررسی‌های بوم‌شناسی شهری، بر شناسایی روابط متقابل جوامع زیستی و محیط شهری تأکید می‌ورزند و هدف اصلی از آنها، دستیابی به تعادل میان فرهنگ انسانی و محیط طبیعی است. در این رویکرد، ساختار فضایی شهرها را با بهره‌گیری از چارچوب عام بوم‌شناختی می‌سنجند؛ برای این منظور، ۴ معیار علی هم‌پیوند که از نظر کارکردی در کنش متقابل قرار دارند، به شرح زیر، در نظر گرفته می‌شوند:

- گروه هماهنگ کارکردی؛
 - سازمان‌پذیری (روابط اجتماعی و اقتصادی حاکم در درون گروه)؛
 - محیط (اثرات محیط طبیعی بر گروه)؛ و
 - فناوری (ابزار و فنون مورد استفاده گروه در تأمین نیازها و سازماندهی امور خود).
- البته، اگر شکل شهر را در نظر بگیریم، به سختی می‌توان تنها به ویژگی‌های ظاهری آن بسنده کرد: یک شهر - در عمل - مکانی کالبدی و علاوه بر آن، شبکه‌ای از روابط است. هر چند نظام‌های محیطی و اجتماعی، آشکارا، در طیفی بینابینی، متشکل از محیط‌های انسان‌ساخت، طبیعی و اجتماعی عمل می‌کنند، بسیاری از عرصه‌های آنها ممکن است به‌عنوان اجزای مستقل، طراحی، مدیریت و بهینه‌سازی شده باشند. در نتیجه، در حال حاضر تعارض میان این نظامها، سلامتی کل اندامواره شهری را تهدید می‌کند.

بوم‌شناسی شهری

Urban Ecology

بررسی الگوهای تکوین و توسعه شهری با تأکید بر شالوده‌های محیط طبیعی. دانش بوم‌شناسی که در زبانهای اروپایی بر معنای واژه *eco*، برگرفته از واژه یونانی *oikos*، به معنای موطن، بوم و خانوار، استوار است، مطالعه روابط اندامواره‌های زنده با یکدیگر و با محیط طبیعی و زیستی خود تعریف می‌شود. بر این اساس، بوم‌شناسی شهری، بخشی از مطالعات جغرافیایی و جامعه‌شناختی است که به بررسی سازمان فضایی و ساختار درونی جوامع شهری می‌پردازد. بعضی بوم‌شناسی شهری را مترادف *بوم‌شناسی انسانی* بشمار می‌آورند. به هر تقدیر، این علم، در اصل، ریشه در مفاهیم و رویکردهای مکتب شیکاگو دارد. بر این اساس، مطالعات سنتی بوم‌شناسی شهری بیشتر در ۳ عرصه اصلی به انجام می‌رسند:

- پذیرش مفاهیم بوم‌شناسی جانوری و گیاهی در بررسی اجتماع انسانی؛
 - توصیف تفصیلی نواحی طبیعی شهرها؛ و
 - پژوهش‌های جغرافیایی مسائل اجتماعی در قالب همان نواحی طبیعی.
- بر این مبنا، اصطلاح بوم‌شناسی بدان دلیل به کار می‌رود که عناصر منفرد را در قالب کلیت اجتماع محلی خود مورد بررسی قرار می‌دهند.
- بوم‌شناسی شهری از ۱۹۴۵م رو به گسترش نهاده است. هسته اصلی مطالعات آن، هم از آغاز، شالوده شهر را به مثابه کانون تمرکز شمار زیادی از مردم در فضاهای نسبتاً کوچک بشمار می‌آورد. بر این اساس، این علم کلیت محیط شهری را به صورت *نظام زیستی شهرنشینان* در نظر می‌گیرد و هدف اصلی از مطالعات آن، کشف و درک چگونگی ساماندهی نحوه سازگاری شهروندان با محیطی دائماً در حال تغییر و



کتاب‌شناسی:

- Berry, B.J.L. & Kasarda, J.D. *Contemporary Urban Ecology*. New York-London: MacMillan, 1977.
- *Ecology*. Brenste, J.; Feldmann, H. and Uhlmann, O. (eds), Berlin: Springer Verlag, 1998.
- Caves, Roger W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.
- Dalal-Clayton, Barry & Sadler, B. *Strategic Environmental Assessment: A Rapidly Evolving Approach*. IIED, Environmental Planning Issues No. 18, 1999.
- Geraghty, P.; Brown, A. and Horton, F. *The Use of Guidance Materials for the Preparation of Environmental Impact Assessments*. International Association for Impact Assessment. 16th Annual General Meeting Paper. Portugal, 1996.
- Johnston, R.J. & et al (eds). *The Dictionary of Human Geography*. Oxford: Blackwell, 2001.
- ODA. *Manual of Environmental Appraisal*. Overseas Development Administration. Revised July 1996.
- UNEP. *Environmental Impact Assessment: Issues, Trends and Practice*. Nairobi: Environment and Economics Unit, 1996.

مصطفی مؤمنی

بدین ترتیب، بسیاری از مشکلات مبتلا به مراکز شهری را نمی‌توان در چارچوب یک علم منفرد به‌درستی تبیین نمود. بنابراین، هدف اصلی از بوم‌شناسی شهری همراه با مشارکت علوم مرتبط، عبارت است از کشف نحوه پیوند این نظامها و بدینسان، چگونگی نقش‌پذیری هریک از آنها در گرایشهای مدیریتی. بدینسان، بوم‌شناسی شهری تنها به وجهی بینارشته‌ای قابلیت کاربرد دارد.

نحوه مفهوم‌سازی و نگرشهای حاکم در این دانش مورد انتقاد برخی از کارشناسان است؛ از جمله این انتقادات این است که در این‌گونه برخورد با مسائل شهری، جایگاه ارزشها، تمایلات، گرایشها و نحوه و روند/انتخاب آحاد انسانی (شهروندیان) به‌درستی تبیین نمی‌شود. البته، مطالعات بوم‌شناسی شهری هنوز مورد توجه بعضی کارشناسان مطالعات شهری است، هرچند این علم نیازمند کار بیشتر در برخی عرصه‌های موضوعی شهری، از جمله الگوهای تحول جمعیتی است. البته عرصه مطالعات این علم، جزء موضوعات اصلی بررسیهای نوین جغرافیایی و جامعه‌شناختی بشمار نمی‌رود.

بهداشت شهری

Urban Health

بهداشت شهری شامل تلاشهای فردی و عمومی (دولتی) افراد، گروهها، نهادها و سازمانها برای تأمین، حفظ و ارتقاء سلامتی در شهرهاست. در بهداشت شهری، بر نقش و تأثیر محیط شهری بر سلامت شهروندان و تنوع و به هم پیوستگی عناصر متعدد زندگی شهری تأکید می‌شود. شهرها بسیار پیچیده هستند و تغییرات در یک قسمت شهر، به پیامدهای ناخواسته در بخشهای دیگر منتهی می‌شود. بهداشت و سلامتی انسان نیز محصول عوامل بسیاری است که با یکدیگر در کنش متقابل هستند و در صورت تغییر یکی، سایر عوامل نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. وضعیت بهداشتی شهرها به صورت مجزا از تراکم و اندازه جمعیت، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، پیشرفت فناوری و رشد توقعات و انتظارات عمومی قابل تصور نیست.

هدف از بهداشت شهری، جلوگیری از بروز بیماریهای واگیر از طریق بهسازی محیط و واکسیناسیون، افزایش طول عمر، ارتقاء سطح سلامتی و حداکثر استفاده از توان جسمانی و روحی افراد در راه پیشرفت جامعه است. ازدحام، آلودگی هوا و صنعتی شدن اثرات نامطلوبی بر ابعاد زیستی، روانی، جسمانی و اجتماعی افراد دارد. در گذشته، خطر بیماریهای عفونی و انگلی بیشتر شهرها را تهدید می‌کرد، اما امروز با پیشرفت جوامع و بهبود وضع محیطی شهرها، خطر این بیماریها کاهش یافته، در عوض خطر بیماریهای غیرواگیر، از جمله بیماریهای قلبی، عروقی، سرطانها، سوانح و تصادفات و اختلالات روانی افزایش یافته است که در مدیریت هر شهر، علاوه بر آموزش بهداشت برای ترویج رفتارها و عادات صحیح بهداشتی و تغذیه‌ای، باید راهکارهای مناسبی برای کاهش این خطرات اندیشیده شود. شهرها از نظر صنعتی توسعه یافته‌تر از مناطق روستایی‌اند. این موقعیت بر سلامت اثر مثبت و منفی دارد؛ چنانچه توسعه صنعتی، منابع و امکانات بیشتری را برای برنامه‌های بهداشتی فراهم می‌کند، اما از سوی دیگر، باعث آلودگی محیطی و بیماریهای شغلی می‌شود.

برای تأمین بهداشت شهری ابتدا باید معضلات و مشکلات بهداشتی و شیوع آنها در بین جمعیت‌های مختلف شناسایی شوند و سپس، براساس مؤلفه‌های بهداشت محیط، خدمات در مجموعه شهری تأمین گردد. در قالب مفهوم بوم‌شناختی، سلامتی، تعادل پویا بین انسان و محیط زیست است. بنابراین، تغییر شرایط شهر از حالت معمولی و طبیعی، بر سلامت انسان تأثیر می‌گذارد.

براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامتی عبارت است از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط بیمار یا معلول نبودن. بنابراین، فردی که در اجتماعی زندگی می‌کند که میزان اعتیاد به مواد مخدر یا مرگ و میر و وقوع حوادث و سوانح بیش از حد مجاز است، نمی‌تواند خود را سالم بداند. بدین ترتیب، شهر باید شرایطی داشته باشد که ضمن حفظ سلامت فرد از جنبه‌های گوناگون، برای بیماران و معلولان نیز امکانات و تسهیلات لازم را فراهم کند.

عوامل زیست‌محیطی از قبیل آب، مسکن، هوا، شاخصهای اجتماعی-اقتصادی، مانند درآمدسرانه، سطح آموزش، تغذیه، اشتغال، نظام سیاسی کشور و نحوه عرضه خدمات بهداشتی و بهداشتی، در تأمین بهداشت شهری دخالت دارند. اجزای زیست‌محیطی کاملاً مجزا از هم نیستند، بلکه چنان در یکدیگر تنیده‌اند که واقع بینانه‌تر آن است که محیط زیست به عنوان عاملی اثرگذار بر بهداشت شهری به صورت کلی و جامع در نظر گرفته شود. اگر محیط زیست شهری مساعد باشد، فرد می‌تواند از حداکثر تواناییهای جسمی و روانی خود استفاده نماید.

شهر مجموعه‌ای از اجزای گوناگون از قبیل فرد، خانواده، محل سکونت، مدرسه، مراکز بهداشتی، درمانی، خیابانها و اماکن عمومی، مراکز تفریحی و امنیتی است. با توجه به اجزاء گسترده شهر، رعایت نکات بهداشتی در همه اجزاء آن ضروری است. برای حفظ و ایجاد بهداشت شهری فعالیتهای زیر اهمیت دارد:

- بهداشت محیط؛
- آموزش بهداشت؛
- بهداشت شغلی؛

اطراف آن در زمان خاص زندگی می‌کنند، منعکس کننده رویکرد تاریخی، الگوی باروری و میزان مهاجرت است. شاخصه‌های جمعیتی، از قبیل سن، جنس، وضعیت ژنتیکی، باورهای بهداشتی و نگرشهای فرهنگی، وضعیت بهداشت و سلامتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. معمولاً تنوع در جمعیت شهری باعث می‌شود که الگوی ژنتیکی خاصی در شهر غالب نباشد و با گذشت زمان، تغییراتی در ترکیب جمعیتی شهرها متعاقب روند شهرنشینی، مهاجرت، سالمندی و کاهش باروری رخ دهد و بر سلامت افراد تأثیر گذارد.

محیط کالبدی

دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهسازی محیط، دفع صحیح فاضلاب و جمع‌آوری زباله، عدم آلودگی صوتی و هوای سالم از شاخصه‌های مربوط به محیط کالبدی‌اند که در مناطق شهری دارای اهمیت بسزایی هستند. انجام امور مربوط به این موارد از اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ م در شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، منجر به کاهش بیماریهای عفونی و مرگ و میر ناشی از آنها شده است. اما کشورهای درحال توسعه هنوز درگیر حل معضلات مربوط به آن عوامل هستند. به‌ویژه محل دفن مواد زائد خطرناک اغلب در حاشیه شهرها و نزدیک به مناطق شهری است و در این مناطق، تولد کودکان کم وزن، نواقص مادرزادی، شیوع بیماریهای عفونی و سرطانات بیشتر است.

تدارک آب سالم قطعاً برای حیات و حفظ و تأمین سلامتی ضروری است. اکنون ۱/۴ میلیارد نفر از جمعیت جهان یا به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند، یا مجبورند هزینه گزافی برای آن بپردازند. تأمین آب سالم باعث کاهش بیماریهای منتقله از طریق آب (مانند حصبه، اسهال، وبا و ...) می‌شود و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد.

هوای تمیز و سالم در حفظ تندرستی افراد نقش بسزایی دارد. هوا از طریق احتراق مواد فسیلی در منازل و کارخانه‌ها، اتومبیلها، گردوغبارهای صنعتی و غیرصنعتی آلوده می‌شود. ذرات کمتر از ۵ میکرون وارد کیسه‌های هوای شش شده و اثرات سویی بر ریه و بدن برجا می‌گذارند.

- بهداشت خانواده؛
- بهداشت مدارس؛
- کنترل سوانح و حوادث؛ و
- کنترل بیماریهای حاد و واگیر.

عوامل مؤثر بر بهداشت شهری

پیشرفتهای بسیاری در زمینه بهداشت در سطح جهان در سده ۲۰م ایجاد شده است. بیماریهای حاد و مرگ زودرس به علت بیماریهای عفونی به حالات و بیماریهای مزمن و ناتوان کننده تغییر شکل داده و یا سیمای بیماریها با بروز بیماریهای نوپدید، مثل ایدز و یا بازپدید، مثل سل و مالاریا تا حدود زیادی تغییر یافته است. بیماریهای جدید، به علت واگیر بودن، کیفیت سلامت و زندگی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مدیریت بهداشت شهری باید طی روندی منظم، مشکلات بهداشتی و نیازهای مغفول مانده شهر مشخص شود و سپس، با تحقیق در منابع موجود، برای تأمین این نیازها تصمیم‌گیری شود و پس از تدوین اهداف واقعی و اصلی، راهکارهای مناسب برای دستیابی به آن اهداف تنظیم گردد. هزینه‌های مراقبت بهداشتی بستگی به وضعیت محیطی، اقتصادی و اجتماعی شهر دارد. توسعه سطح سلامتی شهروندان و محیط شهری برای رشد سریع اقتصادی ضروری است و میزان مرگ و میر شیرخواران یکی از شاخصهای تعیین کننده وضعیت بهداشتی شهری است، زیرا کودکان کم سن و سال در برابر شرایط غیر بهداشتی و عدم مراقبتهای پزشکی حساس‌ترند. میزان مرگ و میر شیرخواران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، با کیفیت محیط شهری (کیفیت آب آشامیدنی، آلودگی هوا و مانند آن) و اکسیدکننده‌های فتوشیمیایی، به‌ویژه ازون، ارتباط دارد. شواهدی دال بر افزایش آزادسازی پیش‌سازهای ازون از قبیل نیتروژن دیوکسید، ترکیبات آلی فرار متان و منوکسیدکربن وجود دارد که اثرات ناخوشایندی بر سلامتی انسان و بوم‌سامانه‌ها (محصولات کشاورزی، جنگل و سایر گیاهان) دارد.

ترکیب جمعیتی

مشخصات جمعیت‌شناختی افرادی که در شهری معین یا در

دستیابی به آرمانها و خدمات مؤثر، از قبیل مسکن، تغذیه و مراقبت بهداشتی، بر سلامتی و بهداشت شهری تأثیرگذار است. محیط می‌تواند باعث تقویت سلامتی یا آسیب به آن شود. در بدنه هر شهری مشکلات و معضلات واحدی وجود دارند که با ارائه مناسب خدمات بهداشتی، به‌ویژه در بین اقشار فقیر جامعه، می‌توان از بروز بسیاری از معضلات و بیماریها جلوگیری کرد و یا آنها را مهار نمود.

کتاب‌شناسی:

- آقا ملایی، تیمور. *اصول کلیات خدمات بهداشتی*، چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشاراتی اندیشه رفیع، ۱۳۸۴.
- امیریگی، حسن. *اصول بهداشت محیط*. تهران: مؤسسه انتشاراتی اندیشه رفیع، ۱۳۸۳.
- مرندی، علیرضا [و همکاران]. *سلامت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: یونیسف، ۱۳۷۷.
- Barondess, Jeremiah. "The health of Cities", *Journal of Urban Health*, 75(2), 1998.
- Boadi, Kwasi; et al. "Urbanisation Without Development: Environmental and Health Implications in African Cities". *Environment, Development and Sustainability*, 7: 465-500, 2005.
- *Encyclopedia of Public Health*, "Urban Health", 2008.
- Eyong Charles T.; et al. "Assessment of the Hygiene and Sanitation Campaign in Cameroon", *Environment, Development and Sustainability*, 4: 391-402, 2002.
- Freudenberg, Nicholas. Jails, "Prisons and the Health of Urban Populations", *Journal of Urban Health*, 78(2): 214-235, 2006.
- Ghose, Mrinal K.; et al. "Assessment of the status of Urban air pollution and its impact on human Health in the city of kolkata", *Environmental monitoring and Assessment*, 108: 151-167, 2005.
- Glouberman, S.; et al. "A framework for improving Health in Cities", *Journal of Urban Health*, 83(2): 325-336, 2006.
- Martinez, Javier. "Trends in Urban and Slum indicators across developing World Cities, 1990-2003," *Habitat International*, 32: 86-108, 2008.
- Vahov, D.; et al. "Urban as adeterminant of Health," *Journal of Urban Health*, 84(1): i16-i25, 2007.
- Vlahov, David; and Galea, Sandro. "Urbanization, Urbanicity and Health," *Journal of Urban Health*, 79(4), Supplement S₁ S₁₁, 2007.
- W.A.R "city". *Encyclopaedia Britannica*. Ultimate reference Suite. Chicago, 2007.
- <http://www.enotes.com/public-health-encyclopedia>

علی احسان حیدری

در کشورهای در حال توسعه بحرانهای کیفیت هوا اغلب در مقادیر عمده (۴۰ تا ۸۰٪) ناشی از وسایل حمل و نقل است، زیرا آنها منابع آزاد کننده منوکسیدکربن (CO)، ازون (O₃)، مواد سمی و ذرات معلق هستند که از عوامل ایجاد کننده اختلال در سلامتی اند.

بیماریهای حاد ریوی، از قبیل آسم، التهاب مزمن نایژه‌ها و حساسیت در شهرها بیشتر از مناطق روستایی است و توسعه فضای سبز در شهرها، انتقال مراکز صنعتی به خارج از شهرها، توسعه شبکه حمل و نقل سالم شهری و بهینه‌سازی مصرف سوختهای فسیلی، از راهکارهای مناسب سالم‌سازی هوای شهری است.

میزان، موقعیت و کیفیت فضای سبز در کیفیت محیط شهری تأثیر می‌گذارد. فضای سبز فرصتهای خلق مجدد اکسیژن را فراهم می‌کند و در زیبای‌سازی محیط دخیل است. فضای سبز شهری همچنین از نظر تنوع‌زیستی اهمیت دارند و زیستگاهی را برای برخی گونه‌های جانوری و گیاهی تأمین می‌کند.

آلودگی صوتی یکی از مشکلات متداول شهری است که با نواقص شنوایی، افزایش فشارخون، بیماریهای قلبی و عروقی و تنش همراه است. وضعیت محیط نیز بر سلامت افراد مؤثر است. فضای کم و شلوغ یا سکونت در مناطق موقت و ناامن نیز وضعیت سلامتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین، محل سکونت و ساختمان باید متناسب با نیازهای فرهنگی، خانوادگی، روانی و بهداشتی افراد باشد و نور کافی و فضای لازم را برای افراد فراهم کند. وضعیت کالبدی شهر از نظر زلزله خیزی، سیل، جابه‌جایی زمین، آتش‌سوزی و حوادث صنعتی از سایر عوامل تأثیرگذار بر وضع سلامتی افراد است.

محیط اجتماعی

فاکتورهای اجتماعی در اثرکنش متقابل افراد و گروهها در جامعه به وجود می‌آیند؛ برای نمونه می‌توان به بیماریهای مرتبط با استرس (تنش) اشاره کرد که در بین ساکنان شهری بیش از افرادی است که در روستا زندگی می‌کنند. محیط اجتماعی از طریق فراهم کردن امکانات برای

رسومات، از آن او بود. یکی از تفاوت‌های مهم نظام ارباب رعیتی در ایران با فئودالیسم اروپایی، عدم سکونت اربابان (مالک غائب) در روستا بود. در ایران مالکان اغلب ساکن شهر بودند و درعین حال، به کارهای تجاری و یا اداری اشتغال داشتند. باین وجود، اربابان در روستاهای خوش آب‌وهوای خود معمولاً خانه‌ای و باغی داشتند که در فصل تابستان در خانه‌های ییلاقی خود اطراق می‌کردند. غیبت ارباب سبب می‌شد تا نقش و عملکرد مباشرین و کدخدایان در تنظیم روابط اهمیت بسیار بیابد.

به‌طور کلی، سهم رعایا از اراضی اربابی در چارچوب نسق‌بندی (← نسق) تعیین می‌شد. در این چارچوب، رعایا در نواحی خشک و کم‌آب ایران، در قالب گروه‌های مستقل زراعی و یا نظام‌های تولید زراعی جمعی که در نقاط مختلف کشور به اسامی گوناگونی چون بنه، جفت، جوت، دانگ، صحرا، حراثه، سرکار، پاگاو، درکار و جز اینها خوانده می‌شد، سازمان می‌یافتند.

تفاوت کیفیت (حاصلخیزی) و موقعیت زمین‌های موجود در یک روستا، از یکسو و از سوی دیگر، ایجاد انگیزه در رعایا برای کار بر روی اراضی با کیفیت پایین‌تر و در موقعیتهای دورتر نسبت به بافت کالبدی روستا و منابع آب، موجب می‌شد تا اراضی واقع در محدوده هر روستا دسته‌بندی (صحرابندی) شود و براساس قرعه (پشک‌اندازی)، میان گروه‌های مستقل زراعی (بنه‌ها) توزیع گردد (← بنه). پشک‌اندازی گاه سالانه و گاه هر ۲ سال یکبار، و در مواردی حتی ۵-۷ سال یکبار تکرار می‌شد. به دلیل محدودیت آب و ضرورت رعایت تناوب زراعی، معمولاً زمین در اختیار هر بنه به ۳ قسمت (کشت‌خون) تقسیم می‌شد؛ ۲ قسمت از ۳ قسمت به آیش نهاده می‌شد و یک قسمت تحت کشت قرار می‌گرفت. معمولاً تعداد بنه‌ها با مدار گردش آب در ارتباط بود.

هوادارن مکتب نوسازی، با الگوبرداری از تجربیات جهانی، برای حل معضلات ناشی از اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی) و به‌ویژه حل مسئله خردی و پراکندگی قطعات زراعی در واحدهای بهره‌برداری دهقانی (← یکپارچه‌سازی اراضی روستایی)، افزایش توان مدیریتی

بهره‌برداری کشاورزی، نظام

Farming System

نظام بهره‌برداری کشاورزی مجموعه‌ای به هم پیوسته از عناصر و شیوه‌های رسمی و عرفی در فراهم‌آوری، کاربرد منابع و عوامل تولید است که در چارچوب مقیاس، فناوری، سازمان کار و مناسبات اجتماعی معین، به‌منظور دستیابی به محصول، مبادله و عرضه و مصرف در یک قلمرو جغرافیایی شکل می‌گیرد.

نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی به اعتبار تحول‌پذیری اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده آنها، پدیده‌هایی تاریخی‌اند؛ از این رو، نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی موجود را می‌توان به ۳ گروه اصلی تقسیم کرد:

- نظام‌های بهره‌برداری سنتی؛
- نظام‌های بهره‌برداری در حال گذار؛ و
- نظام‌های بهره‌برداری نوین.

هسته کانونی شناسایی نظام‌های بهره‌برداری، مالکیت منابع و عوامل تولید، به‌ویژه آب و زمین است. نظام بهره‌برداری کشاورزی در دوره اربابی با حفظ چارچوب و موازین بنیادین خود، از تنوع زیادی برخوردار بود. در بعضی مناطق، گاویندها عامل واسط میان ارباب و رعیت بودند و وظیفه سازماندهی رعایا و بهره‌برداری از منابع آب و زمین را برعهده داشتند. در برخی مناطق، این وظیفه مستقیماً بر دوش خود ارباب و یا مباشر وی قرار داشت. در این نظام، علاوه بر مالکیت اربابی، انواع دیگری از مالکیت ارضی وجود داشت که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

- املاک سلطنتی؛
- املاک موقوفه؛ و
- زمین‌های متعلق به خرده مالکان.

املاک سلطنتی و موقوفه، به مانند اراضی اربابی، به‌واسطه مباشران، ادارات ذی‌ربط و متولیان در چارچوب مزارعه و یا به‌صورت /جاره، به رعایا و در پاره‌ای موارد، به اشخاص با نفوذ محلی و رهبران ایلات واگذار می‌شد. در اراضی خرده مالکی، صاحب زمین خود مستقیماً در فرایند تولید حاضر بود و محصول نیز پس از کسر انواع

و به‌طور کلی، تسریع در فرایند گذار از نظامهای بهره‌برداری سنتی به نظامهای بهره‌برداری نوین، ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی و به‌دنبال آن، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی را پیشنهاد کردند و بدون فراهم کردن بسترهای اجتماعی-فرهنگی لازم، این برنامه‌ها را به اجرا درآوردند. بدینسان، شرکت‌های سهامی زراعی اغلب در دشتهای حاصلخیز تشکیل شدند و در مدت کوتاهی، با حمایت دولت، نسبت به تجهیز و تسطیح اراضی، احداث کانالهای آبیاری، خرید ماشین‌آلات کشاورزی و ساخت انبار و دفتر کار اقدام کردند.

همین‌گونه اقدامات در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی انجام گرفت. اعضای این شرکت‌ها، در قالب گروه‌های کار مشخص، در اراضی زیر پوشش شرکت، براساس تقسیم کار مشخص فعالیت داشتند. تعاونی‌های تولید دارای مجمع عمومی، مدیرعامل، هیئت مدیره و بازرس بودند. شرط عضویت در این شرکت‌ها داشتن زمین زراعی در محدوده فعالیت شرکت تعاونی تولید بود. در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، برخلاف شرکت‌های سهامی زراعی، هر فرد دارای یک رأی بود و تفاوت اندازه زمین تأثیری در میزان رأی افراد نداشت.

مدیرعامل شرکت تعاونی تولید از سوی دولت برگزیده می‌شد، اما حقوق خود را از محل درآمدهای تعاونی دریافت می‌کرد. هم شرکت‌های تعاونی تولید و هم شرکت‌های سهامی زراعی، دارای دفاتر قانونی برای ثبت حسابها و حسابدار حرفه‌ای بودند.

مهم‌ترین اقدام این شرکت‌ها، تسطیح، یکپارچه‌سازی اراضی و یکجاکشتی بود. به‌رغم دولتی بودن برنامه ایجاد شرکت‌های تعاونی تولید و سهامی زراعی و لِرزان بودن پایه‌های مردمی آنها، این شرکت‌ها تأثیرات مهمی بر فضای تولید کشاورزی در حوزه‌های روستایی تحت پوشش برجای نهادند.

همزمان با تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید و سهامی زراعی، و در ادامه اقدامات دولت برای ایجاد قطب‌های رشد، نظام بهره‌برداری تازه‌ای به نام کشت و صنعت آغاز شد. کشت و صنعتها که مجموعه‌ای از فعالیتهای کشاورزی و

صنایع تبدیلی و تکمیلی را در قالب مدیریتی واحد گرد آورده بودند، با سرمایه خصوصی، دولتی و یا مختلط و نیز منابع داخلی و خارجی، در اراضی مستعد زیر سدهای مخزنی بزرگ ایجاد شدند. از ۱۳۴۷ش این شرکت‌ها به تدریج در خوزستان، فارس، گیلان، اردبیل، خراسان، مازندران، گرگان و گنبد، تهران و زنجان تأسیس شدند که بسیاری از آنها، با برخی تغییرات در مالکیت، امروزه به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

هدف از تشکیل کشت و صنعتها، به‌عنوان گونه‌ای جدید از نظامهای بهره‌برداری کشاورزی، تغییر ساختار تولید کشاورزی، ارتقاء بهره‌وری عوامل و منابع تولید، به کارگیری فن‌آوریهای نوین، اجرای الگوهای کشت با تراکم بالا، کشت محصولات صنعتی، توسعه روشهای نوین آبیاری، ارتقاء مکانیزاسیون کشاورزی، هدایت سرمایه‌های مالی به بخش کشاورزی تولید برای بازارهای جهانی و افزایش سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی بود.

متأثر از فعالیت نظامهای بهره‌برداری نوین، مانند سهامی زراعی، تعاونیهای تولید، کشت و صنعتها، شرکت‌های تجاری کشاورزی، همچنین فعالیت اجاره‌کاران قمی، اصفهانی و یزدی در پاره‌ای از نقاط کشور، در کنار تلاش دولت برای توسعه، ترویج و آموزش کشاورزی نوین در جوامع روستایی در بستر گسترش مناسبات سرمایه‌داری و توسعه بازار محصولات کشاورزی، واحدهای بهره‌برداری دهقانی نیز به مرور برخی از ویژگیهای سنتی خود را با ویژگیهای نوین جایگزین کردند. نمونه بارز این تغییرات، رواج کم‌وبیش مصرف انواع بذر، سم و کود شیمیایی، استفاده از تراکتور و برخی ادوات ماشینی، بهره‌برداری از چاه عمیق، استفاده از منابع مالی مؤسسات رسمی اعتباری و بانکها، و از همه مهم‌تر، عرضه روزافزون بخشی از محصولات تولیدی به بازارهای ملی بود.

در فاصله زمانی اجرای اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ش) تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش)، انواع نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران عبارت بودند از:

- نظام بهره‌برداری دهقانی؛
- نظام بهره‌برداری سهم‌بری (تلمبه‌کاری و...)

اختیار گرفتند و با هدف احیاء روحیه کار جمعی و همیاریهای تولیدی، اراضی را در قالب واحدهای تولیدی مشاع به کشاورزان کم‌زمین و بی‌زمین، و متقاضیان صاحب صلاحیت واگذار کردند. براساس آمارهای رسمی، این هیئتها حدود ۷۰۰ هزار هکتار زمین را طی یک‌دوره ۱۵ ساله واگذار کردند. مشاعهای تشکیل شده می‌توانستند، با حمایت دولت، از نظام بانکی وام دریافت کنند و انواع مجوزهای لازم را برای حفر چاه، خرید ماشین‌آلات کشاورزی، انجام عملیات تسطیح اراضی، ایجاد شبکه آبیاری و زهکشی، ساختمان دفتر و انبار و تأسیس واحدهای دامپروری صنعتی کسب کنند.

تعداد زیادی از واحدهای تولید مشاع در کمتر از یک دهه پس از تأسیس، به دلایل مختلف فرو پاشیدند و سازمان تولید جمعی کنار نهاده شد. بدینسان، از دل هر مشاع، تعدادی واحد بهره‌برداری دهقانی و یا تجاری کوچک مقیاس بیرون آمد. علاوه‌براین، تعداد زیادی از شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید، بنا به تصمیم دولت و با تأیید اعضا و سهامداران منحل و اراضی و امکانات آنها تقسیم شد. به این ترتیب، به جای این شرکتهای نیز تعدادی بهره‌برداری دهقانی به جمع تولیدکنندگان خرد افزوده شد.



در این میان، نظام بهره‌برداری دهقانی متأثر از توسعه بازارها، رشد و گسترش فنآوریهای نوین و برنامه‌های حمایتی دولت در راستای استفاده از فنآوریهای نوین، تولید برای بازار، بهره‌گیری از نیروی کار مزدگیر به تناسب خروج نیروی کار جوان و زنان خانوارهای دهقانی از فرایند

• نظام بهره‌برداری اجاره‌کاری؛

• مزارع بزرگ مالکی؛

• شرکتهای و مؤسسات کشاورزی (خصوصی و دولتی)؛

• شرکتهای سهامی زراعی؛

• شرکتهای تعاونی تولید روستایی؛ و

• شرکتهای کشت و صنعت (دولتی، خصوصی، داخلی، خارجی و مختلط).

این تقسیم‌بندی با توجه به معیارهای مقیاس اقتصادی، به‌ویژه اندازه زمین، نوع مالکیت، منابع تولید، نوع تصرف منابع و عوامل تولید، مدیریت و سازماندهی نیروی کار، فناوری مورد استفاده، نوع فعالیت و محصولات تولیدی، هدف تولید و نحوه توزیع ستانده‌های نظام میان عوامل و منابع شرکت‌کننده در فرایند تولید، صورت گرفته است.

نظامهای بهره‌برداری کشاورزی پس از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، تغییرات قابل توجهی در نظامهای بهره‌برداری کشاورزی ایران رخ داد. مؤسسات کشاورزی متعلق به شرکتهای خارجی، ملی اعلام شد و در اختیار دولت قرار گرفت. املاک بسیاری از مالکان بزرگ، به‌ویژه مقامات لشگری و کشوری، براساس رأی دادگاههای انقلاب اسلامی مصادره و یا توقیف گردید. برخی از مالکان اراضی خود را رها کرده و از کشور خارج شدند. مجموعه این اراضی به تناسب در اختیار نهادهای انقلابی، بانکها و دولت قرار گرفت و بخشی از زمینها، طی حرکات خودجوش، به تصرف روستائیان درآمد.

اراضی وقفی که در جریان اصلاحات ارضی به رعایا واگذار شده بود، دوباره به ادارات اوقاف و صاحبان وقف بازگردانده شد و کلیه اسناد مالکیت صادره ملغی گردید و به این ترتیب، بار دیگر کشاورزان به اجاره‌دار اوقاف بدل شدند.

هیئتهای ۷ نفری واگذاری زمین که در سراسر کشور براساس مصوبه سال ۱۳۵۸ ش شورای انقلاب، عهده‌دار واگذاری و احیاء اراضی کشاورزی شده بودند، مجموعه متنوعی از زمینهای دائر، بایر، موات و منابع ملی را در

- لمبتون، ا.ک. مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹ و ۱۳۴۵.
- شولتز، تئودور، نوری نائینی، سید محمد. گذر از کشاورزی سنتی. تهران: نشر نی، ۱۳۶۷.
- صفی‌نژاد، جواد. نظامهای تولید زراعی جمعی، بنه قبل و بعد از اصلاحات ارضی. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۳.
- عجمی، اسماعیل. شش‌دانگی، پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی. فصلی تازه درباره اصلاحات ارضی و تحول نظام زراعی ایران. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۶.
- فرهادی، مرتضی. فرهنگ یاریگری در ایران، درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- معاونت فنی و مهندسی. مطالعه و بررسی مقدماتی نظامها و شیوه‌های تولید در مناطق روستایی ایران. تهران: وزارت کشاورزی، ۱۳۶۴.
- وثوقی، منصور. جامعه‌شناسی روستایی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۶۳.

کاوہ معصومی

بهره‌برداری کشاورزی، واحد

Farming Unit

واحد بهره‌برداری کشاورزی یک بنگاه تولیدی است که زیر نظر مدیریت و سازمانی واحد به کاری یکپارچه در یک یا چند نوع فعالیت از فعالیتهای کشاورزی شامل زراعت، باغداری، دامداری، پرورش آبزیان، پرورش زنبور، تولید گل و گیاهان زینتی، بهره‌برداری از عرصه‌های جنگلی و مرتعی، صنایع تبدیلی و یا تکمیلی اشتغال دارد. هدف واحد بهره‌برداری کشاورزی از تولید محصولات می‌تواند تأمین نیازهای مصرفی خانوار تولید کننده و علوفه مورد نیاز دامهای متعلق به آن و یا عرضه و مبادله محصول در بازار و یا ترکیبی از هر دو باشد. در واحدهای بهره‌برداری کشاورزی محصول به‌دست آمده و یا معادل ریالی آن میان صاحبان منابع و عوامل تولیدی مورد استفاده در فرایند تولید، توزیع می‌شود. واحد بهره‌برداری کشاورزی از نظر نوع بهره‌برداری می‌تواند به صورت‌های مختلف اختصاصی،

تولید، استفاده گسترده از نظامهای اعتباری رسمی و انجام سرمایه‌گذاریهای زیربنایی دستخوش تغییرات عمده‌ای گردید. واحدهای دهقانی گاه حتی به جریان صدور محصولات تولیدی به بازارهای جهانی ملحق شدند. فعالیتهای تولیدی تازه‌ای، همچون پرورش گل و گیاهان زینتی، تولید محصولات خارج از فصل و کشت گلخانه‌ای، پرورش آبزیان و فعالیتهایی از این قبیل در دستور کار دهقانان قرار گرفت. افزایش سطح عمومی آگاهی و باسوادی نسل سوم کشاورزان پس از اصلاحات ارضی، در کنار توسعه ارتباطات به‌طورکلی و همچنین، تقویت انگیزه‌های اقتصادی و افزایش هزینه‌های فرصت نیروی کار، زمین و سرمایه، به گذار سریع‌تر واحدهای دهقانی از نظام سنتی به نوین یاری رساند، به‌گونه‌ای که اکنون اساساً نمی‌توان بر واحدهای بهره‌برداری دهقانی ایران نام نظام سنتی نهاد. معضلات ساختاری ناشی از مقیاس نامناسب اقتصادی، متأثر از کوچکی اندازه زمین، پراکندگی قطعات زراعی و ضعف توان مالی، بیش از گذشته، نظام دهقانی ایران را تهدید می‌کند و مانع از کارایی قابل قبول آن از منظر اقتصادی و زیست‌محیطی گردیده است.

کتاب‌شناسی:

- اشرف، احمد. مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه سازمان ملل متحد، مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه، ۱۳۵۲.
- انوشیروانی، احمد و طه، مهدی. «شرکتهای تعاونی تولید روستایی مروری بر پیشینه و نگاهی به مسائل و مشکلات»، فصلنامه پژوهشی اقتصاد و توسعه کشاورزی. سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۳.
- ازکیا، مصطفی. جامعه‌شناسی توسعه و توسعه یافتگی روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵.
- بطروشفسکی. کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (قرن ۱۳ و ۱۴)، ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴.
- خسروی، خسرو. جامعه‌شناسی روستایی ایران. تهران: دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۵.
- دورنر، پیترو و کریمی، احمد. اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- ساعدلو، هوشنگ. مسائل کشاورزی ایران. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.

بهره‌برداری کشاورزی، واحد

در واحدهای بهره‌برداری دیمی، آب مورد نیاز از محل ریزشهای جوی تأمین می‌شود. همچنین در برخی از واحدهای بهره‌برداری به‌جای ماشین‌آلات کشاورزی، از نیروی دام استفاده می‌شود.

واحدهای بهره‌برداری از نظر مقیاس اقتصادی به واحدهای کوچک، بزرگ و متوسط تقسیم می‌شوند. اندازه زمین و حجم سرمایه‌گذاری انجام شده و فناوریهای تولیدی مورد استفاده، در تقسیم واحدهای بهره‌برداری از نظر مقیاس اقتصادی، نقش اساسی برعهده دارند.

البته تقسیم‌بندی واحدهای بهره‌برداری کشاورزی بر پایه اندازه زمین، به ویژگیهای طبیعی و میانگین مالکیت زمین در یک محدوده مشخص جغرافیایی و نوع کاربری آن بستگی دارد. برای مثال، درحالی‌که یک واحد بهره‌برداری ۲۰ هکتاری در گیلان، واحدی بزرگ به‌حساب می‌آید، چنین واحدی در بلوچستان واحدی کوچک ارزیابی می‌شود. همچنین نوع کاربری زمین؛ برای مثال، یک واحد بهره‌برداری با ۱۵ هکتار سطح زیر کشت آبی در سقز، واحدی متوسط و واحدی با ۱۵ هکتار سطح زیر کشت دیم

شراکتی، شرکتی و مؤسسه عمومی و از نظر نوع مالکیت، به اشکال خصوصی، دولتی، تعاونی، مشاعی و وقفی باشد.

در برخی از واحدهای بهره‌برداری مالکیت زمین و منابع آب متعلق به بهره‌بردار نیست و بهره‌بردار به‌ازاء پرداخت سهمی از محصول تولیدی و یا مقدار معینی پول، اجازه فعالیت در واحد بهره‌برداری را از مالک زمین و آب برای مدتی معین دریافت می‌کند. به نوع نخست، واحد بهره‌برداری سهم‌بری و به نوع دوم واحد بهره‌برداری اجاره‌ای گفته می‌شود.

عوامل و منابع تولیدی موجود در یک واحد بهره‌برداری کشاورزی عبارتند از:

- نیروی انسانی؛
- زمین؛
- آب؛
- ماشین‌آلات و ابزار تولید؛
- ساختمان و ابنیه فنی؛
- نهاده‌های تولیدی؛ و
- سرمایه مالی.



در دیواندره، واحدی کوچک است. همین‌گونه است یک واحد بهره‌برداری با ۲۰ هکتار باغ و یا گلخانه در قیاس با واحد بهره‌برداری دیگری با ۲۰ هکتار زراعت.

ملاک تفکیک وسعت واحدهای دامداری و پرورش آبی و زنبور عسل و یا تولید گل و گیاهان زینتی و یا مؤسسات پرورش قارچ نیز اصولاً اندازه زمین نیست، بلکه تعداد دام، تعداد کندو، ظرفیت پرورش بچه ماهی و سطح زیر پوشش گلخانه و حجم سرمایه‌گذاری و یا فناوری مورد استفاده مورد تأکید است.



رایج‌ترین نوع واحد بهره‌برداری کشاورزی در ایران، واحدهای بهره‌برداری کشاورزی متعلق به خانوارهای روستایی است، اما درعین حال، انواع واحدهای کشاورزی متعلق به مالکان شهری نیز در کشور وجود دارد. نوع دیگری از واحدهای بهره‌برداری، واحدهای زراعی، باغی و دامداری متعلق به خانوارهای عشایری است که به کوچ می‌پردازند و به این دلیل، عوامل و منابع در اختیار واحد بهره‌برداری در یک نقطه جغرافیایی تجمع نیافته است.

کشت و صنعتها، شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی تولید و مؤسسات کشاورزی و دامپروری نیز گونه‌های دیگری از واحدهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران هستند که اغلب واحدهای بهره‌برداری بزرگ مقیاس بشمار می‌آیند.

کشت و صنعتها اراضی وسیعی دارند و معمولاً وسعت آنها بیش از ۵۰۰ هکتار است. کشت و صنعتها علاوه‌بر کشت غلات، نباتات صنعتی و علوفه‌ای، به پرورش دام و

طیور به شیوه صنعتی و فراوری محصولات تولیدی در واحدهای صنعتی متعلق به خود، در قالب مدیریت واحد، اشتغال دارند.

در شرایط کنونی، بزرگ‌ترین واحدهای کشت و صنعت فعال در ایران به دولت (نهادهای لشکری و کشوری)، آستانه‌های مقدسه، بنیادها و بانکها تعلق دارند. پیش از انقلاب اسلامی تعدادی کشت و صنعت با مالکیت خارجی و یا مشترک (خارجی و داخلی) در کشور وجود داشت که پس از انقلاب اسلامی جملگی مصادره شدند. این واحدها عموماً تحت آبخور سدهای مخزنی و شبکه‌های بزرگ آبیاری قرار داشتند.

در مقابل، گاهی واحدهای بهره‌برداری کشاورزی از چنان ابعاد کوچکی برخوردارند که به چند صد متر باغ و یا زمین زراعی، چند رأس دام کوچک و یا تعداد اندکی کندوی زنبور عسل محدود می‌شوند.

در واحدهای بهره‌برداری کشاورزی صرف‌نظر از مقیاس اقتصادی، منابع فیزیکی و انسانی با توجه به مجموعه اهداف اقتصادی و تولیدی واحد بهره‌برداری و زمینه‌های کاری آن، به فعالیتهای مختلف تخصیص می‌یابد. در حال، واحد بهره‌برداری کشاورزی واحد پایه تولیدات کشاورزی است که تمام اهداف و سیاستهای کشاورزی یک کشور در چارچوب آن قابل پیگیری است.

کتاب‌شناسی:

- اشرف، احمد. *مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه سازمان ملل متحد، مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه، ۱۳۵۲.
- انوشیروانی، احمد و طه، مهدی. «شرکتهای تعاونی تولید روستایی مروری بر پیشینه و نگاهی به مسائل و مشکلات»، *فصلنامه پژوهشی اقتصاد و توسعه کشاورزی*. سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۳.
- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵.
- پطروشفسکی. *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (قرن ۱۳ و ۱۴)*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۵.
- دورنر، پیتر و کریمی، احمد. *اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی*.

هزینه‌ای که متوجه مصرف سرمایه جهانی به شکل منابع محدود است، غافل می‌ماند. رابطه تاریخی جامعه با منابع زمینی را می‌توان از منظر بهره‌وری مشاهده نمود. بسیاری از نویسندگان نظر داده‌اند، هنگامی که گروه‌های انسانی به کار کشاورزی پرداختند، بهره‌وری آنان نسبت به گروه‌هایی که به شکار و گردآوری خوراک می‌پرداختند، پائین آمد. به‌طور کلی، خانواده‌ای که به زراعت/انتقالی می‌پردازد، نسبت به خانواده‌ای که عضو یک گروه شکارگر و گردآورنده خوراک است، وقت بیشتری برای تأمین مواد لازم برای بقا صرف می‌کند. هنگامی که کشاورزی دائمی مزرعه‌داری پدیدار شد، قطعاً در یک قطعه زمین، نسبت به زراعت انتقالی، مواد غذایی بیشتری تولید شد. هرچند، بهره‌وری کاهش یافت، زیرا این کشاورزان، نسبت به کسانی که فعالیت زراعی خود را از یک محل به محل دیگر می‌بردند (زارعان انتقالی)، برای به‌دست آوردن یک واحد از محصول، انرژی بیشتری هزینه می‌کردند. در برخی نظام‌های سنتی کشاورزی، از جمله در بعضی قسمت‌های چین پیش از انقلاب، نهاده‌های نیروی کار به فراوانی در دسترس بود و به حدی رسیده بود که نهاده‌های اضافی ممکن بود تولید را به صورت شیوه‌ای حاشیه‌ای ممکن سازد.

صنعتی شدن روندی بود که ماشین‌آلات با انرژی حاصل از سوخت‌های فسیلی کار می‌کردند و بنابراین، مکمل کار انسانی بودند و بدینسان، به سرعت بهره‌وری را افزایش می‌داد. براساس همین بهره‌وری مازاد است که گروه‌های انسانی در آمریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن و سایر قسمت‌های جهان، از استانداردهای بالای زندگی برخوردار شدند. البته، در چند دهه اخیر پرسش‌های بنیادینی مطرح شده است که آیا در جریان محاسبات خود، واقعاً هزینه‌های محیطی صنعتی شدن را به درستی به حساب می‌آیند یا نه.

کتاب‌شناسی:

- Johnston, R. J. et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. 4th ed., Oxford: Blackwell, 2001.

برایان بلوئت

(عباس سعیدی)

تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.

- ساعدلو، هوشنگ. *مسائل کشاورزی ایران*. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.

- لمبتون، ا.ک. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹ و ۱۳۴۵.

- شولتز، تئودور، نوری نائینی، سید محمد. *گذر از کشاورزی سنتی*. تهران: نشر نی، ۱۳۶۷.

- صفی‌نژاد، جواد. *نظام‌های تولید زراعی جمعی، بنه قبل و بعد از اصلاحات ارضی*. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۳.

- عجمی، اسماعیل. *شنیدانگی، پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی. فصلی تازه درباره اصلاحات ارضی و تحول نظام زراعی ایران*. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۶.

- فرهادی، مرتضی. *فرهنگ یاریگری در ایران، درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

- معاونت فنی و مهندسی. *مطالعه و بررسی مقدماتی نظام‌ها و شیوه‌های تولید در مناطق روستایی ایران*. تهران: وزارت کشاورزی، ۱۳۶۴.

- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۶۳.

کاوه معصومی

بهره‌وری

Productivity

سنجش تولید یا ستانده برحسب نهاده‌های لازم برای به کار انداختن یک روند تولید. برحسب محاسبه سنتی معمولاً به نهاده‌ها، از جمله نیروی کار، سرمایه و مواد خام، به‌عنوان هزینه‌هایی که در تولید کالاها و خدمات به کار گرفته می‌شوند، نگاه می‌شود. این نوع محاسبه به‌نحو گسترده‌ای در سنجش بهره‌وری به کار می‌رود، اما (درواقع) این کار می‌تواند گمراه‌کننده باشد. برای نمونه، رویکرد سنتی ممکن است، از محاسبه هزینه‌های اجتماعی و یا محیطی که احتمالاً به‌واسطه روند تولید کارخانه‌ای ایجاد می‌شوند، غفلت ورزد. شوماخر فراتر می‌رفت و می‌گفت، محاسبه سنتی بهره‌وری در معرض خطای جدی قرار دارد، زیرا در بحث از نهاده‌های مواد خام، و به‌ویژه سوخت (انرژی)، از

بهسازی روستایی

Rural Rehabilitation

بهسازی مجموعه اقداماتی است که در کوتاه مدت به منظور بهبود کالبد فرسوده، به انجام می‌رسد. در واقع، بهسازی زمانی صورت می‌گیرد که فرسودگی نسبی فضا از لحاظ عملکردی حادث شده باشد. بهسازی می‌تواند اقداماتی مانند بازیافت (← بازیافت)، مراقبت، جلوگیری و ضمانت، حمایت، استحکام بخشی، توانبخشی، بهبود، سازماندهی و باز آبادانی را دربرگیرد.

با توجه به اینکه هرگونه کاستی یا نارسایی در کالبد به طور مستقیم دیگر ابعاد حیات انسانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و دچار اختلال می‌سازد، توجه به مقوله کالبد در برنامه ریزیهای توسعه اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از این رو، در سطح عرصه‌های روستایی هرگونه دگرگونی و مداخله مناسب در کالبد روستا، از یکسو بر بهبود وضعیت کیفی و از سوی دیگر، بر سایر جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأثیر می‌گذارد.

در این راستا، تاکنون اقدامات مختلفی هرچند با افت و خیزهایی، طی سالهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی، به منظور دستیابی به کالبد مناسب و بهبود وضعیت فیزیکی عرصه‌های روستایی صورت گرفته است. براساس تعریف، بخش قابل توجهی از این اقدامات ذیل عنوان بهسازی روستایی جای می‌گیرد. این اقدامات، اموری چون نحوه کاربری اراضی، شبکه معابر، تأسیسات زیربنایی، ابنیه تاریخی، مسکن و مانند آن را شامل می‌گردد.

قوانین بهسازی روستایی

به منظور اجرای بهتر پروژه‌های روستایی (← پروژه روستایی)، قوانین، آئین‌نامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های مختلفی به تصویب رسیده است که از جمله این قوانین در زمینه بهسازی روستایی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

• براساس ماده ۷ اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آئین‌نامه اجرایی تهیه و تصویب طرحهای هادی روستایی (← طرح هادی روستایی) در مورخ ۱۳۶۶/۹/۱۷ ش به

تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این ماده تهیه طرحهای هادی و اصلاح معابر در روستاها برعهده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گزارده شده است. این امر با هماهنگی دستگاههای ذی ربط و اجرای آن، با مشارکت مردم از محل اعتبارات مصوب واگذاری دولت صورت می‌گیرد.

• تا مورخ ۱۳۷۶/۵/۶ ش تهیه و اجرای طرح هادی روستایی را بنیاد مسکن (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) به انجام می‌رساندند. اما از این تاریخ مرجع تهیه طرح هادی روستایی و تأمین و اجرای مسکن روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی معرفی شده است.

• براساس آئین‌نامه اجرایی بازسازی و نوسازی مناطق مسکونی آسیب دیده در اثر جنگ، سیل، زلزله و سایر سوانح طبیعی (موضوع ماده ۸ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و تبصره ذیل آن)، مسئولیت و وظیفه بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده از سوانح طبیعی و قهری از تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۸ ش برعهده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قرار گرفت.

• در بند الف، ماده ۱۳۷ قانون برنامه سوم توسعه، به منظور تسریع در امر توسعه و عمران روستاها موارد زیر پیش بینی شده است:

۱. تعیین نقشه و قلمرو وظایف و ارتباطات دستگاهها و سازمانهای مرتبط با توسعه و عمران روستاها در جهت سازماندهی مجدد و حذف فعالیت‌های مشابه و موازی؛
۲. واگذاری بخشی از فعالیت‌های اجرایی دستگاههای دولتی به شوراهای اسلامی، دستگاههای محلی، مؤسسات و شرکتهای غیردولتی؛

۳. هویت بخشی به سیما و کالبد شهرها و روستاهای کشور؛ و

۴. دولت موظف است همه ساله اعتبارات خاصی را در لوائح بودجه به نحوی پیش‌بینی نماید، تا پس از پایان برنامه سوم، کلیه روستاهای بالای ۲۰ خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند.

• تفاهم‌نامه‌ای در مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۸ ش بین بنیاد مسکن و

بهسازی روستایی در برنامه‌های قبل از انقلاب اسلامی

در برنامه اول عمرانی فصل مشخصی تحت عنوان عمران روستایی وجود نداشت و اقدامات بهسازی و عمران روستایی به صورت بسیار محدود، در قالب بخشهایی چون کشاورزی دیده شده بود. این اهداف و اقدامات نیز به دلیل عدم تأمین منابع مالی (ناشی از ملی شدن صنعت نفت و قطع صادرات نفت و ناکامی در دریافت وام بانک جهانی) متوقف ماند.

در برنامه دوم عمرانی، نیز مباحث توسعه و عمران روستایی به شکل کاملاً محدود در بخشهای کشاورزی و آبیاری آمده بود. در این برنامه، دفع آفات نباتی، عمران دهات و اراضی بایر به جهت سیاست افزایش محصولات کشاورزی، مجموعاً ۴٪ کل اعتبارات را به خود اختصاص می‌داد. از جمله اقدامات برنامه دوم در زمینه عمران روستایی می‌توان به تشکیل حوزه‌های عمرانی، تشکیل انجمنهای دهات، تشکیل ۲۴ شرکت تعاونی و تهیه نقشه‌های ساختمانهای ارزان قیمت بهداشتی اشاره کرد.

در برنامه سوم عمرانی عنایت به عمران روستایی عموماً محدود به بندی با عنوان ترویج و عمران روستایی از بندهای نُه‌گانه آبیاری و کشاورزی بود که ۱۰/۷٪ از کل اعتبارات را به خود اختصاص می‌داد. در این برنامه اقداماتی چون سالم‌سازی محیط روستا، ایجاد ۲۵۰ درمانگاه و تعاونیهای روستایی در دستور کار قرار داشت. البته، با توجه به مشکلات موجود، بسیاری از برنامه‌های پیش‌بینی شده، از جمله برنامه‌های عمران روستایی، محقق نشد.

در برنامه چهارم عمرانی هرچند فصلی تحت عنوان عمران روستایی همانند برنامه‌های پیشین وجود نداشت، اما اقداماتی به منظور بهسازی روستاهای کشور به انجام رسید که عبارت بودند از:

- تأمین آب آشامیدنی سالم در کلیه دهات با جمعیت بیش از ۲۵۰ نفر (حدود ۱۶,۰۰۰ ده)؛
- لوله‌کشی آب در دهات با جمعیت بیش از ۱۰۰۰ نفر (حدود ۲۰۰۰ ده)؛
- ایجاد تأسیسات جمع‌آوری زباله و فضولات برای مصرف

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری درخصوص بهسازی بافتهای با ارزش روستایی صورت گرفت و در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۵ ش به تأیید معاونت محترم رئیس‌جمهور و ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و ریاست محترم بنیاد مسکن رسید و نهایتاً، در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۲ ش طی نامه‌ای به شماره ۰۲/۱/۱۲۶۴۵ به تمام بنیاد استانهای کشور ابلاغ گردید.

• براساس مندرجات برنامه سوم توسعه، وزارت جهاد کشاورزی موظف است با همکاری دستگاههای ذی‌ربط، پروژه‌های توسعه روستایی را به انجام رساند.

در این راستا، وزارت مسکن و شهرسازی (توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) موظف به اقداماتی به منظور ساماندهی و بهسازی کالبدی روستاهای کشور است. این اقدامات شامل موارد زیر است:

۱. شناسایی مناطق روستایی در معرض حوادث طبیعی و تهیه طرحهای ایمن‌سازی فضاها و بهسازی ابنیه روستایی؛
 ۲. تهیه و اجرای طرحهای هادی و ساماندهی روستاها در چارچوب طرحهای توسعه منطقه‌ای مصوب؛
 ۳. اعمال نظارت بر ساخت و ساز در سکونتگاههای روستایی و کنترل رعایت ضوابط فنی در ساخت ابنیه؛ و
 ۴. حفاظت، مرمت و احیاء و بهسازی ابنیه و بافتهای با ارزش در مناطق روستایی با هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز مکلف است با همکاری دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری، در چارچوب طرحهای توسعه و عمران ملی و منطقه‌ای، حداکثر تا یکسال پس از تصویب قانون برنامه سوم توسعه، نسبت به تعیین مناطق توسعه‌نیافته اقدام کند.
- براساس آئین‌نامه اجرایی بند ۴ ماده ۱۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظف است در طول برنامه چهارم توسعه برای کلیه روستاهای دارای شورای اسلامی و مراکز دهستانها و مراکز بخش روستایی، نقشه تفکیکی وضع موجود بافت مسکونی روستا را تهیه و به اداره ثبت اسناد و املاک ارسال نماید و نهایتاً با همکاری اداره ثبت، نسبت به صدور سند مالکیت ابنیه روستایی اقدام نماید.

کود یا دفع آنها (حدود ۱۶,۰۰۰ ده)؛

• احداث حمام در دهات با جمعیت بیش از ۵۰۰ نفر (۵۰۰۰ ده)؛

• احداث غسلخانه در دهات با جمعیت بیش از ۲۰۰ نفر (۱۲,۰۰۰ ده)؛

• احداث تأسیسات همگانی و بهسازی محیط در دهات با جمعیت بیش از ۱۰۰۰ نفر (حدود ۲۰۰۰ ده)؛

• افزایش ۵۰۰ درمانگاه روستایی و ۵۰ گروه سپاه بهداشت؛ احداث ۲۵۰ خانه نمونه روستایی؛

• تأمین اعتبار برای پرداخت وام مسکن به روستائیان؛

• بهسازی خانه و تسهیل وسایلی که در بهبود زندگی مؤثر است؛ و

• کمک به خانه‌سازی روستایی در دهاتی که جمعیت بیش از ۱۰۰۰ نفر داشت برای ساختن حدود ۲۰,۰۰۰ خانه روستایی.

در برنامه پنجم عمرانی یکی از سیاستها، تقلیل تعداد بیشمار دهات و پی‌ریزی شهرهای آینده بود. براین اساس، اقدامات پیش‌بینی شده در زمینه بهسازی و عمران روستایی نیز از طریق ایجاد حوزه‌های عمران روستایی تدوین شد. هر حوزه شامل مجموعه‌ای از دهات در محدوده‌ای مشخص بود. از این رو، پیش‌بینی گردید در مراکز حوزه‌های عمرانی، پروژه‌های آب آشامیدنی، درمانگاه، دبستان، دبیرستان، هنرستان روستایی، حمام، میدانهای کوچک و سالن ورزشی، برق، انبار تعاونی، خانه‌های سازمانی و خانه‌های مسکونی برای روستائیان، دفاتر اداری و سایر تأسیسات لازم به‌صورت همزمان و مجتمع اجرا گردد. علاوه‌براین، مقرر گردید در دهات اقماری، پروژه‌های آب آشامیدنی، راه ارتباطی و دبستان پیاده گردد. براین اساس، پیش‌بینی شد تعداد پروژه‌های آب آشامیدنی به ۶ برابر، برق به ۱۲ برابر، راه به ۸ برابر و درمانگاه به ۲ برابر میزان برنامه چهارم افزایش یابد.

در طول برنامه پنجم مجموعاً ۴۰ هزار واحد مسکونی توسط بخش دولتی و حدود ۲۰۰,۰۰۰ واحد مسکونی نیز توسط بخش خصوصی پیش‌بینی و ساخته شد. ضمناً گازرسانی برای اولین بار در روستاها در این برنامه مطرح

شد. ضمناً ۳۰۰ خانه فرهنگ روستایی نوسازی گردید.

نهایتاً برنامه ششم عمرانی نیز به دلیل تقارن با انقلاب اسلامی به اجرا درنیامد.

بهسازی روستایی در برنامه‌های عمرانی پس از انقلاب اسلامی

در برنامه اول جمهوری اسلامی فصل مشخص و مستقلی به عمران روستایی تعلق نگرفت و موضوعات مربوط به توسعه و عمران روستایی در بخش کشاورزی، عمران شهری و مسکن دیده شد. در این برنامه، با توجه به اهداف کیفی، وزارت جهاد سازندگی در زمینه کالبدی و بهسازی روستایی، اقداماتی را انجام داد که عبارت بودند از:

• تهیه ۷۶۱ طرح هادی و بهسازی روستایی؛

• اجرای ۸۴۲ پروژه عمران روستایی؛

• احداث ۴۵۷۰ کیلومتر راه روستایی؛

• مطالعه، احداث و روکش ۲۵۲۰ کیلومتر راه روستایی؛

• برق‌رسانی به ۱۰,۰۰۰ روستا؛ و

• تأمین آب آشامیدنی در ۹,۳۴۰ روستا.

عملکرد اجرایی این طرحها و پروژه‌ها نشان از تحقق ۱۲۴٪ پروژه دفتر مخابرات روستایی، تحقق ۸۰٪ (۴۰۰۰ کیلومتر) احداث راه روستایی، برق‌دار شدن تمام روستاهای بالای ۵۰ خانوار، تهیه ۶۳۵ طرح بهسازی کالبدی توسط جهاد و ۶۳۷ طرح هادی روستایی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و اجرای پروژه‌های طرح هادی در ۴۱۶ روستا دارد.

در طول برنامه اول توسعه، علاوه‌بر وزارت جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نیز اقداماتی در زمینه بهسازی روستایی به انجام رساند که موارد زیر از آن جمله هستند:

• تهیه و اجرای طرحهای هادی در روستاهای مرکز دهستان و روستاهای مرکزی با بیش از ۴۰۰ خانوار؛

• واگذاری زمین و وام به روستائیان جهت ساخت مسکن مقاوم؛

• تدوین ضوابط و مقررات فنی مسکن روستایی و نظارت بر ساخت‌وساز مسکن؛

بهسازی در روستاهای پر جمعیت، امکان‌سنجی تجمیع روستاهای پراکنده در نواحی مختلف روستایی و مکانیابی و تهیه طرح آماده‌سازی در نقاط با قابلیت تجمیع اشاره شده بود.

براین اساس، در طول برنامه دوم، ۱۸٪ از کل روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار تحت پوشش طرح هادی قرار گرفتند. با توجه به داده‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، در این مدت مجموعاً ۱,۴۲۸ طرح هادی روستایی تهیه و ۹۰۱ طرح هادی به مرحله اجرا رسید.

علاوه‌براین، در ۱۳۷ ناحیه روستایی توسط وزارت جهاد سازندگی و ۱۲۰ ناحیه توسط بنیاد مسکن طرح ساماندهی روستاهای پراکنده تهیه شد. ضمناً ۹۷٪ از روستاهای بالای ۲۰ خانوار از نعمت برق بهره‌مند شدند و با احداث ۱۰,۱۱۳ کیلومتر راه روستایی و بهسازی و روکش آسفالت در ۱۰,۰۷۵ کیلومتر از راههای روستایی کشور، مجموعاً ۷۱٪ جمعیت روستایی از راه مناسب برخوردار شدند.

تا پایان این برنامه، ۸۱٪ روستاهای بالای ۵۰ خانوار از آب آشامیدنی سالم بهره‌مند شدند. به‌علاوه ۳,۳۱۳ جلد سندمالکیت خانه‌های روستایی توسط بنیاد مسکن صادر شد.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در زمینه تولید مسکن روستایی، تنها به ۴۶٪ از اهداف خود دست یافت. در این برنامه این نهاد معادل ۱۰۹,۸۹۷ واحد مسکونی را بهسازی نمود که تحقق ۲۵/۸٪ از اهداف برنامه را نشان می‌داد.

در زمینه ایمن‌سازی واحدهای مسکونی در مقابله با آسیبهای ناشی از سوانح طبیعی، بنیاد موفق به بازسازی ۱۴۶,۱۶۱ واحد مسکونی (۲/۲۹٪ از اهداف برنامه) گردید.

اهداف کمی برنامه سوم جمهوری اسلامی (۱۳۷۹-۱۳۸۳ش) نیز دنباله‌رو اقدامات برنامه قبل بود. در این برنامه مجموعاً ۱۴۷ طرح ساماندهی (۸/۶۶٪ از کل پیش‌بینی) تهیه شد. علاوه‌براین، در ۸,۴۵۲ روستا طرح هادی تهیه و در ۲,۶۲۷ روستا نیز عملیات اجرای طرح هادی آغاز گردید که رقمی بیشتر از برنامه را نشان می‌داد. از جمله طرحهایی که با شروع برنامه سوم آغاز شد،

• تهیه طرح استقرار بهینه روستاهای پراکنده؛

• تهیه طرح ساماندهی نواحی ویژه (در روستاهای آسیب‌دیده از سوانح، جزایر خلیج فارس و روستاهای واقع در حوزه آبخیز سدها)؛

• بازسازی مسکن در روستاهای جنگزده؛ و

• بازسازی مسکن در روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی.

در زمینه مسکن روستایی، اهداف کیفی بخش مسکن در برنامه اول، نیز معطوف بود به تغییر شیوه ساخت در راستای ایجاد ساختمانهای با دوام و افزایش نسبت این ساختمانها در کل، بهبود شاخصهای اصلی در تأمین نیازهای مسکن، ارتقاء نسبت سرانه موجود مسکن در کشور و هدایت تولید مسکن جدید با زیربنای کمتر و کیفیت بهتر، متناسب با سرانه ملی. در این راستا، در بخش روستایی ساخت ۷۰۳ هزار واحد مسکونی در مناطق روستایی در دستور کار قرار گرفت و اجرا شد.

در برنامه دوم جمهوری اسلامی (۱۳۷۴-۱۳۷۸ش) فصلی با عنوان عمران روستایی گنجانده شد. از جمله اهداف کیفی تدوین شده در این برنامه که به مقوله بهسازی مسکن روستایی مرتبط می‌گردد، بهبود کیفیت زیست، اصلاح ساختار کالبدی و کیفیت سکونتگاههای روستایی، برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی و اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی است. ذیل اهداف کمی و برنامه‌های اجرایی بهسازی، نوسازی روستاها در این برنامه، موارد زیر پیش‌بینی شده بود:

• امکان‌سنجی توسعه یکپارچه در حداکثر ۱۰۰ ناحیه روستایی؛

• اصلاح کالبدی و تعیین کاربریهای اراضی برای ۹۰۰ روستا، شامل مراکز دهستان و روستاهای مرکزی؛

• بهسازی ۴۰۰ مرکز دهستان؛ و

• ایمن‌سازی ۵۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی در مقابل آسیبهای ناشی از سوانح طبیعی.

در اقدامات اجرایی نیز برای تحقق اهداف کمی، به امکان‌سنجی و تهیه طرح توسعه یکپارچه نواحی روستایی، تهیه طرحهای هادی و تفصیلی روستایی، اجرای طرحهای

- ارائه خدمات و فراهم آوردن زمینه‌های اسکان عشایر در کانونهای توسعه؛
 - حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال‌زایی روستایی به منظور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی؛
 - مرمت، احیاء و بازسازی بافت باارزش روستاهای کشور (در ۳۵ روستا)؛ و
 - اصلاح ساختار و تشکیلات سازمان امور عشایر و تقویت توان برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی در راستای حمایت از اسکان عشایر.
- بدین منظور، اعتبار مورد نیاز پیش‌بینی شده برای تحقق اهداف کمی مذکور مجموعاً ۲۵,۶۱۵ میلیارد ریال بوده است.

کتاب‌شناسی:

- برآبادی، حبیب‌الله. تجربه‌هایی از راهبردهای مربوط به سازماندهی روستاهای پراکنده جهاد. سال نوزدهم، شماره ۲۱۹-۲۱۸.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. برنامه‌ریزی بخش مسکن در برنامه چهارم توسعه. دفتر مسکن روستایی، تابستان ۱۳۸۲.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. توسعه و عمران روستایی در چشم‌انداز بیست ساله کشور. دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی طرحها، زمستان ۱۳۸۳.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی. معاونت عمران روستایی، شهریور ماه ۱۳۸۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مطالعات پیش‌نیاز تدوین فعالیت‌های عمران روستایی بنیاد مسکن در برنامه چهارم توسعه. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی، اردیبهشت ۱۳۸۲.
- تجلی، آیت. مروری بر برنامه‌های پیشین و پس از انقلاب. اطلاعات سیاسی و اقتصادی.
- جهاد سازندگی. گزارش عملکرد اول توسعه سالهای ۷۲-۱۳۶۱.
- دبیرخانه ستاد برنامه، سند شماره ۱۷۲.
- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه. مرمت شهری- تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روشها و اقدامات شهری. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- سازمان برنامه. گزارش سازمان برنامه، ۲۹ و ۱۳۳۰.
- سازمان برنامه. گزارش اجرای برنامه هفت ساله دوم، ۱۳۴۳.
- سازمان برنامه. گزارش عملیات سالانه، ۱۳۳۶.
- سازمان برنامه. پیشرفت‌های ایران در برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶.
- سازمان برنامه. برنامه عمرانی چهارم کشور، (۴۷-۱۳۵۲).
- سازمان برنامه. برنامه پنجم عمرانی کشور (تجدیدنظر شده)، ۵۲-۱۳۵۶، ۱۳۵۳.

طرح بهسازی بافتهای باارزش روستایی است. در این برنامه، ۲۰ روستا برای این طرح در نظر گرفته شد که تا انتهای برنامه در ۱۵ روستا عملیات اجرایی آغاز و در بسیاری از روستاها به اتمام رسید.

در بخش بهسازی مسکن روستایی نیز به دلیل پائین بودن کیفیت واحدهای مسکونی روستایی و غیرمقاوم بودن آنها در برابر سوانح طبیعی، اهداف برنامه دوم ادامه یافت. در این برنامه ۴۳,۶۵۳ واحد مسکونی (۱۴٪) از پیش‌بینی برنامه) بهسازی شد. علاوه‌براین، در این برنامه برابر ۱۲,۵۱۳ کیلومتر راه روستایی احداث گردید که ۲,۵۱۳ کیلومتر بیش از پیش‌بینی برنامه بود. ضمناً تمام روستاهای بالای ۲۰ خانوار از نعمت برق و ۹۰٪ روستاهای مذکور از آب لوله‌کشی سالم بهره‌مند شدند.

در برنامه چهارم جمهوری اسلامی نیز در راستای دستیابی به اهداف کلی برنامه، در طرحهای کاهش آسیب‌پذیری ناشی از بلایای طبیعی، توسعه و بهبود وضعیت کالبدی سکونتگاههای روستایی اقدامات و اهداف کمی در زمینه بهسازی روستایی پیش‌بینی شده است که عبارتند از:

- تهیه طرحهای مکانیابی نقاط روستایی جدید؛
- تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی (در ۱۲,۰۰۰ روستای بالای ۵۰ خانوار تهیه طرح و در ۵,۰۰۰ روستای بالای ۱۰۰ خانوار اجرای طرح هادی)؛
- صدور سند برای املاک واقع در بافت مسکونی روستاها (بالغ بر ۱/۵ میلیون جلد سند)؛
- تأمین آب آشامیدنی بهداشتی برای روستائیان (حدود ۴۵,۲۳۸ کیلومتر شبکه توزیع آب در روستاهای بالای ۲۰ خانوار)؛
- راه‌اندازی شبکه جمع‌آوری و دفع فاضلاب در روستاها (در ۱,۶۷۳ روستای بالای ۴۰۰ خانوار)؛
- احداث، بهسازی و روکش راههای روستایی؛
- حمایت از راه‌اندازی و تشکیل دهیارها در روستاهای کشور (در ۲۰,۶۰۷ روستای بالای ۲۰ خانوار)؛
- حمایت از ایجاد و توسعه ارائه خدمات عمومی به روستاهای کشور از طریق دهیارها و شوراهای اسلامی؛

مهندسان، مدیران شهری و شهرداریها هنگامی که فضای قدیمی بافت شهری را مورد عنایت قرار داده، برای ترفیع فضای همگانی آن طرحهایی را اجرا می‌کنند و از این راه، سبب پیشبرد روابط کاربردی و ترقی جوّ بصری و ارتباطی محل می‌شوند، در عمل دست به اقدامی در راه بهسازی زده‌اند که می‌تواند به‌مثابه اقدامی دانسته شود محدود، اما همراه و همگن با طرحهای مرمت شهری.

بدینسان، بهسازی شهری به‌معنای عام می‌تواند اقدامی دانسته شود که در طول عمر هر شهری همیشه رخ می‌دهد است، بی‌اینکه الزاماً بار کارشناختی پیدا کند. در مقابل، بهسازی شهری به مفهوم تخصصی، هنگامی که میان می‌آید که بار تخصصی پیدا کند و در محفل علمی، حرفه‌ای و آموزشی و به قید شناخت کارائیهای آن در فعالیتهای اجرایی در نظر گرفته شود.

در سالهای آغازین دهه ۱۳۵۰ش، نیاز به شناخت آنچه در شهرهای تاریخی می‌گذشت و لزوم تدبیر برای تأمین شرایط مطلوب پایداری این‌گونه شهرهای پرقدر و متعلق به ثروتهای فرهنگی ایران و بلکه جهان، در یکی از برنامه‌های جدیدی که برای تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تدوین شد، درسی زیر عنوان *نوسازی و بهسازی شهری* تعیین و تعریف شد. در آن شرایط، دانسته شده بود که موضوع مرمت شهری چندان گسترده و پیوسته به دانشهای دیگر است که به‌صورت کلی نمی‌تواند موضوع تدریس قرار گیرد. در آن فرصت، تقدم نوسازی شهری بر بهسازی شهری مورد نظر قرار داشت و به تعبیر خاصی نیز، مستقل از مرمت شهری تعریف می‌شد. براین اساس، به شاخصهایی از مقوله بهسازی شهری می‌رسیم که شناخت آنها ضرورت دارد.

مفهوم بهسازی

بهسازی هم می‌تواند نمایانگر اقدامی باشد که برای بهبود بخشیدن به شهر در وضع موجود تدبیر می‌کنیم و هم به معنای پدید آوردن وضعیتی، شامل هرگونه اقدامی در راه ارتقاء وضع موجود شهر. از این رو، می‌توان بهسازی را به معنای بهترسازی، نیکوتر ساختن و خوب‌تر پرداختن به

- سازمان برنامه. *هدفهای کمی برنامه پنجم عمرانی*، ۱۳۵۴.
- سازمان برنامه و بودجه. *مستندات برنامه دوم توسعه*، عملکرد برنامه اول توسعه (گزارش مقدماتی). جلد یازدهم، اسفند ۱۳۷۲.
- سازمان برنامه و بودجه. *گزارش عملکرد برنامه اول توسعه*، مرداد ماه ۱۳۷۰.
- سازمان برنامه و بودجه. *پیوست لایحه برنامه دوم توسعه (۷۷-۱۳۷۳)* - *هدفها، خط*.
- *مشیهای اساسی و سیاستهای اجرایی کلان و بخشی*.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. *گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۸*، جلد دوم.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. *گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۵*، جلد دوم.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. *مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - اسناد توسعه بخشی*. جلد سوم، ۱۳۸۵.

صدیقه حسینی حاصل

بهسازی شهری

Urban Rehabilitation

اصطلاح *بهسازی شهری*، حدود ۳۵ سال پیش در محفل علمی - آموزشی کشور به کار گرفته شد، اما به دلایلی که شاید شناختشان بی‌جا نباشد، به تنهایی به کار نیامد و هر بار که بخش خاصی از مقوله مرمت شهری به میان آمد، با *نوسازی شهری* در ادبیات نوشتاری دانش شهرسازی ایران، همراه گشت. درحالی‌که گاهی نوسازی (← نوسازی شهری) و بهسازی شهری هر یک جداگانه تعریف می‌شوند، اما این ۲ مفهوم بعضاً در تکمیل یکدیگر و برای ارائه معنایی خاص در مرمت بافتهای شهری تاریخی و ارزشمند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آنچه در نهاد هرگونه (و همه‌گونه) عملیاتی باشد که برای ارتقاء و ترفیع چیزی به کار آید، بهسازی شمرده می‌شود. البته این معنا در ۲ زمینه متفاوت مورد عنایت است: یکی به معنا و مفهوم عام کلمه و دیگر، به معنا و مفهوم تخصصی، علمی و کاربردی آن.

سویای این، اتفاق بسیار مهم دیگری نیز در پهنه هر شهری رخ می‌دهد که جای تأمل بسیار دارد: فرسودگی و فرسایش‌پذیری، دگرشدگی و دگرپذیری و از میزان تقویت‌پذیری یک‌یک عناصر شهری و درواقع، جایی که زمینه‌های نیاز به بهسازی شهری رخ می‌نمایند.

هر آینه اگر زندگی آدمی در شهر، بسان پدیده‌ای خطی و تهی از کژی و کاستی و از جهش و پروازهای فردی و گروهی در راه تأمین شرایط مادی و معنوی می‌بود، پیکره کالبدی شهرها چندان آسیب نمی‌دید، اما امروزه این کژیها و کاستیها را می‌توان در تمام کنجها و راستاهای شهر شاهد بود.

گستره نیاز به رفاه شهرزیستی و بهسازی شهری

بازشناسی مطلوب وضعیت شهرهای کهن که با نشیب و فرازهای فراوان روبرو بوده‌اند، پیوسته لازم است. آنچه موضوع تبیین چندینا و چونیهای شناخت را به دشواری می‌کشد، هدفی است که متخصصان برای کارهای خود برمی‌گزینند و راهی است که برای رسیدن به آن دنبال می‌کنند. هر آینه، طراحی برای مرمت شهری را نیازمند به گسترده‌ترین و ژرف‌ترین زمینه‌های شناخت بدانیم، برای بهسازی شهری، تعیین حد و مرز با تنگنا همراه خواهد بود. از آنجا که تأمین رفاه شهرزیستی بدون شناخت سازوکارهای خاصی که رفاههای تأمین شده حتی موقتی را در هم می‌شکند، به‌دست دادن مجموعه شرایطی از شهر قابل زیست که پایدار باشد و یا خدشه‌ناپذیر، کاری بسیار دشوار می‌نماید.

بهسازی شهری را می‌توان به‌مثابه یکی از راه و روشهایی بشمار آورد که دانش مرمت شهری، برای دستیابی به شرایط نظام پویای زندگی کالبدی-کاربردی شهر، با تکیه بر اصلاحاتی روزمره و مکانیکی و گاه صوری به کار می‌گیرد. هر آینه، اگر قرار باشد، این عنوان را به زبان و بیانی مطلوب و ترویج یافته تشریح کنیم، ناچار خواهیم بود که به سایر راه و روشهای شناخته شده مقوله مرمت شهری بنگریم تا بتوانیم، با تکیه بر تحدید سایر تعریفها، نخست مکان آن و سپس ابزارمندیش را باز شناسیم.

چیزی که موضوع کار قرار گرفته (= شهر) است، در نظر گرفت. نکته اصلی در اینجا گستره عمل است و کمیتهایی که برای رسیدن به وضعیت کیفی بهتر روی آنها اقدام می‌شود.

شهر به‌مثابه مکان تدبیر و اقدام

این نکته اساسی که شهر چیست و چگونه می‌زید و بر پایه کدام ویژگیهای چندی و چونی می‌توان برای آن به تدبیرهایی اجرایی دست زد، قابل تأمل است.

فرهنگ و ادب ایران، برای شهر معانی متفاوتی دارد؛ تعبیرهایی که در این باب می‌توان داشت، چندان گونه‌گون و پرشمارند که در این مدخل جای نمی‌گیرند. باین وجود، هر آینه به فضای کالبدی شهر از دیدگاهی که مدنی-اجتماعی-کاربردی می‌تواند نامیده شود، بنگریم، راه مناسبی برای دست یافتن به مفهوم بهسازی شهری می‌توان یافت.

فضای کالبدی شهر- هر شهری و به هر مقیاسی- را عناصری تشکیل می‌دهند که کاربریهایی گونه‌گون دارند؛ اندازه‌هایشان متمایز و متفاوتند؛ برحسب اینکه در «کجا» قرار گرفته‌اند، می‌توانند متأخر و یا متقدم بر برخی از نیکیها و آسیبهای مقداری و موهبتهای معنوی باشند. جای هر خانه، مدرسه و دکان بر چگونگی کاربری‌اش، بر میزان ارزش مالی‌اش، بر اعتبار اجتماعی‌اش و بر چگونگیهای سالم ماندن و به سلامت زیستن‌اش اثر می‌گذارد. به همان اندازه که خانه‌ها و مدرسه‌ها و دکانهای شهر، در زندگی شهر بر یکدیگر اثرگذاری دارند، شبکه‌های راه‌یابی یا آمدوشد، آبرسانی، فاضلاب و امروزه برقرسانی و همچنین، چگونگی بهره‌مندی از هوای خوب، نور، طبیعت و از آرامش و زیبایی منظر شهری نیز بر یکدیگر اثرگذاری فرسایشی دارند؛ گاه بر یکدیگر مهاجمند و گاه در موافقت می‌زیند. این مهم قابل سنجش است و یافته‌های آن، تأمین‌کننده دستیابی به رفاه شهر زیستی.

به سخن دیگر، ابزارهای کالبدی و میان‌شالوده‌ای شهری، میان خود، تنشهایی دارند که از ذات شهر و از تشخیصهای گونه‌گون بهره‌مندان از آنها زاده می‌شوند. اما،

شرایط کمینه بهزیستی را می‌توان نقطه حرکت طرح‌های بهسازی شهری بشمار آورد، حتی آنگاه که به مسائل تزئینی و به تأمین فضای باز همگانی مشجر شهری می‌پرداختند.

این پیشینه که برای شهرهای صنعتی بزرگ و میانی اروپا، روی و رخ بر بسته، در شهرهای بزرگ بسیاری از کشورهایی که در نیمه دوم سده ۲۰م به فعالیتهای تولید صنعتی روی آوردند- از مصر تا مغرب و از ایران تا هند- مسئله روز دانسته می‌شود، زیرا به مقیاسی گسترده، چهره نامطلوب خود را می‌نمایاند. مدیریتهای شهری در این کشورها، پاسخگویی یا از میان برداشتن نارسائیهای را بیشتر هدف می‌گیرند که ظاهریند و زاده نبود رابطه‌ای اصیل، منزه و انسانی- اجتماعی مترقی میان فضای کالبدی شهر و آنچه (دست‌کم طی ۳ دهه اخیر) به شکل ایده‌آل، به صورت معانی نهفته در این فضا می‌گذرد.

بهسازی شهری، در شرایط کنونی دانش مرمت شهری، نمایانگر آن رده از اقداماتی است که- معمولاً- به نارسائیها و ناهنجاریهای برونی می‌پردازد و چاره‌جوییهای ظاهری یا سطحی و کوچکی را عهده‌دار می‌شود که سطحیند و ظاهری که در حال باید از میان برداشته شوند. از این رو، می‌توان امروزه، ویژگی *بهداشت شهری* را به این گونه طرحها افزود؛ جایی که برای این واژه تعریفی گسترده‌تر و ژرف‌تر قائل می‌شویم.

کتابشناسی:

- فلامکی، محمدمنصور. *باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- فلامکی، محمدمنصور. *نوسازی و بهسازی شهری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- لوکوربوزیه. «منشور آتن»، *چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن- آتن ۱۹۹۳*، معرفی و برگردان از محمدمنصور فلامکی، چاپ دوم، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۲.
- «تاریخ معماری و شهرسازی ایران»، *مجموعه مقالات- اولین کنگره، بم، ایران، ۱۳۷۴ و دومین کنگره (با همین عنوان)، بم- ایران ۱۳۷۸*، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، انتشارات «سازمان میراث فرهنگی کشور» به سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸.

محمدمنصور فلامکی

بهسازی شهری

از آنجا که دانسته‌ایم مرمت شهری گستره‌های کاربردی و هدفیایی گونه‌گون دارد هر یک دارای شاخه و برگهایی متفاوت است و میوه‌ای متفاوت به بار می‌آورد، راهی نداریم جز اینکه پژوهشگران را به شناخت مقوله‌ای ترغیب کنیم که تنه و ریشه را باز می‌شناساند؛ یعنی مرمت شهری. مرمت شهری، آنجا به بهسازی شهری و تعیین و تحدید کارهای خالص می‌پردازد که نمی‌تواند- و نمی‌خواهد- به مسائل شهری ریشه‌ای یا اساسی بنگرد. هر آینه، اگر قبول کنیم که چنین اقدامی، در نفس خود، نه الزاماً ناپسند است و نه زیانبار، نه به معنای اصولی سطحی‌نگر است و نه عمداً و به شیوه‌ای سهل‌انگار تقلیل دهنده صورت مسئله، آنگاه زمینه مساعد برای ورود به چارچوب فکری بهسازی شهری فراهم آمده است.

برای دستیابی به شناختی که مورد نظر است، سوای نکته‌هایی که در باب معنای تجریدی و تجربی بهسازی گفته شد، عطف نظر به آنچه نه تاریخ (به معنای فراگیر و مدون کلمه)، بل پیشینه‌های بهسازی شهری دانسته می‌شود، مفید تواند بود. از روزهایی که اشتغال در کارخانه‌های بزرگ صنعتی- و صنایع مادر، به‌ویژه- در مجاورت نزدیک و حتی درون شهرهای بزرگ اروپا شکل بسیار گسترده‌ای به خود گرفت و بسیاری از پدیده‌ها و موجودیتهای آلاینده را در لابه‌لای بافتهای شهر به جریان انداخت، وضعیت مدیریت شهری چنان شد که جای همه گونه انتقاد را داشت. سالهای پایانی سده ۱۸م و بخش بزرگی از سده بعدی، نمایانگر عدم بهداشت در تمام گستره‌های شهری بود: از شخصی- انسانی تا اجتماعی- مدنی؛ از ساختمانی تا معماری؛ از سکونتی تا خدمات شهری؛ از رفتار فردی و اجتماعی تا اخلاقی و فرهنگی. همه چیز شهرهای صنعتی نمایانگر ناهنجاریهای همه‌گیر و فراگیر بود. و از تمامی آنچه نامطلوب بود و زیانبار، بخشی که هم بیشتر رخ می‌نمود و نیز آسیبها و زیانهایش را- که اساسی بودند و بار روزمرگی نیز داشتند- می‌شد از میان برداشت... پیکره کالبدی و نظام ارتباطی شهر به مقیاسهای متفاوت بود. اقدام برای از میان برداشتن نارسائیهای کالبدی، به‌منظور تأمین

بهینه‌سازی، مدلها

Optimization Models

مدلهایی که اغلب از ریاضیات و تحقیق عملیات اخذ شده‌اند و می‌کوشند برای وضعیتهای مسئله‌ساز، راه حلی بهینه به دست دهند. این مدلها اغلب به نظریه‌های عرفی ساختار فضایی مربوط هستند.

فصل مشترک تمام این مدلها عبارت است از کمیّت یا مقدار (یا مقادیر)ی که باید به حداکثر یا حداقل درآید: این مقدار اغلب کارکرد هدف خوانده می‌شود. برای نمونه، هدف ممکن است به حداکثر رساندن تولید مواد غذایی در نظام کشاورزی یا به حداقل رساندن هزینه‌های عمومی حمل‌ونقل در یک موقعیت صنعتی باشد. به علاوه، بیشتر مسائل مرتبط با بهینه‌سازی با محدودکننده‌ها، یعنی پارامترهایی که راه حل مورد نظر باید در آنها نهفته باشد، همراه هستند. برای نمونه، به حداکثر رساندن محصولات کشاورزی ممکن است با عوامل محدودکننده‌ای، نظیر تأمین نیروی انسانی و یا سایر نهاده‌ها، یا استقرار یک واحد صنعتی ممکن است با محدودکننده‌هایی از لحاظ ظرفیت ارتباطات حمل‌ونقل و روبرو باشد. علاوه بر این، باید بین حد بهینه منفرد (مثلاً خریدار، مغازه‌دار، سرمایه‌گذار صنعتی و مانند آن) و حد بهینه عمومی برای یک نظام تفاوت قائل شد. البته، اطمینانی نیست که حاصل جمع راه‌حلهای بهینه منفرد بتواند به یک حد بهینه عمومی منتهی شود.

برخی مدلها بهینه‌سازی بر این فرض استوارند که محیط عمل قابل پیش‌بینی است، اما بسیاری دیگر که بر نظریه بازی اتکاء دارند، بر این فرض تکیه دارند که برخی عناصر نظام، به خودی خود، نامطمئن بشمار می‌روند. در چنین مواردی، کارکرد هدف باید دقیقاً تبیین گردد؛ برای نمونه، یک نظام زراعی ممکن است برای به حداکثر رساندن حداقل تولید، زمین بیشتری تخصیص دهد، اما تنها در صورتی که مناسب‌ترین شرایط اقلیمی نیز فراهم باشد.

شیوه‌های مدل‌سازی و چاره‌جویی بهینه برای مسائل بسیار متنوع هستند. برخی مسائل در نظریه شبکه‌ای و نظریه استقرار صنایع، از طریق راه‌حلهای ترسیمی و

نقشه‌برداری قابل حل هستند: در این گونه موارد، کارکرد هدف تابع عملیات ریاضی است و راه حل مورد نظر ممکن است مستقیماً از طریق فرمولهای ریاضی به دست آید. اما بسیاری از مسائل تنها با تکرار عملیات، یعنی روش گام به گامی که حول یک راه حل به انجام می‌رسد، قابل چاره‌جویی هستند. در بسیاری از موارد، ضرورت تبیین مسئله در قالب یک صورت قابل حل ریاضی، به ساده کردن مکرر وضعیت و عوامل محدودکننده آن منجر می‌گردد.

چشم‌انداز این گونه مدلها بسیار گسترده است و مسائلی مانند استقرار صنایع، استقرار فعالیت کشاورزی، استقرار خرده‌فروشی، توسعه شبکه حمل‌ونقل، جریانهای حمل‌ونقل، جغرافیای سیاسی و توسعه منطقه‌ای را دربر می‌گیرد، اما به هر حال، نحوه استفاده از این مدلها را می‌توان در ۳ شکل زیر خلاصه نمود:

- توصیفی؛
- عرفی - انتقادی؛ و
- دورنگری.

در برخی موارد معدود، جای بحث است که مدل بهینه‌سازی ضمناً نشانگر روندهای علی حین کار را نمایندگی می‌کند و بنابراین، می‌تواند برای مدل‌سازی یک نظریه توضیحی نیز به کار رود. به طور کلی، مدلهای بهینه‌سازی به سختی می‌توانند برای نشان دادن ناکارآمدی راه‌حلهای موجود، به کار روند. در آخر، مدل بهینه‌سازی در مطالعات کاربردی و برنامه‌ریزی می‌تواند برای تبیین راه‌حلهای مسائل استقرار به کار رود - مشروط بر آنکه مدل مورد نظر بتواند به درستی اهداف و محدودیتهای موجود در نظام را نمایندگی کند.

کتاب‌شناسی:

- Johnston, R. J. et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. Fourth Edition, Oxford: Blackwell, 2001.

فیلیپ اوگدن

(عباس سعیدی)

Homelessness

بی‌خانمانی واژه‌ای است که برای وضعیت فرد یا افرادی که فاقد سرپناه مشخص و تا حدودی پایدارند، به کار می‌رود. براین اساس، بی‌خانمانی دربرگیرنده گروهی خاص در جوامع بشری است. به همین دلیل، آن را مقوله‌ای جامعه‌ای معرفی کرده‌اند. برای بی‌خانمانی، در کنار فقدان سرپناه مشخص و معلوم، معمولاً شرط دیگری نیز عنوان می‌گردد: فقدان سرپناه دائمی و مشخص باید معلول ناتوانی مالی فرد یا خانواده در تأمین مسکن باشد. به دیگر سخن، شرایط اقتصادی فرد یا خانوار در شرایط معین اجتماعی، ممکن است امکان فراهم کردن سرپناهی امن و قابل زندگی را فراهم نسازد. چنین افراد و خانواده‌هایی، به ناچار، در فضا یا عرصه عمومی (به‌ویژه کوی و برزن) شب به روز می‌آورند. بی‌خانمانی همچنین گویای شرایط افرادی است که در خانه‌های بی‌خانمانان (مراکزی که در ایران گرمخانه نام دارد)، شب را سپری می‌کنند و با طلوع آفتاب، به بیرون هدایت می‌شوند. در منابع و متون مربوط به مسکن، گاه افراد و گروه‌هایی را که فاقد مسکن پایدارند و در سیاه‌چادرها زندگی ایلیاتی و از این قبیل دارند، نیز بی‌خانمان می‌خوانند؛ البته این گروه نباید دربرگیرنده ایلات و عشایر کوچنده در جوامعی چون ایران باشد، چرا که این روش زندگی، معلول ناتوانی اقتصادی در تأمین مسکن نیست و شیوه‌ای ناشی از انتخاب افراد و گروه‌هاست. به هر تقدیر، تخمین زده می‌شود که بین ۹۰-۱۱۰ میلیون بی‌خانمان در جهان وجود دارد.

تقریباً تمامی منابع و متون مربوط به مسکن، بی‌خانمان را در رابطه با محل اقامت شبانه تعریف می‌کنند. به دیگر سخن، ساعت تاریکی مهم‌ترین نکته‌ای است که در تعریف بی‌خانمانی و بی‌خانمان مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، وزارت مسکن و توسعه شهری ایالات متحد آمریکا (HUD)، بی‌خانمان را فرد یا شخصی می‌داند که شب هنگام فاقد محل اقامتی ثابت، معمولی و مناسب است. بدینسان، افرادی که محل اقامت شبانه‌گاهی آنان سرپناهیایی

است که امکانات اقامت موقت در اختیار افراد قرار می‌دهند (مانند هتل‌های رفاهی، سرپناهیای دسته‌جمعی) و یا محل‌های اقامت گروهی، مثل مسکن موقتی بیماران روانی و همچنین دارالتأدیبها، و یا اماکنی که گرچه به‌عنوان مسکن مورد استفاده قرار می‌گیرند، لیکن به‌هیچ‌وجه ویژگی مسکن مناسب را دارا نیستند، نیز بی‌خانمان محسوب می‌شوند.

بی‌خانمانی، به مانند مفهوم اسکان غیررسمی، در ایران سابقه‌ای دور و دراز دارد، هرچند تا اواسط دهه ۱۳۷۰ش پدیده‌ای نادر و سخت محدود بود؛ از آن زمان به بعد، با سرعت روبه افزایش نهاد. منابع و متون ادبی، بارها به کسانی اشاره کرده‌اند که *رواندازی جز آسمان و بالشی جزر خشت ندارند* و در کنار درب بسته مغازه‌ها شب به روز می‌آورند. در گذشته بی‌خانمانی شهری در ایران، موردی استثنایی و نادر و همراه با آسیبها و بیماریهای روانی بود. از این رو، بی‌خانمانی موردی و محدود گذشته این سرزمین را نمی‌توان با آنچه که امروز به‌عنوان بی‌خانمانی، آن‌هم به‌عنوان محصول تحولات اقتصادی که به جهانی‌سازی از بالا یا از دریاچه اقتصاد معروف است، مقایسه کرد.

علل بی‌خانمانی گرچه متنوعند، اما ۳ علت بالاترین فراوانی را تقریباً در تمامی جوامع بشری به خود اختصاص داده‌اند که شدیداً به یکدیگر نیز مربوطند:

- اولین علت، فقر مطلق به معنای نداشتن درآمد یا درآمدی پائین‌تر از میزانی معین است. این میزان از جامعه‌ای به جامعه دیگر و حتی از شهری به شهر دیگر و از کلانشهرها (- کلانشهر) به شهرهای کوچک فرق می‌کند. سازمان ملل متحد، مدتی مبلغی کمتر از یک دلار در روز برای هر نفر را ملاک کمی در تعریف فقر مطلق معرفی می‌کرد. امروز، از ۲ دلار در روز برای هر نفر سخن در میان است که نشان از واکنش به نرخ تورم فزاینده دارد. مبلغی که مرز فقر مطلق و فقر نسبی را از هم متمایز می‌سازد، نشان‌دهنده حداقل لازم برای بقا است. عدم دستیابی به حدودی که پائین‌تر از آن فقر مطلق محسوب می‌شود، اغلب ناشی از بیکاری است؛

- دومین علت مهم/اعتیاد است. اعتیاد به‌علت بالا رفتن آستانه تحمل یا میزان پذیرش مواد اعتیادآفرین، به‌طور مداوم بالا می‌رود و نیاز به مقدار بیشتری از ماده را ضروری

کازینویی که در آن، بازارهای بورس چون قمارخانه‌ای عظیم عمل می‌کنند، در این امر شدیداً مؤثر بوده است.

رسیدن به آمار واقعی تعداد بی‌خانمانها کاری بسیار دشوار است، زیرا بی‌خانمانها اغلب در یک محل اطراق نمی‌کنند و تغییر محل می‌دهند. این تحرک به نوعی مکانیسم دفاعی آنان است. از طرفی، شمارش همزمان آنان، چنانچه با بسیج نیروی انسانی کافی بتوان تمام کسانی که در شبی معین، در فضای باز یا در زیر پل و پله‌ها، یا گودی پارکینگ اماکن و پارکها که مهم‌ترین محل اقامت بی‌خانمانهاست، مورد شمارش قرار گیرد، باز هم نتیجه درستی به دست نمی‌آید، زیرا در آن شب معین، به‌ویژه اگر در فصلی غیر از زمستان و در شهری با آب‌وهوای تهران باشد، افرادی که در شهر خود دارای خانه و زندگی‌اند، اما در جستجوی کار به تهران وارد شده و برای نپرداختن هزینه اقامت، در مهمان‌پذیرها و تا زمان دست‌وپا کردن جایی برای خواب، از جمله در ساختمانهای در حال ساخت که



می‌سازد. با بالا رفتن میزان مواد مصرفی، شخص به تدریج از فعالیت عادی باز می‌ماند، کار خود را از دست می‌دهد، اموال بزرگ و کوچک خود را فروخته و به خرید مواد می‌پردازد. با پایان گرفتن دارائیه‌ها، سوءاستفاده از دیگران نخست بستگان درجه یک، سپس سایر بستگان و دوستان، و بالاخره، آشنایان دور و نزدیک آغاز می‌شود. این فرایند در نهایت به رانده شدن از خانه و خانواده و پیوستن به خیل خیابان خوابان، که بعضاً همزمان فروشنده خردده‌پای مواد نیز هستند، منجر می‌شود؛ و

• دلیل سوم، بیماریهای گوناگون روانی است. البته باید توجه داشت که بی‌خانمانی فی‌نفسه و پس از مدتی به دلیل بریدن از اجتماع محلی پیرامون شخص، شرایط بسیار دشوار زندگی در کوی و برزن، دچار شدن به انواع ترس و اضطراب، درگیر شدن با انواع مخاطرات و آزارهای جمعی و مهم‌تر از آن روحی- روانی و تحمل توهین مداوم، به بروز مشکلات روانی متعدد منجر می‌گردد. بنابراین، بیماری روانی علاج‌ناپذیر و عدم دسترسی به امکانات روانپزشکی و روان‌درمانی، ناتوانی خانواده‌ها از نگهداری عضو روان بیمار خود و نظایر آن، به بی‌خانمانی منتهی می‌شود. البته فرد سالم بی‌خانمان شده نیز پس از مدتی به تدریج دچار مشکلات روحی- روانی می‌گردد که نباید این دو را با یکدیگر یکسان گرفت.

در کنار این ۳ علت اساسی، باید به مصائب شدید جمعی و فردی نیز به‌عنوان علت برخی از موارد بی‌خانمانی اشاره کرد. زلزله‌هایی با تخریب گسترده، طوفانهای عظیم ساحل‌شکن، آتش‌سوزی و تخریب سرپناه در اثر سیل‌های بنیاد افکن، انفجارهای گسترده ناشی از نشت گاز، آتشفشان و (در گذشته) بیماریهای واگیردار گسترده و سرانجام قحطی، به بی‌خانمانی گروهی منجر می‌شود. برخی حوادث ناگوار فردی، مانند آتش‌سوزی و تخریب خانه شخصی، بدهکاری و حراج تمام اموال و نظایر آن نیز به بی‌خانمانی در سطح فردی منجر می‌گردد. مورد اخیر، یعنی حراج اموال شخص بدهکار در کشورهای پیشرفته، به تدریج (در کنار اعتیاد شدید) به یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌خانمانی تبدیل شده است. ورود سرمایه‌داری به مرحله سرمایه‌داری

زده است. این رقم در انگلستان، حدود ۱۱۰ هزار نفر برآورد شده است. در کانادا، سازمان اجتماعات محلی و حکومت محلی در ۲۰۰۵م، براساس مطالعه‌ای با عنوان آمارگیری ملی بی‌خانمانان، تعداد بی‌خانمانها را ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده است. در استرالیا، براساس سرشماری ۲۰۰۱م، تعداد این قبیل افراد ۹۹ هزار نفر است. در آمارهای رسمی ژاپن، از ۲۰ هزار نفر تا ۱۰۰ هزار نفر و در آمارهای غیررسمی، از ۲۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار نفر سخن رفته است. نکته‌ای که در آن تردید نیست، رشد بی‌سابقه تعداد بی‌خانمانان در اکثر کشورهای جهان است. منابع و متون از رشد بی‌سابقه بی‌خانمانان در برزیل، هند، افریقای جنوبی، نیجریه و سودان یاد می‌کنند. نگارنده برای نخستین بار، براساس انجام مطالعه‌ای درباره خیابان‌خوابان تهران، در کنفرانس پایداری شهری و شهروندمداری، رقم ۲۰ هزار نفر را عنوان کرد که به فوریت مورد استناد منابع خبری قرار گرفت. در واکنش به این رقم، وزارت کشور چند ماه بعد، با انجام بررسیهایی، رقم ۸ هزار نفر را برای مناطق بیست‌ودو گانه شهرداری تهران اعلام داشت. با سردی زمستان در ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ش که تعدادی از بی‌خانمانان در اثر سرما جان باختند، چند گرمخانه، به‌ویژه در نقاط جنوبی تهران، تأسیس گردید تا به بی‌خانمانها در شبهای یخبندان جای دهد.

برخی از علل بی‌خانمانی، مانند اعتیاد شدید و مزمن، مصائب جمعی که از کنترل فرد و خانواده به‌ویژه تهیدستان خارج است و بالاخره بیماری روانی و بی‌خانمان شدن حاصل از آن، خود به اندازه کافی گویاست، اما علل اقتصادی بی‌خانمانی همان است که در اسکان غیررسمی نیز وجود دارد. با این تفاوت که در اسکان غیررسمی، فرد یا خانواده قادر است برای خرید، رهن یا اجاره سرپناهی در بازار غیررسمی، مبلغی فراهم کند. بی‌خانمانی در مورد کسانی صادق است که در چارچوب شرایط اقتصادی، قادر به پرداخت وجه کافی برای دستیابی به سرپناه، چه به‌صورت یکجا یا قسطی، نیستند و در بازار غیررسمی زمین و مسکن نیز جایی ندارند. در غرب که به‌علت استحکام اصل قانونمندی و نهادینه شدن تبعیت از قانون، سلامت

پذیرای بالاترین رقم بی‌سرپناهان موقتند، در فضای باز اطراق کرده باشند، در شمار بی‌خانمانها به حساب می‌آیند. همین امر در مورد افرادی که به‌علت اختلاف خانوادگی از خانه خود، به حالت قهر، خارج و مایل به اقامت موقت، آن‌هم برای حفظ آبرو، نزد آشنایان و بستگان خود هستند، صادق است. دختران و پسران فراری که در اصل خانه و کاشانه‌ای دارند، جزء بی‌خانمانها سرشماری می‌شوند. از سوی دیگر، استفاده از روشهای دیگر گردآوری اطلاعات نیز بسیار دشوار است. نخست آنکه، بی‌خانمانان سخت بی‌اعتمادند و نشست و گفتگو با آنان بسیار مشکل است. تقریباً هیچ وسیله‌ای برای ارزیابی صحت گفته‌های آنان، که اغلب نادرست، پراکنده و در بسیاری از مواقع نامفهومند، وجود ندارد. تجربه نگارنده در گفتگو با خیابان‌خوابان، چه در ایران و چه در چند کشور انگلیسی زبان، گویای شباهت بسیار زیاد بین آنان به‌نگام گفتگو است. برکنار از پراکنده‌گویی، اکثر آنان ارتباط خود با دنیای واقعی را از دست داده‌اند و مباحث خیالی را با واقعیت زنده زندگی ترکیب می‌کنند. وجه مشترک دیگر آنان، ناتوانی از گفتگو پس از چند دقیقه است که ناشی از ترس نهادینه و اضطراب شدیدی است که از آن لبریزند. نشستن و گفتگو با برخی از بی‌خانمانها، در ضمن سخت خطرناک است، زیرا ممکن است، بدون مقدمه و به‌طور ناگهانی، به حرکات و اقداماتی پرمخاطره دست زنند. علاوه‌براین، ویژگی مشترک بی‌خانمانها، آشفتگی ظاهری و ذهنی، افراط کاری و عدم رعایت نظافت فردی است که امری کاملاً طبیعی است. در کشورهای پیشرفته حداقل خیابان‌خوابها و بی‌خانمانها به برخی امکانات شستشوی اولیه در مکانهای عمومی، مانند کتابخانه‌ها، حداقل در برخی از روزها، دسترسی دارند. مسئله قضای حاجت بی‌خانمانها در کشورهای توسعه‌نیافته، مهم‌ترین مسئله بغرنج روزمره آنان است.

به‌هرحال، تمام آمارهای موجود، حتی در پیشرفته‌ترین کشورها، در حد تخمین با ضریب خطای نسبتاً بالاست. داده‌های مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد، تعداد بی‌خانمانان اتحادیه اروپا در ۲۰۰۴م را ۳ میلیون نفر تخمین

نسبی متولیان نظارت و درونی شدن حقوق و وظایف شهروندی، امکان ساختن سرپناهی در زمین غیر وجود ندارد، بازار غیررسمی زمین و مسکن بی‌معناست. بنابراین، بینوایان که از ورود به بازار غیررسمی زمین و مسکن نیز محرومند، لاجرم به بی‌خانمانی دچار می‌شوند. همچنین به علت ورود سرمایه‌داری به مرحله سرمایه‌داری قماری که به جهانی‌سازی از دریچه اقتصاد جان بخشیده است، علاوه بر تهیدستان شهری، لایه‌های پائین طبقه متوسط نیز با زوال وضعیت دولت رفاهی، در خطر روبه رشد بی‌خانمانی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، به علت قطبی شدن شدید جوامع که آن هم از آفات جهانی‌سازی از دریچه اقتصادی است، وضعیت طبقه متوسط در کشورهای پیشرفته و کشورهای فاقد درآمد راهبردی (استراتژیک مانند نفت)، روزبه‌روز بدتر می‌شود و درحالی‌که اقلیتی به ثروتهای افسانه‌ای، آن هم گاه یک‌شبه دست می‌یابند، انبوهی دچار فقر نسبی، مطلق و مطلق مزمن می‌شوند. بدیهی است چنین تحرک طبقاتی یا تحرک عمودی روبه پائین، درصدی از طبقه متوسط را نیز به خیل بی‌خانمانان سوق می‌دهد. علاوه بر این، به علت ورود بازار بورس به تمام عرصه‌های اقتصاد، درصدی از کسانی که در بازار بورس به خرید و فروش سهام مشغولند و یا درگیر فعالیتهای مالی، تجاری و حتی تولیدیند، با این خطر مواجه هستند که گاه با برگشت خوردن حتی یک چک، تمام دارایی خود را که گاه بسیار قابل ملاحظه است، به ثمن بخرس بفروشند و به بی‌خانمان تبدیل شوند. افزایش خطر بیکار شدن ناگهانی در تمام رده‌های شغلی، حتی مدیران رده‌های بالا، سبب‌ساز تحرک عمودی منفی شدیدی شده است. از آنجا که خرید قسطی امری رایج است، افراد ممکن است با از دست دادن شغل و درآمد و عدم امکان یافتن شغلی در سطح قبلی، و با درآمدی مشابه، به‌موجب ناتوانی در بازپرداخت اقساط، دچار حراج داراییهای خود شوند؛ درصدی از این افراد اغلب به جمع بی‌خانمانها می‌پیوندند. در حیطه اقتصادی به مورد دیگری نیز باید اشاره کرد: خطری که طبقه کارگر را دائماً تهدید می‌کند و آن، خودکاری فرایند تولید است. چنین واقعیتهای قدرت جنبشهای کارگری را به شدت کاهش

می‌دهد و به بیکاری کارگران ماهر در سطوح مختلف منجر می‌گردد. گروهی از این بیکاران ممکن است ناگزیر به انبوه خیابان‌خوابان یا بی‌خانمانها پیوندند. این مسئله با تحلیل ساختار اشتغال روشن‌تر می‌گردد، زیرا شغلهایی که بیشتر در دسترسند، در رده‌های اطلاعات و فناوری برترند و اکثر کارگران ماهر سنتی قادر به ورود به این ساختار نیستند و تنها درصد ناچیزی از آنان می‌توانند با کسب آموزشهای لازم و توانمند شدن در ساختار شغلی جدید جذب شوند.

نکته مهم دیگر که به بی‌خانمانی کمک می‌کند، تحولات ساختار خانوار و کاهش درصد سرباری است. در گذشته، افراد از کار افتاده و یا فاقد توانایی شغلی به‌عنوان اعضاء خانواده گسترده، از سوی سایر اعضاء حمایت می‌شدند و در سرپناهی کوچک با حرمت شب به روز می‌آوردند و حتی در سفره‌های حقیر و ناچیز، لقمه‌ای برای آنان در نظر گرفته می‌شد. تحولات ساختار خانواده در اغلب خانوارها، این افراد را کنار می‌گذارند و بخشی از آنان به بی‌خانمانی دچار می‌شوند. مهاجرت گسترده به شهر و نابودی ساختار سنتی روستا، این امر را به وضوح عیان می‌سازد. در کشورهای جهان سوم این امر هنوز به اوج خود نرسیده است، اما در این مسیر پیش می‌رود. ضمناً از بیگانه ستیزی، بالکانی ساختن کشورهای چند قومی - چند فرهنگی، جنگ و نسل‌کشی که سبب جابه‌جایی اجباری گروههای اجتماعی، گاه به‌صورت انبوه می‌شود نیز باید یاد کرد.

جهانی‌سازی از بالا یا از دریچه اقتصاد، در همان حال که به قطبی شدن جوامع، افزایش جدی فقرا، بیگانه ستیزی، نابودی سنتها، در خطر قرار دادن خرده فرهنگها و رویارو قرار دادن اقوام و نسل‌کشی منجر می‌شود، با کوچک‌سازی دولتها، حذف یارانه‌ها و کمکهای دولتی، سپردن قیمت به سازوکارهای بازار با انتظام‌زدایی و برداشتن موانع بر سر جریان یافتن سرمایه، به تمهیداتی که از سده ۱۶م نخست در اروپا، سپس در سایر کشورهای صنعتی و نهایتاً در کشورهای جهان سوم برای همراهی با گروههای اجتماعی آسیب‌پذیر تدارک دیده شده و در دوران جامعه و دولت رفاه به اوج خود رسیده بود، پایان بخشید یا در حال پایان بخشیدن است. در سده ۱۶م، انگلستان که با زیرورو شدن

بیکاری

- Caves, Roger (ed). *Encyclopaedia of the City*. London: Routledge, 2005.

پرویز پیران

بیکاری

Unemployment

بیکاری را نمی‌توان جز با مفهوم کار و اشتغال تعریف کرد. پذیرفته شده‌ترین مفهوم بیکاری عبارت است از مجموع تمام افرادی که شاغل نیستند؛ اعم از کسانی که در جریان دستیابی به شغل جدیدند، یا آنان که قادر به یافتن شغل با دستمزدهای متعارف و واقعی نیستند. البته تصمیم و اراده فردی به بیکار ماندن، به جز مواردی که فرد برای تغییر شغل بیکاری را می‌پذیرد، فرد را در رده بیکاران قرار نمی‌دهد. در واقع، بنابه شمار زیادی از تعاریف، بیکار کسی است که در جستجوی کار نیز باشد.

تعاریف بیکاری متفاوتند، از این رو نرخ بیکاری نیز بر حسب مورد، در یک جامعه خاص و برای یک دوره یا مقطع زمانی معین تغییر می‌کند. مفهوم بیکاری به جز وابسته



ساختار اجتماعی خود روبرو بود، به جای تنبیه و لگردان و بی‌خانمانها به حرفه‌آموزی و اسکان آنان روی آورد و قصر هنری هشتم را به خانه فقرا و بخشی را نیز به زندان تبدیل کرد. قانون فقرا در عصر ویکتوریایی، گام بعدی بود. به تدریج اسکان و حرفه‌آموزی در کنار زندانی کردن و تنبیه، سرنوشت فقرا را رقم می‌زد. ایجاد خانه‌های کارآموزی و سپس درگیر شدن شوراهای محله‌ای و شهری، با احداث خوابگاه در سده ۱۸م رقم خورد. بازسازی مناطق فقیرنشین و احداث خانه‌های ارزان، گام بعدی، به‌ویژه در آغاز سده ۲۰م بود و نهایتاً احداث مسکن اجتماعی توسط شهرداریها از راه رسید. پس از جنگ جهانی دوم، راه برای به قدرت رسیدن دولت رفاه و شکل گرفتن جامعه رفاهی هموار شد. دولت و جامعه رفاه و اقدامات قبل از آن، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، در واکنش به شکل گرفتن اردوگاه شرق در کنار اردوگاه غرب، ۲ هدف را دنبال می‌کرد:

- هدف اول، مبارزه با خطر کمونیسم و جاذبه‌های سوسیالیسم و از کار انداختن موتور قدرتمند جنبشهای کارگری؛ و
- هدف دوم، حفظ سطح زندگی گروههای کم‌درآمد، لایه‌های پائین طبقه متوسط و گسترده‌سازی طبقه متوسط به‌صورت سازوکار دخالت دولت در بازار و حفظ مشتری لازم برای محصولات تولیدی.

جهانی‌سازی بر این امور نقطه پایان نهاد و با فروپاشی شوروی، بسیاری از معادلات دگرگون شد. انباشت سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع برتر هوشمند، اهمیت بازار خرده‌فروشی کالای سنتی را به‌عنوان راه‌حل مبارزه با بحرانهای ادواری به‌شدت کاهش داد. دنیای نوینی از راه رسید که فقرا در آن جایی نداشتند و بی‌خانمانی، سرنوشت محتوم آنان تلقی می‌شد. تردیدی نیست که رشد مسائل اجتماعی، فقر گسترده و جرم، بازگشت به نوعی نظامهای حمایتی را در آینده، قهری خواهد ساخت.

کتاب‌شناسی:

- Butt, M. "Homeless Families, Singles and Others: Findings From the 1996 National Survey of Homeless Assistance Provides", *Housing Policy Debate*. 12(4): 737-80, 2001.
- Hopper, K. "Homelessness Old and New: The Matter of Definition", *Housing Policy Debate*. 2(3): 757-813, 1991.

بودن به کار و اشتغال، با مفهوم جمعیت فعال نیز در ارتباط است. جمعیت نافع‌ال نیز بنابه تعریف بیکار محسوب نمی‌شود.

جمعیت فعال براساس شناخته شده‌ترین تعریف، از جمله مفهوم مورد استفاده در آمارهای ایران، عبارتست از جمعیت بالاتر از ۱۰ سال سن به شرط آنکه خانه‌دار، سرباز، محصل، بازنشسته و از کار افتاده نباشد. در مقابل، جمعیت شاغل، مثلاً در ایران، ۲ تعریف متفاوت دارد که استفاده از هر یک از آنها منجر به تفاوت در ارزیابی میزان نرخ بیکاری می‌شود. بنابه تعریف مرکز آمار ایران (نتایج آمارگیری از نیروی کار، ۱۳۸۴-۱۳۸۵ش)، تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مراجعه، طبق تعریف کار حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنابه دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. بنابه تعریف قبلی مرکز آمار ایران (آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، ۱۳۸۱-۱۳۸۳ش) تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور آمارگیری کار می‌کرده‌اند، دارای شغل هستند، اما در این ۷ روز بنا به عللی کار نکرده‌اند، یا شغل مستمر نداشته، ولی در ۷ روز گذشته حداقل ۲ روز کار کرده‌اند، یا دارای شغل هستند، ولی در ۷ روز گذشته به اقتضای فصل و ماهیت فصلی کار نکرده‌اند و در جستجوی کار دیگری هم نبوده‌اند شاغل محسوب می‌شوند.

نرخ بیکاری حاصل تقسیم جمعیت بیکار بخش بر جمعیت فعال است.

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}}$$

$$\text{نرخ اشتغال} = \frac{\text{جمعیت شاغل}}{\text{جمعیت فعال}}$$

و از آنجا که:

$$1 = \frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{جمعیت فعال}} = 1 = \frac{\text{جمعیت شاغل} + \text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ اشتغال} + \text{نرخ بیکاری}$$

بنابراین:

$$\text{نرخ اشتغال} - 1 = \text{نرخ بیکاری}$$

عوامل اصلی پدیدآورنده بیکاری عبارتند از: ضعف و نارسایی سرمایه‌گذاری، تحولات فناوری که جانشین نیروی کار می‌شود، کمبود تقاضا در اقتصاد، بحرانهای اقتصادی که میزان سرمایه‌گذاری و تقاضا را کاهش می‌دهند، بحرانهای خارجی مانند نرسیدن مواد اولیه یا فناوری، کاهش صادرات، جذابیت فعالیتهای سوداگرانه و غیرمولد، فرار سرمایه‌ها به خارج از کشور، بحرانهای اجتماعی (مانند ناامنی و شورش دامنه‌دار)، بحرانهای سیاسی که بر روی تصمیمهای سرمایه‌گذاری اثر منفی می‌گذارند، بحرانهای مدیریتی و فساد اداری و مالی و جز آن.

بیکاری را می‌توان به انواع مختلف تقسیم‌بندی کرد: بیکاریهای برخوردی (ناشی از برخورد کارفرما و کارگر)؛ بیکاریهای کمبود تقاضا (ناشی از کمبود تقاضای کل در جامعه و کمبود سرمایه‌گذاری)؛ بیکاریهای فناورانه (ناشی از معرفی فناوری جدید که سرمایه را جایگزین نیروی کار می‌کند)؛ بیکاریهای ساختاری (با نوع کیفی که نتیجه ناسازگاری بین بیکاران و فرصتهای شغلی ایجاد شده، است)؛ بیکاریهای نوسانی (مربوط به نوسان ادواری و صعود و سقوط نرخ رشد اقتصادی)؛ بیکاریهای مهاجرتی (ناشی از افزایش و تراکم مهاجرتهای داخلی و خارجی به شهر یا کشورها)؛ بیکاری داوطلبانه (که به‌طور فردی و جمعی و به دلایل مختلف و براساس تصمیم فرد یا افراد بروز می‌کند)؛ بیکاری پیشگیرانه (انتظار فرد یا افراد بیکار برای دستیابی به شغل و دریافتی مطلوب)؛ بیکاری نگرورزانه (که به افت دستمزد واقعی مربوط می‌شود و موقتی است و واکنش کارگران است به‌صورت کاهش ساعات کار)؛ بیکاری فصلی (که به ماهیت فصلی مشاغل کشاورزی و تا حدی ساختمانی مربوط می‌شود)؛ بیکاری‌زایی سرمایه‌داری (که به تحلیل ذاتی نظام سرمایه‌داری به انباشت سرمایه همراه با جایگزینی آن با کالا و به گرایش ذاتی سقوط نرخ سود مربوط می‌شود و البته با تمهیدهایی که برای رونق بخشی به انجام می‌رسد، می‌تواند به‌صورت‌های دیگر جلوه کند) و سرانجام، بیکاریهای اداری (که به تصمیمها و سیاستگذاری دولتها مربوط است). بیکاری شهری در برابر بیکاری بخش کشاورزی، بیکاری

روستایی، بیکاری صنعتی و جز آن عبارتست از بیکارانی که در فضای جغرافیایی شهر و ناشی از زندگی کارگران (نیروی کار) در شهر و وابستگی به صنایع و خدمات شکل می‌گیرد. نمونه آن، بیکاران بخش ساختمان در مناطق شهری و بیکاری صنعتی و بیکاری ناشی از افت فعالیت‌های خدمات شهری است. کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تجاری و خدمات شهری و انتقال منابع و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی از یک شهر موجب بروز بیکاری شهری خاص می‌شود. همچنین می‌توان از بیکاری خاص بزرگ شهرها و کلانشهرها که از افزایش مهاجرت به این شهرها و حاشیه‌نشینی و اسکان شبه حاشیه‌ای ناشی می‌شود، یاد کرد.

کتاب‌شناسی:

- رئیس‌دانا، فریبرز. *بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*. جلد اول شناخت‌های پایه‌ای، فصل دوم، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.
- جولی، ریچارد؛ دوکات امانوئل و دیگران. *بیکاری در جهان سوم (مسائل و استراتژی)*، ترجمه احمد خزاعی، تهران: وزارت برنامه و بودجه (مدیریت و برنامه‌ریزی) بخش ۱ و ۷، ۱۳۶۸.

فریبرز رئیس‌دانا

پ

پارک ← تفرجگاه(های) شهری

پاکار زیردست داشت و مزد آنها را زارعان براساس واحد اندازه‌گیری آب، یعنی سالی ۱۱/۵ دقیقه آب، ۵۰ ریال می‌پرداختند.

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- لمتون، ا.ک.س. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مهدی طالب

پاکار

در نظام سنتی، مأمور محلی در سطح روستا که زیردست کدخدا (← کدخدا) و یا میراب عمل می‌کرد.

در بعضی نقاط، پاکار زیردست کدخدا بود و تصمیمات و اوامر او را اجرا می‌کرد. در آذربایجان، بلوچستان، زنجان و خوزستان، مزد پاکار را از سهم زارع کسر می‌کردند. در کردستان، اهم وظایف پاکار، بیگاری گرفتن از رعایا بود و مزد او را در پاره‌ای موارد، مالک می‌داد، و در موارد دیگر، مقداری غله و نان و پنیر برای او از رعایا وصول می‌شد. در بعضی نقاط پاکار، ضمن اجرای اوامر کدخدا، حفظ منافع رعایا را هم برعهده داشت و در این مورد کار او بیشتر به کار دشتبان (← دشتبان) شباهت داشت. هرگاه لازم بود، نهرها لایروبی شود و راهها و پلها تعمیر گردد یا امر عام‌المنفعه‌ای صورت پذیرد، کدخدا پاکار را خبر می‌کرد و او اوامر کدخدا را به روستائیان می‌رساند؛ در این موارد هر جهت زمین عده‌ای زارع می‌گرفت و مأمور کار مورد نظر می‌کرد. بعضی روستاها چند پاکار داشتند؛ برای نمونه، جوشقان ۲ پاکار داشت که روستائیان آنان را از میان خود به این کار می‌گماردند و وظیفه این دو محافظت از کشتزارهای دهقانان در برابر دستبرد بود. در بعضی روستاهای یزد، در پاره‌ای موارد، پاکار مأمور زیردست میراب بود. چنان‌که در اشکرز که ۳ قنات داشت، میراب ۱۰

پاگاو

نوعی بهره‌برداری گروهی از زمین در سیستان که در چارچوب نظام تولید جمعی کهن حداقل طی سده ۱۳ تا چند دهه اول سده ۱۴ش به منزله شیوه غالب رواج داشته است. این نظام تولیدی از گروههای انسانی (مردان) تشکیل می‌شد که با هم بر روی یک یا چند قطعه زمین با وظایف مشخص و نسبتاً یکسان و مدیریت یک تن از آنها برای یکسال زراعی کار می‌کردند و در ازاء آن سهمی از محصول را دریافت می‌کردند. ازاین‌رو، کارکرد و جایگاه آن در چارچوب همیاریه‌های کهن روستایی و در قالب نظام سهم‌بری در ساختار اجتماعی-اقتصادی حاکم بر نظام

ارباب- رعیتی در ایران تبیین می‌شود. نامهای متفاوت بنه، صحرا، حراثه، تیرکار، یازو، بانکو و... با تشکیلات نسبتاً مشابه از انواع این‌گونه بهره‌برداری جمعی است.

مشخصه اساسی چنین شیوه تولیدی در پیوند با نظام سهم‌بری تنها این نیست که کشاورز (رعیت) بهنگام برداشت محصول می‌بایست بخشی از محصول را به‌عنوان حق بهره‌برداری یا «اجاره» زمین به مالک (ارباب) و دیگر صاحبان عوامل تولید تحویل دهد، بلکه بسیاری از حاملان کارکردهای اقتصادی و حتی اجتماعی روستا نیز از آن سهم داشتند. بدین ترتیب، دوام و بقا تمامی ده به آن وابسته بود.

در نظام بهره‌برداری جمعی، کشاورزان حق مالکیت فردی یا گروهی بر زمین نداشتند. این ویژگی، در رابطه با روش توزیع سالانه زمین، شاید دنباله بقایای نوعی جوامع سازمان‌یافته اشتراکی اولیه یا حداقل متأثر از آن باشد که در میان جوامع کوچ‌رو هم مشاهده و بررسی شده است. همچنین به نظر می‌رسد تمهیدی برای به کار نرفتن کشاورز روزمزد به‌منظور پای‌بند نمودن روستائیان به ده بوده است، تا بدین‌وسیله روستا از نیروی کار تهی نشود. از این‌رو، چنین شیوه تولیدی همراه با نظام سهم‌بری ساختار و کارکرد و نقشی ورای آنچه به نام «سنت محض» یا «قرار مدار به‌کلی معجول» از آن یاد کرده‌اند، داشته است. به نظر می‌رسد، گسترش چنین نظام تولیدی هم به‌لحاظ سازماندهی و مدیریت روستا (← مدیریت روستا) و هم به‌لحاظ حفظ و پایداری جامعه روستایی و بهره‌گیری بهتر اقتصادی- حداقل برای مالک- کارایی بیشتری داشت.

در زمینه علل برپایی و شکل‌گیری نظام تولید گروهی در شرق، برخی از پژوهشگران بر این باورند که از یکسو شرایط محیط طبیعی به‌ویژه اقلیمی در نواحی نیمه بیابانی گرم و خشک ضرورت آبیاری به کمک نهرها و سایر اقدامهای مشابه را ایجاد می‌کند که خارج از توان یک خانواده کشاورز بود. از سوی دیگر گستردگی مالکیت حکومتها در برابر مالکیت خصوصی، نقش اساسی را داشتند. این نظام در مقایسه با فئودالیسم غربی نمایانگر این واقعیت است که در اروپا اولاً، نوعی اجاره‌داری یعنی تحویل میزان مشخصی از محصول یا مبلغ معینی پول (یا

هر دو) هر ساله از سوی کشاورزان (سرفها) به فئودالها رایج بود. ثانیاً، زمین نه برای یکسال، بلکه برای چند سال متوالی به اجاره کشاورز درمی‌آمد که حتی تحت شرایطی اجازه انتقال آن را به غیر داشت. ثالثاً، کار بر روی زمین عموماً به‌صورت خانواری انجام می‌گرفت. با توجه به ۲ فرضیه یاد شده و نیز تأکید بر عوامل تولید شاید بتوان ساختار روستا و سازمان تولیدی آن را در سیستم سده‌های ۱۹ و ابتدای ۲۰م بررسی نمود.

هرچند «ده» در سیستم کوچک‌ترین واحد جمعیتی به‌لحاظ اداری و اقتصادی تلقی می‌شد، اما هر واحد جمعیتی در درون «ده» را «جمع» تشکیل می‌داد و نه «خانواده». زیرا «جمع» مبنای دریافت مالیات یا «اجاره» بود که زیر نظر کدخدا (← کدخدا) اداره می‌شد و می‌توانست تمام یک ده، یا قسمتی از یک ده بزرگ و یا حتی یک گروه کوچک از آن باشد. انتخاب کدخداهای را که حاکم سیستم- یا تحت شرایطی «سردارها»- انجام می‌دادند، هرچند متأثر از چگونگی مناسبات آنها با حاکم و نیز جایگاه و اقتدار در سطح روستا و منطقه نفوذشان بود، اما بیشتر بستگی به پرداخت میزان پولی داشت که آنها به‌عنوان «شیرینی» به حاکم پیش‌کش می‌کردند. از این‌رو، کدخدا از منظر حاکم نه تنها به‌منزله نماینده حکومت محلی و مرکزی و مدیر روستا تلقی می‌شد، بلکه «اجاره‌دار»ی بود که می‌بایست سهم حکومت یا «حق الاجاره» زمین را به حاکم از طریق نماینده وی- «تحویلدار»- پرداخت کند. با توجه به تعداد زیاد روستا و پراکندگی آنها تحویلدار نیز نمایندگان با نام «مشرف» داشت که بر نحوه تقسیم محصول نظارت می‌کردند. برای انجام دقیق این مهم، کدخدا شخصاً اقدام به سازماندهی روستا، تعیین گروههای کاری و به‌ویژه تقسیم زمین بین آنها و بالاخره نظارت بر تقسیم محصول می‌کرد. کدخداهای بهنگام درو، خرمن‌کوبی و تقسیم محصول افرادی را به کار می‌گرفتند که برای محصول بهاره «مشکر» و برای محصول پاییزه «سبزه‌بان» نامیده می‌شدند.

کار زراعت به‌گونه سنتی در سیستم به ۲ شکل کلی یکی فردی یا خانوادگی با نام «کلگیری» و دیگر گروهی با عنوان «پاگاو» انجام می‌گرفت.

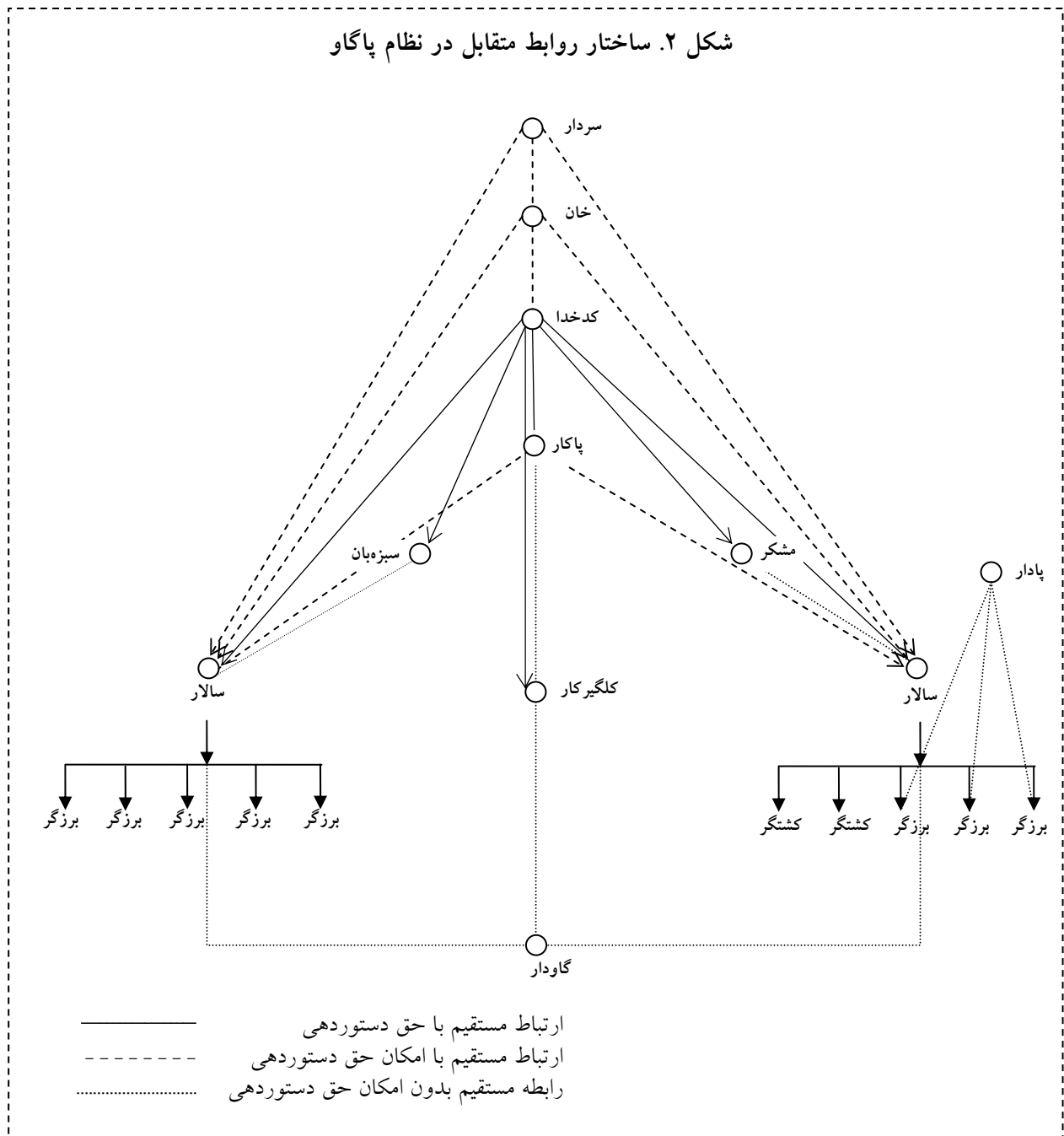
پاگاو

به‌ازاء هر ده پاگاو یک کلگیرکار وجود داشت. در ابتدای سده ۲۰م، در تمام سیستان ۱۰۳۰ کلگیرکار بود که وسعت اراضی آنها تقریباً برابر ۱۰۰ پاگاو می‌شد. کلگیرها از پرداخت سرنسقی، سهم از محصول و نیز مشارکت در کارهای عمومی (حشر) در سطح خرد (روستا) و کلان (سیستان)، معاف بودند.

پاگاو (پاگو) به‌منزله یک واحد تولید گروهی متشکل از

کلگیرکارها از بستگان و یا نزدیکان کدخدا بودند که قطعه زمینی کوچک، حدود ۲۰-۳۰ من بذر افشان (تقریباً برابر با ۱-۱/۵ هکتار) برای یکسال زراعی در اختیار آنها گذاشته می‌شد و آنها شخصاً و به کمک اعضاء خانواده یا گاه با به‌کار گرفتن «مزدور» (کارگر روزمزد) آن را به زیرکشت می‌بردند. این شیوه بهره‌برداری بسیار محدود بود و نسبت آن به‌مقدار پاگاوها سنجیده می‌شد، به‌طوری‌که

شکل ۲. ساختار روابط متقابل در نظام پاگاو



مدت نظام اجاره‌داری یا مزارعه رایج بود. بدین معنا که دولت سالیانه در ازاء دریافت حدود یک سوم از محصول و نیز پول نقد (شیرینی) زمینهای زراعی را به سردارها یا کدخدا اجاره می‌داد. کدخداها، که به ندرت تغییر می‌کردند نیز اراضی روستاهای خود را بین گروههای کاری کلگیر و پاگاو تقسیم می‌کردند. توزیع زمینها بهنگام کشت زمستانه گندم و جو در پائیز انجام می‌گرفت که به «وقت نسق» یا «نسقبندی» مشهور بود.

از آنجا که «پاگاوهای تحویل» از پرداخت حق‌الاجاره به دولت و مشارکت در کارهای عمومی مشهور به «حشر» معاف بودند و بذر را هم معمولاً کدخدا در اختیار آنها قرار می‌داد، بالطبع سودآوری بیشتری را برای هر دو طرف دربر داشت. از این رو کدخدا کوشش می‌کرد زمینهای مرغوب با آب قابل دسترس بیشتر و مطمئن‌تر در اختیار آنها قرار گیرد. اعطای چنین امتیازی به کدخدا در گرو نقش و جایگاه وی در منطقه، میزان پرداخت «شیرینی»، حمایتهای مالی و انسانی او از حکومت به‌ویژه هنگام «حشر» یا احداث نهری جدید و یا قشون‌کشی بود. به‌رحال نسبت تعداد پاگاوهای تحویل به پاگاوهای غمی نمی‌بایست از یک به شش بیشتر می‌شد. اما در واقع این نسبت در ابتدای قرن ۲۰م در کل سیستان یک به سه یا به چهار بود به‌گونه‌ای که از کل ۲۱۷۵/۵ پاگاو در ۱۹۰۴م در سیستان تعداد ۳۰۳ (۱۳/۹٪) را تحویلها تشکیل می‌دادند. سپس بقیه زمینها بین پاگاوهای غمی و آنگاه بین کلگیرکارها توزیع می‌شد. سالارها برای به‌دست آوردن زمین می‌بایست مبلغی به‌عنوان «پول سرنسقی» به کدخدا پرداخت کنند که میزان آن به نسبت کیفیت زمین، دسترسی به آب، نفوذ و قدرت کدخدا در هر روستا متفاوت بود. با این حال، هنگام تقسیم زمین بین گروههای زراعی یک روستا، گاه اختلافهای شدید رخ می‌داد که در چنین مواردی از قرعه‌کشی (پشک‌اندازی) کمک گرفته می‌شد.

در تقسیم اراضی با کیفیت و موقعیت بهتر، همانند زمینهایی که به‌تازگی از زیر تپه‌های شنی (برخانها) خارج و یا به‌وسیله باد فرسایش یافته و «پاک» شده بودند، اندازه‌گیری، با دقت زیاد و براساس گام صورت می‌گرفت.

چند عضو (زارع) بود که در رأس آن فردی با نام «سالار» سرپرستی و مدیریت آن را برعهده داشت و در مواردی نیز «کمک سالار» داشت. تعداد پاگاوها در یک روستا یا حوزه اجاره (مدیریتی) کدخدا به لحاظ زمین قابل کشت، آب قابل دسترس (یا حق‌آبه)، نیروی انسانی و بالاخره تمایل و توانمندی کدخدا متفاوت بود و تا ۶۰ پاگاو می‌رسد. از آنجا که یک واحد رسمی (همانند زرع مربع) برای تعیین وسعت زمین در سیستان وجود نداشت لذا واحد اندازه‌گیری همان «پاگاو» یا «جفت گاو» بود. یک «جفت گاو» طی یک‌روز می‌توانست زمینی برای ۱۰-۱۲ من بذرافشان (گندم یا جو) شخم بزند. از آنجا که هر من بذرافشان وسعت زمینی حدود ۲۵۰-۴۰۰ مترمربع را دربرمی‌گرفت، لذا سطح هر کدام از این قطعات کوچک بین ۴/۵-۰/۲۵ هکتار و وسعت زمین هر پاگاو حدود ۴/۵ خروار بذرافشان یا معادل ۲۲ هکتار بود. با این حال این قاعده کلی نبود، زیرا وسعت پاگاوها از ۶-۳۶ هکتار تفاوت می‌کرد.

پاگاوها هرچند به لحاظ ساختاری در کلیت خود گواه از یک واحد تولید گروهی می‌دادند، اما با توجه به شرح وظایف آنها و به‌ویژه نقش عوامل پنجگانه تولید در چارچوب نظام زورمداری و قدرت به ۲ دسته تقسیم می‌شدند. یکی «پاگاو تحویل» یا «بی‌غم» و دیگر «پاگاو غمی» یا «جمععی». برای درک ساختار و کارکرد و تفاوتهای بین ۲ شیوه تولیدی باید به نقش هریک از عوامل تولید- زمین و آب- به‌منزله عوامل «غیرمتحرک یا غیرمنقول» و نیز نیروی کار و بذر به‌منزله عوامل «متحرک یا منقول» به تفکیک پردازیم.

زمین

تمام سیستان تا اواخر دوران قاجار در تیول خانواده اعلم بود که در سالهای اول انقلاب مشروطه به خالصه یا اراضی دولتی تغییر مالکیت داد. در نیمه دوم دهه ۱۳۱۰ش اراضی خالصه نیز به تدریج به فروش گذاشته شد. بالاخره در جریان اصلاحات ارضی سالهای ۱۳۴۰ش تماماً به مالکین یا رعایای صاحب نسق فروخته و یا واگذار شد. در طی این

محیط طبیعی یاد شده بر ساختار جامعه انسانی اثرگذاری مستقیم داشت که این امر زمینه‌ساز تفکر محیط‌گرایی طبیعی (یا جبر جغرافیایی) السورث هانتینگتن (۱۹۰۵م) ملهم از شرایط محیطی سیستان شد. شاید یکی از دلایل به وجود نیامدن مالکیت خصوصی بر عامل تولید آب (به‌ویژه آبهای روان) از منظر شریعت اسلام نیز باشد. با به تملک درآمدن سیستان از سوی حکومت، آب نیز جزئی از زمین بشمار می‌رفت و در هنگام تقسیم محصول سهمی جداگانه به آن تعلق نمی‌گرفت. ادغام ۲ عامل تولیدی زمین و آب پیش از آن نیز در سیستان مرسوم بود. زیرا اولاً، زمین بدون آب ارزشی نداشت، ثانیاً برای به‌دست آوردن آب یا «حق‌آبه» می‌بایست تمام گروه‌های تولیدی ذی‌نفع در کارهای همگانی به‌ویژه «حشر» مشارکت می‌کردند.

سیستان به‌لحاظ شبکه اصلی آب به ۵ ناحیه تقسیم می‌شد که محدوده آنها نیز تقریباً با حوزه نفوذ سردارها و طوایف هماهنگ بود. به‌علت جریان‌گند و پائین بودن سطح آب رود و نهرها در دلتای هیرمند نسبت به زمینهای کشاورزی و گاه وقوع سیل، ساکنان مجبور بودند در پائین سدها و بندهای کوچک و بزرگ از شاخه درختان و نزارهای هامونها بنا کنند و هرچند سال به لایروبی و تعمیر نهرها پردازند. با قدرت گرفتن حکومت مرکزی، دستور انجام چنین کار جمعی و کلان «حشر» از سوی حاکم سیستان صادر می‌شد، هرچند تمام وظایف به‌ویژه سازماندهی آن برعهده نهادهای مردمی و خودجوش متکی بر دانش بومی (← دانش بومی) بود و کار را اعضاء پاگاوهای غمی انجام می‌دادند. از آنجا که چنین سازمانی نیز پیش از به تیول درآمدن سیستان نیز وجود داشت، لذا به سختی می‌توان از «ضرورت وجودی دولت به‌عنوان سازمان‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی» صحبت به میان آورد. البته برقراری امنیت زمینه‌های توسعه را فراهم می‌کرد. برای مثال، تسلط و نفوذ دولت مرکزی بر سیستان، مانع برخورد و جنگهای مداوم بین سردارها شد. برای هریک از نواحی پنجگانه شخصی با نام «میراب» برای مدیریت و نظارت بر انجام امور مربوطه از سوی حاکم تعیین می‌شد که از اқشار بالای جامعه و اکثر سردارها بودند. در این انتخاب هرچند

به‌گونه‌ای که هر قطعه از این مزارع کوچک بین ۲۰۰-۴۰۰ مترمربع وسعت داشت. در تقسیم‌بندی این‌گونه زمینها کوشش می‌شد به هر پاگاو یک قطعه واگذار شود. بدین ترتیب اولین مرحله برپایی جامعه زراعی برای آن سال شکل می‌گرفت. سالار اعضای گروه خود را بعد از دریافت زمین و گاه پس از آن و براساس مناسبات خویشاوندی‌اش و یا کارایی زارعین و نیز پول «سرنسقی» دریافتی از آنها انتخاب می‌نمود.

در برخی از روستاها، کدخدا یک قطعه زمین حدود ۲/۵-۳ هکتار را به خود اختصاص می‌داد که نیروی کار آن را اعضاء پاگاوها بدون هرگونه سهم یا دستمزدی باید تأمین می‌کردند. به این نوع بهره‌برداری نیز «حشرگو» می‌گفتند که بدون سازمانی خاص کشت، داشت و برداشت می‌شد و معمولاً تریاک کدخدا از این طریق حاصل می‌شد.

آب

چون میانگین بارش سالانه در سیستان حدود ۶۰ و میزان تبخیر ۴۰۰۰ میلی‌متر است، لذا امکان کشت دیم به هیچ‌وجه میسر نیست. از سوی دیگر، نظر به تشکیلات زمین‌شناسی منطقه که بیشتر از نوع رسوبات رودخانه‌ای با ضخامت بسیار و نفوذپذیری اندک آب است، بنابراین تمام حیات انسانی و فعالیت‌های اقتصادی این منطقه وابسته به تنها منبع آب آن، یعنی رودخانه هیرمند (هلمند) است، که میزان آب آن نیز هر ساله با تغییرات شدید روبرو است. برای بهره‌گیری بیشتر از هیرمند و حل این مشکل می‌بایست سازمانی منظم و پیشرفته از شبکه آبرسانی، تقسیم آب، مدار گردش آب، شیوه و فنون آبیاری و نیز احداث بند (سد)های ذخیره‌ای و بیشتر انحرافی در راستای تقسیم آب (حق‌آبه) به‌وجود می‌آمد. چنین امری به‌موازات کاریز از مهم‌ترین دستاوردهای تمدن بشری در قلمرو فرهنگی ایران زمین بشمار می‌رود. از آنجا که احداث چنین تأسیسات و انجام کارها خارج از توانایی جمع یک روستا بود، لذا همکاری وسیع و گسترده تمام افراد ذی‌نفع در چارچوب سازماندهی قوی در مقیاس خرد و کلان را طلب می‌کرد که به آن «حشر» گفته می‌شد. بدین ترتیب ویژگیهای اساسی

هرچه به انتهای نهرها نزدیکتر می‌شدند، از تعداد افراد و نیز تا حدودی حجم کار کاسته می‌شد. در سطح روستا، کدخدا اولویت اول را به «حشرگو»، دوم به پاگاوهای تحویل، سوم پاگاوهای غمی و در آخر به کلگیرکارها می‌داد.

بذر

در پاگاو تحویل، بذر از سوی کدخدا یا «مستاجر» تأمین می‌شد. اما در پاگاو غمی هر عضو موظف به تهیه بذر خود بود. زارعین که از خود بذر داشتند به نام «کشتگر» و آنهایی که بذر را از دیگری دریافت می‌کردند «برزگر» یا «بزرگر» و فردی که بذر را در اختیار برزگر قرار می‌داد «پادار» خوانده می‌شد. بدین ترتیب «پادار» صرفاً نمودی از یک نقش بود و فعالیت یا عضویت وی در پاگاو ضرورتی نداشت. اما چنانچه عضوی از پاگاو بود، می‌بایست مانند دیگر اعضا در آن کار کند. فقط در صورت رضایت برزگر از کار در «حشر» رهایی می‌یافت، در این صورت پرداخت «پول کفش» را نیز برعهده می‌گرفت. پول کفش یا «کوشکی» مبلغی بود که میزان آن بستگی به فاصله روستا از محل بند و حجم کار در «حشر» داشت. علاوه بر آن پادار می‌بایست آهن برای انجام کارهای زراعی و تهیه ابزار کشاورزی (گاواهن، تیشه، داس، ...) و نیز کیسه (ساروق) برای حمل محصول به خرمنگاه، در اختیار «برزگر» یا «سالار» قرار می‌داد. بی‌شک پادار از محصول به خاطر گذاشتن بذر و دیگر امکانات یادشده، سهم دریافت می‌نمود.

نیروی کار

نیروی کار به ۲ دسته «انسانی» و «حیوانی» تقسیم می‌شد.

- **کار انسان**، نیروی کار انسانی در پاگاوها را اعضای آن تأمین می‌کردند. تعداد زارعین هر پاگاو عمدتاً ۶ تن بود. اما در پیوند با وسعت زمین توزیع شده بین آنها و به‌ویژه میزان و زمان آب در دسترس گاه به ۸ تن می‌رسید. در این حالت پسوند «جفت گاو» را دارا می‌شد. پاگاوهای جفت گاو به‌گونه محدود فقط در محله‌های شیب آب و پشت آب وجود داشت. به‌طوری‌که از کل ۲۱۷۵/۵ پاگاو در ۱۹۰۴م

در گام نخست به کاردانی، نفوذ و شخصیت آنها توجه می‌شد، اما با مبلغ «شیرینی» پرداختی از طرف میراب به حاکم هم بی‌ارتباط نبود. میرابها علاوه بر مسئولیت «میرابی» عموماً در هریک از نواحی مدیریتی خود، عهده‌دار نقش کدخدا (مستاجر) هم بودند. آنها از بابت مسئولیت خود به‌عنوان «میراب» سهم یا حقوقی از دولت یا حاکم دریافت نمی‌کردند، اما به‌رحال چنین عنوانی برای آنها نوعی کسب شخصیت همراه با اعمال نفوذ بود.

میرابها که وظیفه حفظ و نگهداری نهرها را عهده‌دار بودند، گاهی نیز احداث نهری جدید را سازماندهی می‌کردند، هرچند انجام این مهم به دستور حاکم صورت می‌گرفت. فرد آگاه به ساخت سد را «بندباف» می‌گفتند. جایگاه اجتماعی بندبافها آنقدر رفیع بود که افتخار خوردن غذا را با سردار پردازل خان داشتند. بندباف برای انجام کار خود، گذشته از دریافت هدیه از میراب، به‌ازاء هر پاگاو که آبش از آن رود یا بند تأمین می‌شد سالانه ۲/۵ من غلات سهم می‌بردند. حاکم سیستان نیز سالانه از مالیاتهای جمع‌آوری شده حدود ۲ تن غلات به وی می‌داد.

هر روستا برای خود آبیاری داشت که «پاکار» نامیده می‌شد. پاکار (← پاکار) از سوی کدخدا برگزیده می‌شد. پاگاوهای غمی موظف بودند در کارهای همگانی (حشر) مشارکت نمایند. بدین منظور هر پاگاو غمی ۲ تن از اعضاء خود را در اختیار پاکار می‌گذاشت که پس از یک هفته جای خود را به ۲ تن دیگر از اعضای همان پاگاو می‌دادند. کسی که امکان کار برایش نبود، می‌بایست فرد دیگری را جایگزین بفرستد یا مبلغی به‌عنوان خسارت از طریق پاکار به میراب پرداخت کند. این گروههای کلان کاری (حشر) در طی انجام امور مربوطه، بایستی شخصاً نیازهای فرد را تأمین می‌کردند. برای نظارت بر انجام کار کلان به‌ازاء هر ۱۰۰ مرد یک مراقب گمارده می‌شد. گروههای کاری (حشرها) که هرچند سال یکبار و بنا به‌ضرورت تشکیل می‌شدند، صرفاً در امور همگانی (ساخت بند، لایروبی رود و یا نهرهای بزرگ) مشارکت داشتند. در برابر نهری که چند روستا را آبیاری می‌کرد، فقط اعضای پاگاو همان روستاها آن را لایروبی و مرمت می‌کردند. بدین ترتیب،

یک‌دوم بذرافشان از محصول بهاره (گندم و جو) بود. اما از محصول هندوانه یک‌هشتم و دیگر کشتهای تابستان یک‌دهم از تولید خالص بود.

به‌جز مواردی که گاودار در روستا زندگی می‌کرد، گاودار به سالار سپرده و در (طویل) منزل او نگهداری می‌شد. اما مراقبت از آنها برعهده برزگرها و کشتگرها بود. در صورت مفقود شدن گاوها، وظیفه سالار بود که آنها را پیدا کند و اگر گاوها می‌مردند، جبران برعهده گاودار بود. تأمین علوفه گاوها براساس توافق طرفین انجام می‌گرفت، که معمولاً بین پادار (کشتگر) و مالکین گاوها سرشکن می‌شد.

جدا از گروههای تولیدی یادشده، کسان دیگری نیز در روستا بودند که فعالیتهای آنها به‌گونه‌ای بر جریان تولید اثر می‌گذاشت. برای مثال آهنگر، نجار، دروگر، ... و حاملان کارکردهای غیرتولیدی چون سبزه‌بان، دشتبان (← دشتبان)، ملا، دلاک و جز اینها که نقشی در جریان تولید نداشتند، همه به‌گونه‌ای از محصول سهمی دریافت می‌کردند.

شرح وظایف صاحبان عوامل تولید و حاملان کارکردهای اقتصادی و اجتماعی در روستا و پاگاو

• **کدخدا.** پرداخت «شیرینی» به سردار یا حاکم سیستان برای دریافت زمین؛ تعیین یا انتصاب سالارها؛ تعیین یا انتصاب پاکار؛ تعیین یا انتصاب مشکر و سبزه‌بان؛ تعیین تعداد پاگاوهای تحویل و غمی؛ توزیع زمین بین سالارها، کلگیرها و حشرگوها؛ مدیریت بر کارهای عمومی در سطح خرد (روستا) و کلان (حشر) و آبیاری؛ نظارت بر تقسیم محصول به‌ویژه جمع‌آوری سهم حکومت؛ همکاری با تحویلدار و مشرف؛ رفع مشکلات و اختلافات در روستا؛ همکاری با میراب؛ و اجرای دستورات حاکم و حمایت از حکومت مرکزی به‌نگام بروز معضلات به‌ویژه تأمین نیروی لازم در برخوردیهای نظامی.

• **پاکار.** نظارت بر امر آبیاری در روستا به‌ویژه مدار گردش آب، نوبت‌بندی و حق آبه‌ها؛ تأمین نیروی انسانی لازم برای امور مربوط به آب و آبیاری؛ مدیریت و سازماندهی

صرفاً ۷۸/۵٪ (۳/۶٪) پاگاو را «جفت گاو» تشکیل می‌داد. در همین سال ۱۵،۹۳۷ خانوار (برابر با ۸۳،۵۲۷ تن یا ۶۱/۴٪) از جمعیت سیستان در کار زراعت بودند و چنانچه مزدوران (بیشتر دروگرها) را هم به‌حساب آوریم این رقم به ۱۰۶،۴۶۲ تن (۷۸/۳٪) می‌رسید. با توجه به‌نسبت کلگیرها (۳۲/۱٪) و پاگاوها (۶۷/۹٪) به کل واحدهای تولیدی، و حضور حداقل یکی از اعضای (سرپرست) خانوارها در یک پاگاو، تعداد کل اعضاء پاگاو را می‌توان برابر ۱۰،۸۲۱ تن برآورد کرد. سرپرستی پاگاو را یکی از اعضا با نام «سالار» برعهده داشت که هرساله کدخدا آن را انتخاب می‌کرد که بیشتر نقش مدیر را عهده‌دار بود و در انجام کارهای کاشت، داشت، برداشت و موارد دیگر و نیز در «حشر» مشارکت نداشت. اما وی بر مدار گردش آب، ساماندهی انجام امور و وظایف اعضا و تقسیم محصول و نظایر آن نظارت دقیق می‌کرد. ضمناً می‌بایست چوب برای ابزار و وسایل تولید پاگاو را خود تهیه نماید و پخت غذا هم برعهده او بود. سالار به‌نگام تقسیم محصول به‌اندازه دیگر اعضا سهم می‌برد. از آنجا که زارعین (کشتگر و برزگرها) در انتخاب پاگاو (یا سالار) خود آزاد بودند یا به بیان دیگر حق انتخاب برعهده سالار بود، لذا معمولاً مناسبات خویشاوندی در تشکیل هر پاگاو مؤثر و پیوند بین اعضا با یکدیگر تنگاتنگ بود. اما چنانچه یک زارع در خواست کار در پاگاو را رد می‌کرد، این خطر برایش وجود داشت که در آن سال زراعی کاری پیدا نکند. پس به نظر می‌رسد که ایجاد یک پاگاو همواره به‌تمایل هریک از اعضای آن بستگی نداشت. بین اعضاء پاگاو نوعی تقسیم کار وجود داشت. برای مثال، گاوران (گوران) هدایت گاوها را عهده‌دار بود، دیگری به‌دنبال شخم‌زن و یا خرمن‌کوب حرکت می‌کرد، فردی بذر را می‌کاشت و دیگران به‌کنند بوته و علفهای هرز از زمین و یا مال‌ه کردن خاک می‌پرداختند.

• **کار حیوان،** از آنجا که معمولاً پاگاوها از خود «گاوکار» نداشتند، لذا آن را از گاوداران نیزارها اجاره می‌کردند. حق اجاره که به آن «گردنی» می‌گفتند پس از برداشت سهم دولت و دیگر افراد سهم‌بر، از کل باقیمانده نزدیک ۳۰٪ یا

کارهای عام‌المنفعه (حشر) در سطح خرد و کلان؛ و همکاری با میراب و بندباف.

• سالار. سازماندهی، نظارت و مدیریت پاگاوها در کلیه امور کاشت، داشت و برداشت؛ تهیه و پرداخت «سرنسقی» به کدخدا (پاگاو غمی)؛ هماهنگی با پاکار به لحاظ مدار گردش آب و نوبت بندیها؛ همکاری با پاکار به لحاظ تأمین نیروی انسانی «حشر» (پاگاو غمی)؛ تهیه چوب برای ابزار و وسایل تولید؛ تدارک گاوکار؛ مراقبت و نگهداری گاوکارها؛ تحویل مالیات گاوکارهایی که در پاگاو کار می‌کنند به کدخدا؛ نظارت بر حمل محصول به خرمنگاه و تقسیم محصول؛ همکاری با مشرف، دشتبان، مشکر و تحویلدار؛ پختن غذا برای اعضاء پاگاو؛ اطلاع‌رسانی به کدخدا در مراحل گوناگون تولید؛ و استخدام دروگرها بهنگام برداشت محصول.

• پادار. تأمین بذر برای برزگر؛ تهیه آهن برای ابزارآلات کشاورزی؛ تهیه کیسه (ساروق) برای حمل محصول به خرمنگاه و تقسیم محصول؛ و پرداخت نقدی به برزگر (پول کفش).

• برزگر و کشتگر. کار در مراحل کشت، داشت و برداشت؛ تأمین علوفه گاوکار؛ مشارکت در کارهای عام‌المنفعه در سطح خرد و کلان (حشر) (پاگاو غمی)؛ تهیه بذر؛ حمل محصول از زمین به خرمنگاه؛ تأمین غذای مشکر؛ و کار در «حشرگو».

کتاب‌شناسی:

- بیل، تیموتی لوی. *عصر فتودالیسم*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۴.
- بلوخ، مارک. *جامعه فتودالی*، ترجمه بهزاد باشی، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسن پور رضوی، سید جلیل. یازو. «نمونه‌ای از نظام سنتی بهره‌برداری جمعی در شمال خراسان»، *مجموعه مقالات سمینار جغرافی. جلد سوم*، مشهد، ص ۴۰۴-۳۷۷، ۱۳۶۴.
- *تاریخ سیستان*. به کوشش محمدتقی بهار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۲.
- خسروی، خسرو. *جامعه دهقانی در ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
- سعیدی، عباس. «آبیاری»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. جلد اول،

چاپ اول، تهران، ص ۸۴-۷۱، ۱۳۶۷.

- سوداگر، محمد. *نظام ارباب- رعیتی در ایران*. مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۹.
- صدر، محمدباقر. *اقتصاد ما، بررسیهایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، ترجمه ع. اسپهبدی، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی، بی تا.
- صفی‌نژاد، جواد. *بنه*. چاپ سوم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۳.
- ضیاء توانا، محمدحسن. «نقش عوامل تولید در شکل‌یابی روشهای تولید گروهی و ساختار قدرت»، *مجموعه مقالات سمینار جغرافی. جلد سوم*، مشهد، ص ۳۴۷-۳۲۶، ۱۳۶۴.
- لمبتون، اک. س. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- مؤمنی، باقر. *مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات پیوند، ۱۳۵۹.
- وارگا، ی. «وجه تولید آسیایی»، ترجمه حسن ایلخانی، *مجله جهان نو*. مرداد و شهریور ۱۳۴۸.
- Bobek, H. "Die Hauptstufen der Gesellschaft: und Wirtschaftsentfaltung in Geographische Sicht", *Erde* 90, 1959.
- Ehlers, E. "Traditionelle und Moderne Formen der Landwirtschaft in Iran", *Marburger Geographische Schriften*. H. 64, 1975.
- English, P.W. *City and Village in Iran: Settlement and Economy in the Kirman Basin*. London: Madison, 1966.
- Fryer, J. *A New Account of East India and Persia. Being Nine Years Travels 1672-1681*. London, 1967.
- Goldsmid, F.J. "Notes on Eastern Persia and Western Baluchistan", *Journal of the Royal Geographical Society*. London, 1867.
- Huntington, E. "The Depression of Sistan in Eastern Persian", *Journal of the American Geographical and Statistical Society*. New York, Vol. 37, 1905.
- Perso-Afghan-Arbitration-Commission (PAAC), Simla, (c), *Revenue Report and Notes of PAAC 1902-1905*. Vol. 1, Persian-Seistan, 1906.
- Plank, U. "Der Teilbau im Iran", *Zeitsch, Fuer Ausl, Landwir.* 1, S. 47-81, 1962.
- Tate, G.P. *Seistan- A Memoir on the History, Topography, Ruins and People of the Country*. Calcutta, Quetta, 1977.
- Zia Tavana, M.H. *Die Agrarlandschaft- Iranisch- Sistan. Aspekte des Strukturwandels im 20. Jhd*. Marburger Geogr: Schri. H. 91, 1983.

محمدحسن ضیاء توانا

پایداری ← توسعه پایدار

امروز این باور رواج یافته است که توانمندی یک اجتماع در ایجاد سرمایه اجتماعی به منظور افزایش قابلیت اقتصادی، از اهمیتی مبنایی برخوردار است. آنچه که معمولاً در بسیاری از سکونتگاهها، به ویژه در محیطهای روستایی، از موانع رشد و توسعه اقتصادی بشمار می آید، فقدان برخی زمینهها برای فعالیت و مبادله مناسب اقتصادی است؛ برخی از این زمینهها عبارتند از:

- محدودیت سرمایه اجتماعی (← سرمایه اجتماعی)؛
- محدودیت مبادله مستقیم و آزاد تولیدات و کالاها؛
- محدودیت زیرساختها و خدمات زیربنایی (اقتصادی)؛
- محدودیت منابع طبیعی؛
- محدودیت اعتبارات برای گسترش فعالیتهای و حداقلهای لازم برای سرمایه گذاری؛ و
- وابستگی به یارانهها و سوبسیدها و وابستگی به حمایتها و کمکهای بیرونی (به ویژه حمایت دولتی).

آشکار است که این امر در شرایط شدیداً نابرابر اجتماعی - اقتصادی تحقق نخواهد پذیرفت. بنابراین، در بسیاری موارد، پیش از شروع به ترغیب مشارکت مردمی و اقدام به عمران و توسعه سکونتگاهی، زمینه سازیهای لازم است که قاعدتاً عبارتند از:

- اقدام اساسی در زمینه اصلاح ساختاری محیطهای سکونتگاهی و ترویج روشهای نو و شیوههای متناسب فعالیت و تولید؛
- دسترسی برابر و عادلانه به خدمات اساسی و منابع محیطی - اقتصادی؛ و
- تأکید بر برنامه حمایتی از افراد و گروههای نابرخوردار و کم برخوردار و زمینه سازی عینی برای سهم پذیری این افراد و گروهها در فرایند تصمیم گیریهای اقتصادی و سیاسی، از طریق اعمال برنامه های مردمسالارانه و عدم تمرکز.
- گسترش قابلیت مشارکتی یک اجتماع شهری یا روستایی، یعنی افزایش آمادگی و توان افراد و گروههای ضعیف تر و نابرخوردار، نه تنها از طریق تمهیدات اقتصادی، بلکه ضمناً از طریق تمهیدات فرهنگی - اجتماعی و نیز از طریق توان اقتصادی و توزیع آن تحقق پذیر است. به منظور گسترش پایدار توان مشارکتی در سطح خرد محلی، اقدامات اساسی زیر در سطح کلان و میانی الزامی است:

پایداری اجتماعی

Social Sustainability

یک نظام اجتماعی مبتنی بر توسعه پایدار، در کنار سایر ابعاد، شامل برابری فضایی، تأمین خدمات و امکانات اجتماعی، برابری جنسیتی و مشارکت و مسئولیت پذیری سیاسی است. هواداران توسعه پایدار بر بعد اجتماعی توسعه، به مثابه جزئی اساسی در نگرش نوین به این پارادایم، تأکید می ورزند. باین وجود، نکته اساسی این است که توسعه سکونتگاهها، اعم از شهری و روستایی، دارای بعدی اساساً اقتصادی، با تأکید بر اقتصاد فضاست. در این ارتباط، لازم است تا اهمیت منظری بس قدیمی تر، یعنی توسعه انسانی، از نو مورد ارزیابی قرار گیرد، زیرا که ریشه های این رویکرد، یعنی توسعه انسانی با تأکید بر مسائلی همچون نیازهای اساسی و برابری، در واقع در تاریخ نظریه پردازی اقتصادی نهفته است، تا جایی که عقیده دارند، توجه به این گونه ابعاد توسعه، با نقطه نظرات نخستین نظریه پردازان اقتصادی آغاز می گردد و در عمل، رویکرد توسعه انسانی با رویکرد انباشت هرچه بیشتر (به حداکثر رساندن) ثروت (مال اندوزی سوداگرانه) که در میان اقتصاددانان مدرن غلبه دارد، در تقابل قرار دارد. به این ترتیب، میان تحلیل اقتصادی مسائل توسعه و اتخاذ سیاستهای متناسب با صورت تقاضاهای توسعه انسانی نباید تباین اساسی وجود داشته باشد. براین مبنا، لازم است تا دلبستگی و پای بندی به توسعه انسانی با اولویت گذاریهای متعارف و راه حل جوئیهای موجود در بدنه جریان علم اقتصاد به مبارزه و رقابت پردازد. بدینسان، بحث اقتصاد سکونتگاهی دارای جنبه بسیار قوی اجتماعی است. به سخن دیگر، توسعه اقتصادی و اجتماعی با ارتباطی تنگاتنگ، به نحوی تعاملی بر یکدیگر اثرگذار هستند و هر یک شرایط و وضعیت دیگری را تعیین می کنند. براین مبنا، فعالیتهای و در مجموع کارکردهای سکونتگاهها بعدی اجتماعی - اقتصادی دارد که آن را تا حد زیادی از مباحث متعارف اقتصادی، به ویژه اقتصاد شهری (← اقتصاد شهری)، مجزا می سازد. به سخن دیگر، نمی توان با نگاه محض اقتصادی و با اتکاء صرف بر قانونمندیهای متعارف سوداگرانه، به مسائل این گونه محیطها پرداخت.

هماهنگیهای جهانی بستگی دارد، تا حد زیادی به پندگیری از خردورزیهای بومی و سازگارهای زیست محیطی وابسته است. از این رو، هرگونه استفاده نابجا از فنون برگرفته از دیگران و یا بهره‌گیری از الگوهای ناسازگار و کاربرد نسنجیده آنها در عرصه‌های بومی می‌تواند پیامدهای ناگوار، از جمله ناپایداری اجتماعی را به همراه داشته باشد. نکته اساسی در این میان این جنبه بنیادی است که نظامهای مدیریت فضا در بستر معین اجتماعی - اقتصادی خویش پدیدار می‌گردند و درعین پیوند با روندهای گذشته، می‌توانند به نحو مثبت در سمت‌دهی به روندهای آتی، به عنوان تجربه جمعی، به کار گرفته شوند. بنابراین، اگر نظامهای مدیریتی برآمده از شرایط آن زمان و ساخت سازمان سستی آنها به هر دلیل با شرایط امروزی هماهنگی ندارند، ضروری است، پیش از بی‌اعتنایی نابخردانه و فروپاشی تاریخی آنها، بدیل‌های متناسب و جایگزین‌های درخور آنها با ساخت و سازمان هماهنگ با زمان، طراحی و به‌نحوی درونزا زمینه‌سازی و جایگزین شوند.

کتاب‌شناسی:

- ADB & Unicef.: *Local Governance Initiative* (Rural Asia), 2004.
- Andand, Sudhir & Amartya K. Sen: *Sustainable Human Development (Concepts and Priorities)*, UN Development Programme, Office of Development Studies, Discussion Paper Series, 1996.
- Harris, J. M. *Basic Principles of Sustainable Development*, Tufts Uni., Medford (USA), 2000.

عباس سعیدی

پایداری روستایی

Rural Sustainability

در متون توسعه، به‌ویژه از دیدگاه نظریه‌های رشد، محور توسعه روستایی به‌طور سستی بخشی از پارادایم نوسازی بوده است که ادبیاتی پردامنه درباره آن وجود دارد.

• ادغام هماهنگ اهداف کاهش فقر در اهداف کلان اقتصادی و مدیریت سیاستهای زمینه‌ساز اقتصادی و مالی. در این ارتباط، تأکید بر آن است که از طریق حمایت هدفمند از شاخه‌های مختلف فعالیت اقتصادی و اقدامات اشتغالزا، همراه با قانونمند کردن بخشهای به اصطلاح غیررسمی و همچنین، رسمیت بخشی به این زمینه‌ها و بهسازی آنها، شرایط جذب افراد و گروههای نابرخوردار و ضعیف به عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی فراهم شود؛

• تمرکز حمایتها و کمکهای عمومی به‌منظور کاهش فاصله و نابرابری اجتماعی - اقتصادی و گسترش دسترسی افراد و گروههای کم برخوردار از امکانات، خدمات، تسهیلات و منابع؛ و

• اعمال مدیریت بحران اجتماعی که بر تحلیل خطرات چندجانبه اقشار آسیب‌پذیر متکی باشد و با پیشنهاد راهبردهایی برای پیش‌بینی، مقابله و کاهش خطرات، قادر باشد برای تقویت و گسترش نظامهای خودیاری عمومی (جمعی) و خصوصی، امکانات محلی و منطقه‌ای و نیز منابع دولتی و خصوصی را به سمت رفع نیازهای افراد و گروههای آسیب‌پذیرتر سوق دهد.

نتیجه منطقی مشارکت پایدار و همراهی جدی در همه جنبه‌های زندگی و فعالیت در سکونتگاههای انسانی را می‌توان به‌مثابه فوران اندیشه‌ها برای بهسازی فضای زیستی و پایداری اجتماعی بشمار آورد. بر همین مبنا، الزامات بنیادی برنامه‌ریزی برای پایداری اجتماعی در آینده قاعده‌تاً بر حول ۳ جنبه اساسی دور خواهد زد:

• همفکری؛

• برنامه‌ریزی مشارکتی (یا گفتمانی) و

• اقدام جمعی.

بدین ترتیب، پر کردن چاله خودگردانی محلی در محیطهای شهری و روستایی، هم برای دولتها و هم برای ساکنان، نوعی مبارزه‌طلبی بشمار می‌رود که درعین حال، فرصتی است همراه با دستاوردهای بالقوه بسیار وسیع در رشد پایدار اقتصادی، ثبات اجتماعی و توسعه انسانی.

علاوه‌براین، راز توسعه و پایداری اجتماعی مکانها و نواحی، در عین اینکه به توان پوشش و کوشش در ایجاد

اصطلاح توسعه نیز خود به‌طور ضمنی بر این موضوع دلالت دارد. افزون بر این نسبیّت، مفهوم پیچیده توسعه پایدار دارای تفاسیر بسیاری است.

بر همین اساس، ۳ اصل پایداری عبارتند از:

• **پایداری زیست محیطی.** توسعه با حفظ فرایندهای محیطی، زیستی و منابع ذی‌ربط سازگار است؛

• **پایداری فرهنگی و اجتماعی.** توسعه موجب افزایش کنترل انسان بر زندگی خود می‌شود و توسعه با عوامل فرهنگی و ارزشی که در این راه تحت تأثیر قرار می‌گیرند، منافات ندارد و موجب تقویت هویت اجتماعی جامعه می‌گردد؛

• **پایداری اقتصادی.** توسعه از نظر اقتصادی و با بازده بالا به‌گونه‌ای انجام می‌شود که نظارت و کنترل لازم بر منابع اعمال شده و می‌توان آن را برای نسلهای آینده حفظ کرد.

به سخن دیگر، درباره توسعه پایدار می‌توان گفت که پایداری یعنی استمرار حرکت، نه تنها در بعد بوم‌شناختی آن، بلکه استمرار حرکت رو به جلو، به‌نحوی که خود مردم حرکت را انجام دهند. در این چارچوب، ابعاد توسعه پایدار را نیز می‌توان در ۳ بعد اصلی مطرح کرد:

• از منظر دیدگاه یا موضوع؛

• از منظر فضا؛ و

• از منظر زمان.

به‌لحاظ رهیافت نیز هرچند توسعه پایدار را باید یک رهیافت پائین به بالا قلمداد کرد، برخی با توجه به طرح شاخصها در مقیاس بین‌المللی، آن را نوعی رهیافت بالا به پائین دانسته‌اند.

با چنین برداشتی از توسعه پایدار، فرایند پایداری روستایی بایستی دربرگیرنده کلیه قلمروهای تغییر و در راستای حرکت نظام اقتصادی و اجتماعی از درک وضعیت زندگی نامناسب، به‌سوی شرایط زندگی مادی و معنوی بهتر باشد. با چنین توصیفی، توسعه و پایداری روستایی هم علت و هم نتیجه تغییر خواهد بود. به سخن دیگر، میان تأثیر توسعه و آثار آن از طریق تغییر ارتباط متقابل وجود دارد. البته، تغییر دربرگیرنده ابعاد کالبدی، فناوری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و وجه نظر سازمانی یا

با این وجود، فقر و عدم امنیت هنوز در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته و نیز بعضی کشورهای با منابع غنی و به‌رغم ۴-۵ دهه استقلال سیاسی و سیاستها و برنامه‌های توسعه‌ای، ادامه دارد و بدتر اینکه هنوز بخش عمده‌ای از جمعیت‌های روستایی در مسیر توسعه، همچنان در حاشیه قرار دارند. بدینسان، در روند مباحث توسعه روستایی ثابت شده که این پارادایم، خشک، مکانیکی و غیرقابل انعطاف بوده و در بسیاری از کشورها، نه تنها به رفع فقر که به محافظت از منابع طبیعی و اجتماعی با ارزش نیز کمکی نکرده است، بلکه در نهایت، موجب انحطاط و تخریب محیطی بسیار سریعی در سطح جهان شده است. بنابراین، روی‌آوری به این پارادایم اغلب به عدم پایداری نهادی و محیطی منجر شده است.

درواقع، توجه جهانی از زمان کمیسیون برونتلند که آغازگر بحث درباره توسعه پایدار بود، به مبحث پایداری معطوف شد. در تعریفی که این کمیسیون از توسعه پایدار مبنی بر پاسخگویی به نیازهای نسل کنونی، بدون به مخاطره افتادن توان نسلهای آینده برای تأمین نیازهای خود، به‌دست می‌دهد، پایداری اقتصادی به معنی گذران زندگی و امرار معاش از درآمد و جلوگیری از زوال سرمایه (اعم از سرمایه اقتصادی، بوم‌شناختی و اجتماعی) است.

درعین حال، «توسعه پایدار را می‌توان یک فرایند در نظر گرفت» یا از آن به‌عنوان مشروعیت جدید یاد کرد. توسعه پایدار، درواقع، به‌عنوان رهیافتی چندبعدی و در واکنش به رهیافتهای تک‌بعدی و ناکارآمد پیشین طرح شده و پارادایم غالب توسعه و به تبع آن، توسعه روستایی است.

به‌رغم انجام مباحث بسیار و برگزاری چندین اجلاس جهانی، از جمله اجلاس استکهلم (۱۹۷۲م)، برونتلند (۱۹۸۷م)، ریودوژانیرو (۱۹۹۲م)، ژوهانسبورگ (۲۰۰۲م) و چندین کنفرانس و نشست ملی و بین‌المللی دیگر، هنوز برخی ابهامها در مورد مفهوم توسعه پایدار وجود دارد. شاید یکی از دلایل این امر، آن است که توسعه پایدار بسته به شرایط زمانی، مکانی، در جوامع مختلف متفاوت است. این تفاوت تا به‌حدی است که گفته می‌شود ماهیت توسعه پایدار ۱۰۰٪ نسبی و وابسته به زمان است، همان‌طور که

تغییرات سیاسی است. این درحالی است که بیانیه توسعه می‌تواند تأثیر روی برخی تغییرات در برخی مکانها و برخی زمانها داشته باشد؛ هرچند همه تغییرات منجر به توسعه و پایداری نمی‌شوند. یک تغییر امکان دارد برای بهتر شدن (توسعه) و یا برای بدتر شدن (پس‌رفت) باشد. ولی آنچه در پایداری روستایی مد نظر است، بهتر شدن یا پیشرفت است. بنابراین، در توسعه روستایی، تغییر، ابزاری برای ارتقاء و پیشرفت توسعه روستایی است. امکان دارد تغییر به‌طور طبیعی یا خودکار یا القایی باشد. با توجه به اینکه ظرفیت‌سازی یکی از اهداف توسعه روستایی است، بنابراین رویکرد توسعه پایدار روستایی تغییر طبیعی و خودکار توسط مردم است. براین اساس، تعریف پایداری روستایی نیز با عنایت به موارد فوق به‌صورت زیر قابل طرح است: فرایندی همه‌جانبه، موزون و درونزا که در چارچوب آن تواناییهای اجتماعات روستایی برای رفع نیازهای اساسی مادی و معنوی و کنترل مؤثر بر نیروهای شکل‌دهنده نظام سکونت محلی (محیطی، اجتماعی، اقتصادی، نهادی و سرزمینی) رشد و تعالی می‌یابد. براین اساس، می‌توان هدف را برای پایداری روستایی در نظر گرفت:

• برآوردن نیازهای اقتصادی مردمی که در نواحی روستایی مشغول کار و زندگی هستند، از طریق ارتقاء کارایی و رقابتی کردن کارهای تجاری روستایی و تشویق تنوع اقتصادی بیشتر، به‌منظور فراهم کردن فرصت‌های گوناگون شغلی (به‌خصوص در نواحی که هنوز به‌طور عمده متکی به کشاورزی هستند)؛

• نگهداری یا ارتقای ویژگیهای نواحی روستایی و محافظت منابع طبیعی آنها، شامل حفاظت و نگهداری تمایزات و گوناگونی چشم‌اندازها، زیبایی، تنوع حیات وحش، کیفیت روستاها و روستا- شهرها، مزایای تاریخی و باستان‌شناختی و بهترین زمینهای کشاورزی؛

• بهبود قابلیت زیست روستاهای موجود و شهرکهای تجاری کوچک، کاهش نیاز به مسافرت‌های فزاینده با خودرو به مراکز شهری، معکوس کردن کاهش و نقصان عمومی در خدمات روستایی، توأم با ارتقای زندگی جوامع روستایی که ترکیب معقولانه‌ای از سن، درآمد، بازار مسکن،

تسهیلات اجتماعی و دیگر فرصتها را ارائه می‌دهند؛ و
• تشخیص ارتباط و وابستگیهای متقابل سیاستهای شهری و روستایی.

براین مبنای، مالکوم جی موسلی ویژگیهای زیر را برای توسعه پایدار روستایی ارائه کرده است:

• ایده گسترده‌ای که حاوی تمام پیامدهای مهم مربوط به نشاط و بالندگی جمعی مردم و مکانهای روستایی است؛ شامل تحصیل، بهداشت، خانه‌سازی، خدمات عمومی و امکانات، ظرفیتهایی برای رهبران و مسئولان دولتی، میراث فرهنگی و نیز پیامدهای اقتصادی عمومی و بخشی؛
• فرایندی چندبُعدی که در جستجوی یکپارچگی اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی به روش پایدار است؛ و

• فرایندی پایدار و مداوم از تغییر اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی که برای افزایش رفاه طولانی‌مدت کل اجتماع طراحی شده است.

تعریف دیگر شامل ۱۲ شاخصه است که برای فهم توسعه پایدار روستایی و ارتقای آن، نقش اساسی و بنیادی برعهده دارند:

• *مد/وم* و نه کوتاه‌مدت؛

• *پایدار*. سرمایه به ارث رسیده به نسل حاضر را مورد توجه قرار می‌دهد؛

• *فرایند*. مجموعه‌ای از فعالیتهای مداوم و دارای وابستگی متقابل؛

• *اقتصادی*، در ارتباط با تولید، توزیع و مبادله کالا و خدمات؛

• *اجتماعی*، در رابطه با ارتباطات انسانی؛

• *فرهنگی*، در ارتباط با شیوه‌های زندگی و منابع هویت؛

• *محیطی*، در ارتباط با محیط طبیعی و زنده پیرامونی؛

• از پیش اندیشیده شده، به‌طور آگاهانه استنتاج و استنباط شده و به‌صورت طبیعی تکامل نمی‌یابد؛

• *طولانی‌مدت*، در ارتباط با دهه‌ها و نه سالها؛

• *رفاه*. نه فقط کامیابی و موفقیت مادی، بلکه کامیابی و موفقیت‌های معنوی؛

• *عام بودن*. دربرگیرنده همه گروه‌های سنی و جنسی و

اهداف پایداری روستایی

با توجه به مفهوم توسعه روستایی اهداف آن نیز چند بعدی است. با نگاهی به ادبیات موضوع، ملاحظه می‌شود که در بسیاری از هدفهای توسعه روستایی اتفاق نظر وجود دارد.

برخی از این اهداف عبارتند از:

• کاهش فقر و رفع سوء تغذیه؛

• تأمین حداقل خدمات عمومی؛

• توسعه فرصتهای شغلی؛

• بهبود بهره‌وری و افزایش درآمد؛

• افزایش تولیدات کشاورزی و مواد غذایی؛

• تأمین امنیت غذایی؛

• انتقال منافع عمومی به مناطق روستایی؛

• عدم تبعیض مکانی؛

• حفظ توان محیط طبیعی و زیستی؛

• توسعه مشارکت؛ و

• تقویت اعتماد به نفس روستائیان.

بر همین مبنا، اهداف اولیه پایداری در نواحی روستایی عبارتند از: غلبه بر فقر و حفاظت اکوسیستم، همراه با حق انتخابهای انسانی. برای عملی کردن و اندازه‌گیری پیشرفت به سوی پایداری، معرفهای زیر مناسب هستند:

• حفظ موجودی دائمی و سرمایه‌های طبیعی، همچون خاک سطحی (قشر رویه خاک)، آب پاکیزه و سالم، هوای پاک، محل‌های ماهیگیری و جنگل‌ها و مراتع پر بار و حاصلخیز و به سخن دیگر، حفاظت و نگهداشت نیروی بالقوه منابع طبیعی تجدید شونده؛

• حفظ ظرفیت محیطی برای دفع زباله، فاضلاب و پسماندها؛

• بهبود بخشی به کیفیت زندگی، از طریق دسترسی به ابزار و عوامل تولید، همچون زمین، اعتبار، فن‌آوری، تحقق سازمانهای سیاسی، اجتماعی و خدمات اجتماعی و دسترسی آسان به نیازهای اساسی، مانند تغذیه، سرپناه، پوشاک و بهداشت؛ و

• توسعه اقتصادی که مسائل مربوط به افراط و تفریط در مصرف را در دستور کار قرار دهد.

در گردهمایی کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست

تمام گروههای اجتماعی؛ و

• اجتماعی، به معنی مردمی است که در یک ناحیه کار و یا زندگی می‌کنند.

بدین ترتیب، توسعه پایدار فرایندی است به سوی پایداری و البته نمی‌توان با یک گام به آن رسید. بنابراین، لازم است به گامهای بینابینی دستیابی به پایداری توجه داشت. این گامها مسائلی مانند توانمند کردن مردم محلی، استفاده از محصولات در یک چرخه تداومی و تنوع بخشی به اقتصاد را شامل می‌شود.

توسعه محلی و پایداری روستایی باید بر پایه دیدگاهی باشد که بیشتر در ارتباط با رفاه طولانی مدت انسان باشد، تا در ارتباط با تولید کالا و خدمات و یا امکان ایجاد تعدادی مشاغل ساده. این موضوع به طور تلویحی به معنای درونی سازی فرهنگی است و فرایند تصمیم سازی آن به محافظت و در صورت امکان، افزایش ۴ نوع سرمایه (محیطی، انسانی، اجتماعی و تولیدی) نیاز دارد.

به طور کلی، نواحی روستایی به واسطه تراکم کمتر جمعیتی و غالب بودن فرایندهای محیطی شناخته می‌شوند. محیطهای روستایی وابستگی بسیار بیشتری به چرخه‌های بیوشیمیایی موجودات زنده دارند. بنابراین، این گونه محیطها با بهره‌وری زیستی (در اشکال کشاورزی، جنگلداری، حیات وحش و ماهیگیری)، بهره‌برداری و تخلیه ذخایر آبی، قابلیت دسترسی به ذخایر انرژی معدنی و غیر قابل تجدید شونده مشخص می‌شوند.

همچنین نواحی روستایی با سکونتگاههای کوچک و متوسط شناخته می‌شوند و این موضوع، به طور فزاینده‌ای با میزان برخورداری آنها از صنایع خدماتی و تولیدی در ارتباط است. این نواحی همچنین صاحب بخشی از ارزشمندترین ذخایر و میراث فرهنگی، نظیر ساختمانها و نقاط منحصربه‌فرد هستند. بنابراین، پایداری روستایی چند وجهی و شامل ابعاد زیر است:

• اشتغال و عملکردهای اقتصادی پایدار؛

• اجتماعات پایدار؛

• تفریحات و گردشگری پایدار؛ و

• سرمایه‌های طبیعی پایدار و مانند آن.

مدیریت پایداری روستایی

با توجه با اینکه توانمند کردن مردم، به ویژه گروههای فقیر روستایی، عمده ترین هدف در طرحهای توسعه روستایی است، این سؤال مطرح می شود که چگونه می توان میان توانمندی که کشف و بهره برداری از منابع طبیعی یکی از ملزومات آن است و اهداف پایداری در بعد زیست محیطی

و توسعه، ۳ هدف برای توسعه و پایداری کشاورزی تعیین شده است:

- تأمین امنیت غذایی؛
- ایجاد اشتغال و درآمد در مناطق روستایی؛ و
- ریشه کن کردن فقر، حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست.



و حفاظت از منابع طبیعی پیوند برقرار کرد؟ به طور کلی، اگر چه توصیف هدفهای پایداری نسبتاً آسان است، اما بهنگام تلاش برای ارائه تعریفی از مفهوم پایداری، کار بسیار مشکل می شود. در مورد اینکه روندهای توسعه بایستی پایدار باشند، اتفاق نظر وجود دارد، ولی در تفسیر شرایط و فرضیهایی که از رهگذر آنها می توان پایداری را تحقق بخشید، اختلاف نظر زیادی مطرح است. تلاش بسیاری برای تعریف پایداری به طور تجربیدی

بدین ترتیب، با مقایسه ابعاد مورد تأکید در ۳ زمینه توسعه روستایی، توسعه کشاورزی و توسعه پایدار، می توان هدف ۴ را به عنوان اهداف خاص توسعه پایدار برشمرد:

- کاهش فقر؛
- امنیت غذایی؛
- حفظ محیط زیست؛ و
- مشارکت.

پایدار همچنین به معنای بهره‌گیری از معیارهای روستایی برای انتخاب راهبردهای توسعه اقتصادی است.

تدوین یک راهبرد توسعه اقتصادی دارای پتانسیل حفاظت از منابع، افزایش بهره‌وری محلی و توزیع عادلانه منافع حاصله، هم یک هنر و هم یک علم است. علم است، به دلیل اینکه طراحی فهرست‌برداری و یک راهبرد مناسب، عناصر اصلی را تشکیل می‌دهند. هنر است، به این علت که به‌گونه‌ای خلاق عناصر توسعه پایدار اقتصادی را در طراحی ترکیب کرده و در هم می‌آمیزد. این عناصر عبارتند از:

• **تأکید بر توسعه انسانی.** توسعه مهارت‌ها و انسانی، موجبات پیشرفت یک اقتصاد رقابتی را از طریق تولید محصولات، ایجاد خدمات و فناوری تولیدی نوین فراهم می‌کند؛

• **گسترش نظارت و کنترل محلی بر منابع.** اجتماع انسانی متکی به استفاده پایدار از منابع طبیعی، زمین و آب است؛

• **افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری داخلی.** به‌منظور انجام تعهدات نسبت به ایجاد جهش و گسترش در امور تجاری، ساکنان نیازمند سرمایه هستند؛ و

• **تغییر و تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی برای افزایش فرصت و کاهش وابستگی.** یک اقتصاد نمی‌تواند با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی که فقر و بیکاری را استمرار می‌بخشند، توسعه پیدا کند. این عناصر چهارگانه نه تنها عناصر کلیدی در یک راهبرد توسعه هستند، بلکه وسیله ارزیابی نیز به حساب می‌آیند؛ و

• **شیوه‌ای برای اندازه‌گیری یک راهبرد پیشنهادی یا برای سنجش حرکت یک اقتصاد به سوی پایداری.**

پروژه‌های توسعه روستایی اساساً همان‌گونه که در تقابل با پروژه‌های سخت‌افزاری (مثل ساخت جاده‌ها، پلها یا دیگر زیرساخت‌های کالبدی) قرار می‌گیرد، با پروژه‌های انسان محور نیز ارتباط پیدا می‌کنند. چنین پروژه‌هایی دربرگیرنده موقعیتهایی است که فرایندهای برنامه‌ریزی با کنترل محدود بر روی محیط‌زیست، کمتر شناخته می‌شوند. این امر، برنامه‌ریزی خاص و مهارت‌های اجرایی و مدیریتی ویژه‌ای را طلب می‌کند.

بدینسان، موضوع مهم در برنامه‌ریزی توسعه روستایی،

صورت گرفته و از زمان تعریف کمیسیون برونتلند از توسعه پایدار در ۱۹۸۷م، حداقل بیش از ۷۰ نوع تعریف مطرح شده که هر یک تفاوت‌های ظریفی با دیگری دارند و هر یک بر ارزشها، اولویتها و اهداف خاصی تأکید می‌کنند. فرض ضمنی این است که امکان رسیدن به تعریف واحد و صحیح وجود ندارد و هر محقق تعریف خود را بهترین تعریف می‌انگارد. در واقع، ارائه تعریفهای دقیق و تجربیدی از پایداری امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، ناتوانی در تعریف پایداری به این معنی است که نمی‌توان برای آن یک راه‌حل کلی و عمومی تجویز کرد. آینده ممکن است مطابق دیدگاه و تواناییهای ما پیش آید، مشروط بر اینکه محدودیتهای جهانی را تشخیص دهیم. با این حال، اکثر محققان در تعاریف خود از پایداری و توسعه پایدار، بارها بر ارزشها و اهداف سه‌گانه توسعه پایدار که دربرگیرنده ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی است، تأکید کرده و به صراحت بیان داشته‌اند که مدیریت توسعه پایدار بدون دستیابی به همگرایی بیشتر در این ۳ دیدگاه و تلفیق آنها با یکدیگر به شکست خواهد انجامید.

در هر اجتماعی منابع طبیعی، انسانی و فرهنگی، قالبهای سازنده توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌شوند. مدیریت دقیق این منابع به افزایش تولید کالاها و خدمات، ذخیره‌سازی منابع تجدیدشونده، تقویت فرهنگهای منحصربه‌فرد و گسترش فرصتهای اقتصادی کمک می‌کند؛ ارزش منابع موجود بالا می‌رود و کالاها و خدمات توسعه می‌یابند؛ و با ارتقای ظرفیت خدمات‌رسانی به بازارهای متنوع محلی، منطقه‌ای و صادراتی، گردش پول نیز وسعت پیدا می‌کند.

اجتماعات روستایی از مواهبی برخوردارند که اکثر مردم برای آنها ارزش قائل هستند: محیط تمیزتر، مناظر تماشایی، فرهنگهای قومی و شیوه‌های زیست‌مشخص و اختصاصی، هنرهای عامیانه و فولکلور و در ارتباط با این بحث، ایجاد فرصت برای ساکنان روستا برای بهبود وضع معیشتی خود. بهره‌برداری از تفاوت‌های موجود میان اجتماعات روستایی و شهری به معنای به کارگیری معیارهای روستایی برای رشد، کاربری زمین، منطقه‌بندی تجاری و حفاظت است. اقتصاد

پایداری است. به‌ویژه از آنجا که توسعه روستایی به‌گونه فزاینده‌ای با ظرفیت روبه گسترش جمعیت مورد نظر (گروه هدف) برای تبیین سرنوشت آینده‌شان ارتباط پیدا می‌کند، پایداری فعالیت‌های توسعه روستایی به‌عنوان شاخص مهم و نهایی از موفقیت نمایان می‌شود. در چارچوب پایداری، اهداف برنامه‌ریزی توسعه روستایی در سطح روستا نیازمند توجه و تأکید بر امنیت پایدار معیشتی، برابری و عدالت، بازتولید محیط‌زیست (یا تجدید نسل زیست‌محیطی) و حفاظت و نگهداری از مراتع، جنگل‌ها و جنگل‌کاری است. امنیت معیشتی پایدار به افزایش بهره‌وری از منابع برای تضمین مالکیت آنها یا دسترسی به منابع و دارائیها، به‌منظور رفع نیازهای اساسی اشاره دارد. این امر به شیوه‌های گوناگون قابل حصول است. مالکیت زمین، دام یا اشجار، حقوق مربوط به چرا، اشتغال دائم و فراوری و سایر فعالیت‌های مولد.

عدالت، درجه و میزان سودی را که از توسعه به فقرا می‌رسد، مشخص می‌کند. معیارهای گرایش به سمت کاهش فقر، مانند توزیع مجدد زمین و اصلاح قوانین اجاره‌داری، دسترسی مناسب فقرا به اعتبارات، شبکه آبیاری، فرصت‌های شغلی، آگاهی از فناوری‌های پیشرفته، تسهیلات ترویجی و آموزشی، بهره‌مندی از خدمات اجتماعی، فعالیت‌های بهداشتی و توسعه منابع انسانی و جز آن می‌تواند در ترویج توسعه و پایداری روستایی مسیر طولانی بپیماید. براساس چنین اطلاعاتی در تصمیمات برنامه‌ریزی، محدوده‌های زیر نیازمند توجه هستند:

• مدیریت زمین و آب؛

• مدیریت کشت؛

• مدیریت سوخت و انرژی؛

• مدیریت مرحله بعد از برداشت؛

• مدیریت نظام‌های زراعی؛

• مدیریت انتخاب فناوری؛

• مدیریت نظام‌های سکونت؛ و

• مدیریت مشارکت.

این موارد، موضوعات مربوط به توانها و قابلیت‌های زیست‌محیطی نیازها و اولویتها در اقتصاد روستایی را برای

ورود به برنامه‌ریزی منطقه‌ای پوشش می‌دهند. این رویکرد می‌بایستی حتی الامکان مشارکتی باشد و طرح‌های مرتبط نیز برای چارچوب اقتصادی-اجتماعی روستا، حالت خاص داشته باشند. نظر به پیچیدگی فعالیت‌های توسعه روستایی و نیاز به رویکرد برنامه‌ریزی یکپارچه، برای ارزیابی کارایی مداخلات توسعه روستایی، یک نظارت دقیق و سازوکار ارزیابی مورد نیاز است. برای به‌دست آوردن رضایت‌مندی، لازم است تا دامنه نظارت و ارزیابی فراتر از مدیریت فنی انجام شود و ضرورت دارد که به‌عنوان هسته مرکزی و جزئی کامل از چرخه پروژه در نظر گرفته شود. به‌هرحال، سازمان‌های روستایی در سطوح متفاوت می‌بایست حتی الامکان درگیر کار نظارت و ارزیابی باشند. در درون سازوکار چند لایه نظارت و ارزیابی و در امتداد نقش مکمل سازمان‌های غیردولتی، هدف اساسی شناسایی و اجرای مجموعه‌ای از شاخصها جهت آزمون اجرا و اثر برنامه‌های توسعه روستایی خواهد بود.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. «توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران»، *مجله مسکن و انقلاب*. شماره ۸۷، تابستان ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. «شیوه‌های بومی بهره‌گیری از منابع محدود (مورد: آب باران در جزیره کیش)»، *کاوش‌نامه (مجله علوم انسانی دانشگاه یزد)*. سال ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
- سعیدی، عباس و کفایی، ساره. «نقش مدیریت سنتی در تولید فضای پایدار روستایی (مورد: ناحیه سعدآباد/ بوشهر)»، *مجله علوم زمین*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۳.
- ADB & Unicef. *Local Governance Initiative (Rural Asia)*, 2004.
- Andand, Sudhir & Amartya K. Sen. *Sustainable Human Development (Concepts and Priorities)*. UN Development Programme, Office of Development Studies, Discussion Paper Series, 1996.
- Harris, J.M. *Basic Principles of Sustainable Development*. USA Medford: Tufts University, 2000.

سیدعلی بدری

Urban Sustainability

کاربرد سیاست توسعه پایدار (← توسعه پایدار) در مورد شهر، متضمن بهره‌برداری از منابع و محافظت از فضای شهری به نحوی است که نیازهای نسلهای کنونی و آینده هر ۲ را در نظر گیرد: پایداری از جمله موضوعاتی است که به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰م در جهان مورد توجه و بحث قرار گرفته است، پایداری تلاشی است برای دستیابی به بهترین نتایج در برنامه‌های محیط انسانی و طبیعی که برای حال و به‌صورت نامحدود برای آینده صورت می‌پذیرد. به سخن دیگر، منظور از پایداری شهری، توسعه‌ای است که در بلندمدت به بهبود وضع اجتماعی، بهداشتی و زیست محیطی شهرهای کوچک و بزرگ بینجامد و در عرصه‌های بوم‌شناختی، متضمن حفاظت از منابع محیط طبیعی و انسانی در شهرها باشد. آنچه که به پایداری شهری می‌انجامد و اعتدال در شرایط زیست شهرها را فراهم می‌آورد، شامل شیوه کارآمد کاربری زمین، ایجاد بهترین دسترسیها و حمل‌ونقل به تمام نقاط شهر و با حداقل استفاده از وسیله نقلیه موتوری آلودگی‌زا، کاربرد کارآمد منابع، فقدان انواع آلودگیها و ضایعات محیطی، استفاده درست از منابع طبیعی و امکان تجدید چرخه آن، خانه‌سازی مطلوب و ایجاد محله‌های سالم، برقراری نظام بوم‌شناسانه پایا و سالم، اقتصاد شهری پایدار، امکان حضور و فعالیت ساکنان شهرها در مشارکتهای اجتماعی و تصمیمات شهری، نبودن زاغه‌نشینی و مسکن غیربهداشتی و بالاخره حفظ فرهنگ محیطی شهرها براساس استیلای عقل و خرد جمعی است. علاوه بر این، اصطلاحاتی همچون شهر سبز، شهر قابل زیست (← شهر قابل زیست)، شهر چاره‌جو، شهر سالم (← شهر سالم) و شهر پایدار، از یکسو و برقراری عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)، توزیع عادلانه ثروت، مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیها، از دیگر سو، حاوی مفهوم پایداری شهری است. بر این مبنای، شهر قابل زیست، شهری است که ۳ گونه مشخصه داشته باشد: تمدن‌ساز بودن، راحت و امن بودن و

اعتدال از نظر کاربری زمین (← کاربری زمین).

مشکلی که امروزه در پیش روی برنامه‌ریزان شهری قرار دارد، چگونگی اعمال سیاستها و برنامه‌های پایدار شهری و ترسیم جلوه‌های این پایداری در شهرهاست. نیل به چنین شرایطی، نیازمند جهت دادن به هدفها و برنامه‌های اجرایی، اصلاح وضعیت ساختارها و مدیریتهای مرتبط در اداره امور شهرهاست. به تعبیر دیگر، سطح قابل قبول و بالای رشد اقتصادی و اشتغال، پیشرفت اجتماعی و حفاظت از محیط شهری جنبه‌های دیگر پایداری شهری را تشکیل می‌دهد.

در مقابل، جنبه‌های ناپایداری شهرها، علاوه بر آنچه که در سطح منطقه‌ای و جهانی بر آن تأثیر می‌گذارد، شامل مواردی مانند تغییر شرایط آب‌وهوایی و گرم شدن کره زمین، تنزل کیفیت خاک، آسیب به جنگلها و انهدام گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری و عدم تناسب در صرفه‌های اقتصادی است که در سطح شهرها به‌صورت گسترش حومه‌نشینی، جدایی‌گزینی گروههای اجتماعی، نابرابری فرصتها، کاهش اراضی کشاورزی و فضاهای باز، آسیب به منابع آب، کاهش سرزمینهای مرطوب، بحران رفت‌وآمد سواره، انواع آلودگی (هوا، صوتی و خاک) و عدم حفاظت در برابر مخاطرات اجتماعی و محیطی بروز می‌کند. از دیگر نشانه‌های ناپایداری شهری می‌توان از مصرف‌زدگی، رشد بی‌رویه جمعیت، وابستگی به منابع تجدیدنپذیر، تخریب مبانی اجتماعی و محیطی، بی‌عدالتی در توزیع منابع و محدودیت در مشارکتهای اجتماعی یاد کرد. تلاش در رفع این مشکلات، حرکت به سوی پایداری شهری را بیان می‌کند.

پایداری شهری، یک برنامه پیشرفت اجتماعی است که می‌کوشد نیازهای ساکنان شهرها را بشناسد، از منابع محیطی حفاظت کند و منافع اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن را در کلیه سطوح شهری تعمیم دهد. یک بررسی در دانشگاه کمبریج حدود ۵۰۰ مشخصه از جنبه‌های پایداری در شهرها ارائه داده است که برخی از مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

• تأثیر مثبت بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیطی شهروندانی که در حال حاضر (یا آینده) در شهرها زندگی

می‌کنند؛

- به حداقل رساندن استفاده از منابع تجدیدناپذیر؛
 - ملاحظات لازم در خصوص رعایت ظرفیتهای محیطی؛
 - ملاحظات لازم در زمینه‌های تولیدات اقتصادی آینده؛
 - ملاحظات لازم در خصوص نیازهای اجتماعی مردم در نقاطی که از نظر توسعه‌یافتگی محروم مانده‌اند؛
 - ارتقاء سطح کیفی و عمومی زندگی در شهرها در چارچوب برابری اجتماعی و عدالت (← عدالت)؛
 - ملاحظات لازم در زمینه تنوع اجتماعی و اقتصادی و زیستی و فرهنگی در شهرها؛
 - ملاحظات لازم در زمینه حقوق و مسئولیتهای شهروندی؛
 - دستیابی به پیشرفت قابل قبول در مشارکت و همکاری شهروندان؛
 - آماده‌سازی بستر اجتماعی و اقتصادی و محیطی در سطوح مختلف محلی و جهانی؛
 - برقراری تعادل قابل قبول بین عوامل درگیر با محیط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی شهری؛ و
 - تأثیرگذاری مثبت بر شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهروندان در سطح موجود محلی و ساکنان آینده شهرها.
- در همین راستا، پیمان ملی بریتانیا برای پایداری ۴ مشخصه تعیین کرده است:
- ایجاد محیط زیست مطلوب (پایداری زیست محیطی).
 - ایجاد محیط فرهنگی مطلوب (پایداری فرهنگی).

• ایجاد محیط اقتصادی مطلوب (پایداری اقتصادی).

• ایجاد محیط اجتماعی مطلوب (پایداری اجتماعی).

علاوه بر این، معیارهای پایداری شهری در مقایسه با سلسله مراتب نیازهای انسانی ماسلو به قرار زیر است:

- تأمین کلیه نیازهای کالبدی در جهت تأمین درآمد معقول، آموزش و پرورش، حمل و نقل و ارتباطات و دسترسی به خدمات - شامل نوعی محدودیت در گسترش شهر و تنظیم یک تراکم جمعیتی معقول - به منظور پوشش خدمات بیشتر، ایجاد کاربریهای مختلط شهری، قابلیت انطباق با شرایط متغیر اجتماعی و اقتصادی، ایجاد چرخه حمل و نقل عمومی، کاهش حجم رفت و آمد و سایر نقایص و پراکنش آنها در سطح شهر، سلسله مراتب استقرار تسهیلات و خدمات، دسترسی به فضاهای باز (← فضای باز) و فضای سبز (← فضای سبز شهری)؛

- ایمنی، امنیت و حفاظت که از نظر شرایط زیست محیطی و بوم‌شناختی، شامل محیطی عاری از آلودگی، سروصدا، ازدحام، تصادفات و بزهکاریها، وجود فضای باز خصوصی برای هر واحد مسکونی، برقراری ارتباط سازمان‌یافته بین شهر و روستا به منظور خودکفایی و رفع نیازهای شهر؛
- محیط اجتماعی هدایتگر که شرایط اجتماعی و اقتصادی آن شامل اختلاط اجتماعی به منظور کاهش یا حذف جدایی‌گزینی اجتماعی و مکانی از طریق بالا بردن تراکم جمعیت و طیف گسترده‌ای از گونه‌های واحد مسکونی؛
- انگاره ذهنی مثبت، فراهم کردن حدودی از استقلال نسبی



پایداری شهری، مدل

Urban Sustainability, Model

شهری شدن یا شهرنشینی پایدار، شهر پایدار، توسعه پایدار، رشد اقتصادی پایدار و مفاهیم دیگری که با پسوند پایدار و یا پیشوند پایدار ساخته شده‌اند، همگی بر شکل‌گیری شرایطی ناظر است که به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، رو به پایان گذاردن تدریجی منابع طبیعی و به خطر افتادن حیات در زیستبوم را گوشزد می‌کند.

برخی از مهم‌ترین اصول اکوسیستم که اصول پایداری نیز خوانده می‌شوند، عبارتند از:

- اصل پایان‌پذیری؛
- اصل ارتباط و اتکاء متقابل؛
- اصل شیوع، که از اصل ارتباط متقابل برمی‌خیزد؛ و
- اصل خودترمیمی.

مواد اولیه مصرفی در تولید، یا تجدیدپذیرند یا پایان‌پذیر. مواد تجدیدپذیر برای شکل‌گیری مجدد، به زمان نیاز دارند. امروز، مواد تجدیدپذیر به دلیل سرعت و شدت برداشت، در حال اتمامند و در بسیاری از موارد، در دهه‌های آتی، به انتها می‌رسند. مواد اولیه پایان‌پذیر طبعاً با شدتی بیشتر در معرض اتمام قرار دارند. میزان تخریب محیط زیست از آستانه تحمل و ترمیم‌پذیری در حال گذر است. آسیب‌های وارده از بخشی به بخش دیگر شیوع پیدا کرده است. در یک کلام اصل پایداری زیستبوم به خطر افتاده است.

چنین مباحثی سبب شده است تا توجه جهانی به مسئله آلودگیها، منشأ آنها و شدت و گسترده‌گی آلودگی جلب شود. شهری شدن، شهرنشینی پایدار و شهر پایدار نیز از نتایج این تحولات است. در الگوی پایداری به ۳ محور اشاره شده است که عبارتند از:

- توسعه همگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی؛
 - فقرزدایی و عدالت اجتماعی؛ و
 - اصول زیستبوم و ملاحظات زیست‌محیطی.
- نگارنده بر پایه این ۳ محور، مدل پایداری و از جمله شهر پایدار را به‌گونه‌ای نموداری، ارائه کرده است.

برای افراد، حدودی از خودکفایی به‌لحاظ اشتغال، انرژی، آب و موادغذایی و بالاخره امکان شکل دادن به فضاهای شخصی توسط خود مردم؛

- ایجاد فرصت خلاق بودن، از نظر کیفیات بصری و شکلی؛ و
- محیطی مطبوع از نظر زیباشناختی، طراحی، کیفیات کالبدی و توجه به شهر به‌عنوان یک محل فرهنگی و اثر هنری.

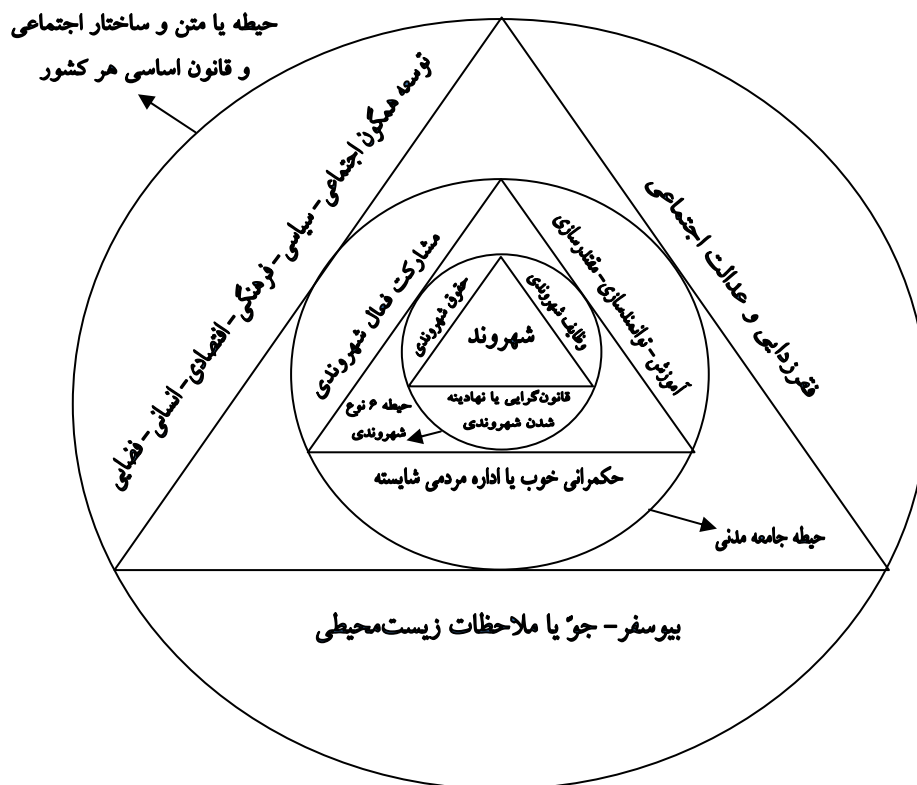
پایداری شهری از نظر کالبدی به معنای تغییراتی است که در برنامه‌های کاربری زمین و سطوح تراکم جمعیت، به‌منظور پاسخ به نیازهای ساکنان شهرها روی می‌دهد و مسکن، حمل‌ونقل، اوقات فراغت و تأمین غذا را دربر می‌گیرد. قابلیت شهر پایدار از نظر زیست محیطی مشتمل است بر قابل سکونت بودن، عدم آلودگی هوا، آب آشامیدنی، اراضی و آبهای سطحی، اقتصاد بادوام - هماهنگ با تغییرات فنی و صنعتی برای حفظ مشاغل پایه‌ای و تأمین مسکن در حد استطاعت ساکنان با بار مالیاتی عادلانه، همبستگی اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به میراث‌های شهر.

کتاب‌شناسی:

- سازمان حفاظت محیط زیست. *بولتن شماره ۱*. شورای عالی حفاظت محیط زیست، کمیته ملی توسعه پایدار، تهران: بی‌تا.
- شکویی، حسین و موسی کاظمی، سیدمهدی. *مبانی جغرافیای شهری*. تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۴.
- فرای، هیلدر براند. *طراحی شهری، به‌سوی یک شکل پایدارتر شهر*، ترجمه حسین بحرینی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۳.
- Cools, B. "The Future of the City", *Making Cities Livable* (L. S. H. Crowhurs et al eds). USA, California, 1997.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, 2005.
- Wheeler, S. M. *Planning for Sustainability*. New York: Routledge, 2004.

اسماعیل شیعه

نمودار مدل پایداری



شهروندی نیز ۳ محور شکل گرفته است که عبارتند از حقوق شهروندی، وظایف شهروندی و قانون‌گرایی یا درونی‌سازی و تثبیت‌سازی شهروندی. در مرکز این مدل شهروندی قرار دارد. بر پایه این مدل، پایداری و شهروندی در عصر جهانی‌سازی از بالا یا جهانی‌سازی اقتصادی، راهبردهای زیست‌بوم جهانی، توسعه جامعه معین و توسعه شهری و شهرنشینی تلقی می‌گردد.

به این ترتیب، شهرنشینی یا شهری‌شدن پایدار، آنچنان شهری‌شدنی است که از یکسو، امکان زندگی مطابق با کرامت انسانی را در شهرهای موجود و آینده برای نسلهایی که از پی یکدیگر می‌آیند، فراهم می‌کند و از سوی دیگر، با ملاحظات زیست‌محیطی همساز و دوستدار محیط زیست است. بدینسان، شهری‌شدن و شهرنشینی پایدار، توسعه اجتماعی - اقتصادی شهری را به شکلی به پیش می‌برد که به

در این مدل از پایداری، به علت ملاحظات زیست‌محیطی از یکسو و فقرزدایی و عدالت اجتماعی از سوی دیگر، توسعه مشروط و محدود است. در عین حال، توسعه تنها در ابعاد اقتصادی آن خلاصه نمی‌شود. همچنین توسعه مکان‌محور و زمان‌محور است که حیطه ساختار اجتماعی و تاریخی مستتر در آن، به همراه قانون اساسی یا میثاق وحدت عمومی هر جامعه، منعکس کننده آن است. در دل متن اجتماعی و ۳ محور پایداری، حیطه جامعه معدنی قرار دارد که خود به ۳ محور آموزشی، توانمندسازی و مقتدرسازی، مشارکت فعال شهروندی و حکمرانی خوب یا اداره کردن مردمی شایسته تقسیم می‌شود. مجدداً در درون این ۳ محور، حیطه شهروندی قرار دارد که ۶ نوع شهروندی را دربر می‌گیرد (شهروندی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی - قومی، جنسیتی، جهانی). در درون حیطه

پدافند غیرعامل

Passive Defense

پدافند غیرعامل به معنای دفاع بدون به کارگیری تجهیزات نظامی، وظیفه برنامه‌ریزی پیرامون مجموعه اقدامات غیرنظامی به منظور کاهش آسیب‌پذیری کشور، به‌ویژه اماکن، تسهیل مدیریت و پایداری زیرساختها و همچنین مدیریت جامعه در شرایط بحران را برعهده دارد.

سابقه پدافند غیرعامل

سابقه پدافند غیرعامل به تاریخ زندگی انسان بازمی‌گردد. انسانهای اولیه برای در امان ماندن از تهاجم جانوران و دیگر دشمنان خود و همچنین برای کاستن از نگرانیهای خود به غارها، بالای درختان و دیگر مأمنهای طبیعی پناه می‌بردند. با شکل‌گیری تمدنهای اولیه، پدافند غیرعامل به‌صورت جوشن و سپر برای حفاظت انفرادی و استفاده از برج و بارو برای تأمین امنیت گروهی شکل گرفت. در دوره‌هایی، وجود خندق در اطراف شهرها و ایجاد دروازه‌های مستحکم برای پیشگیری از حملات غافل‌گیرانه دشمن در تمام نقاط جهان امری رایج بود.

در دنیای امروز، پس از جنگهای ناحیه‌ای و جهانی آسیبهای ناشی از جنگ به مردم غیرنظامی، تخریب شهرها و کارخانه‌ها، موضوع پدافند غیرعامل اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و به‌عنوان یکی از مؤثرترین روشهای دفاع در مقابل این‌گونه تهدیدات مدنظر اکثر کشورهای جهان قرار گرفت. برای نمونه، امریکا و شوروی سابق، با وجود برخورداری از توان نظامی بالا، و همچنین سوئیس، با وجود بی‌طرفی در ۲ جنگ جهانی و مواجهه نبودن با تهدید مستقیم، به این موضوع توجه بسیار زیادی نمودند. به‌دنبال این کشورها، آلمان، فرانسه، انگلستان، یوگسلاوی سابق و کانادا با شتاب فزاینده‌ای به پدافند غیرعامل روی آوردند. در آسیا نیز کشورهای پاکستان و کره شمالی در این امر پیشرو بوده‌اند.

سابقه پدافند غیرعامل در ایران به پیش از انقلاب اسلامی و همگامی بازمی‌گردد که سازمان دفاع غیرنظامی وظیفه دفاع از مردم، کاهش آسیب‌پذیری زیرساختها و

حفظ محیط زیست و منابع زمین منجر می‌شود و از نابودی محیط طبیعی ممانعت به عمل می‌آورد. به سخن دیگر، شهری شدن و شهرنشینی پایدار بر پایه و هماهنگی با ظرفیت اکوسیستم یا نظام طبیعی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. از سوی دیگر، شهرنشینی و شهری شدن پایدار، تغییرات شهری انسان‌ساخت را محدود تلقی می‌کند و توجه به چنین محدودیتی را در تمام برنامه‌های شهری و رشد الزامی می‌سازد. واژه دیگری که بر پایه این نگرش رواج پیدا کرده است، مفهوم شهر پایدار یا شهر قابل زیست (← شهر قابل زیست) است. اصل اول شهرهای قابل زیستن یا شهر پایدار، به حداقل رساندن اثرات زیست‌محیطی تمامی فعالیت‌های شهری است. به‌همین دلیل، مفهوم رشد هوشمند جانشین رشد به‌طورکلی شده است. تمام معاهدات و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه که به نوعی به حفاظت از زیست‌بوم مربوطند و زندگی شهری را در قالب نگاهی محیط زیست‌محور می‌نگرند، باید مورد بازنگری قرار گیرند و در صورت مناسب بودن، اجرا شوند. در این راستا، کنترل جمعیت و از جمله جمعیت شهری، محدودسازی صنایع آلوده‌ساز، وارد کردن ملاحظات زیست‌محیطی در تمام برنامه‌ریزیها و تصمیم‌سازیها، توجه به اداره مردمی شهرها، مشارکت فعال شهروندی، توانمندسازی و مقتدرسازی شهروندان، از جمله اصول پایداری شهری شناخته شده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- پیران، پرویز. «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، مجموعه ۲ مقاله، ماهنامه سیاسی-اقتصادی اطلاعات. شماره ۹۷-۹۴، ۱۳۷۶.
- Piran, Parviz. *Poverty Alleviation in Sistan & Baluchistan. The Case of Shirabad*, UNDP, 2002.

پرویز پیران

پایش ← ارزیابی

پدافند عامل و غیرعامل

پدافند یا دفاع یک مفهوم یکپارچه است که شامل ۲ جزء اصلی دفاع عامل و دفاع غیرعامل است:

- **پدافند عامل.** شامل تمام طرح‌ریزیها و اقدامات دفاعی است که مستلزم به کارگیری سلاح و تجهیزات جنگی و بنا به قانون، در حوزه مسئولیت نیروهای مسلح است؛ و
- **پدافند غیرعامل.** شامل تمام طرح‌ریزیها و اقداماتی است که موجب کاهش آسیب‌پذیریها و افزایش پایداری و تداوم فعالیت‌های دستگاهها و نهادهای نظام در مقابل تهدیدات خارجی می‌شود و مستلزم به کارگیری سلاح نیست (دفاع غیرمسلحانه).

هدف پدافند غیرعامل

هدف از پدافند غیرعامل، استمرار فعالیت‌های زیربنایی، تأمین نیازهای حیاتی، تداوم خدمات‌رسانی عمومی و تسهیل اداره کشور در شرایط تهدید و بحران، تجاوز خارجی و حفظ بنیه دفاعی، بهنگام حملات خصمانه و مخرب دشمن، از طریق اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل و کاستن از آسیب‌پذیری مستحدثات و تجهیزات حیاتی و حساس کشور است.

قابلیت‌های راه‌اندازی پدافند غیرعامل

- بسترسازی مناسب برای توسعه پایدار کشور؛
- هم‌سویی با سیاست‌های تنش‌زدایی؛
- طرح پایدارترین و کم‌هزینه‌ترین روش دفاع؛
- جستجوی مناسب‌ترین راهکار افزایش آستانه مقاومت ملی؛
- تحکیم پشتوانه اقتدار ملی؛
- ایجاد مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی؛
- بهترین و مناسب‌ترین شیوه کاهش مخاطرات و کاهش آسیب‌پذیری؛
- تدارک صلح‌آمیزترین روش دفاع؛ و
- تکیه بر فطری‌ترین عنصر دفاعی بشر در برابر تمام رخدادهای.

مدیریت بحران ناشی از حوادث غیرمترقبه را برعهده گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدیریت حوادث طبیعی به ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه وزارت کشور محول گردید.

ایران با توجه به موقعیت خاص ژئوپلتیک، وضعیت اقتصادی و دارا بودن ثروتهای عظیم نفت و گاز و نیز ورود به عرصه‌های فناوری نوین، همواره در معرض تهدید قرار داشته است. بااین‌حال، تا ۱۳۸۲ش از لحاظ سازمانی، به موضوع پدافند غیرعامل توجه جدی نشده بود. حتی تجربه جنگ تحمیلی نیز در ایجاد هوشیاری لازم برای ایجاد سازمانی به‌منظور برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌پذیریها و توجه به محورهای توسعه پایدار از نظر امنیت و دفاع، نقش قابل قبولی ایفا ننموده بود. بالأخره، در آبان‌ماه ۱۳۸۲ش، با فرمان مقام معظم رهبری، سازمان پدافند غیرعامل تشکیل و مسئولیت آن به ستاد کل نیروهای مسلح محول شد.

ویژگیهای پدافند مؤثر

- مبحث پدافند غیرعامل در دنیای امروز جایگاه و اهمیت خاصی دارد؛ ازاین‌رو، توجه به نکات زیر الزامی است:
- ضرورت برنامه‌ریزی و آغاز طرح‌های جامع دفاع قبل از شروع درگیریهای آشکار (دفاع در مقابل جنگ نرم)؛
- توسعه همه‌جانبه تدابیر دفاعی به‌منظور افزایش ضریب پایداری ملی؛
- گسترش طرح‌های دفاعی در سطح تمام نقاط هدف در جغرافیای کشور و حوزه سرزمینی ملی به روش دفاع نقطه‌ای؛
- تأکید ویژه بر دفاع غیرعامل؛
- اتکاء بر ایمان، هوشیاری، روحیه و توان دفاعی مردم؛
- توجه و تأکید بر راهبرد و اصول دفاع نامتقارن؛
- توجه به تمام جهات چهارگانه به‌عنوان محورها و معابر تهاجم؛
- شناسایی و رفع ضعف‌های ذاتی فناوریها و آسیب‌پذیریهای ساختاری و سیستمی؛
- تمرکز بر اولویتهای دفاعی (دفاع از نقاط حیاتی، حساس و مهم)؛ و
- تمرکز تلاشها بر ارتقاء روحیه و اراده ملی برای دفاع.

نتایج استفاده از پدافند غیرعامل

کشورهایی که توسعه پدافند غیرعامل را به‌عنوان یک سیاست دفاعی مستمر در دستور کار خود قرار می‌دهند، هیچ‌گاه در مظان اتهام تهدید علیه سایر کشورها قرار نمی‌گیرند. از سوی دیگر، کشورهایی که پدافند غیرعامل را به‌عنوان یک راهکار اصلی برمی‌گزینند، به شرایطی از نظر کاهش آسیب‌پذیری دست می‌یابند که مطامع کشورهای تهدیدکننده بر علیه آنها کاهش می‌یابد.

در جهان امروز، کشورهایی که نقاط آسیب‌پذیری آنها فراوان است و دشمن می‌تواند با ضربات سریع، حیاتی‌ترین منابع آنان را تهدید نماید، پدافند غیرعامل عوامل تهدید از بیرون را در درون خنثی می‌سازد.

پدافند غیرعامل پدیده‌ای پویا و متحرک است. از این رو، می‌تواند در اولویت تلاش‌های علمی و پژوهشی قرار گیرد. علاوه‌براین، پدافند غیرعامل می‌تواند در کلیه سطوح مدیریتی، مهندسی و فنی آموزش داده شود و توسعه یابد.

مراکز تحت پوشش پدافند غیرعامل

کلیه تأسیسات زیربنایی، ساختمانهای حساس و شریانهای اصلی و حیاتی کشور، اعم از آنکه در دست مطالعه، اجرا و یا در حال بهره‌برداری، باشند، در معرض حملات نظامی دشمن قرار دارند که به شرح زیر سطح‌بندی می‌شوند:

• **مراکز حیاتی.** مراکزی که دارای گستره فعالیت ملی هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای کشور امری حیاتی است و آسیب یا تصرف آنها به‌وسیله دشمن، باعث اختلال کلی در اداره امور می‌گردد.

• **مراکز حساس.** مراکزی که دارای گستره فعالیت منطقه‌ای هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای مناطقی از کشور ضروری است. آسیب یا تصرف این مراکز توسط دشمن، باعث بروز اختلال در بخشهای گسترده‌ای از کشور می‌گردد.

• **مراکز مهم.** مراکزی که دارای گستره فعالیت محلی هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای بخشی از کشور دارای اهمیت است. بنابراین، آسیب یا تصرف آنها به‌وسیله دشمن، باعث بروز اختلال در بخشهایی از کشور می‌گردد.

شیوه‌های عملیاتی پدافند غیرعامل

• ایجاد اختلال در شناسایی، کسب اطلاعات و دقت هدف‌گیری دشمن از شیوه‌های عملیاتی پدافند غیرعامل است که به‌صورت زیر به انجام می‌رسند:

• **اختفاء** (به مفهوم مخفی کردن دائمی در مقابل دشمن)؛

• **استتار** (به مفهوم ایجاد هم‌رنگی و هماهنگی با محیط در مقابل هر نوع دید مستقیم و غیرمستقیم)؛

• **پوشش** (به مفهوم ایجاد موانع موقت جهت جلوگیری از شناسایی و هدف‌گیری)؛

• **فریب** (به مفهوم گمراه کردن دشمن در شناسایی و هدف‌گیری)؛

• **جابه‌جایی** (به مفهوم تغییر مکان تجهیزات و تأسیسات قابل انتقال)؛ و

• **استفاده از سامانه‌های اختلال در هدف‌گیری (ضد هدف‌گیری دقیق).**

در مقابل، به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری نقاط هدف، توجه جنبه‌های زیر الزامی است:

• **مکانیابی صحیح؛**

• **ایجاد موانع و استحکامات؛**

• **مقاوم‌سازی ساختمانها و تأسیسات؛**

• **استفاده از عوارض طبیعی سطح زمین؛**

• **استفاده از عمق زمین؛**

• **اعمال تدابیر دفاع سایبری؛**

• **ایجاد لایه‌های محافظ الکترونیکی و الکترومغناطیسی؛ و**

• **رعایت ضوابط ایمنی (حفظ عوامل توسعه‌دهنده خسارات).**

علاوه‌برآن، برای کاهش اهمیت و حساسیت نقاط هدف، اقدامات زیر ضروری است:

• **پراکندگی؛**

• **تجزیه؛**

• **پیش‌بینی امکانات جایگزین و موازی؛ و**

• **کوچک‌سازی.**

همچنین، برای کنترل خسارت، تمهیدات زیر مورد تأکید است:

• **استفاده از سامانه‌های هشداردهنده (کشف و اعلام خطر)؛**

پروژه روستایی

Rural Project

از نظر مفهومی، پروژه فعالیتی است که ضمن آن، منابع به انتظار ثمرات تخصیص داده می‌شوند، اما از لحاظ منطقی به‌عنوان یک واحد در چارچوب برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و امور اجرایی است. به سخن دیگر، پروژه فعالیتی است ویژه با نقطه شروع و پایان خاص که مقصود از آن، رسیدن به یک هدف مشخص است. پروژه در برخی موارد و به‌ویژه در توسعه روستایی، گروه بهره‌ور خاصی دارد که می‌خواهد آن را زیر پوشش اهداف خود قرار دهد. پروژه معمولاً برای فعالیت‌های مربوط به نهاده‌ها و ستانده‌ها، توالی زمانی نسبتاً تعریف شده‌ای دارد.

لیتل و میرلیس معتقدند، منظور از پروژه، هر نقشه یا بخشی از یک نقشه برای سرمایه‌گذاری منابع است که می‌تواند به‌عنوان یک واحد مستقل به‌طور معقول مورد تحلیل و ارزشیابی قرار گیرد.

پروژه را می‌توان جزئی اساسی همکاری در توسعه و از ارکان فرایند توسعه در نظر گرفت. در همین راستا، هیرشمن پروژه را جزء برتر و ممتاز فرایند توسعه تلقی می‌کند.

پروژه به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با استفاده از منابع زمانی، مالی، انسانی و مثل اینها به‌صورت مستمر و هدف‌دار برای رسیدن به یک هدف از پیش تعیین‌شده به انجام می‌رسد. در زبان فارسی معادل دقیقی برای این واژه وجود ندارد، اما واژه‌های زیر را گاهی به‌جای آن به کار می‌برند: نقشه، برنامه و طرح کار.

پروژه‌های توسعه روستایی، به خودی خود، هدف نیستند، بلکه واحدهای قابل تشخیص یک فعالیت هستند که برای نیل به هدف‌های بزرگ‌تر توسعه‌ای طراحی می‌شوند. بنابراین، پروژه توسعه‌ای روستایی را می‌توان تلاش مجزا و کاملی تصور کرد که هدف از اجرای آن این است که از طریق تدارک کارکنان، تجهیزات و یا اعتبار، نتیجه‌ای نهایی را که مستقیماً با یک طرح توسعه‌ای مجزا ارتباط دارد، به بار آورد.

- ساماندهی امکانات امداد و نجات؛
- تعیین وظایف بخشها و افراد؛ و
- آموزش و تمرین.

سازمان پدافند غیرعامل کشور

براساس فرمان مقام معظم رهبری، سازمان (کمیته دائمی) پدافند غیرعامل کشور با شرح وظایف زیر از اواخر ۱۳۸۲ش شروع به کار کرده است:

- تصویب سیاستها و خط‌مشیهای پدافند غیرعامل کشور؛
- ایجاد زمینه‌های مناسب فرهنگی به‌منظور ارتقای آگاهی در خصوص پدافند غیرعامل؛
- تصویب ضوابط و دستورالعمل‌های (عمومی و اختصاصی) مرتبط با آئین‌نامه؛
- تعیین مصادیق تأسیسات زیربنایی، ساختمان‌های حساس و شریان‌های اصلی و حیاتی کشور؛
- تصویب سطح‌بندی و اولویت‌بندی مراکز تحت پوشش، براساس پیشنهاد دستگاه مربوط؛
- تصویب طرح‌های پدافند غیرعامل و برآورد اعتبار مورد نیاز آن؛
- بررسی و تأیید نتایج ارزیابیها از اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل به‌منظور اصلاح و بهینه‌سازی طرح‌ها و روشها؛
- نظارت بر اجرای صحیح آئین‌نامه موجود؛ و
- ایجاد هماهنگی لازم در دستگاه‌های اجرایی به‌منظور توسعه، ارتقای آگاهی و رعایت پدافند غیرعامل.

کتاب‌شناسی:

- ضوابط ملی آمایش سرزمین کشور، مصوبه ۸۳/۸/۶ هیئت وزیران، ۱۳۸۳.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کشور، ۱۳۸۵.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کشور، ۱۳۸۶.
- مبانی، مستندات و الزامات قانونی، سازمان پدافند غیرعامل کشور، کمیته دائمی، ۱۳۸۲.
- مصاحبه با سردار دکتر جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور در گزارش خبری شبکه ۲ سیما، ۱۳۸۵.
- منویات مقام رهبری درخصوص راه‌اندازی سازمان پدافند غیرعامل کشور، ۱۳۸۲.

محمد رضا فرزاد بهتاش

می‌شود. در چارچوب توسعه روستاها، برنامه‌های سازمانی و فنی که قرار است در مرحله اجرای پروژه به کار بسته شوند، باید در مرحله پیش از اجرا تدوین شوند. در موارد مناسب و بسته به دامنه پروژه، برنامه‌های سازمانی و فنی را می‌توان در گزارش تفصیلی پروژه که می‌تواند به قدر کافی نهایی و قطعی باشد، مطرح کرد.

گزارش تفصیلی می‌تواند ابزارهای لازم برای به حداقل رساندن انحراف از پارامترهای تولید، دامنه شمول، زمان و هزینه را در اختیار مدیریت آینده قرار دهد. این برنامه‌ها، برای همزمان کردن کار دستگاهها و اداره‌های مختلف و پیمانکاران مسئول امور پروژه خاص نیز ضرورت دارند.

این فرایند باید نیاز به یکپارچگی پروژه تحت بررسی را با سایر پروژه‌های وابسته به آن نشان دهد. در هر ۳ مرحله از دوره زندگی پروژه، برخی از پروژه‌ها ممکن است به هم ربط داشته باشند؛ یعنی ستانده یک پروژه، نهاده پروژه دیگر را تشکیل دهد. در این‌گونه موارد، لازم است تا یک رهیافت سیستمی در پیش گرفته شود. در واقع، نظارت بر مرحله پیش از اجرا، به همان اندازه نظارت بر مراحل اجرایی اهمیت دارد. مطالعات نشان می‌دهد، اکثر پروژه‌ها در مرحله پیش از اجرا عقب می‌مانند که علت عمده آن هم این است که معمولاً اقدامهای اصلاحی با تأخیر انجام می‌گیرند.

تمام پروژه‌های روستایی، اعم از پروژه‌های بزرگ (درازمدت و از لحاظ فنی پیچیده)، متوسط و یا کوچک، دارای وجوه اشتراکی به شرح زیر هستند:

• پروژه پایان یافتنی است و نقطه پایان مشخصی دارد که در آن نقطه می‌توان گفت، نقشه پروژه تکمیل است؛

• پروژه پیچیده است، یعنی دارای ترکیب نسبتاً پیچیده‌ای از فعالیتهاست و عمل متقابل مهارتهای انسانی، منابع و موارد مختلف را دربر می‌گیرد؛

• پروژه متجانس است، یعنی شامل فعالیتهای منفردی است که می‌توان آنها را به‌عنوان متعلقات پروژه باز شناخت؛ و

• پروژه تکرارنشده است، یعنی عموماً کوششی یکباره بشمار می‌آید و بنابراین، از خیلی جهات منحصر به فرد است.

خصوصیات مشترک پروژه‌ها

پروژه توسعه روستایی ممکن است بزرگ یا کوچک، پردامنه یا محدود، در ارتباط با تولید سرمایه‌بر یا کاربر و یا مربوط به رفع مشکلی معین باشد. پروژه روستایی ممکن است به امور کشاورزی مربوط باشد، یا چند بخش را زیر پوشش بگیرد. با این حال، همه پروژه‌ها چند خصوصیت مشترک دارند:

• بیشتر بر هدفهایی که زودتر تحقق می‌یابند، تأکید دارند تا هدفهایی که دیرتر حاصل می‌شوند. نوعی فوریت، خواه برای برآوردن نیازها و رفع مشکلات خاص، یا برای استفاده از فرصتهایی که چه بسا فقط در یک زمان معین در دسترس باشد، محرک اصلی به کار بستن پروژه است. بنابراین، مقصود پروژه، هدایت منابع و طرح‌ریزی روشها برای نیل به این هدفهای خاص است. به بیان دیگر، پروژه، بنابر تعریف، معطوف به عمل است؛

• گوهر پروژه تکرار نشدنی است. در مورد پروژه‌های توسعه روستایی این امر مانع تجدید پروژه در شرایط و مکانهای دیگر نمی‌شود؛

• اگرچه پروژه هدفهای مشخص و طرز عمل ویژه‌ای دارد، ولی در واقع، پروژه‌ها اغلب اوقات متضمن درجه معینی از عدم قطعیت هستند. ممکن است در حین اجرای یک پروژه معلوم شود که ابعاد فنی اقتصادی و اداری اولیه، معتبر یا کافی نیست و برای بهینه‌سازی نتایج پروژه لازم باشد که مورد تجدیدنظر قرار گیرد. از این رو، پروژه‌ها وسیله پیوند فرایند تخمین متوالی در شیوه طرح‌ریزی و عنصر پیشرفته‌ای در انعطاف‌پذیری و تجدیدنظر مداوم در طرح هستند.

در توسعه روستایی، چرخه حیات هر پروژه متوسط و بزرگ را می‌توان مشخصاً به ۳ مرحله وسیع پیش از اجرا، اجرایی و بهره‌برداری تقسیم کرد.

در مرحله پیش از اجرا باید یک رشته اقدامهای منطقی و قطعی انجام گیرد. این مرحله تدوین مقدماتی پروژه و به دنبال آن، مطالعه انجام‌پذیری جنبه‌هایی، از قبیل تحلیل نهاده‌های مورد نیاز، پشتیبانی فنی، پیش‌بینی هزینه و در صورت امکان، ارزیابی ثمرات اقتصادی ملی را شامل

انواع پروژه

به طور کلی پروژه‌های روستایی را می‌توان به ۲ دسته اصلی تقسیم کرد:

• پروژه‌هایی که مستقیماً در امر تولید در زمینه‌هایی، مانند کشاورزی، دامداری، جنگلداری، ماهیگیری، معدن، صنعت و جهانگردی دخالت دارند؛ و

• پروژه‌هایی که به‌طور غیرمستقیم در امر تولید دخالت دارند و پروژه‌های اجتماعی بشمار می‌روند. این دسته شامل موارد زیر است:

۱. مسکن، شامل مسکن ارزان قیمت شهری و روستایی؛

۲. خدمات اجتماعی و اقتصادی، شامل تسهیلات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، مذهبی، تفریحی و ورزشی، احداث پارکها و فضاهای باز، تسهیلات اداری و خدمات نهادی، پلیس و آتشنشانی، فروشگاه، بازار، انبار و تسهیلات فراوری محصولات؛

۳. امکانات عمومی، مانند آب آشامیدنی، فاضلاب، تأمین و عرضه برق و نیرو، جمع‌آوری زباله‌ها؛ و

۴. تأسیسات زیربنایی، مانند جاده‌های فرعی و شاهراهها، راه‌آهن و راههای آبی، پلها، حمل‌ونقل عمومی ارتباطات رادیویی و مخابرات.

انواع پروژه‌های روستایی در ایران

در سالهای گذشته پروژه‌های مختلفی در سطح روستاهای کشور به انجام رسیده است. این پروژه‌ها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی توسط وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی صورت پذیرفته و به انجام رسیده‌اند.

در زمینه کالبدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با شکل‌گیری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و جهاد سازندگی (← جهاد سازندگی) به فرمان حضرت امام(ره)، اقداماتی در قالب طرحها و پروژه‌های مختلف اجرا گردید. از جمله مهم‌ترین این پروژه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مهم‌ترین پروژه‌های مربوط به طرح هادی روستایی

• بهسازی و اصلاح معابر؛

• جمع‌آوری و هدایت آبهای سطحی و فاضلاب؛

- احداث جوی و جدول و کانیور؛
- اصلاح مراکز محلات، میادین و گرههای اصلی؛
- احداث پل؛
- احداث دیوار حائل و دیوار ساحلی؛
- احداث فضای سبز؛
- ایجاد فضای بازی کودکان (پارک) و مانند آن.

مهم‌ترین پروژه‌های طرح بهسازی بافت با ارزش روستایی

- جمع‌آوری و هدایت آبهای سطحی و اصلاح تأسیسات زیربنایی در محدوده طراحی روستا؛
- کف‌سازی و پوشش معابر اصلی و فرعی محدود به طرح؛ و
- اصلاح و مرمت بدنه‌ها و جداره‌سازی معابر.

مهم‌ترین پروژه‌های مسکن روستایی

- بازسازی و ایمن‌سازی مسکن روستایی آسیب‌دیده از سوانح قهری، مثل جنگ و سوانح طبیعی، مانند زلزله، سیل، زمین لغزش و مانند آن؛
- ترویج، بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی کشور؛ و
- تملک و واگذاری زمین جهت ساخت مسکن روستایی در روستاهای سانحه‌دیده.

مهم‌ترین پروژه‌های اقتصادی و محیطی

- ساماندهی و تجهیز نواحی صنعتی روستایی؛
- ترویج و حمایت از ایجاد و گسترش تعاونیهای تولید روستایی؛
- ساماندهی صنایع دستی و فرش روستایی و جلب مشارکت بخش خصوصی؛
- تجهیز منابع آب و خاک و اولویت واگذاری اراضی مستعد کشاورزی به روستائیان، به‌ویژه جوانان؛
- ایجاد فرصتهای شغلی در فضاهای روستایی، از طریق ۱۵۸ ناحیه صنعتی روستایی؛
- اجرای پروژه‌های بیابان‌زدایی، جنگل‌کاری و احیاء جنگلها؛
- اجرای برنامه حفاظت آبخیز و آبخیزداری؛

پژوهشکده سوانح طبیعی ایران

توسعه روستایی- تجربه‌هایی از آسیا، ترجمه سعید کیاکجوری، وزارت برنامه و بودجه- مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶.

- مهندسان مشاور DHV از هند. رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، ترجمه سیدجواد میر، ناصر اوکتایی، مهدی گنجیان، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۱۰، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۱.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. «فصل ۲۳ (توسعه و عمران روستایی)»، راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، ۱۳۸۰.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. «موضوع بند (الف) ماده ۱۵۵ قانون برنامه چهارم توسعه»، سند توسعه بخشی کشاورزی و منابع طبیعی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. «اسناد توسعه بخشی»، مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. جلد سوم، ۱۳۸۵.

صدیقه حسینی حاصل

• کاهش مصرف سموم شیمیایی، با استفاده از روش مبارزه بیولوژیک و غیرشیمیایی؛

• مبارزه با بیماریهای واگیر دام، طیور و آبزیان؛

• تأمین بهداشت عمومی و مبارزه با بیماریهای مشترک انسان و دام؛

• تأمین نهاده‌های کشاورزی، دارو، واکسن و سموم دامی؛

• بیمه محصولات کشاورزی؛

• تشکیل، تجهیز و راهاندازی نهادهای غیردولتی (شوراهای اسلامی روستایی و دهیاریها)؛

• ارائه تسهیلات مختلف به مناطق روستایی، به منظور ایجاد اشتغال؛

• اجرای طرحهای مرتع‌داری و مدیریت مراتع توسط عشایر؛

• پوشش کامل سوخت‌رسانی به عشایر و روستائیان؛ و

• تهیه برنامه مدیریت پسماندهای کشور با همکاری دهیاریها.

دیگر وزارتخانه‌ها و سازمانها نیز اقداماتی را در سطح عرصه‌های روستایی به انجام رسانده‌اند که اهم آنها عبارتند از:

• وزارت آموزش و پرورش، احداث و ایجاد واحدهای آموزشی در مقاطع مختلف و فعالیتهای آموزشی در آنها؛

• وزارت بهداشت و درمان، احداث و فعالیت خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی- درمانی؛

• وزارت راه و ترابری، احداث راههای بین روستایی و روستا- شهری؛

• وزارت نیرو، برق‌رسانی و آبرسانی به روستاهای بالای ۲۰ خانوار؛ و

• وزارت پست و تلگراف و تلفن، ایجاد شبکه‌های پست مخابراتی و تلفن در روستاهای کشور.

کتاب‌شناسی:

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ارزیابی عملکرد برنامه‌های حوزه مسکن و بازسازی. معاونت امور مسکن و بازسازی، تابستان ۱۳۸۲.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی. معاونت عمران روستایی، شهریور ماه ۱۳۸۵.

- مرکز امور توسعه آسیا و حوزه اقیانوس آرام. نظارت و ارزشیابی

پژوهشکده سوانح طبیعی ایران

سابقه شکل‌گیری و تحولات آن

وقوع زلزله ویرانگر شمال در ۱۳۶۹ش یکی از مخرب‌ترین زلزله‌هایی بود که تا آن زمان به وقوع پیوسته بود، با توجه به حجم خرابیها و تلفات زیادی که این زلزله به همراه داشت، توجه جهانیان را به خود جلب کرد. به دنبال آن، مجمع عمومی سازمان ملل اقدام به صدور مصوبه‌ای کرد که در آن دبیرکل سازمان موظف شده بود، هیئتی را جهت ارزیابی خسارت و برآورد نیازهای بازسازی مناطق آسیب‌دیده به ایران اعزام نماید. با ورود این هیئت به ایران، زیر نظر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) که از سوی رئیس‌جمهور و هیئت وزیران مأمور بازسازی مناطق زلزله‌زده شده بود، اقدام به بررسیهایی نمود و در نهایت ۳ سند تهیه و ارائه گردید. در یکی از این اسناد، تدوین یک طرح تحقیقاتی برای بسیج توان فنی کشور در

۷. زیر پروژه؛

۵. کاربرد روشهای ژئوتکنیکی در بررسی مخاطرات ناشی از زلزله (دارای ۱۲ زیر پروژه)؛ و

۶. بررسی آثار اجتماعی-اقتصادی زلزله (دارای ۷ زیر پروژه).

این اقدامات توأم با توجه دولت به موضوع سوانح طبیعی، به ویژه زلزله موجب شد تا برای کاهش اثرات سوانح طبیعی در ۳ مرحله قبل، حین و بعد از وقوع زلزله، مطالعه و برنامه ریزی صورت گیرد. این اقدامات مقدمه‌ای برای شکل‌گیری مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی در ۱۳۶۹ش با مشارکت دفتر امور عمران سازمان ملل (UNDP) و دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد (UNCHS)، زیر پوشش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شد.

مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران زیر نظر هیئت مدیره و رئیس مرکز اداره می‌شود. اعضای این هیئت، مستقیماً توسط ریاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، به نیابت از سوی شورای مرکزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انتخاب می‌شدند.

پس از تأسیس مرکز، شرح وظایف آن از سوی بنیاد مسکن تدوین شد. مهم‌ترین وظایف مرکز به شرح زیر است:

• مطالعه و تحقیق در خصوص سوانح طبیعی عمده گذشته و ثبت و ضبط آمار و اطلاعات به دست آمده، در قالب یک پایگاه اطلاعاتی جهت به کارگیری در بررسیهای آتی؛

• برنامه ریزی جهت کاهش خرابیهای ناشی از سوانح عمده طبیعی، پیشنهاد و ارائه راهبردهای کاهش خطر، تبیین استانداردها، کدها، روشها، مقررات و معیارهای لازم؛

• ارزیابی امکانات و قابلیت‌های موجود در سطوح ملی و کشورهای منطقه با هدف به کارگیری آنها در هنگام بروز سوانح طبیعی احتمالی؛

• ارائه روش برنامه ریزی در زمینه بازسازی مناطق آسیب دیده، تأمین خطوط ارتباطی، تأسیسات زیربنا؛

• برنامه ریزی مسکن و سایر نیازها پس از بروز یک سانحه طبیعی عمده؛

• انجام خدمات در زمینه‌های یاد شده در سطوح ملی و

بازسازی مناطق زلزله زده با مسئولیت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، همکاری استادان و متخصصان دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی داخلی و مشاوره کارشناسان برجسته بین‌المللی پیش‌بینی شده بود. طرح در ابتدا براساس ۲ هدف عمده زیر تعریف شد:

• تأمین نیازهای فنی مورد نیاز جهت بازسازی و توان بخشی مناطق آسیب دیده از زلزله؛ و

• ارتقای برنامه‌های بلندمدت دولت در کنترل و کاهش خسارات و ضایعات ناشی از سوانح طبیعی.

این اهداف مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به صورت زیر تغییر یافت:

• بسط و گسترش دانش مربوط به پیش‌بینی، پیشگیری و مقابله با آثار ناشی از زلزله؛

• بسیج و تقویت نیروهای ملی به منظور فعال‌تر کردن پژوهش در امر زلزله؛

• انتقال فناوری مربوط به زلزله؛

• تهیه و تدوین ضوابط و مقررات مربوط به برنامه ریزی، طراحی و ساختمان سازی در مناطق زلزله خیز؛

• آموزش جهت بالا بردن سطح آگاهی متخصصان، مسئولین و عامه مردم نسبت به زلزله؛

• شکل‌گیری یک هسته مرکزی به منظور تداوم بخشیدن به پژوهش در امر زلزله؛

• جمع‌آوری و تهیه اطلاعات پایه برای استفاده در فعالیتهای تحقیقاتی مربوط به زلزله؛ و

• تبدیل اصول و مبانی نظری مربوط به زلزله شامل ۳ بعد زمانی قبل، حین و بعد از سانحه.

در این راستا، ابتدا ۶ پروژه اصلی و سپس برای هر پروژه، تعدادی زیر پروژه در ۴۱ پروژه تعریف و اجرا شد:

۱. مقاوم سازی ساختمانهای مهندسی ساز در مقابل زلزله (دارای ۶ زیر پروژه)؛

۲. مقاوم سازی ساختمانهای غیرمهندسی ساز در برابر زلزله (دارای ۵ زیر پروژه)؛

۳. مصالح ساختمانی و روشهای ارتقاء فناوری تولید (دارای ۴ زیر پروژه)؛

۴. برنامه ریزی و طراحی شهری برای مقابله با زلزله (دارای

شده در گذشته و ثبت و ضبط آمار و اطلاعات به دست آمده، در قالب یک پایگاه اطلاعاتی برای استفاده در بررسیهای آتی؛

• بررسی و تحقیق در زمینه کاهش خسارات ناشی از بروز سوانح مهم طبیعی و ثبت و ارائه راهبردهای مناسب، تبیین استانداردها، کدها، روشها، مقررات و معیارهای لازم؛

• ارزیابی امکانات و قابلیت‌های موجود در سطوح ملی و کشورهای منطقه، به منظور به کارگیری آنها بهنگام بروز سوانح طبیعی با خسارات گسترده؛

• ارائه روش و برنامه‌ریزی در رابطه با بسیج امکانات ملی و منطقه‌ای در هنگام بروز سوانح جهت نجات جان و مال آسیب‌دیدگان از سوانح طبیعی؛

• ارائه روش برنامه‌ریزی جهت بازسازی مناطق آسیب‌دیده، تأمین خطوط ارتباطی، تأسیسات زیربنایی، مسکن و غیره پس از بروز یک سانحه طبیعی مهم؛

• انجام مطالعات آسیب‌پذیری مجتمع‌های زیستی و ارائه طرحهای کاهش آسیب‌پذیری آنها؛

• چاپ و انتشار کتابها، گزارشها و مجلات فنی مربوط به سوانح طبیعی؛

• تشکیل دوره‌های آموزشی مربوط به مقابله با سوانح طبیعی با همکاری سازمانهای مربوط؛

• تشکیل کنفرانسها، سمینارها و نمایشگاههای ملی و بین‌المللی در ارتباط با سوانح طبیعی؛

• ارائه خدمات تحقیقاتی و مشاوره‌ای به منظور انجام مطالعات منطقه‌ای در سطوح ملی و بین‌المللی؛

• ایجاد هماهنگی و همکاری با مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی در رابطه با اهداف مرکز در داخل و خارج از کشور؛

• تأسیس مرکز اطلاعات و مدارک در رابطه با سوانح طبیعی برای استفاده دستگاههای دولتی، محققین، دانشجویان و غیره؛

• بررسی، انتخاب و به کارگیری نرم‌افزارهای مناسب به منظور تبدیل سریع و دقیق داده‌ها به اطلاعات و ایجاد زمینه‌های تولید دانش و ارتقای توان علمی کشور در زمینه سوانح طبیعی؛

منطقه‌ای به صورت‌های تخصصی و حرفه‌ای و عمومی؛

• انجام خدمات تحقیقاتی و مشاوره‌ای به منظور تهیه طرحهای آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین)، مطالعات منطقه‌ای در سطوح ملی و کشورهای منطقه؛ و

• هماهنگی و همکاری با سایر مراکز تحقیقاتی دانشگاهی در مورد موضوعات فوق.

این مرکز در ۱۳۸۲ش به پژوهشکده سوانح طبیعی تغییر نام یافت.

اهداف

بنا به اساسنامه پژوهشکده سوانح طبیعی، اهداف آن به شرح زیر است:

• زمینه‌سازی برای تمرکز و هماهنگی برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی درباره چگونگی وقوع سوانح طبیعی، پیامدهای آنها و جستجو و ارائه روشهای علمی - تخصصی برای پیشگیری یا کاهش خسارتهای ناشی از آنها. این مطالعات و تحقیقات شامل مطالعات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی در شاخه‌های مختلف مهندسی عمران، معماری، شهرسازی، محیط زیست، جغرافیا، مدیریت سوانح و زمینه‌هایی از این قبیل در ارتباط با سیل، زلزله، طوفان، لغزش زمین و مانند آن محسوب می‌شود؛

• زمینه‌سازی مناسب برای ایجاد نظام اطلاعاتی مناسب برای انجام مطالعات و تحقیقات درباره سوانح طبیعی و دستیابی به کارآمدترین شیوه‌های فناوری داده‌ها؛

• توسعه و گسترش پژوهش در زمینه سوانح طبیعی؛ و
• همکاری با مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج کشور، به منظور ارتقای کیفیت فعالیتهای پژوهشی در امور مربوط به سوانح طبیعی.

پژوهشکده یک واحد پژوهشی غیردولتی - غیرانتفاعی (عمومی) است که با مجوز وزارت علوم، دارای شخصیت حقوقی و استقلال اداری و مالی است.

وظایف

وظایف پژوهشکده که با توجه به اهداف آن در زمینه سوانح طبیعی انجام می‌گیرد، عبارتند از:

• مطالعه و تحقیق درباره عواقب سوانح طبیعی مهم حادث

وظایف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در قبال پژوهشکده

بنیاد مسکن موظف است تمامی تعهدات پژوهشکده را در برابر وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی، بانکها، شهرداریها، سایر اشخاص حقوقی و حقیقی (اعم از اعضای هیئت علمی و کارمندان خود) انجام دهد یا با توافق صاحبان حق، تعهدات پژوهشکده را رأساً بپذیرد.

- تمامی امتیازات و اموالی را که از منابع عمومی و دولتی و بانکها و شهرداریها و غیره در اختیار پژوهشکده قرار گرفته است مسترد نماید یا موافقت صاحبان حق را مبنی بر واگذاری امتیازات و اموال مذکور به بنیاد ارائه دهد.

گروهها و بخشهای پژوهشکده

پژوهشکده سوانح طبیعی شامل گروهها و بخشهای تحقیقاتی - تخصصی زیر است:

- گروه پژوهشی برنامه‌ریزی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی؛
- گروه پژوهشی مدیریت بحران؛
- گروه پژوهشی مقاوم‌سازی و بازسازی سازه‌ها؛
- گروه پژوهشی مخاطرات زیست محیطی و بلایای جوی؛
- گروه تحقیقات و مطالعات کاربردی پیش‌بینی و هشدار سوانح طبیعی؛
- مرکز علمی - کاربردی سوانح طبیعی؛
- دفتر آموزش و فناوری اطلاعات؛
- دفتر فنی و خدمات مهندسی؛
- دفتر امور پژوهشی و کنترل پروژه‌ها؛
- آموزشگاه مقاوم‌سازی؛ و
- گروه توسعه، عمران و مسکن روستایی.

بخشهای جانبی پژوهشکده

پژوهشکده علاوه بر بخشهای مذکور، دارای ۲ بخش جانبی است که عبارتند از:

- دفتر هماهنگی امور پژوهشی و کنترل طرحها؛ و
- واحد آموزش علمی و کاربردی

حسن دارابی

- عرضه خدمات نرم‌افزارهای رایانه‌ای تخصصی در بخش سوانح طبیعی با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛ و
- تهیه و تدوین و ترجمه آثار و نتایج تحقیقات علمی و فنی مرتبط با مسائل تخصصی به‌منظور ارتقاء سطح دانش در بخش سوانح طبیعی.

ارکان

ارکان تصمیم‌گیری در این پژوهشکده به شرح زیر است: مؤسس، رئیس، شورای پژوهشی و هیئت امنا که از اعضاء زیر تشکیل شده است:

- سرپرست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (رئیس هیئت امنا)؛
- نماینده وزیر علوم، تحقیقات و فناوری؛
- نماینده رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛
- رئیس پژوهشکده (دبیر هیئت امنا)؛

• ۳-۵ نفر متخصصان سوانح طبیعی و مهندسان ساختمان. حداقل ۲ نفر از این افراد باید از اعضاء هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور باشند که به پیشنهاد سرپرست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تأیید و حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری برای مدت ۴ سال منصوب می‌شوند و به‌طور همزمان، حداکثر می‌توانند عضو ۲ هیئت امنا باشند. پیشنهاد و انتصاب مجدد آنان بلامانع است و تا زمانی که افراد جدیدی به‌جای آنان منصوب نشده باشند به انجام وظایف و اختیارات قانونی خود ادامه خواهند داد.

منابع مالی

- اعتبارات بودجه عمومی که در ردیف مستقل ذیل بودجه سالیانه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی پیش‌بینی می‌گردد؛
- درآمدهای حاصل از اجرای طرحهای پژوهشی، ارائه خدمات مشاوره‌ای، برگزاری کارگاهها و دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و عرضه محصولات علمی (کتاب، مجله و جز اینها)؛
- کمکهای دریافتی از وزارتخانه‌ها و دستگاههای مرتبط؛ و
- هدایا و کمکهای دریافتی از اشخاص حقیقی و حقوقی.

Pedestrianisation

راه رفتن از تواناییهای بالقوه و ذاتی انسان است. بنابراین، حرکت با پا حق طبیعی و مسلم همه ابنای بشر است. پیاده‌روی قدیمی‌ترین شکل جابه‌جایی انسان در فضا است که به دلیل کم‌هزینه بودن و یا دسترس بودن آسان برای کلیه اقشار جامعه، اصلی‌ترین الگوی جابه‌جایی در کانونهای زیستی بشمار می‌رود. با وجود پیدایش انواع دیگر جابه‌جائیها، به‌خصوص در جوامع شهری، تغییری در این شیوه به‌وجود نیامده و همگان آن را حق طبیعی خود در فضای شهری می‌دانند. از این‌رو، سهم قابل توجهی از جابه‌جائیها در فواصل کوتاه زیر یک کیلومتر، برای خرید، تفریح، دیدار، گذراندن اوقات فراغت، ورزش، رفتن به کار و ترکیبی از موارد فوق، با پا صورت می‌پذیرد. بر این اساس، می‌توان گفت، پیاده‌روی نیازمند امکانات مناسب، یعنی شبکه به هم پیوسته (خیابان، پارک، کریدورهای عابر)، وجود کاربریهای مختلط و کیفیت جذاب خیابان و نقاط دسترسی است، تا امکان بهره‌مندی عابران از فضای عمومی به‌نحو احسن صورت پذیرد. بر اساس کد کالیفرنیا (فصل 467(a))، عابر شخصی است که با پا یا هر وسیله دیگری که باعث حرکت او به جلو- به‌غیر از دوچرخه- شود، اطلاق می‌گردد. به سخن دیگر، عابر حق عبور از محل عبوری را با پا و یا به‌وسیله صندلی چرخدار، روروک برقی، عصای زیربغل، یا هر وسیله‌ای که به حرکت او با پا کمک کند، دارد. پیشرفت و تمدن بشر در گذشته و حال، نوعی مدیون حرکت پیاده است این نوع جابه‌جایی، هزاران سال تجربه شده و در واقع حرکت پیاده، ساختار سکونتگاهها را در طول تاریخ شکل داده است. وجود زیباترین مراکز قدیمی شهرهای کهن در تاریخ شهرنشینی جهان شاهدهی بر این مدعاست. حتی واحدهای اداری را نیز برحسب قابلیت شعاع دسترسی که برای وی مقدور بوده، تقسیم‌بندی می‌کردند. به یقین می‌توان گفت، بدون تردد پیاده، سایر اشکال دیگر تردد هم وجود نخواهد داشت. حرکت پیاده موجبات حمل و نقل عمومی و شخصی را

فراهم می‌سازد. به‌هر حال، پیاده‌روی بخشی از سفرهای شهری است و همه انسانها حداقل قسمتی از طول سفرهای خود را به‌صورت پیاده طی می‌کنند.

بر اساس آنچه در مجموعه قوانین پروس (۱۹۰۱-۱۹۰۶م) در مورد حق تقدم عابر برای حرکت در فضای خیابان آمده، تا سده ۲۰م برقرار بود، به‌نحوی که مسیرهای پیاده، بدون تجاوز به حقوق فردی، فقط برای حرکت پیاده تعیین شده بود.

به‌طور کلی، پیاده‌روی شامل تعبیری به‌شرح زیر است:

- پیاده‌روی به‌عنوان ورزش در جهت افزایش سلامتی و کاهش وزن؛
- پیاده‌روی به‌عنوان تنوع و پرسه زدن و گذراندن اوقات فراغت؛ و
- پیاده‌روی به‌عنوان جابه‌جایی برای هدف خرید- کار.

امروزه، معابر پیاده، به‌خصوص در محیطهای شهری شلوغ و پر ازدحام، عرصه انسان و انسان، انسان و وسیله نقلیه، و انسان و موانع فیزیکی ثابت و متحرک است.

فعالیت پیاده را به ۲ دسته عمده می‌توان تقسیم کرد:

۱. فعالیت پیاده پویا، به‌طور مشخص شامل راه رفتن و پرسه زدن؛ و
۲. فعالیت پیاده ایستا، مثل نشستن، ایستادن، چمباته زدن، دراز کشیدن، خوردن، بازی کردن، خوابیدن، کار کردن و مانند آن.

این فعالیتها برحسب فرهنگها بسیار متفاوت است و ممکن است از نظر مردم قابل قبول باشد و یا فرهنگ عمومی آنها را به‌سادگی نپذیرد. فضایی که عابر پیاده برای حرکت نیاز دارد، به‌طور متوسط ۲۵ فوت مربع برای هر نفر است. بنابراین، معابر پیاده باید فضای اضافه‌ای برای مانور عابرین به میزان جریان ترافیک عبور کننده از کنار دیگر عابران که آهسته حرکت می‌کنند و جهت پرهیز از برخورد با عابرانی که از روبرو می‌آیند، و یا پیاده، راه را قطع می‌کنند، در نظر گیرند. این فضای اضافی برای ادراک سرعت و جهت حرکت دیگران و واکنش در تقابل آنها بدون تصادم و درنگ لازم است.

ویژگیها

- پیاده‌روی به فضاهای شهری جنب‌وجوش و حرکت می‌بخشد؛
- میزان ادراک محیطی انسان، نظیر مشاهده مکانها و فعالیتها برای پیاده، در مقایسه با سایر وسایل نقلیه، بسیار بیشتر است و احساس کشف ارزشها و جاذبه‌های نهفته در محیط برای عابر از طریق پیاده‌روی فراهم می‌گردد؛ و
- امکان با هم بودن افراد زیاد در محیط اجتماعی، فقط از طریق پیاده میسر است.

عوامل اثرگذار بر حرکت عابر

عوامل بی‌شمار فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی نظیر ایمنی، امنیت، راحتی، زمان و مکان و شرایط اقلیمی، هزینه، موانع (فیزیکی، بصری، اجتماعی و فرهنگی)، کیفیت محیط حرکت (فیزیکی، آلودگی هوا، صدا، دیداری)، نوع پوشش، شرایط فیزیکی عابر (زن، مرد، کودک، جوان، سالخورده، معلول جسمی)، زیبایی و جذابیت مسیر، در جابه‌جایی حرکت عابر پیاده اثرگذار است، اما براساس نظریه راپاپورت (۱۹۸۹م)، حرکت و رفتار عابر پیاده، به‌طور کلی، متأثر از ۲ پارامتر فیزیکی و فرهنگی - اجتماعی است. از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر حرکت عابر پیاده، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- پیوستگی مسیر پیاده، نیازمند شبکه‌ای پیوسته و مناسب پیاده‌رو زمینی و زیرزمینی و گره‌های بامعناست که همه مبدأها را به مقصدها، بدون وقفه و بریدگی، ارتباط دهد؛
- کوتاهی و جذابیت مسیر حرکت، پیاده‌ها به فاصله‌ای انتخابی فوق‌العاده حساسند و عموماً کوتاه‌ترین مسیر را انتخاب می‌کنند؛
- زیبایی و امنیت، پیاده‌ها در محله‌های خلوت خود را کاملاً بی‌دفاع حس می‌کنند و به مسیرهایی نیاز دارند که تنها نبوده یا به عبارتی، چشمانی ناظر حرکت آنها باشد. در این صورت است که آنها احساس امنیت می‌کنند و به علاوه، در صورت زیبایی مسیر حرکت، با احساس بهتری از آن عبور می‌کنند؛
- ایمنی، از فاکتورهای فیزیکی است که به عرض عبور پیاده، حجم ترافیک وسایل نقلیه و عدم تداخل حرکت

براساس جلد ۱۰ آئین‌نامه طراحی راههای شهری، مسیر پیاده دارای ویژگیهای زیر است:

- مسیر پیاده. محل عبور مجاز پیاده‌هاست؛
- پیاده‌رو. مسیر پیاده‌ای است موازی سواره‌رو، ولی مجزا از آن؛
- راه پیاده (معبّر). مسیر پیاده‌ای است با امتداد مستقل و مجزا از مسیر ترافیک؛
- خیابان مخصوص پیاده. خیابانی است که به‌منظور برتری دادن به محیط، ورود اتومبیل‌های سواری را به آن ممنوع می‌کنند و ورود سایر وسایل نقلیه موتوری به آن تنظیم می‌شود؛
- بازار. راه میانه‌ای است که در یک یا هر دو طرف آن مغازه و فروشگاه واقع باشد؛
- بازارچه. بازار کوچکی است، واقع در مرکز محله، و معمولاً در محل تلاقی راههای پیاده قرار دارد؛
- راسته بازار. بازاری است، واقع در امتداد یک راه پیاده مهم؛ و
- میدانگاه. محوطه وسیعی است محل عبور و تقاطع مسیرهای پیاده.

مزایای پیاده‌روی

- پیاده‌روی هنوز هم اصلی‌ترین طرز جابه‌جایی افراد در داخل شهرهاست که در مقایسه با سایر شیوه‌های جابه‌جایی، دارای مزیت‌های زیر است:
- منابع انرژی غیرقابل تجدید را مصرف نمی‌کند؛
 - آلودگی به‌وجود نمی‌آورد؛
 - هزینه تأمین شبکه مناسب پیاده‌روی در مقایسه با سایر وسایل نقلیه ناچیز است؛
 - پیاده‌روی از نظر وقت، انعطاف‌پذیر و دارای خودتنظیمی است؛
 - در صورت فراهم بودن شرایط آن، توزیع عادلانه دسترسی به امکانات شهری را برای همگان به‌وجود می‌آورد؛
 - به سلامت و نشاط افراد کمک می‌کند؛

عابر پیاده در معرض تغییرات جوی قرار دارد، ولی همواره خود را با شرایط جوی مختلف تطبیق می‌دهد. هیچ وسیله نقلیه شخصی در خشکی دارای چنین قابلیت صعود بالایی به مانند عابر پیاده نیست؛ او می‌تواند با نردبان و با کمک گرفتن دستها به ارتفاعات مختلفی صعود کند.

همچنین حرکت آهسته به شخص اجازه می‌دهد تا اطلاعات زیادی را از اطراف خود کسب کند و در برابر آنها، از خود واکنش سریع و محسوس نشان دهد. جاذبه هر سفر پیاده‌ای نسبت مستقیم با کوتاهی مسیر دارد. سفرهای پیاده در محیطهای جذاب، کوتاه‌تر احساس می‌شود. علاوه بر تحرکات بصری، فشارهای صوتی نیز نقش مهمی را در جذابیت یا عدم جذابیت سفر ایفا می‌کند. سفر پیاده‌ای که در امتداد نهر آب یا نجوای آهسته آب روان طی می‌شود، با سفر پیاده‌ای که در امتداد خیابانی با مسیر پُر رفت‌وآمد انجام می‌گیرد، متفاوت است.

سرعت و تراکم عابر پیاده

بر اساس تعریف، سطح آزاد عابر یا تردد یک طرفه بدون مزاحمت عابر را سطح سرویس (جابه‌جایی) عابر می‌نامند. سرعت عابر برابر است با میزان جابه‌جایی عابر به متر در ثانیه. همچنین تراکم عابر پیاده برابر است با تعداد عابر در واحد مترمربع.

کیفیت روان بودن جریان تردد در جریانهای رفت‌وآمد عابر پیاده را سطح سرویس می‌نامند.

طرحهای جامع پیاده

طرحهای جامع برنامه‌هایی هستند وسیع و فراگیر که توسعه جدید شهرها را برای افق ۲۰-۲۵ ساله مورد نظر قرار می‌دهند (← برنامه‌های شهری). تهیه این طرحها از دهه ۱۹۶۰م به بعد متداول گشت. در این طرحها، به‌طور کلی، به مسائل کلان، همچون حمل‌ونقل، کاربری اراضی (← کاربری زمین)، مقررات ساخت‌وساز، شبکه‌های ارتباطی و... پرداخته می‌شود، اما به کیفیت

سواره و پیاده در مسیر حرکت پیاده، عدم روشنایی مسیرهای پیاده، وجود جویهای سرباز، کف‌سازی محیط حرکت و موانع موجود بر سر راه ارتباط دارد؛ و

- راحتی، تندی شیب مسیر، لغزنده نبودن کف مسیر حرکت، عرض کافی تغییر ناگهانی (پله‌های منفرد)، وضعیت تخلیه آبهای سطحی (باران) و نحوه محافظت پیاده‌روها در مقابل باد و باران، تابش آفتاب و ریزش برف و باران تأثیر بسزایی در راحتی حرکت پیاده‌ها دارد.

ویژگیهای عابر پیاده

۲ ویژگی انعطاف‌پذیری و خودتنظیمی نسبتاً سریع باعث تمایز حرکت عابر پیاده با سایر انواع تردد می‌شود.

قابلیت انعطاف‌پذیری بسیار زیاد پیاده این امکان را می‌دهد که تا به دلخواه، خود را با شرایط مختلف طبیعی وفق دهد: از راه رفتن با پای عریان درون صندلهای رُمی گرفته تا کفشهای میخ‌دار کوهستانی اقوام آلپ. در شرایط زمستانی نیز در کنار کفشهای مخصوص برف و اسکی، می‌توان وسایل کمکی میخ‌دار، مانند چنگک را هنگام صعود به کار گرفت. وسایلی که نه فقط برای راه رفتن، بلکه حمل‌ونقل بار در کوهستان را بدون تخریب طبیعت، امکان‌پذیر می‌سازد.

از آنجا که انسان پیاده به فضای کمی نیاز دارد، به راحتی عبور خود را با ناهموارترین اراضی تنظیم می‌کند. گرچه



پیوند(های) روستایی - شهری

Rural-Urban Linkage(s)

پیوندهای روستایی - شهری حاصل تعامل دوسویه (reciprocal) سکونتگاههای روستایی و کانونهای شهری در عرصه منطقه‌ای هستند و از طریق جریانهای مختلف - از جمله جریان افراد، کالاها، اطلاعات، فناوری، نوآوری و مانند آن - شناسایی می‌شوند. از لحاظ نظری، تحقق این‌گونه جریانها در بستر دگرگونیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، با تنوع و تقویت اشتغال در محیطهای روستایی همراه است. از این رو، پیوندهای روستایی - شهری در تنظیم و بیان سیاستهای توسعه با هدف کاهش فقر و حمایت از نقش مثبت مراکز شهری در توسعه نواحی روستایی پیرامونی مورد تأکید کارشناسان توسعه قرار دارد.

این پیوندها، برخلاف روابط سنتی شهر و روستا (← روابط شهر و روستا) که عمدتاً گویای نوعی روابط سلطه است، به واسطه تعامل دوسویه و مجموعه‌ای از جریانهای مکمل تبیین می‌شوند. براین مبنای، پیوندهای روستایی - شهری را می‌توان از ۲ منظر یا سطح مورد بررسی قرار داد:

- پیوندها در عرصه فضا (نظیر جریانهای افراد، کالاها، سرمایه، اطلاعات، فناوری و حتی مواد زائد)؛ و
- تعامل در سطح بخشها (تعامل بخشی)، شامل فعالیتهای روستایی که در نواحی شهری به انجام می‌رسند (← کشاورزی شهری) یا فعالیتهایی که اغلب به‌عنوان شهری طبقه‌بندی می‌شوند (نظیر صنعت و خدمات)، اما در نواحی روستایی جریان دارند.

مایک داگلاس (۱۹۹۸م) در بررسی تطبیقی ۲ پارادایم قطب رشد (← قطب رشد) و شبکه منطقه‌ای (← شبکه منطقه‌ای، راهبرد)، خصوصیات پیوندهای روستایی - شهری را چنین بیان می‌کند:

- پیوندهای روستایی - شهری متنوع هستند و گستره آنها حوزه نفوذ شهرهای بزرگ را دربر دارد. براین مبنای، تجمع شهرها و روستاها در یک واحد منطقه‌ای توسعه می‌تواند از

محیطی، عبور و مرور عابر پیاده، منظر شهری (← منظر شهری)، سیمای شهری و مانند آن کمتر عنایت می‌شد. در سالهای اخیر، تهیه طرحهای جامع پیاده در شهرهای بزرگ اروپا، امریکا و کانادا متداول شده است. این طرحها بر محور ارتقاء کیفیت محیط شهری، به‌خصوص از دید جابه‌جایی عابر پیاده، استوار هستند.

پیاده از دید مسائل اجتماعی

جین جیکوبز معتقد است، پیاده راه به‌عنوان فضای عمومی شهری، قادر است مردمی را که یکدیگر را نمی‌شناسند، در صحنه اجتماع گردهم آورد. این نکته ظاهراً بسیار جزئی و بی‌اهمیت به نظر می‌رسد، اما باید توجه داشت که مجموعه‌ای از این برخوردهای اتفاقی و عمومی در یک زمان و مکان شهری که لزوماً هیچ تعهد مشخصی را هم دربر ندارد، احساس اطمینان، هویت و حیات اجتماعی را برای ساکنان شهر فراهم می‌سازد.

مسائل و مشکلاتی که عابر - به‌طورکلی - در شهرها با آن روبروست، عبارتند از:

- مسائل فیزیکی معابر؛
- قوانین و مقررات؛
- مسائل محیطی؛
- امنیت و ایمنی؛
- دسترسی و پیوستگی؛ و
- آسایش.

کتاب‌شناسی:

- Fruin, J. *Pedestrian Planning and Design*. Metropolitan Association of Urban Design and Environment planners, Inc: New York, 1971.
- Appleyard, Donald. *Livable Streets*. Los Angeles: University of California Press, 1981.
- Jacobs, Jane. *The Death and Life of Great American Cities*, Random House: *The failure of Town Planning*. Harmondsworth: Penguin Books, 1961.

سید محمدمهدی معینی

متفاوت شکل می‌گیرند. به‌این ترتیب، با وجود تفاوت پیوندهای روستایی - شهری از یک منطقه به منطقه دیگر، ویژگی اصلی آنها این است که در مسیر توسعه، نویددهنده گذار از روابط سنتی سلطه‌جو به سوی پیوندهای متقابل و مکمل هستند.

کارشناسان توسعه در قالب سیاستگذاری و برنامه-ریزیهای منطقه‌ای، ضمن توجه به واقعیت‌های نوظهور جهانی - محلی مرتبط با یکپارچگی و ادغام هرچه بیشتر عرصه‌های روستایی - شهری در دنیای امروز، برای دستیابی به پیوندهای روستایی - شهری کارآمد بر جنبه‌های زیر تأکید می‌ورزند:

- تقویت توان حکمروایی محلی و منطقه‌ای؛
- ترغیب شیوه‌های مشارکتی توسعه، حمایت از برابری جنسیتی و هموارسازی زمینه‌های همیاری و همراهی تمامی اعضای جامعه؛
- محلی‌سازی پیوندهای تولیدی، به‌منظور تنوع‌بخشی به اقتصاد محلی؛
- همکاری در شکل‌دهی به گروه‌های همیار و تعاونی؛
- تأمین زیرساخت‌های عمومی و خدمات شهری و روستایی؛
- و
- تضمین امنیت و آسایش خیال در جابه‌جایی افراد، کالاها و سرمایه.

کتاب‌شناسی:

- تقی‌زاده، فاطمه. نقش بازارهای محلی در پیوندهای روستایی - شهری، مورد اردکان و باغملک، دانشگاه شهید بهشتی، گروه جغرافیا (پایان‌نامه تحصیلی دوره دکتری)، ۱۳۸۳.
- سعیدی، عباس. «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری»، *مجله علمی - پژوهشی جغرافیا*. دوره جدید، شماره ۱، ۱۳۸۲ (تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۴).
- سعیدی، عباس. «ناکارآمدی ساختاری - عملکردی نظام‌های فضایی ناحیه‌ای»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- سعیدی، عباس و عزیزپور، فرهاد. «شبکه‌های ناحیه‌ای و توسعه محلی با تأکید بر پیوندهای روستایی - شهری»، *مجله علمی - پژوهشی جغرافیا*. دوره جدید، شماره ۲، ۱۳۸۲ بهار و تابستان ۱۳۸۳ (تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۵).
- Douglass, Mike. "A Regional Network Strategy for

تنوع (فعالیتها) و همچنین توانهای مکمل موجود بین مراکز مختلف و بین هر مرکز و حوزه نفوذ بلافصل آن بهره‌مند شود. در این چارچوب، روابط بین مراکز (شهری و روستایی) بیشتر افقی، مکمل و دوسویه خواهد بود؛

- به‌این ترتیب، پیوندهای روستایی - شهری موجب شکل‌گیری شبکه‌های (کوچک) ناحیه‌ای، با تراکم متفاوت، در سطح منطقه و فراتر از آن می‌شوند که براساس نحوه برقراری جریان کالاها، مردم و نظایر آن، در بین سکونتگاهها مورد شناسایی قرار می‌گیرند؛ و نهایتاً
- این شبکه‌های مرتبط و به‌شدت تعاملی، با فراهم ساختن سطحی از تجمع و تنوع اقتصادی، به‌مراتب بهتر از یک قطب رشد یا مناطق کلانشهری عمل کنند. کاهش فاصله زمانی بین سکونتگاهها، به‌واسطه شبکه‌های نوین ارتباطی و حمل‌ونقل، این امکان را فراهم آورده است که شهرها و روستاهای پراکنده و دورافتاده با یکدیگر در پیوند قرار گیرند و طیف وسیع و مؤثری از تعامل را فراهم سازند.

پیوندهای روستایی - شهری مؤید این واقعیت است که توسعه شهری و روستایی به‌نحوی متقابل و یکپارچه به یکدیگر وابسته است. البته این تصور نادرست است که این پیوندها در همه شرایط الزاماً با منافع متقابل برای شهرها و روستاها همراه خواهد بود، زیرا این امر، در شرایط متفاوت، ممکن است به نابرابری فضایی و آسیب‌پذیری بیشتر گروه‌های کم بهره‌مند (روستایی) منجر شود.

باید توجه داشت که شکل پیوندهای روستایی - شهری به‌شدت تحت تأثیر تحولات کلان، از جمله روند جهانی شدن، تعدیل ساختاری و اصلاحات اقتصادی، که هم بر جوامع شهری و هم روستایی اثرگذار است، قرار دارد. در همین ارتباط، ناامنی شغلی و افزایش عمومی قیمت‌ها در نواحی شهری، آزادسازی تجارت و رشد کشاورزی مبتنی بر صادرات، در به حاشیه کشاندن دهقانان خرد که به اجبار باید به اشتغال غیرکشاورزی و یا مهاجرت تن در دهند، نقش مهمی ایفا می‌کند. البته، همیشه و همه‌جا عوامل اقتصادی نیستند که نوع پیوندهای روستایی - شهری را مشخص می‌سازند، بلکه این پیوندها، درعین حال، تابع عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی حاکم در سطح منطقه هستند و براین مبنای، به‌نحوی

- Reciprocal Rural-Urban Linkages”, *TWPR*. 20(1), pp. 1-33, 1998.
- Friedmann, John. *Cities in a Global Age: Critical Areas of Theory and Research*. East Lansing: University of Michigan, 2003.
 - Iauinta, D.L. & Drescher, A.W. “Defining Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institutional Contexts”, *Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association*. Rio de Janeiro, 2000.
 - Jerve, A.M. “Rural-Urban Linkages and Poverty Analysis”, *Choices for the Poor*. UNDP, Oslo (Norway), pp. 89-120, 2001.
 - Lynch, Kenneth. *Rural-Urban Interaction in the Developing World*. London: Routledge, 2005.
 - Rabinovitch, J. *Placing Rural-Urban Linkages in the Developing abate*, UNDP, 2001.
 - Satterthwaite, D. “Seekinig an Understanding of Poverty that Recognizes Rural-Urban Differences and Rural-Urban Linkages”, *The World Bank’s Forum on Urban Poverty Reduction in the 21st Century*. April 2000.
 - Stterthwaite, D. & Tacoli, C. *The Role of Small and Intermediate Urban Centres in Regional and Rural Development*. Washington: World Bank, 2003.
 - Tacoli, C. “Rural-Urban Interactions”, *Environment and Urbanization*. Vol. 10, No. 1, April 1998.
 - Tacoli, C. *Bridging the Divide: Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies*, *IIED, Gatekeeper Series*. No. SA77, London, 1998.
 - Van Veenhuizen. *The Rural Urban Interface*. Leusden (The Netherlands), 2002.

عباس سعیدی

ت

تأمین اجتماعی

بازنشستگی، از کار افتادگی یا بیماری از کمکهای این صندوق بهره‌مند می‌شوند؛

- خدمات بهداشتی و درمانی که در سده ۲۰م بخش عمده هزینه‌های آن را دولت‌ها عهده‌دار شده‌اند. این خدمات ممکن است توسط بیمارستانها و درمانگاههای دولتی عرضه شود و یا به صورت یارانه به کسانی که از خدمات درمانگاهها و بیمارستانهای خصوصی استفاده می‌کنند، پرداخت شود؛
- برنامه‌های کاهش فقر؛ و
- کمک به شهروندان فقیر و قشرهای آسیب‌دیده برای بالابردن سطح زندگی همگانی در جامعه.

پیشینه

امنیت اقتصادی از نیازهای اولیه بشر است. با این حال، بیمه‌های اجتماعی در شکل کنونی که به یک نظام منسجم و ملی تبدیل شده است، محصول جامعه سرمایه‌داری، به‌ویژه دوران پس از انقلاب صنعتی و پیدایش جوامع مدرن است. در جوامع سنتی، نظام پدرسالاری و خویشاوندی نوعی حمایت از نیازمندان را در برداشت. در دوران باستان و سده‌های میانه، دینهای بزرگ مثل یهودیت، مسیحیت و اسلام، حمایت از نیازمندان را جزئی از وظایف جماعت مؤمنان و حکومتها بشمار می‌آوردند.

در دنیای جدید، همراه با دگرگونی در نظام تولید، به‌شکلهای تازه‌ای از حمایت‌های اجتماعی نیاز افتاد. رشد نظام تولید سرمایه‌داری که متضمن از هم پاشیدن جامعه سنتی، اجتماعات محلی و از سوی دیگر، پرولتریزه شدن توده‌های وسیعی از مردم، همچنین رشد شکل جدیدی از بهره‌گیری از نیروی کار در قالب مناسبات مزدببری بود،

Social Security

تأمین یا امنیت اجتماعی به معنی آسایش خیال و فارغ بودن از ترس و نیازمندی برای افراد یک جامعه است. گرچه اصطلاح تأمین اجتماعی و امنیت اجتماعی معنای گسترده‌ای دارد و مواردی چون امنیت روانی را نیز شامل می‌شود، ولی اغلب و در وهله اول، مفهوم اقتصادی آن مد نظر قرار می‌گیرد. تأمین اجتماعی همچنین به مجموعه‌ای از برنامه‌های دولتی در رابطه با تدارک خدمات به‌منظور حمایت از شهروندان در برابر مسائلی چون پیری، بیماری، بیکاری، از کارافتادگی و فقر اطلاق می‌شود. اصطلاح تأمین اجتماعی معنای وسیعی دارد و در بسیاری مواقع با ۲ مفهوم بیمه اجتماعی و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) همپوشی زیادی دارد. اصطلاح تأمین اجتماعی در معنای محدود خود، با اصطلاح بیمه اجتماعی به‌صورت هم‌معنا به‌کار می‌رود، اما در معنای وسیع، حیطه گسترده‌ای از حمایت‌های عمومی از شهروندان در برابر انواع نیازمندیها، از بازنشستگی گرفته تا فقر را شامل می‌شود.

در کشورهای پیشرفته امروزی خدمات تأمین اجتماعی حیطه وسیعی را دربر می‌گیرد که می‌توان آن را به ۴ دسته عمده تقسیم کرد: بیمه اجتماعی که گسترده‌ترین بخش تأمین اجتماعی است. این بیمه در کشورهای مختلف شکل و حیطه متفاوتی دارد. رایج‌ترین شکل بیمه‌های اجتماعی به این صورت است که افراد شاغل در دوران اشتغال مبلغی را به‌نسبت دستمزد، حقوق یا درآمد خود به صندوقی به نام صندوق بیمه پرداخت می‌کنند و در عوض، بهنگام بیکاری،

شکلهای تازه‌ای از تأمین اجتماعی را ایجاد کرد. در ابتدای رشد جوامع صنعتی، نظام جدیدی از بیمه به‌طور خودانگیخته در میان توده‌های کارگر رشد یافت. این شکل از بیمه بدین ترتیب بود که اعضاء مبالغی را در صندوق مشترکی ذخیره می‌کردند، تا هنگام ناتوانی، بیماری یا پیری از آن برداشت کنند. این نوع بیمه‌ها طبعاً پاسخگوی نیازهای روزافزون جوامع صنعتی نبود. بنابراین، نیاز به شکلهای نوینی از بیمه بود که از پشتوانه حمایت دولتی بهره‌مند بود، مطرح شد.

نخستین نظام بیمه از نوع جدید در ۱۸۸۳م در آلمان برای حمایت از بیماران تأسیس شد. در ۱۸۸۹م، در این کشور بیمه اجباری پیری و آسیب‌دیدگی استقرار یافت. بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی نیز کمک به سازمانهای خودانگیخته بیمه را آغاز کردند. در انگلستان در ۱۹۱۱م، بیمه‌های اجباری برای بیکاری و در ۱۹۲۵م، بیمه اجباری برای پیری تأسیس شد. در ایالات متحد، بیمه‌های اجتماعی دیرتر از سایر کشورها و در ۱۹۳۵م برقرار شد. در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، بیمه‌های اجباری در کشورهای صنعتی گسترش زیادی پیدا کرد و به کشورهای در حال توسعه نیز بسط یافت.

رابطه تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی

۲ مفهوم رفاه اجتماعی یا دولت رفاهی و تأمین اجتماعی معنای نزدیکی دارند. با این حال، مفهوم رفاه اجتماعی معنی گسترده‌تری دارد و تمرکز آن بر نظامی از تخصیصها در یک جامعه است که معطوف به توزیع منافع اجتماعی به صورتی است که کلیه افراد جامعه از سطح معینی از زندگی برخوردار شوند. به‌طور معمول، رفاه اجتماعی به آن تخصیصهایی گفته می‌شود که مقصود از آن، کمک به اعضای کم‌بهره، فقیر و کم توان جامعه است. در سالهای اخیر، این اصطلاح بیشتر به برنامه‌هایی اشاره دارد که هدف از آن، تأمین زندگی کیفی برای تمام شهروندان است. تأمین چنین شرایطی مستلزم اقدامات زیر است:

- فراهم کردن حداقل شرایط زندگی در انطباق با معیارهای تعریف شده برای همه مردم؛

- ترمیم خسارتهای افراد و جماعتها بهنگام آسیب‌دیدگی، ناتوانی یا هر نوع زیان وارد آمده از جانب جامعه؛
- تضمین آینده جامعه از طریق برنامه‌های آموزشی، پیشگیری از بیماریها، تأمین سلامت؛
- تلاش برای مصون داشتن اجتماع از جرائم؛
- کمک به افراد بهنگام دشواریهای مقطعی که ممکن است بدان دچار شوند؛ و
- فراهم کردن شرایط مطلوب برای نیروی کار از حیث سلامت، آموزش و درآمد.

به این ترتیب، دغدغه نظام رفاه اجتماعی تضمین زندگی کیفی و کیفیت زندگی برای همگان است.

دولت رفاهی در نظر و عمل، بر این فرض استوار است که در جوامع پیشرفته امروزی، با توجه به سطح توسعه اقتصادی، این امکان و ضرورت وجود دارد که حکومت، چه در قالب حکومت مرکزی و چه در چارچوب حکومت محلی، بخشی از مازاد اقتصادی را جمع‌آوری و آن را به وجه تعریف شده و برنامه‌ریزی شده، بازتوزیع کند. بخش خصوصی اگر به حال خود وا گذاشته شود که مازاد را برای سرمایه‌گذاری مجدد و مصرف خصوصی به کار خواهد گرفت و معلوم نیست که این شیوه کاربرد، همواره با مصالح جامعه تطبیق داشته باشد. دولتهای امروزی دولتهای مدیر هستند و بدون مدیریت اقتصادی و اجتماعی، اداره امور جوامع امروزی امکان‌پذیر نیست.

اینکه آیا مداخله دولت در امور اقتصادی مطلوب است یا خیر و اگر مطلوب است، باید به چه نحو باشد، بحثی است که دامنه درازی دارد. جوهر بحث درباره مطلوب یا نامطلوب بودن مداخله دولت در اقتصاد در ۲ مفهوم کارایی و برابری یا عدالت (← عدالت) خلاصه می‌شود. مخالفان مداخله دولت در اقتصاد معتقدند، چنین مداخله‌ای به زیان کارایی اقتصادی است و موافقان مداخله دولت نیز چنین مداخله‌ای را به ملاحظه برابری یا عدالت ضروری بشمار می‌آورند. می‌توان چنین گفت که مسئله کلیدی سیاست اجتماعی و مدیریت اقتصادی و اجتماعی دولت باید ایجاد توازن بین این ۲ مطلوب، یعنی کارایی و برابری باشد.

۱. در جوامع امروزی به‌عنوان جوامع مبتنی بر مناسبات سرمایه‌داری، تولید صنعتی و نظام مزدببری، حمایت از نیازمندان، به‌ویژه در مقوله بازنشستگی را نمی‌توان به شیوه سنتی حل و فصل کرد؛ و

۲. چنان‌که نظریه جان مینارد کینز گویای آن است، هزینه‌های اجتماعی نقشی سلامت‌بخش در نظام سرمایه‌داری دارد، به این معنی که چنین هزینه‌هایی بحران عدم تعادل بین تولید و مصرف را که از زمره بحرانهای ساختاری نظام سرمایه‌داری است، رفع و رجوع می‌کند.

• **فشارهای ایدئولوژیک.** این نوع فشارها هم در درون دولتهای حاکم وجود دارد و هم در بیرون از آن. در درون دولتهای کشورهای پیشرفته و همچنین در حال توسعه، برخی از طیفهای عقیدتی مدافع سیاستهای اجتماعی و توسعه برنامه‌های تأمین اجتماعی هستند. در بیرون از حکومتها نیز ایدئولوژیهای مدافع کمک به توده‌های کم درآمد، طیف گسترده‌ای از نگرشهای مذهبی تا مارکسیستی را دربر می‌گیرد. سوسیالیستها حتی برخی از جریانهای لیبرال در میانه این دو قطب قرار می‌گیرند. در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، رشد جنبشهای فکری از نوع سوسیال-دموکراسی زمینه‌ساز حمایت از برنامه‌های تأمین اجتماعی بود. سالهای بعد از جنگ تا دهه ۱۹۸۰م دوران طلایی سیاستهای سوسیال-دموکراتیک بود.

• **فشارهای سیاسی.** این فشارها هم از بالا توسط سیاستمدارانی صورت می‌گیرد که می‌خواهند آراء مردم را جلب کنند و هم از پائین توسط تشکلهای مختلف صنفی و سیاسی، به‌ویژه تشکلهای کارگری، اعمال می‌شود.

ارزیابی برنامه‌های تأمین اجتماعی

در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰م، حرکت گسترده‌ای در همه کشورها، به‌ویژه کشورهای صنعتی، برای گسترش تأمین اجتماعی صورت گرفت. هم شرایط اقتصادی و هم انگیزه‌های سیاسی مساعد حرکت در این راستا بود. در عرصه اقتصادی، ۲ دهه رشد سریع و مداوم منابع مادی قابل توجهی را فراهم کرده بود. در چنین شرایطی بود که بسیاری از کشورهای پیشرفته

بنابراین، حد مطلوب مداخله دولت، حرکت بر مداری است که از یکسو با مداخله بیش از حد و ناهنجار مانع رشد کارایی اقتصاد نشود و از سوی دیگر، با رها کردن ملاحظات برابری و عدالت، مدافع تشدید شکافها و تنشهای اجتماعی نباشد. باید اذعان کرد که تعیین چنین خط تعادلی همیشه کار آسانی نیست، اما در این آزمون، توانایی مدیریتی دولت نمایان می‌شود.

تاریخ بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که در برخی دوره‌ها موضوع برابری و در بعضی دیگر، کارایی اقتصادی در کانون توجه دولتها قرار داشته است. برای نمونه در دهه ۱۹۶۰م و بخشی از دهه ۱۹۷۰م برابری مورد تأکید بوده است، اما در دهه ۱۹۸۰م، دوره جدیدی در سیاستهای اجتماعی آغاز شد که سیاستهای دولت رفاهی مورد نقد قرار گرفت و چنین سیاستهایی مسئول ناکارآمدی عرصه اقتصادی و رکود اقتصاد در کشورهای پیشرفته صنعتی بشمار آمد. با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران در دولتهای ایالات متحد و انگلستان در سالهای دهه ۱۹۸۰م، سیاستهای رفاه اجتماعی مورد تهاجم قرار گرفت. ایالات متحد از تمام اهرمهای عظیم اقتصادی و دیپلماسی خود برای تحمیل سیاستهای نومحافظه‌کارانه بر بسیاری از نهادهای بین‌المللی و کشورهای جهان بهره گرفت. علاوه‌براین، بسیاری از سیاستمداران، دولتمردان و روشنفکران در سطح جهان، ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری متأخر را به پای سیاستهای دولت رفاهی و تأمین اجتماعی نوشتند و برای بیرون آمدن از رکود یا پیشبرد توسعه، دست به دامان بازار آویختند. اکنون پس از گذشت دست‌کم ۲ دهه از غلبه سیاستهای نولیبرالی بر اقتصاد جهان، می‌توان گفت که این سیاستها نه تنها مشکلات اقتصادی و اجتماعی جهان را حل نکرده، بلکه بر شکافهای اقتصادی و اجتماعی در سطح جهان افزوده است.

ضرورت برنامه‌های تأمین اجتماعی

سیاستهای تأمین اجتماعی در جوامع امروزی زائیده عوامل چندی است:

• **نیازهای کارکردی** که خود ۲ وجه عمده دارند:

تجدد

Modernity

به دوره‌ای از تاریخ اروپا اشاره دارد که با تحولات عمیق فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با مضمون عقلانی شدن، عرفی شدن، صنعتگرایی و رشد بی سابقه شهرنشینی مشخص می‌شود. تحولات مرتبط با تجدد را به شیوه‌های مختلفی مفهوم‌بندی کرده‌اند. عقلانی شدن، عرفی شدن (سکولاریسم)، تمایز یابی و رشد تفرد از جمله چارچوبهایی هستند که در قالب آن خواسته‌اند تحولات مرتبط با تجدد را به صورت بندی‌های علمی وارد کنند. تجدد به واسطه تحولات چندی نسبت به دوره پیش از خود، به طور کیفی، متمایز می‌شود. در برخی تحلیلها برای این تحولات ۳ وجه عمده بر شمرده‌اند:

- نخست وجه فرهنگی که با عطف توجه به عقل و تجربه‌گرایی مشخص می‌شود. رشد آگاهی علمی، عرفی‌گرایی و عقلانیت/بزاری از مشخصات این وجه از تجدد است؛
- تجدد در وجه دوم، با شیوه‌ای از زندگی مشخص می‌شود که متکی به رشد صنعتی، اقتصاد بازار، تحرک اجتماعی، تحکیم دولت-ملت‌هاست؛ و
- وجه سوم تجدد، نگرش به انسان است. تجدد برخلاف نگرش سنتی، انسان را به‌عنوان فرد، آزاد، خودآئین و خود-کنترل می‌بیند؛ درحالی‌که نگرش سنتی به انسان، او را در وهله اول، عضو جماعت و نیازمند کنترل بیرونی (آسمانی یا زمینی) مشاهده می‌کند.

تجدد و تحولات اقتصادی

تجدد را در قیاس با آنچه پیش از آن در تاریخ بشر بوده است، بهتر می‌توان درک کرد. خواه آغاز دوره جدید یا عصر مدرن را قرن ۱۶م بگیریم یا قرن ۱۷م یا هر مقطع دیگر، به هر حال، جامعه مدرن از نوع جامعه صنعتی است که از درون جامعه کشاورزی بیرون آمده است. جامعه کشاورزی بیش از ۵ هزار سال در تاریخ بشر دوام داشته است. نیرویی که جامعه نو را می‌سازد، همواره نیرویی

از ۱۰ تا ۳۰٪ از درآمد ملی خود را به برنامه‌های تأمین اجتماعی و رفاه عمومی اختصاص دادند. اما از دهه ۱۹۸۰م، با غلبه نومحافظه‌کاران بر سیاست و گسترش موج نئولیبرالیسم در عرصه ایدئولوژیک و فکری، این حرکت کند شد. سیاستهای تأمین اجتماعی با اینکه دستاوردهای مهمی به همراه داشته است، هنوز با مقصود تعادل اجتماعی و ترمیم شکافهای اقتصادی و اجتماعی فاصله زیادی دارد. تداوم امواج حاشیه‌نشینی و سرریز شدن محله‌های فقیرنشین از انبوه توده‌های بیکار و بی‌چیز در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی (چه جای صحبت از کشورهای توسعه نیافته؟) نشانگان آسیبهای اجتماعی عمیقی است که گاه، چنان‌که در حوادث ۲۰۰۶م در فرانسه بروز کرد، منشأ انقلابهای شهری در حاشیه شهرها است (← انقلاب شهری).

کتاب‌شناسی

- Bean, P. Ferris, J. and Whyne, D. (eds). *In defence of Welfar*. London: Taristock. Pulications, 1985.
- *Collier's Encyclopedia*, MacMillan Educational Company, 1991.
- George, V. and Wilding, P. *The Impact of social Policy*. London: Routledge, 1984.
- Hawkesworth, M. and Kocan, M. (eds). *Encyclopedia of Government and Politics*. Routledge, 1992.
- Morris, R. *Rethinking Social Welfare*. New York and London, 1986.
- Okun, A. *Equality and Efficiency: The Big Trade-off*. Washington, D.C: Brookings, Institution, 1975.
- Ponnison, D. *The Politics of Porerty*. Oxford: Martin Roberson, 1982.

کمال پولادی

تئوری مکان مرکزی ← مکان مرکزی، نظریه

شد، بلکه این جمعیت در مراکز جمعیتی شهری متمرکز شدند. شهرنشینی در تاریخ تمدن بشر سابقه‌ای طولانی داشته است، اما جهش در شهرنشینی از وجوه جامعه مدرن است. در تمدنهای باستانی تنها ۳ یا ۴٪ مردم در شهرها زندگی می‌کردند. در امپراتوری رم که با سطح بالای شهرنشینی صاحب شهرت بود تنها ۱۵٪ مردم در شهرها زندگی می‌کردند. به این ترتیب، در جامعه کشاورزی بیش از ۹۰٪ مردم در روستاها زندگی می‌کردند، در حالی که در جامعه صنعتی، درست در مقابل آن، ۹۰٪ مردم در شهرها زندگی می‌کنند. رشد بی سابقه شهرنشینی خاص کشورهای صنعتی نیست، بلکه امروزه در کشورهای در حال توسعه نیز روند شهرنشینی، حتی با شتابی بیشتر از کشورهای صنعتی، روبه افزایش است.

در نیمه اول سده ۲۰م، میزان جمعیت در کشورهای صنعتی ۵۰٪ رشد داشته، در حالی که در همین زمان میزان رشد جمعیت شهرها به رقم ۲۵۰٪ رسیده است. رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از این رقم بسیار بیشتر بوده است، از جمله در کشورهای افریقایی که رشد شهرنشینی در آنها از ۶۰۰٪ بالاتر رفته است.

تغییر در ساختار خانواده و ساختار اجتماعی

در جامعه کشاورزی، واحد اصلی تولید خانواده است؛ تمام اعضای خانواده، حتی کودکان، به صورت همیارانه برای تأمین معاش کار می‌کنند. اقتصاد خانواده یک اقتصاد خوداتکاء است. اما صنعتی شدن ساختار خانواده و اقتصاد خودبسنده را به کلی درهم ریخت. خانواده از واحد تولیدی به صورت واحد مصرفی درآمد. حتی بخشی از نقش اجتماعی کردن که هنوز برای خانواده باقی مانده، به نهادهای دیگر واگذار شده است. با تبدیل بخش بزرگی از نیروی کار کشاورزی به نیروی کار صنعتی و تراکم این نیروی کار در شهرها، بافت خانواده دگرگون شده است. خانواده از شکل گسترده به سمت تک هسته‌ای شدن پیش می‌رود. با جدا شدن توده‌های انبوه مردم از وسایل تولید، شکل‌های تازه‌ای از حمایت اجتماعی و تأمین اجتماعی (← تأمین اجتماعی) ضرورت پیدا کرده است.

واکنشی بوده است که بیشتر در قیاس با جامعه پیشین و در نفی و طرد آن معنا پیدا کرده است. مدرن شدن یا تجدد در کلی‌ترین وجه خود، با فرایند تفرد، انفکاک اجتماعی یا تخصصی شدن نیز معنا شده است. در ساختار جامعه مدرن، واحد اصلی اجتماعی فرد است، نه همچون جامعه کشاورزی، جماعت یا گروه. علاوه بر این، وظایف به صورتی تخصصی از یکدیگر تفکیک شده‌اند و نظامی پیچیده از یک تقسیم کار همه‌جانبه شکل گرفته است. چنین جامعه‌ای، برای مثال، با جامعه کشاورزی که در آن کارهای تولید، مصرف، اجتماعی کردن (کودکان) و تصمیم‌گیری تنها در واحد خانواده صورت می‌گرفت، متفاوت است. همچنین، در جامعه مدرن، برخلاف جامعه پیشین که در آن حقوق و تکالیف با امتیازات طبقاتی و گروه‌های منزلتی پیوند داشت، حقوق و تکالیف متکی بر قوانین و قواعد عام است. نهادهای جامعه مدرن بنا به اراده ملت و قواعد غیرشخصی اداره می‌شوند.

این مقایسه به هیچ وجه تمام خصوصیات جامعه مدرن را بیان نمی‌دارد. اگر به جامعه مدرن از دید اثباتی نگاه کنیم، می‌توان آن را دارای یک ساختار اقتصادی در مقام محور دید که به مثابه شالوده یا زیرساخت، بسیاری از وجوه روساختی جامعه را مشروط می‌کند. حتی با رد نگرش جبرگرایانه مارکسیسم عامیانه و با بیشترین تأکید بر روابط متقابل زیرساخت و روساخت، باز هم به جرأت می‌توان گفت، آنچه به طور ریشه‌ای تر بر ظهور جامعه صنعتی اثر گذاشته، تحولات اقتصادی بوده است. بسیاری از تحلیل‌گران سیمای تعریف‌کننده جامعه صنعتی، در مقابل جامعه غیرصنعتی را اقتصاد بشمار می‌آورند. رشد بی سابقه شاخصهایی چون تولید، سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، استفاده از فن‌آوریها و انرژیهای نوین، شکل‌گیری بازار آزاد (از قیود فئودالی) و کالایی شدن نیروی کار از مظاهر مهم جامعه مدرن در عرصه اقتصاد است.

تجدد و شهرنشینی

رشد صنعت الگوی زندگی را به کلی دگرگون کرد. طی این روند، نه تنها به شکل بی سابقه‌ای بر تعداد جمعیت افزوده

به‌همین ترتیب، ساختار اجتماعی نیز دگرگون شده است. با توجه به دگرگونی در اشتغال و نهادهای اقتصادی، قواعد تازه‌ای در طبقه‌بندی افراد استقرار یافته که در آن موقعیت اقتصادی جای اصلی را گرفته است.

عقلانی شدن و عرفی شدن

تجدد را در بالاترین سطح انتزاع عقلانی شدن مفهوم‌بندی کرده‌اند. عقلانی شدن در نظریه ماکس وبر با «افسون‌زدایی از جهان» هم‌تراز بشمار آمده است. افسون‌زدایی به معنی خالی کردن جهان از نیروهای فرانسسانی و فراطبیعی است که در اندیشه‌ها و اعتقادات گذشتگان، جهان را از حضور خود انباشته کرده بودند. انسان مدرن به‌جای این نیرو، به تفسیر علمی از طبیعت و مناسبات اجتماعی اتکاء می‌کند. مفهوم عقلانی‌شدن معنایی گسترده‌تر از رشد جهان‌بینیهای علمی دارد. عقلانی‌شدن پدیده‌های مهم جامعه معاصر را، مثل رشد اقتصاد سرمایه‌داری که متضمن سازماندهی عقلانی کار و محاسبه عقلایی سود و زیان است و استقرار قوانین مدرن و سرانجام دیوانسالاری (← دیوانسالاری) مدرن را دربر می‌گیرد.

عرفی شدن نیز در اساس دارای ۲ وجه، ذهنی و عینی است. وجه ذهنی مدرنیته شدن عبارت است از جایگزین کردن اعتقادات و کردارهای دینی با بینشهای علمی و تجربی. وجه عینی عرفی شدن عبارت است از انتقال نهادها و کارکردهای دستگاههای مذهبی به متصدیانی که وجهه اصلی آنها مذهبی بودن نیست. عرفی شدن ذهنی، فرایندی است که با تاریخ اروپا پیوند درونی دارد، اما عرفی شدن عینی، تجربه‌ای است که تقریباً در همه جوامع امروزی به شکلهای گوناگون و میزانهای متفاوت جریان دارد. در اروپای سده‌های میانه کلیسای رومی بر قدرت سیاسی و نهادهای تولیدکننده و توزیع‌کننده دانشها نظارت تام داشت. امروز، این نهادها (دانشگاهها، آموزش و پرورش، مؤسسات تحقیقاتی) به سازمانهای دینی تعلق ندارند.

تجدد با جهانی‌شدن نیز پیوند داده شده است. آنتونی گیدنز معتقد است، تجدد ذاتاً گرایشی جهانی‌کننده دارد. او این گرایش را با میل دگرگونی مدام در برداشت از «خود»

که از ویژگیهای انسان مدرن است، مرتبط می‌داند. تجدد، در واقع، با تاریخ اروپا ارتباط دارد؛ در آنجا شروع شده، تکامل پیدا کرده و آنگاه به شکلهای گوناگون به سایر کشورهای دنیا سرایت یافته است. اما این واقعیت را نباید به این معنا گرفت که نفوذ تجدد به کشورهای دیگر به معنی غربی شدن است. بسیاری از نهادهای تجدد غرب، مثل نظام تولید سرمایه‌داری، صنعتگرایی، آموزش و پرورش نوین، مردمسالاری، شکل دولت-ملت و دولت مدرن از غرب به سایر نقاط جهان گسترش یافته است، اما این بدان معنا نیست که جهان غربی شده است یا غربی می‌شود. این نهادها در جریان انتقال اجباری یا داوطلبانه، ناگزیر باید با شرایط محلی وارد تعامل شوند و کم‌وبیش به‌صورت بومی درآیند. جذب هرچه بیشتر این نهادها، متضمن بومی کردن و محلی کردن آنها است؛ و کشورهای در زمینه جذب نهادهای تجدد موفق‌ترند که آنها را به‌نحو بهتری بومی سازند (نمونه ژاپن).

برخی از تحلیل‌گران انتقال تجدد را اصولاً ناممکن می‌دانند و معتقدند، آنچه در کشورهای غیراروپایی به‌صورت گسترش صنعت، شهرنشینی، استقرار نهادهای نوین سیاسی اتفاق افتاده است و می‌تواند اتفاق بیفتد، تنها نوسازی (← نوسازی) است و نه تجدد. این تحلیل‌گران معتقدند، تجدد تنها با دگرگون شدن نگرشهای سنتی و رشد نگرشهای جدید در ساخت فرهنگی عامه مردم میسر است و این نیاز به یک دگردیسی سراسری فرهنگی دارد.

کتابشناسی:

- بودون، ریمون و بوریکو، فرانسوا. فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
- هابرماس، یورگن. نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۸۵.
- Almond, G. and Verba, S. *The Civic Culture*. Boston: Little, 1965.
- "Modernization and Industrialization", *Encyclopedia Britannica*, Vol. 24, 1991.
- "Modernity", *Encyclopaedia of Social Science*. Second Edition, London: Routledge, 1996.
- Giddens, A. *Modernity and Self-Identity*. U.K.: Cambridge, 1991.
- Lash, S. and Friebnian, J. (eds). *Modernity and Identity*. Oxford, 1992.

تحلیل جنسیتی

که توجهات و تجارت زنان را، همانند مردان، به عنوان یک بخش کامل در طراحی، اجرا، ارزیابی سیاستها و برنامه‌ها و تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در فضاهای شهری و روستایی به کار می‌گیرد و بدینسان، از بهره‌مندی برابر زنان و مردان از منافع، کسب اطمینان نموده و نابرابری را به امری گذرا و ناپایدار تبدیل می‌سازد. بدین ترتیب، هدف غایی جریان‌سازی عبارت است از دستیابی به برابری جنسیتی در کلیه برنامه‌ها و عرصه‌های سیاستگذاری در فضاهای شهری و روستایی. به سخن دیگر، جریان‌سازی جنسیتی عبارت است از سازماندهی، گسترش و توسعه ارزیابی فرایندهای سیاستگذاری، به گونه‌ای که نوعی دیدگاه برابری جنسیتی در تمام مراحل قانونگذاری، سیاستگذاریها، در تمام سطوح، حوزه‌ها و مراحل توسط کنشگرانی که به طور طبیعی در برنامه‌ریزیها دخالت دارند، حاکم گردد. این فرایند در تمام مراحل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و روستایی می‌باید تسری یابد. دستیابی به درک صحیح از فرایندهای حاکم بر فضاهای شهری و روستایی، نیازمند تحلیل دقیقی از وضعیت و ویژگیهای جنسیتی است که اغلب به نوعی تحلیل جنسیتی در این گونه مطالعات منجر می‌شود. این کار در نهایت، ضمن آغاز فرایند تغییرات سازمانی، گویا کردن اقلیت بی‌صدا، از جمله زنان و دختران را در پی خواهد داشت.

تحلیل جنسیتی (در مطالعات شهری و روستایی)

تحلیل جنسیتی عبارت است از اقدام نظام‌مند برای تشخیص و درک نقشها و نیازهای زنان و مردان در چارچوب اجتماعی خاص. تحلیل جنسیتی مستلزم توجه به مسائل زیر است:

- داده‌ها براساس و به تفکیک جنسیت جمع‌آوری گردد؛
- تفاوت‌های جنسیتی در خصوص نحوه تقسیم جنسیتی نیروی کار، نحوه توزیع آنها در بازار کار و همچنین چگونگی دسترسی و کنترل بر منابع شناسایی شود؛
- نیازهای عملی و راهبردی زنان و مردان تشخیص داده شود؛

- Turner, S. (ed). *Theories of Modernity and Postmodernity*. London, 1990.
- Wallerstein, I. *The Modern World- System*. New York: Londres, Academic Press, 1974.

کمال پولادی

تحلیل جنسیتی

Gender Analysis

با توجه به عامل جنسیت، برنامه‌ها معمولاً به ۲ روش کور نسبت به جنسیت و حساس به جنسیت طراحی می‌شوند. برنامه‌های کور نسبت به جنسیت آن دسته از برنامه‌هایی است که هیچ‌گونه تمایزی از نظر جنسیت بین مشارکت‌کنندگان، گروه هدف و یا نفع‌بران قائل نمی‌شود، در حالی که برنامه‌های حساس به جنسیت، مردان و زنان را به طور یکسان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و گرایش به سمت جنس خاصی دارد. چنین برنامه‌هایی عمدتاً برای جبران عقب‌ماندگیهای تحمیل شده بر زنان، به سمت منافع زنان گرایش می‌یابد. از این رو، جریان‌سازی جنسیتی جزء ارکان اصلی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و روستایی محسوب می‌شود.

جریان‌سازی جنسیتی در مطالعات شهری و روستایی

در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن (۱۹۹۵م)، بر رهیافت جریان‌سازی جنسیتی در برنامه عمل که توسط ۱۸۹ کشور به کار گرفته شد، تأکید صورت گرفت. برنامه عمل بر این نکته اشاره دارد که حکومتها و سایر کنشگران می‌باید اقدامات و سیاستهای آشکاری را برای به کارگیری دیدگاه جنسیتی در تمام سیاستها و برنامه‌ها به کار گیرند، به گونه‌ای که پیش از اخذ هرگونه تصمیم، در خصوص اثرات آن بر زنان و مردان، تجزیه و تحلیل‌های دقیقی انجام دهند. به عبارت دیگر، جریان‌سازی جنسیتی راهبردی است

موجود غلبه نمود و برابری جنسیتی را در فضاهای سکونتگاهی توسعه داد.

تحلیل جنسیتی و تقسیم نیروی کار

شناسایی چگونگی تقسیم کار بر مبنای جنسیت، نقطه آغاز مناسبی برای مشخص کردن مشارکت جویان در فعالیتهای توسعه بشمار می‌رود. تقسیم کار بین زنان و مردان بر اساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد و می‌تواند از طریق شناخت موارد زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

• **شناسایی نقشهای تولیدی.** زنان و مردان عهده‌دار انجام فعالیتهای تولیدی متفاوت، ولی مکمل یکدیگرند. این امور شامل کارهایی است که در سطح خانوار برای تولید کالا و خدمات برای عرضه به بازار صورت می‌گیرد و یا شامل فراوری مواد اولیه است. چنین وظایف تولیدی می‌تواند در بازار کار خارج از خانه و یا درون خانه و یا به شکل رسمی و یا غیررسمی به انجام رسد؛

• **نقش تولید نسل و باز تولید اجتماعی.** این وظایف بر فعالیتهای تولید نسل و نگهداری و پرورش کودکان دلالت دارد که در درون یک خانواده و یا جامعه شکل می‌گیرد و طیف گسترده‌ای از وظایف، از جمله تهیه غذا، نگهداری از کودکان، پرورش و مراقبت بهداشتی آنان را شامل می‌شود. چنین فعالیتهایی عمدتاً بدون دستمزد صورت می‌گیرد و جزء فعالیتهای تولیدی محسوب نمی‌شود. بسیاری از کارهای زنان غیرمشهود است و در آمارهای ملی ثبت نمی‌گردد. بخش زیادی از کارهای زنان به صورت نامشهود انجام می‌شود و از این رو، درگیری آنان در هر ۲ بخش کارهای تولیدی و بازآوری، به معنای انجام ساعات طولانی‌تر کار توسط آنان است؛ و

• **نقشهای جنسیتی.** رفتارهایی که به صورت اجتماعی یا به اقتضای شرایط جامعه، جزء وظایف و مسئولیتهای جنس خاصی قلمداد می‌گردد، به عنوان نقشهای جنسیتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ شناخت نقشهای جنسیتی به دلایل زیر حائز اهمیت است:

۱. نقشهای متفاوت نیازهای متفاوتی را به وجود می‌آورد؛

• فرصتها و تهدیداتی که زنان و مردان با آن مواجه هستند، شناسایی شود؛ و

• ظرفیتهای سازمانی برای پیشبرد عدالت جنسیتی ارزیابی شود.

تقسیم کار جنسیتی و دسترسی نسبی آنان به منابع و منافع و نحوه نقش‌پذیری آنان در کنترل منابع و اینکه نیازهای زنان و مردان چیست و چگونه شکل گرفته و ارتباط عوامل فوق با چارچوب اجتماعی، اقتصادی و محیط پیرامونی، از جمله فضاهای شهری و روستایی، به چه ترتیب است، از جمله مباحث مطرح در تحلیل جنسیتی است. علاوه بر این، تحلیل جنسیتی به بررسی فرصتها و محدودیتهایی که در مسیر دستیابی به برابری جنسیتی وجود



دارد، می‌پردازد و میزان و گستره تبعیضات آشکار و نهان، مستقیم و غیرمستقیم در فضاهای شهری و روستایی، به عنوان اصلی‌ترین سکونتگاههای انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تنها با شناخت و کسب این‌گونه اطلاعات است که می‌توان راهبردهایی را برای بهبود و توسعه فضاها به کار گرفت. به عنوان نمونه، از طریق برنامه‌ریزی مبتنی بر حساسیت جنسیتی، می‌توان بر تحمیلات و تبعیضات

تحلیل جنسیتی

- دو جنس چه منابع متفاوت یا مشترکی در اختیار دارند؟
- نسبت هریک از دو جنس با منابع از حیث قدرت اعمال نفوذ بر آن چیست؟
- فایده هر منبع برای هر جنس چه مقدار است؟

تحلیل جنسیتی و برنامه‌ریزی

- برنامه‌ریزی جنسیتی اهدافی به شرح زیر را دربر می‌گیرد:
- نقش زنان را همانند مردان به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال و نفع‌برندگان از برنامه‌ها و سیاست‌گذارها آشکار سازد؛
 - منجر به پیشبرد برابری جنسیتی شود، نیازها برحسب جنسیت مورد توجه قرار گیرد و محدودیتها و همچنین فرصتهای پیش روی زنان را شناسایی کند؛
 - افرادی که دارای آسیب‌پذیری خاص بوده و یا در موقعیت حاشیه‌ای هستند، از توجه ویژه بهره‌مند گردند؛ و
 - تغییرات سازمانی و راهبردهای موردنیاز برای رفع نابرابریها و کاهش محرومیت‌های زنان را مورد توجه قرار دهد.

کتاب‌شناسی:

- حبیبی، شهلا و بلادی، صدرالدین. *مبنای برنامه‌ریزی، رویکرد جنسیتی*. مؤسسه فرهنگی هنری ریحانه نبی (ص)، ۱۳۷۷.
- خانی، فضیله. *پیامد مهاجرت افرادی مردان بر کارکرد زنان در مناطق روستایی*. طرح پژوهشی، دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۸۲.
- خانی، فضیله. *جنسیت و توسعه*. انتشارات مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۵.
- ریکا مهر. *اعتبارات مالی برای زنان*، ترجمه فضیله خانی، انتشارات دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۸۲.
- سازمان پژوهش و مدیریت. «همایش چشم‌اندازها و چالشهای توسعه»، *نقش زنان در توسعه*. محور ۱۷/۲، ۱۳۸۱.
- Hatfield, Susan Buckingham. *Gender and Environment*. Routledge, 2003.
- I. L. O. *Gender Mainstreaming, Gender promotion Programme, Employment Sector*, 2001.
- I. L. O. *Key Indicators of the Labour Market*. Geneva, 2002.
- Mamsen, Janet Henshall. *Role of Women in Third world Development*. Routledge, 1991.
- Momsen, Janet Henshall. *Gender and Development*. Routledge, 2004.

فضیله خانی

۲. نقشهای متفاوت نیازمند مهارتهای مختلف است؛
۳. نقشهای مختلف مجموعه‌ای از تجارب و دانش عملی متفاوت را ایجاد می‌کند؛ و
۴. نقشهای متفاوت به معنای دسترسی متفاوت و ناهمگون به منافع است.

تحلیل جنسیتی و دسترسی به منابع و منافع

دومین مرحله انجام تحلیل جنسیتی، شناسایی منابعی است که توسط زنان و مردان در انجام فعالیت‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد. افزون بر این، در این مرحله چگونگی برخورداری از فواید حاصل از منابع مورد شناسایی قرار می‌گیرد. این منابع شامل کار، زمان، سرمایه، زمین، دانش و آموزش، فناوری، تسهیلات و امکانات و فضا است. فوایدی که از کاربرد این منابع به دست می‌آید، شامل غذا، لباس، مسکن، مهارت، درآمد، منزلت و مانند آن است. این منابع و منافع در فضاهای روستایی و شهری به صورت یکسان توزیع نشده است و علاوه بر آن، توزیع این منابع به گونه‌ای است که زنان و مردان دسترسی یکسانی به آنها ندارند. برای مثال، در فضاهای شهری با فرض اینکه مردان شاغلان اصلی جامعه را تشکیل می‌دهند و نیاز بیشتری به حضور و تحرک در فضاهای عمومی دارند، این فضاها غالباً براساس نیازمندیهای این قشر ساماندهی می‌شود. در مناطق روستایی نیز اگرچه زنان سهم عمده‌ای در فعالیتهای اقتصادی دارند، اما این فضاها عمدتاً متناسب با نقشها و نیازهای مردان شکل گرفته است.

در اجرای این بخش از تحلیل جنسیتی، دسترسی و کنترل مردان و زنان بر منابع و فواید حاصل از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفهوم دسترسی به این معناست که چه افرادی امکان استفاده از منابع، از جمله اراضی، آب کشاورزی، مواد معدنی یا ابزارهای صنعتی را دارند، بدون آنکه مالک و یا صاحب آن باشند. به همین ترتیب، منظور از کنترل، قدرت تصمیم‌گیری در مورد تعیین حقوق بهره‌برداری از منابع مذکور است. در این قسمت باید پاسخی برای پرسشهای زیر به دست داد:

- دو جنس چه نیازهای متفاوت یا مشترکی دارند؟

تخصیص اراضی

Land Allocation

تعیین نحوه و انواع کاربری زمین در محیطهای روستایی براساس معیارهای معین. زمین و آب ۲ عنصر حیاتی کشاورزی و زندگی روستایی هستند. تعیین کاربری زمین براساس آن در روستاها به شکل سنتی و رعایت بسیاری از نکات مرتبط با آن در ساخت و ساز و توسعه معاصر روستاها از اهمیت برخوردار است.

زمین کشاورزی

اولویت اول در تخصیص کاربری زمین، قابلیت تولیدی آن است. در این ارتباط، جنس خاک تأثیر مهمی در تعیین قابلیت کشت دارد. بعضی از زمینها دارای انواع نمکها و موادشیمیایی هستند که مانع رویش گیاه می شوند. در برخی دیگر، مشکل بالا بودن آبهای زیرزمینی مانع کشت و کار می شود و در نمونه های دیگر، زمین اساساً مناسب کشت و زرع است، ولی به دلیل اینکه آب بر آن سوار نمی شود و یا دارای عوارض و پستی و بلندیهای مختلف است، کشت نمی شود. در صورتی که بارش کافی و جنس زمین مناسب و بارور باشد، ولی به دلیل عدم دسترسی به منابع دیگر آب، وجود نداشته باشد، دامنه تپه های شیبدار به کشت دیم اختصاص می یابند.

در مناطق کوهستانی، برخلاف دشتهای هموار، زمین مناسب برای کشت و کار کمتر یافت می شود. شیب تند نیز در گذشته و پیش از رواج پمپهای آب، مانع دیگری برای گسترش زمینهای زیر کشت بود.

زمین مسکونی

در مناطقی از جمله نواحی کوهستانی که زمین کشاورزی با محدودیت روبرو است، زمینهایی که از جنس مقاوم و گاه صخره ای و غیرقابل کشت و یا دارای شیب تند هستند، به محل استقرار بافت مسکونی تخصیص می یابند. بدون شک روستائیان این مناطق نیز ترجیح می دهند، برای رفت و آمد در داخل ده، در زمین هموار حرکت کنند و برای

ساختمان سازی مشکلات اجرای بنا در شیب تند را نداشته باشند، ولی اولویت با تخصیص زمین به کارهای تولیدی و کشاورزی است.

در بسیاری از روستاهای مناطق کوهستانی، نوعی سلسله مراتب قرارگیری کاربری نسبت به رودخانه و کلاً با توجه به شیب وجود دارد و بدترین اراضی به بخش مسکونی اختصاص می یابد که درعین حال، به دلیل دوری از رودخانه، از خطر سیل نیز در امان است. زمینهای با شیب متوسط برای احداث باغ تعیین می شوند و زمینهای نسبتاً هموار که غالباً مقدار آنها کم است، برای کشت و کار آبی که بسته به منطقه و نوع محصول متفاوت است، تخصیص می یابد.

در روستاهای حاشیه زاینده رود در استان چهارمحال و بختیاری، مثلاً شهرستان سامان، روستاهای زیادی از این دست وجود دارند. زمینهای نسبتاً هموار حاشیه رودخانهها که در کف دره نسبتاً عمیقی جریان دارند، در گذشته به کشت شالی اختصاص می یافت که با احداث سد و سرد شدن آب پشت سد، عملاً در اکثر این مناطق به ناچار شالیکاری تعطیل شد و امروز در آنها کشت صیفی رواج دارد. در زمینهای صخره ای و با شیب تند، خانهها مستقر و در میان این دو، باغها احداث شده اند. روستاهای چم زین، چم کاکا، چم چنگ از این نمونهها هستند.

امنیت زمین مسکونی

انتخاب زمین برای احداث خانه در روستا به عوامل متعددی بستگی دارد که توجه به مقاومت مطلوب زمین برای ایجاد پی و تحمل بار ساختمانها از آن جمله است. علاوه بر آن، در حاشیه رودخانههای بزرگ، خطر طغیان و سیل گیری روستا جدی است. این مشکل غالباً با ایجاد سدهای خاکی در حاشیه رودخانه تعدیل می شود؛ روستاهای حاشیه کرخه و کارون چنین مشکلی را دارند. خصوصاً هرچه به سمت غرب و هورالعظیم یا هورالهویزه نزدیک تر شویم، خطر سیل گیری جدی تر می شود. در همین منطقه، هموار بودن دشت باعث می شود که بالا آمدن آب هور باعث گسترش آن به داخل زمینهای زراعی و مسکونی

برای مصارف شستشو چاههای دستی با عمق کمتر از ۲۰ متر حفر کرده‌اند. این آب فاقد کیفیت آشامیدنی است و برای آشامیدن، مردم وابسته به چشمه‌ها هستند که در دور و نزدیک روستا وجود دارد.

اگر امکان دسترسی به آب در داخل خانه نباشد و رودخانه‌ای در نزدیکی وجود داشته باشد و یا کانال آبی از آن محدوده بگذرد، به ناچار بافت مسکونی در طول رودخانه به صورت خطی احداث می‌شود. در این حالت، در ساحل رودخانه محل‌های به‌خصوصی برای شستن لباس و ظروف تعیین می‌شود که نوعاً فضاهای مخصوص خانم‌هاست و مرد‌های روستا به آن ناحیه نزدیک نمی‌شوند. لوله‌کشی آب در داخل روستا بسیاری از این اصول و قواعد را متحول کرده است و غالباً با پمپاژ آب به یک منبع هوایی یا زمینی، آب به صورت ثقلی در روستا از طریق شبکه لوله‌کشی توزیع می‌شود و قواعد استقرار به هم می‌ریزند.

در مورد دفع فاضلاب، غالباً ایجاد چاه‌های جذبی راه‌حل رایج در روستاهاست. در زمین‌های سخت، گاهی برای توالتهای انبارهایی درست می‌کنند و فضولات را با خاکستر مخلوط و پس از خشک کردن، به‌عنوان کود به باغها حمل می‌کنند. این شیوه در مناطقی که سطح آب زیرزمینی بالاست و امکان حفر چاه جذبی وجود ندارد، کاربرد دارد.

تا پیش از شروع بازسازی در منطقه دشت آزادگان (خوزستان)، اغلب خانه‌ها، فاقد توالت بودند. جدای از وجوه فرهنگی، بدون تردید یکی از عوامل مهم آن بالا بودن سطح آب زیرزمینی و عدم امکان حفر چاه جذبی بوده است. در این منطقه، پساب مصارف بهداشتی در فضای باز خانه و یا نهرهای داخل کوچه رها و با توجه به گرمی هوا و تبخیر و یا جذب زمین می‌شود و البته مشکلات زیست محیطی به‌جای خود باقی می‌ماند.

زمین مسکونی و عوامل اقلیمی

مکانیابی بافت مسکونی روستا با توجه به شرایط اقلیمی منطقه انجام می‌شود، بی‌توجهی به این عامل مهم، گاه نتایج

شده و گاهی کیلومترها از کشتزارها زیر آب برود. از این شرایط در طی جنگ هشت ساله عراق و ایران، هم دشمن و هم نیروهای خودی بهره جستند. در دشتهای هموار، استفاده از کم‌ترین عارضه مرتفع برای ایجاد خانه‌های سستی پسندیده است.

در حاشیه هورشادگان و هورالهویزه، روستاهایی وجود دارند که زندگی اقتصادی آنها به دشت هور وابسته است. گاومیش‌داری و صیادی حرفه اصلی مردم است. این مردم غالباً در کپر زندگی می‌کنند و خانه با مصالح مقاوم ندارند. زمین سست و مرطوب مانع پی‌کنی و ایجاد ساختمان سنگین است. ساختمان‌سازی با نی به آنها اجازه می‌دهد که به راحتی، در مقاطع زمانی کوتاه، نسبت به تجدید بنای اساسی خانه خود اقدام کنند و خانه‌ای نو بسازند، چرا که عمر نی بسیار کوتاه است. جالب است که در روستاهای حاشیه هور از عوارض بسیار بسیار کم، حتی ارتفاع کمتر از یک متر، به‌عنوان نعمتی بزرگ برای احداث ساختمان بهره می‌گیرند؛ روستاهای حدبیه در کنار هورشادگان و یا سرهنگیه و کسره در حاشیه هورالهویزه، از مصادیق این‌گونه روستاها بشمار می‌روند.

در انتخاب زمین، گذشته از سیل‌گیری، باید به خطر سقوط صخره‌ها نیز توجه داشت. این پدیده که اصطلاحاً Rock fall نامیده می‌شود، خصوصاً در شرایط وقوع زلزله، می‌تواند به‌عنوان عامل ثانویه، بافت مسکونی روستا و ساکنان آن را تهدید کند. روستای ماسوله در فومن در زلزله ۱۳۶۹ش، چنین مشکلی را تجربه کرد و سقوط چند صخره عظیم خانه‌های ده را در هم نوردید.

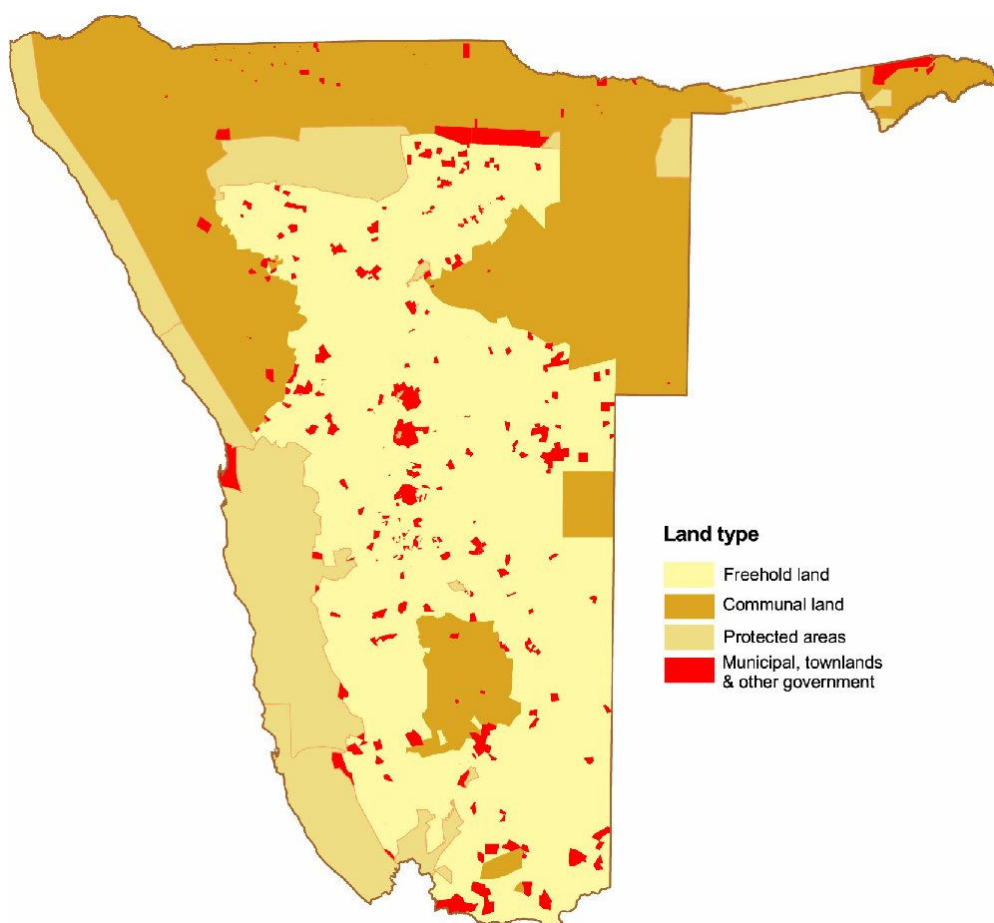
زمین مسکونی و آب و فاضلاب

در گذشته، برای انتخاب زمین مسکونی به ۲ موضوع دسترسی به آب آشامیدنی و بهداشتی و همچنین دفع فاضلاب نیز توجه کافی می‌شد. در بسیاری از مناطق برای مصارف بهداشتی از نهر آبی که از جلوی خانه و یا از نزدیکی آن می‌گذشت، استفاده می‌کردند. گاهی حتی در زمین‌های نسبتاً مقاوم، آن‌چنان‌که در بعضی روستاهای شهرستان خدابنده (استان زنجان) دیده می‌شود، تمام خانه‌ها

زلزله‌خیزی، سقوط صخره‌ها و دیگر عوامل طبیعی و مصنوعی نقش داشته‌اند. توجه به عامل امنیت در گذشته نقش بسیار کلیدی در انتخاب زمین روستاها داشته و با بهره‌گیری از عوارض طبیعی زمین مثل لبه رودخانه‌ها و با پرتگاههای مرتفع و یا دامنه صخره‌های دست نیافتنی، سعی می‌کردند که امنیت نسبی روستا را در برابر چپاولگران تأمین نمایند.

مأیوس‌کننده‌ای به دنبال داشته است. در مقطع بازسازی، گاهی مکان روستای جدید به دلیل بی‌توجهی به طوفان‌شن و یا بادهای سرد و کولاک برف که از طریق پناه گرفتن بافت روستا در صخره‌ای بلند و یا با احداث حصارهای مصنوعی مرتفع میسر می‌شده است، باعث می‌شد که روستائیان توان زندگی و دوام در خانه‌های جدید را نداشته باشند.

توجه به نور و گرمای مطلوب خورشید در جهت‌گیری



زمین مسکونی و عامل فرهنگی

زیارتگاهها در بسیاری از روستاها قلب تپنده روستا بشمار می‌روند. در مواردی که دولت به اجبار جمعیت را از منطقه تخلیه کرده است، آن‌چنان‌که در روستاهای درون جنگلهای شمال، وابستگی مردم به حفظ بناهای مذهبی روستای قدیم از جمله مسجد و امامزاده به‌عنوان تکلیفی شرعی دیده می‌شود؛ روستاهای انگتارود و زیارت از این نمونه‌ها هستند.

و مکانیابی روستا مؤثر است. در دامنه‌های شیب‌دار در مناطق سردسیر، دامنه‌های جنوبی برای استقرار انتخاب می‌شوند و دامنه‌های شمالی که غالباً در طی روز در سایه قرار دارند، از نور و گرما محرومند و انتخاب آخر بشمار می‌آیند.

آنچه از بررسی روستاهای مناطق مختلف ایران می‌توان آموخت این است که در تخصیص زمین توجه به اولویت کشت و تولید، تخصیص زمینهای غیرزراعی مقاوم به بخش مسکونی، توجه به امن بودن منطقه از نظر سیل‌گیری،

خرید زمین ترجیحاً از زمینهای منابع طبیعی استفاده می‌کنند که این خود می‌تواند باعث فاصله گرفتن حمام از بافت پر روستا شود. بدین ترتیب، حمام در جایی ساخته می‌شود که عملاً اهالی میلی به رفت و آمد به آن ندارند و به روستا در واقع بعید نیست که در فصل سرد اگر قصد رفت و آمد به آن را داشته باشند، از خطر حمله جانوران وحشی در امان نباشند. خالی بودن بافت اطراف حمام و ساخت آن بر روی زمین به جای داخل زمین باعث می‌شود، خصوصاً در فصل زمستان، حمام بسیار سرد و غیرقابل استفاده بشود.

اختصاص زمین برای گورستان

اولاً زمینهایی که برای کشت مناسب نیستند، برای اینکار اختصاص می‌یابند و ثانیاً توجه دارند که جنس زمین خیلی سخت نباشد و قابل کندن باشد. در مواردی که جنس زمین سفت و صخره‌ای است، به ناچار قبرها را کوچک و فشرده می‌سازند. نمونه آن در روستای شمشک، در شمال تهران، مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، توجه دارند که زمین گورستان نباید سیل‌گیر باشد. توجه به همین نکته و سیل‌خیزی بخش وسیعی از دشت آزادگان باعث شده است، روستا فاقد گورستان بوده و مردگان خود را به امامزاده‌ای در دوردست که کیلومترها با روستا فاصله دارد، منتقل کنند.

نکته دیگر در مکانیابی جنبه تذکری آن است. قبرستان را در میانه روستا نمی‌سازند، بلکه در حاشیه و غالباً در کنار جاده ورودی روستا تعیین می‌کنند که نه مردم نسبت به مرگ و گورستان بی‌تفاوت شوند و نه آن را فراموش کنند. مواجهه گاه و بیگاه با گورستان، علاوه بر اینکه امکان زیارت اهل قبور را فراهم می‌کند، جنبه تذکر نیز برای ساکنان و عابران روستا دارد.

کتاب‌شناسی:

- رضویان، محمدتقی. *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری*. تهران: انتشارات منشی، ۱۳۸۱.
- دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. *نگرشی بر کاربری اراضی در مدیریت محیط زیست شهری*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۴.

وابستگی سرزمینی مردم به محیط‌زیست آبا و اجدادی عاملی است که نباید آن را دست‌کم گرفت. این وابستگی صرفاً/حساسی نیست و غالباً مجموعه‌ای از عوامل منطقه‌ای در پشت آن وجود دارند که ممکن است در بررسی شتابزده از نظر پنهان بمانند. این موضوع خصوصاً در مواردی که موضوع جابه‌جایی مکان روستا و مکانیابی جدید مطرح می‌شود، مبتلا به روستاهاست. مسئله مهم مالکیت زمینهای دولتی و خصوصی و تقسیم زمینهای کشاورزی و مراتع بین روستاهای مختلف و یا بهره‌برداری اشتراکی از آنها و یا محدوده مراتع عشایر و طوایف گوناگون، می‌تواند با استقرار ناگهانی یک روستا بر هم خورد و مشکلاتی اساسی را در منطقه به وجود آورد.

زمین و کاربریهای بافت مسکونی

ابعاد مناسب برای زمین یک واحد مسکونی هیچ قاعده ثابتی در روستاهای ایران ندارد. این اندازه از چند ده متر در مناطقی که زمین محدود است، شروع و تا چند هزار متر می‌تواند متغیر باشد. البته غالباً خانه روستائیان در حدود چند صد متر ساخته می‌شود.

وسعت زمین رابطه مستقیمی با شغل خانوار ساکن دارد. دامداران نیاز به زمینهای زیادی برای نگهداری دام و انبار علوفه دارند، در حالی که خوش‌نشینها با احداث ۲-۳ اتاق، یک ایوان و یک حیاط کوچک زندگی می‌کنند.

علاوه بر واحدهای مسکونی، فضاها و بناهای عمومی نیز باید به درستی مکانیابی شوند. حسینیه‌ها، مساجد، تکایا و حمام روستا از این نمونه‌هاست. توجه به مناسبات میان محلات در این مکانیابیها بسیار مهم است و باید اطمینان حاصل کرد که دوری و نزدیکی مکان بناهای عمومی، مانع مراجعه بعضی از اهالی روستا نشود.

بی‌توجهی به عوامل پیش پا افتاده و بدیهی باعث شده است، بسیاری از حمامهای احداث شده توسط نهادهای دولتی در روستاها عملاً بی‌مصرف و تعطیل باقی بمانند. به‌عنوان مثال، برای احداث حمام، با توجه به ضرورت حمل و تحویل سوخت توسط تانکر، حمام به حاشیه روستا و کنار جاده و خارج از آن منتقل شده است. برای پرهیز از

- زرگر، اکبر. شناخت معماری روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- Chappin, F. *Urban Landuse Planning*. Chicago: University of Illinois Press, 1965.
- United Nations. *Urban Management Program*. United Nation, 2000.

اکبر زرگر

ترافیک (شهری) ← ایمنی آموشد

ترویج، روش(های) آموزش

Extension, Training Methods

به منظور برقراری ارتباط بین آموزشگران و آموزشگیران در مکتب آموزشی ترویج، از روشهای آموزشی متعددی استفاده می‌شود. این روشها را به‌طور کلی می‌توان در ۴ گروه عمومی تقسیم‌بندی نمود:

- روشهای آموزش انفرادی؛
- روشهای آموزش گروهی؛
- روشهای آموزش انبوهی؛ و
- روشهای آموزش غیرمستقیم.

انتخاب آموزشگران و کاربرد هر یک از این روشها به عوامل و شرایط متعددی بستگی دارد که اغلب با موضوع و محتوای مورد نظر برای آموزش، کیفیت، شرایط و آمادگی آموزشگیران، دسترسی به وسایل و ابزار و مواد آموزشی و کمک آموزشی و نیز، امکانات و تسهیلات موجود و در دسترس، در ارتباط و تغییرپذیر است. همچنین استفاده از این روشها تا حدود زیادی به مرحله نشر نوآوری و یا تنفیذ آن در مراحل پنجگانه آگاهی، علاقه‌مندی، ارزیابی، آزمایش، و پذیرش نوآوری بستگی دارد. البته در هر یک از این مراحل، در صورت لزوم می‌باید از بیش از یک روش آموزشی مناسب بهره‌برداری نمود.

درعین حال، در هر یک از گروههای چهارگانه بالا، روشهای اختصاصی متعددی وجود دارد که استفاده مؤثر و مفید از آنها به استعدادهای ویژه مخاطبان برای فراگیری، مهارت‌آموزی و کارآموزی بستگی دارد.

آموزش انفرادی

منظور از آموزش انفرادی، برقراری ارتباط مستقیم حضوری، (رو- در- رو یا رُخ- به- رُخ)، و یا یک ارتباط غیرحضوری (شخص- با- شخص) است، به نحوی که آموزشگر و آموزشگیر بتوانند منحصرأ با یکدیگر تفاهم و تعامل نمایند. با استفاده از این روش، معلوماتی به‌خصوص در قالب یک پیام از سوی آموزشگر به‌سوی آموزشگیر جریان می‌یابد، و متقابلاً، با توجه به جریان این معلومات، از سوی آموزشگیر نیز اطلاعات و عکس‌العملهایی به‌سوی آموزشگر جریان خواهد یافت. وجود این تعامل یا جریان دوسویه مبادله معلومات و اطلاعات سبب می‌شود تا آموزشگر با کفایتی بیشتر توجه کامل فراگیر را جلب و در مجموع بتواند زمینه‌های لازم برای ارسال پیام خویش را تدارک و ارزیابی نماید.

هنگامی که توجه یک برنامه آموزشی معطوف به «فرد» به‌عنوان هدف عملیاتی خود باشد، و این فرد مراحل آگاهی و علاقه‌مندی به موضوع مورد آموزش را طی کرده باشد، در مرحله ارزیابی، مقصود آموزشگر اعمال تحولاتی مطلوب در نگرش وی با استفاده از موضوع مورد آموزش به‌منظور تغییر در رفتار عملی اوست. در این مرحله، تماس رُخ- به- رُخ یا شخص- به- شخص در محیطی طبیعی و غیررسمی می‌تواند مؤثرترین و مفیدترین روش تبادل معلومات و اطلاعات باشد.

براین اساس، مواردی از روشهای آموزش انفرادی به قرار زیر است:

- دیدار و ملاقات آموزشگر با آموزشگیر (در منزل، مزرعه، کارگاه یا هر جای مناسب دیگر)؛
- بازدید و ملاقات آموزشگیر با آموزشگر (در دفتر کار، اداره، مرکز خدمات و یا در حاشیه جلسات)؛
- مکالمه تلفنی آموزشگر با آموزشگیر و بالعکس؛

آموزشی؛

- بحث و پرسش و پاسخ پس از تماشای یک فیلم اختصاصی در یک باشگاه ویدئویی؛
- بحث و پرسش و پاسخ به دنبال شنود یک برنامه رادیویی ویژه در یک باشگاه رادیویی؛
- بحث و پرسش و پاسخ به دنبال مشاهده یک برنامه تلویزیونی ویژه در یک باشگاه تلویزیونی؛
- بحث و پرسش و پاسخ در جریان یک گردش علمی؛
- بحث و گفتگو در جریان گردش صحرائی؛
- بحث و گفتگو در جریان کارگاه آموزشی؛
- بحث و گفتگو در جریان جلسات «طوفان اندیشه» (Brain Storming)؛ و
- بحث و گفتگو در جریان برگزاری «روز- بزرگداشت» (روز مزرعه، روز عمران، روز آبادی، روز خرمن و...).

آموزش انبوهی

در روشهای آموزش انبوهی، معمولاً ارباب رجوع مشخصی وجود ندارد، برای مثال، در یک روستا، در واقع همه روستائیان و حتی غیرروستائیان علاقه مند می توانند مجموعه ای از، مخاطبان یک برنامه آموزشی تلقی گردند. بدین سبب، محتوای برنامه برای چنین مجموعه ای جذاب، و کیفیت ارائه آن برای آنان قابل درک و فهم است. در این روش، انبوهی از مردم- و نه یک «فرد» در آموزش انفرادی، و نه یک کلاس در آموزشهای گروهی با نیازهای آموزشی مشترک- خواننده، شنونده و یا بیننده یک برنامه ترویجی هستند، بدون اینکه شرایط و نیازهای آموزشی مشترک داشته باشند.

و بدینسان، در آموزش انبوهی، همه خوانندگان، شنوندگان و یا بینندگان یک برنامه ترویجی انتظار دارند، اطلاعات لازم و کافی در مورد موضوع مورد آموزش را کسب نمایند. این روش، به نوبه خود، در مراحل آگاهی دادن و علاقه مند نمودن عامه مردم یک جامعه به یک یا چند موضوع «مورد علاقه» مفید و مؤثر است.

از جمله روشهای آموزش انبوهی می توان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی مثل مطبوعات، رادیو و تلویزیون

- مکاتبه اختصاصی آموزشگر با آموزشگیر و بالعکس به طریق دستی، پستی و یا الکترونیکی؛
- مبادله نوارهای صوتی و یا صوتی- تصویری بین آموزشگر و آموزشگیر؛
- مخابره پیامکهای مکتوب؛
- مبادله پیامهای شفاهی با واسطه های موثق؛ و
- پرسش و پاسخ مستقیم در جلسات تشریحی، کارگاههای آموزشی و یا در برنامه های رادیویی و تلویزیونی.

آموزش گروهی

در این گروه، کلیه روشهایی را می توان نام برد که ضمن کاربرد آنها، فرد آموزشگر همواره در رابطه با یک «کلاس» یا گروهی ویژه از ارباب رجوع به عنوان مخاطبان یا آموزشگیران قرار می گیرد. اعضای هر یک از این گروهها، برای نیاز آموزشی مشترک گرد هم آمده اند، و بعضاً هم طالب معلومات و اطلاعات در یک زمینه به خصوص هستند. برای مثال، داوطلبان گروه علوم تجربی در آزمون ورودی دانشگاهها، که همگی در یک «کلاس تقویتی کنکور» درس می خوانند، یک نیاز آموزشی مشترک دارند.

استفاده از آموزشهای گروهی در ترویج، معمولاً مکمل آموزشهای انفرادی رهبران و نخبگان روستایی است که طی تماسهای انفرادی با آموزشگر مراحل آغازین پذیرش نوآوری را طی می کنند و بنا بر تدبیر آموزشگر، در قالب گروهی مشترک و هماهنگ به قصد ارزیابی، آزمایش و تجربه نوآوری به گردهم می آیند.

براین اساس، در این گونه روشهای آموزش گروهی نیز می توان موارد زیر را برشمرد:

- ملاقات و گفتگوی گروهی به راهنمایی آموزشگر؛
- سخنرانی و بحث، و پرسش و پاسخ گروهی؛
- میزگرد و بحث، و پرسش و پاسخ گروهی؛
- کارگاه علمی (آموزشی، مشاوره ای، نمایشی)؛
- نمایش طریقه ای؛
- نمایش نتیجه ای؛
- کارگاه آموزشی یا جلسه تجزیه و تحلیل موضوع؛
- بحث و پرسش و پاسخ پس از تماشای یک تئاتر

را نام برد. تهیه و نمایش فیلمهای سینمایی، ویدئویی و عکس و اسلاید از یکسو، تدوین و توزیع پوستر و نشریات تخصصی و خبری ترویج را هم از سوی دیگر، می‌توان از روشهای کلی آموزش در این گروه ذکر کرد؛ ضمن اینکه استفاده از همین رسانه‌ها در روشهای آموزش انفرادی و گروهی نیز به‌عنوان وسایل کمک آموزشی بسیار مؤثر و مفیدند.

تشکیل نمایشگاههای موقتی و دائمی نیز از جمله امکانات قابل استفاده برای آموزشهای انبوهی است؛ اگرچه پس از برگزاری، از انواع نمایشگاهها می‌توان برای آموزشهای گروهی نیز استفاده کرد. در قالب همین نمایشگاهها، نشان دادن طرز کار و عملکرد الگوها، مدلها و نمونه‌های آزمایشی - نمایشی، یکی از راههای مؤثر برای برگزاری آموزشهای گروهی و انبوهی است؛ در جوار و با استفاده از نمایشگاههای برگزار شده، می‌توان نسبت به تشکیل کلاسها، کارگاهها و دوره‌های تخصصی و مهارتی متعددی نیز همت گماشت.

با این حال، به‌طورکلی از روشهای آموزش انبوهی، به‌منظور آگاه نمودن روستائیان از پدیده‌های نوین و نوآوریهای مناسب، استفاده می‌شود. تلاش برنامه‌ریزی شده یک واحد آموزشی ترویج می‌باید در این باشد که از طریق بخشهای دیداری - شنیداری خود بتواند تولیدکننده محتوا و مواد اولیه برنامه‌های آموزشی خود، به‌طور مستند و با استفاده از موردها و یا سوژه‌های زنده و واقعی در روستاها باشد؛ یعنی تهیه‌کننده فیلم، اسلاید، نمایشنامه، گزارشهای رادیویی و نیز ناشر مطبوعات خاص فنی روستایی با استفاده از تجربیات و اخبار و اطلاعات جاری و ساری به‌منظور انعکاس واقعیتهای خاص و عام موجود در مناطق تحت پوشش برنامه‌های ترویجی برای عامه مخاطبان ویژه خود باشد. دسترسی روستائیان از طریق رسانه‌های جمعی به این‌گونه منابع معلوماتی و اطلاعاتی، همواره موجد تکامل و تعالی آنان در حال و آینده بوده است.

آموزش غیرمستقیم

این روش از آن جهت که مروج یا آموزشگر مستقیماً با

مخاطبان در تماس آموزشی نیست، آموزش غیرمستقیم نامیده می‌شود. فلسفه وجودی این روش مبتنی بر تأثیر تماس آموزشی روستائیان بر روستائیان یا، خودیها بر خودیها است. به‌عبارت دیگر، در برخی از جوامع و در مورد برخی از موضوعها، مردم خیلی سهل‌تر و سریع‌تر، مطالب و موضوعهای نو و نوآوریها را از همکاران و هم‌مرازان خود فرا می‌گیرند تا از مروج و یا آموزشگر موظف در روستا و یا احتمالاً از هر غریبه دیگر. بنابراین، یک نظام ترویجی پویا، به‌منظور پیشرفت کار ترویج و توسعه روستایی می‌تواند در مواضع و مواقع مقتضی از این روش استفاده نماید.

در این روش آموزشی، مروج یا آموزشگر روستا، ضمن اتخاذ تدابیر و اعمال تمهیدات لازم طبق برنامه، با استفاده از روش آموزش انفرادی، ابتدا نسبت به آموزش مستقیم اصول برخی از پدیده‌ها و نوآوریها به افراد مشخصی از جامعه، از قبیل معلمان روستایی، خبرگان محلی، رهبران فنی روستا، تعمیرکاران، دکانداران، پبله‌وران، و در مواردی هم نمایندگان توزیع نهاده‌ها و عوامل تولید در روستاها به‌عنوان دستیاران انتقال معلومات و یا، رابطین آموزشی اقدام می‌نماید. و سپس از آنان درخواست می‌کند، در تماسهای روزمره خود با دوستان، اقوام، آشنایان و همسایگان و همکاران و یا مشتریان خود، مطالب فراگرفته شده را برای آنها نقل کند.

لازم به یادآوری است که در جوامع سنتی روشهای آموزش غیرمستقیم، نظر به شناخت و اعتماد متقابل مردم یک جامعه به همدیگر، به‌ویژه اتکاء گروههای مخاطب بر معلومات و تجربیات حاصله توسط یک خودی، تأثیر و کاربرد زیادی دارد. از این‌رو، در مواضع و مواقع مقتضی، آموزشگر می‌تواند با آموزش انفرادی رابطین، دامنه فعالیتهای آموزشی خود را در سطح چشمگیری گسترش بدهد و انبوهی از علاقه‌مندان مخاطب برنامه‌های ترویجی خود را به کمک خُبرگان و رهبران محلی آموزش دیده به زیر پوشش برنامه‌های مربوط در آورد.

کتاب‌شناسی:

- آکسین، جورج. اچ. رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج، ترجمه

ترویج، رهیافت(های) بدیل

Extension, Alternative Approaches

رهیافت ترویج، شیوه عمل در قالب یک نظام ترویجی است؛ به سخن دیگر، فلسفه این نظام در درون خود و به عبارتی، عصاره آن است. در تشریح این تعاریف موجز می توان گفت، هر نظام ترویجی یک ساختار تشکیلاتی و رهبری، منابعی از کارکنان، تجهیزات و تسهیلات و همچنین برنامه‌ای با مقاصد و اهداف مشخص، راه و روشهایی برای اجرا، و سرانجام پیوندهایی با دیگر نهادها، عموم مردم و ارباب رجوع دارد. بدین ترتیب، رهیافت شیوه یا سبک اقدام در درون نظام است و به همین حیث گفته می شود که رهیافت متضمن فلسفه نظام است.

برای تشخیص و تعیین رهیافتهای ترویجی می توان ابعاد هفت گانه زیر را مطرح ساخت:

- ماهیت و کیفیت مسائل مشخصی که رهیافت باید به عنوان یک راه حل راهبردی برای آنها به کار گرفته شود؛
- ماهیت و کیفیت هدفهای طرح شده برای دستیابی؛
- ماهیت روشهای مورد نظر برای نظارت بر برنامه ریزی و کیفیت ارتباط با گروههای مخاطب و یا هدف برنامه؛
- کیفیت عوامل انسانی برنامه؛
- کمیّت و کیفیت منابع مورد نیاز برای اجرای برنامه؛
- کیفیت راه و روشهای متعارف برای استفاده در اجرای برنامه؛ و
- کمیّت و کیفیت روشهای سنجش توفیق برنامه.

تنوع شرایط و الزامات اقتصادی و اجتماعی، توأم با تنوع قلمرو موضوعی و منطقه‌ای، با توجه به ماهیت و کیفیت ابعاد مورد اشاره، در مجموع موجبات پیدایش و تحول و تکامل رهیافتهای مختلفی را در امر توسعه و ترویج در جوامع روستایی فراهم آورده‌اند.

با وجود گوناگونی شرایط کاربرد، ماهیت و کیفیت ابعاد خاص هر رهیافت، رهیافتهای مختلف ترویج، در چند اصل با یکدیگر مشترک هستند؛ از جمله اینکه، تمام رهیافتهای بدیل ترویج همواره روشهای آموزش غیررسمی را به خدمت می گیرند، پیوسته حاوی زمینه‌های مرتبط با

- اسماعیل شهبازی. تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استویس، بندیک. *ترویج کشاورزی در خدمت خرده سالکین*، ترجمه اسدالله زمانی پور. مجتمع آموزش عالی بیرجند. چاپ اول، چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، بیرجند: مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ. *تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران*. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «روشهای ترویج آموزش روستائیان در طرحهای عمران روستایی»، گزارش نهایی پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی. مجری اسماعیل شهبازی، ناشر نسخه‌های محدود: دفتر تحقیقات معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران: آبان ماه ۱۳۸۰.
- راجرز، اورت ام. و شومیگر، اف. فلویید. *رسالتش نوآوریها- رهیافتی میان فرهنگی*، ترجمه عزت الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذرماه ۱۳۶۹.
- زمانی پور، اسدالله. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). *مرجع ترویج کشاورزی*، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). *مشورتهای جهانی در مورد ترویج کشاورزی*، ترجمه اسدالله زمانی پور، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، چاپ اول، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، زمستان ۱۳۷۵، چاپ سوم با اصلاحات ۱۳۸۱ و چاپ چهارم با تجدیدنظر و افزوده‌ها تهران، ۱۳۸۴.
- کرمی، عزت الله و فنائی، سیدابوطالب. *بررسی نظریه پردازیهی در ترویج*. جلد اول: *ترویج و توسعه*، و جلد دوم: *مدیریت، نظامها و عاملان اجرایی*. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، چاپ اول، تهران: خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، بهار ۱۳۷۳.
- گراول، آی.اس. و تامبر، اراس. (ویراستاران). *مقدمه‌ای بر آموزش ترویج*، ترجمه سیروس سلمانزاده. اهواز: مرکز انتشارات چاپ دانشگاه شهید چمران، چاپ اول، دی ماه ۱۳۶۷.
- ملک محمدی، ایرج. *ترویج کشاورزی و منابع طبیعی*، جلد اول، سیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.
- موشر، آرتور. ت. *پیشبرد کشاورزی-لازمه‌های تحول و نوسازی*، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.

اسماعیل شهبازی

کشاورزی و امور روستایی و سرانجام، اصالتاً مترصد ارتقاء کیفیت زندگی مردم روستایی هستند.

رهیافت متعارف ترویج

این رهیافت بر این فرضیه وجودی مبتنی است که فناوری و اطلاعات لازم وجود دارند ولی برای مورد استفاده واقع شدن، در دسترس قرار نگرفته‌اند و بدین ترتیب، اگر معلومات مربوط به فناوری و اطلاعات موجود به کشاورزان منتقل گردد، عملیات کشاورزی بهبود خواهد یافت. از این رو، این رهیافت از مصادیق بارز انتقال فناوری از سوی دولت به مردم است.

براین اساس، هدف کمک به کشاورزان برای افزایش تولیدات است، زیرا با افزایش تولید کشاورزان از یکسو وضع اقتصاد کشور بهتر می‌شود، و از سوی دیگر، زندگی خانوارهای روستایی هم بهبود می‌یابد. براین مبنا، هدفهای اصلی در این رهیافت حول محور افزایش تولیدات ملی کشاورزی، از جمله مواد غذایی و محصولات زراعی صادراتی متمرکز است. هدفهای جنبی این رهیافت متضمن افزایش درآمد و ارتقاء سطح زندگی روستائیان است.

ارباب رجوع این رهیافت، شامل تمام کشاورزانی است که باید به آنان کمک شود تا سطح و عملکرد تولیدات خود را افزایش دهند. این رهیافت برای دسترسی به تمام کشاورزان، ضمن تشکیل گروههای هدف، از رهبران محلی، کشاورزان رابط و مددکاران ترویج بهره می‌گیرد.

هسته تشکیلاتی این رهیافت، در وزارت کشاورزی یا سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول اداره امور کشاورزی هر کشور مستقر است. بدینسان، کار برنامه‌ریزی فعالیتهای ترویجی تحت نظارت دولت مرکزی و یا شاخه‌های ایالتی و ولایتی آن انجام می‌گیرد. معمولاً اجرای برنامه‌های آموزشی ترویج را مروجین مستقر در روستاهای هر حوزه ترویجی در واحدهای تقسیمات کشوری (← تقسیمات کشوری)، شامل بخش و دهستان، ضمن بهره‌مندی از راهنمایهای فنی کارشناسان تخصصی مستقر در ستاد ترویج استان، زیر نظر سرپرست ترویج شهرستان انجام می‌دهد. منبع تغذیه علمی این کارشناسان متخصص نیز

مؤسسات، مراکز و ایستگاههای تحقیقاتی وابسته به وزارت کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی) و یا سایر سازمانهای ذی‌ربط است.

منابع اعتباری و مالی لازم در این رهیافت را دولت مرکزی و به‌عنوان یکی از اقلام بودجه عمومی مورد نیاز برای توسعه کشاورزی و عمران روستایی تأمین می‌کند. بدین ترتیب، مردم و مراجع محلی (← مراجع محلی روستایی) الزام در مشارکت برای سهم شدن در هزینه‌ها را ندارند و به تبع این عدم الزام، از حق رسمی برای مشارکت مسئولانه در طرح، اجرا و ارزشیابی فعالیتهای ترویجی، در هیچ‌یک از سطوح عملیاتی، برخوردار نیستند. برنامه‌های اجرایی در این رهیافت همواره تابع سیاستها و خط‌مشیهای دولت مرکزی به روال از بالا - به - پائین است. همچنان‌که، معیار ارزشیابی فعالیتهای پیوسته به تبعیت از هدف اصلی رهیافت، قاعدتاً حول سنجش میزان افزایش تولید محصول متمرکز است.

رهیافت ترویج دانشگاهی

این رهیافت مبتنی بر این فرض است که دانشگاه محل پیدایش و تکامل علوم و فنون و منشأ تولید و نشر دانشهای نوین در جامعه است. همچنین، فرض بر این است که اعضای هیئت علمی می‌توانند به‌عنوان معلمان و مربیان علوم و فنون کشاورزی و دیگر رشته‌های مربوط، نسبت به نشر و آموزش یافته‌های نوین و مناسب به مردم روستایی مفید و مؤثر واقع شوند. براین اساس، هدف ترویج دانشگاهی از یکسو کمک به مردم روستایی برای فراگیری کشاورزی علمی و از سوی دیگر، کمک به اعضای هیئت علمی و دانشجویان دانشگاهها برای آشنایی با مسائل و مشکلات، و فراگیری عملیات واقعی کشاورزی در صحنه‌های عمل و درعین حال، پژوهش به‌منظور دستیابی به راههای عملی و ممکن به‌منظور حل مسائل و مشکلات جاری روستائیان است.

ارباب رجوع این رهیافت، شامل تمام کشاورزان، به‌ویژه کشاورزان تخصصی کار است. درعین حال، این رهیافت به جوانان و زنان روستایی به‌عنوان مخاطبان خاص برنامه‌های

ترویج، رهیافت(های) بدیل

نیستند و برای غلبه بر این مسائل، به کارگیری یک شیوه انضباطی خاص الزامی است.

در مورد همین شیوه خاص نیز فرض بر این است که می‌توان با استقرار یک جریان دوسویه برای مبادله اطلاعات بین کارکنان ترویج و کشاورزان طرف-تماس از یکسوی، و پژوهندگان واحدهای تحقیقاتی از سوی دیگر، و ضمن اعمال یک نظام مدیریت و سرپرستی منضبط، نه تنها بر خمودگی موجود در نظام ترویج غلبه کرد، بلکه آن را به سوی مسیری پویا و پرنشاط رهنمون ساخت.



هدفهای عملیاتی این رهیافت اغلب مشابه هدفهای ترویج در رهیافت متعارف است و به‌طور کلی عبارت است از ترغیب برای وادار کردن کشاورزان به افزایش تولید محصولات ویژه کشاورزی. در ارتباط با ارتقاء کیفیت منابع انسانی، هدفهای اختصاصی این رهیافت متکی بر آموزش کارکنان صحرائی ترویج توسط کشاورزان متخصص از یکسو، و دیدار و آموزش کشاورزان توسط مروجان در روستاها طبق یک برنامه منضبط و مسجل، از سوی دیگر است.

به‌منظور پیشبرد بهتر این رهیافت، چند اصل راهبردی زیر توصیه می‌شود:

• دیدار کارکنان ترویج با کشاورزان در روستاها براساس یک برنامه مسجل، ثابت و منظم و به‌عنوان یک هدف مشخص در این فرایند، جهت‌گیری شود و مستمراً نظارت

ترویج دانشگاهی توجه ویژه دارد.

این رهیافت را براساس اصول تعاونی دولت مرکزی، دولتهای ایالتی و دانشگاهها و انجمنها و گروههای محلی پی‌ریزی کرده‌اند. میزان مشارکت و نحوه همکاری هر یک از این نهادها با ترویج، در کشورها و مناطق مختلف، متفاوت است.

برنامه‌ریزی فعالیتهای ترویجی در این رهیافت را معمولاً دانشکده‌های کشاورزی، با همکاری سایر نهادهای ذی‌ربط در سطوح عملیاتی پی‌ریزی می‌کنند و طبعاً اعضای هیئت علمی همان دانشکده آن را نظارت و ارزیابی می‌کنند، درحالی‌که جایگاه و اختیارات مطلوبی برای همکاری و نظارت بر اجرای برنامه‌ها به ارباب رجوع برنامه‌های ترویجی سپرده می‌شود. سنجش میزان موفقیت برنامه‌ها به مقدار زیادی برحسب تعداد مخاطبین و حدود مشارکت مردم کشاورز در فرایند طرح، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها ملاک عمل است. دانشکده‌های کشاورزی نیز به سهم خود، برای ارزیابی فعالیتهای آموزشی دانشجویان خود، میزان یادگیری آنان از فعالیتهای صحرائی ترویج را ملاک عمل قرار می‌دهند.

علاوه بر اینها، این رهیافت در فرایند سنجش میزان موفقیت برنامه‌های ترویج در شرایط مطلوب، ضمناً نرخ بالای پذیرش عملیات و یا فناوریهای توصیه شده ترویج به کشاورزان گروه هدف را ملاک توفیق خود قلمداد می‌کند.

رهیافت آموزش و دیدار

مبنای فرضهای اساسی این رهیافت شبیه رهیافت متعارف ترویج است، اما این فرض اضافی هم مطرح است که کارکنان صحرائی ترویج از آموزشهای کافی برخوردار نبوده، و از لحاظ معلومات فنی، به-هنگام نیستند. درعین حال، این فرض مهم وجود دارد که کارکنان صحرائی ترویج به دیدار کشاورزان در مزارع تمایلی ندارند و در عوض، ترجیح می‌دهند تا در دفاتر کار خود بنشینند و منتظر باشند تا کشاورزان به دیدار آنها بروند. در این بین، باز هم فرض شده است که مدیریت و سرپرستی واحدهای صحرائی از تحرک، کفایت و کارایی لازم و کافی برخوردار

گردد؛

• کیفیت علمی و فنی کارکنان صحرایی از طریق آموزشهای ضمن خدمت، مستمراً ارتقاء یابد تا به حد استانداردهای قابل قبول برسد؛

• به منظور افزایش تأثیر تحقیقات کشاورزی بر توسعه فنآوریهای زراعی از طریق احیای نقش کلیدی کارشناسان متخصص موضوعی، باید به تجدید سازمان پیوندهای بین تحقیق و ترویج همت گماشت؛

• کارکنان صحرایی ترویج باید از کلیه وظایف مرتبط با کارهای غیرترویجی معاف گردند؛

• به منظور احتراز از دوباره کاری و فعالیتهای موازی و تکراری، کلیه فعالیتهای آموزشی و ترویجی در سطح روستا باید در یک واحد خدمات ترویجی متمرکز گردد و رسماً مسئول این فعالیتهای باشد؛

• کار ترویج باید در یک ارتباط پیوسته دوسویه، بین واحدهای تحقیقاتی و کارشناسان متخصص موضوعی، و بین آنها و کارکنان صحرایی ترویج، و نیز با کشاورزان طرف- تماس و به نوبه خود، با قاطبه کشاورزان مستقر در هریک از مناطق روستایی جریان داشته باشد، تا بدین ترتیب، سیر دوطرفه اطلاعات، از بالا به پائین و از پائین به بالا، به طور فعال و پایدار در جریان باشد؛

• عرضه به موقع نهاده‌ها و اعتبارات تولیدی، اگرچه از وظایف ترویج نیست، اما باید توسط واحدهای خدماتی ذی ربط تهیه و تدارک شود، تا هماهنگ با آموزشهای ترویجی، مورد استفاده پذیرندگان نوآورها قرار گیرند؛ و

• در این رهیافت، وجود و جریان یک نظام فعال و مستمر نظارت و ارزشیابی، به عنوان مکمل برنامه‌های ترویجی، ضرورت دارد.

اجرای برنامه‌ها در این رهیافت اساساً متکی بر دیدارهای هفتگی مروّجان مستقر در سطح روستاها با گروههای کوچک به عنوان روستائیان طرف تماس است. همچنین، آموزشهای هر ۲ هفته یکبار مروّجان توسط کارشناسان متخصص، در واقع آماده کردن مروّجان برای انتقال یافته‌ها از کارشناسان به کشاورزان است.

منابع اعتباری و مالی مورد نیاز برای تحقق این رهیافت

به سختی توسط دولت مرکزی در هر کشور تأمین می‌شود، زیرا سطح هزینه‌های اجرایی آن بسیار بیش از سایر رهیافتهای متداول است. از این رو، دولتهایی که این رهیافت را به خدمت می‌گیرند، معمولاً با استفاده از منابع بین‌المللی - عمدتاً بانک جهانی - برای تأمین هزینه‌های مربوط اقدام می‌کنند.

سنجش میزان موفقیت این رهیافت به سبب ماهیت آن، برحسب افزایش میزان عملکرد و مجموع تولیدات کشاورزی ارزیابی می‌گردد. در حالی که به طور همزمان، تعیین میزان موفقیت برنامه ترویج برحسب فلسفه رهیافت که دیدار هرچه بیشتر از روستائیان محروم و انتخاب مناسب‌ترین پیامهای آموزشی تأثیرگذار بر آنان نیز بشمار می‌رود، مطرح است.

بدین ترتیب، میزان توفیق جنبه‌های فلسفی این رهیافت را می‌توان برحسب تعداد مخاطبان برنامه‌های آموزشی و تأثیر آنها بر میزان افزایش عملکرد و مجموع تولیدات و یا خدمات مربوط تعیین کرد.

رهیافت توسعه و تولید تک‌محصولی

این رهیافت مبتنی بر این فرض است که افزایش عملکرد تولید و بهره‌وری یک محصول ویژه، منتج از تجمع و تمرکز کلیه امور و عملیات مربوط، و تأمین عوامل و نهاده‌های مورد لزوم در یک واحد خدماتی ویژه برای توسعه تولید تک‌محصولی است. بدین ترتیب، تجمع فعالیتهای تحقیقاتی توأم با ترویج آنها، تأمین عوامل و نهاده‌های تولیدی منتج از تحقیقات ترویجی، انجام خدمات بازاریابی و فروش محصول، همراه با تدارک سایر خدمات مربوط به تولید، تبدیل و توزیع تک‌محصولی مورد نظر در یک سازمان فنی - بازرگانی متولی آن محصول، اساس این رهیافت را تشکیل می‌دهد. در این رهیافت تمام امور مربوط به یک محصول در یک سازمان تخصصی متمرکز می‌شود و ترویج به عنوان یکی از این امور، تمام توجهات خود را بر فعالیتهای آموزشی مربوط به افزایش کمی و کیفی آن محصول معطوف می‌دارد.

بدین ترتیب، هدف این رهیافت عبارت از کاربرد

ترویج، رهیافت(های) بدیل

بر حسن جریان امور برای نیل به هدفهای ترویج، به صورتی مسئولانه و جدی فراهم خواهد گردید. البته وجود این فرض هم بدیهی است که روستائیان به علت محدودیتهای مالی، توان تقبل تمام هزینه‌های جاری یک واحد ترویجی را نخواهند داشت. بنابراین، حکومت مرکزی به تنهایی و یا همراه با دیگر نهادهای ملی - منطقه‌ای در جهت کمک به روستائیان، عهده‌دار بخش عمده‌ای از اعتبارات مورد نیاز خواهد بود.

براین اساس، می‌توان چنین استنباط کرد که از طریق جلب مشارکت مادی گروه یا گروههای هدف برنامه ترویج، مقصود این رهیافت متعهد نمودن مردم روستایی در تأمین بخشی از هزینه‌های اجرای برنامه، به منظور ایجاد یک رابطه تعاونی و نتیجتاً تضمین مشارکت معنوی و نظارت مسئولانه آنان در فرایند فعالیتهای آموزشی ترویج کشاورزی در یک یا چندین منطقه معین است.

هدف این رهیافت کمک به مردم روستایی برای فراگیری معلومات و مهارتهای لازم به منظور بهبود کیفیت زندگی و افزایش بهره‌وری فعالیتهای تولیدی است. هرچه روش و محتوای برنامه‌ها در راستای این هدف برای مردم روشن‌تر و قابل پذیرش‌تر باشد، تمایل آنان به تقبل بخشی از اعتبارات، و یا آمادگی آنان برای سهیم شدن در پرداخت هزینه‌های مربوط بیشتر خواهد بود.

برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای برنامه‌های ترویجی به نسبت مشارکت طرفین در تقبل و تسهیم هزینه‌های مربوط، بین مردم از یکسوی، و واحدهای دولتی و نهادهای منطقه‌ای متصدی امور توسعه و ترویج کشاورزی منطقه از سوی دیگر، تقسیم می‌گردد. شاید یکی از شناخته شده‌ترین مصادیق این رهیافت را بتوان در نظام تعاونی خدمات ترویج در ایالات متحد آمریکا معرفی کرد که ضمن آن، دولتهای فدرال و مقامات محلی و دانشگاهها بر یک مبنای تعاون‌گونه، سهم‌پذیران هزینه‌های فعالیتهای ترویج کشاورزی بشمار می‌روند. البته نظامهایی از این قبیل را می‌توان در تعاونیهای کشاورزان کومبلا در کشور بنگلادش نیز مشاهده کرد.

برای این رهیافت، موفقیت برحسب تمایل و توان مردم

مناسب‌ترین فناوریهای ممکن و عملی، به منظور افزایش کاراییهای لازم و کافی در تولید و عرضه تک‌محصولی مورد نظر، برای توزیع و مصرف در داخل و یا صدور به خارج از کشور است. به ساده‌ترین بیان، هدف این رهیافت تولید بیشتر با کیفیت مطلوب‌تر است.

ارباب رجوع در این رهیافت، برحسب شاخصهای اقلیمی هر منطقه، عبارت از کشاورزان تخصصی‌کار، مثلاً پنبه‌کاران، چغندرکاران، چایکاران و... است. کار برنامه‌ریزی و همچنین نظارت بر فعالیتهای آموزشی ترویج توسط سازمان کالای تخصصی و یا تک‌محصولی مورد نظر انجام می‌شود، زیرا همین سازمان متولی، تأمین‌کننده همه اعتبارات و سایر منابع مورد نیاز برای کمک به افزایش عملکرد و کنترل کیفیت آن محصول است. از این رو، سنجش موفقیت برنامه، براساس روشهای قابل توصیه و با توجه به میزان کل تولید و عملکرد یک محصول به‌خصوص، مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

روشهای قابل توصیه توسط ترویج در این رهیافت مبتنی بر معیارهایی است که سلسله‌وار با یکدیگر مرتبط بوده و شرط توفیق برنامه، اطمینان از حضور به هم پیوسته این معیارها، بدین قرار است که روش مورد توصیه:

- سودآور باشد؛
- قابل نمایش در مزارع مشخص باشد؛
- نهادهای مورد لزوم در دسترس باشد؛
- دسترسی سهل کشاورزان خرده - پا به منابع اعتباری مقدور و امکان‌پذیر باشد؛ و
- نسبت قیمت خرید نهاده‌ها و فروش محصول به‌منظور حمایت از کشاورزان خرده - پا پی‌ریزی شده باشد.

رهیافت تسهیم هزینه

این رهیافت مبتنی بر مشارکت مالی و اعتباری مردم است. فرض زیربنایی این رهیافت بدین قرار است که هرگاه بهره‌گیران یک برنامه آموزشی ملزم به تأمین بخشی از هزینه‌های مربوط به طرح و اجرای آن برنامه باشند، انگیزه‌های لازم و کافی برای مشارک فعالانه آنان در تعیین و تحلیل مسائل، انتخاب شیوه‌های مناسب و اداره و نظارت

نهادهای لازم و کافی را به موقع به مولدان مخاطب برنامه ارائه داد.

علاوه بر این، رهیافت توسعه جامع بر این فرض متکی است که هرگاه تمام عوامل لازم و کافی برای توسعه در یک دوره مشخص و به کمک برخی منابع اعتباری فوق العاده، که گاهی توسط منابع بین‌المللی تأمین می‌گردند، برای یک موقعیت خاص تدارک گردند، فرایند تحول و توسعه تحقق می‌یابد. این رهیافت به‌عنوان یک فعالیت پروژه‌ای در یک موقعیت ویژه و برای ارباب رجوعی خاص، اگرچه در برهه‌ای از زمان و به‌عنوان یک فعالیت شدید و سریع‌الثر و تحت شرایط ویژه به مرحله اجرا گذاشته می‌شود، اما آثار همزمان آن در جوامع همجوار و نیز تأثیر و تأثرات آن در همان جامعه، پس از اتمام دوره پروژه، به‌صورت پیامدهای مطلوب این رهیافت و به‌عنوان فرضیات زیربنایی کار توسعه، مورد نظر هستند.

هدفهای طرح توسعه و یا پروژه‌های جامع عموماً مبتنی بر تولید و در جهت افزایش محصولات و فراورده‌های کشاورزی به‌وسیله کشاورزان مربوط در حوزه عمل طرح یا پروژه مربوط است. براساس تنوع اهداف، چند شکل از این رهیافت ممکن است در جوامع مختلف در حال فعالیت باشد. در یک شکل آن، ترویج به‌عنوان یکی از اجزاء پروژه یا برنامه جامع توسعه کشاورزی، با هدف توسعه همه‌جانبه کشاورزی مورد عمل است. در همین قالب، در طرح توسعه جامع کشاورزی می‌توان به شیوه عمل، وظایف و ساختار تشکیلات اولیه سازمان عمران دشت قزوین، سازمان عمران جیرفت و سایر سازمانهای عمران منطقه‌ای توسعه جامع کشاورزی ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ اشاره داشت. در این سازمانها، واحد ترویج همواره یکی از اجزاء این برنامه‌ها برای ایفای نقش خود به‌عنوان مکمل و متمم دیگر اجزاء نهادی، با هدف توسعه جامع کشاورزی در قلمرو حوزه عمل پروژه، عمل کرده است.

در شکل دیگر این رهیافت، ترویج کشاورزی به‌عنوان یک پروژه جداگانه در یک منطقه معین، با هدف تمرکز بر آموزش روستائیان، از طریق ارائه نمایشهای آموزشی و آزمون روشهای بدیل ترویجی، مورد استفاده است. تجربه

کشاورزی، به‌طور انفرادی و یا از طریق واحدهای دولت محلی، در تأمین بخش یا سهمی از هزینه‌ها مورد سنجش قرار می‌گیرد. از این رو، برای اینکه چنین رهیافتی پایدار و پویا باقی بماند، مردم محلی باید همواره از فعالیتهای ترویج سود ببرند و راضی باشند. و در هر زمان که ارباب رجوع یا هزینه‌پذیران ترویج احساس کنند که فعالیتهای ترویج کشاورزی در جهت برآوردن نیازهای فنی آنان نیست، و یا برنامه ترویج با شرایط و امکانات آنان تناسب ندارد، به‌راحتی از حمایتهای خود دست برمی‌دارند و به ساده‌ترین وجه، سهم خود از هزینه‌ها را پرداخت نمی‌نمایند.

رهیافت توسعه جامع کشاورزی

این رهیافت که در برخی از منابع رهیافت پروژه یا با عنوان برنامه توسعه جامع نیز قلمداد گردیده است، مبتنی بر این فرض است که وجود هماهنگی کامل در بین تمام اجزای نهادی مؤثر بر کار افزایش تولید، از اصول اولیه در فرایند توسعه و از طریق آموزش روستائیان برای ترویج شیوه‌های مناسب و برتر تولید، لازم است. بنابراین، تحقق آن صرفاً در قالب یک شکل سازمانی با مدیریت واحد و به‌طور منسجم و پیوسته امکان‌پذیر است. به‌عبارت ساده‌تر، افزایش تولید و به‌طور وسیع‌تر، توسعه کشاورزی مستلزم عوامل متعددی از جمله ترویج است. این عوامل باید سلسله‌وار در قالب یک واحد سازمانی با شیوه‌هایی هماهنگ، در جهت تحول و توسعه کشاورزی، به‌صورتی مرتبط و به هم پیوسته، فعال باشند.

پیدایش، تحول و تکامل این رهیافت و رهیافتهای مشابه، عمدتاً ناشی از وجود این تجربه نامطلوب است که ایجاد هماهنگی در بین واحدهای مستقل همسطح، با مدیریتهای متعدد در درون دیوانسالاری (← دیوانسالاری) گسترده دولتی، در صحنه عمل بسیار مشکل و اغلب ناممکن است. این تجربه نشان می‌دهد که برای تحقق هماهنگی در جریان توسعه کشاورزی، ناگزیر باید تمام عواملی را که به‌طور مستقیم بر این جریان تأثیر دارند، در قالب یک تشکیلات اداری و زیر نظر یک مدیریت واحد به‌صورتی نهادی سازماندهی کرد، تا بتوان تعلیمات، منابع و

معمولاً مبادرت به تشکیل مراکز خدمات کشاورزی در کانونهای تولیدی و یا مراکز خدمات روستایی در قطبهای جمعیتی می‌کند، تا امکان دسترسی سهل ارباب رجوع به اطلاعات بهنگام و نهاده‌ها، ابزار و وسایل لازم برای تحول و توسعه را فراهم نمایند. سنجش موفقیت در این رهیافت عمدتاً بر مبنای افزایش تولید به‌عنوان محور توسعه و ابعاد جنبی آن در زمینه‌های زیربنایی توسعه کشاورزی و توسعه روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

رهیافت توسعه یکپارچه روستایی

این رهیافت ترکیبی از طرحهای عمران روستایی با رهیافت ترویجی انگیزش روستائیان در کشورهای فرانسه زبان افریقایی است. این رهیافت در عین حال، مبین تصور وسیع‌تری از عمران و توسعه روستایی، شامل عوامل اجتماعی و اقتصادی است و از این رو، متضمن تدابیر وسیعی برای تحقق فعالیتهای درآمدزا در زمینه‌های کشاورزی و فعالیتهای روستایی است.

فرضیه‌های تلویحی این رهیافت مبتنی بر قابلیت و استعداد فطری تمام روستائیان برای قبول مسئولیت و مشارکت فردی و جمعی، در قالب نهاده‌ها، نظامها و تشکلهای سنتی در فرایند توسعه و عمران روستایی است. از این رو، این رهیافت به‌عنوان یک اصل، بر شمول عام مردم روستایی، به‌ویژه فقرا، در فرایند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توسعه و عمران روستایی تأکید دارد.

بر مبنای این فرض، هدفهای اقتصادی این رهیافت بر محور دستیابی ارباب رجوع روستایی به فنون نوین و مناسب برای افزایش تولید، ایجاد و توسعه فعالیتهای اشتغال‌زا، و دسترسی به منابع درآمدی جدید به‌منظور تأمین اهداف اجتماعی جامعه روستایی پی‌ریزی می‌گردد. اقدام برای جلب مشارکت مردم و انگیزش آنان برای خودیاری و پرورش توان همیاری و ایجاد تشکلهای رهبری در بین اعضای جوامع روستایی، از جمله راهبردهای این رهیافت در جهت نیل به اهداف توسعه و عمران روستایی، در زمینه‌هایی چون توسعه برنامه‌های تعلیماتی، بهبود بهداشت محیط، بهبود مسکن روستایی، حفاظت از محیط زیست،

پروژه ترویج کشاورزی دوزج در منطقه خرقان (شهرستان ساوه) توسط هلندیها و بعدها توسط سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ش را نیز می‌توان نمونه‌ای از اشکال این رهیافت با هدف توسعه آموزشهای کاربردی در زمینه‌های کشاورزی قلمداد کرد.

سرانجام، شکل دیگری از این رهیافت را می‌توان با هدف تأمین عنصر آموزشی ترویج در یک پروژه جامع توسعه روستایی بشمار آورد. نمونه بارز این شکل را می‌توان در فلسفه وجودی مرکز آموزش و توسعه ناتا، به‌عنوان یکی از عناصر تشکیلاتی پروژه عمرانی کومبلا در کشور بنگلادش مورد توجه قرار داد. در این پروژه، به کمک کارکنانی که در مرکز آموزش و توسعه ناتا به تحصیل اصول کشاورزی و مطالعه زندگی روستایی می‌پرداختند، رهیافتهای نوآورانه‌ای برای ارائه آموزشهای لازم به روستائیان تعیین و بررسی، و از طریق کشاورزان نمونه در هریک از روستاهای قلمرو پروژه، به جمع روستائیان مخاطب برنامه توصیه می‌گردید. افزون بر فعالیتهای ترویجی برای توسعه کشاورزی، ارائه برنامه‌های آموزشی خاص به زنان روستایی، ترغیب روستائیان به تشکیل شرکتهای تعاونی، تشویق مردم به پس‌انداز در صندوقهای ذخیره، و سرانجام، آموزش رهبران محلی، جملگی در قالب برنامه‌های منضبط با مشارکت ارباب رجوع محلی از فعالیتهای جاری در پروژه‌های عمرانی کومبلا، با هدف کمک به جریان توسعه روستایی بوده‌اند.

بر مبنای اشکال متنوع کاربرد این رهیافت، ارباب رجوع آن نیز برحسب موضوع پروژه در تغییر است. با این وجود، ارباب رجوع ترویج در این رهیافت تمام روستائیان قلمرو طرح را دربر می‌گیرد، اگرچه امکان دارد که در طول زمان، کشاورزان خرده‌پا و فقیر نتوانند وضعیت فنی و مالی خود را با شرایط لازم در طرح توسعه انطباق دهند. که در این حالت، یک طرح به تمام معنی جامع باید شرایط لازم برای مشارکت تمام مردم را به‌نحوی تعدیل نماید که در نهایت، ارباب رجوع طرح شمول عام داشته باشد.

به‌منظور ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای جامعیت طرح توسعه و شمول عام آن، یک طرح جامع توسعه،

ژرف عملی است. البته، هنوز هم تحولات ایجاد شده در بخشهای اقتصادی و به خصوص، در زیربخشهای کشاورزی را می توان برحسب میزان افزایش تولید و یا عملکرد محصول مورد سنجش قرار داد.

رهیافت توسعه نظامهای زراعی

هر روستا، به عنوان یک واحد مستقل، براساس سوابق فرهنگی و ویژگیهای اقلیمی، نظامهای خاصی را در بطن خود ایجاد کرده، طی سده ها یا سالهای متمادی پرورش داده و به امروز رسانده است. تغییر این نظامها و انطباق آنها با ویژگیهای پیشرفته فناوریهای فردا، از جمله فعالیتهای مهم و مشکل در هریک از رهیافتهای موجود است. عدم تطابق نظامهای سنتی با آنچه که به عنوان فناوری پیشرفته در اختیار کارکنان ترویج در یک منطقه به خصوص قرار می گیرد، و یا عدم دسترسی کارکنان ترویج به فناوریهای مناسب برای روستائیان در یک منطقه، فرضیه زیربنایی این رهیافت را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، فرض این است که فناوریهای مناسب با نیازمندیهای کشاورزان، به خصوص کشاورزان خرده پا در دسترس نیست و لازم است به طور محلی به وجود آید.

بربنای این فرض، هدف این رهیافت ایجاد و توسعه فناوریهای مناسب با نیازمندیهای جوامع روستایی و درعین حال، قابل انطباق با نظامهای سنتی و شرایط حاکم بر محیط زندگی و کار آنان، در روستاهای قلمرو ترویج است. تحقق این هدف، علاوه بر ضرورت انطباق و انعطاف برنامه های ترویجی، مستلزم همسو و هماهنگ شدن فعالیتهای جاری در نهادهای تحقیقاتی با نیازها، شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم، و سازگار با نظامهای زراعی حاکم در جوامع روستایی است. این امر از یکسو، مستلزم برنامه ریزی خاص برای هر اقلیم زراعی، و از سوی دیگر، مشارکت فعالانه و همکاری هر ۳ گروه، یعنی مردم، کارکنان ترویج و کارکنان نهادهای تحقیقاتی با یکدیگر است. به بیان ساده تر، هدف تجهیز کارکنان ترویج و از طریق آنان، تجهیز مردم روستایی به نتایج حاصل از تحقیقات کشاورزی به منظور تأمین نیازمندیها و علایق مردم

بهبود وضع تغذیه و توسعه امکانات زیربنایی، ارتباطاتی، مواصلاتی و سایر زمینه های رفاهی، اجتماعی و فرهنگی است.

هدفهای آرمانی این رهیافت ایجاد امید و تحرک در بین توده های فقیر، مایوس و خموده خارج از هرم قدرت در جوامع روستایی است. این بدان معنی است که تأکید این رهیافت عمدتاً بر پرورش و آموزش تمام مردم فقیر معطوف است و بدین سبب، مستلزم شناخت اساسی جامعه روستایی و کیفیتهای جامعه شناختی آنان است. این ویژگیها در رابطه با انتخاب و آموزش آموزشگران و سایر عوامل اجرایی در طرحها و برنامه های عملیاتی بر این موضوع تأکید دارد که این عوامل نه تنها در نقش آموزشگران فنی بلکه علاوه برآن، باید در نقش مشاوران جامع نگر و اصلاح طلب اجتماعی در تمام زمینه های عملیاتی در خدمت انگیزش، پرورش و آموزش روستائیان ارباب رجوع خود باشند.

توسعه روستایی، عمران روستایی، آبادانی روستاها و توسعه فراگیر و یا توسعه همه جانبه، از جمله عناوینی است که در بسیاری از مناطق دنیا به این قبیل از برنامه های توسعه نسبت می دهند. برنامه توسعه یکپارچه روستایی از لحاظ تشکیلاتی، گاهی به صورت یکپارچه و به عنوان یک پروژه عملیاتی و به وسیله مأمورین و عوامل چند پیشه در یک منطقه به خصوص، به مورد اجرا گذاشته می شود، هر چند اغلب به صورت طرحهای عملیات تخصصی جداگانه در زمینه های بهبود محیط مسکن روستایی، بهداشت محیط، بهبود ساخت و سازهای زیربنایی و غیره توسط آموزشگران جامع نگر- ولی ماهر در هریک از زمینه های مربوط- و زیر نظر یک مدیریت واحد، در قالب یک تشکیلات مستقل به عنوان یک برنامه منطقه ای سازماندهی می گردد.

جامعیت دیدگاهها و وسعت میدانهای کاربردی این رهیافت، کار سنجش میزان موفقیت برنامه را طبعاً پیچیده تر از ارزشیابی در سایر رهیافتهای می کند، زیرا سنجش تغییرات و تحولات کیفی در الگوهای رفتاری ارباب رجوع روستایی و تبدیل آنها به معیارهای کمی، مستلزم تحلیل و بررسیهای

روستا و یا اقلیم زراعی است. از این رو، همواره می‌توان میزان توفیق فعالیت‌های انجام شده را با توجه به میزان حدود پذیرش توصیه‌های ترویجی مورد سنجش قرار داد.

رهیافت مشارکتی ترویج

فرض این رهیافت در اصل بر مشارکت معنوی روستائیان در پیگیری برای دستیابی به اطلاعات و مهارت‌های بیشتر استوار است. کشاورزان از طریق فراگیری، تعدیل و تطبیق و ترکیب اطلاعات و مهارت‌های جدید با شرایط موجود، بهره‌وری فعالیت‌های تولیدی و سطح زندگی خود را بهبود می‌بخشند. علاوه بر این، فرض شده است که تحقق این فراگیری مستلزم مشارکت کشاورزان در فعالیت‌های ترویجی و نیز، جلب مشارکت و همکاری‌های فعالانه کارکنان تحقیقاتی، به منظور برقراری یک نظام منسجم رفت و برگشت اطلاعات بین جوامع روستایی و منابع تحقیقاتی از طریق ترویج است. در این رهیافت، باز هم فرض است که شکل و اقدام گروهی روستائیان در این فرایند، از یکسو، متضمن تقویت آثار یادگیری در بین آنان، و از سوی دیگر، ملزم شدن ترویج به عطف توجه و تمرکز ویژه بر خواسته‌ها و نیازهای اصیل روستائیان، به خصوص کشاورزان کوچک و خرده‌پاست.

بر اساس فرض مبنایی این رهیافت، هدف اصلی افزایش تولید و مصرف در جهت ارتقاء کیفیت زندگی مردم روستایی، افزون بر تعدادی از هدف‌های عملیاتی به قرار زیر است:

- افزایش مناسب پیام‌های ترویجی، در ارتباط با نیازمندی‌های مردم روستایی؛
- افزایش میزان فراگیری ارباب رجوع، از طریق مشارکت‌های هدفمند و فشار گروهی بر فرد برای یادگیری بیشتر؛
- کسب توصیه‌های مناسب از محققان، از طریق نظام مشارکتی رفت و برگشت اطلاعات؛
- کمک در تنظیم عرضه نهاده‌ها، اعتبارات و بازاریابی محصولات، منطبق با نیازمندی‌های کشاورزان، و به سبب تمام این موارد،
- افزایش کارایی و اثربخشی، و تأثیر با صرفه فعالیت‌های

تحت شرایط این رهیافت در محل است.

کارکنان نهادهای تحقیقاتی در این رهیافت دارای نقش و وظایفی افزون بر نقش و وظایف خود در دیگر رهیافت‌ها هستند. زیرا علاوه بر طرح و اجرای پژوهش‌های زیست‌شناختی بر اساس نیازهای جاری و سازگار با نظام‌های اجتماعی سنتی رایج در منطقه، کارکنان نهادهای تحقیقاتی باید مزارع و محیط زندگی روستایی را به عنوان آزمایشگاه صحرایی خود تلقی کرده، از طریق بازدیدهای مستمر، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به وضع موجود، ضمن آگاهی کامل بر حالات و روابط علت و معلولی مسائل و مشکلات جدی، و برآورد دقیق امکانات و استعداد‌های مردم و محیط روستایی، به طرح برنامه‌ای پژوهشی به منظور ابداع فناوری‌های مناسب با اوضاع و احوال مردم و محیط، و سازگار با نظام‌های زراعی رایج در منطقه پردازند. این تحقیقات شامل زمینه‌هایی از قبیل بررسی وضع موجود مدیریت منابع و نهاده‌ها، مدیریت مزرعه، بررسی شیوه‌های ارتباطی، نظام‌های بازاریابی، قیمت‌گذاری محصولات و فرآورده‌های زراعی، شیوه‌های حمل و نقل و نگهداری محصولات روستایی و مانند آن است.

آکسین وجوه کلیدی رهیافت توسعه نظام‌های زراعی را این چنین برمی‌شمارد که: توسعه نظام‌های زراعی آن‌چنان رهیافتی برای توسعه است که از نهادهای دهقانی موجود بهره می‌گیرد، بر مبنای حفاظت از منابع پی‌ریزی می‌شود، موضوع خانواده و خانوار کشاورز را به عنوان یک بخش از مجموعه نظام زراعی تلقی می‌کند و تشخیص می‌دهد که پیشرفت نظام‌های زراعی به وجود خدمات حمایتی وابسته است و در جایی فزونی می‌یابد که تشکلهای لازم برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی موجود باشند. این رهیافت در عین حال، مستلزم یک سازوکار اثربخش برای انتقال و اشاعه فناوری‌ها و بدیل‌های تولیدی معین به کشاورزان است؛ ضمن اینکه مستلزم آموزش‌های قابل ملاحظه برای افزایش اثربخشی فعالیت‌ها و سرانجام، توسعه نظام‌های زراعی است. این رهیافت مبتنی بر پیدایش، ترویج و توسعه فناوری‌های اصلاح کننده و مکمل نظام‌های سنتی رایج در هر

ترویج، در طول زمان.

به سبب اصالت مشارکت معنوی روستائیان در این رهیافت، کار برنامه ریزی در سطوح محلی، با همکاری مسئولان نهادهای محلی، از قبیل باشگاهها، انجمنها و یا شرکتهای تعاونی و اتحادیه های کشاورزی، توأم با مشارکت فعالان عوامل تحقیقاتی و نیز عوامل دیگر نمایندگان گهگاهی حاضر در هر محل صورت می گیرد.

عوامل صحرایی ترویج در این رهیافت، نه تنها در نقش آموزشگر برنامه های ترویجی، بلکه ناگزیر در نقش انگیزش گر و تسریع گر، مسئولیت ترغیب کشاورزان و سازماندهی تشکلهای گروهی و تقویت هسته های رهبری محلی در جوامع روستایی را برعهده دارند.

آثار اجرایی این رهیافت عمدتاً از طریق افزایش میزان تولید و مصرف، و ارتقاء کیفیت زندگی روستائیان مورد سنجش قرار می گیرد. در حالی که ارزیابی حدود مشارکت واقعی دیگر اعضای واحدهای فعال در روستاها، از قبیل عوامل تحقیقاتی، نمایندگان گهگاهی فروش و توزیع نهاده ها، نمایندگان گهگاهی خرید محصولات و فراورده ها و مؤسسات اعتباری و بیمه ای محصولات، از جمله دیگر معیارهای ارزشیابی اثربخشی اجرای برنامه ها در این رهیافت بشمار می روند.

رهیافت مشارکتی را می توان علاوه بر زمینه های تولیدی، در زمینه های مربوط به آبادانی و توسعه روستایی به خدمت گرفت. کما اینکه رهیافتهای توسعه یکپارچه کشاورزی و نظامهای زراعی نیز دارای بالاترین قابلیت های کاربردی در زمینه های آبادانی و توسعه روستایی هستند.

کتاب شناسی:

- آکسین، جورج. اچ. رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استیویس، بندیک. ترویج کشاورزی در خدمت خرده سالکین، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، بیرجند: مجتمع آموزش عالی بیرجند. چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ. تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «روشهای ترویج و آموزش روستائیان در طرحهای عمران روستایی»، گزارش نهایی پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی. مجری اسماعیل شهبازی، ناشر نسخه های محدود،

تهران: دفتر تحقیقات معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۰.

- راجرز، اورت ام. و شومیگر، اف. فلویید. رسانش نوآوریها - رهیافتی میان فرهنگی، ترجمه عزت الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذرماه ۱۳۶۹.

- زمانی پور، اسدالله. ترویج کشاورزی در فرایند توسعه. دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.

- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). مرجع ترویج کشاورزی، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.

- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). مشورت های جهانی در مورد ترویج کشاورزی. سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.

- شهبازی، اسماعیل. توسعه و ترویج روستایی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، زمستان ۱۳۷۵، چاپ سوم با اصلاحات ۱۳۸۱ و چاپ چهارم با تجدیدنظر و افزوده ها ۱۳۸۴.

- کرمی، عزت الله و فنائی، سیدابوطالب. بررسی نظریه پردازیه ها در ترویج. جلد اول: ترویج و توسعه، و جلد دوم: مدیریت، نظامها و عاملان اجرایی. چاپ اول، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، بهار ۱۳۷۳.

- گراول، آی. اس. و تامبر، ار. اس. (ویراستاران). مقدمه ای بر آموزش ترویج، ترجمه سیروس سلمانزاده، چاپ اول، اهواز: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، دی ماه ۱۳۶۷.

- ملک محمدی، ایرج. ترویج کشاورزی و منابع طبیعی. جلد اول، سبیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.

- موشر، آرتور. ت. پیشبرد کشاورزی - لازمه های تحول و نو سازی، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.

اسماعیل شهبازی

ترویج کشاورزی

Agricultural Extension

نشر و اشاعه اطلاعات با استفاده از روشهای ویژه آموزشی را ترویج کشاورزی گویند. ترویج اصالتاً یک فعالیت آموزشی به منظور انتقال دانشهای علمی - کاربردی و

ترویج کشاورزی

سازمانی است که فعالانه به کار یاد دادن و یاد گرفتن اشتغال دارد. لازمه این چنین فعالیتی، از یکسو ایجاد و تکامل یک محیط مناسب آموزشی برای انتقال دانش و مهارت‌های جدید و کارآمد به روستائیان، و از سوی دیگر، آشنایی مباشرین ترویج با مهارت‌ها، عملیات و روش‌های سنتی به منظور به دست آوردن تجارب تکمیلی متناسب با محیط از روستائیان طرف تماس است. نتیجه عملی این تبادل اطلاعات، وقوع تغییرات تدریجی در رفتار و روش‌های مورد عمل روستائیان است. تغییر در رفتار و روش‌های انجام امور می‌تواند به تفاوت، ناشی از افزایش سطح معلومات و مهارت‌ها، ناشی از تغییر در نگرش، بینش و نحوه برخورد، و نیز در سطح فکر، باورها، رسوم، آداب و یا سرانجام، تغییر در سطح ارزش‌های فرهنگی موجود باشد.

مکتب آموزشی ترویج

ترویج اصالتاً زمینه‌ای مبتنی بر یک نظام آموزشی خاص برای اشاعه علوم و فنون در سطحی وسیع از جامعه نضیح گرفته و تحول و تکامل یافته است. با توجه به ماهیت این نظام آموزشی و حکمت و فلسفه‌ای که زیربنای اندیشه‌ها، افکار و نظریات آن است، و نیز بر مبنای روش‌های ویژه آن، ترویج را می‌توان یک مکتب آموزشی تلقی کرد و بر این اساس، بنیاد آن را مبتنی بر حقیقت و اهمیت فرد دانست. یعنی، فرد هدف واحدی است که تمام کوشش‌ها برای کشف، پرورش و رشد استعداد‌های وی متمرکز و بسیج می‌گردد.

اساس این حکمت یا فلسفه از این استدلال منشأ می‌گیرد که افراد عامل یا عنصر اصلی تشکیل دهنده خانواده به عنوان اعضاء یا اندام‌های جامعه و در مجموع عوامل و عناصر تشکیل دهنده پیکره اصلی جامعه هستند. هرگونه تلاش برای پرورش و رشد کیفی فرد موجب می‌گردد که در یک جریان تکاملی، یک عنصر یا عامل پرورش یافته، به واحد خانواده و به تبع آن، به پیکره جامعه افزوده گردد. افزایش تدریجی و مستمر عناصر یا افراد پرورش یافته، به پیکره جامعه و نفوذ آثار و اشاعه الگوهای پنداری و رفتاری آنان در اجتماع، خود یکی از راه‌های اصلاح پیکره جامعه

مهارت‌های تجربه شده و تکامل یافته مراجع تحقیق به گروه‌های هدف است که در هریک از جوامع روستایی، عشایری و کارگری به منظور توسعه منابع انسانی به کار می‌رود. ترویج، مشاوره و تبادل اطلاعات به منظور آگاهی دادن به آموزش‌گیران پیرامون نوآوری‌ها و همچنین آگاهی یافتن آموزش‌گران از مسائل و مشکلات موجود و نوظهور در محیط زندگی و کانون‌های اشتغال گروه‌های هدف برنامه در جریان پذیرش و به کار بستن آموخته‌های نوین است. به سخن دیگر، ترویج نوعی هم‌اندیشی آموزش‌گران و آموزش‌گیران برای مشکل‌یابی و نیز همکاری آموزش‌گران با آموزش‌گیران در جریان مشکل‌گشایی است. علاوه بر این، ترویج کمک به اعضاء گروه‌های هدف برنامه برای تفکر به منظور پرورش یک روحیه جستجوگرانه در مسیر تحول و توسعه است.



بر مبنای این ماهیت، ترویج را می‌توان یک نظام آموزشی غیررسمی و خارج از قالب‌های متداول در مؤسسه‌های آموزش رسمی تعریف کرد. در این نظام، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، اعم از مردان و زنان روستائین، عشایر و کارگران و یا دیگر توده‌های مخاطب، در خارج از محیط مدرسه و به دور از کلاس‌های رسمی درس، با استفاده از روش‌های ویژه ترویج که اغلب مبتنی بر آموزش‌های عملی و نمایشی است، اصول کاربرد یافته‌های پژوهشی و پدیده‌های نوین در زمینه‌های مورد علاقه خود را در محیطی آزاد و غیررسمی از مباشرین ترویج فرا می‌گیرند و به تدریج به کار می‌بندند. بدین ترتیب، از لحاظ ایفای وظایف آموزشی، ترویج

در طول زمان است.

براین اساس، ترویج روستایی را می‌توان عملی‌ترین راهبرد نیل به این فرایند تکاملی تلقی کرد. فرایند پرورش فرد روستایی از طریق ترویج بر ۳ رکن استوار است:

- تداوم آموزش مؤثر؛
 - تحکیم اراده خودیاری؛ و
 - پرورش حس همیاری در افراد هدف برنامه.
- این ارکان، در واقع، محور کلیه برنامه‌ها و فعالیتهای ترویجی در این مکتب آموزشی هستند.

ترویج کشاورزی و ترویج روستایی

از اواخر سده ۱۹م که نظام ترویج دانشگاهی در اروپا و امریکا شکل گرفت، ترویج همواره سرآغاز توسعه روستایی تلقی گردید. بدین ترتیب، هدف اساسی ترویج اعم از کشاورزی و روستایی، پیش از هر چیز ترقی و تکامل معنوی گروههای مخاطب برنامه‌های آموزشی، و براین مبنا، همواره متضمن تحول فرهنگی در فرایند یاد دادن و یادگیری و عمل کردن بوده است.

این قبیل تحولات معنوی، عملاً بر تلقیات و رفتارهای عملی مردم در جریان تصمیم‌گیریهای فردی و اجتماعی، و در رابطه با نیازها، خواستها، امیال و آرمانهایشان، به‌عنوان مقدمات فرایند توسعه، تأثیر می‌گذارد. و از این دیدگاه، توسعه روستایی را می‌توان ثمره عملکرد عمومی آموزشهای ترویجی، چه در زمینه‌های کشاورزی و چه در زمینه‌های غیرکشاورزی قلمداد کرد.

پس از این مراحل، حیطه‌های اختصاصی کار ترویج شروع می‌شود که مرتبط است با دانشهای علمی - کاربردی و مهارتی مورد نظر داوطلبان.

حیطه‌های تخصصی ترویج

میدانهای عملیات آموزشی ترویج کشاورزی و روستایی براساس اصول علمی و موازین عملی و تجربی است که می‌توان برحسب زمینه‌های خدمات تولیدی، زیربنایی، بهداشتی، عمرانی، صنعتی، تعاونی، و منابع انسانی آنها را تقسیم‌بندی کرد:

- خدمات تولیدی، در زمینه‌های زراعت، باغبانی،



زنان؛ سربازان؛ معلولین؛ و گروه‌های ویژه (برای مثال افراد در حال بازپروری) و همچنین، مخاطبان دیگر از قبیل کارگران مهاجر و فصلی کشاورزی و مانند اینها.

ترویج تعاون - گونه

بررسی تنوع و گستردگی زمینه‌های تخصصی کار ترویج به روشنی نشان می‌دهد که کار ترویج در میدان عمل نمی‌تواند در یک ظرف سازمانی واحد، و منحصرأ توسط یک تشکیلات اجرایی تحقق یابد. ماهیت کار ترویج یک ماهیت مشارکتی و تعاونی است. بنابراین، نیل به هدفهای تخصصی آن، زمانی مقدور است که ارباب رجوع برنامه‌ها در این فرایند، جداً از کمکها، همکاریها و راهنماییهای کارشناسی و تسهیلاتی و نیز، از مدیریت فنی و ارشادی واحدهای تخصصی ذی‌ربط برخوردار باشند.

در ایالات متحد، دانشکده‌های کشاورزی و وزارت کشاورزی از یکسوی، و تشکلهای مردمی جوامع کشاورزی، انستیتوهای کشاورزان و مطبوعات کشاورزی از سوی دیگر، در یک قالب تعاون‌گونه به گرد هم جمع شدند و رهیافت «ترویج بر مبنای تعاون» را پایه‌گذاری کردند. یعنی ترویج کشاورزی از عضویت ۳ شریک شامل دانشگاهها، دولت، و مردم تشکیل شد. سهام یا آورده این ۳ شریک به صورت آموزش، اعتبار و مشارکت، سرمایه‌های معنوی و مادی لازم برای تشکیل این مؤسسه تعاونی را فراهم کرد.

نه تنها در رابطه با این رهیافت در امریکا، بلکه در رابطه با بیشتر رهیافتهای ترویجی رایج در اغلب کشورهای جهان، نهاد ترویج بدون پیوستگی با ارگانهای تحقیقاتی و آموزشی، نمی‌تواند به‌عنوان یک نظام علمی ترویجی قلمداد گردد.

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت که کار ترویج بر مبنای تعاون و به‌عبارتی، ترویج تعاون - گونه، یعنی آنکه در یک نظام ترویجی چه در برپایی، و چه در اداره امور عمومی (← اداره امور) و تخصصی آن، باید افراد، نهادها، سازمانها و مؤسسات حقیقی و حقوقی مرتبط با آن مشارکت داشته باشند. مصادیق یک نظام ترویجی مبتنی بر

دامپروری، آبی‌پروری، شیلات، جنگلداری، مرتعداری و گیاهان دارویی؛

• خدمات زیربنایی تولید، شامل آبخیزداری، آبخوانداری، حفاظت آب و آبیاری و زهکشی، حفاظت خاک و حاصلخیزی خاک؛

• خدمات بهداشتی، بهداشت دام و طیور، دامپزشکی، گیاه‌پزشکی و بازیافت از ضایعات کشاورزی؛

• خدمات عمران روستایی، در زمینه‌های طراحی ابنیه و تأسیسات روستایی، ساخت‌وساز ابنیه روستایی، بهسازی مسکن روستایی، بهسازی بافتهای روستایی، بهسازی محیط زیست روستایی و معماری منظر در روستاها؛

• خدمات توسعه صنایع روستایی، از جمله صنایع دستی و سنتی روستایی، صنایع ابزارآلات زراعت و باغبانی، صنایع ساخت ابزارآلات دامپروری، صنایع تبدیلی و فراوری محصولات، صنایع تولید مصالح ساختمانی در روستاها و بیلاقات؛

• خدمات تعاون روستایی، در حوزه‌هایی چون تشکلهای تعاونی روستایی، بازاریابی محصولات کشاورزی، فراوری تولیدات روستایی برای عرضه به بازار، خدمات انبارداری و ترابری فراورده‌های روستایی؛

• بهداشت منابع انسانی، تغذیه و سلامت عمومی، حفاظت محیط زیست انسانی، ایجاد و نگهداری و توسعه پوششهای گیاهی در فضاهای زیست انسانی؛

• خدمات اقتصاد خانه، در عرصه فراوری و نگهداری تولیدات دامی، پرورش طیور خانگی، پرورش زنبور عسل، پرورش کرم ابریشم، تولید گل و گیاه در منزل، تولید سبزیجات در باغچه‌های منازل، و پرورش قارچ خوراکی در منازل روستایی؛ و

• اصول دهداری نوین و مدیریت مزرعه، در جهت تأسیس و توسعه و رهبری تشکلهای غیردولتی برای اداره امور روستاها، مشارکت و مدیریت در دهداریها، مدیریت کشاورزی، مدیریت امور مزرعه، دفترداری و حسابداری مزرعه.

مخاطبان یا گروههای هدف نیز به قرار زیر تقسیم‌بندی می‌شود: عامه مردم؛ روستائیان؛ عشایر؛ جوانان؛ سالمندان؛

تعاون، وجود نظام‌های پیوسته تحقیقات و آموزش و ترویج (تات) در بسیاری کشورها، و تشکیلات ترویج کشاورزی در قالب «زمین»- «اعتبار»- «دانشگاه» در ایالات متحد امریکاست.

بدیهی است که نقش دانشگاه‌ها و مراکز و مؤسسات تحقیقاتی در آموزش و پژوهش و مدیریت علمی فعالیتهای آموزشی ترویج و نقش مردم و تشکلهای مردمی در بهره‌برداری، مبادله اطلاعات و مدیریت و نظارت بر حسن جریان کار، در واقع سهام مازاد آنها در فرایند این فعالیت مشترک و تعاون- گونه است.

کتاب‌شناسی:

- آکسین، جورج. اچ. رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استیویس، بندیک. ترویج کشاورزی در خدمت خرده مالکین، ترجمه اسدالله زمانی‌پور، مجتمع آموزش عالی بیرجند. بیرجند: چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، چاپ اول، مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ. تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «روشهای ترویج و آموزش روستائیان در طرحهای عمران روستایی»، گزارش نهایی پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی، مجری اسماعیل شهبازی، تهران: ناشر نسخه‌های محدود، دفتر تحقیقات معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آبان‌ماه ۱۳۸۰.
- راجرز، اورت ام. و شومیگر، اف. فلوید. رسالت نوآوریها- رهیافتی میان فرهنگی، برگردان عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذرماه ۱۳۶۹.
- زمانی‌پور، اسدالله. ترویج کشاورزی در فرایند توسعه. دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند: چاپ اول، چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). مرجع ترویج کشاورزی، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). مشورت‌های جهانی در مورد ترویج کشاورزی. سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، ترجمه اسدالله زمانی‌پور، چاپ اول، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. توسعه و ترویج روستایی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، زمستان ۱۳۷۵، چاپ سوم با اصلاحات ۱۳۸۱ و چاپ چهارم با تجدیدنظر و

افزوده‌ها ۱۳۸۴.

- کرمی، عزت‌الله و فنائی، سیدابوطالب. بررسی نظریه‌پردازیها در ترویج. جلد اول: ترویج و توسعه، و جلد دوم: مدیریت، نظامها و عاملان اجرایی. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تهران: خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- گراول، آی.اس. و تامبر، ار.اس. (ویراستاران). مقدمه‌ای بر آموزش ترویج. ترجمه سیروس سلمان‌زاده، چاپ اول، اهواز: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، دی‌ماه ۱۳۶۷.
- ملک‌محمدی، ایرج. ترویج کشاورزی و منابع طبیعی. جلد اول، سیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.
- موشر، آرتور. ت. پیشبرد کشاورزی- لازمه‌های تحول و نوسازی، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.

اسماعیل شهبازی

تصمیم‌سازی

Decision-making

تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی عبارت است از فرایندی که طی آن یک خط‌مشی، سیاست، فرایند و یا تصمیم اتخاذ می‌گردد. تصمیم‌گیری روندی است که در حوزه‌های مختلف جریان می‌یابد. بر همین اساس، تعریف و دامنه آن می‌تواند متفاوت باشد. برحسب نوع رویکرد، می‌توان ۳ تعریف از تصمیم‌سازی شناسایی کرد:

- تصمیم‌سازی فرایندی عقلانی و معرفتی است که طی آن از میان گزینه‌های مختلف مبادرت به یک انتخاب می‌شود. در این تعریف فرض بر آن است که فرد می‌تواند گزینه‌های پیش‌رو را به شیوه‌ای عقلانی رتبه‌بندی کند و از میان آنها بهترین را برگزیند؛

- تصمیم‌گیری فرایندی است مربوط به نوعی رفتار در کار انتخاب، صرف‌نظر از اینکه این رفتار اختیاری، از روی عادت و یا خودبه‌خودی باشد. در این تعریف تصمیم‌گیری فرایندی معرفتی محسوب نمی‌شود، بلکه عملی است مربوط به حوزه رفتاری و داخل در دانش رفتاری؛ و
- تصمیم‌گیری فرایند انجام یک انتخاب است که مرحله‌ای

تصمیم‌گیری جمعی مراحل چند را دربر می‌گیرد:

• **ارتباط و اطلاعات.** کیفیت عقلانی تصمیم‌گیری مستلزم وجود اطلاعات کافی درباره هدفها، زمینه‌ها و راهبردهاست؛

• **مذاکره و مباحثه.** هر تصمیم‌گیری، به‌طور معمول، به‌دنبال یک سلسله بحثها و مذاکرات صورت می‌گیرد. این مذاکرات درعین‌حال متضمن نوعی فراگیری است. در فرایند مذاکره، مسائلی چون اطلاعات، ارتباطات، ائتلافها، تاکتیکها و خصوصیات فردی افراد، سهم قابل ملاحظه‌ای دارد؛

• **اعمال اختیارات.** ممکن است در تصمیم‌گیریها میزان اختیارات شرکت‌کنندگان یکسان نباشد؛ یعنی، برخی دارای اختیارات بیشتر و برخی دارای اختیارات کمتری باشند. به‌همین ترتیب، ممکن است برخی توانایی اعمال نفوذ بیشتر و برخی از نفوذ کمتری بهره‌مند باشند؛

• **هماهنگی.** تصمیم‌گیران ممکن است درباره هدفها اختلاف نظر داشته باشند و یا از حیث انگیزه‌ها یکسان باشند، اما به‌هرحال باید در مورد یک مسئله معین به انتخاب نهایی برسند. انتخاب نهایی براین سلسله‌ای از ملاحظات مختلف، اعم از نفوذ، تخصص، اقناع‌گری و اعمال اختیارات سلسله مراتبی است.

ابعاد نظری تصمیم‌گیری خود حوزه وسیعی را دربر می‌گیرد؛ در این حوزه تحقیقات زیادی صورت گرفته و نظریه‌های چندی پدید آمده است. صرف‌نظر از این مباحث، می‌توان گفت که بنا به مضمون اغلب این نظریه‌ها، *فایده مورد انتظار* محور منطق انتخاب را می‌سازد. *فایده مورد انتظار* تعبیر کامل‌تری از نظریه هزینه-فایده است. تحلیل هزینه-فایده عبارت است از جمع و کسر کردن فایده‌ها و زیانهای احتمالی، که از یک تصمیم حاصل خواهد شد. بدینسان، اتخاذ تصمیمی که بیشترین سود و کمترین زیان را دربرداشته باشد، ارجح خواهد بود. هر نوع تصمیم‌گیری-در وجه کلی- با موازنه کردن سودها و زیانها همراه است، هرچند که این توازن ضمنی باشد. برای سنجش هزینه-فایده ممکن است ملاکهای مختلفی مورد ملاحظه قرار گیرند و کار سنجش شکل پیچیده‌ای به خود گیرد.

چون جمع‌آوری اطلاعات درباره گزینه‌ها، سنجش ارزشهای هریک از آنها و صورت‌بندی انتخاب را دربر می‌گیرد. در این تعریف، تمرکز بر تصمیم‌گیری جمعی است و از زاویه رویه و روش به آن توجه می‌شود.

آنچه کارشناسان، مهندسان، حقوقدانان و مدیران در اداره امور جامعه انجام می‌دهند، اساساً کاری از نوع تصمیم‌گیری است. هر تصمیم‌گیری از چند مرحله اصلی تشکیل می‌شود:

• توجه به یک موضوع و مشخص کردن آن به‌عنوان یک مسئله؛

• قراردادن آن مسئله در دستور کار؛

• تبیین هدفها؛

• برنامه‌ریزی و طراحی اقدامات عملی؛ و

• پیش‌بینی راههای سنجش پیشرفت کار. تصمیمهای کارآمد در حل مسائل ملی، منطقه‌ای و محلی در پیشرفت امور جامعه در سطوح مختلف، از جمله شهر و روستا، نقش اساسی دارد.

تصمیم‌گیریها را به ۲ حوزه فردی و جمعی می‌توان تقسیم کرد. تصمیم‌گیری فردی عموماً از رهگذر رویکردهای اجتماعی- روانشناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و با ۲ دسته متغیر سروکار دارد:

• نظام انگیزشی (عواطف هدفها، انگیزه‌ها)؛ و

• نظام ادراکی (ذخیره و پردازش اطلاعات).

تصمیم‌سازی جمعی در حوزه‌های سیاست جریان رایج است. در نظریه‌هایی که به رویکرد تصمیم‌سازی جمعی می‌پردازند، به تحلیل‌های پیچیده‌تر و چندوجهی روی آورده می‌شود. در تصمیم‌گیریهای جمعی با تعامل گروهی از افراد سروکار داریم که خصوصیات و دیدگاههای فردی آنها بر نتیجه‌گیری نهایی تأثیرگذار است، درحالی‌که نتیجه نهایی تصمیم‌گیری چیزی بیش از جمع تصمیم‌گیری فردی افراد است. در تصمیم‌گیریهای جمعی، هیچ فردی به تنهایی صلاحیت اتخاذ تصمیم ندارد و افراد مختلفی که در تصمیم‌گیری شرکت دارند، اغلب درباره هدفها اتفاق نظر ندارند. در این‌گونه تصمیم‌سازیها، تخصص تصمیم‌گیران و سازوکار هماهنگ کردن آنها جای مهمی دارد. فرایند

سیاسی اساساً فرایند تصمیم‌گیری است. بنابراین، با تحقیق در باب عناصر دخیل در اتخاذ تصمیم، مثل شخصیت تصمیم‌گیران، تجربه آنان و مناسبات میان‌سازمانی و برون‌سازمانی آنها، می‌توان فرایند تصمیم‌گیری را مورد مطالعه تجربی قرار داد. باین حال، رفتارگرایان هنوز الگویی را در مطالعه رفتار سازمانی که کم‌وبیش مورد اجماع دانشوران باشد، عرضه نکرده‌اند. به‌این ترتیب، این حوزه نیز مانند بسیاری از دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی، عرصه اختلاف نظر بین پژوهندگان با دیدگاهها و گرایشهای مختلف است.

کتاب‌شناسی:

- گولب، ج. فرهنگ علوم اجتماعی گولد، محمدجواد زاهدی (ویر)، تهران: نشر مازیار، ۱۳۷۶.
- Baron, J. *Thinking and Deciding*. Cambridge: Cambridge University Press, 1988.
- Kuper, A. and Kuper J. (eds) *Encyclopaedia of Social Science*. London: Routledge, 1999.
- Janis, I. and Mann, L. *Decision Making, A Psychological Analysis of Conflict, Choice, and Commitment*. New York: Free Press, 1977.
- Langley, A. "Formal Analysis and Strategic Decision Making", *Omeya*. Vol. 19, 1991.
- Turner, B. "The Future for Risk Research", *Journal of Contingencies and Crisis management*. Vol. 2, 1994.

کمال پولادی

بحث هزینه- فایده پرسش ظرفیت عقلانی عمل انسان را مطرح می‌سازد. با توجه به اینکه هم درباره ماهیت عقلانی بودن انتخابهای انسان و هم ملاکهای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد، بهتر است به‌جای تحلیل هزینه- فایده، از اصلی با عنوان *فایده مورد انتظار* سخن بگوییم که منطبق تصمیم‌گیریها را توجیه می‌کند. اصل فایده مورد انتظار از این نقطه شروع می‌شود که دایره شناخت بشر محدود است و تنها در محدوده توقعات و انتظارات او در ارضای خواستههای موجود و متعارف اقدام به اتخاذ تصمیم می‌کند. به‌این ترتیب، اصل فایده مورد انتظار به یک اصل ذهنی در انتخاب تبدیل می‌شود. در اصل فایده مورد انتظار، وضعیتی در نظر گرفته می‌شود که در آن، با توجه به توزیع احتمالات در دنیای پیچیده، باید برای بیشینه کردن فایده تصمیم‌گیری شود. اصل فایده مورد انتظار همچنین بر این فرض قرار دارد که اشخاص و سازمانها در وضعیتهای پیچیده، در صورت دسترسی به اطلاعات کافی، با تکنیک هدف- وسیله به تصمیم‌گیری می‌پردازند. فرد یا سازمان گزینه‌های مختلفی را که باید انتخاب از میان آنها صورت گیرد، شناسایی می‌کند و پس از سنجش سود و زیانی که از هر یک از آنها ممکن است حاصل شود، دست به انتخاب می‌زند.

در مبحث تصمیم‌سازی به‌عنوان موضوع مطالعات دانش مدیریت، تمام عوامل مؤثر بر اتخاذ تصمیم، از جمله روابط رسمی و غیررسمی، همکنش‌های تصمیم‌گیران، نقش اشخاص ذی‌مدخل در بیرون از سازمان و مسائل اثرگذار بر تصمیم‌گیرندگان مورد توجه قرار می‌گیرد. گرایشی که با نفوذ دیدگاه رفتارگرایی در علوم اجتماعی و سیاسی رشد کرده، بر مطالعات تصمیم‌سازی در دستگاههای عالی اداری و سیاسی تأثیر زیادی برجای گذارده است. پیش از نفوذ گرایشهای رفتارگرایی، مطالعات مرتبط با تصمیم‌گیری در حوزه سازمانهای عالی حکومتی، بیشتر بر وجوه حقوقی و سیاسی کار تصمیم‌سازان- یعنی حکومتگران- متمرکز بود. دیدگاه رفتارگرایی در مطالعات اجتماعی و سیاسی مبتنی بر این فرض است که قدرت عبارت است از توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری. براین اساس، گفته می‌شود که فرایند

تعاون

Co-operation

تعاون به معنای با هم کار کردن برای انجام هدفی مشترک است. در فرهنگها، تعاون برابر یکدیگر را یاری کردن، با هم یاری کردن، هم‌پشت شدن، و با هم مددکاری کردن، آمده است.

تعاون نزد دانشمندان علوم اجتماعی به تفاوت تعریف شده است. آنچه که تقریباً مورد قبول همه است، این است

تعاونی

یا کمک معوض و متقابل. علاوه بر این، جهت کنش یاری در همکاری برون سویه ممکن است عمودی باشد یا افقی؛ یعنی بین افراد همتراز و هم پایگاه برقرار شود یا بین ناهمتران ناهم پایگاه. نکته آخر اینکه هدف و منظور و طرز تلقی افراد یاری دهنده و یاری گیرنده در نوع همکاری از اهمیت برخوردار است. به عبارت دیگر، هدف یاری گیرنده و یاری دهنده ممکن است یکسان باشد و یا در نهایت با هم تفاوت داشته باشد.

با اینکه همکاری یا کارکردن با هم، یا کار مشترک را از ویژگیهای اساسی تعاون دانسته اند، ولی تعریف تعاون قاعداً بر گروه و تشکل ارادی و داوطلبانه افراد تأکید دارد. بنابراین، صرف با هم کارکردن و یا کار مشترک انجام دادن را نمی توان، تعاون نامید. ممکن است کارگرانی که با هم کار می کنند و حتی اجزای یک محصول را می سازند تشکیل یک گروه تعاونی را ندهند، ولی این امکان هست که فعالیت افرادی که با هم کار نمی کنند، به دلیل کیفیت همکاری، به صورت تعاونی باشد. بدینسان مفهوم تعاون بالاتر از کار مشترک است.

کتاب شناسی:

- *International Encyclopedia of the Social Science*. Reprint Edition, Vol. 3-4, New York & London: MacMillan Company & The Free Press, 1972.

کاوه معصومی

تعاونی

Co-operative

تعاونی نهادی است برای فعالیتهای رسمی مؤسساتی که بر مبنای اصول و قواعد تعاون فعالیت می کنند. این واژه اغلب مترادف شرکت تعاونی است. بنابر تعریف سازمان ملل متحد، تعاونی سازمانی است که:

- دارای شخصیت حقوقی و به منزله یک بنگاه اقتصادی،

که تعاون از کنشهای متقابل پیوسته (پیوند دهنده) است. به طور کلی، کنشهای متقابل اجتماعی بر ۲ گونه هستند: کنشهای متقابل پیوسته و کنشهای متقابل گسسته. دسته اول، کنشهای متقابلی هستند که در جهتی یگانه به انجام می رسند و دسته دوم، یا کنشهای متقابل گسسته، کنشهایی هستند که جهت یگانه ای ندارند. همکاری و مانند گردی، از انواع کنشهای متقابل پیوسته و سبقت جویی و رقابت از انواع کنشهای متقابل گسسته بشمار می روند.

تعاون را گاهی مترادف با «همیاری» یعنی همدیگر را یاری دادن و توفیق خود را در گرو موفقیت دیگران دانستن، آورده اند.

تاکنون طبقه بندیهای فراوانی از تعاون (همکاری) ارائه شده است که هر یک بر جنبه خاصی از آن تأکید داشته اند؛ به سخن دیگر، برخی بر جنبه ماهوی (جوهری)، و برخی دیگر بر جنبه عرضی (ثانویه) تأکید دارند. انواع همکاری عبارتند از:

- همکاری ساده و پیچیده؛
- همکاری اختیاری (داوطلبانه) و اجباری؛
- همکاری مستقیم و غیرمستقیم؛
- همکاری غریزی (خود به خودی و ناهوشیارانه)؛
- همکاری متعارف (قراردادی، رسمی، پیمانی)؛
- همکاری امری یا دستوری (هدایت شده، برانگیخته)؛ و
- همکاری آنی (خودانگیخته، خودجوش، واکنشی).

این طبقه بندیها اگرچه برخی از صفات عرضی انواع «همکاریها» را روشن می سازند، اما هنوز «همکاری» را ماهیتاً طبقه بندی نمی کنند. به سخن دیگر، طبقه بندیهای موجود نشان می دهند، اگرچه این صفات در تعیین نوع همکاری اهمیت دارند، اما هر یک از آنها صفات ثانویه انواعی از همکاری هستند و نه صفت ممیزه و ذاتی تنها یک نوع از آن.

همکاری ممکن است درون سویه یا برون سویه باشد؛ یعنی سود حاصل از همکاری به خود شخص یاری دهنده بازگردد و یا به شخص یا اشخاص دیگر. دیگر اینکه همکاری برون سویه ممکن است یکسویه باشد یا دوسویه؛ یعنی بلاعوض و بدون انتظار کمک از سوی مقابل باشد و

موظف به رعایت قواعد و مقررات قانونی است. بنابراین، مؤسسه‌ای رسمی بشمار می‌آید؛

• عضویت افراد در این نهاد، ارادی و داوطلبانه است و علاوه بر سرمایه‌گذاری افراد، مستلزم قبول مسئولیتهای ناشی از عضویت است؛

• اداره این نهاد با شرکتهای تجاری متفاوت است و از قواعد و ویژه‌ای، از جمله اداره آن براساس اصول و موازین مردمسالارانه پیروی می‌کند، و

• مدافع منافع اقتصادی اعضاست و به ایجاد بنگاهی متفاوت با بنگاههای اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی نظر دارد.

تعاونی دارای ماهیتی قانونی است که مالک و کنترل‌کننده آن اعضای تعاونی هستند و هیچ سهامدار غیرفعالی (به‌جز افرادی که سهم بدون رأی دارند) در آن حضور ندارد. به این ترتیب، در تعاونی نظارت مستقیم و یا غیرمستقیم، حق اعضا شمرده می‌شود.

عضوپذیری در تعاونی آزاد است؛ به این معنی که هر فردی که به شرایط خاص غیرتبعیض‌آمیز پای‌بند باشد، می‌تواند به آن بپیوندد. تعاونی، برخلاف اتحادیه، در برخی موارد حق بیش از یک رأی را به اعضای خود می‌دهد. با این حال، اغلب تعاونیها بر مبنای اصل سخت‌گیرانه یک عضو، یک رأی اداره می‌شوند. سود اقتصادی حاصل از فعالیت تعاونی به نسبت سهم هریک از اعضا، تقسیم می‌شود.

به‌طور کلی، تعاونیها به ۲ دسته تعاونیهای مصرف و تعاونیهای تولید دسته‌بندی می‌شوند.

تاریخچه تعاونیها

نهضت (جنبش) تعاون از اوایل سده ۱۹م در اروپا ظهور کرد و از آن زمان گسترش فراوانی یافته است. در حال حاضر، در سراسر دنیا حدود ۸۰۰ میلیون نفر عضو تعاونیها هستند و برآوردها حاکی است که تعاونیها حدود ۱۰۰ میلیون شاغل دارند.

اصول تعاونی مصوب اتحادیه بین‌المللی تعاون

کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون در سی‌ویکمین اجلاس

خود که در ۱۹۹۵م در منچستر برگزار گردید، ماهیت سازمانهای تعاونی را با توجه به تعریف، ارزشها و اصول به شیوه زیر مشخص کرد:

• **تعریف.** تعاونی انجمنی مستقل و متشکل از افرادی است که به‌طور داوطلبانه برای تأمین نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا تأسیس شده و فعالیت خود را با مشارکت و با مدیریتی مردمی به اجرا درمی‌آورد.

• **ارزشها.** تعاونیها براساس ارزشهای خودیاری، خودمسئولیتی، دموکراسی، عدالت، انصاف، و همبستگی بنا می‌گردند و در عرف بنیانگذاران آن، اعضای تعاونی رفتاری منطبق با ارزشهای شرافت، گشاده‌رویی، مسئولیت اجتماعی و کمک به دیگران دارند.

• اصول.

۱. داوطلبانه بودن عضویت و درهای باز؛

۲. نظارت دموکراتیک اعضا؛

۳. مشارکت اقتصادی اعضا؛

۴. خودمختاری و استقلال؛

۵. آموزش و اطلاع‌رسانی؛

۶. همکاری تعاونیها؛ و

۷. مشارکت در توسعه.

انواع تعاونیها

تعاونی مسکن

سازوکاری قانونی برای مالکیت مسکن که در آن اعضا یا سهام دارند که حقوق برابر آنها در مستغلات تعاونی منعکس است (تعاونی سهم‌بر از سرمایه)، یا دارای حقوق عضویت و اشغال به‌نحو غیرانتفاعی هستند (تعاونیهای بدون سهم از سرمایه). اعضا تعهدات خود را برای مسکن از طریق پرداخت حق عضویت و اشتراک یا اجاره ادا می‌کنند. تعاونی ساختمان نوعی تعاونی مسکن است که منابع را به‌سوی ساختمان‌سازی سوق می‌دهد و معمولاً از نیروی کار خود با نسبت بالایی استفاده می‌کند. پس از اتمام ساخت، هر عضو مالک منحصره‌فرد یک خانه می‌شود و پس از آن، ممکن است تعاونی منحل گردد.

تعاونی مصرف، با ۱۴ میلیون عضو، دارد.

تعاونی کشاورزی

این نوع تعاونی در نواحی روستایی مشاهده می‌شود. در آمریکا هم تعاونیهای بازاریابی و هم عرضه وجود دارد که در مورد اول، به توزیع محصولات کمک می‌کند و در مورد دوم، نهادهای مورد نیاز کشاورزی را فراهم می‌سازد. در اروپا نیز تعاونیهای کشاورزی قدرتمند و نیز بانکهای تعاونی کشاورزی وجود دارند.

بانکداری تعاونی (واحد‌های اعتباری و بانکهای پس‌انداز تعاونی)

اتحادیه‌های اعتباری از نوع تعاونی هستند که در ایالات متحد آمریکا و بسیاری کشورهای اروپایی، نوعی بانکداری ریشه‌دار بشمار می‌آیند.

کتاب‌شناسی:

- *International Encyclopedia of the Social Science*. Reprint Edition, Vol. 3-4, New York & London: MacMillan Company & The Free Press, 1972.

کاوه معصومی

تعاونی در ایران

Co-operative in Iran

اگرچه همیاری در جامعه ایرانی همواره راهکاری برای بقا بوده است، اما تعاونی به مفهوم نوین، پدیده‌ای نو بشمار می‌آید. بسیاری از اقدامات عمرانی در مقیاس محلی در ایران، حاصل انواع همیاریهای خودجوش و گاه سازمان‌یافته بوده است. تا پیش از اجرای اصلاحات ارضی، فعالیتهای کشاورزی در چارچوب نظم ارباب-رعیتی، مبتنی بر انواع همیاریهای خودجوش و گاه سازمان‌یافته جریان داشت که هم ارباب و هم رعایا بر ضرورت آن اتفاق نظر داشتند. ایجاد تأسیسات آبی، فرایند، انتقال و

تعاونی خرده‌فروشی

این نوع تعاونی سازمانی است که از صرفه‌جوییهای ناشی از خرید و فروش در مقیاس بزرگ بهره می‌جوید. این شیوه برای واحدهای محلی خواروبار فروشی، داروخانه و نظایر آن معمول است. در این مورد اعضا عمدتاً بنگاهها هستند و نه افراد.

تعاونی تسهیلات رفاهی

این نوع تعاونی، مکانی عمومی است که مالک آن متقاضیان هستند و نوعی تعاونی مصرف محسوب می‌شود. در آمریکا تعاونیهای بسیاری از این دست شکل گرفته‌اند که خدماتی نظیر برق و تلفن را به روستاها ارائه می‌دهند.

تعاونی کارکنان

تعاونی کارکنان یا تعاونی تولیدکننده، نوعی تعاونی است که مالک و کنترل‌کننده آن کارکنان آن هستند. در این تعاونیها، مالک مصرف‌کننده وجود ندارد. عضویت برای کارکنان اجباری نیست، اما اعضا بایستی از کارکنان باشند.

تعاونی اجتماعی

این نوع تعاونیها ۲ دسته هستند: دسته اول، آنهایی که دارای اعضای از استفاده‌کنندگان از خدمات اجتماعی هستند؛ و دسته دوم، آنهایی که افراد از کار افتاده، بیکار و یا جویای کار را مورد حمایت قرار می‌دهند. برخی مشخصات تعاونیهای اجتماعی به‌لحاظ قانونی به‌قرار زیر است:

• هدف عینی آنها، منفعت عمومی اجتماع و یکپارچگی اجتماعی شهروندان است؛
• نوع اول تعاونیها خدمات بهداشتی، اجتماعی و آموزشی ارائه می‌دهند؛

• نوع دوم، افرادی را که به دلایل خاص بیکار هستند، به بازار کار پیوند می‌دهد (از جمله افراد با ناتوانیهای جسمی، معتادان به الکل یا مواد مخدر و نظایر آن).

تعاونی مصرف

تعاونی مصرف نهادی است که مالک آن مصرف‌کنندگان هستند. کارکنان نیز می‌توانند در این مجموعه عضو شوند. ژاپن از جمله کشورهایی است که واحدهای توسعه‌یافته

توزیع آب و آبیاری، انجام عملیات آماده‌سازی زمین (← آماده‌سازی زمین)، کاشت، داشت و برداشت، فراوری و عرضه محصولات کشاورزی، انجام اقدامات پیشگیرانه به منظور حفظ امنیت جانی و مالی ساکنان روستاها، دفاع از قلمرو و حریم آبادی در برابر متعرضین و برگزاری مراسم و آئینهای سوز و سوگ، عرصه‌های مختلف بروز همیاریهای سازمان‌یافته بوده است. در جوامع شهری نیز جلوه‌هایی از همیاری میان اصناف، اهالی محل و پیروان آئینهای گوناگون وجود داشته است.

با اجرای اصلاحات ارضی و فروپاشی نظام ارباب-رعیتی، انواع همیاریهای تولیدی و اقتصادی متأثر از رخنه مناسبات سرمایه‌داری و تلاش سازمان‌واحدهای ستی تولید به سرعت از صحنه حیات روستایی ایران رخت برپست و یا تغییر شکل و کارکرد یافت و به حاشیه رانده شد.

در جامعه شهری نیز از اوایل سده شمسی حاضر، با اقدامات دولتها در جهت نوسازی اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی، همیاریهای ستی به سرعت از روابط اجتماعی- اقتصادی حذف شد، بدون آنکه شهروندمداری مستقر گردد.

تعاونیهای رسمی

تعاونیهای رسمی در ایران پیشینه طولانی ندارند و با وجود دیرپایی نوع ستی آن، از پیدایش نوع رسمی آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد. آغاز تعاون رسمی در ایران را می‌توان از حیث عنوان، موادی در قانون تجارت ۱۳۰۳ش دانست؛ موادی از این قانون به بحث در مورد تعاونیهای تولید و مصرف پرداخته است، اما از لحاظ تشکیل، ثبت و فعالیت رسمی، سال ۱۳۱۴ش سرآغاز فعالیت تعاونیها در ایران است. در این سال، دولت اقدام به تشکیل نخستین شرکت تعاونی روستایی در منطقه داودآباد گرمسار نمود. مبنای تشکیل این شرکت، قانون تجارت ۱۳۱۱ش بود که در چند ماده به بحث در مورد شرکتی تعاونی می‌پرداخت.

از آغاز تشکیل تعاونیها در ایران تا ۱۳۲۰ش، جمعاً ۳ شرکت تعاونی روستایی با عضویت ۱۰۵۰ کشاورز به وجود

آمد. برای گسترش تعاونیها بعد از ۱۳۲۰ش، وزیر کشور وقت مأمور شد تا رأس هیئتی برای تعلیم مأموران و آشنا ساختن مردم با مفهوم قوانین تعاونی، به شهرها و روستاهای دور و نزدیک سفر کند، تا حس مسئولیت جمعی مردم، به ویژه طبقات تولیدکننده را برانگیزد. اقداماتی نیز از سوی دولت در این مورد صورت گرفت، از جمله توزیع فراورده‌های کارخانجات دولتی به شرکتیهای تعاونی مصرف واگذار شد. وقوع جنگ جهانی دوم، نه تنها برنامه‌های مزبور، بلکه سایر برنامه‌ها را تحت‌الشعاع قرار داد. بعد از جنگ جهانی دوم، اشاعه تعاونیها با مشخصاتی که پیش از این آمد، از ۲ سو ادامه پیدا کرد:

- از یکسو، کسانی که از تعاونیهای ممالک دیگر دارای سوابق ذهنی بودند، برای پاسخگویی به مشکلات بعد از جنگ، اقدام به تشکیل تعدادی تعاونی مصرف در سطح شهرها نمودند؛ و

- از سوی دیگر، برخی مؤسسات خارجی در مورد تأسیس و اداره شرکتیهای تعاونی، فعالیتهایی در ایران معمول داشتند که به اختصار معرفی می‌شوند.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ش، از سوی بعضی از کشورها، مخصوصاً آمریکا، هیئتهایی برای ارائه کمکهای فنی وارد ایران شدند و در برخی از رشته‌های امور اقتصادی و اجتماعی ایران عملیاتی را شروع کردند. به منظور تأسیس و توسعه شرکتیهای تعاونی، برخی مؤسسات کمکهای فنی و مالی می‌کردند که مهم‌ترین آنها به شرح زیرند:

- مؤسسه‌های وابسته به سازمان ملل متحد، مانند سازمان خواربار جهانی (فائو) و دفتر بین‌المللی کار، که بیشتر به ارائه کمکهای فنی و راهنمایی برای پیشرفت جنبش تعاونی در ایران پرداختند. براین اساس، عده‌ای از کارشناسان سازمان ملل متحد در زمینه شرکتیهای تعاونی کشاورزی و شرکتیهای تعاونی مصرف کارگری وارد ایران شدند و در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی که در این رشته فعالیت داشتند، آموزش و راهنماییهایی ارائه کردند. علاوه براین، با تأمین اعتبارات لازم، عده‌ای از کارمندان تحصیل کرده وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی برای مطالعه در امور شرکتیهای تعاونی به کشورهای خارج اعزام شدند.

تصویب این کمیسیون می‌رسید. در زمینه اجرای برنامه‌های تعاون، اصل چهار برای اعزام ۵۰ نفر از کارمندان دولت به خارج از کشور و گذراندن دوره‌های تعاونی، قراردادی با دولت ایران منعقد کرد.

تعداد تعاونیهای تشکیل شده (اعم از صندوقهای تعاونی روستایی و تعاونیهای مصرف) تا ۱۳۳۰ش به زحمت به ۱۰۰ شرکت می‌رسید که البته اکثر قریب به اتفاق آنها هم فعالیت مؤثر و چشمگیری نداشتند.

در ۱۳۳۲ش، اولین قانون تعاونی ایران که با الهام گرفتن از قوانین دیگر کشورها تهیه شده بود، به صورت لایحه قانونی به تصویب رسید. در ۱۳۳۴ش لایحه مزبور با اصلاحاتی از تصویب مجلس وقت گذشت و اولین قانون تعاون ایران تصویب شد که مبنای اساس تعاونیهای زیادی به خصوص بعد از ۱۳۴۱ش قرار گرفت.

در ۱۳۴۱ش، براساس تبصره ۲ ماده ۱۶۵ قانون اصلاحات ارضی، کشاورزانی که زمین دریافت می‌کردند، ناچار بودند ابتدا عضویت شرکت تعاونی روستایی را بپذیرند. به این ترتیب، در مدت کوتاهی، بیش از ۸۰۰۰ شرکت تعاونی روستایی تشکیل گردید. این شرکتها سپس در هم ادغام شدند و حدود ۳۰۰۰ شرکت به وجود آمد. تعاونیهای مصرف و توزیع نیز پس از ۱۳۴۶ش که سال تعاون اعلام شده بود، گسترش کمی قابل توجهی یافتند. در پی آن، سازمانهایی از جمله سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، سازمان مرکزی تعاون کشور، وزارت تعاون و اصلاحات ارضی پدید آمدند. در ۱۳۵۰ش، قانون شرکتیهای تعاونی با مطالعه قوانین سایر کشورها، تهیه و به تصویب رسید که موادی از آن هنوز هم مبنای کار تعاونیهای کشور است.

انواع تعاونیها در ایران پیش از انقلاب اسلامی

سازمان مرکزی تعاون کشور (تشکیل شرکتیهای تعاونی شهری غیرکارگری)

این سازمان در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۶ش، به منظور تفهیم اصول تعاون و تعمیم آن در سراسر کشور و نیز تهیه قوانین لازم و ایجاد امکانات مناسب برای تعاونیها به وجود آمد و

هیئت عملیات اقتصادی و عمرانی ایالات متحد در ایران (اصل چهار). این سازمان نه تنها کمکهای فنی برای پیشرفت نهضت تعاونی ارائه می‌کرد، بلکه به تشکیل تعاونی مصرف کارگری و مصرف شهری و تعاونیهای کشاورزی هم مبادرت می‌ورزید؛ علاوه بر این، حتی به این قبیل شرکتها کمکهای مالی می‌کرد و وسایل در اختیار آنها می‌گذاشت. اداره هیئت عملیات اقتصادی امریکا در ایران در ۱۳۳۰ش، همزمان با قوانین و دستورات تقسیم املاک سلطنتی بین کشاورزان، تشکیل گردید. وظایف اساسی اداره مزبور عبارت بود از:

۱. مطالعه درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی کارگران و به خصوص کشاورزان در روستاها؛
 ۲. اقدام به مبادلات علمی و فنی و کارشناسی در رشته‌های مختلف تقسیم اراضی و ترویج کشاورزی مطابق روش نوین کشاورزی به منظور بهبود کار و زندگی کشاورزان؛
 ۳. ارائه راهنماییهای علمی و فنی برای تشکیل و اداره شرکتیهای تعاونی تولید، اعتبار و مصرف روستاها؛
 ۴. کمکهای مالی طرفین (ایران و امریکا) در حدود اعتبارات پیش‌بینی شده و موافقت‌نامه‌های تنظیمی برای اجرای برنامه‌های مورد نظر؛
 ۵. تهیه و تأمین کارشناسان فنی داخلی و خارجی جهت اجرای برنامه‌های تعاونی بهداشتی و فرهنگی؛ و
 ۶. تأمین عملیات آموزشی و نمایشی در زمینه اصول بین‌المللی شرکتیهای تعاونی (← اصل چهار در ایران).
- سایر مؤسسات امریکایی، نظیر بنیاد فورد و مؤسسه خاور نزدیک. این سازمانها نه تنها از لحاظ کمکهای فنی اقداماتی انجام می‌دادند، بلکه با راهنمایی کارشناسان ایرانی، بعضی از طبقات مردم را به تشکیل شرکتیهای تعاونی تشویق می‌کردند.

• مؤسسات تعاونی بین‌المللی کشورهای اروپایی که با اعطای بورسهای خارج از کشور و با اعزام کارشناسان تعاونی، کمکهای فنی در اختیار ایران قرار می‌دادند.

در نخستین کمیسیون تعاون که در سازمان برنامه تشکیل شد، عده‌ای از کارشناسان اصل چهار و سازمان ملل متحد عضویت داشتند. برنامه‌های تعاونی کشور باید به

تمام شرکتهای تعاونی عضو اتحادیه‌های منطقه مربوط به خود بودند.

شرکتهای تعاونی کارگری

تأسیس شرکتهای تعاونی کارگری، اعم از کار و تولید، مصرف، مسکن و اعتبار از ۱۳۴۶ش آغاز شد و تا بهمن‌ماه ۱۳۵۷ش به ۱,۶۷۳ واحد با ۴۲۳,۸۴۰ نفر عضو رسید.

شرکتهای تعاونی تولیدی روستایی

از اقدامات دیگری که پس از تقسیم اراضی در ایران به‌منظور یکپارچه کردن اراضی انجام گرفت، تشکیل واحدهای تعاونی تولید بود که قانون آن در ۱۳۴۹ش به تصویب رسید. دولت به‌منظور بالا بردن میزان عملکرد در واحد سطح و کشت یکپارچه، با حفظ مالکیت فردی زارعان بر قطعات متعلق به خود و نیز پیشبرد برنامه‌های زراعی، استفاده صحیح‌تر از منابع آب و خاک و افزایش درآمد زارعین، تعاونیهای تولید روستایی را ایجاد کرد. تعداد تعاونیهای تولید روستایی تا بهمن ۱۳۵۷ش ۳۹ شرکت بود که تعداد ۲۵۸ قریه و مزرعه با ۱۱,۲۰۰ نفر کشاورز و حدود ۹۹,۵۴۶ هکتار زمین را دربر می‌گرفت.

شرکتهای تعاونی بعد از انقلاب اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی (بهمن ۱۳۵۷ش) باور عمومی را نسبت به تعاون تغییر داد. این بار تعاون در قانون اساسی، نه تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای رفع نیاز مشترک، بلکه به‌عنوان راهی برای توسعه اقتصادی و ارتقاء سطح اشتغال و یکی از ۳ بخش تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی جمهوری اسلامی عرضه شد.

در صدر جهات و دلایلی که تعاون را به‌عنوان بخش مسلط اقتصاد کشور مطرح می‌سازد، باید به اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی اشاره نمود (پیوست ۳).

در اصل ۴۳ برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، ضوابطی برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تعیین گردیده است. تأمین شرایط و امکانات کار برای

در ۱۳۵۰ش به وزارت تعاون و امور روستاها ملحق شد، در ۱۳۵۶ش، پس از انحلال آن وزارتخانه، زیر نظارت وزارت بازرگانی درآمد که تا زمان تشکیل وزارت تعاون در ۱۳۷۰ش، به همین صورت ادامه کار داد. به‌دنبال آن، براساس قانون بخش تعاون مصوب شهریور ۱۳۷۰ش، به وزارت تعاون منضم گردید. آمار در این خصوص تا ۱۳۵۷ش، یعنی در آستانه انقلاب اسلامی، به‌شرح زیر بود:

• **شرکتهای تعاونی.** مجموع شرکتهای تعاونی زیر پوشش سازمان مرکزی تعاون کشور، اعم از مصرف، مسکن، اعتبار، توزیعی و خدماتی شهری غیرکارگری، در پایان بهمن ۱۳۵۷ش بالغ بر ۱۳۴۰ واحد بود که اعضای آنها به ۸۰۳,۸۹۳ عضو می‌رسید.

• **اتحادیه شرکتهای تعاونی.** تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۵۷ش، تعداد ۲۰ اتحادیه تعاونی شهری غیرکارگری تأسیس شد که تعاونیهای عضو بالغ بر ۳۶۹ شرکت بود.

سازمان مرکزی تعاون روستایی (تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی)

این سازمان که در ۱۳۴۲ش و به‌دنبال اصلاح موادی از قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۱ش به‌وجود آمد، اهداف و وظایف زیر را دنبال می‌کرد:

• آموزش اصول تعاون و تربیت کادر سرپرستی برای راهنمایی اعضای شرکتهای تعاونی و مناطق روستایی کشور؛

• کمکهای اعتباری به شرکتهای به‌منظور افزایش محصولات و درآمد دهقانان و بازاریابی و فروش محصول کشاورزان؛ و

• ارتباط با شرکتهای تعاونی مصرف و همچنین ایجاد رابطه با سازمانهای بین‌المللی.

این سازمان در سالهای اخیر، زیر نظارت وزارت جهاد کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی) قرار گرفت و در پایان بهمن‌ماه ۱۳۵۷ش مجموعاً ۲,۹۳۹ شرکت تعاونی روستایی، با ۳,۰۱۰,۲۰۲ نفر عضو را تحت پوشش داشت. تعداد اتحادیه‌های شرکتهای تعاونی روستایی در پایان بهمن ۱۳۵۷ش، معادل ۱۵۳ واحد با ۲,۹۲۳ عضو بود. درواقع،

در حال حاضر، انواع تعاونیها در کشور به شرح زیر هستند:

تعاونیهای زیر نظر وزارت تعاون

تعاونیهای کشاورزی

تاریخ تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشورها نشان می‌دهد که برای توسعه بخش کشاورزی تعاونیهای کشاورزی و روستایی از مهم‌ترین اهرمها هستند. از جمله در زمینه عمقی کردن کشت، یعنی برداشت بیشتر از واحد سطح، یکپارچه‌سازی اراضی (← یکپارچه‌سازی اراضی)، بهره‌گیری از مزایای حجم زیاد در خریدهای کلی و اقلام گروهی به منظور کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و بالاسری، بهره‌گیری از مزایای تلاش جمعی در مراحل کاشت، داشت و برداشت و مبارزه با بیماریها و آفات نباتی می‌توان از تعاونی بهره گرفت. تعاونی همچنین در تأمین منابع لازم برای مراحل آماده‌سازی زمین تا برداشت محصول، از جمله استفاده از نقش اقتصادی سرمایه‌های کوچک، می‌تواند به توسعه روستایی کمک کند. آمارها نشان می‌دهد که تا مهر ۱۳۸۳ش تعداد ۸,۲۳۰ شرکت تعاونی برای ۱۴۷,۳۱۸ نفر ایجاد شغل کرده‌اند. در این آمارها تعاونیهای روستایی و کشاورزی که در حوزه عملکرد و سیاستگذاریها و برنامه‌ریزیهای وزارت جهاد کشاورزی است لحاظ نشده است.

تعاونیهای صنعتی

تعاونیهای صنعتی، ضمن اشتغال نیروهای مازاد بخش کشاورزی، امکان اشتغال‌زایی فراهم می‌کند و از مهاجرت بی‌رویه و رشد حاشیه‌نشینی شهری می‌کاهد. تا مهرماه ۱۳۸۳ش حدود ۴,۱۳۳ تعاونی صنعتی در کشور فعال بود که بیش از ۱۰۰ هزار شغل ایجاد کرده بود.

تعاونیهای اعتباری و پس‌انداز

در ایران تا پایان مهرماه ۱۳۸۳ش تعداد ۱,۵۰۰ تعاونی اعتبار تشکیل شده است. این تعاونیها حدود ۴۲۷ میلیارد ریال سرمایه و حدود ۴,۸۰۰ مورد اشتغال‌زایی داشته‌اند.

همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند با استفاده از شکل تعاونی و تمهیداتی میسر شمرده شده است که نه به تمرکز و تداول ثروت در «دست افراد» و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد.

در اصل ۴۴ قانون اساسی به روشنی تصریح شده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی صحیح و منظم استوار است. در همین اصل بر محدود شدن فعالیت‌های بخش دولتی در چارچوب معین تأکید شده است و بخش خصوصی را به‌عنوان مکمل در کنار بخش دولتی و بخش تعاونی قرار داده است.

تأسیس وزارت تعاون در ۱۳۷۰ش از دیگر تلاشهای پس از انقلاب برای شکوفایی این بخش است. در راستای پاسخگویی به اهداف این وزارتخانه، قانون بخش تعاونی در سیزدهم شهریورماه ۱۳۷۰ش به تصویب رسید. ماده اول بخش تعاونی، اهداف هفتگانه زیر را برای بخش تعاون تعیین کرده است:

- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل؛
 - قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند؛
 - پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)؛
 - جلوگیری از اینکه دولت کارفرمای مطلق شود؛
 - قرار گرفتن مدیریت، سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود؛
 - پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر؛ و
 - توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم؛
- در ماده دو قانون بخش تعاونی آمده است: «شرکتهایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند.»

تعاونیهای مسکن

شامل تعاونی مرغداران، دامداران، گندم‌کاران، باغداران، زیتون‌کاران، بادام‌کاران، زنبورداران، مرتع‌داران، کمباین‌داران، گل و گیاه، زعفران‌کاران، سیب‌زمینی‌کاران، پسته‌کاران، چای‌کاران، نوغان‌داران و سایر تعاونیهاست که فعالیتهای مختلفی را برحسب ضرورت و نیاز جوامع روستایی به عهده گرفته‌اند.

این تعاونیها در ۳ حوزه تولیدی، مصرفی و خدماتی مسکن می‌توانند نقش بسیار مهم و اساسی در اشتغال‌زایی و در فرایند تأمین مسکن ارزان‌قیمت ایفا نمایند. تا پایان مهرماه ۱۳۸۳، تعداد ۵،۹۱۴ تعاونی با سرمایه ۱،۲۸۷ میلیارد ریال حدود ۱۱۴ هزار شغل ایجاد کرده بودند.

از دیگر تعاونیهای فعال در ایران می‌توان از تعاونیهای معدنی، خدماتی، فرش دستباف، تأمین‌کنندگان نیاز تولید کنندگان، تأمین‌کننده نیاز مصرف‌کننده، تعاونیهای حمل‌ونقل، چندمنظوره و فرا استانی یاد کرد که حجم عمده‌ای از فعالیت اقتصادی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

تعاونیهای روستایی

شبکه تعاونیهای روستایی، شامل ۲،۹۴۱ شرکت تعاونی روستایی با تعداد ۴،۵۰۰،۸۶۸ نفر عضو در سطح ۵۶،۲۵۲ روستا و سرمایه‌ای بالغ بر ۴۴۰ میلیارد ریال است. این شرکتها به‌نوبه خود ۲۵۶ اتحادیه را در سطح شهرستانها تشکیل می‌دهند. این اتحادیه‌ها در ۲۷ اتحادیه استانی متشکل هستند، تعاونیهای روستایی چندمنظوره هستند و به فعالیتهای مختلف خدماتی، تولیدی، بازرگانی و ترویجی می‌پردازند. این فعالیتهای در راستای اهداف و سیاستهای حمایتی دولت در راستای توسعه بخش کشاورزی و حمایت از روستائیان سازماندهی می‌شود. توزیع وامهای معیشتی اعضای تعاونیها، توزیع سوخت روستائیان، توزیع حدود ۶۵٪ کود شیمیایی، توزیع سایر نهادهای کشاورزی، نظیر سموم دفع آفات، بذرهای گیاهی، ماشینهای کشاورزی و قطعات یدکی آنها و توزیع کلیه کالاهای کوبنی روستائیان نظیر برنج، روغن نباتی، قندوشکر، آرد و همچنین خرید تضمینی محصولات کشاورزی به میزان قابل توجهی از طریق این تعاونیها صورت می‌پذیرد. علاوه‌براین، خرید و فروش محصولات غیرتضمینی و تهیه و تدارک کالاهای مصرفی و مواد غذایی مورد نیاز روستائیان، با وجود بیش از ۱۱،۰۰۰ فروشگاه تعاونی صورت می‌گیرد.

از دیگر فعالیتهای این شبکه، خدمات آموزشی، ترویج و نیز خدمات ماشینی است که از طریق تأسیس و توسعه مراکز ماشینهای کشاورزی انجام می‌شود. سایر خدماتی که این شبکه در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و حل‌وفصل اختلافات محلی و کمک و مساعدت به دستگاههای اجرایی محل به آن مبادرت می‌ورزد، قابل توجه است.

تعاونیهای زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی

در حال حاضر، سازمان مرکزی تعاون روستایی زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی است که تعداد ۲،۹۳۹ شرکت تعاونی روستایی با ۴،۵۱۵،۸۴۲ نفر عضو و ۴۴۷،۷۹۲،۰۰۳،۸۸۷ ریال سرمایه در قالب آن به فعالیت مشغولند. این سازمان در ایران پیشینه‌ای حدود ۶۰ سال دارد و تعاونیهای روستایی و کشاورزی زیر نظر آن، به‌عنوان تعاونیهای چندمنظوره عام وارد پنجمین دهه حضور و فعالیت خود در روستاهای کشور شده‌اند. تعاونیهای این مجموعه به شرح زیر قابل تقسیمند:

تعاونیهای کشاورزی

به‌منظور پاسخگویی به نیازهای تخصصی کشاورزان، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران از ۱۳۶۴ اقدام به تأسیس و توسعه تشکلهای تخصصی تحت عنوان شرکتیهای تعاونی کشاورزی کرد و تاکنون تعداد این تعاونیها به ۱،۸۷۳ شرکت با تعداد ۱،۰۴۴،۴۳۴ نفر عضو رسیده است که در زمینه توسعه کشاورزی فعالیت دارند. برای هماهنگی بیشتر بین شرکتیهای تعاونی کشاورزی و تأمین نیازمندیهای مشترک آنها، تعداد ۵۵ اتحادیه تعاونی کشاورزی تأسیس شده است. تعاونیهای کشاورزی در زمینه‌های مختلف تولیدی، فراوری و خدماتی فعالیت می‌کنند. این تعاونیها

غذایی و کشاورزی متمرکز است. علاوه بر این، تعداد قابل توجهی شرکت فعال در زمینه املاک، مسکن و صنایع نفتی زیرمجموعه آن هستند.

تعاونیهای این مجموعه بر پایه ارزشهایی نظیر خودیاری، مسئولیت پذیری، مردمسالاری، برابری، انصاف و همبستگی بنا شده‌اند. در مجموع این تعاونیها به بیش از ۲۰۰,۰۰۰ خانوار خدمت می‌کنند و بیش از ۵۰۰۰ کارمند دارند.

کوپ آتلانتیک به صورت یک شبکه در سراسر کانادا و ایالت کبک، ۱۲۸ تعاونی را در یک اتحادیه متشکل کرده است. این تعاونیها در ایالت‌های آلبرتا، نیوبرونسویک، نیوفاندلند و لابر دور، نواکاتیا، جزیره پرنس ادوارد و کبک شبکه گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند.

شرکت تعاونی فونترا (نیوزلند)

این شرکت به دلیل میزان بالای درآمد و سود، تنوع فوق‌العاده محصولات و نیز عملکرد صادراتی قابل ملاحظه، در اتحادیه بین‌المللی تعاون، در زمره تعاونیهای برتر جهان بشمار می‌آید. این گروه تعاونی یک شرکت بزرگ تولیدکننده لبنیات است که در ۲۰۰۱م تشکیل شده است و سهام آن در تملک ۱۱,۶۰۰ دامدار نیوزلندی قرار دارد. فونترا به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده فراورده‌های لبنی جهان، ۹۵٪ از تولیدات خود را صادر می‌کند و زنجیره‌های تولید و عرضه آن در ۱۴۰ کشور جهان کشیده شده است. این مجموعه بیش از ۱۰۰۰ فراورده دارد.

اتحادیه مؤسسات تعاونی (قرقیزستان)

در قرقیزستان اتحادیه تعاونیها شبکه وسیعی را در حوزه فعالیت‌های گسترده زیر دربر می‌گیرد.

- تهیه محصولات کشاورزی؛
- تولید کالاهای مصرفی عموم؛
- فروش کالاهای صنعتی و خواربار؛ و
- صدور خدمات اجتماعی در روستا.

ساختار سازمانی و اقتصادی تعاون شامل ۶ اتحادیه مصرف‌کنندگان در استانها، ۵۵ انجمن مصرف‌کنندگان و

تعاونیهای زنان روستایی

باتوجه به اینکه بیش از ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور را زنان روستایی تشکیل می‌دهد و این بخش از جامعه، سهم بسزایی در تولید محصولات کشاورزی، صنایع دستی روستایی و کلاً در روند توسعه روستایی دارد، طرح ایجاد تعاونیهای روستایی زنان در ۱۳۷۱ش توسط دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی در وزارت کشاورزی (وزارت جهاد سازندگی) مطرح شد که با توجه به قدمت و تجربه سازمان مرکزی تعاون روستایی در ایجاد و توسعه تعاونیها، تأسیس و هدایت این تشکل نیز برعهده این وزارتخانه گذاشته شد. تعداد این تعاونیها تاکنون به ۱۷۰ شرکت رسیده که ۸۰۷ روستای کشور را با تعداد ۳۴ هزار نفر عضو دربر می‌گیرد. ارتقاء سطح زندگی، افزایش تولید و بهره‌وری و ترویج توسعه مشارکتی، فراهم آوردن امکان آموزشهای مورد نیاز روستائیان تحت پوشش از جمله فعالیتهای عمده این تعاونی است.

کتاب‌شناسی:

- *International Encyclopedia of the Social Science*. Reprint Edition, Vol. 3-4, New York & London: MacMillan Company & The Free Press, 1972.

کاوه معصومی

تعاونی در جهان

Co-operatives in the World

تعاونیها در جهان دامنه وسیعی را دربر می‌گیرند. در اینجا، برخی از تجربه‌های موفق - به اختصار - معرفی می‌شوند:

شبکه تعاونی کوپ (آتلانتیک کانادا)

گروه تعاونی کوپ یکی از بزرگ‌ترین عمده‌فروشان صنایع غذایی در منطقه خود (حوزه آتلانتیک) بشمار می‌رود. تجارت محوری این گروه بر تولید کالاهای مصرفی، مواد

مؤسسات تعاونی، ۱۰ اداره تدارکات، ۴ انبار عمده فروش، ۱۸۵ شرکت تجاری و تغذیه عمومی و ۱۴ بازار در مناطق روستایی است.

به منظور توسعه آتی تعاون مصرف‌کنندگان، برنامه اتحادیه مؤسسات تعاونی قریزستان به نام *عرصه‌های اصلی/ استراتژیک برای توسعه فعالیت اقتصادی در زمینه تعاون در انطباق با برنامه راهبردی توسعه جمهوری قریزستان تا ۲۰۱۰م* طراحی شده است. اهداف این برنامه، تحکیم و تقویت انجمنهای مصرف‌کنندگان و تعاونیها، توسعه شرکتهای صنعتی تبدیلی و تکمیلی و شبکه‌های عمده‌فروشی محصولات کشاورزی است.

شرکت ملی توسعه تعاونی (هند)

در هند شرکت ملی توسعه تعاونی در ۱۹۶۳م زیر نظر وزارت کشاورزی به منظور برنامه‌ریزی و گسترش سرمایه‌گذاری در حوزه تولید، پردازش، بازاریابی، نگهداری، صادرات و واردات تولیدات کشاورزی و مواد غذایی و دیگر محصولات پایه‌گذاری شد. با اصلاحاتی که در قوانین و اساسنامه فعالیت این تعاونی صورت گرفت، توانست فعالیت خود را به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بخشهای صنعتی و خدماتی در مناطق روستایی بسط دهد که پروژه‌هایی نظیر حفظ و نگهداری آبها، زهکشی، بیمه محصولات کشاورزی، تأمین اعتبارات کشاورزی، بهداشت روستایی و نیز بهداشت دام و طیور از آن جمله است.

شرکتهای تعاونی (فرانسه)

در سیستم اقتصادی فرانسه شرکتهای تعاونی سهم مهمی از فعالیتهای اقتصادی این کشور را به خود اختصاص داده‌اند و طیف گسترده‌ای از فعالیتهای مختلف اقتصادی و حرفه‌ای، اعم از کشاورزی، صنعتی، صنایع دستی، ماهیگیری، تجارت، آموزشی، مستغلات، خدمات، حمل‌ونقل، مسکن، امور مالی و بانکی، به وسیله تعاونیها صورت می‌گیرد. با این حال، در فرانسه تشکیلات دولتی که به طور خاص در ارتباط با تعاونیها فعالیت داشته باشد، وجود ندارد. عمده تعاونیهای فرانسه با مشارکت افراد و سهامداران خصوصی

تأسیس شده و تحت کنترل یا هدایت تشکیلات دولتی خاصی قرار ندارند. البته، تعاونیهای هر بخش، بسته به نوع فعالیت در انجام امور خود، با وزارتخانه‌های مختلف در ارتباط است.

در فرانسه مجموعه‌ای از تعاونیها که در زمینه خاصی کار می‌کنند، یک فدراسیون یا کنفدراسیون تشکیل می‌دهند. این فدراسیونها و کنفدراسیونها، به نوبه خود، در اتحادیه ملی تعاونیها متشکل می‌شوند. تعاونیها یا به وسیله مصرف‌کنندگان کالا و خدمات و یا توسط تولیدکنندگان کارگران خوداشتغال تشکیل می‌شوند که در کل ۴ نوع تعاونی را دربر می‌گیرند:

- تعاونی مصرف؛
- تعاونی حرفه‌ای؛
- تعاونی اعتباری؛ و
- تعاونی تولیدی.
- **بخش کشاورزی.** از هر ۱۰ واحد زراعی در فرانسه، ۹ واحد عضو تعاونی است. به طور کلی، این تعاونیها هسته اصلی سیاستهای کشاورزان این کشور را تشکیل می‌دهند.
- **امور بانکی.** شیوه فعالیتهای بانکهای تعاونی بر مبنای تمرکززدایی و اداره امور بانک به صورت فدرالی است؛ بنابراین، اعضا در مدیریت آن مشارکت دارند. بیش از ۱۲/۵ میلیون نفر از مردم فرانسه در این بانکها عضویت دارند.
- **فعالتهای صنعتی.** بیش از ۷۵ هزار حرفه (اعم از تولیدات بخش صنعت، در قسمت تعاونیهای صنعتی متمرکز شده است).
- **تعاونیهای خرده‌فروشی.** فلسفه تعاونیهای خرده‌فروشی بر اساس ۲ ایده اصلی استقلال عمل و رابطه بین منابع آنها شکل گرفته است. تعداد کارکنان تعاونیهای عضو فدراسیون این تعاونیها حدود ۱۰۰ هزار نفر است.
- **تعاونیهای مصرف.** حدود ۱/۵ میلیون خانوار فرانسوی عضو تعاونیهای مصرف هستند. این تعاونیها از نهادهای مدافع حقوق مصرف‌کنندگان هستند.
- **بخش مسکن.** تعاونیهای خانه‌های اجتماعی جز تعاونیهای کوچک، منعطف و متنوعی هستند که ریشه در مناسبات

فیلیپین

برخلاف تجربیات کشورهای اروپایی و امریکای شمالی، اولین تعاونیها در فیلیپین محصول مجموعه‌ای از اقدامات قانونگذاری بوده است. از ۱۹۱۵-۱۹۲۷م، ۴ قانون در جهت تمرکز سازمانی و تدارک کمک مالی برای توسعه تعاونیهای بازاریابی به تصویب رسیده است. با این حال، این برنامه موفقیت زیادی به همراه نداشته است.

در ۱۹۳۸م سازمان تعاونیهای مستقر در کلیسا، فعالیتهای خود را در چند شهر این کشور آغاز نمود. با توجه به موفقیتهای این سازمان، دولت با اعطای مشوقها و کمکهای مالی و غیرمالی به حمایت و تقویت این تعاونیها پرداخت. در ۱۹۴۸م اقدامات دیگری، نظیر تأسیس دفتر اداره تعاونی، دفتر تأمین اعتبار تعاونی و بازاریابی تعاونی کشاورزی به منظور تقویت بنیان تعاونیها از سوی دولت به انجام رسید. این طرح نیز به رغم استقبال مردم، به دلیل ضعف مدیریت به موفقیت نرسید. بعد از مجموعه تحولات سیاسی، سرانجام قانونی در ۱۹۹۰م به تصویب رسید که به کار تعاونیها رونق بخشید. انواع تعاونیها در این کشور عبارتند از: تعاونی اعتبار، تعاونی مصرف، تعاونی تولیدکنندگان، تعاونی بازاریابی، تعاونی خدمات و تعاونی چندمنظوره.

تعاونیهای کشاورزی و مسکن (سوریه)

در اقتصاد سوریه بخش کشاورزی همواره اهمیت زیادی داشته و محصولات کشاورزی بیشترین سهم را در صادرات این کشور تشکیل داده است. به همین دلیل، تا اواخر دهه ۱۹۵۰م مالکان زمین نقش و نفوذ مهمی در اقتصاد و حکومت این کشور داشتند، اما طی نیم قرن گذشته، وضعیت اقتصادی و مالکیت در سوریه تا حدود زیادی زیر تأثیر عوامل سیاسی قرار گرفته است. پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی، بخشی از اراضی زیر نظر دولت قرار گرفت و به صورت تعاونیهای اشتراکی اداره گردید. اما با توجه به تغییر ساختار اقتصادی در این کشور و حرکت از نظام متمرکز دولتی به سوی بخش خصوصی، تعاونیهای کشاورزی به تدریج از اهمیت کمتری برخوردار شدند. اکنون نقش تعاونیهای کشاورزی عمدتاً به تأمین کود و

اجتماعی دارند. فدراسیون تعاونیهای مسکن متشکل از ۱۶۰ شرکت تعاونی است.

• **ماهگیری و امور دریایی.** این تعاونیها شامل ماهگیری، کشتیرانی، پرورش ماهی، فراوری و بازاریابی محصولات دریایی و کارهای بندری هستند.

• **امور حمل و نقل.** بیش از ۷۰۰ شرکت حمل و نقل جاده‌ای ۳۰ تعاونی حمل و نقل تشکیل داده‌اند.

• **تعاونیهای تولیدی.** کارمندان این نوع تعاونیها عمده سهام شرکت را در اختیار دارند و در انتخاب گروه مدیریت دخیل هستند.

• **تعاونیهای خدماتی.** این تعاونیها کلیه اشکال خدمات از قبیل آموزش، مهندسی، امور مربوط به نظافت، تبلیغات و مانند آن را ارائه می‌دهند.

تعاونیهای رفاهی (سوئد)

در سوئد، تعاونیها در بخش رفاه جایگاه مهمی دارند. اکنون نزدیک به ۴۵۰۰ تعاونی در بخش رفاهی این کشور فعالیت دارند. این شرکتها حوزه وسیعی از امور رفاهی، شامل تعاونیهای مهدکودک (که از سوی والدین اداره می‌شود)، مدارس، مراقبت از سالمندان، بیماران عقب‌مانده ذهنی، مراقبتهای پیش از زایمان، فیزیوتراپی، دندانپزشکی، خدمات، خدمات برای معلولان و دیگر شکل‌های تعاونی اجتماعی را دربر می‌گیرند.

دولت سوئد رویکرد بسیار مثبتی در قبال توسعه تعاونیهای جدید دارد. پارلمان سوئد در طول ۱۳ سال گذشته اعتباراتی را برای توسعه تعاونیها اختصاص داده است، که عمدتاً برای تأسیس و توسعه تعاونیهای جدید و امر مشاوره از سوی ۲۴ مرکز توسعه محلی در سراسر کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. وزارت صنایع سوئد در دهه ۱۹۸۰م برای توسعه تعاونیهای کارگری این کشور فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرد. به همین ترتیب، تعاونیهای مصرف و کشاورزی در سوئد بسیار فعال هستند. در ۱۹۸۶م یک نظام توسعه ملی تعاون شکل گرفت که از جمله فعالیتهای آن، گسترش تعاونیها در تمام حوزه‌های محلی بود.

فروش محصولات کشاورزی محدود شده است.

مهم‌ترین ساختار تعاونی در این کشور، تعاونیهای مسکن هستند. در ساختار وزارتخانه‌های سوریه، وزارت تعاون وجود ندارد، اما هر وزارتخانه تعاونی مسکن خاص خود را دارد. فروشگاههای عرضه کالاهای مصرفی از انواع تعاونی مصرف، تابع وزارت خواروبار و تجارت داخلی هستند. این فروشگاهها می‌تواند مصرفی مردم را با نرخهای دولتی عرضه می‌کنند. موفق‌ترین تعاونی در سوریه، تعاونی مسکن است و پس از آن، تعاونیهای کشاورزی جای مهمی دارند.

تانزانیا

دولت تانزانیا بعد از استقلال به بخش تعاونی، به‌عنوان موتور توسعه، توجه خاصی کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰م کرد، از اتکاء تعاونی به دولت بکاهد و آنها را خوداتکاء سازد. با سیاست توسعه تعاونیها در اواخر دهه ۱۹۹۰م و دهه نخست ۲۰۰۰م، تعاونیها رشد قابل ملاحظه‌ای را پشت سر گذاشتند و تعداد آنها به ۵,۸۳۲ تعاونی افزایش یافت.

کتاب‌شناسی:

- *International Encyclopedia of the Social Science*. Reprint Edition, Vol. 3-4, New York & London: MacMillan Company & The Free Press, 1972.

کاوه معصومی

تفرجگاه(های) شهری

Urban Recreation Sites

گذران اوقات فراغت، به مجموعه‌ای از امور سرگرم‌کننده گفته می‌شود که شخص به میل و رغبت، در وقت آزاد خود، به آن می‌پردازد. مطالعه برای بالابردن سطح اطلاعات، شرکت در فعالیتهای آزاد اجتماعی و شرکت در فعالیتهای

هنری یا سرگرمیهای ورزشی از آن جمله است.

بخشی از اوقات فراغت افراد در منزل سپری می‌شود و با فعالیتهایی نظیر تماشای تلویزیون، مطالعه کتاب و نشریات، گوش دادن به موسیقی، دید و بازدید و یا صحبت و گفتگو با دوستان می‌گذرد. بخش دیگر از اوقات فراغت افراد در فضای بیرون از خانه، در درون شهر و به اشکال مختلف، مانند رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت، پیاده‌روی و یا خرید سپری می‌گردد. بخشی نیز ممکن است در بیرون از شهر و در کوهستان، ساحل دریا، ییلاقها و مانند آن صرف شود. تفرجگاههای درون شهری متنوعند. آنچه جزو فضای شهری به حساب می‌آید، عبارت است از خیابانها، میدانها، پارکها، زمینهای بازی، شهربازی و مانند آن.

خیابانها

مهم‌ترین فضای گذران اوقات فراغت در شهرهای ایران، خیابانهای شهری هستند، که افراد برای گردش، خرید، کسب اطلاعات و ملاقات با افراد دیگر و پرسه‌زدن اوقاتی از روز را در آن می‌گذرانند. برخی برای خرید و دیدن ویتترین مغازه‌ها در خیابانهای مرکزی شهر پیاده‌روی می‌کنند و برخی دیگر در خیابانهای خلوت و پردرخت، برای قدم‌زدن و ورزش سبک قدم می‌زنند. در سواحل دریا و رودخانه‌ها، بلوارهایی وجود دارد که بیش از سایر خیابانها افراد را جذب می‌کنند. زیبایی، راحتی و ایمنی خیابانها، به‌ویژه پیاده‌روی در آنها، شرایط مناسبی برای استفاده از فضاهای تفریحی جانبی عرضه می‌دارند. تجهیز خیابانها به مبلمان شهری در مراکز شهر، همچنین در مراکز گردشگاهی برای تفریح شهروندان، امکانات بهتری در این زمینه فراهم می‌سازد. علاوه بر خیابانها، میدانها، گوشه‌ها و مسیرهای همجوار خیابانها، مانند پارکهای خطی و آبراهه‌ها، فضاهای جانبی، مانند پاتوقها، نمایشگاهها و میعادگاهها، بر غنای امکانات خیابان برای گذران اوقات فراغت می‌افزایند. بدینسان، طراحی فضاهای شهری و تأمین تجهیزات و تسهیلات موردنیاز شهروندان، محیط مناسبی برای گردش و تفریح مردم در درون خیابانهای شهری به‌وجود می‌آورد.

پارکها (بوستانها)

که بازی وسیله رشد فکری و بدنی است. فردریک فروبل (۱۷۸۲-۱۸۵۲) مبدع کودکستان، معتقد بود: بازی برای کودکان ابزار یادگیری است.

کودکان در هر سنی، نیازهای تفریحی متفاوتی دارند. از این رو، زمینهای بازی براساس گروههای سنی کودکان تقسیم بندی می شوند:

• **زمین بازی گروه سنی ۱-۳ سالگی.** محل دیدن، قدم زدن همراه والدین و بازی با اشیاء و توپ بازی؛

• **زمین بازی گروه سنی ۴-۶ ساله.** محل سه چرخه سواری، اسکیت، دویدن و توپ بازی؛

• **زمین بازی کودکان ۷-۱۱ ساله.** محل دوچرخه سواری، توپ بازی، اسکیت و بازیهای آزاد در زمینهای چمن؛ و

• **زمین بازی برای نوجوانان ۱۲-۱۵ ساله.** محل ژیمناستیک، فوتبال، والیبال و فعالیتهای ماجراجویانه.

تفکیک مشخصات محل بازی گروههای سنی متفاوت لزوماً به مفهوم ایجاد فضاهای بازی مجزا نیست. هر جا که امکان داشته باشد، کودکان و نوجوانان با سنین مختلف، می توانند در یک مکان با رعایت جنبه های ایمنی، بازی کنند. در بیشتر مواقع، تکامل علاقه به بازیهای گوناگون با تکامل روانی گروههای سنی مطابقت ندارد. گاهی یک پسر بچه بزرگ تر مایل به بازی با وسایل کودکان کوچک تر است و از نظر مریدان کودک، این نوع بازی حتی مورد علاقه بزرگسالان نیز می تواند قرار گیرد. با این حال، برای ایمنی کودکان کوچک تر، توصیه می شود، برنامه ریزان زمینهای ورزشی، زمینهای مختلف را طوری مکانیابی کنند که در داخل یک مجموعه، محل و نوع بازیها به طور نسبی از یکدیگر جدا باشند.

شهر بازی

در سالهای اخیر که طراحان شهری به زمینهای بازی توجه بیشتری داشته اند، وسایل جدیدی جایگزین وسایل قدیمی بازی و پایه های اولیه شهر بازی به مفهوم امروزی نهاده شده است. از جمله اولین شهر بازیها می توان به شهر بازی جانسون هاوسز در نیویورک اشاره کرد که در سال ۱۹۴۷م پدید آمد. این زمینهای بازی جدید، افزون بر اینکه

بعد از خیابان و فضاهای شهری وابسته به آن، پارکها یا بوستانها، رایج ترین فضای تفریحی برای گذران اوقات فراغت گروههای سنی مختلف، از کودکان گرفته تا افراد مسن بشمار می روند. پارکها فضاهای سبز متمرکز شهری هستند که چندین کاربرد دارند: گردش، بازی، پیاده روی ورزش سبک دسته جمعی و انفرادی و نشستن و نظاره کردن رفتار آدمها. پارکها نیز مانند خیابانها، فضای عمومی بشمار می روند؛ بنابراین، ورود و خروج و استفاده از فضای آنها برای عموم شهروندان آزاد است و هیچ گونه محدودیتی از نظر اجتماعی برای بهره برداری از آنها وجود ندارد.

پارکها به صورت سلسله مراتبی در مقیاسهای مختلف در شهرها تأسیس می شوند. پارکهای بزرگ در مقیاس پارک شهر و در مقیاس کوچک، مانند پارک محله و پارک کودک طبقه بندی می شوند. دسته ای از پارکها، پارک اختصاصی هستند، مانند پارک سنگی، پارک گل، پارک کوهستانی، پارک گیاه شناسی و مانند آن. در برخی شهرها، پارکهای اختصاصی بسیار خوبی ساخته شده است، مانند پارک ساحلی زاینده رود اصفهان، پارک موزه سعدآباد تهران که قبلاً کاخ سلطنتی بوده و امروزه به روی مردم گشوده شده است.

پارکها مناسب ترین فضاهای عمومی برای ایجاد مراکز ورزشی، تفریحی و تفریحی هستند. در برخی از پارکها، مسیرهای ورزشی، فضاهای بازی، باغهای گیاه شناسی، باغ وحشهای کوچک، زمین بازی کودکان و شهر بازی برای تفریح شهروندان احداث می شود. پارکها بزرگ ترین فضای پیک نیک و گذران اوقات در تعطیلات، به خصوص روزهای گرم تابستان و ایام ویژه مانند روز طبیعت (۱۳ فروردین) بشمار می روند.

فضاهای بازی

بازی در ساده ترین تعریف خود، فعالیتی است که کودکان و نوجوانان برای سرگرمی و تفریح انجام می دهند. برخلاف برخی نظریات پیشین که بازی را وسیله ای برای صرف انرژی مازاد به حساب می آوردند، اکنون عقیده بر این است

نوجوانان در زمینهای بازی و به خصوص در شهر بازی (که علاوه بر وسایل بازی، دارای فضاهای دیگری، مانند سینما، کافه و رستوران نیز هست)، فرصتهای تازه‌ای برای همدلی و مصاحبت، بگو- بخنند با فرزندان پیدا می‌کنند و بر رشد جسمی و روانی آنها تأثیر مثبت می‌گذارند.

تفرجگاههای پیرامون شهر

تفرجگاههای شهری برحسب نوع دسترسی، به ۳ گروه تقسیم می‌شوند:

- **تفرجگاههای درون شهری**، مانند پارکها، زمینهای بازی و فضاهای شهری؛
- **تفرجگاههای پیرامون شهری**، مانند باغها، مزارع، جنگلها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سواحل دریا (در ایران به خصوص در پایکوههای مجاور شهرها)؛ و
- **تفرجگاههای برون شهری**، مانند پارکهای ملی، پارکهای جنگلی، سواحل دریا و کوهستانها.

فعالتهای تفریحی جدیدی را به میدان آورده‌اند، شرایطی فراهم ساخته‌اند که تمام گروههای سنی از کودکان، نوجوانان، جوانان و افراد میانسال می‌توانند مشترکاً از این وسایل و ابزار نوین استفاده کنند و اوقات فراغت خود را به تفریح و حتی ماجراجویی بگذرانند. شهرهای بازی مناظر جدیدی را در شهرها پدید آورده‌اند. برجها، گردونه‌های بزرگ که از فاصله‌های دور به چشم می‌خورند و سروصدای شادی و بازی شهروندان، محیط شهری را پرنشاط می‌سازد.

این مراکز تفریحی شرایطی فراهم می‌کنند که کودکان و بزرگسالان ساعاتی را با یکدیگر بگذرانند. اغلب گفته می‌شود، بیگانگی میان کودکان و نوجوانان با والدین ناشی از شتاب و سرعت زمانه است. والدین در وضعیتی قرار دارند که فراغت کافی برای صرف وقت با کودکان را ندارند. فضا و امکانات تفریحی مناسب می‌تواند به رفع این کمبود کمک کند. مشارکت والدین در بازی با کودکان و



زیست محیطی آنهاست. قلمرو تفرجگاهی از نظر استقرار فعالیت‌های گوناگون، مانند زارعت، صنعت، خدمات، راه‌ها و مانند آن نیز دارای اهمیت است.

فرایندی که در برنامه‌ریزی برای ساماندهی تفرجگاه‌های پیرامون شهرها باید از آن پیروی شود، عبارت است از:

- بررسی‌های عمومی و پایه‌ای، شامل مبانی ساماندهی تفرجگاه‌ها و الگوی کلی توسعه منطقه؛
- شناخت عمومی منطقه از نظر مشخصات طبیعی، جمعیتی و توسعه شهرنشینی؛
- بررسی اقتصادی و اجتماعی در حیطه‌الگوهای فرهنگی و گردشگری منطقه؛
- گروه‌بندی تسهیلات و تجهیزات گردشگاهی، شبکه‌های دسترسی و تسهیلات اقامتی؛
- پیش‌بینی تعداد و ترکیب گردشگران؛
- بررسی فعالیت‌های قابل توسعه در منطقه؛
- پیشنهاد برنامه‌های راهبردی برای ساماندهی تفرجگاه‌ها؛ و
- طراحی محیطی و طراحی منظر منطقه مورد مطالعه.

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «فضاهای فرهنگی، ورزشی و تفریحی»، کتاب سبز شهرداریها. جلد دهم، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۹.
- سعیدی رضوانی، نوید. شهرداریها و اوقات فراغت شهروندان. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهر، ۱۳۷۳.
- لدرمان، آلفرد. فضای بازی و تفریح، ترجمه مهندس مشاور زادبوم، تهران: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مهندس مشاور زادبوم. ساماندهی گردشگاه‌های تهران. جلد اول، تهران: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مهندس مشاور آمایش محیط. اصول و ضوابط طراحی پارک‌های شهری. تهران: سازمان پارک‌ها و فضای سبز، شهرداری تهران، ۱۳۷۳.
- Marsh, W.M. *Landscape Planning. Environmental Applications*. New York: Wiley, 2005.

احمد سعیدنیا

تفرجگاه‌های پیرامون شهری نیز با توجه به امکان دسترسی شهروندان و فقدان مراکز تفریحی کافی در شهرها، بسیار مهم و بارز هستند و اصولاً به علت قرار داشتن در حریم شهرها، در حوزه مدیریت شهرداریها قرار دارند. تفرجگاه‌ها و چشم‌اندازهای طبیعی پیرامون شهرها را به شیوه زیر طبقه‌بندی می‌کنند:

• **چشم‌انداز بکر یا طبیعت ناب.** چشم‌اندازهایی که به طور کامل از دخالت‌های انسانی در امان و با خودتنظیمی اکوسیستم‌های طبیعی پابرجا مانده‌اند. این گونه چشم‌اندازها کمتر در پیرامون شهرها یافت می‌شوند. امروزه، سعی می‌شود که با ایجاد پارک‌های اکوتوریستی، برکه‌ها، جنگل‌ها و کوهسارهای پیرامون شهرها را حتی المقدور از دخالت انسانها دور نگه دارند؛

• **چشم‌اندازهای طبیعی.** چشم‌اندازهایی هستند که انسان در آنها دخالت کرده، ولی هنوز یکسره دستخوش دخالت انسان نیستند و سیمای طبیعی در آنها جایگاه غالب را دارد، مانند سواحل آزاد دریا، مسیر حرکت طبیعی رودخانه، جنگل‌ها و کوهسارها و بلندیها؛

• **چشم‌اندازهای مصنوعی.** چشم‌اندازهایی هستند که به دست انسان پدید آمده‌اند، مانند باغها، مزارع، جنگل‌های مصنوعی، پارک‌های جنگلی، کمربند سبز پیرامون شهر، پارک‌های ساحلی و پارک‌های کوهستانی (← چشم‌انداز جغرافیایی).

در بهسازی تفرجگاه‌های پیرامون شهرها باید بهبود تدریجی وضعیت و زمینه‌سازی برای رسیدن به وضع مطلوب در بلندمدت مورد توجه قرار گیرد. اهداف بهسازی به هیچ وجه به ایجاد و توسعه فضاهای سبز محدود نمی‌شود، زیرا بدون مهار کردن و کنترل سایر کاربری‌های شهری و صنعتی، نمی‌توان از طبیعت محافظت کرد.

برقراری تعادل اکولوژیک در محیط طبیعی پیرامون شهرها، کاری طبیعت‌گرایانه است و برای تعداد زیادی از شهرها که به حد افراط منابع طبیعی و محیطی خود را از دست داده‌اند، یک ضرورت حیاتی محسوب می‌شود.

منظور از نظم‌دهی به کاربری‌های مناطق طبیعی پیرامون شهرها، تنها آرایش و زیباسازی محیط نیست، بلکه شامل شناسایی وضع موجود، تعیین قابلیت‌های مکانی و توان

تقسیمات کشوری

Administrative Divisions

تقسیم کشور به واحدهای کوچک با اندیشه اداره بهتر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور صورت می‌گیرد. تقسیمات کشوری در هر دوره تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه است. سابقه ایجاد تقسیمات کشوری در ایران به دوران باستان بازمی‌گردد. داریوش اول، پس از کسب قدرت و سرکوب شورشها، سرزمینهای وسیعی را به قلمرو امپراتوری هخامنشی افزود. از مهم‌ترین این سرزمینها می‌توان آسیای صغیر، عیلام، بابل، سوریه، فینیقیه و مصر را نام برد. سرزمینهای فتح شده نظامهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مختلف و از نظر سطح توسعه موقعیت متفاوتی داشتند. از این رو، اداره این قلمرو وسیع بسیار، دشوار و پیچیده بود. در نتیجه، داریوش برای اداره بهتر امپراتوری خویش، اصلاحاتی اداری، پولی و اقتصادی به اجرا درآورد. در پی این اصلاحات، قلمرو گسترده امپراتوری هخامنشی از نظر اداری به چندین قسمت بزرگ تقسیم گردید که به هر یک ساتراپ (ساتراپی) گفته می‌شد. ساتراپیها وسعت بسیاری داشتند و معمولاً تا حدی بر مرزهای ملی و نژادی دولتهای پیشین منطبق بودند. هرودت نام ۲۰ ساتراپ امپراتوری هخامنشی را با میزان مالیات و خراج سالانه آنها ذکر کرده است. بدینسان، نخستین تقسیمات کشوری ایران در زمان امپراتوری هخامنشی بنیان نهاده شد. در دوران بعد نیز تقسیمات اداری و سیاسی کشور همچنان ادامه یافت، اما چون شکل‌گیری و نحوه تقسیمات کشوری به قدرت دولت مرکزی و وسعت قلمرو کشور وابسته بود، این تقسیمات در دوره‌های مختلف پیوسته دستخوش تغییر و دگرگونی بودند. اسکندر مقدونی همان تقسیمات کشوری هخامنشیان را به کار گرفت. سلوکیان نیز تقسیمات ساتراپی هخامنشیان را حفظ کردند، هرچند هیپارخی و پارخی واحدهای فرعی و درونی تقسیم‌بندی ساتراپیهای سلوکی بشمار می‌آیند. در زمان اشکانیان ساختار داخلی شاهنشاهی بسیار متفاوت بود. بخشی از قلمرو، شامل کشورها یا پادشاهیهای کوچک (پارس، الیمائی، ماد آروپاتن، هیرکانیه، سکستان) بود که به

اشکانیان وابسته بودند و به وسیله شاهزادگان خاندان شاهی یا وابستگان آنها اداره می‌شدند. تابعیت این پاره کشورهای غیرمستقل، به قدرت حکومت مرکزی اشکانی ارتباط داشت. به جز اینها، بقیه قلمرو کشور به چندین ساتراپی تقسیم می‌گردید، هرچند وسعت ساتراپیها نسبت به دوران سلوکی کاهش یافته بود. بنابر اسناد موجود، ساتراپیهای اشکانی به واحدهای کوچک‌تری به نام هیپارشی و هیپارخی و استاتما (ستاتم) تقسیم می‌شد. در دوران ساسانی، قلمرو کشور از شرق به هند و پنجاب، از غرب به بین‌النهرین، از شمال به قفقاز و آسیای مرکزی و از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس گسترش یافت. از این رو، کشور به ایالات بسیاری تقسیم شد. در نتیجه اصلاحات مالی، نظامی و اداری خسرو اول (خسرو انوشیروان)، ایران به ۴ کوست (خوربران، نیمروز، خراسان و کپکوه) تقسیم شد. این تقسیم‌بندی شامل کوست خراسان در شرق کشور با ۲۶ استان، کوست خوربران در غرب با ۹ استان، کوست نیمروز در جنوب با ۱۹ استان و کوست کپکوه در شمال با ۱۳ استان بود.

حمله اعراب به ایران در نیمه اول سده ۷م از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی ایران بشمار می‌آید. اختلاف شدید طبقاتی و مذهبی جامعه ساسانی و کاهش قدرت نظامی در نتیجه جنگهای طولانی، از مهم‌ترین دلایل سقوط امپراتوری ساسانی است. در پی حمله اعراب، نظام سیاسی ایران و به دنبال آن بنیادهای اقتصادی، اجتماعی و اداری کشور و در نتیجه، تقسیمات کشوری از هم گسیخت و تقسیمات جدیدی چون ایالات و امیرنشینها شکل گرفت. طی این دوره تا به قدرت رسیدن صفویان، حکومتهای مستقل و نیمه‌مستقلی در گوشه و کنار ایران بنیان نهاده شد که هر کدام تقسیمات خاص خود را داشتند. حکومتهای متمرکز صفوی و قاجار نیز تقسیمات کشوری ویژه‌ای ایجاد کردند.

شکل‌گیری تقسیمات کشوری ایران به شیوه امروزی به دوران پس از انقلاب مشروطه بازمی‌گردد. در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق، نخستین قانون رسمی تقسیمات کشوری به نام *قانون تشکیل ایالات و دستورالعمل حکام* در ۴۳۲ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. براساس این قانون،

کشور به ۲۳ استان و ۱۶۳ شهرستان تقسیم شد. ایران در ۱۳۵۷ش و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۴ استان و ۱۶۳ شهرستان داشت.

تقسیمات کشوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنابر ضرورت، دچار تغییراتی گردید و استانهای جدیدی پدید آمد. براساس آخرین تقسیمات کشوری در آذرماه ۱۳۸۵ش، ایران به ۳۰ استان و ۳۳۶ شهرستان تقسیم شده است.

نحوه اداره واحدهای اداری - سیاسی

با شکل‌گیری تقسیمات کشوری در ایران، اداره واحدهای اداری - سیاسی از سوی حکومت مرکزی به افرادی معین واگذار می‌شد. قدرت و مسئولیت این افراد در دوره‌های مختلف یکسان نبوده است. داریوش هخامنشی افرادی را برای اداره ساتراپیها منصوب می‌کرد که خستریاوان نام داشتند. خستریاوان امور کشوری و لشکری ساتراپ را کنترل می‌کرد که از مهم‌ترین وظایف او جمع‌آوری مالیات سالانه، سربازگیری، مسائل قضایی و امنیتی بود. اسکندر مقدونی، پس از سقوط امپراتوری هخامنشی، قدرت نظامی، مالی و پولی ساتراپیها را به شدت کاست. این مقام در دوره‌های بعدی به نامهای مختلف خوانده می‌شد: در دوره اشکانی اداره‌کننده ساتراپ، خشاخرپام یا نهودار نامیده می‌شد؛ در دوره ساسانی اداره استانها زیر نظر استاندار بود. اداره شهرها و ده‌ها را نیز به ترتیب شهریگ و دیهیک برعهده داشت.

تعیین رسمی و قانونی مأموران عالی‌رتبه اداره‌کننده واحدهای اداری - سیاسی کشور به شیوه امروزی در قانون مصوب ۱۶ آبان‌ماه ۱۳۱۶ش مشخص گردید. مطابق ماده ۳ این قانون، مقامی سیاسی با عنوان استاندار برای اداره امور استان تعیین گردید. طبق ماده ۴ نیز اداره شهرستان به فرماندار، بخش به بخشدار، دهستان به دهدار و یک یا چند ده به کدخدا واگذار شد که به‌گونه سلسله‌مراتبی زیر نظر استاندار فعالیت می‌کردند. مهم‌ترین وظایف استاندار مطابق ماده ۱۰ این قانون، حفظ سیاست عمومی دولت، توسعه کشاورزی، صنعتی، بهداشتی و ورزشی استان بود. براساس این قانون، استاندار پیشنهادی وزارت داخله (وزارت کشور)

ایران به ۴ ایالت آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بنادر، خراسان و سیستان و ۱۲ ولایت استرآباد، مازندران، گیلان، زنجان، کردستان، لرستان، کرمانشاهان، همدان، اصفهان، یزد، عراق و خوزستان تقسیم گردید. ۳۱ سال پس از تصویب این قانون، در ۱۶ آبان ۱۳۱۶ش قانون جدید دیگری به نام *قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران* به تصویب مجلس رسید و به‌موجب آن تغییرات عمده‌ای در تقسیمات کشوری اعمال شد. در پی این قانون، واژه استان، به‌عنوان بزرگ‌ترین واحد سیاسی کشور، به‌جای ایالت به کار گرفته شد. این قانون کشور را به ۶ استان (استان شمال‌غرب، استان غرب، استان شمال، استان جنوب، استان مکران و مرکزی) تقسیم کرد؛ واحدهای شهرستان، بخش، دهستان و قصبه تقسیمات فرعی استان محسوب می‌شدند.

تبصره ۲ ماده ۲ این قانون تغییر در تقسیمات کشوری و حدود شهرستانها توسط دولت و تصویب آن به‌وسیله مجلس را مجاز دانست. از این‌رو، ۲ ماه پس از تصویب این قانون، در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۱۶ش *قانون اصلاح تقسیمات کشوری* به تصویب مجلس رسید که بنابر آن، کشور به ۱۰ استان (از شماره ۱-۱۰) و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. از ۱۳۱۶-۱۳۲۵ش تقسیمات کشوری ایران بدون تغییر باقی ماند. در ۱۳۲۶ش واحدی به نام *فرمانداری کل* به تقسیمات کشوری اضافه شد. در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۹ش مطابق *قانون وظایف و اختیارات استانداران*، استانها که تا پیش از این به ترتیب استان یکم تا دهم نامیده می‌شدند، با توجه به محدوده تاریخی توسط دولت از نو نامگذاری شدند: استان یکم به گیلان؛ استان دوم به مازندران؛ استان سوم به آذربایجان شرقی؛ استان چهارم به آذربایجان غربی؛ استان پنجم به کرمانشاه؛ استان ششم به خوزستان؛ استان هفتم به فارس؛ استان هشتم به کرمان؛ استان نهم به خراسان و استان دهم به اصفهان تغییر نام دادند. در ۱۳۵۵ش وزارت کشور برای توسعه مناطق مختلف کشور تغییراتی را در تقسیمات اداری - سیاسی کشور اعمال کرد. به‌دنبال این اصلاحات، واحد فرمانداری کل از ساختار تقسیماتی کشور حذف شد و این‌گونه واحدها به استان تبدیل شدند. براین اساس،

با فرمان شاه منصوب می‌گردید. امروزه استانداران به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیئت وزیران و با حکم رئیس‌جمهور به این مقام منصوب می‌شوند. همچنین استاندار با پیشنهاد وزیر کشور، تأیید رئیس‌جمهور و حکم وزیر کشور از سمت خود عزل می‌شود.

استانداران نقش مهمی در توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استانها برعهده دارند. از این رو، وظایف آنان به تدریج افزایش یافته است. به گونه‌ای که در مصوبه شورای عالی اداری مبنی بر تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و چگونگی عزل و نصب آنان مصوب ۱۳۷۷/۷/۲۸ ش، مسئولیتهای استانداران در ۲۴ ماده به تفصیل بیان شده است. استاندار نماینده عالی دولت در استان بشمار می‌آید و اجرای سیاستهای عمومی کشور در ارتباط با وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و سایر دستگاهها را برعهده دارد. مهم‌ترین وظایف استاندار، مسئولیتهای سیاسی، اداری، قضایی و عمرانی است. وی به‌عنوان مسئول امنیت استان، برای حفظ نظم، امنیت و برنامه‌ریزیهای امنیتی، باید شورای تأمین استان را به‌طور مرتب تشکیل دهد. همچنین برای اجرای بهتر برنامه‌ها و طرحهای مختلف استانی و کارایی بیشتر دستگاههای مرتبط، شورای فنی استان زیر نظر استاندار تشکیل می‌گردد و به این ترتیب، بخشی از اختیارات وزارتخانه‌ها با هدف تسریع در انجام امور مختلف، به استانداران داده شده است. ریاست شورای اداری استان، نظارت بر عملکرد نیروهای نظامی، نظارت بر برنامه‌های رادیو و تلویزیون استانی و انتخابات از دیگر وظایف مهم استانداران است.

بنابر آئین‌نامه اجرایی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۲ ش، روستا، دهستان، شهر، بخش، شهرستان و استان عناصر تقسیمات کشوری شمرده می‌شوند. برابر ماده ۲ این آئین‌نامه، روستا مبدأ، پایه و نخستین عنصر تقسیمات کشوری است و مطابق ماده ۴ و ۱۵، دهستان کوچک‌ترین و استان بزرگ‌ترین واحد تقسیمات کشوری است. طبق ماده ۱۲ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵ ش، از نظر اداری، دهستان تابع بخش، بخش تابع شهرستان، شهرستان

تابع استان و استان تابع تشکیلات مرکزی است. در ماده ۱۳ هرگونه انتزاع، الحاق، تبدیل، ایجاد و ادغام و نیز تعیین و تغییر مرکزیت و تغییر نام و نامگذاری واحدهای تقسیمات کشوری به‌جز استان موقوف به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران است. تبدیل روستا به شهر طبق قانون استفساریه ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۹/۱۱/۳۰ ش، به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران به انجام می‌رسد.

کتاب‌شناسی:

- امیر احمدیان، بهرام. تقسیمات کشوری. تهران، ۱۳۸۳.
- داندامایف، محمد. «دولت هخامنشی»، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، ۱۳۵۹.
- دیاکونوف، م.م. اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۴۴.
- دیاکونوف، م.م. تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران، ۱۳۸۱.
- زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران، ۱۳۶۲.
- کریستین سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ۱۳۵۱.
- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۶.
- منصور، جهانگیر. مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری. تهران، ۱۳۸۴.
- موسی‌زاده، رضا. حقوق اداری. تهران، ۱۳۸۳.
- نبوی، مصطفی. تمرکز و عدم تمرکز اداری و سیاسی ایران. تهران، ۱۳۵۶.
- نشریه عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری. تهران: وزارت کشور، ۱۳۸۵.
- نیساری، سیروس. کلیات جغرافیای ایران. تهران، ۱۳۵۰.
- ودیعی، کاظم. «اداره و تقسیمات کشوری ایران»، بررسیهای تاریخی. سال چهارم، ش ۲ و ۳، خرداد- شهریور ۱۳۴۸.
- Cook. *The Persian Empire*. New York, 1983.
- Ghirshman, R. *Iran From The Earliest Time To The Islamic Conquest*. Harmondsworth, 1954.
- Herodotus. *The History of Herodotus*. tr. G. Rawlinson; ed. M. Komroff, New York, 1947.

محمدحسن گنجی و احمد آری‌نیا

تمرکززدایی

Decentralization

تمرکززدایی به معنی انتقال هرچه بیشتر اختیارات به واحدها و مقامات محلی است. تمرکززدایی در حوزه‌های مختلفی از اداره امور جامعه به کار می‌رود و برحسب این حوزه‌ها معانی متفاوتی پیدا می‌کند. در حوزه سیاست کلان، تمرکززدایی به معنای انتقال قدرت از حکومت مرکزی به واحدهای محلی و در فعالیتهای اقتصادی، به معنای انتقال فعالیتهای صنعتی و تراکم جمعیت از مناطق مرکزی به مناطق پیرامونی است. تمرکززدایی در برنامه‌ریزی کالبدی، انتقال فعالیتهای صنعتی یا حجم جمعیت فعال از مناطق پرتراکم شهرهای بزرگ به مناطق روستایی و حومه‌های شهری با استفاده از مشوقها یا قاعده‌گذاریهاست. این کار، از جمله، برای برطرف کردن ناهماهنگیهای شدید در میزان توسعه مناطق به انجام می‌رسد. در دهه‌های اخیر، برخی از کشورهای صنعتی برای کاستن از فشار تراکم جمعیت به روشهای تمرکززدایی روی آورده‌اند.

تمرکززدایی در مدیریت کشوری، به مفهوم انتقال قدرت به مقامات منتخب محلی است. در تمرکززدایی تلاش می‌شود تا از تجمع و تمرکز قدرت در دست یک حاکم مرکزی جلوگیری شود و به‌جای آن، قدرت به مقامات محلی که مستقیماً توسط مردم انتخاب شده‌اند، داده شود. تشکیل حکومتهای متمرکز در اروپا از نگرش حزب ژاکوبین و کار سازماندهی ناپلئون در فرانسه الگو گرفت که این الگو، بعدها، مورد نقد قرار گرفت و به تدریج حرکتی در سمت تمرکززدایی آغاز شد.

تمرکززدایی و اصول مردمسالاری

تمرکززدایی، در هر سطح و هر حوزه، همواره با هدف گسترش حیطه دخالت مردم در امور خود و بنابراین، با توسعه مردمسالاری همراه بوده است. در مقابل، تمرکزگرایی قرار دارد که همسو با شیوه‌های اقتدارگرایی در حکومت است. اجتماعات محلی از جمله مناسب‌ترین عرصه‌های حضور مردم برای پیشبرد اصول مردمسالاری (← مردمسالاری) است. باین‌حال، تمرکززدایی در هر نظام

تمرکززدایی

سیاسی، چه جمهوری یا پادشاهی و چه کشور تک‌ساخت یا فدرال، ممکن است صورت پذیرد. آنچه در هریک از این موارد متفاوت است، میزان انتقال اختیارات و شکلهای آن است. در برخی کشورها نظام فدرال، در برخی دیگر منطقه‌بندی و در برخی نیز واگذاری اختیارات به واحدهای پائین‌دست، از جمله شکلهای تمرکززدایی است. در ایران انتخابی شدن شهرداران، تشکیل شوراهای شهر و افزودن بر اختیارات استاندارها، فرماندارها و بخشدارها می‌تواند حرکتی در جهت کاستن از بار تمرکز و آفتهای آن باشد.

اصل تفکیک قوا در نظام کلان کشوری، انتخابی بودن مقامات محلی، و تفویض اختیارات به سازمانها و نهادهای محلی، از جمله تمهیداتی است در جهت کاستن از تمرکز. گسترش دامنه انتخابی بودن رهبران محلی، از جمله شوراها و شهردارها و افزایش حیطه اختیارات آنها، از مظاهر با اهمیت تمرکززدایی است. انتخاب مدیران اجرایی محلی توسط شوراها طی دهه‌های اخیر مورد توجه هرچه بیشتر قرار گرفته است. در ایالات متحد، در بسیاری از امور شهری مردم مشارکت مستقیم دارند؛ از جمله در انتخاب مقامات قضایی، انتظامی و آموزشی و حتی مالیاتی در محل شرکت و نظارت دارند. این‌گونه مشارکتهای مستقیم در انتخاب مدیران محلی نه تنها تجربه‌هایی در بسط حقوق مردم، بلکه در عین‌حال، شیوه‌ای برای بالا بردن میزان کارآمدی مدیران و جلوگیری از فساد اداری است.

شکلهای تمرکززدایی

تمرکززدایی، صورتها و معانی مختلفی دارد که به شیوه زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

• **تفویض اختیارات.** در این شکل از تمرکززدایی اعمال اقتدار سیاسی در محدوده‌های تعریف شده، به نهادهای محلی که منتخب مردم و در برابر آنها پاسخگو هستند، واگذار می‌شود؛

• **توزیع اختیارات.** این نوع تمرکززدایی وجوه سیاسی و اداری هر دو را دربر می‌گیرد. در این شکل از تمرکززدایی اقتدار سیاسی و اختیارات اداری به‌صورت سلسله‌مراتبی در میان ادارات حکومتی و مقامات اداری توزیع می‌شود. بیشترین تمرکززدایی به‌لحاظ سیاسی و به‌لحاظ اداری در

شکل نظامهای فدرالی، دیده می‌شود. در نظامهای فدرالی واحدهای تشکیل دهنده دولت نه تنها در حوزه اختیارات اداری سهم زیادی دارند، بلکه در عین حال، در حاکمیت سیاسی نیز از سهمی برخوردار هستند؛

• **نظام نظارتی.** در این نظام اختیارات زیادی به مقامات و واحدهای محلی داده می‌شود، اما حکومت مرکزی ناظرانی را به موازات این مقامات محلی تعیین می‌کند که هماهنگی سیاستهای محلی با سیاست ملی را زیر نظر دارند. ناظران مرکزی از حیث سلسله مراتب، همپراز مقامات محلی هستند و نه برتر از آنها؛ و

• **مأموریت سپاری.** در این نظام برخی از امور که به طور مستقیم تحت کنترل مقامات وزارتی حکومت مرکزی نیست، به سازمانهای معینی سپرده می‌شود که در ظاهر خودمختارند، اما پاسخگویی حکومت مرکزی هستند.

تمرکززدایی در مدیریت شهری

بخش عمده تمرکززدایی در مدیریت شهری مربوط به انتقال مسئولیت اداره شهر به واحدهایی می‌شود که منتخب مردم هستند و از جانب مردم نمایندگی دارند؛ بخشی نیز مربوط است به واگذاری مسئولیت از مقامات عالی‌تر به مقامات پائین‌تر. شاخصهای زیر نشانگر چگونگی تمرکززدایی در امور شهری است:

- معین کردن گستره تصمیماتی که واحدهای محلی اتخاذ می‌کنند یا واحدهای محلی در آن نمایندگی دارند؛
- وجود نظام ارزیابی برای دریافت بازخوردها در مورد چگونگی اجرای وظایف محوله؛
- همسازی میان ساختار سلسله مراتبی و چگونگی مأموریت سپاری؛ و
- وجود خط‌مشی معین در مورد نحوه توزیع اختیارات سیاسی و اختیارات اداری.

در چگونگی نامتمرکز بودن مدیریت در امور مالیه شهری نیز شاخصهای زیر می‌تواند معیاری برای سنجش باشد:

۱. استقلال منابع مالی شهری؛
۲. توانایی تصمیم‌گیری در مورد استفاده از منابع محلی؛
۳. مشخص بودن منابع بودجه شهر (عوارض، اجاره، قرضه،

دارایی)؛

۴. درصد بودجه‌ای که از سطوح ملی برای شهر منظور می‌شود؛ و

۵. حد امکان استفاده از بازار سرمایه بدون تأیید مقامات بالا.

تمرکززدایی در حوزه سیاسی متضمن ملاحظات زیر است:

۱. وجود قوانین مشخص در مورد توزیع اختیارات سیاسی و اداری؛
۲. میزان اختیارات در حوزه تصمیم‌گیری سیاسی؛
۳. نحوه و میزان نظارت نهادهای مرکزی بر نهادهای محلی؛ و
۴. فرایند انتخاب مقامات مدیریتی محلی.

کتاب‌شناسی:

- زیر نظر سیمور مارتین لیپست. «تمرکززدایی»، *دایرةالمعارف دموکراسی*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- سعیدی رضوانی، نوید و کاظمیان، غلامرضا. *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها*. تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- Jones, G. and Jones, S. *The Case for Local Government*, London: Allen and Unwin, 1983.
- Mehta, Dinesh. *Urban Governance: Lessons from Best Practices In Asia*: UMP- Asia occasional Paper, No. 4, 1998.
- Schmidt, Viven. *Democratizing France: The Political and Administrative History of Decentralization*. Cambridge and New York: Cambridge University Press, 1990.
- Smith, B.C. *Decentralization: The Territorial Dimension of the Sate*. London: Allen and Unwin, 1985.

کمال پولادی

تمرکزگرایی

Centralization

تمرکزگرایی در حوزه مدیریت شهر و روستا به معنای تمرکز هرچه بیشتر اختیارات واحدها در دست مقامات حکومت مرکزی است.

توانمندسازی

Empowerment

توانمندسازی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه و از عناصر اصلی بازنگری در مفهوم آن است. توانمندسازی به معنای ایجاد قدرت قانونی، یا به سخن دیگر، سرمایه‌گذاری به منظور تقویت قدرت قانونی، برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است. دلالت مستقیم توانمندسازی مقابله با عوامل بی‌قدرتی است. بی‌قدرتی نه تنها به ایجاد فقر منجر می‌شود، بلکه محصول اصلی و مستقیم آن است؛ جلوه‌های اصلی بی‌قدرتی از این قرارند:

- نداشتن قدرت اقتصادی که همان فقر مادی است؛
- نداشتن قدرت تصمیم‌گیری که به معنای فقر سیاسی و معنوی است؛ و
- نداشتن قدرت انتخاب که به معنای فقر فرهنگی یا ناآگاهی است.

بدینسان، توانمندسازی دقیقاً به معنای مقابله با وضعیت بی‌قدرتی مردم است. این فرایند در بُعد اقتصادی، بر فقرزدایی دلالت دارد؛ از بُعد سیاسی، به دنبال رهاسازی مردم و خارج ساختن آنان از سلطه قدرتمندان است؛ و بالاخره، از بُعد فرهنگی، به دنبال دستیابی به سازوکارهایی برای افزایش حق انتخاب مردم است.

مفهوم توانمندسازی در کانون مفهوم سازی جدید توسعه - پارادایم تغییر - و تقویت راهبردهای فقرزدایی، به‌ویژه در مناطق روستایی، قرار دارد. گزارش توسعه انسانی اشاره دارد که توسعه باید در اطراف مردم موج باشد، نه مردم به دور توسعه - و توسعه باید موجب توانمندسازی و تفویض اختیار به افراد و گروهها شود و نه تضعیف آنان.

در برنامه‌های جدید توسعه روستایی که بیش از هر چیز مبتنی بر ۲ اصل توانمندسازی روستائیان و فقرزدایی از روستاهاست، دست‌کم ۳ فرایند سازماندهی مورد توجه قرار دارد که از این قرارند:

- سازماندهی اداری و مدیریتی کارگزاران و مسئولان دستگاهها و نهادهای دولتی ذی‌ربط به‌منظور هماهنگ‌سازی و یکپارچه‌سازی اقدامات دولتی در روستاها؛

تمرکزگرایی به مفهوم وسیع خود، اصلی در سازماندهی است که در آن تصمیم‌گیری در دست گروهی از مدیران و مقامات فرادست متمرکز است و از این طریق، مدیران و کارمندان پائین دست را برای پیشبرد امور سازمان کنترل و هماهنگ می‌کنند. میزان تمرکز یک سازمان به گستره کار و قلمرو فعالیت‌های آن بستگی دارد. شیوه تمرکز از خصوصیات ساختار سلسله مراتبی اختیارات است. در ساختار سلسله مراتبی، فعالیت کل توسط یک نظام مرکزی کنترل و هدایت می‌شود. در معنای محدودتر، تمرکزگرایی در سازمان، در رابطه موجود بین سازمانهای کشوری و سازمانهای محلی نمایان می‌شود. هر کشوری، چه به صورت تک‌مرکزی و چه به صورت فدرال سازماندهی شده باشد، به میزان معینی از تمرکز امور در دست حاکمیت نیازمند است. به این ترتیب، تمرکز ممکن است از نهادی به نهاد دیگر متفاوت باشد، اما در همه نهادها و کشورها نوعی کنترل مرکزی وجود دارد. درجه تمرکز نیز در سازمانهای مختلف یکسان نیست؛ به‌عنوان نمونه، تمرکز در سازمانهای نظامی و انتظامی بیشتر و در سازمانهای اقتصادی کمتر است.

کتابشناسی:

- زیرنظر سیمور مارتین لپست. *دایرةالمعارف دموکراسی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- سعیدی رضوانی، نوید و کاظمیان، غلامرضا. *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.
- Jones, G. & Jones. S. *The Case for Local Government*. London: Allen and Unwin, 1983.
- Mehta, Dinesh. *Urban Governance: Lessons from Best Practices In Asia*: UMP- Asia occasional Paper, No. 4, 1998.
- Schmidt, Viven. *Democratizing France: The Political and Administrative History of Decentralization*. Cambridge and New York: Cambridge University Press, 1990.
- Smith, B.C. *Decentralization: The Territorial Dimension of the Sate*. London: Allen and Unwin, 1985.

کمال پولادی

محیطهای روستایی، تقویت سرمایه اجتماعی و نیز توانمندسازی روستائیان صورت پذیرد.

درواقع، شکست برنامه‌های نوسازی (مدرنیزاسیون) و اقتصادهای نشت به پائین در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م، درک گسترده‌ای از ناتوانی دولتها برای دخالت موفقیت‌آمیز در عملیاتی کردن توسعه و کاهش فقر، همراه با پیامدهای ناخواسته، از قبیل تخلیه منابع طبیعی و تنزل محیط زیست، به پیدایش رویکرد توسعه پایدار با دلالت‌های ویژه آن در

• سازماندهی اقتصادی مردم روستا برای اجرای فعالیتهای درآمدزا از طریق اعطای وامهای کم‌بهره و بدون بهره؛ و

• سازماندهی اجتماعی مردم روستا به‌منظور برنامه‌ریزی توسعه و نوسازی اجتماعی در سطح محلی و تشریک مساعی برای اجرای پروژه‌های اولویت‌دار.

می‌توان انتظار داشت که این ۳ نوع سازماندهی بتواند با تقویت روح خودیاری، خودتکایی و خودکفایی مالی، مشارکت واقعی مردم را در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای



زمینه توانمندسازی و حفظ محیط زیست منجر شد. در این رویکرد تازه، توسعه‌ای که نیازهای فعلی را بدون خدشه وارد آوردن بر توانایی نسلهای آتی برای تأمین نیازها تأمین کند، توسعه پایدار خوانده می‌شود. عدالت و برابری فرصتها به‌عنوان کانون مفهوم توسعه پایدار، بر نابرابری کمتر در توزیع دارائیهها و توانایی و فرصتهای بیشتر برای گروههای محروم‌تر دلالت دارد که به‌طور ضمنی، بازگویی هدفهای توانمندسازی است.

سطوح عملیات در توسعه پایدار دلالت دارد بر:

• اطمینان بخشی از پیشرفتهای خودپایداری در بهره‌وری و

پروژه‌های توسعه روستایی تأمین کند و از این طریق، ضمن تقلیل حدود مداخله و تصدی‌گری دولت، هدفهای گسترش اشتغال در روستا، افزایش تولید و ارزش افزوده در اقتصاد روستا و کاهش فقر و بهبود سطح زندگی روستائیان را تأمین کند و از این طریق، زمینه‌آثرگذاری نقش روستائیان را در فرایند توسعه روستایی فراهم سازد.

آشکار است که روستائیان به تنهایی قادر به ایفای این نقش مشارکتی به‌نحو مؤثر و فعال نیستند. برای این منظور باید فعالیتهای هدفمندی در زمینه ارائه آموزشهای لازم به آنها، گسترش دامنه آگاهی روستائیان، ظرفیت‌سازی در

توانمندسازی

توانمندسازی و فقرزدایی از آنها پیش شرط اصلی توسعه پایدار تلقی می‌شود.

رابرت چمبرز (۱۹۸۳م) معتقد است، فقیران روستایی از انزوایشان شناخته می‌شوند؛ طبق استقرار حاشیه‌ای آنها به دور از مراکز تجاری و مراکز بحث و اطلاعات هستند، کمبود پیام از طریق مروجان کشاورزی و جنگلداری و بهداشت دارند، و در بسیاری موارد، کمبود وسیله برای مسافرت. فقیران روستایی آسیب‌پذیری مستمری را تجربه می‌کنند، زیرا آنها فاقد سپر لازم در مقابله با حوادثند. نیازهای کوچک آنها با کاهش مصرف، با معاوضه یا دریافت وام از آشنایان یا تجار محلی تأمین می‌شود. همچنین آنها بی‌قدرتی ناشی از بی‌توجهی قانون، کمبود دسترسی به تسهیلات قانونی، رقابت برای اشتغال و کمبود خدمات را در شرایطی که سرشار از انواع محرومیت‌هاست، تجربه می‌کنند. مردمی که در همه یا قسمتی از این ویژگی‌ها سهیم هستند، در جوامع محلی و در مجموعه‌ای از زیست‌بوم‌های گوناگون زندگی می‌کنند که از جمله آنها می‌توان از زیست‌بوم دیم یا نیمه‌دیم یا اراضی بایر و حلی آبادها در کشورهای درحال توسعه و محلهای استقرار قربانیان قحطی و جنگ نام برد.

در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم فقر روستایی باید از مفهوم تضعیف (weakness) نام برد که فرایندی فعال است که منجر به دسترسی اندک به انتخابات و استحقاقها می‌شود و البته این پدیده صرفاً محدود به کشورهای درحال توسعه نیست و حتی در کشورهای پیشرفته نیز به چشم می‌خورد.

تضعیف از طریق سازوکارهایی، همچون تخریب زیست محیطی، تخلیه منابع، تورم بیکاری و دیون به‌طور مداوم ایجاد و بازتولید می‌شود. این سازوکارها در فرسایش شبکه ایمنی و عمیق‌تر شدن شکاف بین گروهها و ملت‌های ثروتمند و فقیر حرکت می‌کند. مثلاً درحالی‌که در ۲ یا ۳ دهه گذشته درآمد سرانه در برخی کشورهای درحال توسعه به شدت سقوط کرده است، در کشورهای پیشرفته بر میزان آن به‌صورت جهشی افزوده شده است.

طبق آمارهای بانک جهانی در جنوب صحرای افریقا، درآمد سرانه از ۵۶۰ دلار امریکایی در ۱۹۸۰م به ۴۵۰ دلار

کیفیت زندگی جماعت‌های محلی و جوامع، همراه با دسترسی به نیازهای اساسی از قبیل آموزش، بهداشت، تغذیه و همچنین اشتغال و خودکفایی غذایی؛

• اطمینان از اینکه فرایند تولید از طریق بهره‌برداری بیش از حد از ظرفیتهای تولیدی و موجود منابع طبیعی موجب صدمه وارد کردن بر کیفیت محیط زیست نخواهد شد؛ و

• اطمینان بخشی از اینکه مردم دارای حقوقی به نام حقوق بشر پایه‌ای و آزاد برای مشارکت در فضاهاى سیاسى، اقتصادى، اجتماعى و زیست محیطى (توانمندسازی) هستند.

بنابراین، اهداف اولیه توسعه پایدار عبارتند از: پایان بخشی به فقر از طریق توانمندسازی مردم و حفاظت از محیط زیست و همچنین افزایش امکان انتخابهای انسان. شاخصهای توسعه پایدار بر مبنای این رویکرد عبارتند از:

• حفاظت از سرمایه‌های طبیعی تجدید شونده، مانند خاک، منابع آب، هوای پاک، جنگلهای قابل بهره‌برداری و شیلات، که در واقع به معنی حفظ ظرفیت تجدید شونده منابع طبیعی است؛

• حفاظت از ظرفیت خودپالایی محیط زیست برای جذب ضایعات و فاضلابها؛

• بهبود کیفی زندگی مردم روستاها از طریق تقویت عوامل تولید، مانند زمین، اعتبارات، فناوری و افزایش شایستگیها برای سازمان‌یابی اجتماعی و سیاسی مردم؛ و

• گسترش خدمات اجتماعی در روستاها و افزایش دسترسی به نیازهای اساسی، از قبیل مواد غذایی، سرپناه، پوشش و اقدامات بهداشتی که در مجموع مفهوم کیفیت زندگی را محقق می‌سازند؛ و بالاخره،

• فراهم ساختن شرایط توسعه اقتصادی مستمر در نواحی روستایی (کشاورزی پایدار).

هرگونه پایدارسازی فرایند توسعه در روستاها، بدون پیش‌فرض گرفتن توانمندسازی و کاهش فقر، نامحتمل است. اجتماعات روستایی در اکثر نقاط جهان و به‌ویژه در جهان سوم، بازتاب دهنده چهره تغلیظ شده و متراکم شده‌ای از بی‌قدرتی و فقر مزمنند و به‌همین لحاظ،

در ۱۹۸۸م سقوط کرد. درحالی که در همین فاصله زمانی، میانگین درآمد سرانه در کشورهای صنعتی از ۴۰۰۰ دلار به ۱۳,۰۰۰ دلار افزایش یافت.

فرایند تضعیف که بازگویی ناتوان‌سازی است، پدیده‌ای اقتصادی، اکولوژیک، سیاسی و فرهنگی است. این فرایند در کشورهای درحال توسعه با استعمار آغاز شد و بر اثر کوششهای موسوم به مدرنیزاسیون در دوران پسا استعماری (post clonization) تشدید شد. برای مثال، بهبودهایی که در نرخ مرگ‌ومیر مادران و اطفال و انتظار زندگی، بدون پیشرفتی در زمینه افزایش رفاه و فرصتهای بیشتر برای زنان، رخ داده است در بسیاری از مناطق روستایی جهان موجب افزایش انفجاری جمعیت (با نرخ رشد ۲/۵٪ در سال) شد و این افزایش جمعیت با توجه به محدودیت رشد اقتصادی در اقتصادهای جنوبی در اغلب موارد به کاهش درآمد سرانه و به تبع آن به افزایش فقر و نابرابری به‌ویژه در نواحی روستایی منجر شده است.

موارد زیر که در چند دهه اخیر به‌صورت فرایندهای متعارف اقتصاد جهانی درآمده‌اند، تماماً موجب تضعیف و بی‌قدرتی روستائیان، فقرزایی روستاها و عامل محدود کننده توسعه پایدار روستایی بوده است:

• رابطه مبادله نامطلوب، مانند دامپینگ محصولات کشاورزی به‌وسیله کشورهای صنعتی برعلیه بازارهای کشورهای درحال توسعه که موجب تنزل صادرات محصولات کشاورزی آنها می‌شود؛

• حمایت‌گرایی کشورهای صنعتی از طریق تعرفه‌ها و یارانه‌های غیرتعرفه‌ای، مانند سهمیه‌بندی و ممانعت‌های وارداتی برای محصولات کشاورزی؛

• تأکید بر تولید برای صادرات که نظامهای کشاورزی سنتی را متزلزل کرده و بهره‌برداریهامعیشتی- پایه را به بنگاههای کشاورزی صادرات- پایه تبدیل می‌کند؛

• افزایش دیون به‌رغم برنامه تعدیل اقتصادی که موجب تخلیه منابع از طریق بازپرداخت دیون و در نتیجه، مانع از انباشت سرمایه در بخش کشاورزی می‌شود؛

• اعمال فشار از جانب مؤسسه‌های مالی بین‌المللی بر دولتهای کشورهای درحال توسعه که بخش بزرگی از این

فشارها مستقیماً به بخش کشاورزی و تولیدکنندگان این بخش منتقل می‌شود؛

• وجود نیروهای با بهره‌وری پائین، همراه با سطوح پائین دستمزد در بخش کشاورزی و رشد بیکاری در جامعه روستایی؛

• مصادره اراضی کشاورزی (از سوی نیروهای بازار) که به یک جریان همیشگی کشش مهاجرتی نیروی کار کشاورزی به خارج از روستا منجر می‌شود؛

• تغییرات سازمان اجتماعی در جهت تضعیف انگیزه‌های تولیدی خانواده و تأثیر آن بر رفتار افراد، به‌ویژه در گروههای سنی جوان که دارای آثار تضعیف کننده بر مشارکت و سازمان‌یابی اجتماعی نیروهای فعال است؛

• کاهش منابع روستایی، آلودگیهای صنعتی خارج از کنترل و نیز واگرایی روستائیان، به‌ویژه از طریق تشدید فرایند شهرگرایی در روستاها؛ و

• تسلط دولت به‌عنوان محرک اصلی در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی در روستاها.

مقابله با پیامدهای تضعیف کننده و فقرزایی این قبیل عوامل بازدارنده توسعه پایدار روستایی، مستلزم توانمندسازی روستاها و به تبع آن، افزایش انتخابهای کنشگران روستایی برای کسب درآمد و رهایی از تله فقر و محرومیت است. در گفتمان توسعه، مفهوم توانمندسازی بازگویی رویکرد توسعه‌ای پائین به بالا و توسعه درونزاست. دلالت‌های عملیاتی توانمندسازی از این قرارند:

• هدایت مناسب مشروعیت و خلاقیت برای رونق بخش خصوصی؛

• تحول اقتصادی در جهت خوداتکایی، درونزایی و توسعه انسان مدارانه؛

• پیشرفت توسعه اجتماعی از طریق خودیاری، با تأکید عمده بر فرایند تکمیل پروژه‌های خاص؛

• ایجاد قابلیت‌های لازم برای تصمیم‌گیری جمعی و عمل جمعی؛ و

• مشارکت عمومی در فعالیتهایی که دارای منافع جمعی است.

همچنین، عناصر و شاخصهای توانمندسازی در

توانمندسازی

کشاورزی، کوشش برای ترویج و گسترش این فرایندها در اجتماعات روستایی است. لازم به یادآوری است که تاکنون در سطح توسعه روستایی ۳ ابتکار برای توانمندسازی و فقرزدایی آزمون شده است که عمدتاً فاقد موفقیت بوده‌اند.

این ۳ ابتکار عبارتند از:

• راهبرد/ایجاد قطب رشد که موجب تمرکز صنایع در شهرهای منتخب برای ایجاد فرایندی پویا در رشد اقتصادی و جذب جمعیت مازاد روستایی به این قطبهای ایجاد اشتغال بوده است؛

• راهبرد/سکان مجدد که خصوصاً در برخی نقاط جهان، از جمله در پنانگ تنگارا در مالزی؛ قسمتهایی از آمازون در محدوده کشورهای پرو، اکوادور و برزیل؛ و در منطقه‌ای از کانادا به کار گرفته شده است. الگوی اوجمای تانزانیا را نیز می‌توان از زمره این راهبرد محسوب کرد؛ و

• راهبرد توسعه جامع روستایی نوعی ابتکار توسعه‌ای چند کارکردی و چندبخشی همراه با رویکرد همگرایی است. این رویکرد انسجامی پاسخی به سلسله مسائل وسیعی بوده است که در ارتباط با خدمات آموزشی و بهداشتی و نیز ترویج کشاورزی و نیازهای فنی روستاها مطرحند.

این راهبردها از حیث اهداف توانمندسازی فقیران و فقرزدایی از روستاها، حتی اگر شکست نخورده باشند دست کم می‌توان گفت که موفقیت چندانی هم نداشته‌اند، زیرا فاقد فرایندهای لازم برای یادگیری از فقیران درباره نیازها و آرزوهایشان بوده‌اند و از دانش موجود در جامعه روستایی، استفاده چندانی نکرده‌اند. همچنین این راهبردها مسائل ملی و بین‌المللی را در ارتباط با تأثیرشان بر فرایندهای فقرزدایی روستایی مورد توجه قرار نداده‌اند. علاوه بر آن، این ابتکارات فقیران روستایی را با فرصتهایی برای حل مسائل اساسیشان مهیا نکردند و از طریق آنها، هیچ کوششی برای افزایش ظرفیت حل مسائل فقیران در مقابل گرفتاریهای معمول زندگی روستایی صورت نگرفته است.

توانمندسازی ارتباط بی‌واسطه و مستقیمی با افزایش آگاهیهای اجتماعی دارد. با توجه به تنوع دامنه فعالیت‌های کُشگران روستایی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی -

اجتماعات روستایی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

• خوداتکایی محلی و خودمختاری در فرایندهای تصمیم‌سازی در سطح روستا؛

• مردمسالاری مشارکتی مستقیم، خاصه در امور انتخابات. این امر به استفاده حداکثر از ظرفیت مردم در به کارگیری خدمات، اطلاعات، تمرین آینده‌نگری، تجربه‌اندوزی و نوآوری، همکاری با دیگران، بهره‌برداری از شرایط جدید و منابع کمک خواهد کرد؛

• تدارک فضایی لازم برای تسهیل امور آموزشی و انتقال آگاهی و تجربه و نیز به کارگیری دانش بومی و در کنار آن، دانش علمی و نظری؛

• دسترسی به زمین و سایر منابع تولیدی؛

• توانایی در به دست آوردن غذا و خودکفایی پایدار؛

• آموزش برای خانه‌سازی مناسب و تأمین تسهیلات بهداشتی؛

• دسترسی به درآمد، داراییها و تسهیلات اعتباری و توانایی برای بهره‌مندی از تسهیلات اعتباری؛

• دسترسی به دانش و مهارتها برای نگهداری مقادیر ثابت منابع طبیعی و افزایش ظرفیت تحمل محیط زیست؛

• دسترسی به فرصتهای کارآموزی مهارتها و فنون حل مسائل اجتماعی و اقتصادی و دسترسی به فناوری مناسب اطلاعات؛ و

• مشارکت در فرایندهای تصمیم‌سازی توسط همه مردم و به‌ویژه زنان و جوانان.

این عناصر توانمندسازی به وجود آورنده چیزی است که باید برای تحقق توسعه پایدار روستایی فراهم آید. رویکردهای تفویض اختیار با راهبردهای توانمندسازی و فقرزدایی مرتبط است و از طریق پارادایمهای اقتصادی و توسعه گسترش می‌یابد. راهبردهای فقرزدایی و توانمندسازی در اغلب موارد (هم در گذشته و هم تا حدود زیادی در حال حاضر) شامل راهبردهای توسعه شهری براساس الگوی نوسازی (مدرنیزاسیون) و پارادایمهای نشت به پائین بوده است. البته، به این امور در سطح توسعه روستایی تاکنون توجه چندانی نشده است و در واقع، نخستین گام برای نهادینه‌سازی توسعه پایدار روستایی و

توسعه‌های تکررشته‌ای و نویدبخش نگاه جامع‌تری به موضوعات آگاهی، معنویت و اخلاق در راستای هدفهای توسعه و برای دستیابی به یک زندگی انسانی‌تر و هدفمندتر است.

این توانمندسازها امکان ایجاد برابری بین نسلی و نیز به حداقل رسیدن مسائل زنان، جوانان و گروههای آسیب‌پذیر اجتماعی و اقتصادی را در جامعه روستایی نوید می‌دهد و انتظار می‌رود، با توجه به شرایط خاص جوامع روستایی در کشورهای جهان سوم، سازمانهای غیردولتی در تحقق آن نقش تعیین‌کننده و کارسازی را برعهده گیرند.

رویکردهای متفاوتی را در زمینه توانمندسازی کنشگران روستایی می‌توان تشخیص داد. این رویکردها عمدتاً در حوزه‌های توسعه اجتماعی، کشاورزی، آموزشی، بهداشت، جنسیت و توسعه مورد توجه است.

طرفداران رویکردهای تفویض اختیار برای کنشگران روستایی بیش از هر چیز به روشهای ارزیابی و تحقیق، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشهایی برای درک جنسیت و عمل برای ارتقاء معیشت فقیران توجه دارند. امروزه، این رویکردها دیگر حالت انتزاعی نداشته و در آنها بر اهمیت حقیقت‌یابی، آموزش و ارزشیابی توسط روستائیان، به‌عنوان دست‌اندرکاران فرایندهای توسعه، برنامه‌ریزی و عمل، تأکید گذاشته می‌شود. تقریباً تمام این رویکردها عمدتاً تحت تأثیر آراء و نوشته‌های پاولوفره است که نظریه اکثریت خاموش او در جستجوی قادرسازی روستائیان و به‌ویژه فقیران برای نگاه نقادانه به جهان روستایی و شکستن فرهنگ سکوت و تحت کنترل درآوردن روشهای تحقق خود است.

توانمندسازی در رویکرد عملیاتی به معنای ظرفیت‌سازی در بین روستائیان برای ایفای نقش مؤثرتر در فرایند توسعه پایدار روستایی است. ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) خود به معنای ایجاد قابلیت سازگاری و واکنش مناسب در برابر فرایند تغییرات مستمر است. وجه عمومی مفهوم ظرفیت‌سازی در بین کارگزاران توسعه، اغلب به کاهش نقش دولت در ارتباط با رواج نظام اقتصادی نئولیبرالی در سالهای ۱۹۹۰م به بعد مربوط

از ارتباط با محیط طبیعی برای تولید و تأمین معیشت گرفته تا انتقال دانش و مهارتهای زندگی - و از آنجا که توانمندسازی در همه این عرصه‌ها می‌تواند مورد توجه باشد، حسب موضوع، انواع متفاوتی از فعالیتهای توانمندسازی را می‌توان تشخیص داد که اهم آنها از این قرارند: توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، روش‌شناختی و فرهنگی - معنوی.

توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی افراد، جوامع و حتی ملتها به معنی ایجاد قابلیتهای لازم برای کسب مسئولیت جمعی در عرصه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، به‌منظور دستیابی به یک زندگی بهتر و مدیر توسعه خود شدن است. در توانمندسازی آموزشی و سیاسی مردم از طریق آموزشهای مناسب، هوشیاری و آگاهی نقادانه لازم برای کسب مردمسالاری و عدالت اجتماعی را به‌دست می‌آورند و از این طریق، برای پیشبرد سطح رفاه خود در عرصه‌های تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) و تصمیم‌گیری مربوط به سرنوشت جامعه، مشارکت می‌کنند.

در توانمندسازی فنی از طریق شناسایی دانش محلی و با استفاده از مهارتهای کامل شده توسط همکارهای بین‌المللی، قابلیتهای لازم برای حل بحران رشد، محیط زیست و بهزیستی در کنشگران روستایی ایجاد می‌شود. این فرایند شامل نظام فناوری و توسعه است که بهره‌وری نیروی کار را ارتقاء می‌بخشد، ظرفیت کسب درآمد را افزایش می‌دهد و از این طریق، فضای لازم برای بهزیستی انسان را مهیا می‌سازد و اثرات منفی زیست محیطی را کاهش می‌دهد.

در توانمندسازی فرهنگی و معنوی، فرض پایه این است که آگاهی و معنویت، پایه‌های یک زیست انسانی و شالوده سلامتی پایدار جوامع انسانی است. در سالهای اخیر فرهنگ و معنویت به‌مثابه بنیاد تغییر در جهت توسعه پایدار مورد نظر بسیاری از محققان و عملگرایان زیست محیطی و توسعه قرار گرفته است. شفافیت فرهنگ و معنویت در گفتمانهای توسعه، با چارچوب تحلیلی توسعه پایدار انطباق دارد و برخاسته از نارضایتی همراه با محدودیتهای کامل دنیوی و اقتصادی، محیط زیستی و رویکردهای مربوط به

میان دولت و سازمانهای غیردولتی چگونه می‌توان فائق آمد؟ در جایی که فقیران و آسیب‌پذیران فاقد هرگونه توانایی اساسی برای قوی‌تر شدن، برای ظرفیت‌سازی در بین آنان چه می‌توان کرد؟ این سئوالات ایجاب می‌کند که دست‌اندرکاران درون سیستم نیز شامل فرایند ظرفیت‌سازی شوند.

در رویکرد ظرفیت‌سازی عوامل متعددی باید مورد توجه قرار گیرند. از بین این عوامل تمرکززدایی قدرت، تدارک اطلاعات مرتبط، بسیج منابع از طریق مشارکت مردم، آموزش و پرورش و استفاده از دانش اهمیت بیشتری دارند. این عوامل نقش حساسی در ایجاد توسعه پایدار به‌عنوان یک واقعیت ایفا می‌کنند. لازم به یادآوری است که با توجه به ارتباط سیستمی این عوامل، کمبود هر یک از آنها، عوامل دیگر را تضعیف کرده و در نتیجه فرایند پایداری را مغشوش می‌کند.

بسیاری بر این باورند که ساخت نیروی انسانی باید بر سایر عناصر ظرفیت‌سازی تقدم داشته باشد و این مناسب‌ترین راه برای اجتناب از اتلاف وقت و انرژی است. آموزش و پرورش دارای حساس‌ترین نقش در فرایند توسعه است، زیرا استانداردهای زیستی مردم به دانش آنها وابستگی دارد. یادگیری فرایندی کلی است که طی آن مردم از اطلاعات بهره می‌گیرند، تا استانداردهای زندگی‌شان را بهبود بخشند. مردم آموزش‌نیدیده دسترسی کمتری به ایده‌های جدید، فناوریها و اطلاعات دارند. آموزش و پرورش ابزاری برای یادگیری با هدف دستیابی به زندگی بهتر است. هدف از آموزش و پرورش قادر ساختن مردم به سازگارسازی خود با تغییرات و بهره‌گیری از این تغییرات برای رفاه بیشتر و بهزیستی است. با استفاده از آموزش و پرورش می‌توان منابع انسانی را به عامل عمده و ایفاگر نقش کارآمد در فرایند توسعه مناطق روستایی تبدیل کرد.

دسترسی به اطلاعات کامل، کلید دیگری در فرایند توسعه روستایی پایدار است. همان‌گونه که آید متذکر می‌شود، اطلاعات در مشارکت و تواناسازی نقش حیاتی ایفا می‌کند. در مرحله جهانی شدن و اقتصاد جهانی، فرایند

می‌شود. پس از اعمال فشار از سوی نهادهای بین‌المللی برای اجرای جهانی سیاستهای بازسازی در کشورهای درحال توسعه، به سازمانهای غیردولتی به‌عنوان میانجی آژانسهای اعطاکننده کمک و گروههای هدف در جوامع محلی، نقش فعالی واگذار شد. سازمانهای غیردولتی طی این فعالیتها دریافته‌اند که رویکرد ظرفیت‌سازی موجب تحقق هدفهای توسعه می‌شود، اما موفقیت در آن مستلزم همدلی و همراهی مردم روستاست که به‌نوبه خود، نیازمند ارائه آموزشهای لازم در این زمینه است. در ادبیات توسعه، ظرفیت‌سازی مفهوم بالنسبه جدیدی محسوب می‌شود و به‌همین لحاظ نظیر دیگر مفاهیم این حوزه، همچون پایداری، سرمایه اجتماعی، توانمندسازی و مشارکت، اتفاق نظر چندانی درخصوص معنای دقیق و دلالتهای روشن آن وجود ندارد.

ظرفیت‌سازی رویکردی توسعه‌ای است و تمام بخشهایی را که بر فضای توسعه تسلط دارند، دربر می‌گیرد. این تعریف عمدتاً دستورالعملی ضمنی و چارچوبی برای گروهها و اشخاص فعال در فرایند توسعه را روشن می‌سازد و در آن، به ترکیب و تنوع شرایط کار کردن واقعی در جوامع روستایی کشورهای درحال توسعه عمیقاً توجه می‌شود.

اولین نکته مهم در این رویکرد، ماهیت پیوستگی و درازمدت بودن فرایند است. ظرفیت‌سازی عمدتاً براساس برنامه‌های درازمدت قابل تحقق است، نه در قالب پروژه‌های کوتاه‌مدت. نکته مهم دیگر مجموعه شرایط هر یک از جوامع روستایی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی باید از طریق فنونی نظیر تحلیل موقعیتی، تحلیل جنسیتی و ارزیابی مشارکتی روستایی صورت پذیرد، تا در مدتی کوتاه‌تر، شناخت عمقی‌تر و کارآمدتری را از محیطهای روستایی معین به‌دست دهد. نکته دیگر تنوع دست‌اندرکاران در زمینه توسعه جوامع روستایی است. این نکته تعدادی پرسش اساسی را مطرح می‌کند از جمله اینکه: چگونه می‌توان درک مشترک و منظر عمومی همسانی را در بین دست‌اندرکاران متنوع توسعه روستایی ایجاد کرد؟ بر شکاف موجود میان مردم ثروتمند و فقیر روستا، شکاف

ظرفیت‌سازی بدون اطلاعات قابل تحقق نیست. دسترسی به اطلاعات به منظور استفاده از فرصت‌ها در فرایند تغییر، برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی تحت سیطره اقتصاد جهانی ضروری است. در نتیجه، ایجاد دانش و اطلاعات و بهره‌گیری از آنها در آینده اجتماعات روستایی در شرایط جهانی‌سازی نقش حیاتی و مهمی ایفا می‌کند. امروزه دیگر کسی تردیدی ندارد که بین قدرت و اطلاعات ارتباط مستقیمی وجود دارد. بخش عمده‌ای از فرایند توانمندسازی مردم مناطق روستایی به دسترسی آنها به اطلاعات وابسته است. همچنین، همان‌گونه که فرناندو (۱۹۹۵م) بیان می‌کند، عکس‌العمل انفعالی مردم مناطق روستایی در مقابل نیروهای خارجی، به دلیل کمبود اطلاعات درباره آن نیروهاست. از نظر فرناندو، دسترسی به اطلاعات مناسب پیش شرط مشارکت مردم در توسعه آینده است. به‌طور کلی، به موازات اینکه مردم اطلاعات بیشتری درباره منابع، سازوکارها و اصلاحات جهانی به دست می‌آورند، قابلیت و شایستگی آنها در انطباق و سازگاری با تغییرات بیشتر می‌شود.

قسمتی از اطلاعاتی که مردم مناطق روستایی می‌توانند برای بازسازی جوامع خود به کار برند، از دانش بومی (← دانش بومی) و سنتی آنها سرچشمه می‌گیرد. به کارگیری دانش بومی و محلی، ظرفیت مردم مناطق روستایی و سازمانهای آنها را تقویت می‌کند. تا اواخر دهه ۱۹۷۰م، کارگزاران توسعه به ارزشهای سنتی مردم، دانش بومی و استنباطهای آنها از جهان پیرامون توجه کافی نداشتند. آنها، این واقعیت را نادیده می‌گرفتند که بهترین راه حل برای مقابله با موانع توسعه، از تلفیق دانش جدید و سنتی به دست می‌آید. اخیراً، بسیاری از صاحب‌نظران استفاده از دانش بومی را دست‌کم به‌عنوان مکمل راه حل خارجی در برخورد با مسائل محلی مورد تأکید قرار داده‌اند. آنان استدلال می‌کنند که دانش بومی و تجربی که طی قرن‌ها توسعه‌یافته و پایدار مانده، در حل مسائل روزمره، به‌ویژه در جامعه روستایی، نقش کارساز و مهمی دارد.

عامل عمده دیگر در ظرفیت‌سازی جامعه روستایی، بهره‌برداری از منابع موجود است. توسعه اقتصادی به‌عنوان بخش مهمی از هر جامعه روستایی پایدار نیازمند آن است

که با تخصیص بهینه منابع و کسب مهارت‌های لازم در این زمینه همراه باشد. بسیاری از منابع داخلی و خارجی وجود دارند که به توسعه اجتماع روستایی مربوط می‌شوند؛ از جمله این منابع می‌توان از منابع مالی، طبیعی و انسانی نام برد. توسعه آینده هر جامعه وسیعاً به توانایی محلی برای ارتقاء یا اصلاح اساسی اقتصاد جامعه بستگی دارد. کمبود درآمد، رفاه اقتصادی ناکارآمد و ناقص و نابرابری در توزیع ثروت، فقیران روستایی را به هر دستاویزی برای زنده ماندن سوق می‌دهد. از میان این دستاویزها، منابع طبیعی اولین هدف برای این فقیران است. در نتیجه تجمیع و بهره‌برداری از منابع باید به روشی صورت گیرد که تمامیت و کیفیت منابع طبیعی و پایه در محیط زیست روستاها حفظ شده و از تخریب آن در نتیجه بلیه فقر، جلوگیری شود.

و بالاخره، یکی از عوامل الزام‌آور در فرایند ظرفیت‌سازی، مشارکت است که امکان دخالت مردم در مراحل تصمیم‌سازی و فرایند کامل بازسازی را فراهم می‌سازد. مشارکت یک منظر مردم-مدارانه است که روشهای عمل از بالا به پایین را با رویکرد با هم یادگیری و تصمیم‌سازی و اقدام از پایین به بالا جایگزین می‌کند. رویکرد مشارکتی در توسعه روستایی پایدار هم وسیله و هم هدف است. در این رویکرد، مردم نقش مهمی ایفا می‌کنند و بیش از اینکه خود موضوع باشند، توسعه تابع آنها خواهد بود. از طریق فرایند مشارکت، ایده‌های مردم، ایدئولوژیها و همچنین کمکهای مادی، دانش و مهارت‌ها در تصمیم‌سازی مداخله خواهد کرد.

نقش و برهمکنش عناصر ظرفیت‌سازی، بازگویی آنند که ظرفیت‌سازی فرایندی برای تأمین نیازهای اولیه یک سازمان است. در فرایند سازمان‌یابی، مردم مناطق روستایی می‌توانند با دانش خود مشارکت نموده و منابع خود را بسیج کنند و بر جامعه خود کنترل بیشتری داشته باشند. این ارتباطات بازگویی آن است که چگونه تمام عناصری که در فرایند ظرفیت‌سازی تأثیر دارند، به‌صورتی یکپارچه و سیستمی با یکدیگر ارتباط کارکردی دارند. به این اعتبار، ضعف هر یک از این عناصر، بر هر قسمت از مدار عناصر سیستم تأثیر مخربی باقی خواهد گذاشت و فرایند توسعه و

اقتصادی و فرهنگی جامعه کل و جامعه جهانی نیز تأثیر می‌پذیرند. در نتیجه، بخشهایی از این محدودیتها مربوط به داخل نظام اجتماعی روستا و بخشهایی نیز مربوط به خارج آن است. محدودیتهای داخلی مبتنی بر نظامهای ارزشی زندگی روستایی، از قبیل وضعیت اقتصادی، نظام قشر بندی اجتماعی، مسائل بوم‌شناختی، انسجام اجتماعی و تعارضهای طبقاتی است. محدودیتهای خارجی اغلب اثر شرایط سیاسی جامعه کل و نظام بین‌المللیند. برای مثال، نوع حمایت کارگزاریهای بین‌المللی و قدرت نهادی تجارت خارجی و یا سایر منافع مرتبط با اقتصاد بین‌المللی، از زمره محدودیتهای ساختاری خارجی هستند که به‌رغم تصورات مربوط به منزوی بودن نسبی اجتماعات روستایی، از طریق مجاری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تأثیر خود را خواه به‌صورت مستقیم و خواه به‌صورت نامستقیم، بر مردم ساکن در روستاها باقی می‌گذارند. محدودیتهای نهادی توانمندسازی دربرگیرنده مسائلی هستند که نهادهای اجتماعی اصلی را متأثر می‌سازند؛ از جمله این نهادها می‌توان از الگوهای رفتاری، رسوم و سنتهای اجتماعی، دولت، مذهب، قومیت و دیوانسالاری (← دیوانسالاری) نام برد. محدودیتهای موقعیتی نیز عموماً در شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص شکل می‌گیرند و مواردی از قبیل منازعات میان نخبگان، تعارضهای درون جامعه‌ای و بی‌ثباتیهای ناشی از آسیبها و انحرافات اجتماعی را دربر می‌گیرند. و بالاخره، محدودیتهای فیزیکی، شامل فقر منابع فیزیکی و امور زیربنایی، ضعف خدمات‌رسانی و محدودیتهای بوم‌شناختی است.

ساختار اقتصادی - اجتماعی جوامع روستایی می‌تواند موانعی را برای توانمندسازی ایجاد کند. در اغلب متون جامعه‌شناختی، روستائیان افرادی سرنوشت‌گرا، خرافی و دارای اعتقادات مذهبی قوی، سنت‌گرا و حساس به رعایت هنجارها و ارزشهای اجتماعی روستا شناخته می‌شوند. بنابراین، درجه انطباق‌پذیری آنها با فرایند تغییر اجتماعی و نیز مشارکت آنها در فرایند توسعه و همچنین بسیج یا بهره‌مندی از منابع کافی برای تأمین مالی فعالیتهای مربوط به توسعه روستایی برای آنها همواره امری دشوار و زمان‌بر

سازگاری را با مشکلات جدی روبرو خواهد ساخت.

موانع توانمندسازی

هدف توانمندسازی، بهبود قابلیتهای رویارویی مردم با شرایط نوظهور، ناشناخته و نامعمول محیط اجتماعی و افزایش توانایی آنها برای تعیین ارزشها و اولویتهای مرتبط با بهبود شرایط زندگی است. البته، همان‌گونه که ادی تأکید می‌کند، تقویت تواناییهای مردم روستا در خلاء اتفاق نمی‌افتد. هر نوع کوشش در زمینه توانمندسازی با محدودیتهای مربوط به عناصر فردی، عناصر مرتبط با زندگی اجتماعی و عناصر فیزیکی مربوط به محیط زیست روبروست و برای مقابله با این محدودیتها باید کل فرایند ابتکارات را مورد توجه قرار داد. براین‌اساس، محدودیتهای توانمندسازی را می‌توان در زیربخشهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی مورد بحث قرار داد.

هر جامعه‌ای دارای ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منحصر به‌خود است که بر نهادهای فرایندهای سیاسی، ساختار اقتصادی و چالشهای اجتماعی سیطره دارد؛ در مقابل تغییرات منتظر یا نامنتظر مقاومت می‌کند و به رویدادهای جدیدی که به نفع یا به زیان آنهاست پاسخ می‌دهد. اجتماعات روستایی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. مردم روستایی، نظامهای اجتماعی - سیاسی، فرهنگ و نگرشهای خود را در چارچوب محیط کار و زندگی و در فضای گنش مختص به خودشان اجتماعی می‌کنند و برای حفظ جنبه‌های شناخته شده و مألوف این نظامها، در مقابل تغییر عکس‌العمل نشان می‌دهند. ارزشها، هدفها و منافع یک جامعه محلی می‌تواند بنیاد مورد نیاز برای نوع نظام اجتماعی و نظام معیشتی موجود در اجتماع محلی را شکل دهد و ضمن مقاومت ذاتی و اولیه در مقابل هرگونه تغییر، جهت‌گیریهای اصولی در برابر عوامل دگرگونی‌زای اجتماعی را تعیین کند.

به این اعتبار می‌توان گفت، محدودیتهای توانمندسازی در اجتماعات روستایی، با ویژگیهای ساختاری، نهادی، موقعیتی و فیزیکی زندگی در روستاها مرتبط است. این محدودیتهای ساختاری ضمناً از نظامهای سیاسی، اجتماعی،

است.

- 1995.
- Chambers, Robert, "Putting The Last First", *Rural Development*. London, Lagos, New York: Longman, 1983.
- Ifad Rural Poverty Report. "The Challenge of Ending Rural Poverty", Published for Ifad by Oxford University Press, 1992.
- Titi, Vangile and Singh, Nartsh. *Empowerment for Sustainable Development: Toward Old National Strategies*. West Wood Publishing Ltd., Zed Book, 1995.
- Tsend, W.B. *Developing Countries*, Washington, D.C: World Bank, 1992.
- UNDP. "UNDP and Organizations of Civil Society", *Paper Prepared for The UN's fiftieth Anniversary in San Francisco*, Jon 1995.

محمدجواد زاهدی مازندرانی

توسعه ← توسعه پایدار

توسعه اراضی ← آماده‌سازی زمین

توسعه پایدار

Sustainable Development

واژه توسعه به معنی خروج از لفاف است. پیروان نظریه نوسازی، لفاف را جامعه سنتی و فرهنگ و ارزشهای آن جامعه بشمار می‌آورند. بنابراین، توسعه را خروج از این لفاف، یعنی گذر از جامعه سنتی و مدرن شدن تلقی می‌کردند.

واژه نوسازی (← نوسازی) و مدرن شدن بعداً با غربی شدن مترادف شد و براساس باوری نادرست، آنچه مدرن و غربی بود، توسعه نام گرفت. در مقابل، شرایط و اوضاع مخالف با آن، توسعه نیافته و یا نشانه‌های توسعه نیافتگی به حساب آمد. اگر توسعه را گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر معنا کنیم، در بطن مفهوم آن ۳ واژه کلیدی تحول،

به لحاظ اقتصادی، برخی محدودیتهای ساختاری در رویکرد توانمندسازی وجود دارد که طبعاً ذاتی فرایند نوسازی و بازسازی اقتصادی است. تجدید ساختار اقتصادی مشتمل بر سیاستهایی از قبیل پس انداز بیشتر برای مصرف آتی، تأکید بیشتر بر سیاستهای تأمین ثبات کوتاه مدت، افزایش قیمت‌های مواد غذایی با هدف بهبود تولید و افزایش صادرات برای کسب درآمد ارزی بیشتر، و تخصیص منابع برای تقویت بخش مدرن با بهره‌وری بالا است که هزینه‌های اقتصادی تغییر را برای مردم ساکن در روستاها به میزان غیرقابل تحملی بالا می‌برد. به همین لحاظ، همه این قبیل سیاستها در تقابل با رویکرد توانمندسازی قرار می‌گیرند. به روشنی می‌توان دریافت که راه‌حلهای آسان و کوتاه مدتی برای حل این قبیل معضلات در جامعه روستایی وجود ندارد.

به این اعتبار، شرایط اقتصادی- اجتماعی موجود در روستاها راهگشای پیشرفت رویکرد ظرفیت‌سازی و توانمندسازی نخواهد بود. طبیعی است که در جایی که نیمی از جامعه (زنان) به عنوان شریکان برابر مورد توجه نیستند و اختیار و نقشی در فرایند تصمیم‌سازی ندارند، شرایط رفاهی آنان بهبود نخواهد یافت. فکر کردن در مورد توسعه پایدار روستایی همراه با نگاه سطحی به تأثیر آن بر زنان، ناممکن است. شکی نیست که زنان روستایی باید در توسعه پایدار روستاها نقش فعالی داشته باشند و این مستلزم حضور مؤثرتر آنها در این فرایند است. این در حالی است که بسیاری از سنتها و ارزشهای حاکم بر جامعه روستایی، مانع از تحقق این فرایند است و این بیش از هر چیز به معنی محدودیت ساختاری توانمندسازی در اجتماعات روستایی است.

کتاب‌شناسی:

- چمبرز، رابرت. *توسعه روستایی (اولویت بخشی به فقرا)*، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد. *توسعه و نابرابری*. تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۸۲.
- Eade, Debora and Williams, Suzanne. *The Oxford Handbook of Development and Relief*. Oxford: Oxford Publication,

انباشت روزافزون سرمایه برای انباشت مجدد است، پیشرفت و توسعه در آغاز به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، بدون توجه به ملاحظات زیست‌محیطی صورت گرفته است. کشورهای توسعه‌یافته و یا موسوم به شمال، پس از تجربه عینی مشکلات یاد شده، به فکر توجه به مشکلات محیط زیست افتادند و توجه به ابعاد زیست‌محیطی را در تعریف توسعه گنجانده‌اند.

تاریخچه توسعه پایدار

اگرچه از طرح مباحث مربوط به پایداری در سطح مجامع بین‌المللی بیش از چند دهه نمی‌گذرد، اما در طول تاریخ، همواره موضوع حفظ و نگهداری از جوامع برای نسلهای آتی مطرح بوده است. آبروکوئیز سالها پیش، تأثیر تصمیمات امروزی را بر نسلهای آتی تشخیص داد و نوشت: در تمام بررسیها لازم است اثر تصمیمات اتخاذ شده بر ۷ نسل آتی در نظر گرفته شود. آنچه می‌توان گفت با گذشت زمان و انباشت تجارب تغییر کرده است، عبارت است از نوع نگاه به جهان و نیز نگرش به تأثیر متقابل رشد و فناوری در توسعه پایدار. زمانی تصور می‌شد، دستیابی هرچه بیشتر به رشد اقتصادی و کاربرد فناوری متضمن توسعه پایدار است، اما امروزه محدودیتهای رشد و فناوری در دستیابی به توسعه پایدار، مورد توجه و تأکید روز افزون قرار دارد.

در سده‌های ۱۸ و ۱۹م، چوب عنصری بسیار مهم در اقتصاد اروپا بشمار می‌آمد، زیرا علاوه بر استفاده از آن به‌عنوان سوخت مصرفی منازل، در ساخت واحدهای مسکونی و تولید انواع مبلمان و وسایل مختلف به کار می‌رفت. اما قطع درختان مرغوب جنگلی و رهاسازی جنگلها، موجب جنگل‌زدایی شد، زیرا درختانی که به‌جای آنها می‌روید، از کیفیت لازم برخوردار نبود و به‌این ترتیب، ارزش منابع جنگلی رو به کاهش گذاشت و در بسیاری از مناطق، منجر به نابودی این منابع گردید. به‌منظور پاسخگویی به این مسئله، مفهوم جنگلداری پایدار مطرح شد.

از دهه ۱۹۶۰م به بعد، منطق رشد و انباشت نامحدود

تغییر و پیشرفت، جای می‌گیرد. تحول، فرایند تغییر در یک دوره طولانی‌مدت، تغییر فرایند قابل اندازه‌گیری در دوره کوتاه‌مدت و پیشرفت، روند پویای حرکت و تغییر روبه جلو در گذر زمان است.

سابقه تاریخی واژه توسعه به سالهای بعد از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در آغاز، توسعه برحسب رشد اقتصادی تعریف می‌شد و افزایش متغیرهای کلان اقتصادی، مانند تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، درآمد و مانند آن، نشانه توسعه‌یافتگی جوامع بشمار می‌آمد. با گذشت زمان و افزایش اختلاف بین رفاه نسبی جوامع گوناگون در داخل یک کشور و بین کشورهای مختلف، موضوع توزیع عادلانه و کاهش فقر و بر خورداری اکثریت مردم از مواهب توسعه مطرح گردید. این تغییر نگرش، توجه به ابعاد اجتماعی توسعه و به‌دنبال آن، ویژگیهای قومی و فرهنگی عواملی را مطرح ساخت که براساس تجارب کشورهای غربی، موانع توسعه بشمار می‌آمدند. تسلط نگرش تک‌خطی و تکاملی به موضوع توسعه باعث شد، تا برای دستیابی جوامع توسعه‌نیافته به توسعه، الگوهای از پیش تعیین شده غربی مورد تقلید قرار گیرند. البته، ناتوانی این الگوها در نیل کشورها به توسعه مفروض بعدها به اثبات رسید.

توسعه مفهومی نیست که به دلخواه آن را تعریف کنیم. توسعه تحولی است اقتصادی و اجتماعی که در عالم واقع رخ می‌دهد و هر تعریفی باید مبتنی بر ویژگیهای همان رخداد معین باشد. به‌این ترتیب، حتی نباید ارزشها یا آرمانهایی را که بنابر تمایلات فرهنگی خود برای تحول جامعه ضروری می‌دانیم، در تعریف توسعه دخالت دهیم. اما به‌هر حال نباید از نظر دور داشت که توسعه به هر شکل که تعریف شود و از هر چارچوب نظری که مایه گیرد، بدون تردید مفهومی است / ارزشی که با پیش فرضهای هنجاری همراه است و بر مدلی انتزاعی از جامعه دلالت دارد که بنابر ارزشگذاری، مطلوب و مثبت محسوب می‌شود و از آینده جامعه‌ای مفروض در زمان مشخص حکایت دارد.

از آنجا که منطق درونی نظام سرمایه‌داری جهانی،

صنعتی شدن مورد چالش قرار گرفت و اثرات زیست محیطی و اجتماعی ناشی از رشد نامحدود آشکار شد. افزایش شکاف بین ثروتمندان و فقرا، توانمندی رشد اقتصادی را در افزایش رفاه نسبی همه شهروندان به صورتی متعادل، مورد پرسش قرار داد. افزایش سریع جمعیت جهان یا انفجار جمعیت، خود عامل دیگری بود که ذهن اندیشمندان را به چگونگی تأمین نیازهای اساسی نسل حاضر و نسلهای آتی جلب نمود. زمان لازم برای ۲ برابر شدن جمعیت جهان که زمانی ۱۵۰۰ سال بود، به ۲۰۰ سال (در سالهای ۱۶۵۰-۱۸۵۰م) و ۸۰ سال (طی سالهای ۱۸۵۰-۱۹۳۰م) کاهش یافت. در سالهای ۱۹۳۰م تا نیمه ۱۹۹۴م، یعنی در مدت ۶۰ سال، جمعیت جهان از ۲ میلیارد نفر به ۵/۶ میلیارد نفر افزایش یافت. نکته بسیار مهم در این رابطه آن بود که افزایش جمعیت به صورت یکسان در سطح کشورها و مناطق مختلف جهان توزیع نشده است، بلکه سهم کشورهای توسعه نیافته از این افزایش، بسیار بیشتر از کشورهای صنعتی و توسعه یافته جهان بوده است.

در ۱۹۷۰م، گروهی از پژوهشگران بین‌المللی در انستیتوی فناوری ماساچوست، به بررسی توان رشد اقتصاد جهانی پرداختند و نتیجه تحقیق آنها در قالب گزارش کلوب رم و با نام حد و مرز رشد در ۱۹۷۲م منتشر شد. نتیجه این گزارش آن بود که اگر روندهای موجود صنعتی شدن، نرخ تولید، تولید مواد غذایی و نابودی منابع به همین ترتیب ادامه یابد، زمین تنها تا ۱۰۰ سال دیگر می‌تواند از ظرفیت لازم برای پاسخگویی به این رشد برخوردار باشد؛ نتیجه این وضعیت، بروز فاجعه‌ای جهانی، کاهش ناگهانی و غیرقابل کنترل ظرفیت صنعتی و جمعیت جهانی خواهد بود. پیشنهادهای ارائه شده از سوی این پژوهشگران به شرح زیر بود:

- برقراری شرایط ثبات اکولوژیکی و اقتصادی که در آینده دور پایدار باشد؛
- وضعیت تعادل جهانی که در چارچوب آن نیازهای اولیه و اساسی تمام انسانهای روی زمین تأمین شود؛ و
- هریک از انسانها برای شناخت پتانسیلهای فردی خود از فرصت برابر برخوردار باشند.

اگرچه این گزارش در زمان انتشار، انتقادهای زیادی را به دنبال داشت، اما محتوای آن به تشکیل زیربنای نظری برای نهضت توسعه پایدار کمک فراوانی کرد. بررسیهای به عمل آمده توسط اقتصاددانان براساس مندرجات گزارش کلوب رم، به ارائه نظریه جدیدی به نام اقتصاد وضعیت ثابت منجر گردید که در واقع، بهتر است آن را اقتصاد پایداری نامید. اقتصاد وضعیت ثابت برخلاف اقتصاد قراردادی و مرسوم بر موارد زیر تأکید دارد:

- کاهش مصرف و تولید کالاها و منابع؛
- حفظ و نگهداری منابع سرمایه‌ای و انسانی ثابت؛ و
- توجه به محدودیتهای رشد جهان طبیعی در چارچوب رویه‌های اقتصادی اتخاذ شده.

در دسامبر ۱۹۸۳م، دبیرکل سازمان ملل متحد ضرورت تأسیس کمیسیون ویژه و مستقلی به نام کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، با هدف تدوین دستورالعمل جهانی برای تغییر را مطرح کرد. تغییرات مورد نظر این کمیسیون به شرح زیر بود:

- ارائه راهبردهای درازمدت زیست محیطی، به منظور دستیابی به توسعه پایدار از ۲۰۰۰م به بعد؛
- توصیه راههای توجه به زیست محیطی، از طریق همکاری گسترده جهانی در میان کشورهای در حال توسعه، در سطوح مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی و دستیابی به اهداف مشترک و مورد حمایت دوجانبه که مبتنی بر روابط متقابل میان مردم، منابع، محیط زیست و توسعه باشد؛
- توجه جدی به راهها و روشهایی که به کمک آنها جامعه بین‌المللی بتواند به صورت مؤثرتر به ملاحظات زیست محیطی بپردازد؛ و
- کمک به ارائه تعریفی مبتنی بر درک مشترک از مباحث درازمدت زیست محیطی و تلاشهای متناسب ضروری برای پرداختن به مسائل حفظ و گسترش محیط زیست، دستورکار اقدامات درازمدت لازم برای دهه‌های آتی و اهداف آرمانی برای جامعه جهانی.

کمیسیون برون‌تلند، نخستین تلاش جهانی در زمینه توسعه پایدار بشمار می‌آید. این کمیسیون همچنین اولین سند تدوین خط‌مشی بین‌المللی در زمینه رابطه متقابل نظام

توسعه پایدار

نمی‌آید، بلکه فرایند متحول است که در قالب آن، استفاده از منابع، مسیر سرمایه‌گذاریها، جهت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی با نیازهای آتی و نیازهای کنونی سازگاری پیدا می‌کند.

در ۱۹۹۲م و در اجلاس زمین که در شهر ریودوژانیرو برگزار شد و به اجلاس ریو نیز معروف است، ۲۷ اصل برای دستیابی به پایداری جهانی بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه به تصویب رسید. براساس اصل اول بیانیه ریو، انسانها در محور توجه توسعه پایدار قرار دارند و سزاوار زندگی سالم و مولد در هماهنگی با طبیعت هستند. اجلاس ریو گردهمایی ۱۱ روزه‌ای بود که در ژوئن ۱۹۹۲م در شهر ریودوژانیرو برزیل با هدف بحث و گفتگو دربارهٔ ستیز جهانی بین توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست صورت گرفت. در این اجلاس، نمایندگان ۱۷۲ کشور موافقت کردند که در زمینه توسعه پایدار سیاره زمین

اقتصادی و رفاه زیست‌محیطی را ارائه داده است. تعریف این کمیسیون از توسعه پایدار نیز متداول‌ترین تعریف در این باره است که در دنبالهٔ مقاله به آن اشاره خواهد شد.

مفهوم توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار در ادبیات جهانی برای نخستین بار در ۱۹۸۷م و با انتشار گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل، به نام *آینده مشترک ما* مطرح شد. این گزارش که به گزارش *برونتلند* مشهور است، نقطه عطفی در اشاعه مباحث توسعه پایدار در سطح جهانی بشمار می‌آید. این گزارش توسعه پایدار را به صورت زیر تعریف کرده است:

توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را تأمین می‌کند، بدون آنکه توانایی نسلهای آتی در پاسخگویی به نیازهایشان را به خطر اندازد. توسعه پایدار وضعیت هماهنگ و ثابتی بشمار



فعالیت کنند. ۲ بیانیه لازم‌الاجرا توسط ۱۵۰ کشور شرکت کننده امضا شد، که یکی در مورد به حداقل رساندن تغییر آب‌وهوای کره زمین و دیگری، به مقابله با تخریب زیستی در جهان مربوط بود. اسناد دیگر این اجلاس، به تأمین مالی لازم برای مراقبت از محیط زیست و جنگل، انتقال فناوری، بیابان‌زایی و آلودگی جوئی، مسئولیتها و حقوق ملتها در مباحث مربوط به توسعه - محیط زیست و توسعه پایدار جنگلهای سطح زمین مربوط می‌شد.

امروزه، توسعه پایدار مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار دارد. این مفهوم در گذر زمان، از تمرکز صرف بر بعد زیست‌محیطی و یا نگاه پروژه‌ای به توسعه پایدار، به جریان‌ی تغییر شکل یافته است که دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. اتخاذ سیاستهای درازمدت و انجام اصلاحات نهادی در تمام بخشهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی، لازمه دستیابی به توسعه پایدار و تداوم آن به صورت جریان‌ی پویا و تجدید شونده، در راستای توسعه، تعالی و پیشرفت جوامع انسانی است. توسعه پایدار را نمی‌توان فعالیتی بشمار آورد که در درازمدت تحقق می‌یابد، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیتهایی است که در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت به صورت جریان‌ی هدفمند ادامه می‌یابد. به دیگر سخن، توسعه پایدار هم هدفی ثابت بشمار می‌آید و هم فرایندی است که توسعه و تعالی کشورها را رقم می‌زند. میسرا براساس تعریف کمیسیون برونلند از توسعه پایدار، تلاش کرد که معنای دقیق‌تری از این واژه ارائه دهد. به عقیده او، مفهوم توسعه پایدار به دلایل مشروح زیر، با مفهوم توسعه به معنای عام آن متفاوت است:

• در کوتاه‌مدت قابل دستیابی نیست؛

• مبتنی بر تعادل و عدالت است؛

• رویکردی متوازن و یکپارچه بشمار می‌آید؛

• دارای هدف مشترک است، اما از راههای گوناگون می‌توان به آن دست یافت؛

• طبیعت را تنها به‌عنوان منبعی برای توسعه بشمار نمی‌آورد، بلکه آن را منشأ زمینی بقا و توسعه نوع بشر محسوب می‌دارد؛ و

• ماهیتاً مشارکتی است.

مفهوم توسعه پایدار برحسب سطح توسعه موجود در کشورهای مختلف، تفاوت می‌پذیرد. در کشورهای درحال توسعه، توسعه پایدار از طریق افزایش استانداردهای مادی زندگی فقرا تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، شیوه معیشت افراد فقیر باید به گونه‌ای تغییر و تحول یابد که موجبات کاهش منابع موجود، انحطاط محیط زیست، تجزیه فرهنگی و بی‌ثباتی اجتماعی را فراهم نیاورد.

امحا فقر و محرومیت، حفظ و ازدیاد منابع موجود، تأکید بر ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی توسعه و یکپارچه نمودن اقتصاد و زیستوم در تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) در تمام سطوح، از ابعاد مختلف پایداری بشمار می‌آید. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که توسعه پایدار به معنای حفظ منابع طبیعی موجود، با ترکیبی ثابت از دارائیهای انسانی، طبیعی و فیزیکی نیست، بلکه با عبور از مراحل مختلف توسعه، ترکیب این دارائیهها نیز دستخوش تغییر می‌شود.

به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار لازم است تمام کشورهای جهان به مفاهیم محیط زیست و توسعه پایدار توجه بیشتری مبذول دارند. و مباحث محیطی را به‌عنوان یکی از موضوعات محوری در توسعه کشور مورد توجه قرار دهند. در این راستا، روابط متقابل محیط زیست و توسعه و همچنین بین رشد و استفاده از منابع طبیعی، نیاز به بررسی دقیق و تفصیلی دارد.

اهداف حیاتی توسعه پایدار

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، برای دستیابی به توسعه پایدار، توجه به اهداف زیر را در تدوین خط‌مشیهای زیست‌محیطی و توسعه اجتناب‌ناپذیر بشمار می‌آورد:

• **احیاء رشد.** کشورهای درحال توسعه لازم است سیاستهایی را اتخاذ نمایند که متضمن افزایش رفاه اقتصادی باشد. همچنین کشورهای صنعتی نیز به‌منظور تأثیرگذاری بر گسترش اقتصاد جهانی، نیازمند حفظ سطح معینی از رشد اقتصادی خواهند بود. از آنجاکه فقر باعث فشار بر محیط می‌شود و استفاده ناکافی و غیرعقلانه از منابع طبیعی

می‌یابد. لازم است سیاستهای توسعه‌ای در راستای گسترش گزینه‌های کسب معاش پایدار، به‌ویژه برای خانوارهای فقیر و نواحی تحت فشارهای اکولوژیکی، عمل نماید؛

• **جهت‌گیری فناوری و مدیریت خطر.** اهتمام به اهداف پیش‌گفته نیازمند تغییر جهت فناوری است که خود به‌منزله حلقه اتصال حیاتی بین انسان و طبیعت بشمار می‌آید. برای دستیابی به این هدف باید از ۲ مرحله عبور کرد؛ نخست، لازم است که ظرفیت نوآوری فناوری در کشورهای در حال توسعه به میزان قابل توجهی افزایش یابد، تا این کشورها بتوانند به‌صورتی مؤثرتر پاسخگوی چالشهای توسعه پایدار باشند؛ و دوم آنکه، در تغییر جهت فناوری توجه بیشتری به عوامل محیط زیستی معطوف شود؛ و

• **ادغام محیط زیست و اقتصاد در تصمیم‌سازی.** یکپارچه شدن محیط زیست و اقتصاد در تصمیم‌سازی را می‌توان موضوع اصلی و محوری در اهداف پیش‌گفته بشمار آورد. معمولاً نهادهای منعطف، تمایل بیشتری به بررسی هر بخش و فعالیت به‌صورت مستقل دارند و ارتباط بسیار مهم هر بخش با بخشهای دیگر و نیز با کل نظام اقتصادی، کمتر مورد توجه آنها قرار می‌گیرد. البته نباید از نظر دور داشت که توسعه پایدار در صورتی تحقق خواهد یافت که با تغییر در چارچوبهای قانونی و نهادی، امکان یکپارچه دیدن و توجه یکسان به فعالیتهای مختلف میسر شود.

در نتیجه‌گیری انجام شده توسط کمیسیون برونلند، الزامات توسعه پایدار به‌شرح زیر آمده است:

• **نظام سیاسی حامی مشارکت مؤثر شهروندان در تصمیم‌سازی؛**

• **نظام اقتصادی توانمند در تولید مازاد و دانش فنی مبتنی بر خوداتکایی و پایداری؛**

• **نظام اجتماعی پاسخگو به تنشهای حاصل از توسعه ناهم‌هنگ؛**

• **نظام تولیدی متعهد به حفظ بنیان اکولوژیکی لازم برای توسعه؛**

• **نظام فناوری توانمند در ارائه راه‌حلهای جدید؛**

• **نظام بین‌المللی که امکان پرورش الگوهای پایدار تجاری و مالی را فراهم آورد؛ و**

و نیز افزایش بیش از حد جمعیت را به‌دنبال خواهد داشت، رشد اقتصادی لازم است در این کشورها افزایش یابد، تا فقر و نابرابری از میان برداشته شود. توصیه این کمیسیون به کشورهای صنعتی، ادامه روند موجود رشد، اما به شیوه‌ای است که انرژی و منابع کمتری در آن مورد استفاده قرار گیرد؛

• **تغییر کیفیت رشد.** از نظر کمیسیون، تغییر کیفیت رشد به معنای تغییر رویکرد به توسعه و توجه به تمام اثرات حاصل از آن است. برای مثال، کشاورزی بزرگ مقیاس ممکن است بازدهی زمین را افزایش دهد، اما درعین حال باعث بیکاری کشاورزان خرده پا می‌شود و در توزیع نامتعادل درآمد و ایجاد فقر و علاوه‌براین، در تخریب محیط مؤثر است. نکته پایانی آنکه، مفاهیم رشد باید به‌گونه‌ای گسترش یابد که متغیرهای غیراقتصادی، مانند آموزش، مراقبتهای بهداشتی، آب‌وهوای سالم و مراقبت از زیباییهای طبیعی را نیز در برگیرد؛

• **تأمین نیازهای اساسی انسانها.** پاسخگویی به نیاز روزافزون جمعیت جهان به نیازهای اساسی، شامل اشتغال، مواد غذایی، انرژی، مسکن، آب و بهداشت، چالش پیش روی جوامع در راستای دستیابی به توسعه پایدار بشمار می‌آید؛

• **حفظ سطح پایداری از جمعیت.** اندازه جمعیت لازم است با ظرفیت تولیدی اکوسیستم متناسب باشد. درحالی‌که نرخ تولد در کشورهای صنعتی کاهش یافته است، کشورهای در حال توسعه با افزایش جمعیت روبرو هستند. انتظار می‌رود که صنعتی شدن، افزایش درآمد سرانه، بهبود محیط زیست و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه شود و به‌این ترتیب، توسعه به حفظ سطح پایداری از جمعیت در این کشورها منجر شود؛

• **حفظ و افزایش منابع پایه.** کمیسیون بر این اعتقاد است که حفظ و ازدیاد منابع طبیعی موجود، نه تنها در راستای پاسخگویی به اهداف توسعه، بلکه به دلیل تعهد اخلاقی به سایر اشکال حیات و نیز نسلهای آتی، ضرورت دارد. در صورت فقدان گزینه‌های لازم، فشار بر منابع افزایش

• نظام اداری انعطاف‌پذیر و دارای ظرفیت خود اصلاحی.

کتاب‌شناسی:

- ویلر، اس. (ویر). *توسعه شهری پایدار*، ترجمه کیانوش ذاکر حقیقی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- Lafferty, W. and Eckerberg, K. *Form the Earth Summit to Local Agenda 21: Working Towards Local Agenda 21*. London: Earthscan, 1998.
- Pugh, C. "Sustainability and Sustainable Cities", in C. Pugh (ed). *Sustainability, the Environment and Urbanization*. London: Earthscan, 1996.
- United Nations Council for Human Settlement (UNSCHS), *Implementation of Habitat Agenda at the Local Level*. New York: United Nations, 1998.
- Houghton, G. and Hunter, G. *Sustainable Cities*. London: Jessica Kingsley, 1994.

فاطمه تقی‌زاده

توسعه پایدار، کمیته ملی (ایران)

National Committee on Sustainable Development (NCS D)

نگرش توسعه پایدار و دستور کار ۲۱ (← دستور کار ۲۱) به‌عنوان منشور اقدام در چارچوب این نگرش در سطح جهانی، تغییر و تحول جدی در شیوه‌های تصمیم‌گیری و اقدامات متعارف را می‌طلبد. در این ارتباط، کمیته ملی توسعه پایدار، نهاد پیش‌تاز بین‌بخشی در تسهیل تصمیم‌گیریهای تخصصی و مدیریتی است که ضمن اشاعه نگرش و راهگشایی برای آن در سطح ملی، زمینه‌ساز مشارکت فعال بین‌المللی نیز بشمار می‌رود. یکی از عرصه‌های مهم بین‌المللی، حضور فعال کارشناسان کشور در سمینارهای سالانه کمیته جهانی توسعه پایدار (CSD) است که در آن آخرین مواضع کشورها درخصوص توسعه پایدار عرضه می‌شود.

در ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان، به توسعه پایدار با تأکید بر حفظ محیط زیست توجه شده و به تدریج در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیتهای

مختلف و سایر مؤلفه‌های توسعه پایدار به‌عنوان مفهومی فراگیر و چندبعدی مورد عنایت بوده است. به‌منظور تعمیق مباحث علمی و فنی و زمینه‌سازی اصولی برای اتخاذ تصمیمات مؤثر و کارآمد در فرایند توسعه پایدار کشور، شورای عالی حفاظت محیط زیست، نهادی فرابخشی به ریاست رئیس‌جمهور، در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۱۷ ش تشکیل کمیته ملی توسعه پایدار را تصویب نمود. در راستای سیاست‌گذاری و هماهنگی میان برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، دستیابی به اهداف حفاظت از محیط زیست و دستاوردهای اجلاس زمین (ریو ۱۹۹۲م)، وظایف کمیته مذکور به این قرار تعیین شده است:

• بررسی پیش‌نویس راهبرد توسعه پایدار و محیط زیست و ارائه پیشنهاد به شورای عالی؛

• ایجاد و گسترش بانک اطلاعات و مرکز اسناد درخصوص برنامه‌های دستور کار ۲۱ و کنوانسیونهای مربوط؛

• ارائه پیشنهاد به‌منظور تعیین سیاست واحد هماهنگ به شورای عالی درخصوص مسائل مربوط به کنوانسیونها در مجامع بین‌المللی؛

• برنامه‌ریزی پروژه‌های مشترک اجرایی - تحقیقاتی در زمینه کنوانسیونهای مرتبط با کمیته ملی و با کشورهای منطقه؛

• بررسی اقدامات انجام‌یافته در راستای راهبرد توسعه پایدار و محیط زیست و پیگیری اقدامات مرتبط؛ و

• بررسی و اظهارنظر درخصوص اموری که از طرف شورای عالی حفاظت محیط زیست ارجاع می‌شود.

اعضاء دائم کمیته ملی ۱۸ نفر، شامل رئیس (معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست)، نایب‌رئیس (مشاور رئیس سازمان) و ۱۶ نفر نمایندگان وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای زیر می‌گردد: وزارتخانه‌های نیرو، نفت، کشور، صنایع و معادن، امور خارجه، جهاد کشاورزی، مسکن و شهرسازی، علوم تحقیقات و فناوری، پست و تلگراف و تلفن، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمانهای مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، هواشناسی کشور، حفاظت محیط زیست و فرهنگستان علوم، همچنین نماینده‌ای از تشکلهای مردمی و یک نفر از مقامات عضو شورای عالی حفاظت محیط

بین‌المللی مرتبط با مباحث توسعه پایدار روستایی براساس
ارجاع کمیته ملی توسعه پایدار؛

- تدوین برنامه آموزشی و ترویجی لازم برای توانمندسازی
(← توانمندسازی) و ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) و
ایجاد فرهنگ پایداری روستایی ضمن هماهنگی و تعامل
میان دستگاه‌های اجرایی مرتبط؛ و
- تدوین و ارائه راهکارهای لازم جهت تحقق توسعه پایدار
روستایی به سطوح عالی تصمیم‌گیری.

کتاب‌شناسی:

- شورای عالی حفاظت محیط زیست. معرفی کمیته ملی توسعه پایدار
ایران، ۱۳۸۲.
- عطری، شیده. کمیته‌های فرعی وابسته به کمیته ملی توسعه پایدار.
سازمان حفاظت محیط زیست، کمیته ملی توسعه پایدار، ۱۳۸۵.
- کمیته ملی توسعه پایدار. آئین‌نامه اجرایی کمیته ملی توسعه پایدار،
۱۳۸۰.
- کمیته ملی توسعه پایدار. آئین‌نامه کمیته فرعی توسعه پایدار روستایی،
۱۳۸۲.

جانعلی بهزادنسب

توسعه پایدار روستایی، پارادایم

Rural Sustainable Development, Paradigm

چرخش در هدفها، روشها و شاخصهای توسعه که تأکید را
از مختصات اقتصادی به ملاحظات انسانی معطوف کرد.
پارادایم توسعه پایدار در اواخر سده ۲۰ مطرح شد. نکته
کانونی در این پارادایم محوریت انسان است، برخلاف
پارادایمهای پیشین توسعه که در آن عامل انسانی کمتر مورد
توجه بود.

این پارادایم با توجه به نقطه ضعفهای پیشین توسعه، از
جمله در حوزه زنان، کودکان، فقر و آموزش، در
جهت‌گیری خود، بر محوریت انسان و مجموعه حیات و
تداوم آن در نسلهای بعد تأکید می‌ورزد. همزمان با تغییر در
مضامین و رویکردهای توسعه، مسائل و مضامین توسعه

زیست. علاوه‌براینها، نمایندگان دیگری از وزارتخانه‌ها و
سازمانها برحسب مورد (و با حق رأی) به جلسات کمیته
ملی دعوت می‌شوند.

دبیرخانه کمیته ملی که در سازمان حفاظت محیط
زیست مستقر است، گزارش پیشرفت کار سالانه عملکرد
پایداری توسعه را تدوین و منتشر می‌نماید. همچنین
برگزاری جلسات ماهانه کمیته ملی و انتشارات درخصوص
مباحث پایداری، از دیگر وظایف دبیرخانه است. بولتن
فصلی کمیته ملی، شامل خلاصه مباحث علمی و اخبار،
توسط دبیرخانه منتشر می‌شود.

به‌منظور بررسی دقیق و تخصصی ابعاد مختلف توسعه
پایدار، کمیته‌های فرعی خاص مرتبط با کمیته ملی شکل
گرفته است که هر یک از آنها به حوزه‌ای معین از موارد
مورد توجه کمیته ملی اختصاص دارد. در حال حاضر ۱۱
کمیته فرعی فعال هستند که عبارتند از: مواد زائد و شیمیایی
خطرناک، کنوانسیون رامسر (تالابها)، تنوع زیستی، دریا و
اقیانوس (آبهای بین‌المللی)، تغییرات آب‌وهوا، تسهیلات
جهانی محیط زیست (GEF)، اصول جنگل، دستور کار ۲۱،
مدیریت توسعه پایدار شهری، بهره‌وری سبز و تولید پاک‌تر،
توسعه پایدار روستایی (← توسعه پایدار روستایی،
پارادایم).

برخی از حوزه‌های مورد توجه کمیته ملی به‌صورت
موضوعی، جامعه‌ای معین را در عرصه زیست کشور دربر
می‌گیرد که از جمله آنها مباحث مربوط به توسعه پایدار
روستایی است که به‌طور خاص در کمیته فرعی توسعه
پایدار روستایی (مستقر در وزارت جهاد کشاورزی) تعقیب
می‌گردد.

وظایف کمیته فرعی توسعه پایدار روستایی عبارتند از:

- تدوین و پیشبرد راهبردهای ملی و محلی توسعه پایدار
روستایی؛
- بررسی و تدوین اصول و شاخصهای توسعه پایدار
روستایی؛
- تعریف و ارائه طرحهای مطالعاتی در زمینه مسائل و
موضوعات توسعه پایدار روستایی و نظارت در به‌کارگیری
نتایج آنها؛
- ارائه پیشنهاد و مشارکت فعال در مباحث مجامع ملی و

روستایی نیز دچار تغییر و تحول شد.

در تغییر پارادایمهای متعارف توسعه و شکل‌گیری پارادایمی نو در توسعه (توسعه پایدار)، عوامل مختلفی دخیل هستند. مجموع این عوامل که ریشه در ناکامیها و شکستهای پارادایمهای پیشین و همچنین طرح ایده‌ها و تفکرات نو در توسعه، توجه به رفاه انسانها و یگانگی انسان با طبیعت داشت، زمینه‌ساز ظهور پارادایم نوین توسعه پایدار شد.

تفکر اولیه توسعه بیشتر توجه خود را بر روی رشد اقتصادی و انباشت ابتدایی سرمایه معطوف کرده بود. این تفکر افزایش تولید ناخالص ملی و رشد سرانه درآمد را مدنظر داشت. از این لحاظ، تا اوایل دهه ۱۹۷۰م، توسعه با رشد اقتصادی مترادف بود و با این برداشت یک‌بعدی از توسعه، سایر ابعاد توسعه (اجتماعی، فرهنگی، محیطی و...) تا آنجا مورد توجه قرار می‌گرفت که در راستای رشد و توسعه اقتصادی باشند. به سخن دیگر، رشد اقتصادی به‌عنوان هدف نهایی و توسعه اجتماعی، فرهنگی و محیطی، تابعی از آن در نظر گرفته می‌شد. با شکست نظریه‌های رشد و نوسازی و عواقب نامناسب آنها در کشورهای توسعه‌نیافته که قرار بود مراحل رشد را به تبعیت از کشورهای غربی بپیمایند، اما بیش از پیش دچار فقر، بی‌عدالتی، نابرابری و توسعه‌نیافتگی شدند و همچنین، با پیامدها و تخریبهای ناشی از صنعتی شدن بی‌رویه در محیط زیست، حتی در کشورهای پیشرفته، شرایطی به‌وجود آمد که تنها پارادایمی که می‌توانست جهان شمول باشد، توسعه پایدار بود.

توسعه پایدار روستایی

توسعه پایدار یک فرایند پایدار تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی به‌منظور ارتقاء، رفاه و خوشبختی طولانی‌مدت کل اجتماع است. به سخن دیگر، این فرایندی چندبعدی است که به‌گونه‌ای پایدار درصدد وحدت اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است.

براین اساس، توسعه پایدار می‌تواند به‌مثابه فرایند تغییرات چندبعدی مؤثر بر جامعه روستایی تعریف شود که

رشد اقتصادی، بهبود شرایط محیطی و حفظ ارزشهای محیطی به‌گونه‌ای همساز، از مشخصه‌های مهم آن است. همان‌گونه که از این ۲ تعریف برمی‌آید، بخش عمده‌ای از تأکید توسعه پایدار روستایی بر حفظ و بقاء منابع و ارزش محیطی است. در واقع محیط‌گرایی بُعدی از این توسعه است که بدان صفت پایدار می‌بخشد. بدینسان، توسعه پایدار روستایی عبارت است از توجه همزمان به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی و وحدت میان این ابعاد، به‌منظور بالا بردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی.

عوامل مؤثر در توسعه پایدار روستایی

همزمان با تغییراتی که در مضامین و رویکردهای توسعه حاصل می‌شد، مسائل و مضامین توسعه روستایی نیز دچار تحول شد. عده‌ای این تحول را با توجه به‌نحوه نگرش به ۳ عامل زیر و چگونگی اهمیت دادن به جایگاه توسعه مورد ملاحظه قرار داده‌اند:

- نقش نیروهای بازار؛
- نقش دولت؛ و
- نقش جامعه مدنی.

بعد از جنگ جهانی دوم، نظریه غالب در توسعه روستایی، نظریه نوسازی بود که نقش اصلی را به نیروهای بازار می‌داد. در مقابل این نظریه، نظریه وابستگی نقش اصلی را برای دولت و برنامه‌ریزی متمرکز قائل بود. بعد از مشکلاتی که این‌گونه نظریه‌ها با آن مواجه شدند، توسعه روستایی یکپارچه که در آن بر نقش دولت به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای اساسی و ابزار اصلی دستیابی به اهداف تأکید شده بود، مطرح شد. در دهه ۱۹۸۰م، مجدداً نقش دولت مورد نقد قرار گرفت و اجرای سیاستهای تعدیل با توصیه بانک جهانی شکل گرفت. آنچه در مجموع می‌توان یادآور شد، آنکه این نظریه‌ها بیشتر باعث نابرابری، فقر، تخریب محیط زیست و خسارتهایی از این قبیل شد و در نهایت، نوبت به بخش سوم یا جامعه مدنی (← جامعه مدنی) رسید، تا نقش مردم و نهادهای محلی در توسعه آزموده شود. به‌این ترتیب، در توسعه پایدار روستایی توجه به نقش

در تحکیم و معرفی پارادایم توسعه پایدار روستایی به منظور فراهم کردن امکان حضور زنان در توسعه همه‌جانبه جامعه، فارغ از ملاحظات جنسیتی، سنی و پدرسالارانه، نقش بسزایی داشت. در کنار نقش تاریخی و اساسی مکاتب و رویکردهای پست‌مدرنیسم و فمینیسم، ساختارگرایان با تاریخی جلوه دادن مبحث تفاوت‌های جنسیتی و مطرح کردن هویت به‌عنوان یک بازساخت اجتماعی، به نقد و چالش مفاهیم پدرسالارانه شیوه تولید صنعتی و سرمایه‌داری کمک کرد و نقش زنان را در توسعه عمومی جوامع برجسته کرد. این ۳ حوزه نهایتاً همگام با برخی بازنگریها و اصلاحات نظری و روش‌شناختی در مکتب‌نوسازی به تقویت پارادایم توسعه پایدار روستایی کمک کرد. در همین مسیر، واژه یا پسوند پایدار زمانی به رهیافت توسعه روستایی الحاق شد که این پارادایم با جنبش سبز یا محیطی آمیخته شد. به این ترتیب، تأکید بر شیوه تولید اقتصادی با تأکید روی بقاء و حفظ طبیعت و منابع طبیعی همراه شد.

عناصر تشکیل دهنده توسعه پایدار روستایی

براساس رویکرد نوین پارادایم توسعه پایدار روستایی، جامعه روستایی نه یک جامعه حاشیه‌ای در نظام اقتصادی، بلکه یکی از ارکان مهم توسعه کشورها تعریف شده است. عناصر، اصول و مفروضات توسعه پایدار به شرح زیر است:

محیط - محوری

مهم‌ترین بعد توسعه پایدار روستایی تأکید بر جنبه‌های محیطی است. این‌گونه محیط - محوری یک جنبش اجتماعی و سیاسی است و به مجموعه‌ای از باورها در رابطه بین انسان و جهان طبیعی اطلاق می‌شود. این رویکرد بر محتوا و فرایندهای سیاست‌های توسعه تأثیرگذار بوده و تحقیقات بین رشته‌ای را تقویت کرده است و بعد از تلفیق نظری با توسعه روستایی، آن را به سمت پارادایم توسعه پایدار روستایی سوق داده است.

تأکید بر اقتصاد غیرزراعی

در این نظریه، زراعت ارگانیک به‌لحاظ اجتماعی، پایدار و به‌لحاظ محیطی، علمی و کاربردی است و می‌تواند

نهادهای محلی، حفظ محیط زیست، توجه به فقرا، کودکان و همچنین تأکید بر مشارکت مطرح شد.

از دهه ۱۹۷۰م به بعد، با نقد و طرح چالش‌های نظری و روش‌شناختی مکتب‌نوسازی از سوی مکاتب وابستگی و همچنین جریان‌هایی چون پست‌مدرنیسم، فمینیسم و ساختارگرایی اجتماعی، زمینه برای طرح مسئله توسعه روستایی در قالب توسعه پایدار روستایی بیشتر فراهم شد. علاوه بر این، یکی دیگر از عوامل طرح گسترده توسعه پایدار روستایی و رها شدن مباحث متعارف توسعه روستایی، ارتباط تاریخی آن با مباحث عمومی محیط‌گرایی و توسعه پایدار بود.

در دوره معاصر، در پی پیدایش پیامدهای مخرب نوگرایی، مانند مشکلات زیست‌محیطی، جنگ‌های اول و دوم و اثرات مخرب پیشرفت فناوری بر زندگی اجتماعی انسان معاصر، رویکرد پست‌مدرنیسم به نقد عقل و علم نوین پرداخت و طی چند سال اخیر، در حال تبدیل شدن به یک شبه‌پارادایم بوده است. اصول عمده این رویکرد، نقد روشنگری و اندیشه ترقی، کثرت‌باوری روش‌شناختی، هستی‌شناسی تفاوتی، باور به عدم قطعیت و عطف توجه به نگرش‌های بومی، محلی و موقعیتی است. این رویکرد به واسطه اجتناب از جهان‌شمول‌نگری و به کارگیری مدل‌های انتزاعی و کلان در تحلیل مسائل انسانی و اجتماعی و نیز تأکید بر ارائه نظریات خرد معطوف به زمان، مکان و موقعیت خاص، سهم زیادی در مطالعات توسعه پایدار روستایی که متکی به نظریات منطقه‌ای/ محلی هستند، داشته است. بنابراین، قسمت عمده روش‌شناسی، به‌ویژه به کارگیری روش‌های کیفی/ انسان‌شناختی در مطالعات توسعه پایدار روستایی، به‌لحاظ نظری و پارادایمی، ریشه در رویکرد پست‌مدرنیسم دارد.

به موازات انتقادات پست‌مدرنیستی از نوسازی، مکتب فمینیسم زمینه را برای نقد جنسیتی و تبعیض‌آمیز رویکرد اثبات‌گرایی فراهم کرد. مباحث فمینیستی به طرح مشکلات مربوط به حقوق، مشارکت و نقش زنان در تاریخ و جامعه منتهی شد و بدین ترتیب، فعالیتهای زنان در احقاق حقوق خود، به ایجاد مجموعه‌ای از مؤسسات، سازمانها و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی منتهی شد که

فناوری ارتباطی و اطلاعاتی و بهره‌گیری از دانش بومی

در این پارادایم بر استفاده از فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، به‌منظور بالا بردن سطح آگاهی روستائیان در سطوح مختلف تولید و فروش و همچنین تنوع بخشی به فعالیتهای روستایی، تأکید می‌شود.

به کارگیری این فناوری به‌عنوان مبنای تولید در مزرعه، باعث تغییر قابل ملاحظه الگوی تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی در جوامع نوین شده است. در این زمینه اقدامات زیادی برای دسترسی به این فناوری مزرعه-محور و نیز کالایی کردن اطلاعات صورت گرفته است.

استفاده از دانش بومی نیز یکی از دستاوردهای مهم در حوزه توسعه پایدار روستایی است. نظریه پردازانی نظیر چمبرز و کلونبرگ معتقدند، خانوار زارع محل اصلی تولید دانش بومی است. در تولید این دانش، زنان و مردان نقش یکسانی دارند. در این مدل، چگونگی تجربیات زنان و مردان می‌تواند ظرفیتهایی را برای دیدگاههای جایگزین در مورد کشاورزی پایدار ایجاد کند.

روشهای کیفی و رهیافتهای مشارکتی

در پارادایمهای متعارف توسعه روستایی، روشهای کمی و اثبات‌گرا حاکم بوده است؛ روشهایی که هرگز موفق به برقراری ارتباط کامل، مؤثر و معنادار با مخاطبان و مسائل آنها نشدند و در واقع، نتوانستند واقعیتهای جامعه روستایی را درک کنند. از این رو، در پارادایم توسعه پایدار روستایی روشهای کیفی و کثرت‌گرا مورد توجه قرار گرفت، تا این شکاف ارتباطی را پر کند. تاکنون بیش از ۳۰ نوع از این شیوه‌ها ابداع شده‌اند که مشهورترین و پر استفاده‌ترین آنها، *ارزیابی سریع روستایی* (Rapid Rural Appraisal)، *ارزیابی مشارکتی روستایی* (Participatory Rural Appraisal) و *ارزیابی مشارکتی ارتباطات روستایی* (Participatory Rural Communication Appraisal) است.

در روش‌شناسی این پارادایم، با تأکید بر دانش بومی مردم محلی و همچنین یادگیری از آنها، مشارکت مردم در تدوین برنامه‌ها و اهداف توسعه جایگاه خاصی یافته است،

ملاحظات محیطی را نیز دربر بگیرد، براساس این اصل، کشاورزی پایدار از به کارگیری کود، آفت‌کشهای شیمیایی و مضر خودداری می‌کند، اتکاء بر برون‌دادهای خارجی (غیرزراعتی) به‌شدت کاهش می‌یابد، درحالی‌که حداکثر استفاده از منابع برگرفته از کشاورزی، محصولات و فرایندهای آن، برای تغذیه و کنترل حشرات و آفات زراعی به عمل می‌آید.

مزرعه - خانواری به‌عنوان واحد تحلیل

در مطالعات روستایی پایدار، برخلاف این تصور که مزارع کوچک روبه ناپودی و کاهش تولید تلقی می‌شود، این اعتقاد وجود دارد که پارادایم توسعه کشاورزی جدید مبتنی بر کار این مزارع کوچک است. مطالعات انجام شده در مورد برزیل، هند، مالزی و کلمبیا نشان داده است که مزارع خانواری، عامل کلیدی و بنیادی در توسعه روستایی و کشاورزی پایدار است.

باور به تنوع زیست‌محیطی و ظرفیتهای آن

یکی از ابعاد توسعه روستایی که دارای پتانسیلهای بالایی برای سرمایه‌گذاری است و از ۱۹۸۹م وارد توسعه روستایی پایدار شده است، استفاده از تنوع زیستی و پژوهش در این زمینه، حمایت از جنگلها و کنترل شدید بر سوءاستفاده از گونه‌های وحشی و بومی و همچنین استفاده از گردشگری روستایی از عناصر مهم این بعد هستند. براساس این اصل روستا دیگر در انحصار کشاورزان یا زارعین نیست و سایر جانوران و گونه‌های دیگر نیز در آن حق زندگی دارند.

تأکید بر عاملیت و نقش زنان در توسعه روستایی

تحقیقات نشان می‌دهد که نقش زنان در توسعه اقتصادی روستاها و سهم آنها در تولید و توزیع مواد غذایی و نیز اهمیت بسزای آنان در اقتصاد عمومی جامعه روستایی، مورد اغماض قرار گرفته است، درحالی‌که همین قشر از جامعه در افریقای جنوبی، مرکزی و شمالی و آسیای جنوب‌شرقی و خاورمیانه، بخش وسیعی از عملیات کشاورزی را انجام می‌دهند. توسعه روستایی نقش زنان را در تصمیم‌گیری در سطوح محلی، ایجاد نهادها و انجمنهای روستایی و فعالیتهای اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهد.

- ویتروز، آلن و دیگران. *اقتصاد محیط زیست*، ترجمه غلامرضا آزاد، پژوهشکده مدیریت بازرگانی، ۱۳۷۹.
- Annam, Shireesh Reddy. *Ict as Tool for Tural Development*. Indian Institute of Technology kanpur, 2002.
- Ashley Caroline, et al. "Rethinking Rural Development", *Development Policy Review*. 19(4), 2001.
- Baker, Susan. *The Impact of Environmentalism on Public Policy Analysis in Politic at the Edge*, Chrise Pierson and Simon Toemey, Psa Publication London, 2003.
- European Commission, *Women Active in Rural Development*, European Communities: Luxambourg, 2000.
- Greider, Thomase, et al. "Landscape: the Social Construction of Nature and the Environment" *Rural Sociology*. 59(1), 1994.
- Hauser, Philip. *World Population and Employment: Challenges and Prospects*. first edition, New York: Syracuse University, 1997.
- Janvery, Alian de, et al. "The Eynamics of Rural Poverty in Latin America", *from Modernization to Globalization*, edited by Robert, 1999.
- Meares, Alisonc. "Making the Trasition from Conventional to Sustainable Agricultural: Gender Social Movment, Participation and Quality of Life on the Family Farm", *Rural Sociology*. 62(1), 1997.
- Moseley, Malcolm J. *Local Rural Development Principles and Practice*. University of Gloucestershire, 2002.
- Pugliese, Patrizia. "Organic Farming and Sustainable Rural Development, a Manifested and Promising Governance", *Sociologica Ruralist*. European Society for Rural Sociology, Vol. 41, 2001.
- Thompson, Kenneth. "Social Pluralism and Post-Modernity, *Modernity and its Future*. edited by, Stuart Hall et al. London: Open University: Blackwell Publisher, 2003.
- Vander, Ploge, & Jan, D. "Rural Development: form Practice and Policies Toward Theory", *Sociologica Ruralist*. Vol. 40, No. 4, 2002.

مصطفی ازکیا

توسعه پایدار شهری

Urban Sustainable Development

فرایندی در ایجاد شهر پایدار، یعنی شهری مناسب زندگی حال و آینده شهروندان. بنابر اصل یک بیانیه ریو، انسان شایسته برخورداری از زندگی سالم، پربار و هماهنگ با

تا جایی که مطالعات مرتبط با آن نیز مشارکتی است.

خلاصه آنکه پارادایم توسعه پایدار روستایی برای پاسخگویی به مشکلات و مسائلی که پارادایمهای پیشین با آن روبرو بودند، مطرح شد؛ آن هم زمانی که حاصل اجرای برنامه‌های توسعه در جامعه روستایی چیزی جز فقر، نابرابری، بی‌عدالتی، توسعه‌نیافتگی و بسیاری مسائل دیگر نبود. در این شرایط، این پارادایم برای حل مشکلات فراروی جامعه روستایی مورد استفاده قرار گرفت. پارادایم توسعه پایدار روستایی که به کلیت یکپارچه روستا و همچنین مشارکت مردم در جریان توسعه توجه دارد و با تنوع‌بخشی به محیط روستا و فعالیتهای روستایی، روستا را از دایره تنگ فعالیت کشاورزی صرف خارج می‌کند و همچنین روستائیان و دانش بومی آنها را مورد توجه قرار داده و بر مشارکت همه گروهها، به‌خصوص گروههای حاشیه‌ای، نظیر زنان و فقرا در توسعه روستایی، تأکید می‌ورزد.

پارادایم توسعه پایدار روستایی نگاهی کل‌گرایانه و یکپارچه به جامعه روستایی دارد و آن را کلیتی همبسته می‌بیند، به‌طوری‌که توسعه روستایی در این پارادایم وضعیتی چندرشته‌ای پیدا می‌کند که یک رشته خاص نمی‌تواند از عهده بررسی، پژوهش و برنامه‌ریزی برای مسائل مختلف و چندگانه آن برآید. علاوه‌براین، روشهای تحقیقی این پارادایم نیز ماهیت چندرشته‌ای دارند که برای حل مسائل مختلف، هر رشته باید سهم خود را ایفا کند. رشته‌هایی از قبیل کشاورزی، جغرافیا، اقتصاد، خاک‌شناسی، محیط زیست، جامعه‌شناسی و... هرکدام در مطالعه توسعه روستایی یکپارچه و پایدار سهمی دارند و روش کل‌نگرانه در برنامه‌های توسعه را تکمیل می‌کنند.

کتاب‌شناسی:

- اسدی، سعید. *آشنایی کلی با روشهای پژوهش مشارکتی-ارتباطی*. تهران: دانشگاه تهران، گروه توسعه روستایی، کارنوشت درس نظریه‌های توسعه روستایی، ۱۳۸۳.
- چمبرز، رابرت. «چالش با حرفه‌ها»، *سلسله انتشارات روستا و توسعه*. تهران: نشر ارغنون، ۱۳۸۱.
- ریتزر، جورج. *نشریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

طبیعت است و می‌بایست محور اصلی توسعه پایدار قرار گیرد.

بنابراین، در محیط‌های انسان‌ساخت، نه تنها باید چنین ویژگی‌های تعادل‌بخشی برای همه ساکنان فعلی فراهم شود، بلکه همه عناصر و اجزاء آن محیطها با هدف پایدار ساختن و تکامل آن ویژگی‌های مطلوب و حیات‌بخش ملتزم گردند، به نحوی که مطلوبیت شاخص‌های کیفیت محیط و زندگی برای بهره‌مندی آیندگان نیز برنامه‌ریزی و کنترل گردد.

در حال حاضر، شهرها به‌عنوان عمده‌ترین نوع محیط‌های انسان‌ساخت، با وجودی که حداکثر ۲٪ از مساحت کره زمین را اشغال کرده‌اند، متمرکزترین نقاط توسعه، متراکم‌ترین عرصه‌های استفاده بشر از زمین و فشرده‌ترین فضاهای تجلی نیازهای بشری هستند. در عین حال، کانونهای شهری از حیث انگاره‌های توسعه پایدار، بحرانی‌ترین نقاط کره زمین نیز بشمار می‌آیند.

در نظام شهرسازی ارگانیک، نظام‌های خودتنظیم و خودکنترل حاکم بر سیستم، موجب می‌گردیدند تا نظام‌مندی محیط‌های انسان‌ساخت از ضوابط طبیعی تبعیت نمایند. به دنبال تحولات صنعتی، رشد فزاینده جمعیت و برپایی شهرهای مدرن، این نظام‌مندی دستخوش تغییرات گسترده گردید و امروزه، حداقل در محیط‌های شهری معاصر، کارایی خود را کاملاً از دست داده است، به نحوی که مراکز شهری به بحرانی‌ترین نقاط مواجهه محیط‌های انسان‌ساخت با محیط‌های طبیعی بدل شده‌اند. بنابراین، نقش شهرها در توسعه پایدار بسیار تعیین‌کننده است. از آنجا که بیشترین مصرف منابع اولیه و تولید ضایعات و آلودگیها در محیط‌های شهری صورت می‌گیرد، شهرها کانونهای اصلی تحقق یا عدم تحقق اهداف توسعه پایدار بشمار می‌آیند.

تأمین شرایطی که عدالت محیطی را در جوامع شهری، هم در عرض زمان و هم در طول زمان، پوشش دهد، تنها در چارچوب انگاره‌های اندیشه توسعه پایدار شهری قابل جستجو است. اندیشه توسعه پایدار شهری ریشه در اندیشه‌هایی دارد که در برابر تنگناها و محدودیت‌های محیطی و اجتماعی، به آرمانشهرگرایی روی می‌آوردند. فاصله چند هزار ساله تاریخی از مدینه فاضله افلاطون تا باغشهر

(← باغشهر) ابن‌زر هوارد، مؤید پیشینه تاریخی آرمانشهرگرایی است، هرچند سابقه این رویکرد در قالب مفهوم توسعه پایدار، به اواخر دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۲م و برگزاری کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل در ریودوژانیرو بازمی‌گردد. در این زمان بود که بعضی از جنبه‌های مهم مسائل محیط زیست که از مشکلات شهرنشینی ناشی می‌شد ولی کل جامعه بشری و کره زمین را تهدید می‌کرد به‌طور جدی مطرح شد که برخی از آنها عبارت بودند از:

• انتشار گازهای گلخانه‌ای؛

• انواع آلودگیها؛

• شرایط نامطلوب زندگی زاغه‌نشینان؛

• رشد فزاینده جمعیت شهری؛ و

• نابودی و تخریب مرغوب‌ترین اراضی حومه‌ها.

این روند، در نهایت به تصویب دستور کار ۲۱ (← دستور کار ۲۱) (منشور بین‌المللی توسعه) در کنفرانس ریو منجر گردید.

برای عملیاتی کردن مصوبات این منشور، با رویکرد جهانی فکر کن و محلی عمل کن، انجام اقدامات محلی و شهری مورد تأکید قرار گرفت و بر این واقعیت منطقی شعار، اقدام محلی جهان را به حرکت درمی‌آورد، صحنه گذاشت. بنابراین، کارشناسان زیادی برای اجرایی کردن انگاره کلی توسعه پایدار از طریق تعیین ویژگیهای شهرهای پایدار یا توسعه پایدار شهری، به تلاشهای وسیعی روی آوردند.

در این راستا و به منظور محلی کردن دستور کار ۲۱ در ۱۹۹۵م، مرکز سکونتگاههای سازمان ملل محور دومین کنفرانس بزرگ بین‌المللی خود را (موسوم به هیئتات دو) که در شهر استانبول (ترکیه) برگزار شد، به توسعه پایدار شهری اختصاص داد. از آن زمان تاکنون، در ارتباط با توسعه پایدار و شهر، بحثهای زیادی مطرح شده است، ولی هنوز ۲ مفهوم پایدار شهری و توسعه پایدار شهری، اغلب به دلیل نزدیکی معنی، به جای یکدیگر به کار می‌روند. برای تمایز این ۲ باید توجه داشت که کلمه توسعه در عبارت توسعه پایدار، در واقع نشانگر فرایندی است که طی آن

• بسته در نظر گرفتن هرچه بیشتر نظام شهر. بنا بر اصول و ویژگیهای شهر پایدار، می توان توسعه پایدار شهری را نوعی توسعه شهری با ۲ رویکرد بنیادی زیر توصیف نمود:

۱. توسعه شهری برای رسیدن به ویژگیهای شهر پایدار (از جمله شهر دامنند، شهر زیبا، شهر خلاق، شهر اکولوژیکی و...)، اهداف بنیادی تعیین شده ای دارد که همه فعالیتها و اقدامات را به منظور دستیابی به آنها جهت می دهد؛ و

۲. توسعه شهری با انتشار آلودگیهای محیطی (اعم از آلودگی هوا، آب، خاک و...) ناشی از فعالیتهای ناسازگار به هر میزان که باشد، مغایرت اساسی دارد. همچنین براساس این اصول مجموعه شهری و اندازه جمعیت می بایست با منابع طبیعی (به ویژه آب و منابع معدنی) در تعادل قرار گیرد و در توسعه های شهری حداقل دخالت و تجاوز به شرایط طبیعی صورت گیرد، به نحوی که از تغییر مسیر رودخانه ها، پر کردن دره ها، تخریب جنگلها، مسدود کردن مسیلهها و اقداماتی از این نوع اجتناب گردد. علاوه بر اینها، بسته در نظر گرفتن هرچه بیشتر نظام شهر، داده ها و ستانده های متابولیزم شهری در ورود کنترل نشده آب، سوخت، کالا، خروج پایش نشده فاضلاب، آلودگی و زباله از طریق اتخاذ سیاستهای افزایش بهره وری مصرف و توسعه سیستمهای بازیافت فاضلاب، انرژی و زباله مهار می گردد. بدین ترتیب، جای پای اکولوژیک شهر را که در حالت غیر پایدار بسیار بزرگ تر از مساحت و اندازه جغرافیایی آن است، کنترل و آن را محدودتر می سازد. ناگفته نماند که در عرصه توسعه پایدار شهری، بحث اکولوژی انسانی نیز به همین ترتیب مورد توجه قرار می گیرد. در نهایت، با در نظر گرفتن مجموع این دو رویکرد بنیادی، منظور از توسعه پایدار شهری فرایندی است که هدف آن ایجاد شهر پایدار مطابق نیازهای شهروندان و از لحاظ عملکردی، مکانی مناسب برای زندگی نسلهای حال و آینده است. توسعه پایدار شهری مستلزم موفقیت در تحقق اهداف کیفی شهری و مشروط بر فراهم نمودن شرایط برابری نسل حاضر و آتی است. همچنین ذخایر منابع طبیعی شهر و منطقه نباید فراتر از توان تولید آن،

پایدار می تواند اتفاق بیفتد. البته پایداری، مجموعه ای از وضعیتهاست که در طول زمان دوام می یابد.

در هر صورت به منظور به دست آوردن تصویری کامل از مفهوم توسعه پایدار شهری، تبیین ویژگیهای شهر پایدار ضرورت دارد. این ویژگیهای شهر پایدار عبارتند از:

- شهری دامنند و مناسب. جایی که عدالت، غذا، سرپناه، آموزش، بهداشت و امید به طور منصفانه توزیع شده و همه مردم در اداره امور (← اداره امور) مشارکت دارند؛
- شهری زیبا. جایی که هنر، معماری و سیمای منظر، نشانه فهم هنری و جنبش شور و شوق است؛
- شهری خلاق. جایی که آزادی فکر و تحرکات تجربی ظرفیت منابع انسانی را کامل می کند و به او اجازه واکنشهای سریع در برابر تغییرات می دهد؛
- شهری اکولوژیکی. جایی که در آن آثار نامطلوب اکولوژیک در حداقل ممکن قرار دارد، مکان و شکل محیط انسان ساخت با سیمای طبیعی متوازن است و ساختمانها و زیرساختها ایمن و پربازده هستند؛
- شهری با سهولت دسترسی و تماس. جایی که فعالیتهای اجتماعی در قلمروهای عمومی تشویق می شود و جایی که اطلاعات، هم به صورت چهره به چهره و هم به صورت الکترونیک، به راحتی مبادله می گردد؛
- شهری فشرده و چند مرکزی. جایی که از مناطق طبیعی حومه شهر در مقابل گسترش شهر حفاظت می شود و بر تقویت اجتماع محلی منسجم در محلات و همجواریها تأکید می شود؛ و
- شهر متنوع. جایی که طیف گسترده ای از فعالیتهای همزمان، سرزندگی، شادابی و برانگیزندگی حیات عمومی را موجب می شود.

علاوه بر این ویژگیهای بنیادی، صاحب نظران اکولوژیست مهم ترین اصول اکولوژیک حاکم بر شهر پایدار را به شرح زیر تعیین و هرگونه توسعه شهری را به این اصول مشروط می کنند:

- سازگاری فعالیتهای شهری با شرایط طبیعی؛
- تعادل شهر با منابع طبیعی؛
- حداقل دخالت و تجاوز به شرایط طبیعی؛ و

- Rogers, R. and Gumuchdjan, P. *Cities for a Small Planet*. Great Britain: Faber & Faber, 1997.
- Salehi, Esmale. "Specification of Urban Planning Regulation in Sustainable City", *Sustainable Development and Planning 2007*. A.G. Kungolos (ed), Vol. 1, University of Thessaly, Greece, C.A. Brebbia, Wessex Institute of Technology, UK and E. Beriatos, University of Thessaly, Greece) WIT Press, 2007.

اسماعیل صالحی

توسعه پایدار و شهر

Sustainable Development & City

توسعه پایدار شهری یعنی تلاش برای ارتقاء زندگی شهری در ابعاد بوم‌شناختی، فرهنگی، سیاسی، نهادی، اجتماعی و اقتصادی، بدون تحمیل هزینه‌های ناشی از کاهش سرمایه طبیعی و بدیهای محلی. شکل‌گیری مفهوم پایداری به اوایل دهه ۱۹۷۰م و اجلاس جهانی محیط زیست در استکهلم بازمی‌گردد. گزارشهای منتشر شده، چون محدودیتهای رشد از سوی کلپ رُم، با به صدا درآوردن زنگ خطر و خامت شرایط پیش‌رو، هوشیاری به موقعی را نسبت به اهمیت حیاتی روابط متقابل میان اقتصاد و محیط زیست مطرح نمودند. با بحران جهانی انرژی، این هوشیاری با توجه فزاینده نسبت به بهره‌وری و حفاظت از منابع همراه گردید. در ۱۹۸۷م با انتشار گزارش *آینده مشترک ما* از سوی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، اصطلاح توسعه پایدار عنوان و معرفی گردید. این گزارش حاوی نگرانیهای جامعه بشری از ازدیاد شتابان جمعیت، تخریب و تهی شدن سریع منابع، افزایش فقر و به هم خوردن چرخه طبیعی زندگی بر کره زمین است.

بدینسان، فشارهای فزاینده بر محیط زیست منتج از رشد مداوم و انفجاری جمعیت و تمایل بی‌چون و چرا برای توسعه اقتصادی، سرانجام به ارائه گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه به نام *آینده مشترک ما* و تعریف اصطلاح توسعه پایدار منجر گردید: توسعه‌ای که

در شهر مصرف شود. در این چارچوب، شاخصهای کلیدی توسعه پایدار شهری عبارتند از:

- مدیریت رشد (← مدیریت رشد)؛
 - توسعه اقتصادی؛
 - عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)؛ و
 - زیبایی محیط توأم با حس مکان.
- این ۴ شاخص کلیدی توسعه پایدار شهری از یکدیگر جدا نیستند و اکولوژی شهری (← بوم‌شناسی شهری) زیربنای همه آنها محسوب می‌شود.
- در چارچوب این اصول و دیدگاهها، الگوهایی نیز در ابعاد محیطی، کالبدی و عملکردی به‌عنوان راهکار از سوی نظریه‌پردازان مطرح شده است؛ از آن جمله‌اند:

- شهر فشرده و استفاده بهینه از اراضی؛ و
 - گسترش شبکه حمل‌ونقل عمومی و شبکه‌های دسترسی
- با وابستگی کمتر به خودرو (امکان دسترسی پیاده و یا دوچرخه).

به‌طورکلی، هر نوع راهکار توسعه که آلودگی و کاربرد انرژی کمتری، هم در ساخت و هم در کاربرد، فراهم می‌سازد، نیاز به سفر - به‌ویژه سفر با خودرو - را به حداقل می‌رساند، و بیشترین پتانسیل را برای سفرهای عمومی فراهم می‌سازد. هر آنچه را که موجب حفظ و ارتقاء کیفیت محیط و زندگی در حال و آینده می‌شود، در این قالب مورد توجه است.

کتاب‌شناسی:

- صالحی، اسماعیل. «اقدام محلی جهان را به حرکت می‌اندازد» (مواضع حکومت‌های محلی در ژوهانسبورگ)، *ماهنامه شهرداریها*. تهران، ۱۳۸۰.
- Arthur, W. *Encyclopedia of the City*. Roger W. Caves (ed), Canada: Taylor & Francis Group, 2005.
- Ashton, John. *Healthy Cities*. England: Open University Press, 1992.
- Breheny, M. *Sustainable Development and Urban Form*. London: Point, 1992.
- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, 2005.
- Elkin, T.; McLaren, D. and Hillman, M. *Reviving the City: Towards Sustainable Urban Development*. London: Friends of the Earth, 1991.
- Maclaren, V.M. "Urban Sustainability Reporting", *Journal of American Planning Association*. Vol. 62, Spring 1996.

حفظ سرمایه (تولیدی، طبیعی و اجتماعی) است. این الگو با خاستگاهی اقتصادی، پایداری را در حفاظت، نگهداری و افزایش سرمایه معنا می‌کند. از این رو، در پی نحوه تداوم ویژگیهای اقتصادی و تولیدگرایی و توسعه‌گرایی جامعه مدرن است و در این میان، آنچه چالش برانگیز است، تبادلات و هم‌افزایی میان این ابعاد است. چگونگی تصمیم‌گیری در مورد اهداف متضاد این سه بعد، یعنی عقلانیت اقتصادی، عدالت اجتماعی و تعادل بوم‌شناختی، بحثی ابهام‌آمیز و سؤال برانگیز است. رفاه مادی چگونه در کنار نگرانی نسبت به اکوسیستمهای طبیعی قرار می‌گیرد: راه‌حل میانه احتمالاً می‌تواند در گسترش همزمان این سه بعد شکل گیرد. ابعاد بازتابی و چندبعدی مسائل اجتماعی، به دشواری می‌تواند با ابعاد ابزاری و عقلانی اقتصاد، و ابعاد ساختاری و همسانی بوم‌شناختی، با یک روش و در یک چارچوب مطالعه شوند.

الگوی دیگر، الگوی زیستی-اقتصادی است. الگویی که ۳ بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در آن به صورت ۳ دایره هم‌مرکز مطرح شده‌اند: دایره محیط زیست، دایره اجتماعی را محدود می‌سازد و دایره اقتصاد درونی‌ترین دایره است که در عین آنکه با دایره اجتماعی محدود می‌شود، حافظ نظامهای زیستی-فیزیکی لازم برای فعالیتهای انسانی است و یا به عبارت دیگر، مبتنی و متکی بر ایده قرارگیری فعالیتهای اقتصادی در خدمت تمام نوع بشر است. این الگو بازتاب ایده محدود شدن نیروهای اقتصادی توسط هم‌نیروهای اجتماعی و هم‌نظامهای زیستی تحدیدکننده هر دو است و در عین حال، تسهیل‌کننده چرخه‌های بازتولید اقتصادی برای تداوم نظامهای زیستی-فیزیکی مورد نیاز انسان. به بیان هاکینو، ۲ نکته اساسی در این الگو وجود دارد:

- توجه به ناپایدار بودن محدودیتهای زیستی-فیزیکی، با توجه به توسعه و تحول دانش و فناوری؛ و
 - سلسله‌مراتبی نبودن دایره‌های هم‌مرکز که به معنای میزان اهمیت و مطرح بودن یکی نسبت به دیگری نیست.
- پایداری، از این منظر، یکی از ارزشها و اهداف کانونی دیدگاهی است که با بسط علمی زمینه‌های مادی، بوم‌شناختی و روانی، به همراه مؤلفه‌های کانونی بسیاری از

نیازهای نسل کنونی را بدون آسیب رساندن به تواناییهای نسلهای آینده در تأمین نیازهای خود، برآورده سازد. تلاشهای بعدی در راستای تدقیق و تلخیص مفهوم توسعه پایدار در اجلاسهای بعدی سازمان ملل متحد، مجموعه‌ای را در قالب دستور کار ۲۱ (← دستور کار ۲۱) به تصویب نمایندگان ملت‌های جهان رساند. این دستور کار با تلاش در جهت یکپارچه ساختن ملاحظات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در یک چارچوب سیاسی واحد، اشاعه رشدی پایدار و دوستدار محیط زیست را با محوریت توجه به موضوعات متعدد زیست‌محیطی، چون تنوع زیستی، تغییر آب و هوا و بیابان‌زایی، از طریق برطرف ساختن و جلوگیری از آلودگی و نگهداری از منابع طبیعی زمین در قالب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و تعهدات خاص دولتی، به تصویب رساند. فراتر از مرزهای توسعه علمی، تخصصی و تجاری، اصطلاح توسعه پایدار دربرگیرنده توسعه‌ای انسانی، ارزشی و تفاوت‌های فرهنگی است؛ توسعه‌ای که معطوف به برابری جنسیتی، مشارکت اجتماعی و بهره‌مندی از آموزش و سلامت است.

شاید به جرأت بتوان اصل محوری گزارش برون‌تلند را تأکید بر توانایی بشریت در بسط توسعه پایدار دانست. با پذیرش جهانی دستور کار ۲۱، اصطلاح توسعه پایدار از حوزه زیست‌محیطی به حوزه‌های سیاست اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی گسترش یافت. به بیان آمارتیاسن، یک جامعه می‌تواند به لحاظ مادی ثروتمندتر شود، اما در عین حال، از نظر کیفیت زندگی و فرهنگ خود فقیرتر گردد. توسعه پایدار، توسعه‌ای ماهیتاً چندبعدی است که قابل تقلیل به هیچ‌یک از این ابعاد نیست؛ برای نمونه و به‌طور اخص، در بعد اقتصادی و رشد اقتصادی که همواره با بحث قیمت روبرو است و قیمت برای آن حکم عامل اجرایی را دارد، زمانی که جهان با ضرورت از دست دادن کل منابع اساسی-منابعی که نه تنها به لحاظ کمی حائز اهمیتند، بلکه همزمان و به همان اندازه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند، روبروست، این قیمت واجد ارزشی غیرقابل پرداخت می‌گردد.

الگوی سه‌بعدی توسعه پایدار تلویحاً متکی بر ایده

بزرگ‌ترین ستهای معنوی - اخلاقی (که از اهمیت کنش اخلاقی در درون یک جهان متقابلاً وابسته پشتیبانی می‌کند)، ترکیب شده است.

این دیدگاه علمی، جهان را برحسب نظامهای پیچیده وابستگی متقابل و هم تکاملی، ارزشها، اخلاق و کنشهای پشتیبان که بر وابستگی متقابل تأکید دارد، ملاحظه می‌کند. دورنماهای زیست‌محیطی، اقتصادی، برابری و معنوی یا اخلاقی نسب به پایداری، همگی می‌تواند با این دیدگاه متناسب باشد؛ در اینجا، پایداری خود کلمه رمزی برای سایر ارزشهاست: در مجموع، ثبات و بارور ساختن زندگی بر روی سیاره زمین که نقطه شروعی برای اقدام در تمام زمینه‌هاست. پذیرش این بنیان هنجاری، متضمن جهت‌گیری آگاهانه برای اقدامات آتی بسیاری خواهد بود که مورد نیاز است.

از دهه ۱۹۹۰م، مفهوم توسعه انسانی با هدف افزایش ظرفیت و نگاهی ورای دیدگاه ساده و تثبیت شده توسعه اقتصادی، بسط داده شد. شکست دیدگاههای تقلیل‌گرای توسعه در تقلیل توسعه اجتماعی به رشد اقتصادی، طالب چرخشی از مباحث صرفاً اقتصادی به توسعه‌ای همه‌جانبه و فراگیر بود. این حرکت با اولین گزارش در خصوص وضعیت اجتماعی جهان، خواستار توجه جهانی به توسعه اجتماعی شد. اهداف این حرکت، ایجاد نوعی دگرگونی ساختاری، پیجویی عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت و نهایتاً، توسعه انسانی بود. برنامه توسعه سازمان ملل متحد ایده توسعه پایدار انسانی را توسعه‌ای مبتنی بر انتخابها و ظرفیتهای انسانی که تولیدگران واقعی رشد اقتصادی، تعریف می‌کند؛ یک رشد اقتصادی که بر تقسیم عادلانه منافع، بازتولید محیط به‌جای تخریب آن و توانمندسازی زنان و مردان به‌جای طرد و به حاشیه راندن آنها متمرکز است. ایده‌های توسعه در قرن اخیر به میزان قابل ملاحظه‌ای متکی بر فرایندهای کاراندوز در تولید بوده است، اما مفهوم توسعه به‌مثابه حافظ و نگهدارنده منابع منحصر به فرد طبیعی و انسانی، مفهوم‌گزینش شده برای چند دهه آینده است.

بوم‌شناس کانادایی، ویلیام ریز، افزایش مصرف سرانه

انرژی و مواد اولیه را ناشی از گرایش گسترده جهانی به کارگیری فناوری و وابستگی روزافزون به تجارت، در کنار تداوم موقعیت شهرها به‌عنوان موتورهای رشد اقتصادی و خاستگاههای فرهنگی، از عوامل اصلی برهم خوردن موازنه موقعیت بوم‌شناختی و موقعیت جغرافیایی مناطق شهری می‌داند و شهرها را همچون سیاه‌چالهایی که تمام محصول و بازده منطقه زیستی پیرامونی و حتی فرایرپامونی خود را در خود فرو می‌بلعد و پایداری خود را در وابستگی به استفاده از این منابع، به پایداری پس‌کرانه‌های جهانی وابسته نموده‌اند، عنوان می‌سازد.

شهرها به‌عنوان مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان اصلی کالاها و خدمات، به کانونهای اصلی مؤلفه‌های پایداری و ناپایداری بدل گردیده‌اند. این روندی جهانی است که به مصرف‌فزاینده منابع، وابستگیهای روزافزون تجاری و گسترش فزاینده اثرات بوم‌شناختی در مقیاسی فرامحلی منجر خواهد شد.

در این میان، هدف از توسعه پایدار شهری، به جریان انداختن روندی متکی بر تعادل مواد و انرژی، داده/ستانده مالی، همراه با برخورداری از نقش محوری در تمام تصمیم‌گیریهای مرتبط با توسعه‌های آتی نواحی شهری است. بدینسان، توسعه پایدار شهری، توسعه‌ای معنایافته در بستر توسعه پایدار اجتماعی است، زیرا توسعه پایدار اجتماعی، توسعه‌ای مقید به ارزش و اعتبار گزینه‌های متکی بر روابط میان حوزه‌های اقتصادی، بوم‌شناختی و برابری است.

به‌همین ترتیب، در حوزه اقتصادی، فعالیت اقتصادی مبتنی بر خیر عمومی، بازتولید و تداوم فعالیت همراه با عدم وابستگی اقتصادی است و در حوزه بوم‌شناختی، تقید به محدودیتهای طبیعی که منتج از احتساب انسان به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از محیط طبیعی است و او واجد مسئولیت اجتماعی در برابر حفاظت و بازسازی داراییهای طبیعی بشمار می‌آید. در این راستا و در حوزه عدالت اجتماعی و برابری، بر فرصتهای مشارکتی تام و تمام اجتماعی در تمام فعالیتها، منافع و تصمیم‌گیریهای یک جامعه تأکید می‌شود.

یک اجتماع پایدار از منابع خود در پاسخگویی به

تحرک اجتماعی؛

- زندگی پایدار شهری موجد یک شهر زنده؛ و
- مردمسالاری پایدار شهری موجد توانمندسازی حقوق و مرتبه شهروندی.

در مجموع می‌توان گفت، مجموعه اقتصاد، جامعه و برابری در توسعه پایدار یک مجموعه ارزشی فشرده و خلاصه شده برخوردار از ظرفیتی بنیادی برای تغییر است. ارزشها در درون جوامع مختلف موجد گوناگونی گسترده‌ای از نهادها، ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ستهایی می‌شود که به میزان وسیع تعیین کننده شیوه نگرش به جهان و زندگی است. این نهادها شامل نظامهای قانونی، حقوقی و دولتی؛ شرکتها، تبلیغات و رسانه‌های همگانی؛ و تعداد زیادی از قواعد غیررسمی و کدهای رفتاری است. براین اساس، می‌توان هدف اصلی توسعه پایدار شهری را دستیابی به یک توسعه پایدار چندبعدی در بستری هماهنگ و منطبق با نیازهای ساختاری و نهادی دانست؛ آنچه که می‌تواند از طریق یک حکمروایی مناسب و هماهنگ در هر شهر و در هر محل به اجرا درآید. حکمروایی مناسب، تلاشی منسجم از سوی حاکمیت محلی، جامعه مدنی و بخش خصوصی در شکل دادن به پایداری شهری به‌عنوان هدف اصلی است. این تلاش باید تمام مردم، گروهها، شرکتها و کارگزاران دولتی و عوامل اجتماعی را درگیر سازد.

حکمروایی مناسب به مانند یک موتور و نیروی سیاسی راهنما، عناصر مختلف و مؤثر در توسعه پایدار را در وضعیتی متعادل نسبت به یکدیگر نگاه داشته، آنها را در قالب سیاستها هماهنگ ساخته، سهیم شدن تمام عوامل مختلف در مسئولیتها و منافع را تضمین می‌نماید. اگر پایداری به‌عنوان اصل مطرح گردیده است، حکمروایی مناسب به‌مثابه عمل مطرح است؛ این ۲ با هم، جنبه‌های مختلف یک توسعه شهری مناسب را زمینه‌سازی می‌کنند.

از این‌رو، تدوین سیاستگذاری و تصمیم‌گیریها در شهرهای پایدار، با توجه به کنشهای متقابل پیچیده موجود در میان حوزه‌های متعدد و گوناگون درگیر و با تلاش در حداقل سازی میزان اثرات زیانبار زیست‌محیطی، با تأکید بر

نیازهای جاری با تضمین بقاء منابع کافی برای نسلهای آینده، بهره‌برداری می‌نماید. اولویت اول این اجتماع، بهبود و ارتقاء سلامت عمومی و کیفیت زندگی برای تمام اعضای خود، از طریق محدود ساختن ضایعات، جلوگیری از آلودگی، حداکثرسازی حفاظت، ارتقاء بهره‌وری و توسعه منابع محلی با هدف بازتولید اقتصاد محلی است.

براین اساس، اجتماعات پایدار از مواهب و ویژگیهای زیر برخوردارست:

- حس نیرومند مکان؛
- بصیرت و بینش فراگیر در شمول تمام بخشهای جامعه، چون بخشهای تجاری و حرفه‌ای، گروههای محروم، محیط زیست گرایان، انجمنهای مدنی، عاملان دولتی و سازمانهای مذهبی؛
- بسط و گسترش وسیع زمینه بروز و ظهور نوآوریها؛
- ارزشگذاری نسبت به سلامت اکوسیستمها و ارتقاء بهره‌وری در استفاده از منابع؛
- جستجوی فعالانه بقاء و توسعه یک اقتصاد محلی مینا؛
- توجه به فرایند توسعه و آریایی نتایج؛ مشارکت فعال در فعالیتهای دولتی و ارتباطات میان دولتها، بخش خصوصی و سازمانهای غیرانتفاعی؛ و
- تقید به اصول تعهد، فراگیری و سازندگی در تمام مباحثات اجتماعی. برخلاف رویکردهای سنتی توسعه اجتماعی، راهبردهای پایداری تأکید خود را بر مشارکت کل اجتماع شهری (به‌جای نقاط و محلات محروم)؛ حفاظت از اکوسیستم؛ مشارکت معنادار و آزاد شهروندی و استقلال اقتصادی قرار داده‌اند.

از نگاه پیترو هال، پایداری شهری مستلزم موارد زیر است:

- وجود یک اقتصاد پایدار شهری موجد کار و ثروت؛
- همبستگی و انسجام شهری؛
- سرپناه پایدار شهری موجد مسکن مناسب و قابل تهیه برای همه؛
- محیط زیست پایدار شهری موجد اکوسیستمهای بادوام و پایا؛
- دسترسی پایدار شهری موجد منابع حفاظت‌کننده قابلیتهای

فرهنگی، اقتصادی و یا زیستی - فیزیکی، با برخورداری از بنیادی اجتماعی، لزوماً به جای ماهیتی فنی از ماهیتی سیاسی برخوردارست. باین حال با وجود انکارناپذیر بودن نگاه فراگیر حفاظت بلندمدت از محیط زیست در رویکردهای معطوف به پایداری اکوسیستمها، کیفیت دانش زیست محیطی موجود به عنوان زیربنای رویکردهای حمایت گرایانه کنونی، همچنان سؤال برانگیز است. در این چارچوب، بسط زمینه‌هایی در اخلاق زیست محیطی، فلسفه و علوم اجتماعی نیز وجود دارد که به دنبال ظرفیت‌سازی برای کنترل جهان به شیوه‌ای سازگار با توسعه پایدار است. این مباحث مجموعاً بخشهایی از انتقاداتی است که در مورد پارادایم روشن فکری دانش علمی مطرح می‌گردد؛ پارادایمی که به دنبال ساخت روشی برای دستیابی به توسعه و پیشرفت، با استفاده از کشفیات علمی و کنترل‌های زیست محیطی است. مفاهیمی که مملو از بحث‌های سیاسی و اجتماعی، همراه با ابهامات ناشی از دانش نامشخص اجتماعی و زیست محیطی نظام‌های طبیعی و ظرفیتهای علمی و فناوری انسان برای حل معضلات زیست محیطی است. در مجموع، تمام، این مباحث حکایت از وجود ابهامات گوناگون و عدیده در مباحث پایداری شهری دارد. باین وجود، به یقین، مرکزیت و محوریت فزاینده مفهوم پایداری در بحثها و اجلاسهای بین‌المللی محقق گردیده است. به سخن وود این دغدغه‌ها موجب قوام نظریه جدیدی از دل نظریه پیشین گردیده است که طالب همگرایی در میان دانش علمی، مباحث اقتصادی، فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی و واقعیت‌های زیست محیطی برای هدایت توسعه انسانی در سده ۲۱ است.

توسعه پایدار شهری ترکیبی از توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت محیط زیست است که با توجه تام و تمام به حقوق و آزادیهای اساسی انسان (از جمله حق توسعه)، ابزار دستیابی به جهانی پایدار و صلحی بادوام تر را توسعه‌ای بینشی - اخلاقی و معنوی عنوان می‌سازد. از این رو، الزام بنیادی تحقق توسعه پایدار، وجود مردمسالاری، حکومت و دستگاه‌های اجرایی پاسخگو و ملزم به رعایت حقوق شهروندی، شفاف و نماینده در برابر

الزامات زیر، صورت می‌پذیرد:

- حداقل سازی پراکندگی شهری؛
- استفاده از درون‌دادهای ماده و انرژی از منابع تجدیدپذیر؛
- حداقل سازی بروندادهای زیانبار (ضایعات و آلودگیها)؛
- بازیافت گسترده؛
- حداقل سازی اثرات بوم‌شناختی (منابع طبیعی و منابع زمین لازم برای پشتیبانی شهر در تأمین مواد خام، انرژی و تضمین کاربردی آن)؛
- توسعه نظام کل‌گرا در سیاست توسعه و تصمیم‌گیری؛
- هماهنگ ساختن اصول پیشرفته زیست محیطی با تصمیم‌گیریها و پیش‌بینیها (کاهش مصرف، استفاده مجدد، بازیافت، غرامتهای آلودگی، درونی ساختن هزینه‌های بیرونی، بهره‌وری بوم محور در تولید صنعتی، تحلیل دوره زندگی، ارزیابی تأثیرات زیست محیطی، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و مانند آن)؛
- جامعه مردمسالار (مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری، جامعه مدنی (← جامعه مدنی) با نفوذ، کنترل مردمسالارانه)؛ و
- همکاری گروه‌های ذی‌نفع گوناگون در حل مشکلات (شامل بخش خصوصی، حکومت‌های شهری و ملی، سازمانهای غیردولتی (← سازمانهای غیردولتی)، دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی، کانونهای تفکر و مانند آن).

گروهی از محققان پایداری بر این باورند که نگاه طبیعت‌گرایانه به زندگی اجتماعی و اجتماع انسانی به عنوان بخشی از محیط زیستی - فیزیکی، یا بخشی از اکوسیستمهای طبیعی، تعریفی تقلیل‌گرایانه نسبت به اجتماع انسانی و نادیده گرفتن این انگاره نظری است که شهر یک دستاورد معنادار فرهنگ انسانی است. به باور این محققان، شهرها سازوکارهای طبیعی نیستند، بلکه مجموعه‌هایی انسان‌ساخت و ساخته‌هایی فرهنگیند. تلقی اجتماعات انسانی به مثابه بخشی از اکوسیستمهای طبیعی، به نادیده انگاشتن فرایندهای پیچیده اجتماعی و اقتصادی تولید و بازتولید در شهرها، عدم بررسی دقیق و مناسب ابهامات موجود در شهر و محیط زیست انسان‌ساخت آن منجر خواهد گردید. پاسخ به پرسشهای مدیریتی زیست محیطی،

- Meadows, D.H.; Meadows, D.I.; Randers, J. and Behrenc, W.W. *The Limits to Growth: A Report for the Club of Rome's project on the Predicament of Mankind*. New York: Earth Island, Universe Books, 1997.
- Mebratua, Desta "Sustainability and Sustainable Development, Historical and Conceptual Review", *Environmental Impact Assessment Review*. Vol. 18, Issue 6, 1998.
- OECD. *Policies to Enhance Sustainable Development*. OECD: Paris, 2001.
- OECD. *Sustainable Development: Critical Issues*. OECD: Paris, 2001.
- OECD. *The Concept of Socially – Sustainable Development: Review of Literature and Preliminary Conclusions (SG/SD (2001)13)*. OECD: Paris, 2001.
- OECD. *Towards a Sustainable Development*. OECD: Paris, 2001.
- Rees, Whilliam E. "Is Sustainable City an Oxymoron?", *Local Environment*, Vol. 2, No. 3, 1997.
- Robinson, John. "Squaring the Circle? Some Thoughts on the Ideas of Sustainable Development", *Ecological Economics*, Vol. 48, Issues 4, 20 April 2004.
- UNCHS (HABITAT). *The State of the World's Cities*, 2001.
- Williers, B. "Sustainable Development: A New World Deception", *Conservation Biology*. 8(4): 1146-1148, 1994.
- United Nations Human Settlements Programme, *The Challenge of Slums, Global Report on Human Settlements*. London: Earthscan Publications Ltd, 2003.
- World Commission on Environment and Development (WCED), *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press, 1987.

میترا احمدی ترشیزی

توسعه روستایی

Rural Development

توسعه به طور کلی فرایندی پویاست که همراه با روندهای دگرگون‌ساز، به وضعیتی متعادل و قابل زیست می‌انجامد. بر همین اساس، توسعه‌یافتگی در جنبه نظری، بدین معناست که افراد و گروه‌های اجتماعی یک سرزمین قادر به تعیین سرنوشت خویش شوند و بتوانند اهداف ملی را با انتخابی آگاهانه، براساس شرایط و امکانات خویش، به پیش برند، بدون آنکه در مناسبات و روابط خود با مشکلاتی همچون

تمام گروه‌های اجتماعی و مشارکت موثر جامعه مدنی است.

هدف، ایجاد شهرهایی به لحاظ اقتصادی پرونق، به لحاظ فرهنگی غنی و به لحاظ اجتماعی عادلانه، پاک، سبز و امن است که امکان زندگی سازنده، خلاق و شاد را برای همه شهروندان فراهم آورند. شهرهایی که متضمن شغل، مسکن، بهداشت مناسب، امکان تحرک و جابه‌جایی، آموزش و درمان مناسب، آب آشامیدنی سالم، توسعه فرهنگی و امنیت عمومی، دسترسی به طبیعت و مشارکت در حکومت شهری برای شهروندان خود باشند.

کتاب‌شناسی:

- طراواتی، حمید و ایافت، سید امیر. «دستور کار ۲۱»، کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۷.
- Aasen, C.T. "The Urban Sustainability Question. New Zealand Cities, Culture and Planning", Keynote Address to New Zealand Planning Institute 1992, Annual Conference, *Planning Quarterly*. 106: 15-19, 1992.
- Alberti, M. Waddell P. "An Integrated Urban Development and Ecological Simulation Model". *Environmental Modeling and Assessment*. 1, 1999.
- Becker, E. J. T.; Stress, I. and Wehling, P. *Sustainability: A Cross Disciplinary Concept for Social Transformations*. MOST Policy Paper. No. 6, UNESCO: Paris, 1997.
- Burgess, M.; Carmona, T. and Kolstee, R. (eds). *The Challenge of Sustainable Cities-Neoliberalism and Urban Strategies in Developing Countries*. London: Zed Books, 1997.
- Callicott, J. B. and Mumford, K. "Ecological Sustainability as a Conservation Concept", *Conservation Biology*. 11 (1): 32-40, 1997.
- Perkins, H. C. & Thorns, D. C. "Urban Sustainability- The Basis for a Renewed Urban Planning and Management Project?", Remote Name: 62.11.134.122, 2000.
- Habitat II. *The Istanbul Declaration on Human Settlements*. United Nations Commission on Human Settlements, 1996.
- Hall, Peter; Ulrich Pfeiffer, *Urban Future 21*. E&FN Spon, 2000.
- Lehtonen, Markku. "The Environmental – Social Interface of Sustainable Development: Capabilities, Social Capital, Institutions, Ecological Economics", Article in Press, 2004.
- Lele S. and Norgaard, R. B. "Sustainability and the Scientist's Burden", *Conservation Biology*. 10(2): 354-365, 1996.
- Macnaghten, P. and Urry, J. *Contested Natures*. London: Sage. dtm-2045054157, 1998.

بحران، استثمار، وابستگی و سلطه مواجه گردند. توسعه اما در عمل، مفهومی نسبی است و با دستیابی به مؤلفه‌های زیر قابل ارزیابی است:

- رشد چشمگیر اقتصادی؛
- برخورداری از دانش فنی روزآمد؛
- برقراری تعادل مکانی - فضایی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی؛
- رفاه اجتماعی - اقتصادی و تعالی فرهنگی افراد و گروهها؛
- و
- تکاپو در راستای نوین‌سازی مداوم جامعه و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی.

گرچه دنیای درحال توسعه با مسائل شهری متعددی روبرو است، اما به نظر می‌آید، مسائل روستایی آن نه تنها عمیق‌تر و فوری‌تر، بلکه راه حل بسیاری از مسائل شهری آنها نیز عملاً در چاره‌جویی برای مسائل روستایی قابل جستجو است. از سوی دیگر، تفاوت‌هایی موجود میان نواحی شهری و روستایی به این ضرورت، یعنی توجه جدی به توسعه در محیط‌های روستایی، دامن می‌زند. داده‌های جهانی، به‌عنوان نمونه، درباره کشورهای افریقایی حاکی از آن است که گرچه نسبت بالایی از خانوارهای شهری در این قاره در شرایط فقر به سر می‌برند، اما وضعیت خانوارهای روستایی به مراتب بدتر است. این در حالی است که برای دستیابی به کاهش سالانه ۲٪ از جمعیت فقیر افریقا، رشد اقتصادی سالانه‌ای حدود ۶ - ۷٪ الزامی است. این امر بدان معناست که نرخ رشد کشاورزی باید حدود ۴ - ۵٪ سالانه باشد، زیرا کشاورزی نه تنها در تولید ناخالص ملی سهم قابل توجهی دارد (به‌طور متوسط حدود ۳۰ - ۳۵٪)، بلکه واحدهای اصلی صنعتی در اغلب کشورهای افریقایی به فراوری و بازاریابی محصولات کشاورزی و نیز بهره‌گیری از مواد خام کشاورزی وابسته‌اند. همین‌گونه داده‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها و یا در اطراف نواحی شهری زندگی می‌کنند. در کشورهای درحال توسعه این نسبت بیشتر و در حال افزایش روزافزون است. آشکار است که این فرایند بر امنیت غذایی، اشتغال و نحوه گذران زندگی در کانونهای

شهری اثرگذار بوده است.

تحول و دگرگونی جنبه‌های مختلف زندگی و فعالیت در محیط‌های روستایی نه تنها ارتباط تنگاتنگی با روندهای عمومی و برنامه‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی دارد، بلکه جدا از سمت‌گیری‌های عام در سطح ملی و منطقه‌ای نیست. بنابراین، هرگونه اقدام در راستای دگرگونی محیط‌های روستایی می‌تواند و باید جزئی از ساماندهی فضایی سرزمین بشمار آید. بدینسان، ساماندهی فضایی محیط‌های روستایی از جمله منوط است به برقراری تعادل منطقی بین سکونتگاه‌های روستایی و کانونهای شهری.

اهداف توسعه روستایی اساساً در چارچوبها و بسترهای مختلف و براساس شرایط عینی جوامع تعریف و تعیین می‌گردد. با این وجود، از ۲ منظر نظری و عملی می‌توان اهداف توسعه روستایی را تبیین نمود:

• **اهداف توسعه روستایی از منظر نظری**، قاعدتاً ارتقاء فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی - سیاسی و کالبدی - فضایی روستاها به‌منظور قابل زیست کردن این گونه سکونتگاهها و در یک کلام، بسترسازی برای اعتلایشان انسان روستایی است؛ و

• **از منظر عملی - اجرایی**، اهداف توسعه روستایی با توجه به گرایشهای غالب سیاسی - اقتصادی و رویکردهای جاری به مقوله برنامه‌ریزی تبیین و تعیین می‌گردد. بنابراین، در این چارچوب، اهداف توسعه روستایی متنوع، متفاوت و مبتنی بر امکانات و رویکردهای غالب در تصمیم‌سازیها و روشهای برنامه‌ریزی است.

به این ترتیب، توسعه روستایی از دلمشغولیهای جدی محققان و کارشناسان توسعه در کشورهای درحال توسعه است. در همین ارتباط، اجتماعات شهری این‌گونه کشورها نسبت به جماعت‌های روستایی، با پذیرش و بهره‌گیری از تازه‌های فناورانه و سازوکارهای نوین اقتصادی، با سرعتی به مراتب بیشتر رو به رشد و گسترش دارند و در مقابل، روستاها در پی این‌گونه فرایندها و با چشم‌داشت برخورداری از امکانات و تسهیلات زیستی نسبتاً مشابه، هرچند با ناکامی آشکار در اغلب موارد، به الگوبرداری از شیوه‌های زیستی شهرها تن در می‌دهند. در این میان، آنچه

مرزهای آنها جریان می‌یابد. تقابل میان واحدهای شهری و روستایی یا آن‌طور که شهرت یافته است، عرصه‌های حاشیه-شهری، در معرض تغییر مدام قرار دارد و با گسترش چشمگیر نواحی شهری در پیوند قوی با حوزه نفوذ روستایی خود همراه است. به این ترتیب، تحول و دگرگونی هریک از جنبه‌های خاص زندگی و فعالیت در عرصه‌های روستایی، نه تنها ارتباط تنگاتنگی با روندهای عمومی توسعه سکونتگاههای روستایی دارد، بلکه جدا از سمتگیریهای عام در سطح توسعه ملی نمی‌تواند باشد. بنابراین، هرگونه اقدامی در راستای دگرگونی جنبه‌های زندگی روستایی می‌تواند و باید جزیی از کوشش در جهت ساماندهی عمومی سرزمین بشمار آید.

عباس سعیدی

توسعه روستایی، اهداف

آر. ویتز از جمله پیروان مکتب روهوت است که به نظریه توسعه همه‌جانبه روستایی معروف است. مکتب روهوت، هدف توسعه روستایی را تغییر تدریجی و حتمی از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری می‌داند. در نظر این مکتب، توسعه روستایی به‌مثابه توسعه ملی و رشد کشاورزی، محور توسعه روستایی است. ویژگیهایی که این مکتب برای توسعه روستایی برمی‌شمارد، در واقع عوامل توسعه همه‌جانبه ملی است. الگوی توسعه روستایی ویتز شامل قواعد عمومی زیر است:

- رشد اقتصادی و مزرعه خانوادگی محورهای اساسی توسعه روستایی است؛
- نظام پشتیبانی یک پیش‌نیاز برای توسعه روستایی است؛
- سازماندهی به‌وسیله کشاورزان و برای کشاورزان به انجام می‌رسد؛
- برای توسعه روستایی، صنعتی شدن امری ضروری است؛
- شهرنشینی عامل پیشبرد توسعه روستایی است؛ و
- مشارکت مردمی و سازماندهی دولتی از ضرورت‌های توسعه روستایی است.

فریدمن و ویور، از نظریه‌پردازان بنام، مدافع نظریه توسعه اگرپولیتن هستند؛ این نظریه بر ۳ محور استوار

که به‌ویژه در خلاء برنامه‌های منسجم راهبردی پدیدار می‌گردد، فاصله متزاید فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی بین محیطهای شهری و روستایی است. به عبارت دیگر، علی‌رغم ضرورت حیاتی تحول بنیادین در زمینه‌های فنی و اقتصادی هم در عرصه‌های شهری و هم در محیطهای روستایی در این‌گونه کشورها، به واسطه این واقعیت عام که تحولات فناورانه و دگرگونیهای اقتصادی به مراتب سریع‌تر از تغییرات فرهنگی-اجتماعی تحقق می‌یابند، نه تنها کانونهای روستایی، بلکه مراکز شهری نیز در عمل از مواهب توسعه همه‌جانبه و فراگیر بی‌نصیب می‌مانند، آنچه به‌درستی شایان توجه است، این واقعیت است که امروزه محیطهای روستایی، بیش از هر زمان دیگر، به‌عنوان عرصه‌هایی ناپایدار جلوه‌گر شده‌اند. در مقابل، توسعه راستین و پایدار جوامع انسانی، اعم از روستایی یا شهری، با ابعاد مختلف محیطی، بوم‌شناختی، مادی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، سیاسی و روانشناختی خود، مستلزم توجهی فراگیر و همه‌جانبه است. این واقعیت باور داشتن به این حقیقت را ضروری می‌سازد که مهم‌ترین منبع توسعه انسان است؛ اگر زمینه‌های عینی و امکانات لازم برای برآوردن نیازهای اساسی فراهم آید، همه افراد و گروههای انسانی، از جمله روستائیان، قادر خواهند بود خود را به‌نحوی مولد و مؤثر با محیط پیرامونی در حال تغییر همراه و سازگار سازند. در چنین فرایندی، باید باور داشت، توسعه و تحول اجتماعی روستایی-همچون تحول عمومی تمام جوامع انسانی-محصول توسعه تک‌تک احاد آن اجتماع است. در این ارتباط، بهبود شرایط زندگی و گسترش امکان فعالیت اقتصادی افراد، خانوارها، جماعتها و گروههای هم منفعت در محیطهای روستایی، می‌تواند به معنای توسعه تمامی اجتماع روستایی باشد.

مرز میان نواحی شهری و روستایی معمولاً و به‌طور متعارف، هم از نظر محیطی-اجتماعی و هم از لحاظ تشکیلاتی، به‌صورت خطی فرضی و مشخص در چشم‌انداز معرفی می‌شود. البته، روندهای عینی حاکی از آن است که عوارض و نشانه‌های روستایی و شهری به‌نحو روزافزونی در کنار یکدیگر و به‌صورت توأمان در شهرها و ورای

است:

- همکاری و خودیاری داوطلبانه؛
 - جماعات روستایی یا ناحیه آگروپولیتین؛ و
 - روش توسعه غیرمتمرکز (توسعه پائین به بالا).
- راههای رسیدن به توسعه روستایی که در این رویکرد باید مورد نظر قرار گیرند، عبارتند از:
- افزایش تولید از طریق تنوع فعالیت؛
 - گسترش بازارهای منطقه‌ای و بین منطقه‌ای؛
 - اتکاء بر کیفیت زندگی که محیط زیست را نیز شامل باشد؛ و
 - اصل خوداتکایی و آموزش اجتماعی به معنای اجرای ارزیابیهای گروهی، انتقاد از خود و راههای غیررسمی ارتقاء دانش و تبادل اطلاعات.
- متخصصان برنامه‌ریزی توسعه روستایی را به طرق گوناگون تعریف کرده‌اند. اما اساس این تعاریف را هدف کلی و مقدماتی ایجاد فرصت زندگی مناسب و مطلوب برای اکثریت کم‌درآمد ساکن در نواحی روستایی بر مبنای اتکاء به خود تشکیل می‌دهد. بر این اساس، اهداف برنامه‌ریزی روستایی به طور مشخص به قرار زیر است:
- افزایش تولید و نیروی بهره‌وری؛
 - برابری در دسترسی به فرصتهای کسب درآمد، خدمات عمومی و نهادهای تولیدی؛
 - اشتغال سودمند؛
 - اعتماد به نفس؛ و
 - مشارکت مردم در فرایند برنامه‌ریزی.
- از نظر بانک جهانی اهداف برنامه‌ریزی توسعه روستایی باید با شرایط زیر همراه باشد:
- به منظور بهبود معیارهای زندگی و یا بهزیستی توده مردم با تضمین این مسئله که آنها از اهمیت برخوردارند و نیازهای اساسی آنها همچون غذا، مسکن، پوشاک، آموزش و اشتغال برآورده شود؛
 - بالا بردن بهره‌دهی نواحی روستایی و کاستن از آسیب‌پذیری در قبال خطرات طبیعی، فقر و استثمار و برخوردار ساختن این نواحی از رابطه منفعت‌آمیز متقابل؛
 - تضمین این مسئله که هر فرایند توسعه، خودگردان است
- و با تواناییهای مردم سروکار دارد؛ و
- تضمین حداکثر خودمختاری محلی و کمترین قطع رابطه با رسوم سنتی، خودمختاری محلی که معمولاً به معنی تشویق عدم تمرکز اداری و خودمختاری سیاسی است.
- اوروین در کتاب معروف خود (۱۹۴۴م)، ۴ هدف عمده برای برنامه‌ریزی روستایی، به شرح زیر، مطرح کرده است:
- ایجاد فرصتهای اشتغال در روستا؛
 - بالا بردن سطح زندگی در روستاها؛
 - توجه به عقب‌ماندگی زندگی اقتصادی و اجتماعی روستائیان؛ و
 - جلوگیری از تخریب مناظر زیبا و طبیعی روستا و حفظ زیبایی آن.
- تورن در کتاب مشارکت در برنامه‌ریزی روستا (۱۹۷۰م) نوشته است، برنامه‌ریزی روستایی ۴ هدف مشخص دارد که در ۳ مورد با نظر اوروین تفاوت دارد:
- توجه به توزیع اراضی به طور منطقی، به منظور استفاده‌های کشاورزی، توسعه مسکن، صنعت و سایر موارد؛
 - حفظ زیباییها و خصوصیات مناطق روستایی؛
 - توزیع مجدد جمعیت بین روستاها، به منظور جلوگیری از توسعه نامتعادل تعدادی از روستاها و متروک شدن تعدادی دیگر؛ و
 - جلوگیری از ازدیاد جمعیت روستاها که موجب تغییر شکل و ماهیت آنها می‌شود.
- لسی در کتاب محیط و برنامه‌ریزی روستایی (۱۹۷۷م) برای برنامه‌ریزی روستایی ۷ هدف عمده مشخص به شرح زیر، کرده است:
- حفظ محیط زیست روستا به منظور تداوم بخشیدن به حیات و بقاء منابع طبیعی که مورد بهره‌برداری انسان قرار می‌گیرد؛
 - اختصاص اراضی به بهره‌برداریهای مطلوب و از پیش تعیین شده؛
 - جلوگیری از تخریب مکانهای زیبای طبیعی روستا؛
 - ایجاد و آماده ساختن مؤسسات اجتماعی، اقتصادی و دولتی در روستاها؛
 - ایجاد رفاه ساکنان روستا؛

- فرهنگ، منوچهر. *زندگی اقتصادی ایران*. تهران: انتشارات ابوریحان، ۱۳۵۴.

- Bundes Republik Deutschland. *Richtlinie Über die Gewahrung von Zuwendungen zur Dorferneuerung* (Dorferneuerungsrictlinie), Niedersachsen, 2001.
- Jacoby, H.G. "Access to Markets and the Benefits of Rural Roads", *The Economic Journal*, 110 (July) 2000.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development. Guidelines and Methodology*, New York, 2001.
- United Nations. *The Earth Is Our Habitat*. New York, 1996.

حسین آسایش

توسعه شهری ← برنامه ریزی شهری

توسعه مسکن ← برنامه ریزی مسکن

توسعه یکپارچه روستایی ← توسعه پایدار روستایی، پارادایم

• توجه به ایجاد ساختمانهای جدید مناطق روستایی که این ساختمانها الزاماً باید با محیط طبیعی روستا هماهنگ بوده باشد؛ و

• تهیه طرح هادی در روستا.

با توجه به همه مطالب و تعاریف توسعه و اهداف آن که در بالا به تعدادی از آنها اشاره شد می توان هدف کلی برنامه ریزی توسعه روستایی را ایجاد برابری و تعادل نسبی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، از طریق تهیه و اجرای برنامه ها و طرحها به منظور افزایش درآمد، از بین بردن فقر و تأمین نیازهای اجتماعی، رفاهی و فرهنگی روستائیان دانست. البته تحقق این اهداف و اولویت آنها در روستاهای مختلف، نسبت به وضعیت اجتماعی- اقتصادی آنها، تا حدودی متفاوت است.

با نگاهی گذرا به مباحث پیشین، اهداف توسعه روستایی در ایران می تواند شامل محورهای زیر باشد:

- افزایش تولید و بهره وری؛
- ایجاد اشتغال سودمند؛
- دسترسی به خدمات اجتماعی و زیربنایی به منظور تأمین رفاه عمومی و عمران محیط روستایی؛
- ایجاد تعادل نسبی بین مناطق شهری و روستایی به لحاظ امکانات و فرصتهای اقتصادی و اجتماعی؛
- گسترش مشارکت مردم در فرایند توسعه؛ و
- اعتلای فرهنگی و ریشه کنی بیسوادی.

کتاب شناسی:

- رضانی، غلامرضا. *طرح و برنامه ریزی در روستاهای ایران*. تهران: انتشارات کانون پژوهشهای علمی و اجتماعی، ۱۳۵۲.
- سعیدی، عباس. «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی- شهری (یک بررسی ادراکی)»، *جغرافیا* (نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۲ (چاپ ۱۳۸۴).
- سعیدی، عباس. *روندهای مکان گزینی و الگوهای مکانیایی سکونتگاههای روستایی*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر برنامه ریزی و هماهنگی طرحها، آذرماه ۱۳۸۵.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- شفیق، مسعود. *عمران روستایی در ایران*. سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۵۸.

